تفسیر نور

تالیف

حجة الاسلام والمسلمین

حاج شیخ محسن قرائتی

جلد دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر نور طبع قدیم

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر نور طبع قدیم جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : تفسیر نور / تالیف محسن قرائتی.

وضعیت ویراست : ویراست۲.

مشخصات نشر : تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷-

مشخصات ظاهری : ۱۰ ج.

فروست : کتاب سال جمهوری اسلامی ایران؛ ۷۶.

شابک : دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۱۰-۱ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۱: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۰-۲ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال:ج.۲: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۱-۹ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال (ج.۲ ، چاپ چهارم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۳: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۲-۶ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۴: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۳-۳ ؛ ۶۰۰۰۰ریال(ج.۴،چاپ چهارم) ؛ ج.۵: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۴-۰ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال (ج.۵ ، چاپ چهارم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۶: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۵-۷ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال (ج.۶، چاپ دوم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۶، چاپ سوم: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۱۰-۱ ؛ ۷۰۰۰۰ریال (ج.۶، چاپ ششم) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال: ج.۶،چاپ شانزدهم ۹۶۴-۵۶۵۲-۱۸-۹ : ؛ ۶۰۰۰۰ ریال: ج.۷: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۶-۴ ؛ ۶۵۰۰۰ ریال(ج.۷، چاپ پنجم) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج.۷، چاپ چهاردهم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۸: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۷-۱ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال(ج.۸، چاپ دوم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال (ج.۸، چاپ ششم) ؛ ۴۰۰۰۰ ریال (ج. ۸، چاپ چهاردهم) ؛ ج.۹: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۸-۸ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال(ج.۹، چاپ سوم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال (ج.۹، چاپ ششم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۱۰: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۹-۵ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال(ج.۱۰،چاپ دوم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال(ج.۱۰، چاپ ششم)

یادداشت : چاپ قبلی: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۵(۱۲ ج.).

یادداشت : ج.۱ -۴، ۶- ۸ (چاپ اول: ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۲ و ۵ (چاپ چهارم : بهار ۱۳۸۹).

یادداشت : ج.۴ (چاپ چهارم: بهار ۱۳۸۹)

یادداشت : ج.۶ و ۹ (چاپ سوم:زمستان ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۶ (چاپ دوم: ۱۳۸۸).

یادداشت : ج. ۶ (چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۰).

یادداشت : ج.۶ (چاپ شانزدهم: بهار ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۶ (چاپ هشتم : ۱۳۹۱).

یادداشت : ج. ۷ (چاپ پنجم: ۱۳۸۹).

یادداشت : ج.۷ (چاپ چهاردهم: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۸ (چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۰).

یادداشت : ج. ۸ (چاپ چهاردهم: تابستان ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۸ و ۱۰ (چاپ دوم : ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۹ (چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۰).

یادداشت : ج.۱۰ (چاپ ششم: ۱۳۹۰).

یادداشت : عنوان دیگر: تفسیر نور: شیوه ای نو در ارایه آسان و روان پیام های آیات.

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱. سورههای (۱ تا ۳) حمـد، بقره و آل عمران.- ج.۲.سوره های (۴تا۶) نساء،مائده و انعام.- ج.۴.سوره های (۱۱تا۱۶) هود،یوسف،رعد،ابراهیم،حجر و نحل.- ج.۵.سوره های (۱۷-۲۱) اسراء،کهف،مریم،طه و انبیاء.- ج.۶.سوره های(۲۲ تا ۲۷) حج،مومنون،نور،فرقان، شعراء و نحل.- ج.۷. سوره های (۲۸ تا ۳۶) قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، احزاب، سبا، فاطر و یس.- ج.۸. سوره های (۳۷ تا ۴۵) صافات، ص، زمر، غافر، شوری، زخرف، دخان و جاثیه.- ج.۹.سوره های(۴۶ تا ۶۱) احقاف، محمد، فتح، حجرات، ق، ذاریات، طور، نجم.....-ج.۱۰.جمعه،منافقون الی فلق،ناس.

عنوان دیگر : تفسیر نور: شیوه ای نو در ارایه آسان و روان پیام های آیات.

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : BP۹۸/ق۳۵ت۷ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۰۸۱۲۴

اشاره

مقدّمه ناشر

اشاره

انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی قدس سره و حضور ملّت مسلمان و مبارزات شهدای گرانقدر قبل و بعد از پیروزی،زمینهٔ رشد و ترویج فرهنگ اسلامی و خصوصاً قرآن کریم را فراهم آورد.در این راستا دانشمندان درد آشنای حوزه های علمیّه،با تألیف کتب مناسب در جهت تبلیغ دین گام های بسیاری برداشتند.

کتاب حاضر که بخشی از مجموعه دوازده جلدی«تفسیر نور»می باشد،در جهت مهجوریت زدایی از قرآن و ارائه پیام های انسان ساز کلام الهی به شیوه ای نو و قلمی شیوا،توسط حجّت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی به رشته تحریر درآمده است که در سال ۷۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرّفی گردید.

بدنبال چاپ اوّلین مجلدات این تفسیر،نظرات و پیشنهادات بسیاری از سوی فضلای حوزه و دانشگاه طرح گردید که بیانگر علاقه و توجّه قشر فرهنگی جامعه،به شناخت مفاهیم قرآن کریم از طریق این شیوه می باشد.

اکنون به جهت آشنایی با شیوه ی کار و چگونگی ارائه تفسیر نور،این موارد به اختصار بیان می شود که خود نیز می تواند راهگشای طلاب جوان در جهت فعالیّت های تفسیری باشد.

شیوه کار

پس از انتخاب حد اقل دوازده تفسیر معتبر از مفسّران شیعه و اهل سنّت،از قدما و معاصران،چند تن از طلاب فاضل با مطالعه دقیق آنها،به استخراج نکات و برداشت های تفسیری آنها پرداخته و به صورت مکتوب آن را در اختیار مؤلّف قرار می دهند.

ایشان ضمن مطالعه ی آن مطالب،خود نیز به تحقیق و تتبع پرداخته و با توجّه به نیازهای دینی جامعه،پیام های راهبردی قرآن را برای نسل امروز که تشنه ی دریافت مفاهیم قرآنی هستند،در قالب نکات و پیام های آیه،با نثری ساده و روان ارائه می دهند.البتّه در برخی موارد نیز برداشت های خود را مورد بحث و تبادل نظر با برخی بزرگان حوزه قرار می دهند.

نوشته های ایشان پس از ارائه در برنامه آینه وحی رادیو،ویراستاری شده و قبل از چاپ یک بار دیگر توسط خودشان مورد بازبینی نهایی قرار می گیرد.

شیوه ارائه

مطالب هر آیه در قالب ۵ عنوان ارائه می گردد:

۱ متن آیه،که با رسم الخط عثمان طه و با اعراب کامل،تایپ و چندین بار مورد دقّت قرار گرفته است.

۲ ترجمه هر آیه،که به صورت گروهی و زیر نظر مؤلّف محترم و با استفاده از بهترین ترجمه های موجود،(حد اقل ۶ ترجمه)نگارش یافته و به جهت گویایی و روانی آن،مطالب توضیحی مورد لزوم در میان پرانتز آمده است.

۳ نکته ها،که امور زیر در این قالب عرضه گردیده است:

الف:بیان ریشه و ترجمه ی لغات مشکل آیه.

ب:بیان شأن نزول آیه که در فهم محتوای آیه نقش کلیدی داشته است.

ج:بیان آیات مرتبط با آیه که در فهم موضوعی قرآن تأثیر به سزایی دارد.

د:بیان روایات ذیل آیه،که در این بخش با توجّه به گستردگی روایات،تنها به ذکر نمونه هایی بسنده شده است.

ه:بیان برخی توضیحات برای روشن تر شدن مفهوم آیه.

و:طرح برخی پرسش ها و پاسخ گویی به آنها.

۴ پیام ها،که مقصود اصلی مؤلّف از این تفسیر همین بخش بوده است تا نشان دهد قرآن کتاب زندگی بشر در همه ی عصرها و برای همه نسل هاست.البته مستند برداشت های مؤلّف،چنان که در پایان هر پیام آمده است یکی از امور زیر می باشد:

الف:مفردات کلمات هر آیه.

ب:عبارتی مرکّب از چند کلمه.

ج:رابطه ی صدر و ذیل آیه.

د:رابطه ی هر آیه با آیات قبل.

۵ پاورقی که نشانی آیات و روایات و کتب تفسیری را باختصار آورده است.همچنین مطالبی مربوط به آیه که در قالب نکته ها و پیام ها نمی گنجیده،در پاورقی ذکر شده است.

تذکّرات لازم:

۱ گاهی تعداد نکته ها و پیام های یک آیه،از یک مورد تجاوز نکرده است که به جهت حفظ قالب کار،بازهم عنوان نکته ها و پیام ها به صورت جمع آمده است.

۲ در مورد کتب تفسیری،هر جا که مراد،مطالب آن تفسیر در ذیل آیه بوده است،نشانی جلد و صفحه ذکر نشده است.

در پایان از زحمات آقایان سیّد جواد بهشتی،رحمت جعفری،حسن دهشیری و محمود متوسل که در تتبّع و بررسی تفاسیر و آقای علی محمّد متوسلی که در امر مقابله و تصحیح نهایی این جلد نهایت همکاری را داشته اند صمیمانه تشکّر می گردد.

و همچنین اعلام می داریم:با همه ی تلاش هایی که در جهت حفظ اصول و قواعد فوق و تصحیح اغلاط تایپی صورت گرفته است،یقیناً نواقص و کاستی هایی در عرضه این تفسیر وجود دارد که امیدواریم همچون گذشته خوانندگان گرامی بذل محبّت نموده و با ارسال نظرات و پیشنهادات خود،به نشانی:تهران صندوق پستی ۱۴۱۸۵/۵۸۶ ما را در جهت اصلاح و تکمیل آن یاری نمایند و پیشاپیش سپاس ما را پذیرا باشند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

مقدّمه مؤلّف

در سال ۱۳۷۸ که برای تجدید چاپ جلد اوّل«تفسیر نور»توسط«مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن»یک بار دیگر آن را با دقّت مطالعه کردم،مطالبی را حذف یا ادغام نموده و مطالب جدیدی را که خداوند به ذهنم انداخت و یا از«تفسیر راهنما»و«نخبه التفاسیر»استفاده می شد به مطالب قبلی اضافه کردم.

در یک لحظه به فکر فرو رفتم،نوشته ای را که بعد از دو سه سال به دست خودم تغییر می دهم،اگر به قیامت برسد و از نظر اولیای خدا و فرشتگان و از همه بالاتر خداوند بگذرد چقدر تغییر خواهد کرد.تازه این اصلاحات و تغییرات به شرطی مفید است که اصل کار با ریا و سُمعه و عُجب،حبط و باطل نشده باشد.

به هر حال زحمت ها کشیدم،ولی نمی دانم حتّی یک صفحه ی آن در قیامت سبب نجاتم خواهد شد یا نه! البتّه قرآن نور است و نقص از کار و نوشته های ماست.به هر حال به لطف خداوند امیدوارم تا همانگونه که در گلستان،خاک به گل تبدیل می شود،در سایه ی آیات نورانی قرآن، نوشته های ما نیز به نور تبدیل گردد.

اللّهم آمین محسن قرائتی ۷۸/۴/۶

ص :۶

[تفسیر سوره آل عمران]

سیمای سوره آل عمران

سوره آل عمران دارای دویست آیه است و آیات آن از یک نظام و هماهنگی خاصّی برخوردارند.این سوره در مدینه نازل شد و نزول آن زمانی بود که ندای دعوت اسلام در جهان آن روز بلند و دشمنان حساس و گوش به زنگ شده بودند.

چنان که در تفسیر المیزان آمده است،عدّه ای از مسیحیان منطقه ی نجرانِ یمن،برای شنیدن سخنان پیامبر به مدینه آمدند که هشتاد و چند آیه اوّل این سوره برای توضیح معارف اسلام به آنان یک جا نازل گردید و با ماجرای مباهله به انجام رسید.

همچنین ماجرای جنگ احد و دعوت مسلمانان به صبر و پایداری،در این سوره مطرح شده است.نام این سوره بر اساس آیات ۳۳ و ۳۵ آن می باشد که ماجرای تولّد مریم فرزند عِمران را بیان می دارد.لذا مراد از آل عمران در این سوره،حضرت مریم علیها السلام و حضرت عیسی علیه السلام می باشند،گرچه نام پدر حضرت موسی نیز،عمران بوده است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱]

اشاره

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِیمِlt;br/gt;الم (۱)

الف لام میم

نکته ها:

در جلد اوّل تفسیر،درباره ی آیه «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ» گفته شد که از جایگاه خاصّی برخوردار و خود آیه ای مستقل است.گفتن آن در اوّل هر کار سفارش شده و تکرار آن در ابتدای هر سوره،نشانه ی اهمیّت آن است. «بِسْمِ اللّٰهِ» مخصوص اسلام نیست و پیامبران دیگر نیز این آیه را با همین عبارت بکار برده اند.اینکه «بِسْمِ اللّٰهِ» با حرف«باء»شروع شده که به معنای استمداد و کمک خواهی است، نشانه ی آن است که بدون خواست و اراده او هیچ کاری صورت نمی گیرد.

استعانت از خدا،یعنی کمک گرفتن از تمام صفات او.او رحمن و رحیم است و چشم امید ما به رحمت اوست،رحمتی گسترده و عمومی برای این جهان و آن جهان.آری! دیگران یا رحم ندارند و یا رحمشان محدود به افراد خاص و یا زمان و مکان خاصّی است و هدفشان از رحم کردن بازگشت آن است،نظیر علفی که به حیوان یا دانه ای که به مرغ می دهند تا از او بهره مند شوند.رحمتی گسترده و ابدی برای همه بدون قصد بازگشت مخصوص خداوند است.پس از چنین خدای رحمن و رحیمی استمداد کنیم و بگوییم:« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ» چنان که در سوره ی بقره ذکر شد «الم» از حروف مقطعه است.شاید مشهورترین

ص: ۱۰

و بهترین نظر درباره حروف مقطعه همین باشد که بگوییم رمزی است میان خدا و پیامبرش. (۱)و یا اعلام این موضوع باشد که قرآن،کلام الهی نیز از همین حروف الفبا تألیف یافته،ولی با این حال معجزه است.اگر شما هم می توانید از همین حروف،کتابی همچون قرآن بیاورید.همان گونه که قدرت الهی از خاک،انسان می آفریند ولی بشر از خاک،سفال و آجر و کوزه می سازد.این تفاوت قدرت الهی با قدرت بشری است.

حروف مقطّعه «الم» در ابتدای شش سوره بقره،آل عمران،عنکبوت،روم، لقمان و سجده آمده است.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲]

اشاره

اَللّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ اَلْحَیُّ اَلْقَیُّومُ (۲)

خداوند که معبودی جز او نیست،زنده و پاینده است.

نکته ها:

« اَلْقَیُّومُ »به کسی گفته می شود که خود به دیگری تکیه نداشته باشد،ولی دیگران به او تکیه دارند و یا قوام بخش همه چیز است.

خداوند در آفریدن،تدبیر و تسلّط کامل دارد.عوامل و اسباب مادّی وسیله ی پیدایش می شوند،ولی مستقل نیستند و سبب بودنشان از خودشان نیست.

موجودات دیگر،علم،حیات و قدرت مستقلّی ندارند.تنها او زنده ای است که زندگی هر موجود زنده وابسته به اوست.

در دعای جوشن کبیر می خوانیم:او قبل از هر زنده ای زنده و بعد از هر زنده ای زنده است.هیچ زنده ای شریک او نیست و به کسی نیاز ندارد.جان همه ی زنده ها و رزق آنها به دست اوست.او زنده ای است که زنده بودن خود را از کسی ارث نبرده است.

۱- ۱) .امام صادق علیه السلام فرمودند:«الم»در اوّل سوره آل عمران،رمز این جمله است:«انا اللّه المجید»یعنی منم خدای مجید.تفسیر نور الثقلین،ج ۱،ص ۳۰۹.

پیام ها:

۱ توحید،سرلوحه ی کتب آسمانی است. «لا إِلهَ إِلاّ هُوَ» ۲ شرط معبود شدن،داشتن کمالات ذاتی است و تنها خداوند است که قائم به ذات خویش و بی نیاز مطلق است. «الْحَیُّ الْقَیُّومُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳]

اشاره

نَزَّلَ عَلَیْکَ اَلْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ وَ أَنْزَلَ اَلتَّوْراهَ وَ اَلْإِنْجِیلَ (۳)

او کتاب را به حقّ بر تو نازل کرد،که تصدیق کننده کتاب های پیشین است و (او بود که)تورات و انجیل را فرو فرستاد.

نکته ها:

کلمه ی«تورات»،در زبان عِبری به معنای شریعت و قانون است.تورات کنونی دارای پنج بخش به نام های:۱ سِفر پیدایش ۲ سِفر خروج ۳ سِفر لاویان ۴ سِفر اعداد ۵ سِفر تثنیه می باشد.از آنجایی که در تورات شرح وفات و دفن حضرت موسی علیه السلام مطرح شده،معلوم می شود که این مطالب بعد از حضرت موسی جمع آوری شده است.

کلمه ی«انجیل»،ریشه یونانی دارد و به معنای بشارت است.انجیل نام کتاب مسیحیان است و قرآن هر کجا از آن نام برده،به صورت مفرد بیان کرده است، ولی امروزه در میان مسیحیان اناجیل متعدّد وجود دارد که همه پس از حضرت عیسی علیه السلام و بدست یاران و پیروان او نوشته شده اند.این اناجیل که به نام خود آنان معروف است،عبارتند از:ا انجیل مَتّی.۲ انجیل مرقس.۳ انجیل لوقا.

۴ انجیل یوحنّا.

پیام ها:

۱ آمدن کتب آسمانی،جلوه ای از قیّومیّت خداست. «الْقَیُّومُ نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ»

ص: ۱۲

۲ نزول قرآن بر پیامبر،مربوط به شخصیّت او و تکریم خداوند از اوست. «نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتٰابَ» کلمه« عَلَیْکَ »مقدّم بر کلمه« اَلْکِتٰابَ »است.

۳ قرآن از هر گونه باطلی مصونیّت داشته و منطبق با حقیقت است. «بِالْحَقِّ» ۴ کتاب های آسمانی انبیا،مؤیّد یکدیگرند. «مُصَدِّقاً لِمٰا بَیْنَ یَدَیْهِ» ۵ تصدیق کتب آسمانی پیشین،عاملی برای وحدت خداپرستان و یکی از شیوه های دعوت دیگران است. «مُصَدِّقاً» ۶ تصدیق قرآن نسبت به تورات و انجیل،حقّی بزرگ بر ادیان سابق است،و گرنه با خرافاتی که وارد تورات و انجیل شده،آسمانی بودن آنها به کلّی فراموش می شد. «مُصَدِّقاً» ۷ با آنکه مراحل تربیت الهی،ابزار و دستور العمل های آن در هر زمان و شرایط متفاوت بوده اند،ولی از آهنگ تکاملی و وحدت در هدف برخوردارند. «مُصَدِّقاً»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴]

اشاره

مِنْ قَبْلُ هُدیً لِلنّٰاسِ وَ أَنْزَلَ اَلْفُرْقٰانَ إِنَّ اَلَّذِینَ کَفَرُوا بِآیٰاتِ اَللّٰهِ لَهُمْ عَذٰابٌ شَدِیدٌ وَ اَللّٰهُ عَزِیزٌ ذُو اِنْتِقٰامٍ (۴)

او پیش از این(تورات و انجیل را)برای هدایت مردم(فرو فرستاد)و اینک فرقان را(که وسیله ی تمیز حقّ از باطل است)نازل کرد،البتّه برای کسانی که به آیات الهی کفر ورزند،عذاب شدیدی است و خداوند شکست ناپذیر صاحب انتقام است.

نکته ها:

یکی از نام های قرآن،فرقان است.فرقان،یعنی آنچه مایه ی افتراق،جدایی و فرق گذاشتن است.از آنجا که راه تشخیص حقّ از باطل،در همه امور قرآن می باشد،لذا به آن فرقان گفته شده است.

عذاب شدید مخصوص آخرت نیست.در این آیه نفرموده که عذاب کفّار مربوط به آخرت است،زیرا گاهی سرگرمی و حرص بر اندوختن مال و غفلت از خداوند

و معنویات خود عذاب است.در آیه ۸۵ سوره توبه می فرماید:خداوند به گروهی مال و اولاد می دهد تا بدان ها عذابشان کند.

امام صادق علیه السلام درباره ی «أَنْزَلَ الْفُرْقانَ» فرمودند:هر امر محکم،فرقان است و کتاب در «أَنْزَلَ الْکِتابَ» ،مجموع قرآن است. (۱)

پیام ها:

۱ هدایت مردم،یک سنّت همیشگی الهی بوده است. «مِنْ قَبْلُ» ۲ مخاطب کتب آسمانی،عموم مردم هستند،نه قبیله و نژاد خاص. «لِلنّاسِ» ۳ قرآن،وسیله ی شناخت حقّ از باطل است. «وَ أَنْزَلَ الْفُرْقانَ» ۴ هر کجا میان سلیقه ها،افکار و عقاید به هر نحو دچار تحیّر شدیم،حرف آخر از آن قرآن است.(حتّی اگر در میان روایات نیز دچار حیرت شدیم،باید به حدیثی توجّه کنیم که مطابق با قرآن باشد.) «الْفُرْقانَ» ۵ بعد از نزول آن همه کتاب و اسباب هدایت،جزای شخص لجوج عذاب شدید است. «عَذابٌ شَدِیدٌ» ۶ عذاب الهی،پس از اتمام حجّت بر مردم است. هُدیً لِلنّاسِ اَلَّذِینَ کَفَرُوا لَهُمْ عَذابٌ شَدِیدٌ» ۷ این آیه مایه ی دلگرمی و تسلیت خاطر پیامبر و مؤمنان است که خداوند به حساب کفّار سرسخت می رسد. «عَزِیزٌ ذُو انْتِقامٍ» ۸ سرچشمه کیفر و انتقام او،عملکرد ماست،و گر نه او عزیزی است که هیچ کمبودی ندارد. «عَزِیزٌ ذُو انْتِقامٍ» ۹ کفر مردم در خداوند اثری ندارد. «کَفَرُوا» ، «وَ اللّهُ عَزِیزٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵]

اشاره

إِنَّ اَللّهَ لا یَخْفیٰ عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی اَلْأَرْضِ وَ لا فِی اَلسَّماءِ (۵)

۱- ۱) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۱۶۲.

همانا هیچ چیز،نه در زمین و نه در آسمان،بر خداوند پوشیده نمی ماند.

نکته ها:

در چند آیه ی قبل،سخن از قیّوم بودن خداوند بود.در این آیه،آشکار بودن همه چیز برای او مطرح شده،که جلوه ای از قیّومیّت اوست.

پیام ها:

۱ خداوند بر همه چیز آگاه است.ما و همه ی هستی هر لحظه در محضر خدا هستیم،در محضر او گناه نکنیم.با توجّه به آیه قبل،استفاده می شود که کفر و معصیتِ هیچ کس بر خدا پوشیده نیست. «کَفَرُوا» ، «لاٰ یَخْفیٰ عَلَیْهِ شَیْءٌ» ۲ تعدّد افراد،تعدّد اعمال،تعدّد مکان ها و زمان ها هیچ کدام مسأله ای را بر خداوند پنهان نمی سازد. «فِی الْأَرْضِ وَ لاٰ فِی السَّمٰاءِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶]

اشاره

هُوَ اَلَّذِی یُصَوِّرُکُمْ فِی اَلْأَرْحٰامِ کَیْفَ یَشٰاءُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ اَلْعَزِیزُ اَلْحَکِیمُ (۶)

او کسی است که شما را آن گونه که می خواهد در رحم ها صورت می دهد.جز او که مقتدر حکیم است،معبودی نیست.

نکته ها:

شکل گیری جنین در رحم،نشانه ی دیگری از قیّوم بودن خداوند است که در آیات قبل خواندیم.

موضوع صورت گیری انسان در رحم مادر،در میان دو آیه ی نزول کتاب آمده است،شاید رمز این باشد که خدایی که در رحم مادر به شما سر و سامان می دهد،با تشریع قوانین الهی و ارسال کتب آسمانی،به رشد آینده و ابدی شما نیز سامان می بخشد.

تأثیر هر یک از عوامل وراثتی،بهداشتی،غذایی و یا روانی در شکل گیری صورت

و جسم افراد نیز از سنّت های الهی و در مدار قدرت و تدبیر و حکمت اوست.

پیام ها:

۱ منشأ تکوین و تشریع یکی است.آن که برای هدایت شما کتاب فرستاده، همان است که شما را آفریده است. «هُدیً لِلنّاسِ» ، «یُصَوِّرُکُمْ» ۲ صورت گری انسان در رحم مادر،تنها بدست اوست. «هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُکُمْ» ۳ اکنون که صورت بندی ها به دست اوست،یکدیگر را به خاطر شکل و قیافه سرزنش نکنیم. «هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُکُمْ» ۴ قدرت نمایی او محدود به مکان و زمان خاصّی نیست. «یُصَوِّرُکُمْ فِی الْأَرْحامِ» ۵ تفکّر در آفرینش خود،عامل ایمان به خداوند است. «یُصَوِّرُکُمْ» ، «لا إِلهَ إِلاّ هُوَ» ۶ گرچه خداوند به هر کاری قادر است؛ «کَیْفَ یَشاءُ» ولی کاری بر خلاف حکمت نمی کند. «هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ» ۷ صورت های گوناگون افراد بشر،نشانه ی قدرت و حکمت اوست. «یُصَوِّرُکُمْ» «الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷]

اشاره

هُوَ اَلَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ اَلْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ اَلْکِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا اَلَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ اِبْتِغاءَ اَلْفِتْنَهِ وَ اِبْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اَللّهُ وَ اَلرّاسِخُونَ فِی اَلْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ ما یَذَّکَّرُ إِلاّ أُولُوا اَلْأَلْبابِ (۷)

او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد.بخشی از آن،آیات محکم(روشن و صریح)است که اصل و اساس این کتاب را تشکیل می دهد.(و هر گونه ابهامی در آیات دیگر،با مراجعه به این محکمات روشن می شود)و بخشی از آن،آیات متشابه است(که احتمالات مختلفی در معنای آیه می رود،ولی با

توجه به آیات محکم،تفسیر آنها روشن می شود.)امّا کسانی که در دلهایشان انحراف است،به جهت ایجاد فتنه(و گمراه کردن مردم)و نیز به جهت تفسیر آیه به دلخواه خود،به سراغ آیات متشابه می روند،در حالی که تفسیر این آیات را جز خداوند و راسخان در علم نمی دانند.آنان که می گویند:ما به آن ایمان آورده ایم همه ی آیات از طرف پروردگار ماست(خواه محکم باشد یا متشابه)و جز خردمندان پند نگیرند.

نکته ها:

در این آیه،چند سؤال مطرح است:

سؤال:قرآن در یک جا همه ی آیات خود را محکم دانسته و فرموده: «کِتٰابٌ أُحْکِمَتْ آیٰاتُهُ» (۱)و در جای دیگر همه را متشابه دانسته و فرموده: «کِتٰاباً مُتَشٰابِهاً» (۲)ولی در این آیه بعضی را محکم و بعضی را متشابه معرّفی نموده است،مسأله چیست؟ پاسخ:آنجا که فرمود:تمام آیاتِ قرآن محکم است،یعنی سخن سست و بی اساس در هیچ آیه ای نیست و آنجا که فرمود:همه ی آیات متشابه هستند،یعنی سیستم و آهنگ آیات قرآن،هماهنگ،یک نواخت و شبیه بهم است.

اما با این حال،از نظر فهم مردم همه ی آیات یکسان نیستند،بعضی صریح و روشن و همه کس فهم،ولی بعضی دارای معانی بلند و پیچیده اند که همین امر موجب شبهه و اشتباه آنان می گردد.

سؤال:چرا در قرآن آیات متشابه به کار رفته است؟ پاسخ:اوّلاً:وجود آیات متشابه زمینه ی فکر و تدبّر در آیات است.

ثانیاً:موجب رجوع مردم به رهبران آسمانی می شود.آری،اگر همه ی درس آسان باشد،شاگرد احساس نیاز به استاد نمی کند.

ثالثاً:متشابهات وسیله آزمایش مردم است.گروهی کژاندیش،از لابلای آنها به سراغ

۱- ۱) .هود،۱.

۲- ۲) .زمر،۲۳.

اهداف شوم خود می روند و گروهی اندیشمند،به فرموده امام رضا علیه السلام با مراجعه به محکمات،معنای صحیح آیات را کشف می نمایند. (۱)

سؤال:نمونه آیات متشابه کدام است؟ پاسخ:در قرآن می خوانیم: «إِلی رَبِّها ناظِرَةٌ» (۲)در قیامت،چشم ها به پروردگارشان می نگرند.چون عقل سلیم،جسم بودن را برای خداوند محال می داند و در آیات دیگر قرآن نیز می خوانیم: «لا تُدْرِکُهُ الْأَبْصارُ» (۳)چشمها او را درک نمی کنند،لذا می فهمیم که مراد از نگاه به پروردگار،نگاه به لطف و پاداش او در قیامت است.

همچنین مراد از«دست خدا»در آیه ی «یَدُ اللّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ» قدرت اوست،چنان که در فارسی نیز می گوییم:فلانی در فلان شهر یا اداره دست دارد،یعنی قدرت دارد.

و گر نه خداوند که جسم نیست تا دست و پا داشته باشد.قرآن نیز می فرماید:

«لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ» (۴)او همانندی ندارد.

این گونه آیات،سبب انحراف ساده اندیشانی شده که به آیات دیگر توجّه ندارند و از مفسّران واقعی یعنی اهل بیت پیامبر علیهم السلام جدا افتاده اند و شاید به جهت همین خطرات باشد که قرآن،خود به ما سفارش نموده است هنگام قرائت قرآن از شرّ شیطان به خداوند پناه ببرید. «فَإِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ» (۵)سؤال:تأویل قرآن به چه معناست؟ پاسخ:مراد از تأویل،اهداف و معارف و اسرار پشت پرده ای است که بعد روشن می شود.نظیر تعبیر خوابی که حضرت یوسف دید و بعد روشن شد و یا اسراری که در شکستن کشتی توسط خضر و موسی بود که بعد روشن شد.

در روایات می خوانیم:آیات ناسخ،از محکمات و آیات منسوخ از متشابهات قرآن است و ائمه معصومین علیهم السلام مصداق بارز راسخون در علم هستند. (۶)

۱- ۱) .«من ردّ متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقم».بحار،ج ۲،ص ۱۸۵.

۲- ۲) .قیامه،۲۳.

۳- ۳) .انعام،۱۰۳.

۴- ۴) .شورا،۱۱.

۵- ۵) .نحل،۹۸.

۶- ۶) .تفسیر نور الثقلین.

هم چنان که خروج کنندگان بر حاکم اسلامی،کج اندیشانی هستند که به دنبال آیات متشابه می روند. (۱)

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه (۲)از راسخان در علم ستایش می کند.آنان که به عجز علمی خود اعتراف دارند و از تعمق در چیزی که ضرورتی ندارد دست باز می دارند.

پیام ها:

۱ هر کس همه ی آیات را نمی فهمد. «وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ» ۲ قلب هـای منحرف،منشأ فساد و فتنه است. «فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ» ۳ فتنه،تنهـا آشوب نظـامی و فیزیکی نیست،تفسـیر به رأی و تحریفِ فرهنـگ و معـانی آیات،نیز فتنه است. «ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ» ۴ گاهی حقّ دستاویز باطل می شود. «ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ» ۵ هدف نهایی و مقصد اعلای آیات الهی را تنها خدا و راسـخان در علم می داننـد. «وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اللّهُ وَ الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» ۶ نام راسـخان در علم در کنار نام مقـدّس خداوند آمـده و مقامشـان بعـد از مقام الهی است. «وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اللّهُ وَ الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» ۷ علم،درجـاتی دارد که بالاترین آن آشـنا شدن به تأویل و رسیدن به هدف نهایی است. «وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اللّهُ وَ الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» ۸ عالمان واقعی بی تکبرند. «وَ الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنّا بِهِ» ۹ گرایش به باطـل،مـانع از رسوخ علم است. «الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» در برابر «فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ» قرار داده شده است.

۱۰ هر چه را نمی فهمیم انکار نکنیم. «کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا»

ص: ۱۹

۱- ۱) .تفسیر درّ المنثور،ج ۲،ص ۱۴۸.

۲- ۲) .نهج البلاغه،خطبه ۹۱.

۱۱ نزول آیات محکم و متشابه،در مسیر تربیت است. «کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۸]

اشاره

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ اَلْوَهّابُ (۸)

(راسخان در علم می گویند:)پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی،دلهای ما را به باطل مایل مگردان و از سوی خود ما را رحمتی ببخش.به راستی که تو خود بسیار بخشنده ای.

پیام ها:

۱ به علم و دانش خود مغرور نشویم،از خداوند هدایت بخواهیم. «رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا...» ۲ نشانه ی علم واقعی و رسوخ در علم،توجّه به خدا و استمداد از اوست. «إِلاَّ اللّهُ وَ الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» ، «رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا» ۳ محور هدایت و گمراهی،قلب و افکار انسانی است. «لا تُزِغْ قُلُوبَنا» ۴ در خط قرار گرفتن خیلی مهم نیست،از خط خارج نشدن بسیار اهمیّت دارد.

«بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا...»

۵ هدیه و هبه ی دائمی و بی منّت،مخصوص اوست. «إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹]

اشاره

رَبَّنا إِنَّكَ جامِعُ اَلنّاسِ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اَللّهَ لا يُخْلِفُ اَلْمِيعادَ (۹)

(راسخان علم در ادامه دعا گویند:)پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گرد آوری.همانا خداوند وعده ی خود را تخلّف نمی کند.

نکته ها:

کسی که به قیامت ایمان دارد؛ «لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ» نگران بد عاقبت شدن خود می شود و از خداوند استمداد می کند.

منشأ خُلف وعده،غفلت،عجز،ترس،جهل و یا پشیمانی است که هیچ کدام از

اینها در ذات مقدّس الهی راه ندارد. «لاّ یُخْلِفُ الْمِیعٰادَ»

پیام ها:

۱ راسخان در علم،به آینده و قیامت چشم دوخته اند. «إِنَّکَ جٰامِعُ النّٰاسِ لِیَوْمٍ...» ۲ توجّه به حالات روحی در دنیا؛ «لاٰ تُزِغْ قُلُوبَنٰا» و پاسخگویی به اعمال در آخرت،نشانه ی دانشمندان واقعی است. «لِیَوْمٍ لاٰ رَیْبَ فِیهِ» ۳ روز قیامت،هم روز جمع است که مردم یک جا برای حسابرسی جمع می شوند؛ «جٰامِعُ النّٰاسِ» و هم روز فصل است که بعد از محاکمه،هر یک جداگانه به جایگاه خود می روند. «إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ کٰانَ مِیقٰاتاً» (۱)۴ راسخان در علم به قیامت یقین دارند، «لاٰ رَیْبَ فِیهِ» چون به وفای خداوند یقین دارند. «لاٰ یُخْلِفُ الْمِیعٰادَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ کَفَرُوا لَنْ تُغْنِیَ عَنْهُمْ أَمْوٰالُهُمْ وَ لاٰ أَوْلاٰدُهُمْ مِنَ اَللّٰهِ شَیْئاً وَ أُولٰئِکَ هُمْ وَقُودُ اَلنّٰارِ (۱۰)

همانا کسانی که کفر ورزیدند،نه اموالشان و نه فرزندانشان در برابر(عذاب) خدا(در قیامت)هیچ به کارشان نمی آید و آنان خود هیزم و سوخت آتشند.

نکته ها:

« وَقُودُ »به معنای مادّه ی سوختنی است.وسیله ی آتش زایی دوزخ دو چیز است:

سنگ ها و انسان ها؛ «وَقُودُهَا النّٰاسُ وَ الْحِجٰارَةُ» (۲)خصلت ها و افکار و اعمال،هویّت انسان را دگرگون می کند و انسان به سوخت آتش تبدیل و خود عامل سوختن خود می شود.

غیر او هیچ کس،نه در دنیا و نه در آخرت،نیازهای واقعی انسان را تأمین نمی کند و انسان در هر حال به او نیازمند است.

ص: ۲۱

۱- ۱) .نبأ،۱۷.

۲- ۲) .بقره،۲۴.

پیام ها:

۱ بـه مـال و فرزنـد مغرور نشوید.دلبسـتگی بـه غیر خـدا هر چه باشـد،محکـوم است. «لَنْ تُغْنِیَ عَنْهُمْ أَمْوالُهُمْ وَ لاـ أَوْلاـدُهُمْ» ۲ کفر،انسان را از مدار انسانیّت خارج و در حدّ اشیای مادّی و طبیعی پایین می آورد. «أُولئِکَ هُمْ وَقُودُ النّارِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱]

اشاره

کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ اَلَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کَذَّبُوا بِآیاتِنا فَأَخَذَهُمُ اَللّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ اَللّهُ شَدِیدُ اَلْعِقابِ (۱۱)

(شیوه کفّار)ماننـد روش فرعونیـان و کسـانی است که پیش از آنهـا بودنـد، آیات ما را تکـذیب کردنـد،پس خداونـد آنها را به(کیفر)گناهانشان بگرفت.و خدا سخت کیفر است.

پیام ها:

۱ بعد از بیان کلّیات،بیان نمونه ها لازم است. «کَفَرُوا» ، «کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ» ۲ تکیه بر قدرت مادّی،مال و اولاد،شیوه ی فرعون است. «کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ» ۳ تاریخ و تجربه ی گذشتگان،بهترین درس است. «کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ...» فرعون و آل فرعون که قهرمان قدرت و زور بودند،در برابر قهر خداوند نتوانستند لحظه ای مقاومت کنند،شما به این مال و قدرت اندك خود ننازید.

۴ گاهی نقش اطرافیان طاغوت از خود طاغوت کمتر نیست. «کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ» ۵ گناه بد است،ولی بدتر از آن عادت به گناه و روحیّـه ی گنـاه است. «کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ...» ۶ خصـلت هـا،شـیوه هـا و اعمـال و گناهـان مشابه،جزا و پاداش مشابه دارد. «کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ» ۷ عامـل هلاکت امّت ها،گناهان آنان بوده است. «فَأَخَذَهُمُ اللّهُ بِذُنُوبِهِمْ» ۸ آنجـا که گنـاه جزو روحیّه و عادت شد،عقوبت پروردگار سخت است.

«كَدَأْبِ»

، «شَدِيدُ الْعِقابِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲]

اشاره

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلىٰ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ اَلْمِهٰادُ (۱۲)

به کسانی که کافر شدند بگو:به زودی شکست می خورید و به سوی جهنّم رانده می شوید و چه بد جایگاهی است.

نکته ها:

چنان که در تفاسیر مجمع البیان و کبیر و مراغی آمده است:وقتی مسلمانان در سال دوّم هجری در جنگ بدر پیروز شدند،گروهی از یهود گفتند:این پیروزی نشانه ی صدق محمّد صلی اللّه علیه و آله است،چون در تورات آمده است:او بر دشمنانش پیروز می شود.گروهی دیگر از یهود گفتند:عجله نکنید،شاید در جنگ های دیگر شکست بخورد.وقتی در سال سوّم،جنگ احد پیش آمد و مسلمانان شکست خوردند،این گروه از یهودیان خوشحال شدند.

آیه نازل شد که زود قضاوت نکنید،در آینده ی نزدیک شما شکست می خورید.

طولی نکشید که مسلمانان،یهود بنی قریظه و بنی نضیر مدینه را درهم شکستند و در فتح مکّه نیز مشرکان را از بین بردند.

پیام ها:

۱ دلداری مؤمنان و تهدید کفّار،نشانه رهبری صحیح و ایمان به هدف است.

«قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ»

۲ یکی از معجزات قرآن،پیشگویی های صادق آن است. «سَتُغْلَبُونَ» ۳ حق،پیروز و کفر،محکوم به شکست است. «سَتُغْلَبُونَ» ۴ با شایعات و تبلیغات دشمن،برخورد کنید. «سَتُغْلَبُونَ» ۵ از شکست هایی نگران باشید که به جهنّم منتهی می شود،و الاّ در هر جنگی احتمال شکست وجود دارد. «سَتُغْلَبُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلىٰ جَهَنَّمَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳]

اشاره

قَدْ کٰانَ لَکُمْ آیَهٌ فِی فِئَتَیْنِ اِلْتَقَتٰا فِئَهٌ تُقٰاتِلُ فِی سَبِیلِ اَللّٰهِ وَ أُخْریٰ کٰافِرَهٌ یَرَوْنَهُمْ مِثْلَیْهِمْ رَأْیَ اَلْعَیْنِ وَ اَللّٰهُ یُؤَیِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ یَشٰاءُ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَعِبْرَهً لِأُولِی اَلْأَبْصٰارِ (۱۳)

به یقین در دو گروهی که(در جنگ بـدر)با هم روبرو شدنـد،برای شـما نشانه (و درس عبرتی)بود.گروهی در راه خدا نبرد می کردنـد و گروه دیگر که کـافر بودنـد(در راه شـیطان و هوس خود.)کفّـار به چشم خود مسـلمانان را دو برابر می دیدنـد(و این عاملی برای ترس آنان می شـد)و خداونـد هر کس را بخواهد به یاری خود تأیید می کند.همانا در این امر برای اهل بینش،پند و عبرت است.

نکته ها:

این آیه مربوط به جنـگ بـدر است که دو گروهِ مسـلمانان و کفّار در برابر یکـدیگر قرار گرفتنـد.در این نبرد تعـداد مسـلمانان سیصـد و سیزده نفر بود که هفتاد و هفت نفر آنها از مهاجرین و دویست و سـی و شـش نفر از انصار بودند.پرچمدار مهاجرین حضـرت علی علیـه السـلام و پرچمـدار انصـار سـعد بـن عبـاده بود.مسـلمانان هفتـاد شـتر،دو اسـب،شـش زره و هشت شمشـیر داشـتند،ولی لشـکر کفر بیش از هزار رزمنده و صد اسب سوار داشت.مسـلمانان در آن جنگ با دادن بیست و دو شهید ۱۴ نفر از مهاجرین و ۸ نفر از انصار بر دشمن کافر با ۷۰ کشته و ۷۰ اسیر پیروز شدند.

جنگ بـدر با پیش بینی قبلی انجام نشد.هدف،مصادره اموال کفّار به تلافی مصادره ی اموال مسـلمین مهاجر از مکّه بود که به جنگ و برخورد نظامی انجامید.

«فِی فِئَتَیْنِ الْتَقَتٰا»

سؤال:در این آیه می خـوانیم که کفّـار،مسـلمانان را دو برابر دیدنـد؛ «یَرَوْنَهُمْ مِثْلَیْهِمْ» در حـالی که در آیه ۴۴ سوره انفـال می خـوانیم:مسـلمانان در چشـم کفّـار کـم جلـوه کردنـد؛ «یُقَلِّلُکُمْ فِی أَعْیُنِهِمْ» چگـونه چنین چیزی ممکن است؟ پاسـخ:در آغـاز جنگ،مسلمین را کم دیدند تا جرأت هجوم پیدا کنند و از کفّار مکّه

ص: ۲۴

کمک نخواهند،ولی در هنگام جنگ،آنان را زیادی دیدند و خود را باختند.

بنا بر این کم دیدن و زیاد دیدن در دو مرحله و دو زمان بود،لذا تناقضی نیست. (۱)

پیام ها:

۱ هدف جنگ باید خدا و دین خدا باشد. «فِی سَبِیلِ اللّهِ» ۲ رزمندگان مسلمان دارای یک هدف هستند. «فِئَهٌ تُقاتِلُ فِی سَبِیلِ اللّهِ» (ولی رزمندگان کافر هر کدام برای هدفی به جنگ آمده اند.) ۳ آنجا که خدا بخواهد دیدها،برداشت ها و افکار عوض می شود.با همین چشم همین جمعیّت را دو برابر می بیند. «یَرَوْنَهُمْ مِثْلَیْهِمْ رَأْیَ الْعَیْنِ» ۴ یکی از امدادهای غیبی،ایجاد رُعب در دل دشمنان است. «یَرَوْنَهُمْ مِثْلَیْهِمْ» ، «وَ اللّهُ یُؤَیِّدُ» ۵ جنگ بدر نشان داد که اراده خداوند بر اراده خلق غالب،و تنها امکانات مادّی،عامل پیروزی نیست. «یُؤَیِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ یَشاءُ» ۶ گرچه خداوند هر کس را بخواهد یاری می کند؛ «مَنْ یَشاءُ» ولی شرط یاری آن است که مردم در مقام نصرت دین او بپاخیزند. (۲)«فِی سَبِیلِ اللّهِ» ۷ هدف از بیان تاریخ باید عبرت و پندگیری باشد. «لَعِبْرَهً» ۸ گرچه حوادث برای همه مایه ی پند و عبرت است؛ «کانَ لَکُمْ آیَهٌ» ولی درس گرفتن از نشانه ها،بصیرت و بینش می خواهد. «لَعِبْرَهً لِأُولِی الْأَبْصارِ» ۹ کسانی که از جنگ بدر درس نگیرند،صاحب بصیرت نیستند. «لَعِبْرَهً لِأُولِی الْأَبْصارِ»

۱- ۱) .تفسیر صافی.

۲- ۲) .در جای دیگر نیز می فرماید:«ان تنصروا اللّه ینصرکم»محمّد،۷.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴]

اشاره

زُيِّنَ لِلنّٰاسِ حُبُّ اَلشَّهَوٰاتِ مِنَ اَلنِّسٰاءِ وَ اَلْبَنِينَ وَ اَلْقَنٰاطِيرِ اَلْمُقَنْطَرَهِ مِنَ اَلذَّهَبِ وَ اَلْفِضَّهِ وَ اَلْخَيْلِ اَلْمُسَوَّمَهِ وَ اَلْأَنْعٰامِ وَ اَلْحَرْثِ ذٰلِكَ مَتٰاعُ اَلْحَيٰاهِ اَلدُّنْيٰا وَ اَللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ اَلْمَآبِ (۱۴)

عشق و علاقه به زنان و فرزندان پسر و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهارپایان و کشتزارها که همه از شهوات و خواسته های نفسانی است،در نظر مردم جلوه یافته است،(در حالی که)اینها بهره ای گذرا از زندگانی دنیاست و سرانجام نیکو تنها نزد خداوند است.

نکته ها:

« اَلْقَنٰاطِيرِ »جمع«قنطار»به معنای مال زیاد است و آمدن کلمه ی« اَلْمُقَنْطَرَهِ »به دنبال آن،برای تأکید بیشتر است.نظیر اینکه بگوییم:آلاف و الوف،هزاران هزار.

« اَلْخَيْلِ »به معنای اسب و اسب سوار،هر دو آمده است و« اَلْمُسَوَّمَهِ »یعنی نشاندار.

اسب هایی که به خاطر زیبایی اندام و یا تعلیمی که می دیدند،دارای برجستگی های خاصّی می شدند،به آنها« اَلْخَيْلِ الْمُسَوَّمَهِ »می گفتند.

جلوه کردن دنیا در نظر انسان،گاهی از طریق خیالات شخصی و گاهی از سوی شیطان و گاهی از جانب اطرافیان متملّق صورت می گیرد.از طریق اوهام شخصی:

«يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً» (۱)و «فَرَآهُ حَسَناً» (۲)و از سوی شیطان: «زَيَّنَ لَهُمُ اَلشَّيْطٰانُ أَعْمٰالَهُمْ» (۳)و از طرف اطرافیان متملّق «زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ» (۴)مصادیق جلوه های دنیا که در آیه ذکر شده،با توجّه به زمان نزول آیه است و می تواند در هر زمانی مصادیق جدیدی داشته باشد.طلا و نقره،کنایه از ثروت اندوزی،و اسب کنایه از مرکب و وسیله ی نقلیّه است.

سؤال:با اینکه خداوند زینت بودن مال و فرزند را پذیرفته است؛

۱- ۱) .کهف،۱۰۴.

۲- ۲) .فاطر،۸.

۳- ۳) .انعام،۴۳.

۴- ۴) .غافر،۳۷.

«الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَهُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا» (۱)پس چرا این آیه در مقام انتقاد است؟ پاسخ:زینت بودن چیزی،غیر از دلبستگی به آن است.در این آیه انتقاد از دلبستگی شدید است که از آن به «حُبُّ الشَّهَوَاتِ» تعبیر می کند.

کلمه ی« اَلْبَنِینَ »شامل دختران نیز می شود،نظیر اینکه می گوییم:عابرین محترم از پیاده رو حرکت کنند که شامل زنان عابر نیز می شود.

امام صادق علیه السلام با استناد به «حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ...» فرمودند:مردم در دنیا و آخرت از چیزی بیشتر از زنان لذّت نمی برند...اهل بهشت نیز بیش از هر چیز به نکاح تمایل دارند تا خوردنی ها و آشامیدنی ها. (۲)

این روایت دلیل تقدّم« اَلنِّسَاءِ »را بر دیگر موارد بیان می کند.

پیام ها:

۱ علاقه ی طبیعی به مادّیات،در نهاد هر انسانی وجود دارد،آنچه خطرناک است فریب خوردن از زینت ها و جلوه های آن،و عدم کنترل دلبستگی هاست.

«زُيِّنَ لِلنّاسِ...»

۲ جلوه ی دنیا برای مردم عادّی است،نه افراد فرزانه. (۳)«زُيِّنَ لِلنّاسِ» ۳ علاقه ی بیش از حدّ به زن و فرزند،بیش از هر چیز مایه ی دلبستگی انسان به دنیا می گردد. «حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ» ۴ مراقب باشیم که زینت ها و جلوه های دنیا،مقدّمه ی غفلت از آخرت است.

«زُيِّنَ لِلنّاسِ»

، «وَ اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» ۵ یکی از عوامل بد عاقبت شدن،شیفتگی و دلبستگی به دنیاست.زیرا عاقبت نیکو تنها نزد خداست. «زُيِّنَ لِلنّاسِ» ، «اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»

۱- ۱) .کهف،۴۶.

۲- ۲) .کافی،ج ۵،ص ۳۲۱.

۳- ۳) .در نظر همسر فرعون که فرزانه ی تاریخ است،کاخ و طلای او بی ارزش است.«نجّنی من فرعون و عمله».تحریم،۱۱.

۶ یکی از شیوه های تربیتی،تحقیر مادّیات و بیان عظمت معنویات است. «ذٰلِکَ مَتٰاعُ الْحَیٰاهِ الدُّنْیٰا وَ اللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» ۷ بهترین راه برای کنترل علائق مخرّب،مقایسه آن با الطاف جاودانه ی الهی است. «وَ اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵]

اشاره

قُلْ أَ أُنَبِّئُکُمْ بِخَیْرٍ مِنْ ذٰلِکُمْ لِلَّذِینَ اِتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰارُ خٰالِدِینَ فِیهٰا وَ أَزْوٰاجٌ مُطَهَّرَهٌ وَ رِضْوٰانٌ مِنَ اَللّٰهِ وَ اَللّٰهُ بَصِیرٌ بِالْعِبٰادِ (۱۵)

بگو:آیا شما را به بهتر از اینها(که محبوب شماست)خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا داشته باشند،نزد پروردگارشان باغهایی(بهشتی)است که از زیر(درختان)آن نهرها جاری است.برای همیشه در آنجا (بهره مند)هستند و همسرانی پاک(خواهند داشت)و رضا و خشنودی خداوند(شامل حالشان می شود)و خداوند به حال بندگان بیناست.

نکته ها:

در آخرین جمله از آیه قبل خواندیم که عاقبتِ نیک نزد خداوند است؛ «وَ اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» این آیه سیمایی از بهشت نیکوکاران را ترسیم می کند.

پیام ها:

۱ در دعوت مردم به حق،آنان را به مقایسه ی دنیا و آخرت دعوت کنیم. «قُلْ أَ أُنَبِّئُکُمْ بِخَیْرٍ...» ۲ دوام و ثباتِ بهشت،و رضایت خداوند کجا و لذائذ موقّت و ناپایدار دنیا کجا؟ «ذٰلِکَ مَتٰاعُ الْحَیٰاهِ الدُّنْیٰا» ، «قُلْ أَ أُنَبِّئُکُمْ» ۳ افراد با تقوا،شیفته ی زرق و برق دنیا نمی شوند.«متقین»در این آیه،در مقابل «لِلنّٰاسِ» در آیه ی قبل بکار رفته است.

۴ ملاک رسیدن به نعمت های آخرت،تقوی است. «لِلَّذِینَ اتَّقَوْا»

۵ تشویق بایـد هماهنـگ با خواسـته های طبیعی و فطری باشـد. «الْأَنْهارُ» ، «أَزْواجٌ» ، «خالِدِینَ» ۶ پاکـدامنی و پاکیزگی،برترین ارزش اسـت. «أَزْواجٌ مُطَهَّرَهٌ» ۷ لـذّت های متّقین تنها محـدود به لذایـذ مادّی نیست،رضایت الهی بالاترین لـذّت معنوی است. «رِضْوانٌ مِنَ اللّهِ» ۸ ادّعای تقوی را کم کنیم،خداوند بصیر و داناست. «وَ اللّهُ بَصِیرٌ بِالْعِبادِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶]

اشاره

اَلَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا إِنَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ قِنا عَذابَ اَلنّارِ (۱۶)

(پرهیزگـاران)کسـانی انـد که می گوینـد:پروردگارا! براستی که ما ایمان آورده ایم،پس گناهان ما را ببخش و ما را از عـذاب آتش حفظ فرما.

پیام ها:

۱ متّقین،همواره در انـابه و دعـا هسـتند. «یَقُولُونَ» ۲ ایمـان،زمینه ی عفو الهی است. «آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا» ۳ عفو،از شـئون ربوبیّت و لازمه ی تربیت است. «رَبَّنا» «فَاغْفِرْ لَنا» ۴ ترس از قهر و عـذاب خداونـد،از نشانه های تقواست. «قِنا عَذابَ النّارِ» ۵ به کارهای خوبتان اعتماد نکنید.با آنکه اهل تقوا هستید،باز هم از قهر الهی باید ترسید. «قِنا عَذابَ النّارِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷]

اشاره

اَلصّابِرِینَ وَ اَلصّادِقِینَ وَ اَلْقانِتِینَ وَ اَلْمُنْفِقِینَ وَ اَلْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحارِ (۱۷)

(پرهیزگاران،همان)صابران و راستگویان و فرمان برداران فروتن و انفاق کنندگان و استغفار کنندگان در سحرها هستند.

نکته ها:

افراد با تقوی دارای ویژگی های ذیل هستند:

۱ صبر در برابر مشکلات،صبر بر ترک گناهان و صبر بر انجام واجبات.

۲ صداقت در گفتار و رفتار.

۳ خضوع و فروتنی در انجام دستورات،بدون غرور و خود برتربینی.

۴ انفاق از هر چه خداوند به آنان روزی کرده است.

۵ مناجات های سحری و آمرزش خواهی از خداوند.آری! سحر مناسب ترین زمان برای دعاست. (۱)

در برخی روایات آمده است:اگر کسی یک سال به طور مداوم،در قنوت نماز شب هفتاد مرتبه استغفار کند،مشمول این آیه می شود. (۲)

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام درباره ی« اَلْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحارِ »پرسید،حضرت فرمودند:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار می کرد. (۳)

مفضل بن عمر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:نماز شب من فوت می شود و من بعد از نماز صبح آن را قضا می کنم؟ حضرت فرمودند:اشکالی ندارد،ولی آن را برای خانواده ات آشکار نکن،چون آن را سنّت می پندارند و در این صورت عمل به گفتار خداوند:« اَلْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحارِ »را ابطال می کند. (۴)

پیام ها:

۱ هم رسیدگی به خلق،هم عبادت خالق. «وَ الْمُنْفِقِینَ وَ الْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحارِ» ۲ تقوا به معنای انزوا،بی خبری و گوشه گیری نیست،متّقی باید جامع کمالات باشد. «الصّابِرِینَ وَ الصّادِقِینَ وَ...»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸]

اشاره

شَهِدَ اَللّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ وَ اَلْمَلائِکَهُ وَ أُولُوا اَلْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ اَلْعَزِیزُ اَلْحَکِیمُ (۱۸)

۱- ۱) .امام صادق علیه السلام فرمود:مراد از استغفار در سحر،نماز در آن وقت است.تفسیر مجمع البیان.

۲- ۲) .تفسیر أطیب البیان؛من لا یحضر،ج ۱،ص ۳۰۹.

۳- ۳) .تهذیب الاحکام،ج ۲،ص ۱۲۰.

۴- ۴) .مستدرک،حدیث ۳۲۵۹.

خدایی که همواره به عدل و قسط قیام دارد،گواهی داده که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش(نیز به یگانگی او گواهی داده اند)جز او که مقتدر حکیم است،معبودی نیست.

نکته ها:

خداوند با ایجاد نظام واحد در هستی،بر یگانگی ذات خود گواهی می دهد، یعنی هماهنگی و نظم موجود در آفرینش،همه گواه بر حاکمیّت قدرتی یگانه بر هستی است،چنان که در دعای صباح می خوانیم:«یا من دل علی ذاته بذاته» آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلیلت باید از وی رُخ متاب امام باقر علیه السلام فرمودند:مراد از« أُولُوا الْعِلْمِ »در آیه،انبیا و اوصیا هستند. (۱)

هر کجا تعدّد هست،محدودیّت نیز هست.خانهٔ بی حدّ نمی تواند بیش از یکی باشد.اگر گفتیم:فلان چراغ،نور بی نهایت دارد،جایی برای چراغ دوّم باقی نمی ماند.خدا بی نهایت است،زیرا اگر نهایت داشته باشد به نیستی برمی خورد و هیچ بی نهایتی قابل تعدّد نیست،لذا خداوند قابل تعدّد نیست واو یکتاست.

پیام ها:

۱ شهادت عملی،بهترین نوع شهادت است.هماهنگی در میان آفریده ها، بهترین نمونه ی گواهی بر یکتایی خداست. «شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ» ۲ راه ایمان به خدا،علم است و علم واقعی،انسان را با سرچشمه هستی آشنا می کند. «وَ أُولُوا الْعِلْمِ» ۳ دانشمندان،در کنار فرشتگان قرار می گیرند. «وَ الْمَلائِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ» ۴ عدل الهی،در کنار توحید مطرح است.بر خلاف دیگر قدرتمندان که هر کجا احساس یکتایی و نداشتن رقیب و شریک کنند،زور می گویند،او یکتایی است که به پا دارنده ی عدل است. «لا إِلهَ إِلاّ هُوَ» ، «قائِماً بِالْقِسْطِ»

ص:۳۱

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹]

اشاره

إِنَّ اَلدِّينَ عِنْدَ اَللّٰهِ اَلْإِسْلاٰمُ وَ مَا اِخْتَلَفَ اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتٰابَ إِلاّٰ مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَهُمُ اَلْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيٰاتِ اَللّٰهِ فَإِنَّ اَللّٰهَ سَرِيعُ اَلْحِسٰابِ (۱۹)

همانا دین(مورد پذیرش)نزد خداوند،اسلام(و تسلیم بودن در برابر فرمان خداوند)است و اهل کتاب اختلافی نکردند،مگر بعد از آنکه علم(به حقّانیت اسلام)برایشان حاصل شد،(این اختلاف)از روی حسادت و دشمنی میان آنان بود و هر کس به آیات خداوند کفر ورزد،پس(بداند که)همانا خداوند زود حساب است.

پیام ها:

۱ ایمان به یگانگی،عدالت،عزّت و حکمت خداوند(که در آیه قبل بود،) زمینه ی تسلیم شدن انسان است. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلاٰمُ» ۲ لازمه ی تسلیم بودن در برابر خداوند،پذیرش اسلام به عنوان آخرین دین الهی است. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلاٰمُ» ۳ تجاوز از مرزهای حق،سبب بروز اختلاف است. «وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ» ، «بَغْياً» ۴ سرچشمه ی بسیاری از اختلافات مذهبی،حسادت ها و ظلم هاست؛نه جهل و بی خبری. «مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَهُمُ الْعِلْمُ» ۵ حسد،زمینه ی کفر است. «بَغْياً» ، «وَ مَنْ يَكْفُرْ» ۶ کتاب و علم،به تنهایی سبب نجات نمی گردند. «أُوتُوا الْكِتٰابَ» ، «جٰاءَهُمُ الْعِلْمُ» ، «مَنْ يَكْفُرْ» ۷ کسانی که آگاهانه ایجاد اختلاف می کنند،بزودی سیلی می خورند. «سَرِيعُ الْحِسٰابِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۰]

اشاره

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلّٰهِ وَ مَنِ اِتَّبَعَنِ وَ قُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتٰابَ وَ اَلْأُمِّيِّينَ أَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اِهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمٰا عَلَيْكَ اَلْبَلاٰغُ وَ اَللّٰهُ بَصِيرٌ بِالْعِبٰادِ (۲۰)

(از این رو)پس اگر با تو به گفتگو و ستیز و محاجّه برخاستند،(با آنها مجادله مکن و)بگو:من و پیروانم روی به خدا تسلیم کرده ایم.و به اهل کتاب(یهود و نصاری)و امیّین(مشرکان بی سواد مکّه)بگو:آیا شما هم(در برابر خدا) تسلیم شده اید،پس اگر تسلیم شدند و اسلام آوردند همانا هدایت یافته اند،و اگر سرپیچی کردند(نگران مباش،زیرا)وظیفه ی تو فقط رساندن دعوت الهی است،(نه اجبار و اکراه)و خداوند به حال بندگان بیناست.

نکته ها:

اینکه می گویند:سخن کز دل برآید،لا جرم بر دل نشیند،قانون کلّی نیست.زیرا سخن پیامبر از دل بود،ولی بر دل کفّار نمی نشست.با آنکه حضرت از عمق دل می فرمود: «أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ» من با تمام وجود تسلیم خدا هستم،امّا گروهی اعراض می کردند؛ «وَ إِنْ تَوَلَّوْا» محور اصلی دین،اسلام به معنای تسلیم حقّ بودن است که در آیه ی قبل و این آیه چهار بار مطرح شده است.« اَلْإِسْلاٰمُ» ، «أَسْلَمْتُ» ، «أَسْلَمْتُمْ» ، «أَسْلَمُوا»

پیام ها:

۱ جدال و محاجّه،از خصلت های مخالفان انبیاست. «فَإِنْ حَاجُّوكَ» ۲ ابلاغ رسالت و استدلال آری،ولی ستیز با افراد لجوج ممنوع. «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ» ۳ به مجادلات بی نتیجه و بیهوده،پایان دهید. «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ» ۴ در گفتگوها،موضع خود و یاران خود را صریح اعلام کنیم. «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ» ، «وَ مَنِ اتَّبَعَنِ» ۵ پیروان واقعی پیامبر،کسانی هستند که تسلیم خدا باشند. «أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلّٰهِ وَ مَنِ اتَّبَعَنِ» ۶ آنچه انسان را در برابر گفتگوهای مغرضانه حفظ می کند،اتصال به خداوند

ص: ۳۳

است. «أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلّهِ» ۷ انبیا با تمام وجود و با عشق و نشاط به خدا دل بسته اند. «وَجْهِيَ لِلّهِ» ۸ توجّه رهبر،باید هم به افراد با فرهنگ باشد و هم به عوام مردم. «أُوتُوا الْكِتابَ وَ الْأُمِّيِّينَ» ۹ کتاب های آسمانی،یک سند فرهنگی ارزشمند برای جوامع بشری است.در آیه مردم به دو دسته تقسیم شده اند؛فرهنگیان و عوام. «أُوتُوا الْكِتابَ وَ الْأُمِّيِّينَ» ۱۰ هدایت واقعی،در سایه ی تسلیم بودن در برابر خداوند است. «فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا» ۱۱ انسان در انتخاب راه آزاد است،نه مجبور. «فَإِنْ أَسْلَمُوا» ، «وَ إِنْ تَوَلَّوْا...» ۱۲ علم و کتاب به تنهایی کافی نیست،چه بسا علم باشد،ولی تسلیم نباشد.

«أُوتُوا الْكِتابَ»

، «وَ إِنْ تَوَلَّوْا» ۱۳ ما مأمور انجام وظیفه ایم،نه ضامن نتیجه. «فَإِنَّما عَلَيْكَ الْبَلاغُ» ۱۴ خداوند از طریق پیامبران،با مردم اتمام حجّت می کند. «فَإِنَّما عَلَيْكَ الْبَلاغُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۱]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآياتِ اَللّهِ وَ يَقْتُلُونَ اَلنَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ اَلَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ اَلنّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ (۲۱)

براستی کسانی که به آیات خداوند کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند و کسانی از مردم را که فرمان به عدالت می دهند می کشند،پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده.

نکته ها:

در تفسیر کبیر و مجمع البیان و قرطبی می خوانیم:بنی اسرائیل در اول روز آنهم در یک ساعت،چهل و سه نفر از پیامبران الهی و یکصد و دوازده نفر از آمران به معروف را به درجه ی شهادت رساندند.

ص :۳۴

البتّه ناگفته پیداست که در زمان پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله گروهی که انبیا را شهید کنند نبودند،ولی چون زنده ها به کار نیاکان خود راضی بودند،خداوند در این آیه، کسانی را که به خاطر رضایت قلبی،شریک جرم نیاکان هستند،با خطاب« فَبَشِّرْهُمْ » مورد انتقاد و تهدید قرار داده است.

سؤال:از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر آن است که خطری در کار نباشد،ولی در این آیه از کسانی که برای نهی از منکر تا پای جان ایستاده اند، ستایش شده است،علّت چیست؟ پاسخ:اوّلاً:شرایط افراد و نوع معروف و منکر تفاوت می کند؛گاهی منکر،حکومت یزید است که امام حسین علیه السلام برای نهی از آن به کربلا می رود و شهید می شود، می فرماید:هدف من از این حرکت و قیام،امر به معروف و نهی از منکر است،امّا گاهی منکر در این حدّ نیست،بلکه گناهی است که باید میان خطر و مفسده ی گناه و از دست دادن مال و جان و آبرو مقایسه و با توجّه به اهمیّت و اولویّت عمل کرد.

ثانیاً:شاید مراد از کسانی که در این آیه مورد ستایش قرار گرفته اند آنهایی باشند که خود پیش بینی شهادت نمی کردند،ولی ستمکاران آنان را به شهادت رساندند.

پیام ها:

۱ از اعتقادات انحرافی و کفرآمیز،اعمال خطرناکی همانند قتل و کشتار انبیا سر می زند. «یَکْفُرُونَ بِآیاتِ اللّهِ وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ...» ۲ در شرایطی،اظهار حقّ لازم است؛اگرچه به قیمت شهادت انبیا و اولیا باشد.

۳ دشمنان برای حق پوشی،دست به کشتن پیامبران می زنند. «یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ» ۴ گاهی طاغوت ها برای کشتن فرزانگان با تبلیغات و شایعات و توجیهات،کار خود را حقّ جلوه می دهند. «بِغَیْرِ حَقٍّ» ۵ نام کسانی که به عدالت دعوت می کنند و آمرین به معروف و ناهیان از منکر، در ردیف انبیا برده شده است.لذا کیفر قاتلان آنان نیز همچون قاتلان پیامبران است. «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِیمٍ»

ص:۳۵

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۲]

اشاره

أُولٰئِكَ اَلَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمٰالُهُمْ فِی اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَهِ وَ مٰا لَهُمْ مِنْ نٰاصِرِينَ (۲۲)

آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و هیچ یاورانی برای آنها نیست.

پیام ها:

۱ گاهی یک انحراف،تمام اعمال شخص را تباه می کند. «حَبِطَتْ أَعْمٰالُهُمْ» ۲ برای گناهانی همچون پیامبرکُشی،شفاعتی در کار نیست. «مٰا لَهُمْ مِنْ نٰاصِرِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۳]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ إِلَى اَلَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ اَلْكِتٰابِ يُدْعَوْنَ إِلىٰ كِتٰابِ اَللّٰهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ (۲۳)

آیا ندیدی کسانی را که از کتاب آسمانی(تورات و انجیل)بهره ای داده شدند، چون به کتاب الهی دعوت می شوند تا میانشان حکم کند،(و به اختلافات پایان دهد)گروهی از آنان(باعلم و آگاهی)از روی اعراض روی بر می گردانند؟

نکته ها:

در تفاسیر آمده است که زن و مردی از یهود،با داشتن همسر مرتکب زنا شدند.

آنان می بایست طبق قانون تورات سنگسار می شدند،ولی چون از اشراف بودند سعی بر این داشتند از اجرای دستور تورات بگریزند.آنها نزد پیامبر اسلام آمدند تا ایشان حکم کنند،آن حضرت نیز فرمان سنگسار داده و فرمودند:حکم اسلام نیز همانند حکم تورات است.آنها منکر حکم تورات شدند.

ابن صوریا که از علمای یهود بود،از فدک به مدینه فراخوانده شد تا تورات را بخواند.ابن صوریا چون از ماجرا با خبر بود،هنگام خواندن آیات تورات،دستش را روی جملاتی می گذاشت تا آیه ی سنگسار دیده نشود.عبد اللّه بن سلام که در آن روز از علمای یهود بود و در آن جلسه حضور داشت،ماجرا را فهمید و موضوع

را بر ملا کرد. (۱)

این آیه هشداری به مسلمانان است که مبادا شما هم مثل یهود به هنگام اجرای قانون قرآن،از دستور الهی رویگردان باشید و میان مردم تبعیض قائل شوید.

پیام ها:

۱ کتاب قانون و داوری و حکم،کتاب آسمانی است. «یُدْعَوْنَ إِلی کِتابِ اللّهِ لِیَحْکُمَ» ۲ اسلام،دین انصاف و احترام به دیگران است.از علمای دیگر ادیان دعوت می کند تا کتاب خودشان را داور قرار دهند. «یُدْعَوْنَ إِلی کِتابِ اللّهِ لِیَحْکُمَ» ۳ همه ی علمای اهل کتاب بد نبودند. «یَتَوَلّی فَرِیقٌ مِنْهُمْ» ۴ خطرناک تر از روی گردانی،قصد اعراض و لجاجت است. «یَتَوَلّی» ، «مُعْرِضُونَ» ۵ قانون باید در مورد همه ی افراد،بالسّویه اجرا شود.(با توجّه به شأن نزول)

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۴]

اشاره

ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا اَلنّارُ إِلاّ أَیّاماً مَعْدُوداتٍ وَ غَرَّهُمْ فِی دِینِهِمْ ما کانُوا یَفْتَرُونَ (۲۴)

این(روی گردانی از حکم خدا)برای آن بود که اهل کتاب گفتند:هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی رسد.و این افتراها(و خیالبافی ها)آنان را در دینشان فریفته ساخت.

نکته ها:

در قرآن،بارها شعارهای پوچ و خیال های باطل یهود نقل شده است.آنها می گفتند:ما نژاد برتر و محبوب خداییم و در قیامت جز آن چهل روزی که اجداد ما گوساله پرست بودند،عذابی به ما نخواهد رسید.و همین خیالها سبب غرور و انحراف آنها شد.اسرائیلِ امروز نیز برتری نژادی خود را باور داشته و برای رسیدن به آن،از هیچ ظلمی خودداری نمی کند.

۱- ۱) .حکم اعدام و سنگسار زناکار،در سِفر تثنیه باب ۲۲ و سِفر لاویان باب ۲۰ آمده است.

پیام ها:

۱ سرچشمه اعراض،عقائد خرافی و بی اساس است. «هُمْ مُعْرِضُونَ ذٰلِکَ بِأَنَّهُمْ...» ۲ خودبرتربینی،چه بر اساس دین و چه بر اساس نژاد،ممنوع و محکوم است.

«لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ»

۳ احساس امنیّت و مصونیّت در برابر کیفر،مایه ی گمراهی است. «لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ» ۴ یهود،قیامت و دوزخ را قبول و به گناهکاری خود اقرار داشتند. «لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ إِلاّ أَیّاماً مَعْدُودَةً» ۵ همه ی مردم در دادگاه الهی یکسان هستند. «لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ» ، «غَرَّهُمْ فِی دِینِهِمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۵]

اشاره

فَکَیْفَ إِذٰا جَمَعْنٰاهُمْ لِیَوْمٍ لاٰ رَیْبَ فِیهِ وَ وُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ مٰا کَسَبَتْ وَ هُمْ لاٰ یُظْلَمُونَ (۲۵)

پس(کسانی که گمان می کنند از قهر خداوند دورند)چگونه خواهد بود حالشان،آن گاه که آنان را در روزی که شکّی در آن نیست،گرد آوریم و به هر کس در برابر آنچه تحصیل کرده،پاداش یا کیفر داده شود و به آنان ستم نخواهد شد.

پیام ها:

۱ یاد قیامت باشید و خرافات را کنار بگذارید. «لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ» ، «فَکَیْفَ إِذٰا جَمَعْنٰاهُمْ» ۲ کیفر و پاداش بر اساس عمل است،نه آرزو و گمان. «لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ» ، «وُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ مٰا کَسَبَتْ» ۳ هیچ عملی محو و نابود نمی شود،بلکه به صاحبش برگردانده می شود.

«وُفِّیَتْ»

، «مٰا کَسَبَتْ» ۴ دادگاه الهی بر اساس عدالت تشکیل می شود و هرکس به جزای خود می رسد.

«وُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ»

، «هُمْ لاٰ یُظْلَمُونَ»

ص:۳۸

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۶]

اشاره

قُلِ اَللّهُمَّ مالِکَ اَلْمُلْکِ تُؤْتِی اَلْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ اَلْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ اَلْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۲۶)

بگو:خداوندا! تو صاحب فرمان و سلطنتی.به هر کس(طبق مصلحت و حکمت خود)بخواهی حکومت می دهی و از هر کس بخواهی حکومت را می گیری و هر که را بخواهی عزّت می بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می نمایی،همه خیرها تنها به دست توست.همانا تو بر هر چیز توانایی.

نکته ها:

در تفاسیر می خوانیم که پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله پس از آنکه مکّه را فتح نمود،وعده ی فتح ایران و روم را به مسلمانان داد.در آن موقع منافقان با تعجّب به یکدیگر نگاه می کردند که این آیه نازل شد.گروهی از مفسّران،نزول آیه را در موقع حفر خندق دانسته اند.آن زمان که پیامبر صلی اللّه علیه و آله کلنگ را بر سنگ زد و از آن جرقه ای برخاست، فرمود:من در این جرقه ها فتح کاخ های مدائن و یمن را از جبرئیل دریافت کردم.

منافقان با شنیدن این سخن،لبخند تمسخر می زدند که این آیه نازل شد.

آنچه در این آیه در مورد اعطای عزّت و ذلّت از جانب خداوند آمده،طبق قوانین و سنّت اوست و بدون جهت و دلیل خداوند کسی را عزّت نمی بخشد و یا ذلیل نمی سازد.مثلاً در روایات می خوانیم:هر کس برای خداوند تواضع و فروتنی کند، خداوند او را عزیز می کند و هر کس تکبّر نماید،خدا او را ذلیل می گرداند. (۱)

بنا بر این عزّت و ذلّت از خداست،ولی ایجاد زمینه های آن به دست خود ماست.

پیام ها:

۱ مالک واقعی تمامی حکومت ها خداست.مُلک برای غیر خدا،موقّتی و

۱- ۱) .بحار،ج ۱۶،ص ۲۶۵.

محدود است. «مالِکَ الْمُلْکِ» ۲ اکنون که مالک اوست پس دیگران امانتداری بیش نیستند و باید طبق رضای مالک اصلی عمل کنند. «مالِکَ الْمُلْکِ» ۳ اگر انسان مالک مُلک نیست چرا از داشتن آن مغرور و با از دست دادنش مأیوس شود! «مالِکَ الْمُلْکِ» ۴ خداوند به هر کس که شایسته و لایق باشد،حکومت می دهد.همان گونه که به سلیمان،یوسف،طالوت و ذو القرنین عطا نمود. «تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ» ۵ حکومت و حاکمیّت،دلبستگی آور است.«نزع»به معنای کندن است و نشانه یک نوع دلبستگی است.

۶ عزّت و ذلّت به دست خداست،از دیگران توقّع عزّت نداشته باشیم. (۱)«تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ» ۷ توحید در دعا و عبادت یک ضرورت است. (۲)«بِیَدِکَ الْخَیْرُ» ۸ آنچه از اوست،چه دادن ها و گرفتن ها،همه خیر است،گرچه در قضاوت های عجولانه ی ما فلسفه ی آن را ندانیم. «بِیَدِکَ الْخَیْرُ» ۹ سرچشمه ی بدی ها عجز و ناتوانی است.از کسی که بر هر کاری قدرت دارد چیزی جز خیر سر نمی زند. «بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۷]

اشاره

تُولِجُ اَللَّیْلَ فِی اَلنَّهارِ وَ تُولِجُ اَلنَّهارَ فِی اَللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ اَلْحَیَّ مِنَ اَلْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ اَلْمَیِّتَ مِنَ اَلْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ (۲۷)

(خداوندا!)تو شب را به روز و روز را به شب درآوری و زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آوری و هر که را خواهی بی شمار روزی می دهی.

۱- ۱) .قرآن از کسانی که از غیر خدا عزّت می خواهند به شدّت انتقاد کرده و می فرماید: «أَ یَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّهِ جَمِیعاً» نساء،۱۳۹.

۲- ۲) .در مناجات شعبانیه می خوانیم:«الهی بیدک لا بید غیرک زیادتی و نقصی».

نکته ها:

این آیه و آیه،قبل دوازده مرتبه نشانه های قدرت خدا را نام برده است تا روح توحید را در انسان شکوفا کند.

مراد از داخل کردن شب در روز و یا روز در شب،یا کم و زیاد شدن طول ساعات شب و روز در فصل های مختلف است و یا غروب و طلوع تدریجی.البتّه معنای اوّل روشن تر است.

نمونه قدرت نمایی خداوند در بیرون آوردن زنده از مرده،آفریدن سلّول زنده از مواد غذایی بی جان است.

گاهی از کافران مرده دل،فرزنـدان مؤمن و زنـده دل،و از مؤمنان زنده دل، فرزندانی کافر و مرده دل ظاهر می شود (۱)که این یکی از مصادیق آیه است.

مراد از رزق بی حساب،رزق فراوان و بی شـمار است،نه آنکه حسابش از دست او خارج باشد.و ممکن است مراد آن باشد که رزق او خارج از محاسبات شماست، و او از راهی که گمان نمی برید رزق می دهد.

تفـاوت مردم در رزق،یکی از حکمت هـای الهی است،تا مردم به یکـدیگر نیازمنـد بوده و تشـکیل زنـدگی اجتماعی دهنـد و صفات سخاوت و ایثار و صبر و قناعت در آنان شکوفا شود.زیرا در صورت یکسان بودن،این صفات شکوفا نمی شود.

امّـا اگر یکی نعمتی داشت و دیگری کمتر داشت یـا نعمتی دیگر داشت،مردم برای جبران کمبودهـا دور هم جمع می شونـد و صفات تعاون و سخاوت از طرف دارنده نعمت،و صفات قناعت و عفّت و صبر از سوی نادار شکوفا می شود.

پیام ها:

۱ تغییرات شب و روز و پیدایش فصل ها یکی از برکات و الطاف الهی است.

«بِیَدِکَ الْخَیْرُ»

، «تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ»

ص :۴۱

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان،ج ۲،ص ۷۲۸.

۲ علاوه بر آفرینش،هر گونه تغییر و تدبیر به دست اوست. «تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ» ۳ قدرت خداوند محدود نیست.او از مرده،زنده و از زنده،مرده خارج می سازد. «تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ» ۴ سرچشمه لطف الهی بی انتهاست.رزق بی حساب،یعنی برای سرچشمه رزق محدودیّتی نیست. «تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۸]

اشاره

لا یَتَّخِذِ اَلْمُؤْمِنُونَ اَلْکافِرِینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ اَلْمُؤْمِنِینَ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ فَلَیْسَ مِنَ اَللّهِ فِی شَیْءٍ إِلاّ أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقاةً وَ یُحَذِّرُکُمُ اَللّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَی اَللّهِ اَلْمَصِیرُ (۲۸)

نباید اهل ایمان،بجای مؤمنان،کافران را دوست و سرپرست خود برگزینند و هر کس چنین کند نزد خدا هیچ ارزشی ندارد،مگر آنکه از کفّار پروا و تقیّه کنید(و به خاطر هدف های مهم تر،موقّتاً با آنها مدارا کنید)و خداوند شما را از (نافرمانی)خود هشدار می دهد و بازگشت(شما)به سوی خداوند است.

نکته ها:

با توجّه به قدرت بی انتهای الهی در آیات قبل،جایی برای پذیرفتن سلطه کفّار نیست. «بِیَدِکَ الْخَیْرُ» ، «تُولِجُ اللَّیْلَ» ، «لا یَتَّخِذِ...» در این آیه سیمای سیاست خارجی،شیوه ی برخورد با کفّار،شرایط تقیّه و جلوگیری از سوء استفاده از تقیّه بیان شده است.

تقیّه،به معنای کتمان عقیده ی حقّ از ترس آزار مخالفان و ترک مبارزه با آنان به جهت دوری از ضرر یا خطرِ مهم تر است.تقیّه،گاهی واجب و گاهی حرام است.قرآن در آیه ۱۰۶ سوره نحل،درباره ی تقیّه سخنی گفته که شأن نزول آن عمار یاسر است.

پیام ها:

۱ پذیرش ولایت کفّار از سوی مؤمنان،ممنوع است. «لا یَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکافِرِینَ

أَوْلِیٰاءَ»

(اگر مسلمانان جهان تنها به این آیه عمل می کردند الآن وضع کشورهای اسلامی این چنین نبود.) ۲ در جامعه اسلامی،ایمان شرط اصلی مدیریّت و سرپرستی است. «لاٰ یَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکٰافِرِینَ أَوْلِیٰاءَ» ۳ ارتباط سیاسی نباید مُنجرّ به سلطه پذیری یا پیوند قلبی با کفّار شود. «لاٰ یَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکٰافِرِینَ أَوْلِیٰاءَ» ۴ ارتباط یا قطع رابطه باید بر اساس فکر و عقیده باشد،نه بر اساس پیوندهای فامیلی، قومی و نژادی. «الْمُؤْمِنِینَ» ، «الْکٰافِرِینَ» ۵ هر کس به سراغ کفّار برود،خداوند او را به حال خود رها و از امدادهای غیبی خود محروم می سازد. «وَ مَنْ یَفْعَلْ ذٰلِکَ فَلَیْسَ مِنَ اللّٰهِ فِی شَیْءٍ» ۶ ارتباط ظاهری با کفّار برای رسیدن به اهداف والاتر،در مواردی جایز است.

«إِلاّٰ أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقٰاةً»

۷ تقیّه،برای حفظ دین است.مبادا به بهانه ی تقیّه،جذب کفّار شوید و از نام تقیّه سوء استفاده کنید.«یُحَذِّرُکُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ» ۸ در مواردی که اصل دین در خطر باشد،باید همه چیز را فدا کرد و فقط باید از خدا ترسید. «یُحَذِّرُکُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ» ۹ یاد معاد،بهترین عامل تقواست. «یُحَذِّرُکُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ وَ إِلَی اللّٰهِ الْمَصِیرُ» ۱۰ مبادا بخاطر کامیابی و رفاه چند روز دنیا،سلطه ی کفّار را بپذیرید که بازگشت همه ی شما به سوی اوست. «وَ إِلَی اللّٰهِ الْمَصِیرُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۹]

اشاره

قُلْ إِنْ تُخْفُوا مٰا فِی صُدُورِکُمْ أَوْ تُبْدُوهُ یَعْلَمْهُ اَللّٰهُ وَ یَعْلَمُ مٰا فِی اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ مٰا فِی اَلْأَرْضِ وَ اَللّٰهُ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۲۹)

بگو:اگر آنچه در سینه ها دارید پنهان سازید یا آشکارش نمایید،خداوند آن را می داند و (نیز)آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند و خدا بر هر چیز تواناست.

ص: ۴۳

نکته ها:

آمـدن این آیه به دنبال آیه ی تقیّه،شایـد اشاره به این باشـد که مبادا به اسم تقیّه،با کفّار پیوند پنهانی برقرار نمایید،بلکه بدانید خدا بر افکار و نیّات شما آگاه است.

پیام ها:

۱ به کسانی که به اسم تقیّه در صدد ارتباط با کفّار هستند،هشدار دهید. «قُلْ إِنْ تُخْفُوا» ۲ سینه ی انسان،صندوق اسرار اوست. «تُخْفُوا مٰا فِی صُدُورِکُمْ» ۳ علم خداونـد به آشـکار و نهـان،به زمین و آسـمان،یکسان است. «تُخْفُوا» ، «تُبْدُوهُ» ، «یَعْلَمْهُ اللّٰهُ» ۴ توجّه به علم خداونـد،مایه ی زنـده شـدن و جـدان مـذهبی و مانع گناه و توجیه آن است. «یَعْلَمْهُ اللّٰهُ» ۵ از خدایی که به اسـرار تمـام آسـمان هـا آگـاه است،چه چیز را می توان پنهان کرد؟ «یَعْلَمُ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ» ۶ قدرت مطلق خداوند،پشـتوانه تهدید او نسبت به مخالفان است. «إِنْ تُخْفُوا» ، «وَ اللّٰهُ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۰]

اشاره

یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ مٰا عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَراً وَ مٰا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَیْنَهٰا وَ بَیْنَهُ أَمَداً بَعِیداً وَ یُحَذِّرُکُمُ اَللّٰهُ نَفْسَهُ وَ اَللّٰهُ رَؤُفٌ بِالْعِبٰادِ (۳۰)

روزی که هر کس،هر کار نیکی انجام داده حاضـر بیابـد و هر چه بدی کرده،آرزو می کند ای کاش بین آن عمل و او فاصـله ای دور می بود.و خداوند شما را از(مخالفت امرش)بر حذر می دارد و(در عین حال)خداوند به بندگان مهربان است.

نکته ها:

در آیه ی قبل،سخن از علم و قدرت خداوند بود،این آیه نمونه ای از علم و

ص: ۴۴

قدرت الهی را بیان می کند.این آیه شبیه آیه ۴۹ سوره کهف است که می فرماید:

در روز قیامت مردم تمام اعمال خود را در برابر خویش حاضر می یابند.در تفسیر برهان آمده است که امام سجّاد علیه السلام در هر جمعه در مسجد النبی هنگام موعظه، این آیه را برای مردم تلاوت می فرمود.

پیام ها:

۱ اعمال انسان محو نمی شود و در قیامت در برابر او حاضر می گردد. «مُحْضَراً» ۲ اعتقاد به حضور عمل در قیامت،مانع گناه است. «مُحْضَراً» ۳ گنهکاران،در قیامت از اعمال خود شرمنده اند،امّا چه سود؟ «تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَها» ۴ بسیاری از اعمالی که در دنیا مورد علاقه انسان است،در قیامت مورد تنفّر او قرار خواهد گرفت. «تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَها وَ بَيْنَهُ أَمَداً بَعِيداً» ۵ در روز قیامت،پشیمانی سودی ندارد و آرزوها نشدنی است.کلمه(لَوْ)در مورد آرزوهای نشدنی بکار می رود. «لَوْ أَنَّ بَيْنَها وَ بَيْنَهُ أَمَداً بَعِيداً» ۶ خدا پروایی،مانع گناه است. «يُحَذِّرُكُمُ اللّهُ» ۷ سرچشمه ی هشدارهای الهی،محبّت و رأفت اوست. «يُحَذِّرُكُمُ اللّهُ نَفْسَهُ وَ اللّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ» ۸ بیم و امید در کنار هم نقش تربیتی دارند.امید،به تنهایی سبب غرور،و بیم از تنهایی،سبب یأس می شود. «يُحَذِّرُكُمُ اللّهُ نَفْسَهُ» ، «وَ اللّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ» ۹ لطف و رأفت خداوند شامل حال همه ی بندگان است. «رَؤُفٌ بِالْعِبادِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۱]

اشاره

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اَللّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اَللّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اَللّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۱)

(ای پیامبر!)بگو:اگر خداوند را دوست می دارید،پس مرا پیروی کنید،تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بر شما ببخشد و خداوند بسیار بخشنده و مهربان است.

نکته ها:

درباره جایگاه پیامبر و لزوم اطاعت از او،در قرآن می خوانیم: «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطٰاعَ اللّٰهَ» (۱)هر کس از پیامبر پیروی کند،قطعاً از خدا پیروی کرده است.و در جای دیگر: «إِنَّ الَّذِینَ یُبٰایِعُونَکَ إِنَّمٰا یُبٰایِعُونَ اللّٰهَ» (۲)بیعت با تو بیعت با خداست.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:جانم فدایت،ما فرزندان خود را به نام های شما و پدرانتان می نامیم،آیا برای ما مفید است؟ حضرت فرمودند:مگر دین غیر از محبّت است،خداوند فرموده: «إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِی» (۳)

پیام ها:

۱ هر ادّعایی با عمل ثابت می شود. (۴)«إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِی» ۲ لازمه ی ایمان به خدا،پیروی از اولیای خداست. «فَاتَّبِعُونِی» (آری،اسلام منهای روحانیّت واقعی،محکوم است.) ۳ هر کس در عمل سست است،در حقیقت پایه ی محبّت او سست است.

«تُحِبُّونَ»

، «فَاتَّبِعُونِی» ۴ در راه اصلاح جامعه،از عواطف کمک بگیریم. «إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ» ۵ عمل،سخن و سکوت رسول خدا،حجّت و قابل پیروی است. «فَاتَّبِعُونِی» ۶ پیامبر معصوم است،زیرا فرمان پیروی عام و بی چون و چرا برای غیر معصوم، حکیمانه نیست. «قُلْ» ، «فَاتَّبِعُونِی» ۷ اگر می خواهید خداوند شما را دوست بدارد،باید از سنّت رسول اللّٰه پیروی کنید. «فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللّٰهُ» ۸ انسان می تواند به جایی برسد که رضای او،رضای خدا و پیروی از او،پیروی از خدا باشد. «فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللّٰهُ»

۱- ۱) .نساء،۸۰.

۲- ۲) .فتح،۱۰.

۳- ۳) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۱۶۷.

۴- ۴) . کار با سعی است نی با ادّعا لیس للانسان الاّ ما سعی

۹ امتیاز دین الهی بر قوانین بشری،وجود عنصر محبّت،الگوی عملی و صلاحیّتِ قانون گذار است. «تُحِبُّونَ» ، «فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکَمُ اللّٰهُ» ۱۰ بهترین پاداش ها،پاداشِ معنوی است.محبوبیّت نزد خدا و دریافت مغفرت، بهترین پاداش برای مؤمنان است. «یُحْبِبْکُمُ اللّٰهُ» ۱۱ نشانه ی دوستی،سرپوش گذاردن روی بدی ها و برخورد با عفو و رحمت است. «یُحْبِبْکُمُ» ، «یَغْفِرْ لَکُمْ» ۱۲ کارهای نیک،مایه ی آمرزش گناهان است. «فَاتَّبِعُونِی» ، «یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ» ۱۳ اطاعت و پیروی از پیامبر،موجب دریافت عفو الهی است. «فَاتَّبِعُونِی» ، «یَغْفِرْ لَکُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۲]

اشاره

قُلْ أَطِیعُوا اَللّٰهَ وَ اَلرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اَللّٰهَ لاٰ یُحِبُّ اَلْکٰافِرِینَ (۳۲)

بگو:خدا و رسول را اطاعت کنید.پس اگر سرپیچی کردند،(بدانید که)همانا خداوند کافران را دوست نمی دارد.

نکته ها:

پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله علاوه بر آیات الهی،دستوراتی حکومتی داشت.دستوراتی که به تناسب زمان و مکان و افراد و شرایط تغییر می کرد.البتّه آنها نیز در پرتو وحی الهی بود،ولی در قرآن مطرح نگردیده بود و معنای اطاعت از رسول در کنار اطاعتِ خداوند،عمل به همان دستورات نبوی است.

پیام ها:

۱ رفتار و گفتار و کردار پیامبر حجّت است،زیرا اطاعت از پیامبر در کنار اطاعت خداست. «أَطِیعُوا اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ» ۲ محبوب شدن یا منفور شدن در نزد پروردگار،به دست خود ماست. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللّٰهَ لاٰ یُحِبُّ الْکٰافِرِینَ» ۳ سرپیچی از فرمان پیامبر،برابر با کفر است. «فَإِنَّ اللّٰهَ لاٰ یُحِبُّ الْکٰافِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۳]

اشاره

إِنَّ اَللّٰهَ اِصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرٰاهِيمَ وَ آلَ عِمْرٰانَ عَلَى اَلْعٰالَمِينَ (۳۳)

براستی که خداوند،آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید.

نکته ها:

در آیه ی قبل،دستور اطاعت از رسول صادر شد،این آیه دلیل آن را گزینشِ خداوند حکیم می داند که بر اساس برتری آنان بر دیگر مردم در کمالات است.

برگزیدگی انبیا از طریق وحی،علم،ایمان و عصمت است. (۱)

امام باقر علیه السلام در باره ی« إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفىٰ» ، «ذُرِّيَّةً... »فرمودند:ما از آن برگزیدگان و باقیمانده ی آن عترت هستیم. (۲)

پیام ها:

۱ انسان ها همه در یک سطح نیستند و خدای حکیم،بعضی را برگزیده است تا مسئولیّت سنگین رسالت را بر دوش آنان بگذارد. «إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفىٰ» ۲ اوّلین انسان،پیامبر خدا بوده تا بشر هیچ گاه بدون هدایت نماند. «اصْطَفىٰ آدَمَ» ۳ جریان بعثت،در طول تاریخ بشر استمرار داشته است. «اصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحاً وَ...» ۴ رسالت بعضی از انبیا،جهانی بوده است. «عَلَى الْعٰالَمِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۴]

اشاره

ذُرِّيَّةً بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ وَ اَللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳۴)

فرزندانی که بعضی از آنان از(نسل)بعضی دیگرند(از پدران برگزیده زاده شده و در پاکی همانند یکدیگرند)و خداوند شنوای داناست.

ص: ۴۸

۱- ۱) .کافی،ج ۸،ص ۱۱۷.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۱۶۸.

پیام ها:

۱ در طول تاریخ،دودمان نبوّت از نسل پاکان بوده است. «اصْطَفیٰ» ، «عَلَی الْعٰالَمِینَ ذُرِّیَّةً...» ۲ بعضی از ویژگی ها و کمالات از طریق وراثت منتقل می شود. «بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ» ۳ خداوند حتّی بر گفتار و رفتار برگزیدگان خود نظارت دارد. «اصْطَفیٰ» ، «سَمِیعٌ عَلِیمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۵]

اشاره

إِذْ قٰالَتِ اِمْرَأَتُ عِمْرٰانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مٰا فِی بَطْنِی مُحَرَّراً فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَّکَ أَنْتَ اَلسَّمِیعُ اَلْعَلِیمُ (۳۵)

(بیاد آور)هنگامی که همسر عمران گفت:پروردگارا! همانا من نذر کرده ام آنچه را در رحم دارم،برای تو آزاد باشد(و هیچ گونه مسئولیّتی به او نسپارم تا تمام وقت خود را صرف خدمت در بیت المقدس کند،)پس از من قبول فرما،که براستی تو شنوای دانایی.

نکته ها:

چنان که در تفاسیر و کتب روایی آمده است:دو خواهر به نام های«حَنّه»و «اشیاع»،که اوّلی همسر«عمران»از شخصیّت های برجسته بنی اسرائیل،و دوّمی همسر زکریّای پیامبر بود،بچّه دار نمی شدند.روزی«حَنّه»زیر درختی نشسته بود، پرنده ای را دید که به جوجه هایش غذا می دهد.محبّت مادرانه،آتش عشقِ به فرزند را در وجود او شعله ور ساخت،در همان حال دعا کرد و مستجاب شد.از سوی دیگر به شوهرش الهام شد که فرزندش از اولیای خدا خواهد بود و بیماران را شفا و مردگان را زنده خواهد کرد.

وقتی«حَنّه»حامله شد،پیش بینی کرد آن فرزندی که کارهای خارق العاده انجام دهد،پسر خواهد بود،لذا نذر کرد که فرزندش خدمتکار بیت المقدس شود.امّا چون نوزاد به دنیا آمد،دیدند دختر است.آنها فهمیدند که آن الهام الهی در مورد

خود مریم نبوده است،بلکه درباره فرزند او خواهد بود. (۱)

پیام ها:

۱ رشد معنوی زن تا آنجا بالا می رود که بعد از سالها انتظار،فرزند خود را نذر خدمت خانه خدا می کند. «امْرَأَتُ عِمْرٰانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ» ۲ افراد دوراندیش،قبل از تولّدِ فرزند به فکر مسیر خدمات او نیز هستند.

«نَذَرْتُ لَکَ مٰا فِی بَطْنِی مُحَرَّراً»

۳ از خود بگذریم و تنها در راه خدا صرف کنیم. «نَذَرْتُ لَکَ» ۴ خدمت در مسجد به قدری ارزشمند است که اولیای خدا عزیزان خود را قبل از تولّد نذر آن می کنند. «نَذَرْتُ لَکَ...» ۵ موضوع نذر،تاریخی بس طولانی در ادیان الهی دارد. «رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ» ۶ مادر،نوعی ولایت بر فرزند دارد. «نَذَرْتُ لَکَ مٰا فِی بَطْنِی» ۷ میان گذشت از فرزند و برگزیدگی خداوند رابطه است. «اصْطَفیٰ» ، «آلَ عِمْرٰانَ» ، «نَذَرْتُ لَکَ مٰا فِی بَطْنِی مُحَرَّراً» ۸ کسانی در خدمات دینی موفّق ترند که تمام وجود خود را صرف خدمت نمایند،نه بخشی از وقت را. «مُحَرَّراً» ۹ خدمت فرزند به مادر،حقّ طبیعی مادر و قابل گذشت است. «مُحَرَّراً» ۱۰ اگر عزیزترین و محبوب ترین چیزها را می دهید،به فکر قبولی آن نیز باشید.

«فَتَقَبَّلْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۶]

اشاره

فَلَمّٰا وَضَعَتْهٰا قٰالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهٰا أُنْثیٰ وَ اَللّٰهُ أَعْلَمُ بِمٰا وَضَعَتْ وَ لَیْسَ اَلذَّکَرُ کَالْأُنْثیٰ وَ إِنِّی سَمَّیْتُهٰا مَرْیَمَ وَ إِنِّی أُعِیذُهٰا بِکَ وَ ذُرِّیَّتَهٰا مِنَ اَلشَّیْطٰانِ اَلرَّجِیمِ (۳۶)

۱- ۱) .کافی،ج ۱،ص ۵۳۵.

پس چون فرزنـد را به دنیـا آورد گفت:پروردگـارا! من دختر زاده ام در حـالی که خداونـد به آنچه او زاده دانـاتر است و پسـر مانند دختر نیست و من نامش را مریم نامیدم و من او و فرزندانش را از(شرّ)شیطان رانده شده،در پناه تو قرار می دهم.

نکته ها:

مـادر انتظـار داشت فرزنـدش پسر باشـد،تـا بتوانـد خـدمتکار بیت المقـدس شود،لـذا چون نوزاد دختر به دنیـا آمـد،با حسـرت گفت:پروردگارا! فرزند دختری زاده ام حال چگونه به نذرم عمل کنم؟ امّا خداوند برای تسلّی خاطر این مادر می فرماید:

آن پسـری که انتظارش را داشتی به خوبی این دختر نیست،زیرا این دختر دارای کمالاتی است و مادرِ پسری می شود که او نیز مایه ی برکت خواهد بود،پس بهره ی تو از نسل مبارک چندین برابر خواهد شد.

« مَرْيَمَ »به معنای«عابده»و«خادمه»است و این نام ۳۴ مرتبه در قرآن آمده است.

پیام ها:

۱ تمایلات انسان مهم نیست،مصلحت و خواست خداونـد مهم است. «وَ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمٰا وَضَعَتْ» ۲ گـاهی دختر در پـاکی و پاکـدامنی،به جایی می رسـد که هرگز پسر به آن نمی رسـد. «لَيْسَ الـذَّكَرُ كَالْأُنْثىٰ» ۳ حضـرت مریم مقـام والایی دارد. «لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثىٰ» مراد از« كَالْأُنْثىٰ »زن خاصّی است.

۴ برای فرزنـدان خود،نام نیکو انتخاب نماییـد. «إِنِّي سَمَّيْتُهٰا مَرْيَمَ» ۵ مادر،حقّ نامگـذاری فرزنـد خود را دارد. «إِنِّي سَمَّيْتُهٰا» ۶ تغییرات جزیی،شـما را از خدا و اهداف عالی دور نکند.با اینکه فرزند بر خلاف تصوّر دختر شد،امّا نام او را مریم که به معنای خادمه است گذاشت.

«سَمَّيْتُهٰا مَرْيَمَ»

ص :۵۱

۷ قبل از هر چیز،به فکر سلامتی فرزند از شرّ شیطان باشید. «أَعِیذُها» ۸ تنها فرزندان بلافصل را در نظر نگیرید وبا دوراندیشی،نسل های بعدی را نیز در نظر داشته باشید. «أُعِیذُها بِکَ وَ ذُرِّیَّتَها» ۹ برای تأمین سعادت فرزند،تنها به تربیت خود متّکی نباشیم،او را به خدا بسپاریم که توانایی های ما محدود و عوامل انحراف زیاد است. «أُعِیذُها بِکَ» ۱۰ مادر مریم،جایگاهی خاص دارد.از بیان نذر او،اخلاص او،نام گذاری او و استعاذه او این برداشت استفاده می شود. «نَذَرْتُ لَکَ» ، «سَمَّیْتُها» ، «أُعِیذُها بِکَ» ۱۱ شیطان،دشمن دیرینه نسل بشر است. «أُعِیذُها» ، «مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۷]

اشاره

فَتَقَبَّلَها رَبُّها بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَها نَباتاً حَسَناً وَ کَفَّلَها زَکَرِیّا کُلَّما دَخَلَ عَلَیْها زَکَرِیَّا اَلْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً قالَ یا مَرْیَمُ أَنّی لَکِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اَللّهِ إِنَّ اَللّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ (۳۷)

پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند و سرپرستی او را به زکریّا سپرد.هر گاه زکریّا در محراب عبادت بر مریم وارد می شد،خوراکی(شگفت آوری)نزد او می یافت.می پرسید:ای مریم این(رزق تو)از کجاست؟! مریم در پاسخ می گفت:آن از نزد خداست.همانا خداوند به هر کس که بخواهد بی شمار روزی می دهد.

نکته ها:

کسی که در راه خدا گام بر دارد،دنیای او نیز تأمین می شود.مادر مریم فرزندش را برای خدا نذر کرد،خداوند در این آیه می فرماید:هم جسم او را رشد دادیم و هم سرپرستی مانند زکریّا برای او قرار دادیم و هم مائده آسمانی بر او نازل کردیم.

رزق بی حساب،به معنای نداشتن حساب نیست،بلکه به معنای خارج بودن از

ص: ۵۲

محاسبات عمومی است. «یَرْزُقُ مَنْ یَشٰاءُ بِغَیْرِ حِسٰابٍ» حضرت مریم از نظر ظاهری و جسمی،رشد کامل و خوبی داشت. «وَ أَنْبَتَهٰا نَبٰاتاً حَسَناً» مادری همانند مریم،محل تربیتی مثل مسجد و سرپرستی همچون زکریّای پیامبر وبا تغذیه ای بهشتی،محصولش فرزندی چون عیسی می شود.عوامل مؤثّر در تربیت عبارتند از:

روح پاک مادر. «فَتَقَبَّلَهٰا رَبُّهٰا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» جسم سالم. «نَبٰاتاً حَسَناً» تعلیم و تربیت الهی. «کَفَّلَهٰا زَکَرِیّٰا» تغذیه پاک. «وَجَدَ عِنْدَهٰا رِزْقاً» در تاریخ آمده است:زمانی قحطی مدینه را فرا گرفت،روزی حضرت فاطمه علیها السلام مقداری نان و گوشت خدمت پیامبر آورد.پیامبر صلی اللّه علیه و آله پرسید:در زمان قحطی این غذا کجا بوده است؟ حضرت فرمود:« هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ »پیامبر فرمود:خدا را شکر که تورا مانند مریم قرارداد.آن گاه پیامبر،حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را جمع کرد و از آن غذا همگی خوردند و به همسایگان نیز دادند. (۱)

پیام ها:

۱ پذیرش دعا،جلوه ای از ربوبیّت الهی است. «فَتَقَبَّلَهٰا رَبُّهٰا» ۲ قبولی خداوند درجاتی دارد.خداوند نذر مادر مریم را به بهترین وجه پذیرفت. «بِقَبُولٍ حَسَنٍ» ۳ کسی که با اخلاص است،خداوند کارش را به نیکی می پذیرد. «بِقَبُولٍ حَسَنٍ» ۴ مادر مریم نذر کرد کودکش خادم خانۀ خدا شود،خداوند در پاسخ، پیامبرش را خادم و متکفّل این کودک قرار داد. «کَفَّلَهٰا زَکَرِیّٰا» ۵ هر که تحت تکفّل انبیا درآید،از شیطان دور می شود. «أُعِیذُهٰا» ، «مِنَ الشَّیْطٰانِ

۱- ۱) .تفسیر روح البیان،ج ۲،ص ۲۹.

اَلرَّجِیمِ»

، «وَ کَفَّلَها زَکَرِیّا» ۶ عبادت،نباید موسمی و مقطعی باشد. «کُلَّما دَخَلَ» ۷ شرط تکفّل،نظارت و تفحّص است. «کَفَّلَها» ، «دَخَلَ عَلَیْها» ، «أَنّی لَکِ هٰذا» ۸ عبادت،جنگ با شیطان و محلّ عبادت،مِحراب یعنی محلّ نبرد است. «دَخَلَ عَلَیْها زَکَرِیَّا الْمِحْرابَ» ۹ رزق پاک در سایه ی عبادت است. «الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً» ۱۰ زن می تواند بدان مقام رسد که پیامبر خدا را به شگفتی وادارد. «أَنّی لَکِ هٰذا» ۱۱ صادر شدن کرامت از اولیای الهی،کار مشکلی نیست. «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ» ۱۲ نعمت ها را از او بدانید،نه از تلاش خود. «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ» ۱۳ خداوند می تواند خارج از اسباب مادّی روزی بدهد. «هٰذا مِنْ عِنْدِ اللّهِ» ۱۴ در شرایط و محیطی سالم،زن و مرد می توانند با هم سخن بگویند. «أَنّی لَکِ هٰذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۸]

اشاره

هُنالِکَ دَعا زَکَرِیّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمِیعُ اَلدُّعاءِ (۳۸)

در این هنگام زکریّا(که این همه کرامت و مائده آسمانی را دید)پروردگارش را خواند و گفت:پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی.

نکته ها:

چنان که قبلاً ذکر شد،مادر مریم با همسر زکریّا خواهر بودند و هر دو عقیم و نازا.

مادر مریم با دیدن صحنه ی غذا دادن پرنده به جوجه هایش منقلب شد و به درگاه خدا دعا کرد،خداوند نیز به او مریم را عطا کرد.در اینجا هم وقتی حضرت زکریّا مقام و مرتبه ی مریم را دید،از خداوند طلب فرزند نمود.

پیام ها:

۱ حالات انسان و ساعات دعا،در استجابت آن مؤثّر است. «هُنالِكَ دَعا زَكَرِيّا» ۲ غبطه خوردن کمال،ولی حسد ورزیدن نقص است.زکریّا علیه السلام با دیدن مقام مریم علیها السلام شیفته شد و غبطه خورد و دست به دعا برداشت. «هُنالِكَ دَعا» ۳ زن می تواند پیامبر خدا را تحت تأثیر قرار دهد. «هُنالِكَ دَعا زَكَرِيّا» ۴ مشاهده ی کمالات دیگران،زمینه ی درخواست کمالات و توجّه انسان به خداوند است. «هُنالِكَ دَعا زَكَرِيّا» ۵ درخواست فرزند و نسل پاک،سنّت و روش انبیاست. «هَبْ لِي» ، «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» ۶ ارزش ذریّه و فرزندان،به پاکی آنهاست. «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» ۷ در دعا باید از خداوند تجلیل کرد. «إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۳۹]

اشاره

فَنادَتْهُ اَلْمَلائِكَةُ وَ هُوَ قائِمٌ يُصَلِّي فِي اَلْمِحْرابِ أَنَّ اَللّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيى مُصَدِّقاً بِكَلِمَةٍ مِنَ اَللّهِ وَ سَيِّداً وَ حَصُوراً وَ نَبِيًّا مِنَ اَلصّالِحِينَ (۳۹)

پس در حالی که زکریّا در محراب به نماز ایستاده بود،فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به(فرزندی به نام)یحیی بشارت می دهد که تصدیق کننده ی (حقّانیت)کلمه اللّه(حضرت مسیح)است و سیّد و سرور،و خویشتن دار(از زنان)و پیامبری از صالحان است.

نکته ها:

در تاریخ آورده اند که حضرت یحیی،۶ ماه از حضرت عیسی بزرگ تر بود و چون در میان مردم به زهد و پارسایی معروف بود،ایمان او به پسر خاله ی خود حضرت عیسی،اثر عمیقی در توجّه مردم به مسیح گذاشت.جالب آنکه معنای«عیسی»و «یحیی»یکی و هر دو به معنای«زنده ماندن»است.

بعضی« حَصُوراً »را به معنای ترک ازدواج یحیی به خاطر مسافرت های زیاد

دانسته اند،ولی امام باقر علیه السلام می فرماید:عفّت یحیی باعث شد تا ازدواج نکند و از زنان کناره بگیرد. (۱)

پیام ها:

۱ دعای خالصانه از قلب پاک مستجاب می شود. «دَعا زَکَرِیّا» ، «فَنادَتْهُ الْمَلائِکَهُ» ۲ نماز،در ادیان پیشین نیز بوده است. «یُصَلِّی فِی الْمِحْرابِ» ۳ مِحراب مسجد،از قداست خاصّی برخوردار است.محل نزول مائده آسمانی؛ «وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً» استجابت دعا. «فَنادَتْهُ الْمَلائِکَهُ» ، «فِی الْمِحْرابِ» ۴ نماز،زمینه ی نزول فرشتگان است. «فَنادَتْهُ الْمَلائِکَهُ وَ هُوَ قائِمٌ یُصَلِّی فِی الْمِحْرابِ» ۵ اراده ی خداوند بر هر چیزی غلبه دارد.پیریِ پدر و عقیمیِ مادر،مانع فرزنددار شدن نیست. «أَنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی» ۶ گاهی نامگذاری افراد از طرف خداست. «یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی» ۷ فرزند از نعمت ها و بشارت های الهی است. «یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی» ۸ انبیا یکدیگر را تصدیق می کنند. «مُصَدِّقاً بِکَلِمَهٍ مِنَ اللّهِ» ۹ حضرت عیسی نشانه ای از قدرت خداست،نه فرزند خدا. «بِکَلِمَهٍ مِنَ اللّهِ» ۱۰ خداوند از آینده هر کس خبر دارد. «سَیِّداً وَ حَصُوراً وَ نَبِیًّا» ۱۱ عفّت و کنترل تمایلات جنسی،مورد ستایش خداوند است. «حَصُوراً»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۰]

اشاره

قالَ رَبِّ أَنّی یَکُونُ لِی غُلامٌ وَ قَدْ بَلَغَنِیَ الْکِبَرُ وَ امْرَأَتِی عاقِرٌ قالَ کَذلِکَ اللّهُ یَفْعَلُ ما یَشاءُ (۴۰)

(زکریّا)گفت:پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود،در حالی که پیریِ من فرا رسیده و همسرم نازاست؟! (خداوند)فرمود:این چنین خداوند هر چه را بخواهد انجام می دهد.

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

پیام ها:

۱ در نومیدی بسی امید است. «أَنّی یَکُونُ لِی غُلامٌ» ، «کَذلِکَ اللّهُ یَفْعَلُ ما یَشاءُ» ۲ در بیان ضعف ها از خود شروع کنیم. «بَلَغَنِیَ الْکِبَرُ وَ امْرَأَتِی عاقِرٌ» ۳ اراده ی خداوند،فوق وسائل و اسباب طبیعی است. «یَفْعَلُ ما یَشاءُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۱]

اشاره

قالَ رَبِّ اِجْعَلْ لِی آیَهً قالَ آیَتُکَ أَلاّ تُکَلِّمَ اَلنّاسَ ثَلاثَهَ أَیّامٍ إِلاّ رَمْزاً وَ اُذْکُرْ رَبَّکَ کَثِیراً وَ سَبِّحْ بِالْعَشِیِّ وَ اَلْإِبْکارِ (۴۱)

(زکریّا)گفت:پروردگارا! برای من نشانه ای قرار ده(تا علم من به یقین و اطمینان تبدیل شود.خداوند)فرمود:نشانه ی تو آن است که تا سه روز با مردم سخن نگویی،مگر از طریق اشاره.(البتّه به هنگام ذکر خدا زبانت باز می شود.پس)پروردگار خود را(به شکرانه ی این نعمت)بسیار یاد کن و هنگام شب و صبح او را تسبیح گوی.

پیام ها:

۱ خدایی که می تواند زبان را هنگام تکلّم با مردم ببندد و هنگام ذکر خدا باز کند، می تواند از پدری پیر و مادری عقیم نیز فرزندی به دنیا بیاورد. «کَذلِکَ اللّهُ یَفْعَلُ ما یَشاءُ» ، «أَلاّ تُکَلِّمَ النّاسَ» ۲ انبیا،به دنبال رسیدن به مقام یقین و شهود هستند. «اجْعَلْ لِی آیَهً» ۳ آنجا که خداوند بخواهد،سبب را از کار می اندازد و زبان قدرت حرف زدن را از دست می دهد. «أَلاّ تُکَلِّمَ النّاسَ» ۴ هر چه لطف الهی بیشتر می شود باید یاد او نیز بیشتر شود. «وَ اذْکُرْ رَبَّکَ کَثِیراً» ۵ ذکر خدا هر چه بیشتر،بهتر. «وَ اذْکُرْ رَبَّکَ کَثِیراً» ۶ در میان ذکرهای خداوند،تسبیح جایگاه خاصّی دارد. «وَ اذْکُرْ رَبَّکَ» ، «وَ سَبِّحْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۲]

اشاره

وَ إِذْ قٰالَتِ اَلْمَلاٰئِکَهُ یٰا مَرْیَمُ إِنَّ اَللّٰهَ اِصْطَفٰاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اِصْطَفٰاکِ عَلیٰ نِسٰاءِ اَلْعٰالَمِینَ (۴۲)

و(بیاد آور)هنگامی را که فرشتگان گفتند:ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است.

نکته ها:

کلمه«اصطفی»،هر جا همراه حرف«علی»باشد،به معنای مقدّم بودن و سرآمدشدن است و هر جا بدون آن باشد،به معنای انتخاب است.

در تفاسیر المنار،قرطبی،مراغی،روح البیان و کبیر می خوانیم که سرآمد زنان جهان چهار نفرند:مریم،آسیه،خدیجه و فاطمه علیهم السلام.در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که مریم سرآمد زنانِ زمان خود بود،ولی فاطمه علیها السلام سرآمد زنان در طول تاریخ است. (۱)البتّه خداوند حکیم هر گاه شخصی را بر می گزیند،به جهت لیاقت ها و قابلیّت های ویژه ی اوست.

پیام ها:

۱ فرشتگان،با غیر انبیا نیز سخن می گویند. «قٰالَتِ الْمَلاٰئِکَهُ یٰا مَرْیَمُ» ۲ زن می تواند به مقام ولیّه اللّهی برسد و خداوند برای او پیام بفرستد. «إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰاکِ» ۳ حضرت مریم،هم در کمالات برگزیده شد و هم بر سایر زنان برتری یافت.به همین جهت جمله «اصْطَفٰاکِ» دوباره تکرار شده است.

۴ حضرت مریم معصوم بوده است. «طَهَّرَکِ» ۵ حضرت مریم الگوی زنان است. «اصْطَفٰاکِ عَلیٰ نِسٰاءِ الْعٰالَمِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۳]

اشاره

یٰا مَرْیَمُ اُقْنُتِی لِرَبِّکِ وَ اُسْجُدِی وَ اِرْکَعِی مَعَ اَلرّٰاکِعِینَ (۴۳)

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

ای مریم!(به شکرانه این همه نعمت،)برای پروردگارت خضوع کن و سجده بجای آور و با رکوع کنندگان رکوع نما.

نکته ها:

در آیه ی قبل،خداوند سه کمال داده شده به مریم علیها السلام را یاد نمود:گزینش الهی؛ «اصْطَفاكِ» تطهیر الهی؛ «طَهَّرَكِ» و سرآمد دیگران شدن؛ «اصْطَفاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمِينَ» در این آیه سه مسئولیّت از او می خواهد:قنوت؛ «اقْنُتِی» سجده؛ «اسْجُدِی» و رکوع؛ «ارْكَعِی» پس هر نعمتی مسئولیّتی را بدنبال دارد.

پیام ها:

۱ افراد برجسته باید تواضع و عبادتشان بیشتر باشد. «یا مَرْیَمُ اقْنُتِی...» (برای اولیای خدا،عبادات ویژه ای سفارش شده است،همانگونه که برای پیامبر صلی اللّه علیه و آله نماز شب واجب بود.) ۲ نماز،رکوع و سجود،بهترین راه شکر است.در آیه قبل برگزیدگی خداوند مطرح شد که سزاوار شکر است. «اصْطَفاكِ» ، «اقْنُتِی» ۳ عبادت باید تنها برای پروردگار باشد. «لِرَبِّكِ» ۴ عبادت،مایه ی تربیت انسان است. «لِرَبِّكِ» ۵ نماز جماعت و عبادت دسته جمعی،قبل از اسلام نیز بوده است. «مَعَ الرّاكِعِينَ» ۶ حضور زن در اجتماعات عبادی و اجتماعاتی که مردان نیز حضور دارند سفارش شده است. «مَعَ الرّاكِعِينَ» به شرط آنکه زنان،مریم گونه رفتار نمایند.

۷ منتخبین و برگزیدگان،باید همراه توده ها و در متن جامعه باشند،نه جدا و منزوی از مردم. «ارْكَعِی مَعَ الرّاكِعِينَ»

ص :۵۹

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۴]

اشاره

ذٰلِکَ مِنْ أَنْبٰاءِ اَلْغَیْبِ نُوحِیهِ إِلَیْکَ وَ مٰا کُنْتَ لَدَیْهِمْ إِذْ یُلْقُونَ أَقْلاٰمَهُمْ أَیُّهُمْ یَکْفُلُ مَرْیَمَ وَ مٰا کُنْتَ لَدَیْهِمْ إِذْ یَخْتَصِمُونَ (۴۴)

اینها از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می کنیم،حال آنکه تو نزد آنان نبودی،آن گاه که قلم های خود را(برای قرعه کشی)می افکندند تا(به وسیله قرعه معلوم شود که کدامیک)کفالت مریم را بر عهده بگیرد و نزد آنها نبودی آن گاه که(برای گرفتن سرپرستی مریم)با هم کشمکش می کردند.

نکته ها:

همانگونه که اشاره شد،پیش از تولّد مریم مادرش نذر کرده بود که فرزندش خادم مسجد بیت المقدس باشد.لذا پس از تولّد،نوزاد را در پارچه ای پیچیده به مسجد آورد و به بزرگان بنی اسرائیل گفت:این کودک نذر مسجد است.چون این مادر از خانواده ای بزرگ و محترم بود،بر سر گرفتنِ سرپرستی نوزاد،نزاع سختی (۱)در گرفت و بنا بر قرعه شد.

پیام ها:

۱ انبیا از طرف خدا بر گوشه ای از غیب آگاه می شوند. «مِنْ أَنْبٰاءِ الْغَیْبِ» (۲)۲ حکایت های قرآن،تنها از طریق وحی برای رسول خدا کشف شد و قبل از آن نه در کتابی بود و نه در سینه ای. «مِنْ أَنْبٰاءِ الْغَیْبِ» ۳ یکی از راههای شناخت تاریخ پیشینیان،وحی است. «ذٰلِکَ مِنْ أَنْبٰاءِ الْغَیْبِ» ۴ یکی از راههای حلّ اختلاف،قرعه است. «یُلْقُونَ أَقْلاٰمَهُمْ» (۳)

۱- ۱) .از تکرار جمله «مٰا کُنْتَ لَدَیْهِمْ...» استفاده می شود که نزاع سخت بوده است.

۲- ۲) .یکی از جلوه های اعجاز قرآن،گزارشات غیبی و نقل نهفته های تاریخ است.

۳- ۳) .امام باقر علیه السلام فرمود:اوّلین کسی که مورد قرعه قرار داده شد مریم علیها السلام بوده،و این قرعه کشی در زمان یتیمی آن حضرت بوده است.(من لا یحضر،ج ۳،ص ۵۱؛بحار،ج ۱۴،ص ۱۹۲.)

۵ یـک گـذشت از مـادر و ایـن همه کرامت برای فرزنـد. [(۱)](#)«نَـذَرْتُ» ، «أَیُّهُمْ یَکْفُـلُ مَرْیَمَ» ۶ بزرگان،در قبول مسئولیّت های مقدّس با هم رقابت می کنند. «أَیُّهُمْ یَکْفُلُ مَرْیَمَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۵]

اشاره

إِذْ قالَتِ اَلْمَلائِکَهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اَللّهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَهٍ مِنْهُ اِسْمُهُ اَلْمَسِیحُ عِیسَی اِبْنُ مَرْیَمَ وَجِیهاً فِی اَلدُّنْیا وَ اَلْآخِرَهِ وَ مِنَ اَلْمُقَرَّبِینَ (۴۵)

(بیاد آور)آن گاه که فرشتگان گفتند:ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و نشانه ای از سوی خویش به نام مسیح،عیسی پسر مریم،بشارت می دهد.او که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان است.

نکته ها:

در قرآن،از حضـرت عیسـی به«کلمه»یاد شده است که در فرهنگ قرآن،به معنای «مخلوق»می باشد.نظیر آیه ۱۰۹ سوره کهف که می فرماید: «قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ کَلِماتُ رَبِّی» اگر دریاها برای نوشـتن کلمات الهی مُرکّب شوند،دریاها تمام می شوند،ولی کلمات الهی به پایان نمی رسد.

وصف «وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ» در قرآن تنها برای حضـرت عیسـی علیه السـلام آمده و در مورد شـخص دیگری این صـفت گفته نشده است.

پیام ها:

۱ مقام زن بدانجا می رسد که خداوند از طریق فرشتگان با وی سخن می گوید.

«إِذْ قالَتِ الْمَلائِکَهُ یا مَرْیَمُ»

۲ فرزند،نعمت است. «یُبَشِّرُکِ» ۳ عیسی فرزند خدا نیست،مخلوق خداست،ولی مخلوقی بس بزرگ و

۱- ۱) .مادرِ مریم با آنکه سالها صاحب فرزنـد نمی شـد،ولی به خاطر نـذری که کرده است از فرزنـد دلبندش می گذرد،و در مقابل بزرگان بنی اسرائیل برای سرپرستی او سر و دست می شکنند.

ناشناخته. (۱)«بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» ۴ خداوند برای اولیای خود قبل از تولّدشان نامگذاری می کند. «اسْمُهُ الْمَسِيحُ» ۵ کسی که از مریم متولّد شده و دوران جنینی را طی کرده است،چگونه می تواند فرزند خدا باشد؟ «عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» ۶ وجاهت دنیوی نیز یک ارزش است و کسب آن مانعی ندارد. «وَجِيهاً فِي الدُّنْيا»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۶]

اشاره

وَ يُكَلِّمُ اَلنّاسَ فِي اَلْمَهْدِ وَ كَهْلاً وَ مِنَ اَلصّالِحِينَ (۴۶)

(آن فرزندی که به تو بشارت داده شد)در گهواره،(به اعجاز)و در میان سالی (به وحی)با مردم سخن می گوید و از شایستگان است.

نکته ها:

سخن گفتن در گهواره،هم پیش گویی از آینده و هم معجزه ی حضرت مسیح است که در گهواره با مردم سخن گفت.گفتگو در بزرگی،پیشگویی دیگری است که او تا بزرگی زنده خواهد بود.همان گونه که خبر از شایستگی و وارستگی او نیز یک پیشگویی و بشارت است.

پیام ها:

۱ کسی که می تواند به مریم،بدون داشتن همسر فرزند دهد،می تواند در گهواره، زبان کودک او را به سخن گفتن باز کند. «يُكَلِّمُ النّاسَ فِي الْمَهْدِ» ۲ آنجا که خدا بخواهد پاکدامنی را از اتهام پاک نماید،زبان بسته ی کودک را باز می کند. «يُكَلِّمُ النّاسَ فِي الْمَهْدِ» ۳ در کودکی نیز می توان پیام الهی را به دیگران رساند. (۲)«يُكَلِّمُ النّاسَ فِي الْمَهْدِ» ۴ آنجا که خدا بخواهد،کودک همانند بزرگسالان سخن می گوید. «فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلاً»

ص: ۶۲

۱- ۱) .«کلمه»به صورت نکره آمده که رمز عظمت و ناشناختگی است.

۲- ۲) .بعضی امامان همچون امام جواد،امام هادی و امام زمان علیهم السلام در کودکی به مقام امامت رسیده اند.

۵ از مادری صالحه چون مریم،فرزندی مثل عیسی پدید می آید. «مِنَ الصّالِحِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۷]

اشاره

قالَتْ رَبِّ أَنّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قالَ كَذلِكِ اَللّٰهُ يَخْلُقُ ما يَشاءُ إِذا قَضى أَمْراً فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۴۷)

(مریم)گفت:پروردگارا! چگونه برای من فرزندی باشد،در حالی که هیچ انسانی با من تماس نداشته است؟ خداوند فرمود:چنین است(کار)پروردگار، او هر چه را بخواهد می آفریند.هر گاه اراده کاری کند،فقط به آن می گوید:

باش،پس(همان لحظه)موجود می شود.

نکته ها:

اراده ی خداوند سبب پیدایش و آفرینش موجودات است و می تواند بدون اسباب و وسیله مادّی نیز بیافریند.او سبب ساز و سبب سوز است،گاهی تأثیر چیزی را از آن می گیرد و گاهی به چیزی اثر می بخشد.پیدایش و بقا و آثار همه چیز بسته به اراده و خواست اوست.

خداوند در پاسخ زکریّا فرمود: «يَفْعَلُ ما يَشاءُ» و در جواب مریم فرمود: «يَخْلُقُ ما يَشاءُ» شاید رمزش این باشد که فرزند برای بانوی بی شوهر شگفت آورتر از فرزند برای پیر مرد باشد.

پیام ها:

۱ ریشه سؤال و تعجّب،اگر انکار و لجاجت نباشد مانعی ندارد. «أَنّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ» اولیای خدا نیز اراده خداوند در امور جهان را بر پایه ی اسباب و علل طبیعی می دانند و لذا اگر بشارت ویژه ای بر خلاف آن آمد،چگونگی آن را از خداوند می پرسند.

۲ آفرینش خداوند از راه غیر معمول،کار تازه ای نیست و عوامل طبیعی نیز منحصر در امور شناخته شده نیستند. «كَذلِكِ»

۳ دست خداوند برای آفرینش باز است.آفریدن از راه اسباب طبیعی و غیر طبیعی برای خداوند یکسان است. «یَخْلُقُ مٰا یَشٰاءُ» ۴ شرط آفرینش،اراده ی حتمی الهی است. «قَضیٰ أَمْراً» ، «کُنْ فَیَکُونُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۸]

اشاره

وَ یُعَلِّمُهُ اَلْکِتٰابَ وَ اَلْحِکْمَةَ وَ اَلتَّوْرٰاةَ وَ اَلْإِنْجِیلَ (۴۸)

و خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می آموزد.

نکته ها:

در تفاسیر شیعه و سنّی می خوانیم که مراد از تعلیم کتاب،آموزش خط و نوشتن است و مراد از حکمت،آگاهی بر مصالح و مفاسد اشیا و افعال و اخلاق و عقاید است،خواه آثار دنیوی باشد،خواه اخروی.

پیام ها:

۱ یکی از اصول و شرایط رهبری الهی،داشتن آگاهی های لازم است.آگاهی بر اساس علم و حکمت و کتب آسمانی. «یُعَلِّمُهُ الْکِتٰابَ وَ...» ۲ رهبر هر زمانی باید به حوادث و قوانین گذشته نیز آگاه باشد.خداوند به عیسی علیه السلام،تورات موسی علیه السلام را آموخت. «وَ التَّوْرٰاةَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۴۹]

اشاره

وَ رَسُولاً إِلیٰ بَنِی إِسْرٰائِیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ اَلطِّینِ کَهَیْئَةِ اَلطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فِیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اَللّٰهِ وَ أُبْرِئُ اَلْأَکْمَهَ وَ اَلْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ اَلْمَوْتیٰ بِإِذْنِ اَللّٰهِ وَ أُنَبِّئُکُمْ بِمٰا تَأْکُلُونَ وَ مٰا تَدَّخِرُونَ فِی بُیُوتِکُمْ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ (۴۹)

و(عیسی را به)پیامبری به سوی بنی اسرائیل(فرستاد تا بگوید)که همانا من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه ای آورده ام.من از گل برای شما

(چیزی)به شکل پرنده می سازم،پس در آن می دمم،پس به اراده و اذن خداوند پرنده ای می گردد.و همچنین با اذن خدا کور مادرزاد و مبتلایان به پیسی را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می کنم و از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید به شما خبر می دهم،براستی اگر ایمان داشته باشید در این معجزات برای شما نشانه و عبرتی است.

نکته ها:

هر جا احساس خطر می شود باید توجّه بیشتر در کار باشد.در زنده کردن مردگان، شفا دادن کوران و سایر بیماران،خطر انحراف عقیده و غلوّ وجود دارد،لذا در این آیه دو بار و در آیه ۱۱۰ سوره مائده،چهار مرتبه مسأله اذن خدا مطرح شده است.

رسالت عیسی علیه السلام که همراه با لطف یا قهر الهی بوده،مخصوص بنی اسرائیل است؛ «رَسُولاً إِلىٰ بَنِی إِسْرٰائِیلَ» ولی نبوّت او که مقام تبلیغ و ارشاد بوده،برای تمام مردم است.همانند حضرت موسی که به او خطاب می شود: «اذْهَبْ إِلىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغىٰ» (۱)ولی هنگامی که ساحران شهر،معجزه حضرت موسی را می بینند به او ایمان می آورند.بنا بر این حضرت موسی یک مأموریت ویژه نسبت به شخص فرعون داشت و مأموریت دیگر برای ارشاد عمومی همه ی مردم. (۲)

هر پیامبری باید معجزه ای داشته و معجزه اش نیز باید متناسب با شرایط و افکار مردم آن عصر باشد.امام رضا علیه السلام فرمود:عیسی علیه السلام در زمانی ظهور کرد که بیماری ها شیوع داشته و مردم به طبیب نیاز داشتند. (۳)لذا معجزات آن حضرت در جهت شفای بیماران بود.

اگر ولیّ خدا از گِل پرنده ای می سازد،پس زنده شدن مردگان در روز قیامت با قدرت الهی کار مشکلی نیست.

۱- ۱) .طه،۲۴.

۲- ۲) .تفسیر المیزان ذیل آیه.

۳- ۳) .عیون اخبار الرضا،ج ۲،ص ۸۰.

پیام ها:

۱ معجزه،جلوه ای از ربوبیّت خدا و در راستای هدایت و تربیت انسان هاست.

«جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ»

۲ اولیای خداوند با اذن او قدرت تصرّف و تغییر در نظام آفرینش را دارند. «فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْراً بِإِذْنِ اللّٰهِ» ۳ انبیا علم غیب دارند و حتی به جزئیات زندگی مردم آگاهند. (۱)«أُنَبِّئُكُمْ بِمٰا تَأْكُلُونَ وَ مٰا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵۰]

اشاره

وَ مُصَدِّقاً لِمٰا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ اَلتَّوْرٰاةِ وَ لِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ اَلَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ (۵۰)

(عیسی فرمود:)من تصدیق کننده توراتی هستم که پیش روی من است و (آمده ام)تا برخی از چیزهایی که بر شما(به عنوان تنبیه)حرام شده بود برایتان حلال کنم.و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه ای آورم.پس،از خداوند پروا و از من اطاعت کنید.

نکته ها:

در این آیه،احترام به قانون قبلی،بشارت به تخفیف تکلیف،تأکید به تقوای الهی و اطاعت از رهبری،مطرح شده است.

در آیه ۱۴۶ سوره انعام،خداوند می فرماید:به خاطر ستم یهودیان،آنان را تنبیه و هر حیوان ناخن دار را بر آنان تحریم کردیم و همچنین چربی و پیه گاو و گوسفند را جز مقداری که به استخوان و روده ها و کمر آنها چسبیده است،حرام ساختیم.

شاید مراد از حرام هایی که در این آیه با آمدن عیسی علیه السلام حلال می شود،همین

---

۱ – ۱) .امام صادق علیه السلام فرمودند:حضرت عیسی در سن هفت سالگی به آنچه مردم در خانه هایشان مصرف یا ذخیره می کردند،خبر می داد.بحار،ج ۱۴،ص ۲۵۱.

موارد باشد.

هر کجا بنای اصلاح و ارشاد باشد،باید نکاتی را مراعات کرد:

الف:اصول مشترکه و صحیح دیگران را پذیرفت. «مُصَدِّقاً» ب:حتّی المقدور به مقدّسات آنان احترام گذاشت. «مِنَ التَّوْراهِ» ج:فضای باز و آزادی ها را بشارت داد. «لِأُحِلَّ لَکُمْ» د:در چارچوب قوانین الهی حرکت کرد. «فَاتَّقُوا اللّهَ»

پیام ها:

۱ پیامبران،یکدیگر را قبول دارند و تصدیق می کنند. «وَ مُصَدِّقاً...» ۲ دین،یک جریان است نه یک جرقه،و همه ی انبیا دارای هدفی واحد هستند.

«وَ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْراهِ»

۳ وعده ی محرومیّت زدایی،رفع محدودیّت ها و اعطای آزادی های صحیح و معقول،رمز استقبال مردم است. «لِأُحِلَّ لَکُمْ بَعْضَ الَّذِی حُرِّمَ عَلَیْکُمْ» ۴ بعضی از محدودیّت ها در ادیان سابق،جریمه ی موقّت الهی بوده اند،نه حکم دائمی الهی. «لِأُحِلَّ لَکُمْ بَعْضَ الَّذِی حُرِّمَ عَلَیْکُمْ» ۵ انبیا همان گونه که دارای ولایت تکوینی هستند و قدرت تصرّف در هستی را دارند؛ «أَخْلُقُ لَکُمْ» صاحب ولایت تشریعی نیز هستند و قانون وضع می کنند.

«لِأُحِلَّ لَکُمْ...»

۶ تنها کسی حقّ دارد قانون را عوض کند که رسول خدا و دارای معجزه باشد.

بعد از جمله «لِأُحِلَّ لَکُمْ» جمله «جِئْتُکُمْ بِآیَهٍ» آمده است.

۷ معجزه از شئون ربوبیّت الهی و برای هدایت و تربیت مردم است. «بِآیَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ» ۸ هر کس اهل تعصّب و تحجّر باشد و تغییرات بجا را نپذیرد،تقوا ندارد. «لِأُحِلَّ لَکُمْ» ، «فَاتَّقُوا اللّهَ» ۹ لازمه ی تقوا،اطاعت از پیامبر است. «فَاتَّقُوا اللّهَ وَ أَطِیعُونِ»

ص: ۶۷

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵۱]

اشاره

إِنَّ اَللّٰهَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذٰا صِرٰاطٌ مُسْتَقِیمٌ (۵۱)

به راستی که خداوند،پروردگار من و پروردگار شماست،پس او را بپرستید که این راه مستقیم است.

نکته ها:

بر خلاف انجیل های تحریف شده کنونی،که از خداوند به عنوان پدر عیسی علیه السلام نام می برند،قرآن جمله ی «رَبِّی وَ رَبُّکُمْ» را از زبان حضرت عیسی نقل می کند،تا با هر گونه تفکّر غلط و ادّعای الوهیّت درباره حضرت عیسی مبارزه کند.زیرا خداوند،پروردگار عیسی و سایر مردم است.

حال که بناست راهی را طی کنیم،راه خدا و بندگی او را بپذیریم که راهی مستقیم و بدون انحراف است.در حالی که راههای دیگران دارای لغزشگاه ها، محدودیّت ها و تابع هوس های درونی طاغوت هاست.

پیام ها:

۱ فلسفه ی عبادت ما،ربوبیّت خداوند است. «إِنَّ اللّٰهَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ» ۲ عیسی علیه السلام در مخلوق بودن و تحت تربیت بودن،همانند سایر مردم است. «رَبِّی وَ رَبُّکُمْ» ۳ عبادت و بندگی خدا،راه مستقیم سعادت است. «فَاعْبُدُوهُ هٰذٰا صِرٰاطٌ مُسْتَقِیمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵۲]

اشاره

فَلَمّٰا أَحَسَّ عِیسیٰ مِنْهُمُ اَلْکُفْرَ قٰالَ مَنْ أَنْصٰارِی إِلَی اَللّٰهِ قٰالَ اَلْحَوٰارِیُّونَ نَحْنُ أَنْصٰارُ اَللّٰهِ آمَنّٰا بِاللّٰهِ وَ اِشْهَدْ بِأَنّٰا مُسْلِمُونَ (۵۲)

پس چون عیسی از آنان(بنی اسرائیل)احساس کفر کرد،گفت:کیانند یاران من(در حرکت)به سوی خدا؟ حواریّون(که شاگردان مخصوص او بودند) گفتند:ما یاوران(دین)خدا هستیم که به خداوند ایمان آورده ایم،و تو (ای عیسی!)گواهی ده که ما تسلیم(خدا)هستیم.

نکته ها:

بـا اینکه بنی اسـرائیل،زنـده کردن مردگـان و شـفا دادن کوران را از حضـرت عیسـی علیه السلام دیدنـد،ولی بـاز هم لجاجت ورزیده و کفر می گفتند،به گونه ای که به فرموده ی امام صادق علیه السلام،عیسی سخنان کفرآمیز آنان را می شنید. (۱)

« اَلْحَوٰارِیُّونَ »جمع«حواری»به معنای تغییر دهنده مسیر است.حواریّون،کسانی بودند که مسیر انحرافی مردم را رها و به راه حقّ پیوستند. (۲)تعـداد آنان دوازده نفر بود و اسامی آنان در انجیل مَتّی و لوقا آمده است.امام رضا علیه السلام فرمود:آنان افرادی بودند که هم خود را پاک و نورانی کردند و هم برای پاک کردن دیگران کوشیدند. (۳)

در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:حواریّون عیسـی در مرحله عمل او را رها کردند،ولی حواریّون ما انواع بلاها را به جان می خرند. (۴)

پیام ها:

۱ هوشیاری در شناخت افکار و عقاید مردم،شرط رهبری است. «فَلَمّٰا أَحَسَّ عِیسیٰ مِنْهُمُ الْکُفْرَ» ۲ نفَسِ عیسی،مرده را زنده می کنـد،کـور مـادر زاد را شـفا می بخشـد،امّـا انسـان هـای لجـوج از آن بهره ای نمی برنـد. «فَلَمّٰا أَحَسَّ عِیسیٰ مِنْهُمُ الْکُفْرَ...» ۳ انبیا،گرفتار کفّار لجوج بودنـد و یاران اندک داشـتند. «أَحَسَّ عِیسیٰ مِنْهُمُ الْکُفْرَ» ۴ بی تقوایی و عـدم اطاعت از رهبری،نوعی کفر است. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ» ، «فَلَمّٰا أَحَسَّ عِیسیٰ مِنْهُمُ الْکُفْرَ» ۵ شـناخت نیروهـای وفادار و سازمانـدهی و تمرکز آنان و جـداسازی جبهـه ی حقّ از باطـل،برای رهـبری و ادامـه حرکـت او ضـروری اسـت. «مَنْ أَنْصٰارِی إِلَی اللّٰهِ» ۶ تجدیـد بیعت با رهبری،ارزش سیاسی،اجتماعی و دینی دارا. «نَحْنُ أَنْصٰارُ اللّٰهِ»

ص:۶۹

۱- ۱) .بحار،ج ۱۴،ص ۳۷۳.

۲- ۲) .التحقیق فی کلمات القرآن.

۳- ۳) .تفسیر نمونه.

۴- ۴) .کافی،ج ۸،ص ۲۶۸.

۷ انبیا،مردم را برای خدا می خواهند،نه خود. «مَنْ أَنْصارِی إِلَی اللّهِ» ، «نَحْنُ أَنْصارُ اللّهِ» ۸ یاری کردن منادیان الهی،یاری خداوند است. «نَحْنُ أَنْصارُ اللّهِ» ۹ سبقت در حمایت از رهبران دینی،دارای ارزش است.با اینکه حضرت عیسی طرفدارانی داشت،ولی خداوند از ایمان حواریّون ستایش نموده،و این به خاطر سبقت و صراحت آنان است. «مَنْ أَنْصارِی» ، «نَحْنُ أَنْصارُ اللّهِ» ۱۰ مقام تسلیم در برابر خداوند،پس از مرحله ایمان است. «آمَنّا بِاللّهِ» ، «مُسْلِمُونَ» ۱۱ انبیا،شاهدان و گواهان در قیامت هستند. «وَ اشْهَدْ بِأَنّا مُسْلِمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵۳]

اشاره

رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَ اِتَّبَعْنَا اَلرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ اَلشّاهِدِینَ (۵۳)

پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای ایمان آورده ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

نکته ها:

در عبارت« مَعَ الشّاهِدِینَ »معنای حمایت است که در عبارت« مِنَ الشّاهِدِینَ » نیست.نظیر تفاوت «Bآمَنُوا بِهِ *» و «Bآمَنُوا مَعَهُ *» .چون در آیه ی قبل حضرت عیسی به عنوان شاهد مطرح شد،پس با شاهدان بودن یعنی همراه و یاور انبیا بودن.

پیام ها:

۱ لازمه ی ایمان،اطاعت از پیامبر است. «آمَنّا» ، «وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ» ۲ ایمان به تمام دستورات الهی لازم است. «بِما أَنْزَلْتَ» ۳ از خداوند بخواهیم که ایمان ما را تثبیت کرده و ما را از حامیان انبیا قرار دهد.

«فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵۴]

اشاره

وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اَللّهُ وَ اَللّهُ خَیْرُ اَلْماکِرِینَ (۵۴)

و(دشمنان عیسی)تدبیر خود را(برای کشتن او)بکار بستند.خداوند نیز تدبیر خود را(برای حفظ او)بکار برد و خداوند بهترین تدبیر کننده است.

نکته ها:

امام رضا علیه السلام فرمود:مراد از مکر خدا،کیفرِ مکر است و گر نه او اهل مکر نیست. (۱)

گرچه آیه به یکی از سنّت های الهی اشاره دارد،ولی با توجّه به آیات قبل که حضرت عیسی کفر بنی اسرائیل را احساس کرد و با توجّه به آیه بعد که خداوند عیسی علیه السلام را به آسمان بالا برد،استفاده می شود که مراد از مکر در اینجا،توطئه ی قتل حضرت عیسی است که گروهی در زمان آن حضرت برای خاموش کردن دعوت او نقشه ها کشیده و تدبیرها نمودند،حتّی برای حبس و دستگیری و معرّفی او جایزه تعیین و مقدّمات اعدام و به دار آویختن او را فراهم کردند.امّا خداوند نقشه ی آنها را نقش بر آب کرد و او را به بهترین شکل نجات داد.

پیام ها:

۱ خداوند،پشتیبان اولیای خویش است. «وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللّٰهُ» ۲ تدبیر و حرکت انسان،مقدّمه ی قهر یا لطف خداوند است. «وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللّٰهُ» ۳ کیفرهای الهی،با جرم بشر تناسب و سنخیّت دارد. «وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللّٰهُ» ۴ اراده و تدبیر خدا،بالاتر از هر تلاش،حرکت و تدبیر است. «وَ اللّٰهُ خَیْرُ الْمٰاکِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵۵]

اشاره

إِذْ قٰالَ اَللّٰهُ یٰا عِیسیٰ إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَ رٰافِعُکَ إِلَیَّ وَ مُطَهِّرُکَ مِنَ اَلَّذِینَ کَفَرُوا وَ جٰاعِلُ اَلَّذِینَ اِتَّبَعُوکَ فَوْقَ اَلَّذِینَ کَفَرُوا إِلیٰ یَوْمِ اَلْقِیٰامَهِ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأَحْکُمُ بَیْنَکُمْ فِیمٰا کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ (۵۵)

(بیاد آور)هنگامی که خداوند فرمود:ای عیسی! من تو را(از زمین)برگرفته و به سوی خود بالا- می برم و تو را از کسانی که کافر شده اند،پاک می کنم و تا روز قیامت پیروان تو را بر کافران برتری خواهم داد.سپس بازگشت شما به سوی من است،پس در آنچه اختلاف می کردید،میان شما داوری خواهم کرد.

ص: ۷۱

۱- ۱) .عیون اخبار الرضا،ج ۱،ص ۱۲۶.

نکته ها:

نمونه عینی و عملی تدبیر الهی در برابر مکر دشمنان،در این آیه بیان شده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:معراج حضرت عیسی علیه السلام،در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان بوده است. (۱)

پیام ها:

۱ برای سایر انبیا نیز معراج بوده است. «رافِعُکَ إِلَیَّ» ۲ زندگی در میان کفّار،مایه ی آلودگی،و دوری از آنها،مایه ی پاکی و طهارت است. «مُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا» ۳ پیشگویی غیبی غلبه ی مسیحیّت بر یهود،از معجزات قرآن است. «جاعِلُ الَّذِینَ اتَّبَعُوکَ فَوْقَ الَّذِینَ کَفَرُوا» ۴ پیروی از انبیا،رمز پیروزی است. «جاعِلُ الَّذِینَ اتَّبَعُوکَ فَوْقَ الَّذِینَ کَفَرُوا» ۵ جهانی بودن اسلام،منافاتی با وجود اقلیّت های مذهبی در پناه اسلام ندارد.از عبارت «إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ» استفاده می شود که یهود و نصاری تا قیامت می باشند.

۶ بازگشت همه به سوی خداست و او داور بی چون و چراست. «إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۵۶ تا ۵۷]

اشاره

فَأَمَّا اَلَّذِینَ کَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذاباً شَدِیداً فِی اَلدُّنْیا وَ اَلْآخِرَهِ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِینَ (۵۶) وَ أَمَّا اَلَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّالِحاتِ فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اَللّهُ لا یُحِبُّ اَلظّالِمِینَ (۵۷)

و امّا گروهی که کافر شدند،در دنیا و آخرت به عذابی سخت عذابشان می کنم و برای آنها هیچ یاورانی نیست.

۵۷\۳ وَ أَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللّهُ لا یُحِبُّ الظّالِمِینَ

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

و امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند،پاداش های آنها را(خدا)بطور کامل خواهد داد و خداوند ستمگران را دوست نمی دارد.

نکته ها:

در تفسیر أطیب البیان،نمونه ای از عذاب های دنیوی بنی اسرائیل،این گونه آمده است:۳۷ سال پس از حضرت مسیح،شخصی به نام طیطوس که از قیصرهای روم بود،بر یهود مسلّط شد و میلیون ها نفر از آنان را کشته و هزاران نفر را به اسارت گرفت.او دستور داد اموال آنان را به آتش کشیده و یا غارت کنند و اسیران آنها را طعمه ی درندگان کنند.

در کنار تهدید کفّار،تشویق اهل ایمان لازم است،چنان که در کنار ایمان،انجام کارهای نیک لازم است.

پیام ها:

۱ سروکار کفّار با خودِ خداست. «فَأُعَذِّبُهُمْ» ۲ هر چه اتمام حجّت بیشتر باشد،قهر خدا بر انکار کنندگان بیشتر خواهد بود.

کسانی که زنده کردن مرده را از عیسی می بینند،ولی ایمان نمی آورند،مستحق هر نوع عذابی هستند. «فَأُعَذِّبُهُمْ عَذاباً شَدِیداً» ۳ گاهی خداوند در این دنیا نیز مجازات می دهد. «فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ» ۴ در برابر قهر خدا،هیچ قدرتی نمی تواند مانع باشد. «وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۵۸]

اشاره

ذٰلِکَ نَتْلُوهُ عَلَیْکَ مِنَ اَلْآیاتِ وَ اَلذِّکْرِ اَلْحَکِیمِ (۵۸)

۵۸\۳

(ای پیامبر!)آنچه بر تو می خوانیم،آیه ها و اندرز حکمت آمیز است.

پیام ها:

۱ برای رهبری صحیح و قاطع،نشانه های الهی و بیان محکم و مستدل لازم است. «الْآیاتِ وَ الذِّکْرِ الْحَکِیمِ»

[سوره آل عمران (٣): آیه ۵۹]

اشاره

إِنَّ مَثَلَ عِیسیٰ عِنْدَ اَللّٰهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرٰابٍ ثُمَّ قٰالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ (۵۹)

همانا مَثلِ(آفرینش)عیسی نزد خداوند،همچون مَثلِ(آفرینش)آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود:باش،پس موجود شد.

نکته ها:

گروهی از نصاری وارد مدینه شده و به حضور پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله رسیدند.آنان در گفتگو با پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله ولادت عیسی علیه السلام را بدون داشتن پدر،نشانه و دلیل الوهیّت او عنوان کردند.این آیه نازل شد و جواب آنان را چنین بیان نمود:اگر تولّد بدون پدر، دلیل خدا یا فرزند خدا بودن است،خلقت حضرت آدم که مهم تر است،چون نه پدر داشت و نه مادر.پس چرا شما آدم را خدا یا فرزند خدا نمی دانید؟!

پیام ها:

۱ مخالفان را از همان راهی که پذیرفته اند،به حقّ دعوت کنیم.مسیحیان پذیرفته اند که آدم مخلوق خداست،با اینکه پدر و مادر نداشت. «مَثَلَ عِیسیٰ»، «کَمَثَلِ آدَمَ» ۲ استناد به تاریخ و تجربه های گذشته و ارائه نمونه های عینی بهترین راه دعوت است. «إِنَّ مَثَلَ عِیسیٰ عِنْدَ اللّٰهِ کَمَثَلِ آدَمَ» ۳ قدرت خداوند در خلقت،محدود نیست. «کُنْ فَیَکُونُ»

[سوره آل عمران (٣): آیه ۶۰]

اشاره

اَلْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ فَلاٰ تَکُنْ مِنَ اَلْمُمْتَرِینَ (۶۰)

حق،همان است که از جانب پروردگار توست،پس از تردید کنندگان مباش.

نکته ها:

کلمه ی« اَلْمُمْتَرِینَ »از«مریه»به معنای شک و تردید است.عین این آیه در سوره ی بقره آیه ۱۴۷ نیز آمده است.با این آیه روشن می شود که سخن حقّ و پایدار تنها از

ص: ۷۴

جانب خدایی است که خود حقّ و ثابت است و گر نه از انسان هایی که در طوفان هوسها و غرایز ثباتی ندارند،قانون و سخن پایدار را نمی توان انتظار داشت.

پیام ها:

۱ بیان حق،رمز ربوبیّت و تربیت است. «الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ» ۲ ثبات و حقّانیت،جز در راه خدا،کلام خدا و قانون خداوند،وجود ندارد.

«الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ»

۳ تعداد زیاد مخالفان،تلاش و فعّالیت آنان،و ثروت و تبلیغاتشان،نباید در حقّانیّت راه و عقاید ما تأثیر گذارد. «فَلاٰ تَکُنْ مِنَ الْمُمْتَرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶۱]

اشاره

فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَکَ مِنَ اَلْعِلْمِ فَقُلْ تَعٰالَوْا نَدْعُ أَبْنٰاءَنٰا وَ أَبْنٰاءَکُمْ وَ نِسٰاءَنٰا وَ نِسٰاءَکُمْ وَ أَنْفُسَنٰا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اَللّٰهِ عَلَى اَلْکٰاذِبِینَ (۶۱)

پس هر که با تو،بعد از علم و دانشی که به تو رسیده است،درباره او(عیسی) به ستیز و محاجّه برخیزد(و از قبول حقّ شانه خالی کند)بگو:بیائید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان را(کسی که به منزله خودمان است)و خودتان را بخوانیم،سپس(به درگاه خدا)مباهله و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

نکته ها:

واژه ی« نَبْتَهِلْ »از ریشه ی«ابتهال»به معنای بازکردن دست ها و آرنج ها برای دعا، به سوی آسمان است و این آیه به دلیل این واژه،به آیه ی مباهله معروف گشته است.مباهله،یعنی توجّه و تضرّع دو گروه مخالف یکدیگر،به درگاه خدا و تقاضای لعنت و هلاکت برای طرف مقابل که از نظر او اهل باطل است. (۱)

۱- ۱) .التحقیق فی کلمات القرآن.

در تفاسیر شیعه و سنی و برخی کتب حدیث و تاریخ می خوانیم که در سال دهم هجری،افرادی از سوی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله مأمور تبلیغ اسلام در منطقه نجران از بلاد یمن شدند.مسیحیانِ نجران نیز هیئتی را به نمایندگی از سوی خود برای گفتگو با پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله به مدینه گسیل داشتند.با وجود گفتگوهایی که میان آنان و پیامبر صلی اللّه علیه و آله ردّ و بدل شد،باز هم آنان بهانه جویی کرده و در حقّانیّت اسلام ابراز تردید می کردند.این آیه نازل شد و خطاب به پیامبر فرمود:به کسانی که با تو محاجّه و جدال کرده،و از قبول حقّ شانه خالی می کنند،بگو:بیایید با فراخواندن فرزندان و زنان و خودمان،خدا را بخوانیم و با حالت تضرّع و ابتهال بر دروغگویان نفرین کنیم و هر نفرینی که دامن گروه مقابل را گرفت،معلوم می شود که راه او باطل است و با این وسیله به این گفتگو و جدال پایان دهیم.

هنگامی که نمایندگان مسیحیان نجران،پیشنهاد مباهله را از رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله شنیدند،به یکدیگر نگاه کرده و متحیّر ماندند.آنان مهلت خواستند تا در این باره فکر و اندیشه و مشورت کنند.بزرگِ نصاری به آنها گفت:شما پیشنهاد را بپذیرید و اگر دیدید که پیامبر با سر و صدا و جمعیّتی انبوه برای نفرین می آید،نگران نباشید و بدانید که خبری نیست،ولی اگر با افراد معدودی به میدان آمد،از انجام مباهله صرف نظر و با او مصالحه کنید.

روز مباهله،آنها دیدند که پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله همراه با دو کودک و یک جوان و یک زن بیرون آمدند.آن دو کودک،حسن و حسین علیهما السلام و آن جوان،علیّ بن ابی طالب علیهما السلام و آن زن فاطمه ی زهرا علیها السلام دختر پیامبر صلی اللّه علیه و آله بودند.

اسقف مسیحیان گفت:من چهره هایی را می بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه از جا کنده شود،کنده می شود.اگر این افراد نفرین کنند،یک نفر مسیحی روی زمین باقی نمی ماند.لذا از مباهله اعلام انصراف کرده و حاضر به مصالحه شدند. (1)

---

۱ – ۱) .پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمودند:سوگند به کسی که مرا پیامبر حقّ قرار داد،اگر مباهله انجام می گرفت،آن وادی آتش را بر آنان فرو می ریخت.تفسیر مجمع البیان؛مناقب ابن مغازی،ص ۲۶۳.

این ماجرا،علاوه بر تفاسیر شیعه،در منابع معتبر اهل سنّت نیز آمده است. (۱)

روز مباهله،بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه ذی الحجّه بوده و محل آن در روزگار پیامبر صلی اللّه علیه و آله در بیرون شهر مدینه بوده که اکنون داخل شهر قرار گرفته و در آن محل،مسجدی به نام«مسجد الاجابه»ساخته شده است.فاصله ی این مسجد تا مسجد النّبی تقریباً دو کیلومتر است.«اللهم ارزقنا زیارته و شفاعته» بر اساس روایتی در تفسیر المیزان،دعوت به مباهله مخصوص نصاری نبوده و پیامبر صلی اللّه علیه و آله از یهودیان نیز برای مباهله دعوت کردند.

مباهله،خاصّ زمان پیامبر صلی اللّه علیه و آله نبوده است،بلکه بر اساس برخی از روایات،دیگر مؤمنان نیز می توانند مباهله کنند.امام صادق علیه السلام در این باره دستوراتی داده اند. (۲)

سؤال:در این ماجرا تنها فاطمه زهرا علیها السلام حضور داشت،پس چرا قرآن کلمه ی جمع «نِسٰاءَنٰا» را بکار برده است؟
پاسخ:در قرآن مواردی است که خداوند از یک نفر به صورت«جمع»یاد می کند، مانند آیه ۱۸۱ سوره آل عمران که یک نفر از روی توهین گفت:خدا فقیر است، ولی آیه به صورت جمع می فرماید: «الَّذِینَ قٰالُوا إِنَّ اللّٰهَ فَقِیرٌ» چنان که قرآن درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید:ابراهیم یک امّت است،با آنکه یک نفر بیشتر نبود.

گرچه پیامبر می توانست خود شخصاً نفرین کند و کاری به علیّ،فاطمه،حسن و حسین علیهم السلام نداشته باشد،ولی خدا و رسول،با این عمل به ما فهماندند که این

۱- ۱) .صاحب تفسیر المیزان در جلد سوّم صفحه ۲۵۷ آورده است که ماجرای مباهله را ۵۱ نفر از صحابه به اتّفاق نظر نقل کرده اند.تفاسیر کبیر،آلوسی و مراغی ذیل آیه،در کتاب الکامل ابن اثیر جلد دوّم صحفه ۲۹۳،مستدرک حاکم جلد سوّم صفحه ۱۵۰،مسند احمد حنبل جلد اوّل صفحه ۱۸۵ و همچنین تفاسیر روح البیان،المنار و ابن کثیر و بسیاری از منابع شیعی و سنّی دیگر،این واقعه را ضبط و نقل کرده اند.در کتاب احقاق الحق جلد سوّم صفحه ۴۶ نیز نام شصت نفر از بزرگان اهل سنّت را آورده است که همگی گفته اند:این آیه در عظمت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اوست.
۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین ج ۱،ص ۳۵۱؛اصول کافی،ج ۲،باب مباهله.

افراد،یاران و شریکان رسول خدا در دعوت به حقّ و هدف او هستند و همراه او آماده ی استقبال از خطر بوده و تداوم گر حرکت او می باشند.

پیام ها:

۱ اگر انسان ایمان به هدف داشته باشد،حاضر است خود و نزدیک ترین بستگانش را در معرض خطر قرار دهد. «مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ» ۲ آخرین برگ برنده و سلاح برنده مؤمن،دعاست. «فَقُلْ تَعٰالَوْا نَدْعُ» ۳ فرزند دختری،همچون فرزند پسری،فرزند خود انسان است. «أَبْنٰائِنٰا» بنا بر این امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان پیامبرند.

۴ زن و مرد در صحنه های مختلف دینی،در کنار همدیگر مطرحند. «نِسٰاءَنٰا» ۵ در دعا،حالات اهل دعا مهم است،نه تعداد آنها.گروه مباهله کننده پنج نفر بیشتر نبودند. «أَبْنٰاءَنٰا» ، «نِسٰاءَنٰا» ، «أَنْفُسَنٰا» ۶ علیّ بن ابی طالب علیهما السلام،جان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله است. «أَنْفُسَنٰا» ۷ در مجالس دعا،کودکان را نیز با خود ببریم. «أَبْنٰاءَنٰا» ۸ اهل بیت پیامبر علیهم السلام مستجاب الدعوه هستند. «أَبْنٰاءَنٰا» ، «نِسٰاءَنٰا» ، «أَنْفُسَنٰا» ۹ استمداد از غیب،پس از بکارگیری توانایی های عادّی است. «نَبْتَهِلْ» ۱۰ کسی که منطق و استدلال و معجزه،او را به پذیرش حقّ تسلیم نمی کند،باید با او مباهله کرد. «تَعٰالَوْا» ، «نَبْتَهِلْ» ۱۱ اگر مؤمنان محکم بایستند،دشمن به دلیل باطل بودنش عقب نشینی می کند.

«نَدْعُ»

، «نَبْتَهِلْ» ۱۲ استدلال را باید با استدلال پاسخ داد،ولی مجادله و لجاجت باید سرکوب شود. «لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَی الْکٰاذِبِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۶۲ تا ۶۳]

اشاره

إِنَّ هٰذٰا لَهُوَ اَلْقَصَصُ اَلْحَقُّ وَ مٰا مِنْ إِلٰهٍ إِلاَّ اَللّٰهُ وَ إِنَّ اَللّٰهَ لَهُوَ اَلْعَزِیزُ اَلْحَکِیمُ (۶۲) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اَللّٰهَ عَلِیمٌ بِالْمُفْسِدِینَ (۶۳)

ص: ۷۸

به راستی،داستانِ درستِ(زندگی مسیح)همین است و هیچ معبودی جز خداوند نیست و همانا خداست مقتدر حکیم.

۶۳\۳

پس اگر از حقّ روی گردان شدند،همانا خداوند به(کار و حال)مفسدین آگاه است.

نکته ها:

داستان هایی که بر سر زبان هاست،بر سه نوعند:

۱ رمان ها،افسانه ها و اساطیری که بر پایه خیال بوده و غیر واقعی هستند.

۲ داستان های تاریخی که گاهی راست و مستند و گاهی آمیخته با دروغ و امور نادرست هستند.

۳ رویدادهایی که از زبان وحی به ما رسیده اند،بر اساس حقّ هستند.داستان های قرآنی،همه از این نوع هستند و در آنها وهم،خیال،دروغ و نادرستی راه ندارد.

پیام ها:

۱ اگر قرآن نبود،چهره ی واقعی حضرت مسیح،آلوده با خرافات و مشوّه باقی می ماند. «إِنَّ هٰذٰا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ» ۲ تکرار شعار توحید و پایداری در برابر خرافات،لازم است. «مٰا مِنْ إِلٰهٍ إِلاَّ اللّٰهُ» ۳ هر داستانی درباره پیامبران،که با توحید منافات داشته باشد،ساختگی و باطل است. «لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَ مٰا مِنْ إِلٰهٍ إِلاَّ اللّٰهُ» ۴ روی گردانی انسان از کلام حق،نشانه ی اختیار اوست. «فَإِنْ تَوَلَّوْا» ۵ اعراض از حق،نمونه ای از فساد است،و اعراض کننده مفسد می باشد.

«تَوَلَّوْا»

، «بِالْمُفْسِدِينَ» ۶ علم خداوند به کارهای مفسدان،بزرگ ترین هشدار است. «عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ»

ص :۷۹

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶۴]

اشاره

قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلاّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنّا مُسْلِمُونَ (۶۴)

بگو:ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیایید که میان ما و شما مشترک است.جز آنکه خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرد.پس اگر(از این پیشنهاد)سرباز زدند، بگویید:گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خدائیم.

نکته ها:

دعوت به سوی توحید و حقّ،لازم است.خواه با استدلال،خواه با مباهله و خواه از طریق دعوت به مشترکات.

در تفسیر مراغی آمده است:عدیّ بن حاتم بعد از اسلام آوردن،به پیامبر صلی اللّه علیه و آله عرض کرد:ما زمانی که مسیحی بودیم،هرگز یکدیگر را«ربّ»خود قرار نمی دادیم،پس مراد از جمله ی« لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً »چیست؟ پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمودند:آیا علمای شما احکام خدا را تغییر نمی دادند؟ گفت:چرا! فرمودند:

پیروی از عالمی که قانون خدا را تغییر دهد،یک نوع بندگی و بردگی اوست.

پیام ها:

۱ مسلمانان باید بر سر مشترکات،با اهل کتاب به توافق برسند. «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ...» ۲ باید در دعوت به وحدت،پیش قدم بود. «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ» ۳ اگر به تمام اهدافِ حقّ خود دست نیافتید،از تلاش برای رسیدن به بعضی از آن خودداری نکنید. «تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ...» ۴ یکی از مراحل تبلیغ،دعوت به مشترکات است. «کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ» قرآن می تواند محور مشترک خوبی برای دعوت باشد،زیرا هم تاریخ انبیا را دارد و

هم از تحریف به دور بوده است.

۵ در تبلیغ و دعوت دیگران،باید به عقاید حقّه و مقدّسات طرف مقابل،احترام گذارد. «كَلِمَةٍ سَوٰاءٍ بَيْنَنٰا وَ بَيْنَكُمْ» ۶ یگانه پرستی و بیزاری از شرک،از مشترکات تمام ادیان آسمانی است. «كَلِمَةٍ سَوٰاءٍ» ، «أَلاّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّٰهَ» ۷ توحید،سبب تعالی انسان است.« تَعٰالَوْا »در جایی بکار می رود که دعوت به رشد و بالا آمدن باشد. «تَعٰالَوْا» ، «أَلاّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّٰهَ» ۸ اطاعت بی چون و چرا از دیگر انسان ها،نشانه ی پذیرش نوعی ربوبیّت برای آنها ویک نوع عبودیّت برای ماست.در حالی که همه ی انسان ها با یکدیگر مساوی هستند. «لاٰ يَتَّخِذَ بَعْضُنٰا بَعْضاً أَرْبٰاباً» ۹ اندیشه ی آزاد و شخصیّت مستقل،شعار قرآن است. «لاٰ يَتَّخِذَ بَعْضُنٰا بَعْضاً أَرْبٰاباً» ۱۰ اعراض و سرپیچی مخالفان نباید در اراده و ایمان ما اثر بگذارد. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنّٰا مُسْلِمُونَ» ۱۱ هر مبلّغی باید سرپیچی و اعراض مردم را پیش بینی کند تا مأیوس نشود.

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا...»

۱۲ پس از استدلال و برهان،جَدل را قطع کنید. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا...» ۱۳ بندگی خدا،نفی شرک و طرد حاکمیّت غیر خداوند،از ویژگی های یک مسلمان واقعی است. «اشْهَدُوا بِأَنّٰا مُسْلِمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶۵]

اشاره

يٰا أَهْلَ اَلْكِتٰابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرٰاهِيمَ وَ مٰا أُنْزِلَتِ اَلتَّوْرٰاةُ وَ اَلْإِنْجِيلُ إِلاّٰ مِنْ بَعْدِهِ أَ فَلاٰ تَعْقِلُونَ (۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ی ابراهیم گفتگو و نزاع می کنید؟(و هر کدام او را پیرو آیین خود می دانید،)در حالی که تورات و انجیل،پس از او نازل شده است،چرا تعقّل نمی کنید؟

ص :۸۱

نکته ها:

هر یـک از یهود و نصاری،ابراهیم علیه السـلام را از خود می دانسـتند و به قـدری بازار این ادّعا داغ بود که قرآن در دو آیه ی بعد می فرماید: «مٰا کٰانَ إِبْرٰاهِیمُ یَهُودِیًّا وَ لاٰ نَصْرٰانِیًّا» این آیه برای پوچی ادّعای آنها می گوید:چگونه شما ابراهیم را که قبل از تورات و انجیل بوده،تابع آن دو کتاب می دانیـد؟ کتابی که هنوز نازل نشـده است،پیرو ندارد.آیا حاضـر نیستید این مقدار هم فکر کنید که لا اقل حرف شما با تاریخ منطبق باشد.

پیام ها:

۱ هنگـام موعظه،از القـاب متین و عنـاوین فرهنگی مخـاطبین اسـتفاده شود. «یٰا أَهْـلَ الْکِتٰابِ» ۲ علم و کتـاب،از چنان ارزشـی برخوردارند که منسوبین به آن نیز محترمند.

اهل کتاب،اهل قلم،اهل علم. «یٰا أَهْلَ الْکِتٰابِ» ۳ سعی نکنید با انتساب شخصیّت ها به خود،حقّانیت خود را اثبات کنید.

«لِمَ تُحَاجُّونَ فِی إِبْرٰاهِیمَ»

به جای نزاع در انتساب شخصیّت های والا،از فکر آنان پیروی کنید.

۴ ادّعاهای خود را مستند و هماهنگ با منطق و فطرت و تاریخ قرار دهید. «وَ مٰا أُنْزِلَتِ التَّوْرٰاهُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶۶]

اشاره

هٰا أَنْتُمْ هٰؤُلاٰءِ حٰاجَجْتُمْ فِیمٰا لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِیمٰا لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ اَللّٰهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ (۶۶)

هـان(ای اهل کتاب!)شـما همانان هستیـد که درباره(حضـرت عیسـی و)آنچه بـدان علم داشتیـد محاجّه و نزاع کردیـد،پس چرا درباره(ابراهیم و)آنچه بدان علم ندارید نزاع می کنید؟ در حالی که خداوند می داند و شما نمی دانید.

نکته ها:

این آیه تذکّر و هشداری است به اهل کتاب،که شما در مورد آنچه بدان علم و آگاهی دارید،اشکال تراشی و سؤالات بی جا می کنید.با آنکه شما زندگی طبیعی حضرت عیسی و نیاز او به غذا و مسکن و لباس را دیده اید،ولی باز هم در مورد او به گفتگو نشسته اید.گروهی او را دروغگو و گروهی فرزند خدا می پندارید. (1)و یا در شناخت محمّد صلی اللّه علیه و آله که نشانه هایش در تورات و انجیل آمده و برای شما شناخته شده است،به بحث و گفتگو می پردازید. (2)شما که درباره معلومات،اهل جدال و بحث هستید و به نقطه ی توافقی نمی رسید،دیگر چه کار به مسأله ای دارید که در مورد آن علم ندارید؟ مثل اینکه مذهب حضرت ابراهیم چه بوده است؟

پیام ها:

۱ افراد مغرور و لجوج را تحقیر کنید. «هٰا أَنْتُمْ هٰؤُلاٰءِ» ۲ افراد لجوج،حتّی در امور روشن به نزاع می نشینند. «حٰاجَجْتُمْ فِیمٰا لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ» ۳ اگر سرچشمه ی مباحثات،تحقیق باشد ارزش دارد،ولی اگر برای طفره رفتن باشد،مورد انتقاد است. «حٰاجَجْتُمْ فِیمٰا لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶۷]

اشاره

مٰا کٰانَ إِبْرٰاهِیمُ یَهُودِیًّا وَ لاٰ نَصْرٰانِیًّا وَ لٰکِنْ کٰانَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ مٰا کٰانَ مِنَ اَلْمُشْرِکِینَ (۶۷)

(بر خلاف ادّعای یهودیان و مسیحیان،)ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او فردی حق گرا و تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود.

نکته ها:

«حنف»،به معنای گرایش به حقّ است و در مقابل آن واژه ی«جنف»،معنی گرایش و تمایل به باطل را می دهد.بنا بر این«حنیف»به کسی گفته می شود که در مسیر

۱- ۱) .تفاسیر المیزان،فی ظلال،مراغی و المنار.

۲- ۲) .تفاسیر مجمع البیان و قرطبی.

باشد،ولی بت پرستان آن را در مورد خود بکار می بردند و مشرکان نیز«حنفاء» خوانده می شدند.

این آیه،با آوردن کلمه ی «مُسْلِماً» در کنار کلمه ی «حَنِيفاً» ،هم دامن ابراهیم را از لوث شرک پاک کرده است و هم دامن این کلمه ی مقدّس را از لوث مشرکان. (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر عبارت «حَنِيفاً مُسْلِماً» فرمودند:«خالصا مخلصا لیس فیه شیء من عباده الاوثان»یعنی ابراهیم شخصی خالص و برگزیده بود که در او ذره ای از پرستش بت ها نبود. (۲)

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶۸]

اشاره

إِنَّ أَوْلَى اَلنّاسِ بِإِبْراهِيمَ لَلَّذِينَ اِتَّبَعُوهُ وَ هٰذَا اَلنَّبِيُّ وَ اَلَّذِينَ آمَنُوا وَ اَللّٰهُ وَلِيُّ اَلْمُؤْمِنِينَ (۶۸)

همانا سزاوارترین افراد به ابراهیم،کسانی هستند که از او پیروی کردند و (نیز)این پیامبر و کسانی که(به او)ایمان آورده اند،و خداوند سرور و سرپرست مؤمنان است.

نکته ها:

از این آیه معلوم می شود که نسبت ایمانی،فراتر و محکم تر از نسبت خویشاوندی است و افرادی که همفکر و هم خط و هم هدف باشند،به همدیگر نزدیک تر از کسانی هستند که در ظاهر قوم و خویشند،ولی به لحاظ فکری و اعتقادی از همدیگر جدایند.امام صادق علیه السلام به یکی از یاران با وفایش فرمود:

«انتم و الله من آل محمد»به خدا سوگند که شما از آل محمّد صلی اللّه علیه و آله هستید.و سپس آیه فوق را تلاوت فرمود. (۳)رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله نیز در مورد سلمان فارسی فرمودند:«سلمان منا اهل البیت» (۴)

۱- ۱) .حضرت علی علیه السلام فرمودند:دین ابراهیم همان دین محمّد صلی اللّه علیه و آله بود.بحار،ج ۱۲،ص ۱۱.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۲،ص ۱۵..

۳- ۳) .تفسیر مجمع البیان.

۴- ۴) .بحار،ج ۱۰،ص ۱۲۳.

بـا اینکه آیه فرمود:نزدیـک ترین مردم به ابراهیم،پیروان او هسـتند،لکن نام پیامبر اسـلام و مسـلمانان را جـداگانه برد،تا بهترین نمونه ی پیروی را در وجود حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و مسلمانان،به دنیا نشان دهد.

در روایـتی آمـده اسـت:«ان ولی محمـد مـن اطـاع الله و ان بعـدت لحمتـه،و ان عـدو محمـد مـن عصــی الله و ان قربـت قرابتـه» (۱)دوست و طرفـدار محمّـد صـلی اللّه علیه و آله کسـی است که خدا را اطاعت کند،هر چند به لحاظ فامیلی از او دور باشد و دشمن پیامبر کسی است که خدا را نافرمانی کند،هر چند با پیامبر نسبت و نزدیکی داشته باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:مراد از« اَلَّذِینَ آمَنُوا »در آیه،امامان و پیروان آنها هستند. (۲)

پیام ها:

۱ پیونـد مردم بـا رهبر،پیونـد مکتبی است،نه پیونـد قبیله ای،زبـانی،منطقه ای و نژادی. «إِنَّ أَوْلَی النّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ» ۲ ملاـک قُرب به انبیا،اطاعت از آنان است. «أَوْلَی النّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ» ۳ پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله و مسلمانان،در خط ابراهیم و هم مرام و هم هدف با او هستند. «أَوْلَی النّاسِ بِإِبْراهِیمَ» ، «وَ هٰذَا النَّبِیُّ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۶۹]

اشاره

وَدَّتْ طائِفَهٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ یُضِلُّونَکُمْ وَ ما یُضِلُّونَ إِلاّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما یَشْعُرُونَ (۶۹)

گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند،ولی جز خودشان را گمراه نمی کنند و(این را)نمی فهمند.

نکته ها:

سیمای تهاجم فرهنگی و توطئه های دشـمن برای بی دین کردن مسـلمانان را در این آیه و سه آیه بعد می بینیم.این آیه خبر از کینه های مکتبی،آیه بعد خبر از

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

۲- ۲) .کافی،ج ۱،ص ۴۱۶.

لجاجت و کفر،آیه هفتاد و یکم خبر از شیوه حق پوشی و کتمان آگاهانه،و آیه هفتاد و دوّم خبر از تاکتیک فریبنده ی دشمن می دهد که مجموعاً یک تهاجم فرهنگی برخاسته از باطن تاریک،بکارگیری شیوه های کتمان،زیر سؤال بردن و تضعیف و تزلزل عقاید توده ی مردم است.

پیام ها:

۱ خداوند،نقشه های دشمنان دین را افشا و آنان را رسوا می کند. «وَدَّتْ طائِفَةٌ...» ۲ شناخت دشمن و برنامه های او،لازمه ی در امان ماندن از آسیب های احتمالی است. «وَدَّتْ طائِفَةٌ...» ۳ خطر تهاجم فکری و فرهنگی،جدّی است. «وَدَّتْ طائِفَةٌ...» ۴ به اظهاراتِ منافقانه ی مخالفان اعتماد نکنید،آنها قلباً خواستار انحراف شما هستند. «وَدَّتْ طائِفَةٌ...» ۵ در قضاوت ها،انصاف را فراموش نکنید.گروهی از اهل کتاب،چنین آرزویی دارند،نه همه ی آنها. «وَدَّتْ طائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ» ۶ باید کاری کنید که دشمن آرزوی انحراف شما را به گور ببرد.کلمه« لَوْ »در موارد ناشدنی بکار می رود. «لَوْ يُضِلُّونَكُمْ» ۷ کسانی که در صدد انحراف دیگران هستند،ابتدا خود مرتکب حیله،نفاق، کینه،تهمت و توطئه می شوند. «وَ ما يُضِلُّونَ إِلاّ أَنْفُسَهُمْ» ۸ میل به انحراف دیگران،خود یک انحراف بزرگ اخلاقی است. «وَدَّتْ» ، «وَ ما يُضِلُّونَ إِلاّ أَنْفُسَهُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۰]

اشاره

يا أَهْلَ اَلْكِتابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآياتِ اَللّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰)

ای اهل کتاب چرا به آیات خداوند(و نشانه های نبوّت رسول خدا)کفر می ورزید،در حالی که خود(به درستی آن)گواهید.

نکته ها:

ظاهراً این آیه به بشارت هایی نظر دارد که اهل کتاب در تورات و انجیل درباره حضرت محمد صلی اللّه علیه و آله خوانده بودند،ولی به خاطر حفظ موقعیّت اجتماعی و منافع مادّی،همه ی آن نشانه های الهی را نادیده گرفتند.

پیام ها:

۱ سؤال از و جدان،بهترین راه دعوت است. «لِمَ تَکْفُرُونَ...» ۲ دانستن تنها کفایت نمی کند،پذیرفتن نیز لازم است. «تَکْفُرُونَ» ، «تَشْهَدُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۱]

اشاره

یا أَهْلَ اَلْکِتابِ لِمَ تَلْبِسُونَ اَلْحَقَّ بِالْباطِلِ وَ تَکْتُمُونَ اَلْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حقّ را به باطل مشتبه می سازید و(یا)حقّ را کتمان می کنید، در حالی که خود(به حقّانیت آن)آگاهید.

نکته ها:

امام صادق علیه السلام درباره ی« وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ »فرمودند:یعنی اهل کتاب به صفات ذکر شده برای پیامبر در تورات آگاهند،(ولی آن را کتمان می کنند). (۱)

بسیاری از تحریف گران،با نام اسلام شناس،مستشرق،مورّخ و جهانگرد،در کتاب ها و ثبت مکان ها و زمان های تاریخی تصرّف کردند و در دائره المعارف ها به عنوان محقّق چنان سیمایی از اسلام ترسیم کردند که خواننده به فکر ایمان و تأمّل در عقاید اسلامی نیفتد.

پیام ها:

۱ تلبیس،مشتبه کردن و کتمان حق،دو اهرم نیرومند دشمن برای ایجاد انحراف

۱- ۱) .تفسیر قمی،ج ۱،ص ۱۰۵.

در بین مؤمنـان است.در دو آیه قبـل فرمـود: «یُضِلُّونَکُمْ...» در این آیه می فرمایـد: «تَلْبِسُونَ» ، «تَکْتُمُونَ» ۲ کتمـان حقّ،حرام و اظهار آن واجب است. «تَکْتُمُونَ الْحَقَّ...»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۲]

اشاره

وَ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ اَلْکِتابِ آمِنُوا بِالَّذِی أُنْزِلَ عَلَی اَلَّذِینَ آمَنُوا وَجْهَ اَلنَّهارِ وَ اُکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (۷۲)

و گروهی از اهل کتاب گفتند:به آنچه بر مؤمنان نازل شده است،در آغاز روز ایمان آورید و در پایان روز کافر شوید،شاید(با این حیله آنها از اسلام)باز گردند.

نکته ها:

دوازده نفر از دانشـمندان یهود،تصمیم گرفتند برای ایجاد تزلزل و تردید در مسلمانان،صبحگاهان نزد حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله آمده و اظهار ایمان کنند،ولی در آخر روز از اسلام برگردند و بگویند:ما محمّد و آیین او را دیدیم،ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده است،مطابقت ندارد.آنها با این نقشه ی ماهرانه می خواستند به هم کیشان خود این طور وانمود کنند که اگر اسـلام مکتب خوبی بود،اهل علم و کتاب از آن دست برنمی داشتند،با این کار هم در مسلمانان تردید بوجود آورند و هم سایر یهودیان را از مسلمان شدن بازدارند.خداوند متعال نیز با نزول این آیه، نقشه ی آنان را برملا ساخت.

در روایتی از امام صادق علیه السـلام آمـده است:وقتی رسول خـدا علیه السـلام فرمان تغییر قبله از بیت المقـدس به کعبه را در هنگـام نمـاز ظهر ابلاـغ کردنـد،یهـود گفتنـد:به آنچه در آغـاز روز بوده ایمـان آوریـد،ولی بـدانچه در پایـان روز آمـده(تغییر قبله)کفر ورزید تا آنان از آن قبله بازگردند و به طرف بیت المقدس نماز بخوانند. (۱)

۱- ۱) .مستدرک،ج ۳،ص ۱۶۹.

پیام ها:

۱ دشمنان برای انحراف مسلمانان،برنامه ریزی می کنند.در آیه ۶۹ خواندیم که اهل کتاب دوست دارند شما را منحرف سازند،این آیه به نقشه ی آنان برای رسیدن به آن هدف می پردازد. «یُضِلُّونَکُمْ» ، «قٰالَتْ طٰائِفَةٌ» ۲ چه بسا گروهی با نام اسلام،در صفوف مسلمانان نفوذ کرده و از پشت خنجر بزنند،لذا باید هشیار بود. «آمِنُوا» ، «وَ اکْفُرُوا» ، «لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» ۳ مسلمان نباید ساده اندیش و زودباور بوده و به هر اظهار ایمانی،اعتماد کند.

«آمِنُوا»

، «وَ اکْفُرُوا» ۴ خداوند در مراحل حسّاس،از اسرار و توطئه های دشمنان پرده برمی دارد.

«آمِنُوا»

، «وَ اکْفُرُوا» ۵ باید در مرحله ای از ایمان قرار بگیریم که بازگشت برخی مسلمانان از دین، مایه ی تزلزل ما نگردد. «وَ اکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» ۶ یکی از سیاست های دشمن،ایجاد ارتباط و سپس قطع آن،به منظور ایجاد تزلزل در جامعه است. «لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۳]

اشاره

وَ لاٰ تُؤْمِنُوا إِلاّٰ لِمَنْ تَبِعَ دِینَکُمْ قُلْ إِنَّ اَلْهُدیٰ هُدَی اَللّٰهِ أَنْ یُؤْتیٰ أَحَدٌ مِثْلَ مٰا أُوتِیتُمْ أَوْ یُحٰاجُّوکُمْ عِنْدَ رَبِّکُمْ قُلْ إِنَّ اَلْفَضْلَ بِیَدِ اَللّٰهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشٰاءُ وَ اَللّٰهُ وٰاسِعٌ عَلِیمٌ (۷۳)

(بزرگان یهود،برای جلوگیری از گرایش یهود به اسلام،به آنان می گفتند:)جز به کسی که آیین شما را پیروی کند،ایمان نیاورید.(زیرا دینِ حقّ منحصر به ماست.ای پیامبر! به آنان)بگو:راه سعادت راهی است که خدا بنماید(و مانعی ندارد)که به امّتی دیگر نیز همانند آنچه(از کتاب و شریعت)به شما داده شده،داده شود،تا در نزد پروردگار با شما احتجاج کنند.(همچنین ای پیامبر! به آنان)بگو:فضل و رحمت بدست خداست،او به هر که بخواهد عطا می کند و خداوند دارای رحمت وسیع و علم بی انتهاست.

ص :۸۹

نکته ها:

اهل کتاب،از گرایش یهود به اسلام نگران بودند و برای پیشگیری از آن تبلیغ می کردند. «لاٰ تُؤْمِنُوا إِلاّٰ لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ»

پیام ها:

۱ دشـمنان اسـلام،در توطئه های خود سـفارش به پنهان کاری می کننـد و به غیر خود نیز اعتماد ندارنـد. «لاٰ تُؤْمِنُوا إِلاّٰ لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ» (1) ۲ هدایت الهی،یک جریان مستمر در طول تاریخ بوده است و اختصاص به قوم خاصّی ندارد. «إِنَّ الْهُدىٰ هُدَى اللّٰهِ» ۳ تعصّب و خودبرتربینی،یکی از آفت هـای دینـداری است. «إِلاّٰ لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ» ۴ الطاف پروردگار،در انحصار گروه خاصّی نیست.نبـوّت و هـدایت،فضـل الهی است که به هر کس بخواهـد می دهـد. «إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ» ۵ گزینش پیـامبران از سـوی خداوند،بر اساس علم اوست. «وٰاسِعٌ عَلِيمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۴]

اشاره

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ اَللّٰهُ ذُو اَلْفَضْلِ اَلْعَظِيمِ (۷۴)

(خداوند)هر که را بخواهد به رحمت خویش اختصاص دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

نکته ها:

ایـن آیـه،تصـوّر غلـط یهـود را کـه خداونــد هیــچ قـومی را ماننـد یهـود مـورد لطـف خـویش قرار نمی دهـد،نفی کرده و می فرمایـد:خداونـد بهتر می دانـد چه کسـی را عهـده دار رسالت خویش بگردانـد.او در میان بنـدگانش لایق ترین فرد را انتخاب نموده و مورد لطف خاص خویش قرار می دهد.خداوند،هم لطفش توسعه دارد و هم حکمتش انتخابگر است.

ص: ۹۰

۱- ۱) .یکی از معانی ایمان،اعتماد و اطمینان است.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۵]

اشاره

وَ مِنْ أَهْلِ اَلْکِتٰابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطٰارٍ یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِینٰارٍ لاٰ یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ إِلاّٰ مٰا دُمْتَ عَلَیْهِ قٰائِماً ذٰلِکَ بِأَنَّهُمْ قٰالُوا لَیْسَ عَلَیْنٰا فِی اَلْأُمِّیِّینَ سَبِیلٌ وَ یَقُولُونَ عَلَی اَللّٰهِ اَلْکَذِبَ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ (۷۵)

و از اهل کتاب کسانی هستند که اگر او را بر اموال بسیاری امین گردانی،به تو باز می گردانند و بعضی از آنان(به قدری نادرستند که)اگر او را بر دیناری امین گردانی،آن را به تو برنمی گردانند،مگر آنکه(برای مطالبه آن)دائماً بالای سر او بایستی،این(خیانت در امانت،)به جهت آن است که گفتند:درباره ی امّیین(غیر اهل کتاب)هر چه کنیم بر ما گناهی نیست،در حالی که آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می بندند.

نکته ها:

در روایات آمده است که امانت را به صاحبش برگردانید،حتّی اگر صاحب امانت،فاسق باشد. (۱)

پیام ها:

۱ در مورد مخالفانِ خود،انصاف را مراعات کنید و همه را خائن ندانید. «مِنْ أَهْلِ الْکِتٰابِ» ، «یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ» ۲ امانتداری،ملاکی برای ارزشیابی افراد است. «یُؤَدِّهِ» ، «لاٰ یُؤَدِّهِ» ۳ ارزشهای اخلاقی،ثبات دارند.حفظ امانت،در نزد همه نیکو،و خیانت در آن،نسبت به هر کسی باشد زشت است.ردّ امانت،یک ارزش است،گرچه از یهود باشد. «یُؤَدِّهِ» ، «لاٰ یُؤَدِّهِ» ۴ قیام و مقاومت،برای گرفتن حقّ لازم است. «لاٰ یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ إِلاّٰ مٰا دُمْتَ عَلَیْهِ قٰائِماً»

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان،ج ۲،ص ۷۷۸.

۵ استثمار،استحمار و نژادپرستی،ممنوع است. «لَيْسَ عَلَيْنا فِي الْأَمِّيِّينَ سَبِيلٌ» ۶ یهود و نصاری،خود را اندیشمند،و مسلمانان را بی سواد و امّی می پنداشتند.

«لَيْسَ عَلَيْنا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ»

۷ بالاتر از گناه،توجیه گناه است.یهود اموال مردم را به ناحق می خوردند و می گفتند:خداوند به این کار راضی است. «يَقُولُونَ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۶]

اشاره

بَلى مَنْ أَوْفى بِعَهْدِهِ وَ اِتَّقى فَإِنَّ اَللّهَ يُحِبُّ اَلْمُتَّقِينَ (۷۶)

آری،هر کس به عهد خویش وفا کند و تقوا داشته باشد،پس بی گمان خداوند پرهیزکاران را دوست می دارد.

نکته ها:

وفای به عهد در تمام موارد زیر لازم است:

الف:عهدی که خداوند از طریق فطرت یا انبیا با انسان ها بسته است. (۱)

ب:عهدی که انسان با خدا می بندد. (۲)

ج:عهدی که انسان با مردم می بندد. (۳)

د:عهد رهبر با امّت و بالعکس. (۴)

پیام ها:

۱ در برابر تفکّرات غلط،موضع بگیرید. «بَلى» (۵)۲ تقوی،انسان را از دروغ بستن به خدا و ضایع کردن حقّ مردم بیمه می کند.

«يَقُولُونَ»

، «الْكَذِبَ» ، «بَلى مَنْ أَوْفى بِعَهْدِهِ وَ اتَّقى»

۱- ۱) . «أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يا بَنِي آدَمَ...» یس،۶۰.

۲- ۲) . «وَ مِنْهُمْ مَنْ عاهَدَ اللّهَ لَئِنْ آتانا مِنْ فَضْلِهِ...» توبه،۷۵.

۳- ۳) . «وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا...» بقره،۱۷۷.

۴- ۴) . «الَّذِينَ عاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ» انفال،۵۶.

۵- ۵) .کلمه «بَلى» غالباً در موردى بكار مى رود كه منطق و تفكّر قبلى را رد مى كند.

۳ شعار،کار ساز نیست،عمل و تقوا لازم است. «أَوْفى بِعَهْدِهِ وَ اتَّقى» ۴ وفای به عهد،از نشانه های تقواست. «أَوْفى بِعَهْدِهِ وَ اتَّقى» ۵ وفای به عهد و تقوا،ملاک محبوبیّت است،نه اهل کتاب بودن. «يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۷]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اَللّهِ وَ أَيْمانِهِمْ ثَمَناً قَلِيلاً أُولئِكَ لا خَلاقَ لَهُمْ فِي اَلْآخِرَةِ وَ لا يُكَلِّمُهُمُ اَللّهُ وَ لا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ اَلْقِيامَةِ وَ لا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ ٧٧ ÙIęЙ...ř)

همانا کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خودشان را به بهای ناچیزی می فروشند،آنان برایشان نصیبی در آخرت نیست و خداوند در قیامت با آنها سخن نمی گوید و به آنان نیز نظر(لطف)نمی کند،آنها را(از گناه)پاک نمی سازد و برای آنان عذابی دردناک است.

نکته ها:

این آیه،کسانی را که پیمان شکنی می کنند،به پنج نوع قهر الهی تهدید می کند:

بی بهرگی در آخرت،محرومیت از خطاب الهی،محرومیّت از نظر لطف الهی، محرومیّت از پاکی از گناه و گرفتاری به عذاب دردناک.

در روایات شیعه و سنّی آمده است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمودند:«لا ایمان لمن لا أمان له و لا دین لمن لا عهد له»کسی که مراعات امانت نکند،ایمان ندارد و آن کسی که به عهد خویش وفادار نباشد بی دین است. (۱)

در بعضی روایات آمده است که مراد از« بِعَهْدِ اللّهِ »،حقایق مربوط به پیامبر اسلام در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته است.

مقایسه کنیم وضع کسانی را که از جانب خداوند به آنها سلام داده می شود؛ «سَلامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ» (۲)با کسانی که خدا هیچ سخنی با آنان نگوید؛ «لا يُكَلِّمُهُمُ

۱- ۱) .تفسیر مراغی و نور الثقلین.

۲- ۲) .یس،۵۸.

اَللّهِ»

و اگر ناله ای سر دهند با جمله ی «اخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ» (۱)خفه می شوند.

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمودند:هر کس با سوگند،مال و ثروت برادرش را به ناحق بخورد،مورد غضب الهی است.سپس این آیه را تلاوت نمودند. (۲)

حضرت علی علیه السلام فرمودند:مراد از نگاه خداوند در قیامت؛ «لا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ» نگاه رحمت است،(نه نگاه با چشم). (۳)

پیام ها:

۱ امانت مردم نزد انسان،عهد الهی است.در آیات قبل خواندیم که بعضی امانت مردم را بر نمی گردانند،در این آیه به جای امانت مردم،کلمه ی «بِعَهْدِ اللّهِ» بکار رفته است.

۲ پیمان شکنی،از گناهان کبیره است.این نوع تهدید پی در پی،در باره هیچ گناهی در قرآن مطرح نشده است. «يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللّهِ» ، «لا خَلاقَ لَهُمْ...» ۳ سوگند دروغ،سبب محرومیّت در قیامت می شود. «يَشْتَرُونَ» ، «أَيْمانِهِمْ» ۴ دنیاپرستی،ریشه ی پیمان شکنی است. «ثَمَناً» ۵ بهای پیمان شکنی هر چه باشد،کم است. «ثَمَناً قَلِيلاً» ۶ کیفرهای قیامت،متناسب با عملکرد خود ماست.بی اعتنایی ما به تعهّدات الهی،سبب بی اعتنایی خدا به ماست. «لا يُكَلِّمُهُمُ» ، «لا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ» ، «لا يُزَكِّيهِمْ» ۷ عذاب های اخروی،هم جسمی است و هم روحی.هم تحقیر است؛ «لا يُكَلِّمُهُمُ اللّهُ» و هم شکنجه و مجازات. «وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۷۸]

اشاره

وَ إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقاً يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ اَلْكِتابِ وَ ما هُوَ مِنَ اَلْكِتابِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اَللّهِ وَ ما هُوَ مِنْ عِنْدِ اَللّهِ وَ يَقُولُونَ عَلَى اَللّهِ اَلْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۷۸)

۱- ۱) .مؤمنون،۱۰۸.

۲- ۲) . تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۲۹۳.

و همانا از ایشان(اهل کتاب)گروهی هستند که زبان خود به خواندن کتاب(و دست نوشته ی خودشان چنان)می چرخانند که شما گمان کنید آن از کتاب آسمانی است،در حالی که از کتاب نیست و می گویند:آن(چه ما می خوانیم)از جانب خداست،در حالی که از جانب خدا نیست و آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می بندند.

نکته ها:

گناه علما و دانشمندانِ بی تقوا چند برابر است،زیرا:

الف:مردم را به اشتباه می اندازند. «لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْکِتابِ» ب:به خداوند دروغ می بندند. «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ» ج:تمام این حرکت ها را آگاهانه انجام می دهند. «وَ هُمْ یَعْلَمُونَ»

پیام ها:

۱ در قضاوت ها،انصاف داشته باشیم و همه را به یک دید نگاه نکنیم. «وَ إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِیقاً...» ۲ حضور دانشمندان خائن در میان اهل کتاب،قطعی است. «لَفَرِیقاً» ۳ عوام فریبی و لفّاظی،از گناهان دانشمندان است. «یَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ» ۴ نطق خوب،اگر در مسیر حقّ نباشد،وسیله ای برای انحراف است. «یَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ» ۵ گمراه کنندگان،مقدّسات مذهبی و کتب آسمانی را دستاویز خود قرار می دهند. «بِالْکِتابِ» ۶ التقاط،یکی از حربه های زهرآگین فرهنگی دشمن است. «لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْکِتابِ» ۷ اگر دشمن زمینه ی پذیرش انحراف را در شما ببیند،ادّعاهای خطرناک تری مطرح می کند. «لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْکِتابِ» ، «یَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ» ۸ بزرگ ترین خیانت به فرهنگ و عقیده ی انسان،تحریفِ آگاهانه و مغرضانه ی علما و خواصّ است. «یَقُولُونَ عَلَی اللّهِ الْکَذِبَ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ»

ص:۹۵

[سوره آل عمران (٣): آیه ٧٩]

اشاره

مٰا کٰانَ لِبَشَرٍ أَنْ یُؤْتِیَهُ اَللّٰهُ اَلْکِتٰابَ وَ اَلْحُکْمَ وَ اَلنُّبُوَّةَ ثُمَّ یَقُولَ لِلنّٰاسِ کُونُوا عِبٰاداً لِی مِنْ دُونِ اَللّٰهِ وَ لٰکِنْ کُونُوا رَبّٰانِیِّینَ بِمٰا کُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ اَلْکِتٰابَ وَ بِمٰا کُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (٧٩)

هیچ(پیامبر و)بشری که خداوند به او کتاب و حکم و نبوّت داده است،حقّ ندارد به مردم بگوید:به جای خدا،بندگان من باشید.بنا بر این(شما دانشمندان اهل کتاب به طریق اولی چنین حقّی ندارید،بلکه باید)به خاطر سابقه ی آموزش کتاب و تدریسی که دارید،ربّانی باشید.

نکته ها:

امتیاز پیامبران بر دیگران آن است که هر قدر بر تعداد یاران و مقدار قدرتشان افزوده شود،مردم را بیشتر به بندگی خدا دعوت می کنند،و هرگز راه توحید را عوض نمی کنند و تأکید و هشدارشان بیشتر می شود.امّا دعوت کننده های سودجو،در ابتدا با قیافه ای مقدّس مآبانه و دلسوزانه کار را شروع می کنند،ولی پس از رسیدن به مسند قدرت،استبداد و خودمحوری را پی ریزی می نمایند.

در روایات آمده است که به بردگان خود،«عبدی»نگویید،بلکه«فتی»بگویید و بردگان نیز به مولای خود«ربی»نگویند،بلکه«سیدی»بگویند. (١)

اگر انبیا نباید پرستش بشوند،حساب دیگران روشن است.اگر مواهب معنوی عامل عبودیّت نشود،حساب زرق و برق مادّی روشن است.

« رَبّٰانِیِّینَ »جمع«ربانی»به کسی گفته می شود که پیوند او با خدا محکم باشد و در فکر اصلاح و تربیت دیگران باشد.

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمودند:درباره من دو گروه هلاک شدند:١ پیروان افراطی،که مرا از حدّ بشری بالا بردند.٢ دشمنان بی انصاف،که پیامبری مرا قبول ندارند و من از هر دو گروه بیزارم.حضرت عیسی علیه السلام نیز این هشدار را برای پیروان خود

١- ١) .تفسیر قرطبی.

گوشزد کرده بود و نظیر این معنا را در نهج البلاغه از حضرت علی علیه السلام نیز شاهد هستیم.همچنین فرمودند:«لا ترفعونی فوق حقی فان الله تعالی اتخذنی عبدا قبل ان یتخذنی نبیا»مرا از آنچه هستم بالاتر نبرید،همانا خداوند پیش از آنکه مرا پیامبر قرار دهد،بنده آفریده است.سپس این آیه را تلاوت فرمودند. (۱)

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله درباره ی این آیه فرمودند:هیچ مرد وزن مسلمان،آزاد یا بنده ای نیست مگر آنکه حقّ واجبی از خداوند بر گردن اوست و آن اینکه قرآن را فراگیرد و در آن تفکّر کند. (۲)

پیام ها:

۱ سوء استفاده از موقعیّت،محبوبیّت و مسئولیّت،ممنوع است. «مٰا کٰانَ لِبَشَرٍ» ۲ کتاب و حکمت و نبوّت،انسان را از بشر بودن خارج نمی کند. «مٰا کٰانَ لِبَشَرٍ» ۳ هدف انبیا،تنها نجات بشر از شرک نیست،بلکه رشد او تا مرحله ی ربّانی شدن است. «کُونُوا رَبّٰانِیِّینَ» ۴ راه ربّانی شدن،علم دین و درس کتاب است،نه تصوّف و چلّه نشینی. (۳)«رَبّٰانِیِّینَ بِمٰا کُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ...» ۵ اگر تعلیم و تعلّم و درس،انسان را ربّانی نکند،در واقع آن علم،علم نبوده است. (۴)«رَبّٰانِیِّینَ بِمٰا کُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ...» ۶ علمای ربّانی،مفسّران واقعی قرآن هستند. «کُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْکِتٰابَ وَ بِمٰا کُنْتُمْ تَدْرُسُونَ» ۷ تعلیم و تدریس کتب آسمانی،باید همیشگی باشد. «کُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ» ، «تَدْرُسُونَ» ۸ معلّمی،شغل انبیاست. «تُعَلِّمُونَ الْکِتٰابَ»

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .مستدرک،ج ۴،ص ۳۲۳.

۳- ۳) .تفسیر فی ظلال القرآن.

۴- ۴) .تفسیر صافی.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۸۰]

اشاره

وَ لاٰ یَأْمُرَکُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا اَلْمَلاٰئِکَهَ وَ اَلنَّبِیِّینَ أَرْبٰاباً أَ یَأْمُرُکُمْ بِالْکُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۸۰)

و(خداوند)به شما فرمان نمی دهد که فرشتگان و انبیا را ارباب خود قرار دهید، آیا ممکن است پس از آنکه تسلیم خدا شدید،او شما را به کفر فرمان دهد؟

پیام ها:

۱ هر گونه دعوت به شرک از سوی هر کس که باشد،ممنوع است. «وَ لاٰ یَأْمُرَکُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا...» ۲ کفر،تنها انکار خدا نیست؛بلکه پذیرش هر گونه ربّ و مستقل دانستن هر مخلوقی،کفر است. «تَتَّخِذُوا الْمَلاٰئِکَهَ وَ النَّبِیِّینَ أَرْبٰاباً أَ یَأْمُرُکُمْ بِالْکُفْرِ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۸۱ تا ۸۲]

اشاره

وَ إِذْ أَخَذَ اَللّٰهُ مِیثٰاقَ اَلنَّبِیِّینَ لَمٰا آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتٰابٍ وَ حِکْمَهٍ ثُمَّ جٰاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمٰا مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قٰالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلیٰ ذٰلِکُمْ إِصْرِی قٰالُوا أَقْرَرْنٰا قٰالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَکُمْ مِنَ اَلشّٰاهِدِینَ (۸۱) فَمَنْ تَوَلّٰی بَعْدَ ذٰلِکَ فَأُولٰئِکَ هُمُ اَلْفٰاسِقُونَ (۸۲)

و(بیاد آور)هنگامی که خداوند از پیامبرانِ(پیشین)پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم،سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کرد،باید به او ایمان آورید واو را یاری کنید.(سپس خداوند)فرمود:آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا(بر دوش) می گیرید؟(انبیا در جواب)گفتند:(بلی)اقرار داریم،(خداوند)فرمود:خود شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم.

پس کسانی که بعد از این(پیمان محکم،)روی بر گردانند،آنان همان فاسقانند.

نکته ها:

تفاوت مکتب انبیا،مانند تفاوت برنامه ی دو استاد یا دو استاندار است که در اصول مسائل علمی و سیاسی،دارای جهت واحدی هستند،ولی در مسائل جزئی،به جهت تفاوت های فردی دانش آموزان یا شرایط منطقه ای،برنامه های گوناگون ارائه می دهند. (۱)

حضرت علی علیه السلام فرمودند:خداوند از انبیای پیشین پیمان گرفت که مردم را به بعثت پیامبر اسلام و صفات او خبر و بشارت دهند و به آنان فرمان تصدیق آن حضرت را بدهند. (۲)امام صادق علیه السلام فرمود:مراد از «جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ» پیامبر اسلام است. (۳)

پیام ها:

۱ در مدیریّت الهی،لازمه ی سپردن مسئولیّت ها،گرفتن پیمان است. «أَخَذَ اللّهُ مِیثاقَ النَّبِیِّینَ» ۲ هر جا کار سخت است،پیمان گرفتن لازم است.دست برداشتن از آئین و سنّت موجود،و ایمان و حمایت از شخص نوظهور،ساده نیست.لذا خداوند میثاق می گیرد. «أَخَذَ اللّهُ مِیثاقَ...» ۳ آمدن پیامبر خاتم صلی اللّه علیه و آله قطعی است،لذا از همه ی انبیا پیمان گرفته شده،نه بعضی از آنها. «مِیثاقَ النَّبِیِّینَ» ، «جاءَکُمْ رَسُولٌ» ۴ جریان نبوّت،مایه ی وحدت است،نه اسباب تفرقه و انشعاب. «رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ» ۵ انبیا دارای هدفی مشترک هستند.لذا پیامبران قبلی،آمدن انبیای بعدی را بشارت می دادند و نسبت به آنان پیمانِ ایمان و نصرت دارند،و پیامبران بعدی، انبیای قبل را تصدیق می کردند. «مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ»

ص:۹۹

۱- ۱) .تفسیر مراغی.

۲- ۲) .تفسیر مجمع البیان.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین.

۶ قدیمی ها،جدیدی ها را تحویل بگیرند،آنها را به مردم معرّفی کنند و زمینه ی رشد بعدی ها را فراهم آورند. «لَتُؤْمِنُنَّ» ، «لَتَنْصُرُنَّهُ» ۷ ایمان به تنهایی کفایت نمی کند،بلکه حمایت نیز لازم است. «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» ۸ در میان انبیا،سلسله مراتب است و خاتم النبیّین اشرف آنهاست،زیرا همه ی انبیا باید مؤمن به او و حامی او باشند. «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» ۹ وقتی انبیای پیشین موظّف به ایمان و حمایت از پیامبر اسلام هستند،پس پیروان آنها نیز باید به او ایمان آورده و از او اطاعت کنند. «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» ۱۰ حمایتی ارزشمند است که از ایمان سرچشمه گرفته باشد. «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» ۱۱ مهم،داشتن روح تسلیم و پذیرفتن حقّ است،چه بسا در عمل،شرایط لازم به وجود نیاید.انبیای قبل،زمان پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله را درک نکردند،ولی این روحیه را داشتند. (۱)«لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» ۱۲ پیمان شکن فاسق است. «فَمَنْ تَوَلّٰی» ، «هُمُ الْفاسِقُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۸۳]

اشاره

أَ فَغَيْرَ دِينِ اَللّٰهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۸۳)

پس آیا آنها جز دین خدا(دینی)می جویند؟ در حالی که هر که در آسمان ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می شوند.

۱- ۱) .مثلاً شهید شدن یک مسأله است و آمادگی برای شهادت مسأله ای دیگر.چنان که خداوند نمی خواهد خون اسماعیل ریخته شود،ولی می خواهد ابراهیم آمادگی کامل برای قربانی کردن فرزند داشته باشد.ممکن است ما زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را درک نکنیم،ولی انتظار ظهور،و عشق و علاقه و انس و آمادگی برای حضورش،مسأله ای است که در دهها آیه و روایت سفارش شده است.

نکته ها:

موجودات آسمان ها و زمین،همگی تسلیم خدایند.حتّی اگر در حال عادّی این سرسپردگی را کتمان کنند،در حال احساس خطر به ناچار دل به او می سپارند.

مؤمنان با میل و رغبت تسلیم او هستند،ولی همگان در زمان احساس خطر یا مرگ یا مغلوب شدن در جنگ و یا درماندن در استدلال،تسلیم او می شوند.همه ذرّات عالم،از کوچک ترین اتم تا بزرگ ترین کرات،همه تابع همان قانونی هستند که خداوند بر آنها حاکم کرده است و هر لحظه می تواند آن را تغییر دهد. (۱)

امام صادق علیه السلام در مورد این آیه فرمودند:زمانی که قائم علیه السلام قیام کند،تمام سرزمین ها شهادت«لا إله الا الله و محمد رسول الله»سر خواهند داد (۲).

پیام ها:

۱ انتخاب راه غیر خدا،با حرکت هستی سازگار نیست. «أَ فَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ» ۲ حقیقت دین،تسلیم است. «أَ فَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ...» ۳ انسان،دائماً در جستجوی راه و روشی است و گرایش به مکتب در نهاد او قرار دارد.(جمله «يَبْغُونَ» دلالت بر خواست و تمایل دائمی دارد.) ۴ اگر هستی تسلیم اوست،چرا ما تسلیم نباشیم؟ «لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» ۵ در آسمان ها موجودات با شعور هستند. «مَنْ فِي السَّمٰاوٰاتِ» (۳)۶ اگر پایان کار ما اوست،چرا از همان اوّل رو به سوی او نکنیم؟ «إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»

۱- ۱) .هنگام نوشتن این جملات در یک لحظه بدون دلیل خاصّی احساس کردم نصف سر و صورتم به شدّت درد گرفت.قلم را زمین گذاشتم،دست بر سر و محل درد کشیدم،لحظاتی گذشت یک مرتبه آرام شدم،با خود گفتم:آری،تمام هستی در هر لحظه ای و به هر شکلی در دست خداست.حرکت هر برگی و نوشتن هر کلمه ای بدون اراده ی او ممکن نیست.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۱۸۳.

۳- ۳) .پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمودند:مراد از «مَنْ فِي السَّمٰاوٰاتِ» ملائکه می باشند.درّ المنثور،ج ۲،ص ۲۵۴.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۸۴]

اشاره

قُلْ آمَنّا بِاللّهِ وَ ما أُنْزِلَ عَلَيْنا وَ ما أُنْزِلَ عَلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ ما أُوتِيَ مُوسى وَ عِيسى وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴)

بگو:به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط(پیامبران از نسل یعقوب)نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر،از طرف پروردگارشان داده شده(به همه ی آنها)ایمان آورده ایم و میان هیچ یک از آنها فرقی نمی گذاریم و ما تنها تسلیم(فرمان)او هستیم.

نکته ها:

این آیه،به غیر از یکی دو کلمه،کاملاً شبیه آیه ۱۳۶ سوره بقره است.

شکل کار اصل نیست،بلکه اصل،آن هدف غایی و نهایی است.در هر زمانی ممکن است شکل کار و دعوت انبیا فرق کند،مثلاً حضرت موسی به سراغ فرعون برود و یا حضرت سلیمان،فرمانروایی مانند بلقیس را دعوت کند،ولی هدف نهایی یکی است.درست مانند حرکت های گوناگون امامان معصوم علیهم السلام.

اگر از انبیای گذشته برای معرّفی و یاری پیامبر آینده پیمان گرفته شده،پیامبر آینده نیز مأمور است به نمایندگی از تمام پیروانش،ایمان خود را نسبت به پیامبران گذشته اعلام نماید.

پیام ها:

۱ ایمان خود را اظهار کنید. «قُلْ» ۲ ایمان به انبیا،در کنار ایمان به خداوند است. «آمَنّا بِاللّهِ وَ ما أُنْزِلَ» ، «وَ النَّبِيُّونَ» ۳ خدمات پیشینیان را نادیده نگیریم. «وَ ما أُنْزِلَ عَلى إِبْراهِيمَ» ، «وَ ما أُوتِيَ مُوسى» ۴ آمدن انبیا،جلوه ای از ربوبیّت الهی است. «وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ»

۵ دین و هدایت الهی،همواره همراه بشر بوده است.انبیا همچون معلّمان یک مدرسه اند که به طور زنجیره ای مأمور ارشاد مردم هستند. «إِبْرٰاهِیمَ وَ إِسْمٰاعِیلَ» ۶ تمام انبیا،دارای هدف واحد هستند. «لاٰ نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ» ۷ برتری بعضی از انبیا بر برخی دیگر؛ «فَضَّلْنٰا بَعْضَ النَّبِیِّینَ عَلیٰ بَعْضٍ» (۱)هرگز مانع ایمان ما به همه ی آنها نیست. «لاٰ نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ» ۸ پیامبر اسلام،با اظهار ایمان خود به سایر انبیا،پیروان آنها را به وحدت دعوت می کند. «لاٰ نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ» ۹ پیامبر اسلام،تسلیم مطلق حقّ است. «نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» ۱۰ کسی که میان انبیا فرق بگذارد،در حقیقت تسلیم خدا نیست. «لاٰ نُفَرِّقُ» ، «نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» ۱۱ مؤمنان،هماهنگ با تمام موجودات،تسلیم خدا هستند. «لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» ، «وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۸۵]

اشاره

وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ اَلْإِسْلاٰمِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی اَلْآخِرَهِ مِنَ اَلْخٰاسِرِینَ (۸۵)

و هر کس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود،پس هرگز از او قبول نمی شود و او در قیامت از زیانکاران خواهد بود.

نکته ها:

از جمله ی «یَبْتَغِ» ،استفاده می شود که مراد آیه،کسانی هستند که اسلام به گوش آنها رسیده،ولی آن را رها کرده و به سراغ دیگر مکاتب رفته اند.این افراد در قیامت زیانکارند و دین آنها مورد پذیرش نیست.

با توجّه به آیه ۸۱،پذیرش دین اسلام،میثاق خداوند از همه ی پیامبران پیشین

ص: ۱۰۳

۱- ۱) .اسراء،۵۵.

است و لذا با آمدن پیامبر اسلام،غیر آن مورد قبول نیست. «فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ» در آیات گذشته،سیمایی از اصول مکتب اسلام ترسیم شد که خطوط کلّی آن عبارتند از:

۱ از تمام انبیای پیشین پیمان گرفته شده تا به پیامبر بعدی ایمان آورند.

۲ تمام هستی تسلیم خداست و نمی توان غیر دین الهی را پذیرفت.

۳ پیروان اسلام،به تمام انبیا و کتب آسمانی ایمان دارند.

و در این آیه با صراحت اعلام می کند:هر کس غیر این دین را بپذیرد،قابل قبول نیست.آری،بعد از دعوت،استدلال،مباهله و اعلام همسویی با عقاید و کتب آسمانی دیگر،جای صراحت و بی پرده سخن گفتن است.

پیام ها:

۱ اسلام،ناسخ همه ادیان پیشین است. «وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلاٰمِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ» ۲ رها کردن مکتبی جامع،مایه خسارتی ابدی است. «مَنْ یَبْتَغِ» ، «مِنَ الْخاسِرِینَ» ۳ آخرت،جلوگاه خسارت های واقعی است. «فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِینَ» ۴ انتخاب اسلام،رمز و نشانه دوراندیشی انسان است. «فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۸۶]

اشاره

کَیْفَ یَهْدِی اَللّٰهُ قَوْماً کَفَرُوا بَعْدَ إِیمٰانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ اَلرَّسُولَ حَقٌّ وَ جٰاءَهُمُ اَلْبَیِّنٰاتُ وَ اَللّٰهُ لاٰ یَهْدِی اَلْقَوْمَ اَلظّٰالِمِینَ (۸۶)

چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان و گواهی بر حقّانیت رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان،باز هم کافر شدند،و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

پیام ها:

۱ هر چه دلایل هدایت،بیشتر و روشن تر باشد،کفر و بی اعتنایی به آنها خطرناک تر است. «کَیْفَ یَهْدِی» ، «لاٰ یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰالِمِینَ»

ص:۱۰۴

۲ ایمان اوّلیه کافی نیست،تـداوم ایمان و حسن عاقبت لازم است.زیرا خطر ارتـداد،همواره انسان را تهدید می کند. «کَفَرُوا بَعْدَ إِیمانِهِمْ» ۳ گروهی از مسـلمانان،در زمـان پیـامبر اکرم مرتـدّ شدنـد. «کَفَرُوا بَعْـدَ إِیمانِهِمْ» ۴ پشـت کردن بـه حـقّ،منطـق و عقـل،رسول و بیّنه،ظلم است و سـبب خـارج شـدن از مـدار الطاف الهی می گردد. «لا یَهْـدِی الْقَوْمَ الظّالِمِینَ» ۵ سـنّت خدا آن است که ظالمان را هدایت نکند. «وَ اللّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمِینَ» (جمله« لا یَهْدِی »نشانه اسـتمرار و سنّت الهی است.) ۶ توبه و بازگشت،برای مرتـدّ بسـیار مشـکل است. «کَفَرُوا بَعْـدَ إِیمانِهِمْ» ، «وَ اللّهُ لا یَهْـدِی...» ۷ کـافران ناآگاه،به هـدایت نزدیک تر از کفّـارِ آگاهنـد. «جاءَهُمُ الْبَیِّناتُ وَ اللّهُ لا یَهْـدِی الْقَوْمَ الظّالِمِینَ» ۸ برخورداری از هـدایت الهی و یا محروم شـدن از آن،بدسـت خودماست.

«لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۸۷ تا ۸۸]

اشاره

أُولئِکَ جَزاؤُهُمْ أَنَّ عَلَیْهِمْ لَعْنَهَ اَللّهِ وَ اَلْمَلائِکَهِ وَ اَلنّاسِ أَجْمَعِینَ (۸۷) خالِدِینَ فِیها لا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ اَلْعَذابُ وَ لا هُمْ یُنْظَرُونَ (۸۸)

آنان(که با آن همه دلایل روشن و سابقه ی ایمان،مرتـدّ شدنـد،)کیفرشان آن است که لعنت خـدا و فرشـتگان و عموم مردم بر آنان باشد.

آنها همواره مورد لعن(خدا و فرشتگان و مردم)هستند،نه عذاب از آنان کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود.

نکته ها:

شایـد نفرین تمام مردم حتّی کفّار،به افراد مرتـدّ،بـدان جهت باشد که وجدان های آگاه و فطرت های سالم،این اعراض و کفر آگاهانه را محکوم می کند.شاید هم از

آن رو باشد که شعاعِ کفرِ آگاهانه،به نسلها و عصرها سرایت کرده و افراد زیادی را در آتش خود می سوزاند.

مشابه این لعنت خدا و فرشتگان و مردم را در آیه ی ۱۵۹ سوره بقره نسبت به دانشمندانی که حقایق را کتمان می کنند،می خوانیم.بنا بر این گناه عالمی که کتمان حق کند و مرتدّی که آگاهانه دست از ایمان بردارد،یکسان است.

پیام ها:

۱ ملائکه در برابر افکار و اعمال زشت انسان،واکنش نشان می دهند. «عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللّٰهِ وَ الْمَلاٰئِكَهِ...» ۲ مردم باید در برابر افراد مرتدّ و منحرف،عکس العمل نشان بدهند. «عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ» ، «النّاسِ» ۳ علم و آگاهی در مقدار و کیفیّت عذاب الهی مؤثر است. «شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جٰاءَهُمُ الْبَيِّنٰاتُ» ، «لاٰ يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذٰابُ وَ لاٰ هُمْ يُنْظَرُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۸۹]

اشاره

إِلاَّ اَلَّذِينَ تٰابُوا مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اَللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۸۹)

مگر کسانی که پس از آن،(از کفر و ارتداد)توبه نمایند و(کردار و افکار خود را)اصلاح نمایند،که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

نکته ها:

اگر شخص کافری مسلمان شود،قانونِ«الاسلام یجب ما قبله»تمام گذشته ها را پاک می کند،ولی اگر مرتدّی توبه کند و بار دیگر مسلمان شود،باید همه ی وظایف بجا مانده را جبران کند و افکار و اعمال خود را اصلاح نماید،و نمازها و روزه های ترک شده را قضا کرده و بجای آورد.

پیام ها:

۱ راه توبه،بر همگان حتّی از دین برگشتگان باز است. «کَفَرُوا بَعْدَ إِیمانِهِمْ» ، «إِلاَّ الَّذِینَ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ أَصْلَحُوا» ۲ نشانه ی توبه واقعی،اصلاح مفاسد است. «تابُوا» ، «وَ أَصْلَحُوا» ۳ خداوند نه تنها توبه را می پذیرد و گناهان را می بخشد،بلکه توبه کننده را نیز دوست می دارد و مورد رحمت قرار می دهد. «غَفُورٌ رَحِیمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۰]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ کَفَرُوا بَعْدَ إِیمانِهِمْ ثُمَّ اِزْدادُوا کُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَ أُولئِکَ هُمُ اَلضّالُّونَ (۹۰)

البتّه کسانی که پس از ایمان آوردن،کافر شدند و سپس بر کفر خود افزودند، هرگز توبه ی آنها پذیرفته نخواهد شد و آنها همان گمراهانند.

نکته ها:

مرتدّین و از دین برگشتگان دو نوعند:

الف:مرتدّ ملّی،که پدر و مادر او هنگام انعقاد نطفه او کافر باشند،بعد از بلوغ اظهار کفر کند و سپس اسلام بیاورد و پس از آن مجدداً از اسلام دست بردارد.

چون این شخص مسلمان زاده نیست،مجازاتش خفیف و سبک است.

ب:مرتدّ فطری،که هنگام انعقاد نطفه او پدر یا مادرش مسلمان باشند،بعد از بلوغ اظهار اسلام کند و سپس از دین و آیین خویش دست بردارد و به اسلام پشت کند.این چنین شخصی مجازات سنگینی همانند اعدام را در پیش رو دارد.

گرچه راه توبه بر احدی بسته نیست،امّا نباید گروهی از این توبه ی مقدّس سوء استفاده کنند.کسانی که از ایمان خود دست برداشته و دائماً بر کفر و لجاجت خود می افزایند و جز لحظه ی مرگ یا غلبه ی مسلمین،حاضر به توبه نیستند،توبه این گونه افراد قابل قبول نخواهد بود،زیرا توبه آداب و شرایط و شیوه ای دارد که شامل حال اینها نمی شود.

پیام ها:

۱ ایمانی ارزش دارد که تا پایان عمر تـداوم داشـته باشـد.ایمانی که با کفر پایان پـذیرد،کارساز نیست. «كَفَرُوا بَعْـدَ إِيمَانِهِمْ» ۲ انسان مختار است،می توانـد ایمان آورد و یا کفر ورزد.می تواند بر ایمان خود پایدار و یا در کفر خود پافشاری کند.می تواند توبه کند یا بر گناه اصرار بورزد.

«كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ»

۳ هر یـک از کمالات و یا انحرافات،قابل افزایش و یا کاهش است.ازدیاد علم ماننـد: «زِدْنِي عِلْماً» (۱)افزایش هدایت: «زَادَهُمْ هُدىً» (۲)افزایش گمراهی: «ازْدَادُوا كُفْراً» ۴ خداوند توبه پذیر است،ولی گروهی زمینه ها را از دست داده اند.جرّاح هر چقدر هم لایق باشد،تا زمینه ی پیوند در مریض نباشد کاری پیش نمی برد.

«لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ»

۵ اصرار و تداوم کفر،سبب محرومیّت از پذیرفته شدن توبه است. «ازْدَادُوا كُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۱]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَـدِهِمْ مِلْءُ اَلْأَرْضِ ذَهَباً وَ لَوِ افْتَـدىٰ بِهِ أُولٰئِكَ لَهُمْ عَـذَابٌ أَلِيمٌ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۹۱)

همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر(بدون توبه)مردند،اگر چه زمین را پر از طلا کرده و به عنوان فدیه و باز خرید(از عذاب)بدهند،هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نمی شود.آنان را عذابی دردناک است و برایشان هیچ یاوری نیست.

۱- (۱) .طه،۱۱۴.

۲- (۲) .محمّد،۱۷.

نکته ها:

دنیا و آخرت تفاوت هایی دارند،از جمله:

۱ غم و اندوه در دنیا از انسان به دیگران سرایت می کند،ولی در آخرت چنین نیست.

۲ در دنیا،انسان می تواند با عذر یا کفّاره یا دروغ یا حیله یا توبه یا ناله مشکلش را حل کند،امّا در آخرت چنین نیست.

۳ تلخی های دنیا قابل تخفیف است و اگر انسان با آن انس گرفت،از تلخی آن کاسته می شود،ولی در آخرت چنین نیست.

پیام ها:

۱ کافر مردن،بزرگ ترین خطر است. «مٰاتُوا وَ هُمْ کُفّٰارٌ» و مسلمان مردن،آرزوی پیامبران است. «تَوَفَّنِی مُسْلِماً» ۲ در قیامت،مال دنیا بی ارزش است و ذرّه ای کارآیی ندارد.گرچه از جنس طلا و مقدار آن به اندازه ظرفیّت زمین باشد،باز هم پشیزی ارزش ندارد. «مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَباً» ۳ ایمان،ارزشی فراتر از تمام مادّیات دارد.در قیامت تنها ایمان است که می تواند انسان را نجات دهد. «مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَباً» ۴ مرگ در حال کفر،زمینه ی شفاعت را از بین می برد. «مٰا لَهُمْ مِنْ نٰاصِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۲]

اشاره

لَنْ تَنٰالُوا اَلْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوا مِمّٰا تُحِبُّونَ وَ مٰا تُنْفِقُوا مِنْ شَیْءٍ فَإِنَّ اَللّٰهَ بِهِ عَلِیمٌ (۹۲)

هرگز به نیکی دست نمی یابید،مگر آنکه از آنچه دوست دارید،(در راه خدا) انفاق کنید و بدانید هر چه را انفاق کنید،قطعاً خداوند به آن آگاه است.

نکته ها:

کلمه ی« اَلْبِرَّ »به خیر و برکت گسترده،و زمینی که برای کشت و زراعت و یا سکونت

مهیّاست،گفته می شود.همچنین به گندم که غذای عموم انسان ها و انواع حیوانات است،«بر»گفته می شود.

با توجّه به اشتقاق لغوی«بر»که به معنای توسعه در خیر است؛در قرآن،ایمان و عمل صالح و جهاد و نماز و وفای به عهد،از نمونه های بِرّ معرفی شده اند. (۱)همگان توصیه شده اند که در انجام«برّ»همدیگر را یاری کنند. «تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ» (۲)و در این آیه نیز می فرماید که شما هرگز به این گوهر گرانبها نمی رسید،مگر آنکه از آنچه دلپسند شماست و آن را دوست می دارید،انفاق کنید.

نمونه هایی از انفاق مؤمنان

۱ ابو طلحه انصاری،بیشترین درختان خرما را در مدینه داشت و باغ او محبوب ترین اموالش بود.این باغ که روبروی مسجد پیامبر صلی اللّه علیه و آله واقع شده بود،آب زلالی داشت.رسول خدا صلی اللّه علیه و آله گاه و بی گاه وارد آن باغ می شد و از چشمه ی آن می نوشید.

این باغِ زیبا و عالی،درآمد کلانی داشت که مردم از آن سخن می گفتند.وقتی آیه نازل شد که «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّی...» او خدمت پیامبر رسید و عرض کرد:محبوب ترین چیزها نزد من این باغ است،می خواهم آن را در راه خدا انفاق کنم.پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمود:تجارت خوبی است،آفرین بر تو،ولی پیشنهاد من آن است که این باغ را به فقرای فامیل و بستگان خویش دهی.او قبول کرد و باغ را بین آنان تقسیم نمود. (۳)

۲ مهمانی بر ابو ذر وارد شد،ابو ذر گفت:چون من گرفتاری دارم،شما خودتان یکی از شتران مرا نحر و غذا تهیه کنید.آنها شتر لاغری را انتخاب کردند.ابو ذر ناراحت شد و پرسید:چرا شتر فربه و چاق را نیاوردید؟ گفتند:آن را برای نیاز آینده تو

۱- ۱) .«لیس البِرّ ان تولّوا وُجوهکم قِبل المَشرق و المَغرب و لکنّ البِرّ مَن آمَنَ بِاللّه و الیَومِ الآخَر و الملائِکه و الکتاب و النَّبیّین و آتَی المالَ علی حبّه ذوِی القُربی و الیَتامی و المَساکین و ابن السبیل و السائلین و فِی الرّقاب و اقامَ الصّلاه و آتَی الزّکاه و المُوفون بعَهدِهم اذا عاهَدوا و الصّابِرین فِی البَأساء و الضّرّاء و حینَ البَأس اولئک الّذین صَدَقوا و اولئک هم المتّقون»بقره،۱۷۷.

۲- ۲) .مائده،۲.

۳- ۳) .تفسیر کبیر و مجمع البیان؛صحیح بخاری،ج ۲،ص ۸۱.

گذاشتیم.ابو ذر فرمود:روز نیاز من روز قبر من است. (۱)

۳ وقتی فاطمه زهرا علیها السلام را در شب عروسی به خانه شوهر می بردند،فقیری از حضرت پیراهن کهنه ای خواست.فاطمه زهرا علیها السلام به یاد این آیه «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ...» همان پیراهن نوی عروسیش را انفاق کرد.

۴ عبد اللّه بن جعفر،غلام سیاهی را دید که در باغی کارگری می کند،به وقت غذا سگی وارد باغ شد و در برابر غلام نشست.غلام لقمه ای به او داد،باز سگ با نگاه خود تقاضای غذا کرد،غلام غذای خود را لقمه لقمه به او داد تا تمام شد.از او پرسید:خودت چه می خوری؟ گفت:من امروز سهمی ندارم.پرسید:چرا این کار را کردی؟ گفت:این سگ از راه دور آمده و گرسنه بود.عبد اللّه از فتوّت این غلام تعجّب کرد.آن باغ و غلام را خرید،غلام را آزاد کرد و باغ را به او بخشید. (۲)

در احادیث ذیل این آیه می خوانیم که راه رسیدن به برّ،کمک به والدین است قبل از درخواست آنان،گرچه بی نیاز باشند. (۳)

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود:از پدرم شنیدم که می فرمود:کسی که سال بر او بگذرد و از مال خود،کم یا زیاد به ما نرساند،خداوند روز قیامت به او نظر نمی کند،مگر آنکه او را ببخشد.ای مفضل! این تکلیفی است که خداوند آن را بر شیعیان لازم کرده آن گاه که در کتاب خود می فرماید: «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ...» پس ما برّ و تقوی و راه هدایت هستیم. (۴)

پیام ها:

۱ یگانه راه رسیدن به مقام نیکوکاران،انفاق خالصانه از امور مورد علاقه است، نه فقط ذکر و دعا. «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ...» ۲ در مکتب اسلام،هدف از انفاق تنها فقرزدایی نیست،بلکه رشد انفاق کننده

ص:۱۱۱

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

۲- ۲) .تفسیر المنار،ج ۳،ص ۳۷۶ به نقل از احیاء العلوم.

۳- ۳) .کافی،ج ۲،ص ۱۵۷.

۴- ۴) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۱۸۲.

نیز مطرح است.دل کندن از محبوب های خیالی و شکوفا شدن روح سخاوت،از مهم ترین آثار انفاق برای انفاق کننده است. «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ» ۳ دلبستگی به دنیا سبب محروم شدن از رسیدن به مقام برّ است. «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ» ۴ سعادتِ فرد در سایه نگاه اجتماعی و کریمانه اوست. «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّی تُنْفِقُوا» ۵ بهترین چیز دوست داشتنی برای انسان«جان»است.پس شهدا که جان خود را در راه خدا می دهند،به بالا-ترین مقام بِرّ می رسند. «تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ» ۶ آنچه را که خود دوست می داری انفاق کن،نه آنچه را که بینوایان دوست می دارند.زیرا ممکن است فقرا به جهت شدّت فقر،به اشیای ناچیز نیز راضی باشند. «مِمّا تُحِبُّونَ» ،نه«مما یحبون» ۷ انسانی که تربیت الهی یافته،اسیر مال و ثروت نیست،بلکه حاکم بر آنهاست.

«تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ»

۸ در انفاق،اصل کیفیّت است،نه کمیّت. «مِمّا تُحِبُّونَ» ۹ اسلام،مکتب انسان دوستی است نه مال دوستی. «تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ» ۱۰ در انفاق نه افراط و نه تفریط،تنها بخشی از آنچه را دوست داری،انفاق کن.

«مِمّا تُحِبُّونَ»

۱۱ محبّت به مال در نهاد هر انسانی هست: «مِمّا تُحِبُّونَ» آنچه خطرناك است، شدّت محبّت است که مانع انفاق شود. «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَیْرِ لَشَدِیدٌ» (۱)۱۲ مهم انفاق است حتّی اگر اندك باشد. «وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَیْءٍ» آری یك برگ زرد روی آب،می تواند کشتی صدها مورچه شود.

۱۳ حال که خداوند انفاق ما را می بیند،چرا در کمّ و کیف آن کوتاهی کنیم؟ بیایید بهترین ها را انفاق کنیم. «فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلِیمٌ»

۱- ۱) .عادیات،۸.

[سوره آل عمران (۳): آیات ۹۳ تا ۹۴]

اشاره

کُلُّ اَلطَّعٰامِ کٰانَ حِلاًّ لِبَنِی إِسْرٰائِیلَ إِلاّٰ مٰا حَرَّمَ إِسْرٰائِیلُ عَلیٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ اَلتَّوْرٰاهُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرٰاهِ فَاتْلُوهٰا إِنْ کُنْتُمْ صٰادِقِینَ (۹۳) فَمَنِ اِفْتَریٰ عَلَی اَللّٰهِ اَلْکَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذٰلِکَ فَأُولٰئِکَ هُمُ اَلظّٰالِمُونَ (۹۴)

۹۳\۳

همه ی غذاها و خوارکی ها برای بنی اسرائیل حلال بود،مگر آنچه را اسرائیل (یعقوب)پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود،بگو:اگر راست می گویید(که اینها از قبل در تورات حرام بوده است،)تورات را بیاورید و آن را تلاوت کنید(تا ببینید بسیاری از چیزها را بدون نزول وحی از پیش خود، بر خودتان حرام کرده اید).

۹۴\۳

پس بعد از این،هر کسی بر خدا به دروغ افترا ببندد،آنان ستمگران هستند.

نکته ها:

در تفاسیر آمده است که بنی اسرائیل به پیامبر اسلام صلی اللّٰه علیه و آله اشکال می کردند که اگر تعالیم او موافق تعالیم انبیای پیشین همچون ابراهیم،موسی و عیسی علیهم السلام است، پس چرا گوشت و شیر شتر را حرام نمی داند؟! این آیه در جواب آنها نازل شد،که تمام غذاها برای بنی اسرائیل حلال بوده است و تنها حضرت یعقوب بعضی از غذاها را بر خود تحریم نموده بود.و دلیل این تحریم نیز چنان که در بعضی تفاسیر آمده،آن است که وقتی حضرت یعقوب گوشت شتر را استفاده می نمود،موجب ناراحتی جسمی او می شد،او از این غذا پرهیز می کرد (۱)و بنی اسرائیل گمان می بردند که این یک تحریم شرعی و ابدی است.

۱- ۱) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۱۸۴.

« اَلطَّعامِ »به چیزی گفته می شود که به ذائقه ی انسان طعم دارد و کلمه ی« حِلاًّ »در برابر«عقد»،به معنای آزادی و رهایی است.

پیام ها:

۱ حلال بودن غـذاها،یک اصل ثابت در ادیان آسـمانی است. «کُلُّ الطَّعامِ کانَ حِلاًّ» ۲ بدون دلیل و تحریم شـرعی،حلال ها را حرام نپندارید. «حَرَّمَ إِسْرائِیلُ عَلی نَفْسِهِ» ۳ بهترین نوع استدلال،استدلال بر اساس عقاید و کتاب آسـمانی طرف مقابل است. «فَأْتُوا بِالتَّوْراهِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۵]

اشاره

قُلْ صَدَقَ اَللّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّهَ إِبْراهِیمَ حَنِیفاً وَ ما کانَ مِنَ اَلْمُشْرِکِینَ (۹۵)

(ای پیامبر!)بگو:خداوند راستگو است،پس از آیین ابراهیم حقگرا پیروی کنید که او از مشرکان نبود.

نکته ها:

«حنیف»کسی است که از گمراهی فاصله گرفته و به هدایت و راه راست، روی آورده است.

پیام ها:

۱ اهـل کتـاب که خود را پیرو ابراهیم می داننـد،بایـد موحّـِد باشـند،زیرا او مشـرک نبود. «فَـاتَّبِعُوا مِلَّهَ إِبْراهِیمَ» ، «وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ» ۲ حق گرایی ابراهیم،آیین او را پایدار و استوار ساخت. «فَاتَّبِعُوا مِلَّهَ إِبْراهِیمَ حَنِیفاً»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۶]

اشاره

إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ (۹۶)

همانا اوّلین خانه ای که برای(عبادت)مردم مقرّر شد،همان است که در سـرزمین مکّه است،که مایه ی برکت و هدایت جهانیان است.

نکته ها:

« بِبَكَّةَ »به معنای محلّ ازدحام و اجتماع مردم است.

یکی از ایرادهای بنی اسرائیل این بود که چرا مسلمانان با توجّه به قدمت بیت المقدس که هزار سال قبل از میلاد توسط حضرت سلیمان ساخته شده است،آن را کنار گذاشته و کعبه را قبله ی خود قرار داده اند.این آیه در پاسخ آنان می فرماید:کعبه از روز نخستین،اوّلین خانهٔ عبادت بوده و قدمت آن بیشتر از هر جای دیگر است.

امام صادق علیه السلام با توجّه به جمله ی «أَوَّلَ بَيْتٍ» فرمودند:چون مردم مکّه بعد از کعبه گرد آن جمع شده اند،پس حقّ اولویّت با کعبه است و لذا برای توسعه ی مسجد الحرام می توان خانه های اطراف کعبه را به نفع حرم خراب کرد. (۱)

تفسیر المیزان می گوید:روایات«دحو الارض» (۲)بسیار است و هیچ دلیل علمی که مغایر آن باشد،پیدا نشده و با قرآن نیز مخالفتی ندارد.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ می فرماید:خداوند تمام مردم را از آدم علیه السلام تا آخرین نفر با همین سنگ های کعبه آزمایش می کند.امام باقر علیه السلام فرمود:

حضرت آدم و سلیمان و نوح علیهم السلام نیز دور همین کعبه،حج انجام داده اند. (۳)

در قرآن،از کعبه تعابیر متعدّدی شده است که برخی از آنها را باز گو می کنیم:

۱ کعبه،اوّلین خانه است. «أَوَّلَ بَيْتٍ» ۲ مرکز پایداری و قیام مردم است. «قِياماً لِلنّاسِ» (۴)۳ خانه آزاد بدون مالک است. «بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (۵)۴ محل تجمّع و خانه امن مردم است. «مَثابَةً لِلنّاسِ وَ أَمْناً» (۶)

۱- ۱) .وسائل،ج ۱۳،ص ۲۱۷.

۲- ۲) .«دَحوُ الارض»به معنی گسترش زمین از زیر خانهٔ کعبه است.کافی،ج ۴،ص ۱۸۹.

۳- ۳) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۰۰.

۴- ۴) .مائده،۹۷.

۵- ۵) .حج،۲۹.

۶- ۶) .بقره ۱۲۵.

پیام ها:

۱ کعبه،اوّلین خانه ای است که برای عبادت و نیایش مردم بنا نهاده شده است.

«أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ»

۲ سابقه تاریخی معابد،یکی از ملاک های ارزشی آن است. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ...» ۳ خیر و برکت کعبه،تنها برای مؤمنان یا نژاد خاصّی نیست،بلکه برای همگان است. «وُضِعَ لِلنّاسِ» ۴ مردمی بودن برای کعبه،یک ارزش است. «وُضِعَ لِلنّاسِ» ۵ کعبه،مایه ی هدایت مردم است. «هُدىً لِلْعالَمِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۷]

اشاره

فِيهِ آيٰاتٌ بَيِّنٰاتٌ مَقٰامُ إِبْرٰاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كٰانَ آمِناً وَ لِلّٰهِ عَلَى اَلنّٰاسِ حِجُّ اَلْبَيْتِ مَنِ اِسْتَطٰاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اَللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ اَلْعٰالَمِينَ (۹۷)

در آن(خانه)نشانه های روشن،(از جمله)مقام ابراهیم است و هر کس به آن درآید،در امان است و برای خدا بر عهده ی مردم است که قصد حج آن خانه را نمایند،(البتّه)هر که توانایی این راه را دارد.و هرکس کفر ورزد(وبا داشتن توانایی به حج نرود،بداند که)همانا خداوند از همه ی جهانیان بی نیاز است.

نکته ها:

مکّه و کعبه،نمایشگاهی از قدرت و نشانه های الهی،و تاریخ آن مملوّ از خاطرات و سرگذشت هایی است که توجّه به آنها درس آموز و عبرت انگیز می باشد.در ساختن آن ابراهیم علیه السلام بنّایی،و اسماعیل علیه السلام کارگری می کرده اند.سپاهیان فیل سوار ابرهه که به قصد ویرانی آن آمده اند،به قدرت الهی توسط پرندگان ابابیل نابود شده اند.دیوار آن به هنگام تولّد علیّ علیه السلام برای مادرش شکافته می شود تا در داخل آن،نوزادی متولد شود که در آینده ای نه چندان دور،بت های داخل آن را فرو ریزد.بلال،برده سیاهپوست حبشی،در برابر چشمان حیرت زده

اشراف مکّه بر بالای آن اذان می گوید و روزی نیز می رسد که آخرین حجّت الهی به دیوار آن تکیه زده و ندای نجات انسان ها را سر می دهد و عالم را به اسلام دعوت می کند.

مکّه،شهر أمن الهی است که هر کس در آن وارد شود،در امان است.حتّی اگر جنایتکار وارد مسجد الحرام شود،نمی توان متعرّض او شد،تنها می توان او را در مضیقه قرار داد تا خود مجبور به خارج شدن شود. (۱)

در کنار کعبه،مقام ابراهیم است.به گفته روایات،مقام ابراهیم سنگی است که به هنگام ساختن کعبه و بالا بردن دیوارهای آن،زیر پای ابراهیم علیه السلام قرار داشت و اثر پای آن حضرت بر روی آن مانده است.بقای این سنگ و اثر پا روی آن،از قرن ها پیش از عیسی و موسی علیهما السلام با آن همه تغییر و تحوّلی که در کعبه و اطراف آن در اثر حمله ها،سیل ها و خرابی ها بوجود آمده،خود نشانه ای از قدرت الهی است.

« حِجُّ »به معنای قصد همراه با حرکت است و«محجه»به راه صاف و مستقیم می گویند که انسان را به مقصد می رساند.حج در اسلام به معنای قصد خانه خدا و انجام اعمال مربوط به آن است.

پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله به علیّ علیه السلام فرمود:«تارک الحج و هو مستطیع کافر»هر توانمندی که حج را انکار و ترک کند،کافر است.و کسی که امروز و فردا کند تا بمیرد،گویا یهودی و نصرانی از دنیا رفته است. (۲)

استطاعت مالی برای حج،لازم نیست از خود انسان باشد،بلکه اگر کسی دیگری را میهمان کند،یا هزینه ی حجّ او را بپردازد،او مستطیع شده و حج بر او واجب است. (۳)

امام صادق علیه السلام درباره ی« آیاتٌ بیِّناتٌ »فرمودند:مقصود مقام ابراهیم، حجر الاسود و حجر اسماعیل است.و از آن حضرت پرسیدند مراد از« مَنْ دَخَلَهُ »

۱- ۱) .کافی،ج ۴،ص ۲۲۶.

۲- ۲) .من لا یحضره الفقیه،ج ۴،ص ۳۶۸؛کافی،ج ۴،ص ۲۶۵.

۳- ۳) .کافی،ج ۴،ص ۲۶۶.

کعبه است یا حرم؟ حضرت فرمودند:حرم. (۱)

شخصی از امام صادق علیه السلام درباره ی« مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً »سؤال کرد:حضرت فرمودند:کسی که این خانه را قصد کند و بداند که این همان خانه ای است که خداوند رفتن به آن را فرمان داده،و اهل بیت علیهم السلام را نیز آن گونه که باید بشناسد،او در دنیا و آخرت در امان خواهد بود. (۲)

پیام ها:

۱ در خانهٔ خدا،نشانه های روشن بسیار است.نشانه های قداست و معنویّت، خاطرات انبیا از آدم تا خاتم،مطاف بودن برای انبیا و قبله گاه برای همه ی نمازگزاران. «فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ» ۲ ابراهیم علیه السلام مقامی دارد که جای پای او،به مکّه ارزش داده است. «مَقامُ إِبْراهِیمَ» ۳ بر خلاف تفکّر وهابیّت،اگر جماد در جوار اولیای خدا قرار گیرد،قداست می یابد. «مَقامُ إِبْراهِیمَ» ۴ از امتیازات اسلام آن است که یک منطقه از زمین را منطقه ی امن قرار داده،تا ضعیف و قوی در کنار یکدیگر مجتمع شوند. «مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً» ۵ واجبات،یک نوع تعهّد الهی بر گردن انسان است. «وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ» ۶ حج،باید خالصانه و تنها برای خدا باشد. «لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ» ۷ تکلیف و وظیفه،به مقدار توان است.توان فرد از نظر مالی و بدنی،و فراهم بودن شرایط بیرونی. «مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً» ۸ استطاعت شرط حج است. (۳)«مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً» ۹ انکار حج و ترک آن،سبب کفر است. «وَ مَنْ کَفَرَ» ۱۰ فایده ی انجام دستورات الهی،به خود انسان برمی گردد و گر نه خداوند نیازی به اعمال ما ندارد. «فَإِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ»

۱- ۱) .کافی،ج ۴،ص ۲۲۳.

۲- ۲) .کافی،ج ۴،ص ۵۴۰.

۳- ۳) .کافی،ج ۴،ص ۲۶۷.

۱۱ خداوند دعوت می کند،ولی منّت نمی کشد. «وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ» ، «وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۸]

اشاره

قُلْ یا أَهْلَ اَلْکِتابِ لِمَ تَکْفُرُونَ بِآیاتِ اَللّهِ وَ اَللّهُ شَهِیدٌ عَلی ما تَعْمَلُونَ (۹۸)

بگو:ای اهل کتاب،چرا به آیات خداوند کفر می ورزید،با آنکه خداوند بر اعمال شما گواه است.

پیام ها:

۱ سؤال همراه با توبیخ ولی با لحنی مؤدّبانه،بهترین شیوه ی هشدار است. «یا أَهْلَ الْکِتابِ لِمَ تَکْفُرُونَ» ۲ اگر خداوند را شاهد اعمال خود بدانیم،دست از مخالفت او بر می داریم.

«لِمَ تَکْفُرُونَ»

، «وَ اللّهُ شَهِیدٌ» ۳ اهل کتاب،فعّالیت های پنهانی علیه مسلمانان داشتند. «وَ اللّهُ شَهِیدٌ عَلی ما تَعْمَلُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۹۹]

اشاره

قُلْ یا أَهْلَ اَلْکِتابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اَللّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَها عِوَجاً وَ أَنْتُمْ شُهَداءُ وَ مَا اَللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ (۹۹)

بگو:ای اهل کتاب! چرا کسانی را که ایمان آورده اند از راه خدا باز می دارید و می خواهید که آن(طریقه ی الهی)کج باشد،در حالی که خود شما گواهید(که راه آنان درست است)و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست.

نکته ها:

در آیه ی قبل،سؤال از کفر ورزی اهل کتاب بود؛ «لِمَ تَکْفُرُونَ» و در این آیه،انتقاد از اینکه اگر خودتان ایمان نمی آورید و به آیات الهی کفر می ورزید،به چه دلیل مانع رفتن دیگران در راه خدا می شوید؟! «لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ»

پیام ها:

۱ اهل کتاب برای پیشرفت اسلام،مانع تراشی و اخلال گری می کنند. «لِمَ تَصُدُّونَ» ۲ کج نشان دادن اسلام،از راههای مبارزه با اسلام است. «تَبْغُونَهٰا عِوَجاً» ۳ دشمنان،هر لحظه برای انحراف شما تلاش می کنند. «تَبْغُونَهٰا عِوَجاً» ۴ دشمنان،بر حقّانیت آیین شما آگاه و گواهند. «وَ أَنْتُمْ شُهَدٰاءُ» ۵ سرچشمه ی فتنه،دانشمندان منحرفند. «وَ أَنْتُمْ شُهَدٰاءُ» ۶ اگر بدانیم که لحظه ای از ما و رفتار ما غفلت نمی شود،دست از خطاکاری برمی داریم. «مَا اللّٰهُ بِغٰافِلٍ عَمّٰا تَعْمَلُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۰]

اشاره

يٰا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقاً مِنَ اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتٰابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمٰانِكُمْ كٰافِرِينَ (۱۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید،شما را بعد از ایمانتان به کفر باز می گردانند.

نکته ها:

در تفاسیر (۱)می خوانیم:شخصی از یهودیان به نام شاس بن قیس،وقتی صفا و صمیمیّت مسلمانان مدینه مخصوصاً دو قبیله اوس و خزرج را دید بسیار ناراحت شد و با خود گفت:این دو قبیله روزگاری با هم جنگ می کردند،ولی حالا در سایه رهبری و مدیریّت محمّد صلی اللّه علیه و آله در کنار هم به صلح وصفا زندگی می گذرانند،اگر این وضع ادامه داشته باشد،کیان یهود در خطر است.او با برنامه ریزی،گروهی را با خود همراه و جوانی را در میان مسلمانان مأمور کرد تا با یادآوری خاطرات درگیری های«بغاث»محلّی که بین دو قبیله جنگ واقع شده بود آنان را تحریک کند.این جوان با اجرای این برنامه،عواطف آنان را تحریک نموده و نزدیک بود که

۱- ۱) .تفاسیر مجمع البیان،روح البیان،روح المعانی،کبیر،قرطبی،مراغی و نمونه.

نزاع و درگیری سختی شعله ور شود.رسول خدا صلی اللّه علیه و آله با سخنان آرامش بخش خویش به آنان هشدار داد و آنها را از توطئه ی دشمن با خبر ساخت.آنها سلاح را بر زمین گذاشته،یکدیگر را در آغوش گرفته و از عمل خود پشیمان شدند.به گفته ی مفسّران،در این حادثه این آیه و دو آیه قبل نازل شد که متضمّن توبیخ و سرزنش اهل کتاب و هشدار به مسلمانان است.

پیام ها:

۱ پیروی از دانشمندان منحرف،سبب ارتداد است. «إِنْ تُطِیعُوا فَرِیقاً» ، «یَرُدُّوکُمْ» ۲ عمل،در عقیده اثر می گذارد.اطاعت از منحرفان،سر از انحراف عقیده در می آورد. «إِنْ تُطِیعُوا فَرِیقاً» ، «یَرُدُّوکُمْ» ۳ چون اطاعت از کفّار منجر به کفر می شود،پس تبرّی و برائت از آنان لازم است. «إِنْ تُطِیعُوا فَرِیقاً» ، «یَرُدُّوکُمْ» ۴ نتیجه پیروی از بیگانگان،کفر و سوء عاقبت است. «یَرُدُّوکُمْ بَعْدَ إِیمانِکُمْ کافِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۱]

اشاره

وَ کَیْفَ تَکْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلیٰ عَلَیْکُمْ آیاتُ اَللّٰهِ وَ فِیکُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلیٰ صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ (۱۰۱)

و چگونه شما کفر می ورزید،در حالی که آیات خدا بر شما تلاوت می شود و رسول او در میان شماست و هر کس به(دین و کتاب)خدا تمسّک جوید،پس قطعاً به راه مستقیم هدایت شده است.

پیام ها:

۱ زمینه های انحراف و کفر،یا فقدان راه است و یا فقدان راهنما.امّا با وجود کتاب و سنّت و قوانین و رهبر الهی دیگر انحراف چرا؟ «کَیْفَ تَکْفُرُونَ وَ...» ۲ وجود قانون به تنهایی برای جلوگیری از کفر و انحراف کفایت نمی کند،رهبر نیز لازم است. «وَ فِیکُمْ رَسُولُهُ...»

۳ تکیه و توکّل به خداوند و استمداد از او،رمز مصونیّت از تمام وسوسه ها و انحرافات است. «مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّهِ فَقَدْ هُدِیَ» ۴ راه اعتصام به خداوند،به روی هر کسی باز است. «وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّهِ...» ۵ رو کردن به هر کس و هر مقامی غیر از خداوند،انحراف است. «وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلیٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِیمٍ» ۶ آنچه مهم تر از حرکت است،پیدا کردن راه مستقیم و حرکت در آن است.

«هُدِیَ إِلیٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِیمٍ»

۷ هدایت،نتیجه ی قطعی اعتصام به خداوند است. «فَقَدْ هُدِیَ» ۸ اعتصام به خداوند،یک حرکت جدّی توأم با انتخاب آگاهانه است که لازمه ی آن رهسپاری با اولیای خداست. (۱)«مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّهِ فَقَدْ هُدِیَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۲]

اشاره

یٰا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا اِتَّقُوا اَللّهَ حَقَّ تُقٰاتِهِ وَ لاٰ تَمُوتُنَّ إِلاّٰ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند پروا کنید آن گونه که سزاوار تقوای اوست و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید.

نکته ها:

هر کمالی مثل ایمان،علم و تقوا دارای مراحلی است.مرحله ی ابتدایی و مراحل بالا‌تر،تا مرحله کمال مطلق.در قرآن می خوانیم: «رَبِّ زِدْنِی عِلْماً» (۲)خدایا! دانش مرا زیاد کن.و یا در دعای مکارم الاخلاق می خوانیم:«بلغ بایمانی اکمل الایمان» خداوندا! ایمان مرا به کمال برسان.در این آیه نیز می خوانیم: «اتَّقُوا اللّهَ حَقَّ تُقٰاتِهِ» عالی ترین درجه تقوا را پیشه کنید.

ص: ۱۲۲

۱- ۱) .در زیارت جامعه کبیره،امام هادی علیه السلام می فرماید:«مَن اعتصَمَ بکم فقد اعتَصَم باللّه»پناه بردن و توسّل به اولیای الهی،در حقیقت خود را در پناه و حمایت خدا قرار دادن است.

۲- ۲) .طه،۱۱۴.

پیام ها:

۱ مؤمن،هر روز باید مرحله ی بالاتری را بپیماید. «آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ» ۲ تقوای واقعی،در سایه ایمان به مبدأ و معاد است. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ» ۳ تقوا،رمز حسن عاقبت است. «اتَّقُوا اللّهَ» ، «تَمُوتُنَّ» ، «مُسْلِمُونَ» ۴ ایمان آوردن کافی نیست،با ایمان ماندن لازم است.شروع کار خیلی مهم نیست،پایان کار مهم تر است. «لا تَمُوتُنَّ إِلاّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» ۵ اسلام،نه تنها چگونه زیستن را به ما می آموزد،بلکه چگونه مردن را نیز به ما آموزش می دهد. «لا تَمُوتُنَّ إِلاّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» ۶ انسان در سرنوشت و عاقبت خود نقش دارد. «لا تَمُوتُنَّ إِلاّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» ۷ اسلام،هم به کیفیّت تقوا توجّه دارد وهم به تداوم آن تا پایان عمر. «حَقَّ تُقاتِهِ وَ لا تَمُوتُنَّ إِلاّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۳]

اشاره

وَ اِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اَللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اُذْکُرُوا نِعْمَتَ اَللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ اَلنّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اَللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمنان یکدیگر بودید،پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید،و بر لب پرتگاهی از آتش بودید،پس شما را از آن نجات داد.این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند،شاید هدایت شوید.

نکته ها:

حضرت علیّ علیه السلام می فرماید:قرآن،حبل اللّه است. (۱)و از امام صادق علیه السلام نقل

۱- ۱) .نهج البلاغه،خطبه ۱۷۶.

شـده است که فرمود:«نحن حبل الله»ما اهل بیت،حبل اللّه هستیم. (۱)و در روایت دیگری آمـده است:علیّ بن ابی طالب علیهما السلام حبل اللّه است. (۲)

تألیف دلها تنها به دست خداست. «فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ» قرآن خطاب به پیامبر می فرماید: «لَوْ أَنْفَقْتَ مٰا فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً مٰا أَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ» اگر همه ی سرمایه های زمین را خرج کنی نمی توانی بدون خواست او بین دلها ایجاد الفت نمایی. (۳)

پیام ها:

۱ وحدت و دوری از تفرقه،یک وظیفه ی الهی است. «وَ اعْتَصِمُوا» ۲ محور وحدت باید دین خدا باشد،نه نژاد،زبان،ملّیت،و.... «بِحَبْلِ اللّهِ» ۳ از برکـات و خـدمات اسـلام غافـل نشویـد. «إِذْ کُنْتُمْ أَعْدٰاءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ» ۴ وحـدت،عامـل اخوّت است. «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوٰاناً» ۵ اتّحاد،نعمت بزرگ الهی است. (۴)«فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ» ۶ تفرقه و عدوات،پرتگاه و گودال آتش است. «شَفٰا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ» ۷ نعمت های خداوند،آیات او هستند. «وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ» ، «یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیٰاتِهِ» ۸ یادآوری نعمت های الهی عامل عشق و زمینه ساز هدایت است. «وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ» ، «لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۴]

اشاره

وَ لْتَکُنْ مِنْکُمْ أُمَّةٌ یَدْعُونَ إِلَی اَلْخَیْرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ اَلْمُنْکَرِ وَ أُولٰئِکَ هُمُ اَلْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

و از میان شـما بایـد گروهی باشـند کـه(دیگران را)بـه خیر دعـوت نماینـد و امر به معروف و نهی از منکر کننـد و آنهـا همـان رستگارانند.

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .انفال،۶۳.

۴- ۴) .تفرقه،در ردیف عـذاب هـای آسـمانی و زمینی ویـک مجـازات الهی است.همچنین در اسـلام دروغ گفتن برای ایجـاد وحدت،جایز و راست گفتنِ تفرقه انگیز،حرام است.

نکته ها:

قرار گرفتن آیه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیه ای که دستور اتّحاد و یکپارچگی می دهد،شاید از آن رو باشد که در نظام اجتماعیِ متفرّق و از هم پاشیده،یا قدرت دعوت به خیر و معروف وجود ندارد و یا اینکه چنین دعوت هایی مؤثّر و کارساز نیست.

امر به معروف و نهی از منکر،به دو صورت انجام می شود:

۱ به عنوان وظیفه ای عمومی و همگانی که هر کس به مقدار توانایی خود باید به آن اقدام نماید.

۲ وظیفه ای که یک گروه سازمان یافته و منسجم آن را به عهده دارد و با قدرت، آن را پی می گیرد.چنان که اگر راننده ای در خیابان خلاف کند،هم سایر رانندگان با چراغ و بوق به او اعتراض می کنند و هم پلیس راهنمایی برای برخورد قاطع با متخلّف وارد صحنه می شود.

درباره امر به معروف و نهی از منکر،روایات بسیاری آمده که از نقل آنها صرف نظر و به این مقدار بسنده می کنیم که علی علیه السلام فرمود:اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود،کارهای نیک و خیر تعطیل و اشرار و بَدان مسلّط می شوند. (۱)

پیام ها:

۱ در جامعه اسلامی،باید گروهی بازرس و ناظر که مورد تأیید نظام هستند،بر رفتارهای اجتماعی مردم نظارت داشته باشند. «وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» ۲ اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد،بدون قدرتِ منسجم و مسئول مشخّص امکان ندارد. «مِنْكُمْ أُمَّةٌ» ۳ دعوت کننده ی به خیر و معروف باید اسلام شناس،مردم شناس و شیوه شناس باشد.لذا بعضی از امّت این وظیفه را به عهده دارند،نه همه آنها. «مِنْكُمْ أُمَّةٌ»

۱- ۱) .نهج البلاغه،نامه ۴۷.

۴ دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر،باید به صورت دائمی باشد،نه موسمی و موقّتی. (۱)«یَدْعُونَ» ، «یَأْمُرُونَ» ، «یَنْهَوْنَ» ۵ امر به معروف،بر نهی از منکر مقدّم است.اگر راه معروف ها باز شود،زمینه برای منکر کم می گردد. «یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ» ۶ کسانی که برای رشد و اصلاح جامعه دل می سوزانند،رستگاران واقعی هستند و گوشه گیرانِ بی تفاوت را از این رستگاری سهمی نیست. «أُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ۷ فلاح و رستگاری،تنها در نجات و رهایی خود خلاصه نمی شود،بلکه نجات و رشد دیگران نیز از شرایط فلاح است. «یَأْمُرُونَ» ، «یَنْهَوْنَ» ، «أُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۵]

اشاره

وَ لاٰ تَکُونُوا کَالَّذِینَ تَفَرَّقُوا وَ اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَهُمُ اَلْبَیِّنٰاتُ وَ أُولٰئِکَ لَهُمْ عَذٰابٌ عَظِیمٌ (۱۰۵)

و مانند کسانی نباشید که بعد از آنکه دلایل روشن برایشان آمد،باز هم اختلاف کرده و پراکنده شدند و آنان برایشان عذابی بزرگ است.

پیام ها:

۱ از تاریخ تلخ اختلافات پیشینیان،درس بگیریم. «وَ لاٰ تَکُونُوا کَالَّذِینَ...» ۲ همیشه ریشه ی اختلافات جهل نیست،هوس ها نیز اختلاف برانگیز است.

«وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَهُمُ الْبَیِّنٰاتُ»

۳ اختلاف و تفرقه،نه تنها قدرت شما را در دنیا می شکند،بلکه در قیامت نیز گرفتار عذاب جهنّم می سازد. «لَهُمْ عَذٰابٌ عَظِیمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۱۰۶ تا ۱۰۷]

اشاره

یَوْمَ تَبْیَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا اَلَّذِینَ اِسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ کَفَرْتُمْ بَعْدَ إِیمٰانِکُمْ فَذُوقُوا اَلْعَذٰابَ بِمٰا کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ (۱۰۶) وَ أَمَّا اَلَّذِینَ اِبْیَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِی رَحْمَتِ اَللّٰهِ هُمْ فِیهٰا خٰالِدُونَ (۱۰۷)

۱- ۱) .فعل مضارع،نشانه ی استمرار است.

(قیامت)روزی(است)که صورت هایی سفید و نورانی،و صورت هایی سیاه می شوند.پس کسانی که روسیاه شدند،(از آنان سؤال می شود:)آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به خاطر کفرتان عذاب الهی را بچشید.

و امّا آنان که روسفید شدند،غرق در رحمت خدا شده و در آن جاودانه اند.

نکته ها:

روسفیدی و روسیاهی در قیامت،در حقیقت تجسّم همان حالات و روحیّات انسان در دنیاست.کسانی که در دنیا ولایت خدا را پذیرفته اند،خداوند آنها را از ظلمات به نور می برد و در آن روز با چهره ای نورانی حاضر می شوند،ولی آنان که به ولایت طاغوت گردن نهاده اند،طاغوت ها آنان را از نور به ظلماتِ هوس و تفرقه و شرک و جهل سوق می دهند و در قیامت در سیاهی و تاریکی محشور می شوند.

در قرآن شانزده مرتبه کفرِ بعد از ایمان،دو بار کفرِ بعد از اسلام،سه بار گوساله پرستی بعد از خداپرستی،و بیست و هفت مرتبه انکار بعد از علم و بیّنه،مطرح شده که همه ی این موارد نشان دهنده خطر ارتداد برای همه ما،و هشداری جدّی است.

[سوره آل عمران (۳): آیات ۱۰۸ تا ۱۰۹]

اشاره

تِلْکَ آیاتُ اَللّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَ مَا اَللّهُ یُرِیدُ ظُلْماً لِلْعالَمِینَ (۱۰۸) وَ لِلّهِ ما فِی اَلسَّماواتِ وَ ما فِی اَلْأَرْضِ وَ إِلَی اَللّهِ تُرْجَعُ اَلْأُمُورُ (۱۰۹)

اینها آیات خداوند است که ما آن را به حقّ بر تو می خوانیم و خداوند هیچ ستمی را بر جهانیان نمی خواهد.

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است،از آن خداست و بازگشت همه امور تنها به سوی خداست.

نکته ها:

نزول آیات الهی بر پیامبر،بدون کم و کاست و براساس حقّ و حقیقت است.

همچنین عمل ها و عکس العمل ها،پاداش ها و کیفرهای امّت ها،مطابق یک سری اصول و سنّت های پایدار است.خداوند،نه بر بندگان تکلیفِ فوق طاقت می کند و نه در کیفر و پاداش،شرایط و استعدادها و توان افراد را یکسان می بیند،که اینها موجب ظلم می گردد.

ظلم را کسی روا می دارد که یا کمبود داشته باشد و یا نتواند از راه حقّ به مقصود خود نایل شود و یا از بدی و زشتی ستم غافل باشد،و بر خداوند سبحان هیچ یک از این موارد صادق نیست.خداوندی که همه چیز از اوست و بازگشت همه چیز نیز به سوی اوست،چه نیازی به ظلم کردن دارد؟!

پیام ها:

۱ نزول وحی بر پیامبر،حقّ است،نه ساخته ی ذهن و خیال او. «آیاتُ اللّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ» ۲ روسفیدی و روسیاهی در قیامت،بازتاب عقاید و افکار و اعمال خود انسان هاست،نه ظلم خداوند. «وَ مَا اللّهُ یُرِیدُ ظُلْماً لِلْعالَمِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱۰]

اشاره

کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْکِتابِ لَکانَ خَیْراً لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَکْثَرُهُمُ الْفاسِقُونَ (۱۱۰)

شما بهترین امّتی هستید که برای مردم ظاهر(و گزیده)شده اید.به خوبی ها فرمان می دهید و از بدی ها و زشتی ها،نهی می کنید و به خدا ایمان دارید.و اگر اهل کتاب(نیز به چنین آئین درخشانی)ایمان آورده بودند،قطعاً برایشان بهتر بود.برخی از آنان مؤمنند،ولی بیشترشان فاسق اند.

نکته ها:

در آیـه ی ۱۰۴ همیـن سـوره،مرحلـه ی خاصّـی از امر بـه معروف و نهی از منکر کـه توسـط گروه ویژه و رسـمی صـورت می گرفت،بیان شد.در این آیه به مرحله عمومی که یک وظیفه همگانی است اشاره می شود.

پیام ها:

۱ بهترین امّت بودن با شعار نیست،با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است. «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ» ، «تَأْمُرُونَ...» ۲ در امّتِ ساکت و ترسـو خیری نیست. «خَیْرَ أُمَّهٍ» ، «تَـأْمُرُونَ» ، «تَنْهَوْنَ» ۳ امر به معروف و نهی از منکر به قـدری مهم است که انجـام آن معیـار امتیاز امّت هاست. «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ» ۴ امر به معروف و نهی از منکر،در صورتی محقّق می شود که مسـلمانان به شکل یک امّت باشـند،یعنی حاکمیّت داشـته باشند. «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ» ۵ مسـلمانان مسـئول اصـلاح تمام جوامع بشری هستند. «أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ» ۶ سفـارش به خوبی ها بـدون مبارزه با فساد،کم نتیجه است. «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ» ۷ هر یک از افراد امّت باید امر به معروف و نهی از منکر کنـد.(یک دختر ۹ سـاله نیز حقّ امر به معروف و نهی از منکر رئیس جمهور را دارد) «تَـأْمُرُونَ» ، «تَنْهَوْنَ» ۸ در امر به معروف،سنّ،منطقه،نژاد،سواد و موقعیّت اقتصادی و اجتماعی نقشـی نـدارد. «خَیْرَ أُمَّهٍ» ، «تَأْمُرُونَ» ، «تَنْهَوْنَ» ۹ مسلمان باید از موضع قدرت امر و نهی کند،نه از روی خواهش و التماس.

«تَأْمُرُونَ»

۱۰ امر به معروف،مقـدّم بر نهی از منکر است. «تَـأْمُرُونَ» ، «تَنْهَوْنَ» ۱۱ امر و نهیی می توانـد مؤثّر باشـد که از ایمان مایه گرفته باشد. «تَأْمُرُونَ» ، «تَنْهَوْنَ» ، «تُؤْمِنُونَ»

۱۲ خداونـد اهل کتاب را به اسـلام دعوت می کند. «وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْکِتابِ» ۱۳ اسـلام،ناسخ تمام ادیان است. «وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْکِتابِ» ۱۴ انسان،در انتخاب راه آزاد است. «مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَکْثَرُهُمُ الْفاسِقُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱۱]

اشاره

لَنْ یَضُرُّوکُمْ إِلاّ أَذیً وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُونَ (۱۱۱)

آنها(اهل کتاب)جز آزاری اندک،هرگز به شـما زیانی نخواهند رسانید و اگر با شـما بجنگند،به شما پشت کرده و بگریزند،آن گاه هیچ یاری نشوند.

نکته ها:

این آیه،بشارت و تسلّی برای مسلمانان است که شـما در سایه ی ایمان،وحـدت و امر به معروف بیمه می شویـد.از تهدیـدات دشمن نترسید که پیروزی با شماست و دشمن خوار و زبون است.

پیام ها:

۱ روحیّه ها را باید تقویت کرد. «لَنْ یَضُرُّوکُمْ» ۲ مسـلمانان،در سایه ی ایمان بیمه هستند. «لَنْ یَضُرُّوکُمْ» ۳ مخالفین شما برای نابودی شـما تلاش می کنند،لکن تنها به گوشه ای از اهداف ایذایی خود می رسـند. «إِلاّ أَذیً» ۴ کسی که ایمان ندارد،روحیّه ی مقـاومت نـدارد. «یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبارَ» ۵ قرآن،فرار و ضـعف اهـل کتاب در برابر مسلمانان را پیشـگویی می کنـد. «إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمْ» ۶ کسانی پیروز می شوند و دشـمن را فراری می دهند که در ایمان و امر به معروف ثابت قدم باشند. «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ» ، «وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبارَ» ۷ فسق،زمینه ی ضعف در جبهه های جنگ است. «أَکْثَرُهُمُ الْفاسِقُونَ» ، «وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ

يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبٰارَ»

۸ توان دشمن را تحقیر کنید. «وَ إِنْ يُقٰاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبٰارَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱۲]

اشاره

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ اَلذِّلَّةُ أَيْنَ مٰا ثُقِفُوا إِلاّ بِحَبْلٍ مِنَ اَللّٰهِ وَ حَبْلٍ مِنَ اَلنّٰاسِ وَ بٰاؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اَللّٰهِ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ اَلْمَسْكَنَةُ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كٰانُوا يَكْفُرُونَ بِآيٰاتِ اَللّٰهِ وَ يَقْتُلُونَ اَلْأَنْبِيٰاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمٰا عَصَوْا وَ كٰانُوا يَعْتَدُونَ (۱۱۲)

(دشمنان شما به قدری ترسو و زبون هستند که)هر کجا یافت شوند،مُهر ذلّت بر آنها خورده است،مگر آنکه به ریسمان(امان)الهی چنگ زنند(و از انحراف و فسق دست برداشته،ایمان آورند)و با مردم پیوندی برقرار کنند.آنها گرفتار خشم خدا گشتند و مُهر بیچارگی بر آنها زده شد.این به خاطر آن بود که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند.این بدان سبب بود که عصیان ورزیده و تجاوز می کردند.

نکته ها:

چنان که در روایات آمده،این آیه در مورد قوم یهود است که به جهت نافرمانی حکم خدا و پیامبران،دچار غضب الهی گردیده و مُهر ذلّت و مسکنت بر آنان زده شد.از جمله گناهان آنان کشتن پیامبران بوده است که طبق روایات،مراد از آن، کشتن با شمشیر نیست،بلکه افشای اخبار و اسرار آنان بوده که موجب سلطه ی قدرت های ستمگر و قتل آنان می گردیده است. (۱)

پیام ها:

۱ نتیجه ی کفر و پیامبرکشی،ذلّت و مسکنت است. «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ»

۱- ۱) .کافی،ج ۲،ص ۳۷۱.

۲ یهود همیشه ذلیل است.گرچه گاهی سرنخ تبلیغات و اقتصاد و سیاست را به دست می گیرد،امّا از نظر کرامت و عزّت و محبوبیّت و امنیّت،بدترین جایگاه را دارد.(مثل افراد دزد و چاقوکشی که ایجاد دلهره کرده و درآمدهای کلانی به دست می آورند،ولی هرگز از جایگاه والایی برخوردار نیستند.) «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ» ۳ روحیّه ی مؤمنان را با بیان وضع نکبت بار مخالفان تقویت کنید. «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ» ۴ رمز عزّت دو چیز است:ایمانی از درون به قدرت الهی،ارتباطات حسنه ای از بیرون با امّت ها و ملّت ها. «بِحَبْلٍ مِنَ اللّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النّاسِ» ۵ راه نجات یهود،یا ایمان آوردن به اسلام است؛ «بِحَبْلٍ مِنَ اللّهِ» یا عقد قرارداد با مسلمانان. «حَبْلٍ مِنَ النّاسِ» ۶ عقیده،در عمل اثر دارد. «ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كانُوا يَكْفُرُونَ» ۷ برای قوم یهود انبیای متعدّدی آمدند.«النبیین» ۸ نسبت به بزرگ ترین شخصیّت ها نیز معیارها را فراموش نکنید.با اینکه پیامبرکشی بزرگ ترین جنایت است،امّا کلمه« بِغَيْرِ حَقٍّ »رمز آن است که معیار، باطل است،نه شخص پیامبر. «يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ» ۹ گناه و تجاوز،زمینه ساز گناهان بزرگ تری همچون کفر و پیامبرکشی می گردد.

«ذلِكَ بِما عَصَوْا...»

۱۰ آنچه از تجاوز و کفر بدتر است،اصرار بر کفر و تجاوز است. «كانُوا يَعْتَدُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱۳]

اشاره

لَيْسُوا سَواءً مِنْ أَهْلِ اَلْكِتابِ أُمَّةٌ قائِمَةٌ يَتْلُونَ آياتِ اَللّهِ آناءَ اَللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ (۱۱۳)

اهل کتاب همه یکسان نیستند،طایفه ای از آنها(به طاعت خدا)ایستاده، آیات الهی را در دل شب تلاوت می کنند و سر به سجده می نهند.

نکته ها:

این آیه و آیه بعد،صفات خوب گروهی از اهل کتاب را بیان می دارد که عبارت است از قیام به اطاعت خدا،تلاوت کتاب آسمانی،سجده،امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در کارهای خیر.شاید همین اعمال،بیانگر« بِحَبْلٍ مِنَ اللّهِ »در آیه قبل باشد.

همانگونه که تلاوت قرآن برای مسلمین به همراه اقامه نماز مورد ستایش الهی است، (۱)تلاوت کتب آسمانی،همراه با عبادت و سجده برای اهل کتاب نیز مورد ستایش است. «يَتْلُونَ» ، «يَسْجُدُونَ» خداوند در این آیه به ارزش علم،عمل،تداوم،نشاط و عشق و جهت داشتن اشاره کرده است.با کلمه «يَتْلُونَ» به علم،با کلمه «يَسْجُدُونَ» به عمل،با عبارت «آناءَ اللَّيْلِ» به تداوم و با کلمه «قائِمَةٌ» به عشق و نشاط و با عبارت «آياتِ اللّهِ» به جهت اشاره کرده است.

پیام ها:

۱ خوبی و کمال را از هر گروه و طایفه ای که باشد،بپذیریم و بدان اقرار کنیم.در کنار انتقاد از دیگران،از خوبی های آنان غافل نشویم. «مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ أُمَّةٌ قائِمَةٌ» ۲ یکی از راههای جذب و دعوت دیگران،اقرار و اعتراف به کمالاتِ آنان است. «مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ أُمَّةٌ قائِمَةٌ» ۳ عبادت،نیاز به همّت،جدّیت،عشق و آمادگی دارد. «أُمَّةٌ قائِمَةٌ» ۴ تلاوت آیات خدا و سجده های شبانه،موجب ستایش خداوندی است.

«يَتْلُونَ آياتِ اللّهِ آناءَ اللَّيْلِ»

۵ تلاوت آیات الهی و سجده به درگاه او،قیام به امر الهی است. «قائِمَةٌ يَتْلُونَ» ۶ شب و بالاخص سحر،بهترین وقت برای مناجات است. «آناءَ اللَّيْلِ»

ص: ۱۳۳

۱- ۱) .«انّ الذین یتلون کتاب اللّه و أقاموا الصلاه و انفقوا مما رزقناهم سرّاً و علانیه یرجون تجاره لن تبور»فاطر،۲۹.

۷ عالی ترین حالات عبادت،سجده است. «وَ هُمْ یَسْجُدُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۱۱۴ تا ۱۱۵]

اشاره

یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ اَلْیَوْمِ اَلْآخِرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ اَلْمُنْکَرِ وَ یُسارِعُونَ فِی اَلْخَیْراتِ وَ أُولئِکَ مِنَ اَلصّالِحِینَ (۱۱۴) وَ ما یَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَلَنْ یُکْفَرُوهُ وَ اَللّهُ عَلِیمٌ بِالْمُتَّقِینَ (۱۱۵)

آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای خیر شتاب می ورزند و آنان از افراد صالح و شایسته هستند.

و آنچه از خیر انجام دهند،هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند و خداوند به (حال)پرهیزکاران داناست.

نکته ها:

همان گونه که در سوره ی بقره آیه ۳،در کنار ایمان،نماز مطرح شده است، «اَلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاةَ» در این آیه نیز در کنار ایمان،امر به معروف و نهی از منکر آمده است. «یُؤْمِنُونَ» ، «یَأْمُرُونَ» شیوه ی قرآن آن است که امر به معروف را قبل از نهی از منکر می آورد.آری،اگر درهای معروف باز شود،راه منکر بسته می شود.ازدواج آسان،جلو فحشا را می گیرد.نماز،انسان را از فحشا و منکر باز می دارد.اشتغالِ صحیح می تواند مانع فسادهای اجتماعی گردد.شخصیّت دادن به افراد،آنان را از سقوط به ابتذال باز می دارد.

صالحان کسانی اند که همگان آرزوی ملحق شدن به آنان را دارند: «أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ» (۱)و هر مسلمانی در هر روز،پنج مرتبه به آنان سلام می کند.«السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» در بینش الهی،هیچ عمل صالحی ضایع نمی شود. «فَلَنْ یُکْفَرُوهُ» البتّه چنان که در

ص:۱۳۴

۱- ۱) .یوسف،۱۰۸؛شعراء،۸۳.

قرآن می خوانیم: «إِنَّمٰا یَتَقَبَّلُ اللّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ» (۱)شرط قبولی،ایمان و تقواست،لذا در اینجا می فرماید:ما خود می شناسیم که متّقین چه کسانیند که باید عملشان مورد قبول واقع شود.

پیام ها:

۱ امر به معروف و نهی از منکر،در ادیان دیگر نیز مطرح بوده است.

«أَهْلِ الْکِتٰابِ»

، «یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» ۲ سجده های سحر باید همراه با امر و نهی در روز باشد. «یَسْجُدُونَ» ، «یَأْمُرُونَ» ۳ سرعت در کار خیر،ارزش آن را بیشتر می کند. «یُسٰارِعُونَ فِی الْخَیْرٰاتِ» ۴ سبقت و سرعت صالحان در نیکی ها،موسمی نیست دائمی است. « یُسٰارِعُونَ» ۵ افراد صالح،کسانی هستند که با نشاط و شتاب،به سراغ هر کار خیری می روند،نه فقط بعضی از کارها. «الْخَیْرٰاتِ» ۶ ایمان،عبادت،تلاوت،امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در کار خیر انسان را در زمره صالحان می برد. «أُولٰئِکَ مِنَ الصّٰالِحِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۱۱۶ تا ۱۱۷]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ کَفَرُوا لَنْ تُغْنِیَ عَنْهُمْ أَمْوٰالُهُمْ وَ لاٰ أَوْلاٰدُهُمْ مِنَ اَللّٰهِ شَیْئاً وَ أُولٰئِکَ أَصْحٰابُ اَلنّٰارِ هُمْ فِیهٰا خٰالِدُونَ (۱۱۶) مَثَلُ مٰا یُنْفِقُونَ فِی هٰذِهِ اَلْحَیٰاةِ اَلدُّنْیٰا کَمَثَلِ رِیحٍ فِیهٰا صِرٌّ أَصٰابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَکَتْهُ وَ مٰا ظَلَمَهُمُ اَللّٰهُ وَ لٰکِنْ أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۱۱۷)

همانا کسانی که کافر شدند،هرگز اموالشان و اولادشان چیزی از(عذاب)خدا را از آنان دفع نخواهد کرد و آنها همدم آتشند،همواره در آن ماندگار.

۱- ۱) .مائده،۲۷.

مَثَل آنچه در این زندگی دنیا انفاق می کنند،چون مَثل بادی است که در آن سرما و یا گرمای شدیدی باشد،بر کشتزار قومی که بر خود ستم کرده اند بوزد،پس آن را از بین ببرد.خداوند به آنان ستم نکرده است،بلکه آنان به خویشتن ستم می کنند.

نکته ها:

بارها قرآن اعلام کرده که نه مال،نه فرزند،نه خویشان،نه همسر،نه دوست،نه مولا و نه هیچ چیز دیگر،در برابر قهر خدا ذرّه ای کارساز نیست.

کلمه ی« صِرٌّ »،به معنای گرما و سرمای سوزان است. (۱)

بودجه هایی که کفّار در راه باطل صرف می کنند،همچون بذرپاشی در کشتزاری است که با یک باد سوزان نابود می شود.از ابتدای اسلام تا کنون،هر گونه توطئه، تهاجم و تبلیغات علیه اسلام با شکست روبرو شده و دین الهی هر روز رشد و گسترش یافته است و سرانجام پیروزی با اسلام است.

پیام ها:

۱ عقیده،در عمل مؤثر است.کفر،سبب محرومیّت از برکات انفاق می گردد.

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا»

، «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ» ۲ یکی از عوامل حوادث و بلایای طبیعی،گناهان بشر است. «رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا» ۳ گناه،کارهای نیک را نابود می کند. «ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ» ۴ قهر خداوندی ظلم نیست،بلکه بازتاب عملکرد خود انسان هاست. «وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَ لٰكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»

ص: ۱۳۶

۱- ۱) .التحقیق فی کلمات القرآن.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱۸]

اشاره

يٰا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا لاٰ تَتَّخِذُوا بِطٰانَةً مِنْ دُونِكُمْ لاٰ يَأْلُونَكُمْ خَبٰالاً وَدُّوا مٰا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ اَلْبَغْضٰاءُ مِنْ أَفْوٰاهِهِمْ وَ مٰا تُخْفِی صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنّٰا لَكُمُ اَلْآيٰاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از غیر خودتان همراز نگیرید.آنان در تباهی شما کوتاهی نمی کنند،آنها رنج بردن شما را دوست دارند.همانا کینه و دشمنی از(گفتار)دهانشان پیداست و آنچه دلهایشان در بردارد،بزرگتر است.به تحقیق ما آیات(روشنگر و افشاگر توطئه های دشمن)را برای شما بیان کردیم اگر تعقّل کنید.

نکته ها:

کلمه ی« بِطٰانَةً »به لباس زیر گفته می شود که به«بطن»و شکم می چسبد.این کلمه، کنایه از مَحرم اسرار است.کلمه ی« خَبٰالاً »به معنای نابودی فکر و عقل است.

کلمه ی«عنت»به معنی سختی و رنج،و کلمه ی«یألون»به معنی کوتاهی کردن در انجام کاری است.

دشمن برای ما چه آرزو می کند؟

اگر به واژه ی«ود»در قرآن بنگریم،آرزوهای دشمنان را درباره خود در می یابیم:

۱ او می خواهد ما از سلاح و سرمایه ی خود غافل باشیم. «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتِعَتِكُمْ» (۱)۲ او از ما سازش و نرمش می خواهد. «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (۲)۳ او برای ما رنج و فشار و زحمت می خواهد. «وَدُّوا مٰا عَنِتُّمْ» ۴ او برای ما ارتداد و بازگشت از دین را می خواهد. «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمٰانِكُمْ كُفّٰاراً» (۳)

۱- ۱) .نساء،۱۰۲.

۲- ۲) .قلم،۹.

۳- ۳) .بقره،۱۰۹.

پیام ها:

۱ بیگانگان را مَحرم اسرار خویش قرار ندهیم. «لاٰ تَتَّخِذُوا بِطٰانَةً مِنْ دُونِكُمْ» وجود مستشاران خارجی در کشورهای اسلامی،ممنوع است.

۲ رازداری،یک وظیفه ی قطعی است. «لاٰ تَتَّخِذُوا بِطٰانَةً مِنْ دُونِكُمْ» ۳ هر مسلمانی هم که مصداق «دُونِكُمْ» باشد،نباید محرم اسرار قرار گیرد،زیرا در میان مسلمانان نیز افراد فتنه جو و جاسوس،کم نیستند. «لاٰ تَتَّخِذُوا بِطٰانَةً مِنْ دُونِكُمْ...» ۴ ملاک دوستی و روابط صمیمانه ی مسلمانان با سایر جوامع باید ایمان باشد.

«لاٰ تَتَّخِذُوا بِطٰانَةً مِنْ دُونِكُمْ»

۵ جامعه ی اسلامی،برتر از جامعه ی غیر اسلامی است.« دُونِكُمْ »بجای«غیرکم» نشان آن است که غیر مسلمانان،دون و پائین اند. «مِنْ دُونِكُمْ» ۶ اوّلین حرکت و خطر دشمن،تهاجم فرهنگی است.دشمن در ضربه زدن به فکر و اندیشه کوتاهی نمی کند. «لاٰ يَأْلُونَكُمْ خَبٰالاً» ۷ دشمنان با روشهای گوناگون با ما برخورد می کنند:۱ فساد. «لاٰ يَأْلُونَكُمْ خَبٰالاً» ۲ فشار. «وَدُّوا مٰا عَنِتُّمْ» ۳ نفاق. «مٰا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» ۸ دشمنان خود را بشناسید و هشیار باشید،آنان ذرّه ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی کنند. «لاٰ يَأْلُونَكُمْ خَبٰالاً وَدُّوا مٰا عَنِتُّمْ» ۹ اوامر و نواهی الهی،دلیل و فلسفه دارد.اگر شما را از روابط صمیمانه با دشمنان نهی می کند،به خاطر آن است که آنان در توطئه علیه شما کوتاهی نمی کنند. «لاٰ تَتَّخِذُوا» ، «لاٰ يَأْلُونَكُمْ» ۱۰ از کوزه همان برون تراود که در اوست.از دشمن انتظاری جز بغض و کینه نیست. «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضٰاءُ مِنْ أَفْوٰاهِهِمْ» ۱۱ دشمنان خود را از تبلیغات آنان بشناسید. «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضٰاءُ مِنْ أَفْوٰاهِهِمْ» ۱۲ روابط صمیمی با دشمنِ توطئه گر،نشانه ی بی عقلی است.برخورد با صفا،با

افراد بی صفا، کم عقلی است. «مٰا تُخْفِی صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» ، «إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» ۱۳ خداوند به درون همه آگاه است و نقشه های دشمنان اسلام را افشا می کند.

«وَ مٰا تُخْفِی صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»

۱۴ دشمنان شما منافق هستند،ظاهر و باطنشان یکی نیست. «مٰا تُخْفِی صُدُورُهُمْ» ۱۵ خداوند با معرّفی روحیات دشمن،با شما اتمام حجّت کرده است. «قَدْ بَيَّنّا الْآيٰاتِ» ۱۶ مؤمن بودن مسأله ای است و عاقل بودن مسأله دیگر،لذا در این آیه خداوند به مؤمنان می فرماید:کفّار را محرم اسرار خود قرار ندهید،اگر عقل دارید. «يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ، «إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱۹]

اشاره

هٰا أَنْتُمْ أُولاٰءِ تُحِبُّونَهُمْ وَ لاٰ يُحِبُّونَكُمْ وَ تُؤْمِنُونَ بِالْكِتٰابِ كُلِّهِ وَ إِذٰا لَقُوكُمْ قٰالُوا آمَنّٰا وَ إِذٰا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ اَلْأَنٰامِلَ مِنَ اَلْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اَللّٰهَ عَلِيمٌ بِذٰاتِ اَلصُّدُورِ (۱۱۹)

هان(ای مسلمانان)! این شمایید که آنان را دوست می دارید،ولی آنها شما را دوست نمی دارند،در حالی که شما به همه ی کتاب ها(ی آسمانی)ایمان دارید (ولی آنها به کتاب شما ایمان نمی آورند.)و هر گاه با شما دیدار کنند(منافقانه) می گویند:ما ایمان آوردیم،و چون(با هم)خلوت کنند،از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می گزند.بگو:به خشمتان بمیرید،همانا خداوند به درون سینه ها آگاه است.

پیام ها:

۱ تشخیص روحیات دشمن و انگیزه های حقیقی خود،بسیار دقیق است،به همین جهت در صدر آیه،کلمه ی «هٰا» برای هشدار و تنبیه آمده است.

۲ دوستی باید دو جانبه باشد و گر نه مایه ی ذلّت و خودباختگی و احساس

حقارت است. «تُحِبُّونَهُمْ وَ لاٰ يُحِبُّونَكَمْ» ۳ مسلمان به تمام کتب آسمانی پیشین ایمان دارد،گرچه دیگران به قرآن ایمان نیاورند. «تُؤْمِنُونَ بِالْكِتٰابِ كُلِّهِ» ۴ به هر اظهار ایمانی اطمینان نکنید. «قٰالُوا آمَنّٰا وَ إِذٰا خَلَوْا...» ۵ گمان نکنید محبّت شما،دشمنان کینه توز را نسبت به شما دلگرم می کند.

«تُحِبُّونَهُمْ»

، «عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنٰامِلَ مِنَ الْغَيْظِ» ۶ انگیزه های درونی،بازتاب بیرونی دارد.در آیه قبل: «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضٰاءُ مِنْ أَفْوٰاهِهِمْ» در این آیه «عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنٰامِلَ مِنَ الْغَيْظِ» ۷ دشمن نسبت به شما غضب ندارد،غیظ دارد.غیظ در مواردی بکار می رود که ظرف انسان از غضب پر شده باشد. «مِنَ الْغَيْظِ» ۸ یکی از امدادهای الهی،افشای روحیه های دشمن برای مسلمانان است،تا اغفال نشوند و هوشیار باشند. «وَ مٰا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» ، «وَ إِذٰا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنٰامِلَ...» ۹ دشمنان خود را تحقیر کنید. «مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ» ۱۰ گاهی مسائل روانی چون حسد و کینه،انسان را تا سرحد مرگ پیش می برد.

«مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ»

۱۱ برخورد اسلام با منافقانِ موذی،شدیدتر از کافران یک رنگ است. «إِذٰا لَقُوكُمْ قٰالُوا آمَنّٰا» ، «مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ» ۱۲ گاهی اعلان نفرت و نفرین لازم است.کافران کینه توز و منافقان حیله گر شایسته ی نابودی هستند. «مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ» ۱۳ به بهانه ی جذب کفّار،به آنها محبّت نکنید،زیرا گاهی انگیزه ی واقعی محبّت،طمع یا ترس و یا خودباختگی است. «إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِذٰاتِ الصُّدُورِ» ۱۴ خداوند به اسرار دلها آگاه است. «عَلِيمٌ بِذٰاتِ الصُّدُورِ» اگر باور کنیم که خداوند همه چیز را می داند،کمتر دست به حیله و فریب

می زنیم.منافقان توطئه گر نیز بدانند که خداوند عملکرد آنان را می داند و به موقع پاسخ خواهد داد.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۰]

اشاره

إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهٰا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لاٰ يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اَللّٰهَ بِمٰا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۱۲۰)

اگر خوبی به شما رسد،آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد،آنها بدان شادمان می شوند و اگر(در برابرشان)صبر کنید و پرهیزکار باشید،حیله ی بدخواهانه ی آنان هیچ آسیبی به شما نرساند.همانا خداوند به آنچه انجام می دهند احاطه دارد.

نکته ها:

این آیه راه شناختِ دوست و دشمن را بیان می کند،که بهترین راه آن،توجّه به روحیات و عکس العمل آنها در مواقع کامیابی و یا ناکامی مسلمانان است.در سیاست خارجی نیز توجّه به محکوم کردن ها،تأییدها،تبریک و تکذیب ها،و انواع کمک ها و تبلیغات،لازم است.

در آیات قبل،به مسلمانان سفارش نمود که دشمنان را نه همراه بگیرند و نه دوست.این آیه می فرماید:این برخورد ممکن است تاوان سختی داشته باشد و آنان بر علیه شما توطئه کنند،بنا بر این شما باید اهل صبر و تقوا باشید،تا حیله های آنان ضربه ای به شما نزنند.

پیام ها:

۱ حسادتِ دشمنان به قدری است که اگر اندک خیری به شما برسد،ناراحت می شوند. «إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ» ۲ راه نفوذ دشمن،یا ترس و طمع ماست و یا بی پروایی و بی تقوایی ما،که صبر

و تقوا،راه خنثی کردن آنهاست. «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لاٰ يَضُرُّكُمْ» ۳ در برابر حسودانی که از رشد ما ناراحتند،چاره ای جز صبر و تقوا نیست. «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لاٰ يَضُرُّكُمْ» ۴ خداوند با افشای روحیّات دشمن،به مسلمانان هم روحیّه می دهد و هم بیدار باش. «إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ» ، «لاٰ يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۱]

اشاره

وَ إِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ اَلْمُؤْمِنِينَ مَقٰاعِدَ لِلْقِتٰالِ وَ اَللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۲۱)

و(بیادآر)هنگامی که بامدادان(برای جنگ احد)از نزد خانواده ات بیرون شدی(تا)مؤمنان را در مراکزی برای جنگیدن جای دهی،و خداوند(به گفتار و کردار شما)شنوا و داناست.

نکته ها:

سیمایی از جنگ احُد سال دوّم هجری،کفّار قریش با دادن هفتاد کشته و هفتاد اسیر در جنگ بدر شکست خورده و به مکّه بازگشتند.ابو سفیان گفت:بر کشته ها گریه نکنید،تا عقده ها خالی نشود و کینه ها باقی بماند.همگی شعارِ انتقام سر دهید و من نیز تا انتقام نگیرم با همسرم همبستر نخواهم شد.

سال بعد،کفّار مکّه با سه هزار سوار و دو هزار پیاده و تجهیزات کامل به قصد جنگ با مسلمین به سوی مدینه حرکت کردند.عبّاس عموی پیامبر که تا آن روز اسلام نیاورده بود و در مکّه زندگی می کرد،به خاطر علاقه و محبّت زیادی که به پیامبر داشت،ماجرای حرکت و حمله ی کفّار را در نامه ای محرمانه توسّط مردی از قبیله بنی غفّار نزد پیامبر فرستاد.همین که رسول گرامی اسلام صلی اللّه علیه و آله از ماجرا با خبر شد،گروهی را از مدینه برای کسب اطلاعات بیشتر به سوی مکّه فرستاد.

مأموران در بازگشت،حرکت قوای کفّار به سرکردگی ابو سفیان را تأیید کردند.

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در روز جمعه جلسه ای تشکیل داده و با مسلمانان در این مورد مشورت فرمودند.در این جلسه دو نظریّه مطرح شد:

۱ در مدینه بمانیم و در کوچه ها سنگر بگیریم تا همه بتوانند به ما کمک کنند.

۲ از مدینه خارج شده و در بیرون شهر بجنگیم.

نظریّه ی دوّم که همراه با حماسه و اظهار شجاعت بود،جوانان را جذب و طرفداران بیشتری پیدا کرد و در نتیجه رأی بر آن شد که از شهر خارج شوند.با اینکه نظر مبارک شخص پیامبر صلی اللّه علیه و آله ماندن در شهر بود،ولی به احترام احساسات جوانان،از رأی خود صرف نظر کرد.پس پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله همراه یک نفر برای آماده کردن اردوگاه از شهر مدینه خارج شده و محلی را در دامنه کوه احد که شرایط نظامی خوبی داشت،برگزید.آن گاه پیامبر در خطبه های نماز جمعه مردم را از ماجرا مطلع فرموده و پس از نماز با هزار نفر از مهاجرین و انصار رهسپار اردوگاه جنگ شدند.فرمانده این جنگ شخص رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بودند.حضرت چند پرچم را برافراشتند که بعضی بدست مهاجرین و بعضی بدست انصار سپرده شد.

حرکت از مدینه تا اردوگاه احد پیاده بود و رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از اصحاب در طیّ حرکت سان می دیدند و صفوف را منظّم می فرمودند.پیامبر در بازدید از صفوف، افراد تازه ای را دیده و سؤال فرمودند:شما کیستید؟ گفتند:ما از یهودیانِ مدینه هستیم که برای کمک به شما آمده ایم.حضرت با کمی تأمّل فرمودند:برای جنگ با مشرک،از مشرک کمک نمی گیریم.و به همین دلیل از هزار نفر لشگر اسلام سیصد نفر کم شدند.البتّه بعضی گفته اند که همه ی این سیصد نفر،یهودی نبودند بلکه مسلمانانی مانند عبد اللّه بن ابیّ هم بودند که چون حرکت مسلمانان با رأی آنان مبنی بر سنگر گرفتن در شهر موافق نشده بود،در میان راه جدا شدند. (۱)

پیامبر صلی اللّه علیه و آله نماز صبح را با هفتصد نفر در احد اقامه کردند،و عبد اللّه بن جبیر را

---

۱ – ۱) .در کتاب فروغ ابدیّت،تألیف حضرت آیت اللّه سبحانی،جلد دوّم،ص ۳۸ و تاریخ پیامبر اسلام،تألیف آقای دکتر آیتی،ص ۲۸۵،در این باره تفاوت هایی دیده می شود.

بـا پنجـاه نفر از تیرانـدازان مـاهر،مـأمور حفظ دهانه ی حسّاس کوه قرار داده و سـفارش فرمودنـد که هرگز این منطقه را خالی نکنید.

ابو سفیان نیز خالد بن ولید را همراه با دویست نفر سرباز مأمور نمود تا هر گاه نگهبانان از دهانه کوه غفلت نمایند،از پشت سر به سپاه اسلام حمله ور شوند.

سرانجام دو لشـگر در برابر یکدیگر صف آرایی کردند.ابو سفیان به نام بت ها و زنان زیبا،و رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به نام خداوند متعال،سپاه خود را تشویق می کردند.

از لشگر مسلمانان فریاد اللّه اکبر،و از سپاه کفر صدای دُفّ و نی بلند بود.

جنگ که شـروع شد،مسـلمانان با یک حمله ی سـریع لشگر قریش را درهم شکستند و سپاه کفر پا به فرار گذاشته و مسلمانان آنهـا را تعقیب نمودند.بعضـی از مسـلمانان به خیال شـکست قطعی کفّار سـرگرم جمع آوری غنائم شدنـد و نگهبانانِ دهانه ی کوه نیز بر خلاف سفارشات اکید رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله به طمع جمع آوری غنائم،منطقه ی تحت حفاظت خود را رها کردنـد.در این هنگام خالـد بن ولیـد با دویست نفر سـپاه خود که در کمین بودنـد،از فرصت اسـتفاده نموده و از پشت به سـپاه اسلام حمله کردند.

ناگهان مسـلمانان خود را در محاصـره کفّار دیدند.حمزه عموی گرامی پیامبر شهید شد و جز افراد معدودی که پروانه وار گرد وجود مبارک رسول الله بودند، بقیه مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

در این جنگ نقش علیّ بن ابی طالب علیهما السلام از همه ی افراد بیشتر بود،به نحوی که شمشیر آن حضرت شکست و پیامبر صلی اللّه علیه و آله شمشـیر خود را که ذو الفقار نام داشت به آن حضرت داد و علی علیه السلام از ایشان حفاظت می کرد.در این جنگ شـصت ضـربه و زخم بر پیکر مبارک علی علیه السـلام وارد شد.امام صادق علیه السـلام فرمود:پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله جبرئیل را در میان زمین و آسـمان دید که می گوید:«لا فتی الا علی لا سـیف الا ذو الفقار» یکی از کفّار مکّه به نام ابن قمعه،سـرباز فداکار اسـلام مَصـعب را به خیال اینکه او پیامبر است،شـهید کرد و فریاد زد:به لات و عزّی سوگند که محمّد کشته شد.کفّار

ص :۱۴۴

به شـهادت رسول خدا مطمئن شده و راه مکّه را در پیش گرفته و جنگ را رها کردند و عملاً این شعار به نفع مسـلمانان تمام شد.در این میان مسـلمانان نیز با شـنیدن شایعه شـهادت رسول خدا با ترس و وحشت پا به فرار گذاشـته و بعد از با خبر شدن از زنده بودن پیامبر بازگشته و از آن حضـرت عذرخواهی کردند.در این جنگ هفتاد تن از مسـلمانان شـهید و عدّه ی زیادی نیز مجروح شدند. (۱)

پیام ها:

۱ روزهای حسّاس گذشته را فراموش نکنیم و به عنوان سند تجربه،بیاد آوریم.

«وَ إِذْ غَدَوْتَ...»

۲ در آسـتانه جنگ بایـد از خانواده دل کنـد. «وَ إِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِکَ...» ۳ برنـامه ریزی های فنّی،جغرافیایی و طبیعی عملیات نظـامی،بایـد قبـل از حمله ی دشـمن صـورت گیرد. «وَ إِذْ غَـدَوْتَ» ، «تُبَوِّئُ» ۴ فرمانـدهی جنـگ و انتخـاب پایگـاه ها و مناطق استراتژیک دفاعی،به عهده ی شخص پیامبر و رهبر مسلمانان است. «تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِینَ مَقاعِدَ لِلْقِتالِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۲]

اشاره

إِذْ هَمَّتْ طائِفَتانِ مِنْکُمْ أَنْ تَفْشَلا وَ اَللّهُ وَلِیُّهُما وَ عَلَی اَللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ اَلْمُؤْمِنُونَ (۱۲۲)

آن گاه که دو گروه از شما بر آن شدند که(در جنگ)سستی نمایند،امّا خداوند ولیّ آنان بود(و به آنان کمک کرد که از این فکر باز گردند،)پس مؤمنان تنها به خدا توکّل کنند.

نکته ها:

دو گروه از مسلمانان به نام های«بنو سلمه»از قبیله ی اوس و«بنو حارثه»از قبیله ی خزرج،تصمیم گرفتند که از شرکت در جنگ احد خودداری کنند.دلیل سستی

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

این دو گروه را عوامل متعدّدی ذکر کرده اند:

۱ ترس از دشمن که بیش از مسلمانان بودند.

۲ ناراحتی از اینکه چرا در مقام مشورت به رأی ما توجّه نشد و به جای دامنه احد،در شهر سنگر نگرفته اند.

۳ ایراد به اینکه چرا پیامبر اجازه نداد یهودیانِ هم پیمان،به آنان کمک کنند.ولی خداوند با لطف خود این دو گروه را از افتادن به دام گناه و فرار از میدان جنگ نگهداشت و آنان را در ولایت خود حفظ کرد. (۱)

پیام ها:

۱ خداوند از تصمیمات ما آگاه است و پیامبرش را از افکار مردم آگاه می سازد.

«إِذْ هَمَّتْ»

۲ روزهای سخت و تجربه از آنها را فراموش نکنید. «إِذْ هَمَّتْ» ۳ همه ی کسانی که به جبهه جنگ می روند یکسان نیستند. «طائِفَتانِ» ، «أَنْ تَفْشَلا» ۴ وجود عناصر سست بنیاد در جبهه ها،عامل شکست و خطر است. «تَفْشَلا» ۵ اگر انسان تحت ولایت خدا نباشد،سست می شود. «أَنْ تَفْشَلا وَ اللّهُ وَلِيُّهُما» ۶ خداوند مؤمنان را به حال خود رها نمی کند و در مواقع حساس دست آنان را می گیرد. «وَ اللّهُ وَلِيُّهُما» ۷ فکر گناه،اگر به مرحله ی عمل نرسد،انسان را از تحت ولایت الهی خارج نمی کند. «هَمَّتْ» ، «وَ اللّهُ وَلِيُّهُما» ۸ یگانه داروی سستی،توکّل بر خداست.که این دارو تنها در دست مؤمنان است. «وَ عَلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» ۹ توکّل بر خداوند،عامل پیروزی است. «هَمَّتْ» ، «أَنْ تَفْشَلا وَ اللّهُ وَلِيُّهُما وَ عَلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ»

ص :۱۴۶

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان،ذیل آیه.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۳]

اشاره

وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اَللّٰهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اَللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳)

و همانا خداونـد شـما را در جنگ بـدر در حالی که ناتوان بودید یاری کرد،پس از خداوند پروا کنید،باشد که سپاس گزاری نمائید.

نکته ها:

کلمـه« أَذِلَّةٌ »یـا بـه معنی کمبـود نیروی انسـانی مؤمنـان در بـدر اسـت و یـا بـه معنـای کمبـود سـاز و برگ جنگی و تـدارکات است.یادآوری کمبودها در بدر،اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ احد است.

در سه آیه قبل خواندیم که صبر و تقوا،انسان را بیمه می کند و در این آیه نمونه عملی آن را مجاهدان بدر معرفی می کند.در آیه ی قبل نیز سخن از توکّل بود و مجاهدان بدر نمونه عملی توکّل هستند.این آیه خطاب به مسلمانان می فرماید:

شما که در بدر نصرت خدا را دیدید،چرا در احد به فکر سستی افتادید؟!

پیام ها:

۱ امـدادهای غیبی را در میـدان های کارزار فراموش نکنید. «نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ» ۲ نصـرت الهی،نشانه ی ولایت الهی بر مؤمنان است. «وَ اللّٰهُ وَلِيُّهُمٰا» ، «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ» ۳ به خداونـد توکّل کنیم که نصـرت او را در صـحنه های جنگ دیده ایم. «وَ عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ» ، «نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ» ۴ امدادهای الهی سرنوشت جنگ را معیّن می کند،نه عوامل طبیعی. «نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» ۵ هر کس طالب نصـرت الهی است،باید تقوا پیشه کند. «نَصَرَكُمُ اللّٰهُ» ، «فَاتَّقُوا اللّٰهَ» ۶ شکر امدادهای الهی آن است که تقوای الهی پیشه کنیم. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ» ، «تَشْكُرُونَ»

ص: ۱۴۷

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۴]

اشاره

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَ لَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلاٰثَهِ آلاٰفٍ مِنَ اَلْمَلاٰئِكَهِ مُنْزَلِينَ (۱۲۴)

و(بیاد آور)هنگامی که به مؤمنان می گفتی:آیا شما را کفایت نمی کند که پروردگارتان شما را به سه هزار فرشته ی فرود آمده یاری کند؟

پیام ها:

۱ یکی از وظایف رهبری،امیدوار کردن مردم و توجّه دادن آنها به امدادهای غیبی است. «إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ» ۲ امیدواری به لطف خداوند برای یک رزمنده ضروری است. «أَ لَنْ يَكْفِيَكُمْ» ۳ ملائکه به فرمان خداوند در خدمت مؤمنان قرار می گیرند. «يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلاٰثَهِ آلاٰفٍ مِنَ الْمَلاٰئِكَهِ» ۴ در جهان بینی الهی،زندگی انسان ها با جهان فرشتگان مرتبط است. «يُمِدَّكُمْ...» ۵ امدادهای الهی،بر اساس ربوبیّت اوست. «يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ» ۶ یکی از اسباب امدادهای الهی در جبهه ها،نزول فرشتگان است. «يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلاٰثَهِ آلاٰفٍ مِنَ الْمَلاٰئِكَهِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۵]

اشاره

بَلىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هٰذٰا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَهِ آلاٰفٍ مِنَ اَلْمَلاٰئِكَهِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵)

البتّه اگر صبر و مقاومت کنید و پرهیزگاری نمایید(گرچه)دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند،پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می رساند.

نکته ها:

در آیه ی قبل،سخن از نزول سه هزار فرشته ی امدادرسان بود و در این آیه،سخن از پنج هزار فرشته ی مخصوص،و این در صورتِ صبر و تقوای رزمندگان است.

ذکر تعداد فرشتگان،نشان می دهد که قدرت آنان محدود است.همان گونه که از

ص:۱۴۸

کلمه ی« مُنْزَلِینَ »فهمیده می شود که فرشـتگان تحت امر خدا هستند و از پیش خود کاری انجام نمی دهند.و از کلمه« مُسَوِّمِینَ »اسـتفاده می شود که فرشـتگان امدادی،نیروهای ویژه ای هسـتند.در صحیفه ی سجّادیه،امام زین العابدین علیه السلام در سلام خود به فرشتگان،برای هر دسته از فرشتگان،مأموریّت خاصّی را بیان می کند. (۱)

پیام ها:

۱ اسـتقامت و تقـوا،عامـل نزول فرشـتگان و امـدادهای غیـبی اسـت. «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا» ، «یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ» ۲ امدادهای الهی،اختصـاص به زمـان پیـامبر نـدارد. «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا» ، «یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ» ۳ مقـاومت همراه بـا تقـوا ارزش دارد و گر نه لجاجت و یکدندگی است. «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا» ۴ از دشمن غافل نشویم که هجوم او خشمگینانه و خروشان است. «یَأْتُوکُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ» ۵ هر گاه هجوم دشـمن بر اهل تقوا شدید باشد،خداوند نیز برامدادهای خود می افزاید. «یَأْتُوکُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ» ، «بِخَمْسَةِ آلافٍ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۶]

اشاره

وَ مٰا جَعَلَهُ اَللّٰهُ إِلاّٰ بُشْریٰ لَکُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُکُمْ بِهِ وَ مَا اَلنَّصْرُ إِلاّٰ مِنْ عِنْدِ اَللّٰهِ اَلْعَزِیزِ اَلْحَکِیمِ (۱۲۶)

و خداونـد ایـن(نزول فرشـتگان)را جز مژده و بشـارتی برای شـما قرار نـداد،تـا دلهـای شـما بـدان آرام گیرد و(بدانیـد که)هیچ پیروزیی نیست مگر از جانب خداوند عزیز و حکیم.

پیام ها:

۱ آرامش و امیـد،نیـاز رزمنـدگان در جبهه هاست. «بُشْریٰ لَکُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ» ۲ تمام مقـدّمات مادّی،علمی،روانی و انسانی،بدون اراده ی خداوند کاری از

۱- ۱) .صحیفه سجّادیه،دعای سوّم.

پیش نمی برند. «وَ مَا النَّصْرُ إِلاّ مِنْ عِنْدِ اللّهِ» ۳ قدرت خداوند همراه با حکمت اوست.لذا ممکن است در مواردی به دلایل خاصّی مسلمانان نیز شکست بخورند. «اللّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۷]

اشاره

لِيَقْطَعَ طَرَفاً مِنَ اَلَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خائِبِينَ (۱۲۷)

(امدادهای الهی برای آن بود)تا بعضی از کفّار را ریشه کن کند یا ناکام و ذلیلشان گرداند که ناامید برگردند.

نکته ها:

کلمه ی «طَرَفاً» به معنای انتهای یک چیز است،نه گوشه ی آن.بنا بر این آیه می فرماید:امدادهای غیبی ما برای آن است که ریشه ی بعضی از کفّار قطع شود.

البتّه بعضی مفسّران،« طَرَفاً »را به معنای اشراف گرفته اند.یعنی هدف جنگ بدر، نابودی اشراف کفّار بود.نظیر آیه ی «فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ» (۱)ناامیدی بر دو گونه است؛اگر کسی از اوّل ناامید باشد می گویند:«یأس»دارد، ولی اگر بعد از امیدواری،ناامید شود می گویند:«خائب»است. (۲)

جنگ در اسلام،گاه دفاعی است و برای خنثی کردن تهاجم دشمن و گاه ابتدایی و آغازگرانه است.

پیام ها:

۱ سران کفر،یا باید به کلّی ریشه کن شوند و یا خوار و ذلیل و مأیوس گردند.با برخوردهای ضعیف و موسمی و موضعی که به ریشه ی کفر لطمه نمی زند، دل خوش نباشید. «لِيَقْطَعَ طَرَفاً مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» ۲ وحدت و قدرت و سیاست و مدیریّت مسلمانان،باید به نوعی باشد که دشمن به ناامیدی کشیده شود. «فَيَنْقَلِبُوا خائِبِينَ»

۱- ۱) .توبه،۱۲.

۲- ۲) .تفسیر اطیب البیان و التحقیق فی کلمات القرآن.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۸]

اشاره

لَيْسَ لَكَ مِنَ اَلْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظٰالِمُونَ (۱۲۸)

هیچ امری(از هدایت یا کیفر مردم)در اختیار تو نیست.(تنها خداوند است که) یا لطف خود را بر آنها برمی گرداند یا عذابشان می کند،زیرا آنان ستمکارند.

نکته ها:

وقتی رهبری امّت صداقت کامل دارد،اینگونه عمل می کند که حتّی آیاتی را که از او سلب مسئولیّت می کند،با کمال صداقت و شهامت برای مردم باز می خواند، که خداوند فرمود:تو کاره ای نیستی.در تفاسیر شیعه و سنّی می خوانیم که در جنگ احد هنگامی که دندان پیامبر شکست و خون جاری شد،حضرت فرمود:

چگونه این مردم رستگار خواهند شد؟ آیه نازل شد که تو مسئول رستگاری مردم نیستی،ممکن است در آینده مورد عفو قرار بگیرند و ممکن است به حال خود رها شده و مجازات شوند.

پیام ها:

۱ عفو یا عذاب بدست خداوند است.شفاعتِ اولیا هم بدون اذن او صورت نمی گیرد و هرگز پیامبران از پیش خود در برابر خداوند استقلالی ندارند.

«لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ»

۲ راه توبه حتّی برای فراریان از جبهه حقّ و یا کفّاری که بزرگ ترین صدمه را به مسلمانان زده اند،بسته نیست. «أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ» ۳ عذاب مردم بخاطر ظلم و ستم خودشان است. «يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظٰالِمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۲۹]

اشاره

وَ لِلّٰهِ مٰا فِي اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ مٰا فِي اَلْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشٰاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشٰاءُ وَ اَللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲۹)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است،از آنِ اوست.او(طبق حکمت خود) هر کس را بخواهد می بخشد و هر کس را بخواهد عذاب می کند و خداوند بخشنده ی مهربان است.

نکته ها:

این آیه تأکیدی بر آیه قبل است که مجازات یا عفو،تنها به دست خداوند است.

زیرا آفرینش و حاکمیّت تمام هستی در دست اوست.جالب اینکه در آیه،افرادِ مورد قهر یا لطف معیّن نمی شوند،تا غرور یا یأس برای کسی پیدا نشود و همه در حالت خوف و رجا باشند.ناگفته پیداست که عفو یا عذاب،بر اساس حکمت الهی و وابسته به زمینه هایی است که انسان در خود و یا جامعه بوجود می آورد.

پیام ها:

۱ حقّ عفو یا کیفر،تنها بدست کسی است که حاکمیّت آسمان ها و زمین برای اوست. «لِلّٰهِ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ» ، «یَغْفِرُ» ، «وَ یُعَذِّبُ» ۲ در نظام الهی،اصل بر عفو و مغفرت است. «یَغْفِرُ» بر «یُعَذِّبُ» مقدّم شده است.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۰]

اشاره

یٰا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا لاٰ تَأْکُلُوا اَلرِّبَوا أَضْعٰافاً مُضٰاعَفَةً وَ اِتَّقُوا اَللّٰهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا(و بهره ی پول)را با افزودن های مکرّر نخورید،از خدا روا کنید تا شاید رستگار شوید.

نکته ها:

این آیه همراه با هشت آیه ی بعد،در میان آیات جنگ احد قرار گرفته است.

شاید این امر به این جهت باشد که مسائل اخلاقی و اقتصادی،در یک نظام دفاعی مؤثّر است.جامعه ای که افرادش اهل اخلاص و ایثار،و سبقت در کارهای خیر،و اطاعت از رهبر باشند،در جنگ هم موفّق خواهند بود،ولی جامعه ی پول

ص: ۱۵۲

پرست و بخیل و نافرمان و مصرّ بر ارتکاب گناه،یقیناً شکست خواهد خورد.

آیات تحریم ربا،در چند مرحله و به صورت تدریجی نازل شده است.گام اوّل، انتقاد از رباخواری یهود بود: «وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ» (۱)گام دوّم این آیه است که منع از ربای چندین برابر می کند و در گام سوّم،اسلام حتّی یک درهم ربا را تحریم و به منزله ی جنگ با خدا معرّفی کرده است.

پیام ها:

۱ ایمان،زیر بنای عمل به دستورات است. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا» ۲ قبل از تحریم ربا،نمونه های زشت و برجسته آن تحریم شد. «أَضْعافاً مُضاعَفَةً» ۳ رعایت تقوی در مسائل اقتصادی بشدّت لازم است. «لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا» ، «اتَّقُوا اللّهَ» ۴ رستگاری با رباخواری بدست نمی آید،بلکه با تقوا حاصل می شود. «لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا» ، «وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» ۵ رباخوار،نه در دنیا رستگار است،(به خاطر تشدید اختلافات طبقاتی که منجر به تفرقه و کینه ی محرومان و انفجار آنها می شود)و نه در آخرت.(به خاطر گرفتاری به قهر خداوند). «لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا» ، «لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۱]

اشاره

وَ اتَّقُوا النّارَ الَّتِی أُعِدَّتْ لِلْکافِرِینَ (۱۳۱)

و از آتشی که برای کافران آماده شده است.بپرهیزید.

پیام ها:

۱ رباخواری یک نوع کفر است. «لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا» ، «أُعِدَّتْ لِلْکافِرِینَ» ۲ مسلمان رباخوار،همان عذابی را می بیند که برای کافر فراهم شده است.

«أُعِدَّتْ لِلْکافِرِینَ»

۳ دوزخ،برای کافران فراهم شده و اگر مسلمانانی گرفتار آن شوند،بخاطر تشابه

۱- ۱) .نساء،۱۶۱.

عملی آنان با کفّار است. «أَعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» ۴ دوزخ هم اکنون موجود است. «أَعِدَّتْ لِلْكافِرِينَ» همانگونه که بهشت برای نیکوکاران آماده است. «وَ أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۱)

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۲]

اشاره

وَ أَطِيعُوا اَللّٰهَ وَ اَلرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۳۲)

و خدا و رسول را اطاعت کنید،شاید مورد رحمت قرار گیرید.

نکته ها:

دلیل شکست مسلمانان در جنگ احد،نافرمانی از دستور رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله بود.

زیرا آن حضرت فرموده بود که منطقه حفاظتی واقع در میان درّه های کوه احد را رها نکنند،ولی دسته محافظان بخاطر طمع ورزی و جمع آوری غنائم جنگی بر خلاف دستور،منطقه را رها کردند و دشمن از همان منطقه به مسلمانان ضربه زد.

پیام ها:

۱ دستورات و فرامینِ حکومتی پیامبر صلی اللّه علیه و آله،همچون فرمان خدا واجب الاطاعه است. «وَ أَطِيعُوا اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ» ۲ رباخواری،عصیان و طغیان در برابر خدا و رسول است. «لاٰ تَأْكُلُوا الرِّبٰوا» ، «وَ أَطِيعُوا اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ» ۳ کسی که بخاطر اطاعت از فرمان خدا و رسول،دست از رباخواری بر دارد و به مردم رحم کند،مورد رحمت قرار خواهد گرفت. «أَطِيعُوا» ، «تُرْحَمُونَ» ۴ پیروی از خدا و رسول،رمز نجات از دوزخ است. «اتَّقُوا النّٰارَ» ، «وَ أَطِيعُوا اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ» ۵ نتیجه ی پیروی از خدا و رسول،به خود انسان برمی گردد،نه به خدا و رسول.

«لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

ص :۱۵۴

۱- ۱) .شعراء،۹۰.

۶ اطاعت از خدا،بی پاداش نیست،بلکه وسیله و بستر دریافت رحمت اوست.

«أَطِیعُوا»

، «لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۳]

اشاره

وَ سٰارِعُوا إِلیٰ مَغْفِرَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ جَنَّهٍ عَرْضُهَا اَلسَّمٰاوٰاتُ وَ اَلْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ (۱۳۳)

برای نیل به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن به قدر آسمان ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده گردیده،بشتابید.

نکته ها:

گروهی از دانشمندان اسلامی،عقیده دارند که بهشت و دوزخ هم اکنون وجود دارند و یکی از دلایل آنان همین آیات« أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ »یا« أُعِدَّتْ لِلْکٰافِرِینَ »است.

آمرزش گناه،کار الهی است و مراد از سرعت به سوی مغفرت،سرعت به سوی کاری است که مغفرت را بدنبال داشته باشد.

در این آیه،کلمه ی«عرض»به معنای وسعت است،نه کلمه ای در برابر طول.

حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:«سارعوا الی اداء الفرائض»به انجام تکالیف الهی سرعت کنید. (۱)

پیام ها:

۱ سرعت در کار خیر،ارزش آن را بالا می برد. «سٰارِعُوا» ۲ اوّل بخشیده شدن،سپس بهشت رفتن. «مَغْفِرَهٍ» ، «جَنَّهٍ» ۳ آمرزش گناه مردم،از شئون ربوبیّت الهی است. «مَغْفِرَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ» ۴ سرعت در توبه،لازم است. «سٰارِعُوا إِلیٰ مَغْفِرَهٍ» ۵ لازمه ی سرعت به سوی بهشت متّقین،قرار گرفتن در زمره ی متّقین است.

«جَنَّهٍ»

، «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ»

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۴]

اشاره

اَلَّذِینَ یُنْفِقُونَ فِی اَلسَّرّٰاءِ وَ اَلضَّرّٰاءِ وَ اَلْکٰاظِمِینَ اَلْغَیْظَ وَ اَلْعٰافِینَ عَنِ اَلنّٰاسِ وَ اَللّٰهُ یُحِبُّ اَلْمُحْسِنِینَ (۱۳۴)

(متّقین)کسانی هستند که در راحت و رنج انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از(خطای)مردم می گذرند،و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

نکته ها:

این آیه،بدنبال محکوم کردن ربا در آیات قبل،از انفاق و عفو و گذشت و تعاون تمجید می کند.

یک واقعه ی تاریخی

آورده اند:روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه السلام در موقع شستشوی سر و صورت آن حضرت،ظرف آب از دستش افتاد و سر امام علیه السلام را زخمی کرد.امام به او نگاهی کرد.او دریافت که امام ناراحت شده است.بلافاصله گفت:« وَ الْکٰاظِمِینَ الْغَیْظَ »،امام فرمود:من خشم خود را فرو بردم.او دوباره گفت:« وَ الْعٰافِینَ عَنِ النّٰاسِ »،امام فرمود:ترا عفو کردم.او گفت:« وَ اللّٰهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ »امام فرمود:تو در راه خدا آزاد هستی. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:هیچ بنده ای نیست که خشم خود را فرو ببرد،مگر آنکه خداوند عزّت او را در دنیا و آخرت فزونی بخشد.خداوند فرمود: «وَ الْکٰاظِمِینَ الْغَیْظَ» ، «وَ اللّٰهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ» این پاداش فروبردن آن خشم است. (۲)

پیام ها:

۱ تقوا،از انفاق جدا نیست. «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ اَلَّذِینَ یُنْفِقُونَ...» ۲ انفاق،سخاوت می خواهد نه ثروت. «فِی السَّرّٰاءِ وَ الضَّرّٰاءِ» ۳ نه در حال رفاه از محرومان غافل باشیم،و نه در تنگدستی بگوییم که ما خود

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان و روح البیان.

۲- ۲) .کافی،ج ۲،ص ۱۱۰.

گرفتــاریم. «فِی السَّرّاءِ وَ الضَّرّاءِ» ۴ متّقین محکوم غرایز نیستند،آنان حاکم و مالک خویشتن اند. «الْکاظِمِینَ الْغَیْظَ» ۵ تقوا،از سعه ی صدر جدا نیست. «وَ الْعافِینَ عَنِ النّاسِ» ۶ متّقی،منزوی نیست،بلکه با مال و اخلاق خوب خود،با مردم معاشرت می کند. «یُنْفِقُونَ» ، «الْکاظِمِینَ» ، «الْعافِینَ» ۷ در عفو خطاکار،ایمان او شرط نیست. «وَ الْعافِینَ عَنِ النّاسِ» ۸ کسی که می خواهد محبوب خدا شود باید از مال بگذرد و خشم و غضب را فرو برد. «وَ اللّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ» ۹ انفاق به محرومان و گذشت از خطای مردم،از مصادیق احسان و نیکوکاری است. «یُنْفِقُونَ» ، «الْکاظِمِینَ» ، «الْعافِینَ» ، «الْمُحْسِنِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۵]

اشاره

وَ الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللّهُ وَ لَمْ یُصِرُّوا عَلی ما فَعَلُوا وَ هُمْ یَعْلَمُونَ (۱۳۵)

(افراد با تقوا)کسانی هستند که هر گاه کار زشتی انجام دهند و یا به خویشتن ستم کنند،خدا را یاد کرده و برای گناهان خود استغفار می کنند.و جز خدا کیست که گناهان را ببخشد؟ و(متّقین)چون به زشتی گناه آگاهند بر انجام آنچه کرده اند،پافشاری ندارند.

نکته ها:

بعضی مفسّران،مراد از« فاحِشَةً »را زنا و مراد از«ظلم»را سایر گناهان دانسته اند و بعضی دیگر مراد از« فاحِشَةً »را گناهان کبیره و«ظلم»را گناهان صغیره دانسته اند.

در روایات می خوانیم که بی توجّهی به گناهان گذشته و ترک توبه از آنها،به

منزله ی اصرار بر گناه است. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:وقتی این آیه نازل شد،ابلیس همه ی یاران خود را جمع کرد و چاره جویی نمود.شیاطین پیشنهاداتی دادند که پذیرفته نشد،وسواس خنّاس گفت:من چاره می کنم! گفتند:چگونه؟ گفت:به آنها وعده می دهم و به آرزوها گرفتارشان می کنم تا دچار گناه شوند و وقتی گرفتار شدند،استغفار را از یاد آنها می برم. (۲)

پیام ها:

۱ گاهی از افراد متّقی نیز گناه صادر می شود. «لِلْمُتَّقِینَ» ، «الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً» ۲ خطرناک تر از انجام گناه،غفلت از گناه و بی توجّهی به زشتی آن است.متّقین اگر هم گناه کنند،بلافاصله استغفار می نمایند. «إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً» ، «ذَکَرُوا اللّهَ فَاسْتَغْفَرُوا» ۳ نشانه ی تقوا،توبه فوری از گناه است. «إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً» ، «ذَکَرُوا اللّهَ فَاسْتَغْفَرُوا» ۴ یاد خدا،رمز توبه است. «ذَکَرُوا اللّهَ فَاسْتَغْفَرُوا» ۵ تا یاد خدا در دل گناهکار زنده است،می تواند در مدار متقین وارد شود. «إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً» ، «ذَکَرُوا اللّهَ» ۶ گناه،ظلم به خویشتن است. «ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» ۷ تنها خداوند است که گناهان را می بخشد. «وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللّهُ» ۸ متّقی کسی است که اصرار بر گناه نداشته باشد.زیرا اصرار بر گناه،نشانه ی سبک شمردن آن و غفلت از یاد خداست. «وَ لَمْ یُصِرُّوا عَلی ما فَعَلُوا» ۹ اصرار آگاهانه بر گناه،سبب محرومیّت از مغفرت الهی است. «وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللّهُ وَ لَمْ یُصِرُّوا»

ص:۱۵۸

۱- ۱) .«هو ان یذنب الذنب فلا یستغفر اللّه و لا یحدث نفسه بتوبه فذلک الاصرار».کافی،ج ۲،ص ۲۸۷.

۲- ۲) .وسائل،ج ۱۱،ص ۶۶.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۶]

اشاره

أُولٰئِكَ جَزٰاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ جَنّٰاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰارُ خٰالِدِينَ فِيهٰا وَ نِعْمَ أَجْرُ اَلْعٰامِلِينَ (۱۳۶)

پاداش آنان(متّقين)از طرف پروردگارشان،مغفرت و باغ هايى است كه از زير درختان آنها نهرها جارى است و براى هميشه در آن(باغ ها)هستند و چه نيكوست پاداش اهل عمل.

نكته ها:

آمدن كلمات« لِلْمُتَّقِينَ »،« اَلْمُحْسِنِينَ »و« اَلْعٰامِلِينَ »در پايانِ سه آيه پى در پى،نشانگر آن است كه تقوا يک حالت انزوا و عزلت و تنها كيفيّت روحى نيست،بلكه حضور در صحنه،همراه با عمل و احسان است.

پيام ها:

۱ تا انسان از گناه پاک نشود،شايستگى ورود به بهشت را ندارد. «مَغْفِرَةٌ» ، «جَنّٰاتٌ» ۲ عفو و مغفرت خداوند،براى تربيت انسان است. «مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ» ۳ تنها با آرزو نمى توان به الطاف خداوند رسيد،بلكه كار و عمل لازم است.

«نِعْمَ أَجْرُ الْعٰامِلِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۷]

اشاره

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِی اَلْأَرْضِ فَانْظُروا كَيْفَ كٰانَ عٰاقِبَةُ اَلْمُكَذِّبِينَ (۱۳۷)

به يقين پيش از شما سنّت هايى بوده(و سپرى شده)است.پس در روى زمين گردش كنيد و بنگريد كه سرانجام تكذيب كنندگان چگونه بوده است.

نكته ها:

اين آيه به اهميّت جامعه شناسى و كشف اصول عزّت و ذلّت جوامع اشاره دارد.

سنّت هايى كه در اقوام پيشين وجود داشته،از اين قبيل است:

الف:حقّ پذيرى و نجات آنها.

ب:تکذیب حقّ و هلاک آنها.

ج:آزمایشات الهی برای آنها.

د:امدادهای غیبی برای اهل حق.

ه:فرصت و مهلت به ستمگران.

و:مقاومت مردان خدا و رسیدن به اهداف.

ز:توطئه کفّار و خنثی سازی آن از جانب خداوند.

پیام ها:

۱ قوانین و سنّت های ثابتی بر تاریخ بشر حاکم است که شناخت آن،برای امروز بشر مفید است. «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ» ۲ تاریخ گذشتگان،چراغ راه زندگی آیندگان است. «فَسِيرُوا» ، «فَانْظُروا» ۳ جهانگردیِ هدفدار و بازدیدِ توأم با اندیشه،بهترین کلاس برای تربیت انسان هاست. «فَسِيرُوا» ، «فَانْظُروا» ۴ شما با سایر امّت ها فرقی ندارید.عوامل عزّت یا سقوط همه یکسان است.

«فَسِيرُوا»

، «فَانْظُروا» ۵ شناخت رفتار و پایان کار پیشینیان در انتخاب راه مفید است. «فَسِيرُوا» ، «فَانْظُروا» ۶ با آگاهی از تاریخ گذشته،می توانید آینده ی راه خود را پیش بینی کنید.

«فَسِيرُوا»

، «فَانْظُروا» ۷ حفظ آثار باستانی برای عبرت آیندگان،لازم است. «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» ۸ بررسی و تحقیق در تحولات تاریخ،لازم است. «فَسِيرُوا» ، «فَانْظُروا» ۹ در مطالعه ی تاریخ جلوه ها مهم نیست،پایان کار مهم است. «فَسِيرُوا» ، «فَانْظُروا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» ۱۰ کیفرهای الهی تنها مربوط به قیامت نیست،گاهی در همین دنیا قهر الهی به سراغ گردنکشان می آید. «عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۸]

اشاره

هٰذٰا بَيٰانٌ لِلنّٰاسِ وَ هُدىً وَ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۸)

این(قرآن)برای همه ی مردم بیانی روشنگر،ولی برای متّقین(وسیله ی) هدایت و پندآموزی است.

نکته ها:

کلمه ی« هٰذٰا »یا اشاره به آیات ۱۳۰ تا ۱۳۷ است و یا اشاره به سنّت ها و عبرت های تاریخ در آیه ی قبل است.

پیام ها:

۱ قرآن،قابل فهم برای همه ی مردم،در هر عصری است. «بَيٰانٌ لِلنّٰاسِ» ۲ قرآن،برای همه ی مردم،در همه زمان ها و مکان هاست. «لِلنّٰاسِ» ۳ جهانگردی هدفدار،از عوامل هدایت است. «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» ، «هُدىً» ۴ با آنکه قرآن برای عموم مردم است،ولی تنها افراد پرهیزگار و متّقی پند پذیر هستند. «مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ» ۵ روحیّه ی افراد در استفاده و بهره از آیات الهی مؤثّر است. «لِلْمُتَّقِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۹]

اشاره

وَ لاٰ تَهِنُوا وَ لاٰ تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ اَلْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳۹)

و اگر مؤمن هستید،سستی نکنید و غمگین مباشید که شما برترید.

نکته ها:

بعد از جنگ احد که به خاطر عدم اطاعت از فرماندهی،بر قوای اسلام شکست وارد شد،مسلمانان روحیّه خود را از دست دادند،این آیه نازل شد که مبادا با شکست خود را ببازید، بلکه با ایمان خود را تقویت کنید که برتری با شماست.

پیام ها:

۱ شکستِ موضعی در یک جنگ،نشانه ی شکست نهایی مسلمانان نیست.

ص:۱۶۱

«وَ لاٰ تَهِنُوا وَ لاٰ تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ»

۲ رهبر بایـد روحیه هـا را تقویت کنـد. «وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ...» ۳ اگر به ایمـان و اطـاعت برگردیـد،در جنگ ها به پیروزی خواهید رسید. «وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ۴ در سایه ی ایمان،می توان بر همه جهان غالب شـد. «أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ۵ پیروزی و شـکست ظـاهری ملاـک نیسـت،برتری بـه خـاطر عقایـد صـحیح و تفکّر سـالم اصـل است. «وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ۶ در جهـان بینی مادّی،عامل پیروزی سـلاح و تجهیزات است،ولی در بینش الهی،عامل پیروزی ایمان است. «إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۰]

اشاره

إِنْ یَمْسَسْکُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ اَلْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْکَ اَلْأَیّامُ نُداوِلُها بَیْنَ اَلنّاسِ وَ لِیَعْلَمَ اَللّهُ اَلَّذِینَ آمَنُوا وَ یَتَّخِذَ مِنْکُمْ شُهَداءَ وَ اَللّهُ لاٰ یُحِبُّ اَلظّالِمِینَ (۱۴۰)

اگر(در جنگ احـد)به شـما جراحتی می رسـد،پس قطعاً به گروه کفّار نیز(در جنگ بـدر)زخمی همانند آن رسـیده است.و ما روزها(ی شـکست و پیروزی)را در میان مردم می گردانیم تا خداوند(با امتحان)کسانی را که ایمان آورده اند، معلوم دارد و از شما گواهانی(بر دیگران)بگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی دارد.(گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند)

نکته ها:

این آیه ضـمن دلداری به مسـلمانان،واقعیّتی را بیان می کند و آن اینکه اگر شما به منظور حقّ و برای هدفی الهی متحمّل ضرر جانی شده اید،دشـمنان شـما نیز کشته و مجروح داده اند.اگر شما امروز در احد پیروز نشده اید،دشمنان شما نیز دیروز در بدر شکست خورده اند،پس در سختی ها بردبار باشید.

گرچه معمولاً کلمات« شُهَداءَ »، «شَهِیدٌ *» و «شاهِدٌ *» در قرآن به معنای«گواه»است،

لکن به دلیل شأن نزول و مسأله جنگ و موضوع زخم و جراحت در جبهه،اگر کسی کلمه ی« شُهَداءَ »را در این آیه به«کشته شدگان در راه خدا»معنی کند،راه دوری نرفته است.

مسلمانان با توجّه به موارد ذیل باید روحیّه داشته باشند:

الف: «أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ» شما بلند مرتبه اید.

ب: «فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ» دشمنان شما نیز زخمی شده اند.

ج: «تِلْکَ الْأَیّامُ نُداوِلُها» این روزهای تلخ سپری می شود.

د: «وَ لِیَعْلَمَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا» خدا مؤمنان واقعی را از منافقان باز می شناساند.

ه: «وَ یَتَّخِذَ مِنْکُمْ شُهَداءَ» خداوند از شما گواهانی را برای آینده تاریخ می گیرد.

و: «وَ اللّهُ لا یُحِبُّ الظّالِمِینَ» خداوند مخالفان شما را دوست ندارد.

امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه فرمودند:از روزی که خداوند آدم را آفرید، قدرت و حکومت خدایی و شیطانی در تعارض با یکدیگر بوده اند،امّا دولت کامل الهی با ظهور حضرت قائم علیه السلام تحقّق می یابد. (۱)

پیام ها:

۱ مسلمانان نباید در صبر و بردباری از کفّار کمتر باشند. «فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ» ۲ حوادث تلخ و شیرین،پایدار نیست. «تِلْکَ الْأَیّامُ نُداوِلُها بَیْنَ النّاسِ» ۳ در جنگ ها و فراز و نشیب های زندگی،اهل ایمان از مدّعیان ایمان باز شناخته می شوند. «لِیَعْلَمَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا» ۴ خداوند از شما شهیدانی،کشته ی راه حقّ گرفت تا به آسانی از دین خدا دست برندارید. «وَ یَتَّخِذَ مِنْکُمْ شُهَداءَ» ۵ خداوند از خود شما گواهانی گرفت که چگونه نافرمانی از رهبری موجب شکست می شود. «وَ یَتَّخِذَ مِنْکُمْ شُهَداءَ»

۱- ۱) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۱۹۹.

۶ پیروزی موقّت کفّار،نشانه محبّت خداوند به آنان نیست. «اللّهُ لاٰ یُحِبُّ الظّالِمِینَ» ۷ حرکت و جریان های تاریخی به اراده ی خداوند است. «نُداوِلُها»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۱]

اشاره

وَ لِیُمَحِّصَ اَللّهُ اَلَّذِینَ آمَنُوا وَ یَمْحَقَ اَلْکافِرِینَ (۱۴۱)

و(فراز و نشیب های جنگ برای آن است)تا خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص،و کافران را(به تدریج)محو و نابود گرداند.

نکته ها:

کلمه ی«تمحیص»به معنای پاک نمودن از هر گونه عیب،و« یَمْحَقَ »به معنای کم شدن تدریجی است.

گویا خداوند در احد می خواست نقاط ضعف مسلمانان را به آنان نشان دهد تا به فکر اصلاح و جبران نقایص بیفتند و برای حرکت های بعدی آمادگی لازم را داشته باشند.گاهی شکست های سازنده و بیدارگر،از پیروزی های خواب آور مطلوب تر است.

پیام ها:

۱ جنگ،میزانی است برای شناسایی افراد پاک از اشخاص پوک. «لِیُمَحِّصَ اللّهُ» ۲ برای اهل ایمان،شکست یا پیروزی سعادت است.زیرا یا شهادت،یا تجربه، یا غلبه بر دشمن را به دست می آورد. «لِیُمَحِّصَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا» ۳ رشد و شکوفایی ایمان،محو و سرنگونی کفر،به مرور زمان و در طول تاریخ به دست می آید. (۱)«لِیُمَحِّصَ» ، «یَمْحَقَ» ۴ آینده ی تاریخ به سوی محو و نابودی کفر است. «یَمْحَقَ الْکافِرِینَ» ۵ شکست امروز مهم نیست،پایان کار اصل است. «وَ یَمْحَقَ الْکافِرِینَ»

۱- ۱) .«یُمَحّص»دلالت بر استمرار و«یَمحَق»معنای تدریج را با خود دارد.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۲]

اشاره

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا اَلْجَنَّهَ وَ لَمّا یَعْلَمِ اَللّهُ اَلَّذِینَ جاهَدُوا مِنْکُمْ وَ یَعْلَمَ اَلصّابِرِینَ (۱۴۲)

آیا گمان دارید که(با ادّعای ایمان)وارد بهشت شوید،در حالی که هنوز خداوند مجاهدان از شما و صابران را معلوم نساخته است؟

نکته ها:

این آیه،به جهاد و صبر و مقاومت مؤمنان اشاره می کند.زیرا راه بهشت از طریق صبر و جهاد است.قرآن می فرماید: «سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ» (۱)سلام بر شما اهل بهشت،بخاطر صبر و مقاومتی که داشتید.در این تعبیر لطفی است،نمی گوید سلام بر شما بخاطر حج و روزه و یا خمس و زکات،زیرا انجام هر عملی نیازمند صبر و پایداری است.

پیام ها:

۱ از امیدها و آرزوهای باطل دست برداریم. «أَمْ حَسِبْتُمْ» ۲ ایمانِ قلبی کافی نیست،تلاش و عمل نیز لازم است.بهشت را به بها دهند نه بهانه. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّهَ وَ لَمّا یَعْلَمِ...» ۳ کلید بهشت،صبر و جهاد است.صبر در برابر مصیبت،معصیت و انجام عبادت و حضور در جبهه ی جهاد اکبر و جهاد اصغر. «وَ یَعْلَمَ الصّابِرِینَ» ۴ صبر و مقاومت،همراه با جهاد لازم است.زیرا شروع جنگ و ادامه ی آن و عوارض و آثار بعد از جنگ،همه و همه نیازمند صبر و بردباری است.

«جاهَدُوا مِنْکُمْ وَ یَعْلَمَ الصّابِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۳]

اشاره

وَ لَقَدْ کُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ اَلْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَیْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۱۴۳)

۱- ۱) .رعد،۲۴.

همانا شما مرگ(و شهادت)را(پس از جنگ بدر)پیش از آنکه با آن روبرو شوید سخت آرزو می کردید،پس آن را(در جنگ احد)دیدید،ولی(ناخوشایند به آن)نگاه می کردید.

نکته ها:

در شأن نزول این آیه آورده انـد:پس از جنگ بـدر که مسلمانان پیروز شدند و عدّه ای نیز به شـهادت رسیدند،برخی از افراد می گفتنـد:ای کاش ما نیز در جنگ بـدر در راه خدا به شـهادت می رسـیدیم.ولی همانها در سال بعد در جنگ احد پا به فرار گذاشتند که در این آیه مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته اند.

در زیارت شـهدای کربلا می گوییم:ای کاش ما با شما بودیم و به شهادت می رسیدیم.هیچ فکر کرده ایم که در مقام عمل،ما چه می کنیم؟! خوش بود گر محَک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

پیام ها:

۱ فریب آرزوهای خود را نخورید و به هر شعار و شعاردهنده ای اطمینان نکنید.

«وَ لَقَدْ كُنْتُمْ»

، «فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ...» ۲ در میدان عمل،مردان آزموده می شوند. «رَأَيْتُمُوهُ» ، «وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۴]

اشاره

وَ مٰا مُحَمَّدٌ إِلاّٰ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ اَلرُّسُلُ أَ فَإِنْ مٰاتَ أَوْ قُتِلَ اِنْقَلَبْتُمْ عَلىٰ أَعْقٰابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلىٰ عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اَللّٰهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اَللّٰهُ اَلشّٰاكِرِينَ (۱۴۴)

و محمّـد جز پیـامبری نیست که پیش از او نیز پیـامبران(دیگری آمـده و)در گذشـته انـد.(بنـا بر این مرگ برای انبیـا نیز بوده و هست،)پس آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود،شما به(آئین)گذشتگان خود بر می گردید؟ و هر کس به عقب

برگردد،پس هرگز هیچ ضرری به خداوند نمی زند و خداوند بزودی پاداش شاکران را خواهد داد.

نکته ها:

در تفاسیر آمده است:وقتی در جنگ احد از سوی کفّار سنگی بر پیشانی پیامبر اصابت کرد و خون جاری شد،صدایی بلند شد که محمّد کشته شد.برخی نیز به اشتباه شهادت مَصعب را شهادت پیامبر پنداشتند.این شایعه موجب شادی و روحیه گرفتن کفّار شد و جمعی از مسلمانانِ متزلزل پا به فرار گذاشتند.برخی نیز به فکر گرفتن امان از ابو سفیان فرمانده کفّار افتادند.در برابر این گروه،مسلمانانی با صدای بلند فریاد می زدند:اگر محمّد هم نباشد راه محمّد و خدای محمّد باقی است،فرار نکنید. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:حساب قتل از مرگ جداست،و هر شهیدی در آینده تاریخ برگشته و دوباره خواهد مرد.زیرا قرآن می فرماید: (۲)«کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ» (۳)

پیام ها:

۱ وظیفه پیامبر،ابلاغ پیام خداست.ما هستیم که باید راهش را ادامه دهیم. «وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاّ رَسُولٌ» ۲ مگر با مرگِ انبیای قبل،پیروانشان از دین برگشتند؟! «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ...» ۳ جامعه ی اسلامی باید چنان تشکّل و انسجامی داشته باشد که حتّی رفتن رهبر به آن ضربه ای نزند. «أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ»

۱- ۱) .زمانی به نوشتن این آیه رسیدم که بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره به ملکوت اعلی پیوست و در تشییع پیکر ایشان حدود ده میلیون نفر در تهران شرکت کردند.مسلمانان ایران بر اساس همین آیه بر پیمان خود استوار ماندند و با انتخاب رهبری عادل و فقیه؛«آیه اللّه خامنه ای»با امام و آرمان های بلند او تجدید بیعت نمودند.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۲،ص ۱۱۳.

۳- ۳) .انبیاء،۳۵.

۴ پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله نیز تابع سنّت های الهی و قوانین طبیعی همچون مرگ و حیات است. «أَ فَإِنْ مٰاتَ أَوْ قُتِلَ» ۵ انتشار شایعه،از حربه های دشمن است. «مٰاتَ أَوْ قُتِلَ» (با توجّه به شأن نزول) ۶ عمر پیامبر محدود است،نه راه او. «أَ فَإِنْ مٰاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ» ۷ فردپرستی ممنوع.راه خدا که روشن شد،آمد و رفت افراد نباید در پیمودن خط الهی ضربه وارد کند. «أَ فَإِنْ مٰاتَ أَوْ قُتِلَ» ۸ ایمان خود را چنان ثابت و استوار سازید که حوادث تاریخ آن را نلرزاند.

«أَ فَإِنْ مٰاتَ أَوْ قُتِلَ»

۹ دست برداشتن از خط انبیا،سقوط و عقب گرد است. «انْقَلَبْتُمْ عَلىٰ أَعْقٰابِكُمْ» ۱۰ كفر مردم،ضرری برای خداوند ندارد. «فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهَ» ۱۱ مقاومت در راه حق،بهترین نوع شكر عملی است كه پاداشش با خداست.

«سَيَجْزِي اللّٰهُ الشّٰاكِرِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۵]

اشاره

وَ مٰا كٰانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلاّٰ بِإِذْنِ اَللّٰهِ كِتٰاباً مُؤَجَّلاً وَ مَنْ يُرِدْ ثَوٰابَ اَلدُّنْيٰا نُؤْتِهِ مِنْهٰا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوٰابَ اَلْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهٰا وَ سَنَجْزِي اَلشّٰاكِرِينَ (۱۴۵)

هیچ کس جز به فرمان خدا نمی میرد،(و این)سرنوشتی است تعیین شده.و هر کس پاداش دنیا را بخواهد از آن به او می دهیم،و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می دهیم،و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد.

پیام ها:

۱ با فرار از جنگ،از مرگ نمی توانید فرار کنید. «انْقَلَبْتُمْ عَلىٰ أَعْقٰابِكُمْ» ، «مٰا كٰانَ لِنَفْسٍ» ۲ مرگ،به دست ما نیست، «كِتٰاباً مُؤَجَّلاً» ولی اراده و هدف به دست ماست.

«وَ مَنْ يُرِدْ...»

۳ حال که دنیا و آخرت در برابر ماست،مسیر ابدیّت و رضای خالق را ادامه دهیم. «مَنْ یُرِدْ» ، «نُؤْتِهِ مِنْها» ۴ هر نوع انگیزه و عملی بازتاب و عکس العمل مخصوصی دارد.در هر مسیری گام نهیم به مقصدی خاص خواهیم رسید. «مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الدُّنْیا» ، «وَ مَنْ یُرِدْ...»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۶]

اشاره

وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِی سَبِیلِ اَللّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اِسْتَکانُوا وَ اَللّهُ یُحِبُّ اَلصّابِرِینَ (۱۴۶)

و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند،پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید،نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلّت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد.

نکته ها:

« رِبِّیُّونَ »جمع«ربی»بر وزن«ملّی»به کسی گفته می شود که ارتباط و پیوند او با خدا محکم و در دین،دانشمند و مقاوم و با اخلاص باشد. (۱)

پیام ها:

۱ تاریخ انبیا همراه با مبارزه است. «وَ کَأَیِّنْ...» ۲ هنگام احساس ضعف،از زندگی راد مردان تاریخ و مقاومت آنان درس بگیرید. «وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ» ۳ جنگ و جهادی حقّ است که زیر نظر رهبر الهی باشد. «قاتَلَ مَعَهُ» (۲)۴ تعداد مجاهدان عالم و عارف در تاریخ بسیار است. «کَأَیِّنْ» ، «رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ» ۵ گرچه همه ی مجاهدان عزیزند،ولی رزمندگان عارف و عالم حساب دیگری دارند. «رِبِّیُّونَ»

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۲- ۲) .در دعای ماه رمضان می خوانیم:«اللّهم ارزقنا قتلاً فی سبیلک تحت رایه نبیّک مع اولیائک»

۶ ایمان به خدا،سرچشـمه ی مقاومت است. «رِبِّيُّونَ» ، «فَمَا وَهَنُوا» ۷ مشـكلات نبايد عامل سستی و ضعف شود،بلكه بايد عامل حركت و تلاش جديـدی گردد. «فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصابَهُمْ» ۸ آنچه به انسـان روحيّه می دهـد و تحمّل مشـكلات را آسـان می كند،در راه خدا بودن آنهاست. «فِي سَبِيلِ اللّهِ» ۹ فشارها،مردان خدا را وادار به تسليم نمی كند. «وَ مَا اسْتَكانُوا» ۱۰ هر چند در بدر پيروز شديد،ولی راه آينده ی شما مسلمانان،راه جهاد و مبارزه است،پس بايد صبور و مقاوم باشيد.(با توجّه به آيات قبل و بعد) ۱۱ رزمنـدگانِ بصـير،نه از درون روحيّه خود را می بازنـد؛ «فَمَا وَهَنُوا» و نه توان رزمی خود را از دست می دهنـد؛ «وَ مَا ضَعُفُوا» و نه در اثر فشارها تسـليم می شونـد. «وَ مَا اسْتَكانُوا» ۱۲ انجـام وظيفـه و پايـداری بر حقّ مهم است،پيروز بشـويم يا نشويم.آيه می فرمايد: «وَ اللّهُ يُحِبُّ الصّابِرِينَ» و نفرمود:«يحب الفاتحين»

[سوره آل عمران (۳): آيه ۱۴۷]

اشاره

وَ مَا كانَ قَوْلَهُمْ إِلاّ أَنْ قالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا فِی أَمْرِنا وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ (۱۴۷)

و كلام آنهـا(رزمنـدگان مخلص و آگـاه)جز اين نبود كه گفتنـد:«پروردگـارا گناهانمـان و زيـاده روی هايمـان را در كارمان ببخش و گامهای ما را استوار بدار و ما را بر گروه كافران ياری ده.

پيام ها:

۱ يكی از عوامـل شـكست در جنگ،گناه و اسـراف است.رزمنـدگان مخلص،با اسـتغفار اين موانع پيروزی را از بين می برنـد. «اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا» ۲ شـكستِ خود را به قضا و قـدر و يا ديگران نسبت ندهيـد،به قصورها و تقصـيرهای خود نيز توجّه داشته باشيد. «ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا»

ص: ۱۷۰

۳ اوّل استغفار،بعد استنصار.ابتدا طلب آمرزش کنید،سپس از خداوند پیروزی بخواهید. «اغْفِرْ لَنا» ، «وَ انْصُرْنا» ۴ بجای تسلیم در برابر دشمن،در پیشگاه خداوند اظهار ذلّت نمایید. «وَ مَا اسْتَكانُوا» ، «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا...» ۵ صحنه های جهاد و جنگ،انسان را به سوی دعا و استغفار می کشاند. «وَ ما كانَ قَوْلَهُمْ إِلاّ أَنْ قالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا» ۶ مردان خدا،نصرت و یاری خدا را برای نابودی کفر می خواهند،نه برای کسب افتخار خود. «وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ» ۷ بر لطف خداوند تکیه کنید،نه بر نفرات خود. «رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ» ، «رَبَّنَا» ، «انْصُرْنا»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۸]

اشاره

فَآتاهُمُ اَللّهُ ثَوابَ اَلدُّنْيا وَ حُسْنَ ثَوابِ اَلْآخِرَةِ وَ اَللّهُ يُحِبُّ اَلْمُحْسِنِينَ (۱۴۸)

پس خداوند پاداش دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

نکته ها:

ممکن است مراد از پاداش دنیویِ رزمندگان،ثابت قدمی و پیروزی،و مراد از ثواب اخروی آنان،مغفرتِ گناهان باشد.

پیام ها:

۱ میان پاداش های دنیوی و اخروی تفاوت فراوان است. «وَ حُسْنَ ثَوابِ الْآخِرَةِ» در بهره های دنیوی،تلخی هایی نیز وجود دارد،ولی ثواب آخرت،به تمامی نیکی و خیر است.

۲ دعا،جهاد،صبر،استغفار،ایمان و توکّل به خداوند که در آیات قبل آمده بود، از عوامل محبوبیّت نزد خداوند است. «وَ اللّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۴۹]

اشاره

يَا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا اَلَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلىٰ أَعْقٰابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خٰاسِرِينَ (۱۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از کسانی که کفر ورزیدند اطاعت کنید،شما را به آئین گذشتگانِ کافرتان بر می گردانند،پس به خسارت و زیانکاری بازخواهید گشت.

نکته ها:

در شأن نزول این آیه می خوانیم که در جنگ احد،وقتی که مسلمانان شکست خوردند،رهبر منافقان عبد اللّٰه بن ابیّ فریاد زد:به برادران مشرک ملحق شوید و همان بت پرستی را ادامه دهید. (۱)

پیام ها:

۱ خطر ارتداد و انحراف در کمین مؤمنان است. «اَلَّذِينَ آمَنُوا» ، «يَرُدُّوكُمْ عَلىٰ أَعْقٰابِكُمْ» ۲ در فراز و نشیب ها،مراقب تبلیغات و وسوسه های دشمن باشید،مبادا کم کم به آنان گرایش پیدا کنید. «إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا» ۳ کفر پس از ایمان،ارتجاع و سقوط است. «عَلىٰ أَعْقٰابِكُمْ» ، «خٰاسِرِينَ» ۴ خسارت واقعی،به هدر دادن سرمایه های ایمانی،فکری و روحی است،از دست دادن بهشت و گرفتن دوزخ است. «فَتَنْقَلِبُوا خٰاسِرِينَ» ۵ شکست در میدان جنگ خسارت نیست،شکست اعتقادی و ارتداد، خسارتی بس بزرگ است. «فَتَنْقَلِبُوا خٰاسِرِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۰]

اشاره

بَلِ اَللّٰهُ مَوْلاٰكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ اَلنّٰاصِرِينَ (۱۵۰)

(از آنها که دوستدار شما نیستند پیروی نکنید،)بلکه خداوند مولای شماست و او بهترین یاوران است.

ص: ۱۷۲

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان و نور الثقلین.

نکته ها:

در آیه قبل سخن از اطاعت کفّار بود،نه مولی گرفتن آنان،که این آیه می گوید:

خداوند مولای شماست،پس معلوم می شود هر کس کفّار را اطاعت کند،در حقیقت آنان را مولی گرفته است.

انگیزه ی ارتداد و اطاعت از کفّار،کسب عزّت و قدرت است.قرآن در این آیه و آیاتی نظیر آن،این خیال واهی را رد می کند و می فرماید: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِیعاً» (۱)و «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِیعاً» (۲)

پیام ها:

۱ ولایت و اطاعت،در خداوند منحصر است. «بَلِ اللّٰهُ مَوْلاٰکُمْ» ۲ ولیّ گرفتن خداوند،سبب پیروزی شماست. «مَوْلاٰکُمْ وَ هُوَ خَیْرُ النّٰاصِرِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۱]

اشاره

سَنُلْقِی فِی قُلُوبِ اَلَّذِینَ کَفَرُوا اَلرُّعْبَ بِمٰا أَشْرَکُوا بِاللّٰهِ مٰا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطٰاناً وَ مَأْوٰاهُمُ اَلنّٰارُ وَ بِئْسَ مَثْوَی اَلظّٰالِمِینَ (۱۵۱)

بزودی در دلهای کسانی که کفر ورزیدند،بیم خواهیم افکند،زیرا چیزی را با خدا شریک کرده اند که بر(حقّانیّت)آن(خداوند)دلیلی نازل نکرده است و جایگاه آنان آتش دوزخ است و چه بد است جایگاه ستمگران.

نکته ها:

پس از شکست مسلمانان در احد،ابو سفیان و لشکریانش که هنوز در اطراف مدینه بودند،گفتند:مسلمان ها نابود شدند و باقیمانده آنان گریختند،خوب است بازگردیم و آنها را ریشه کن کنیم.ولی خداوند آن چنان رعبی در دل آنان افکند که مانند شکست خوردگان به مکّه بازگشتند،چون نگران حمله مسلمانان بودند. (۳)

۱- (۱) .بقره،۱۶۵.

۲- (۲) .یونس،۶۵.

۳- (۳) .مناقب،ج ۱،ص ۱۲۶.

پیام ها:

۱ خداونـد،مسـلمانان را بـا القـای ترس بر قلب دشـمن یـاری می کنـد. «سَنُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ» ۲ تکیـه به غیر خدا،شرک و عامل ترس است.همان گونه که ایمان و یاد خدا عامل اطمینان می باشد. «الرُّعْبَ بِمٰا أَشْرَکُوا» ۳ مشرک،بر ادّعای شرک برهـان نـدارد. «مٰا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطٰاناً» ۴ اصـول عقایـد بایـد بر اسـاس منطـق و اسـتدلال باشـد. «لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطٰاناً» ۵ برهان،نوری الهی است که بر دلها نازل می شود و مشرکین این نور را ندارند.

«لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطٰاناً»

۶ شرک،ظلم است.لذا پایان آیه می فرماید: «بِئْسَ مَثْوَی الظّٰالِمِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۲]

اشاره

وَ لَقَدْ صَدَقَکُمُ اَللّٰهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتّٰی إِذٰا فَشِلْتُمْ وَ تَنٰازَعْتُمْ فِی اَلْأَمْرِ وَ عَصَیْتُمْ مِنْ بَعْدِ مٰا أَرٰاکُمْ مٰا تُحِبُّونَ مِنْکُمْ مَنْ یُرِیدُ اَلدُّنْیٰا وَ مِنْکُمْ مَنْ یُرِیدُ اَلْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَکُمْ عَنْهُمْ لِیَبْتَلِیَکُمْ وَ لَقَدْ عَفٰا عَنْکُمْ وَ اَللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلَی اَلْمُؤْمِنِینَ (۱۵۲)

و قطعـاً خداونـد وعـده ی خـود را(مبنی بر پیروزی شـما در جنـگ احـد)محقّق گردانـد،زیرا که دشـمن را بـا خـواست او می کشتیـد،تـا آنکه سـست شدیـد و در کـار(جنـگ و تقسیـم غنائم)به نزاع پرداختیـد و از(دسـتور پیامبر)نافرمانی کردیـد،با آنکه خداوند(پیروزی و)آنچه را(از غنائم)که محبوب شما بود به شما نشان داده بود.برخی از شما خواهان دنیایند(و غنائم جنگی،)و برخی خواهان آخرت(و شـهادت در راه خدا).پس آن گاه خداوند شـما را از(تعقیب) آنان منصـرف ساخت(و پیروزی شما به شکست انجامید،)تا شـما را بیازماید، ولی از(خطای)شـما درگذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان،صاحب فضل و بخشـش است.

نکته ها:

مسلمانان در سال دوّم هجری،در جنگ بدر پیروز شدند و خداوند وعده داده بود که در جنگ های آینده نیز پیروز می شوند.در سال بعد که جنگ احد واقع شد،پیامبر صلی اللّه علیه و آله پنجاه نفر مسلح را برای حفاظت از درّه ها و کوه ها نصب کرد.چون جنگ شروع شد،در آغاز مسلمانان حمله کرده و نفس دشمن را گرفته و آنها را شکست دادند،اما متأسّفانه در بین آن پنجاه نفر که مسئول حفاظت از کوه بودند، اختلاف شد،عدّه ای گفتند:پیروزی ما قطعی است،پس به سراغ جمع غنائم برویم و عدّه ی کمی هم چنان سنگرها را حفظ کردند.دشمنِ شکست خورده،از همان منطقه ای که بدون محافظ مانده بود حمله کرد و این بار مسلمان ها ضربه ی سنگینی خوردند و شهدای بسیاری دادند،تا آنجا که جان پیامبر در معرض خطر قرار گرفت و بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

پس از پایان جنگ،مسلمانان از پیامبر صلی اللّه علیه و آله انتقاد می کردند که مگر خدا به ما وعده ی پیروزی نداده بود،پس چرا شکست خوردیم؟ این آیه پاسخ می دهد که وعده ی خدا راست بود،ولی سستی و نزاع و نافرمانی عاملِ شکست شما شد.

پیام ها:

۱ معنای تحقق وعده های خدا،نادیده گرفتن سنّت های الهی نیست.نصرت خداوند تا زمانی است که شما به وظیفه عمل کنید. «لَقَدْ صَدَقَکُمُ اللّٰهُ وَعْدَهُ» ، «إِذٰا فَشِلْتُمْ وَ تَنٰازَعْتُمْ» ۲ از جمله عوامل شکست،سستی،نزاع و عدم اطاعت از فرماندهی است.

«فَشِلْتُمْ وَ تَنٰازَعْتُمْ»

، «وَ عَصَیْتُمْ» ۳ افراد برای هدف های متفاوت جنگ می کنند.بعضی برای دنیا می جنگند و بعضی برای آخرت. «مِنْکُمْ مَنْ یُرِیدُ الدُّنْیٰا وَ مِنْکُمْ مَنْ یُرِیدُ الْآخِرَةَ» ۴ پایداری در نبرد،حفظ وحدت و اطاعت،نشانه ی آخرت خواهی رزمندگان است. «مِنْکُمْ مَنْ یُرِیدُ الْآخِرَةَ»

۵ جزای کسی که بجای شکر نعمت پیروزی،به اختلاف و نافرمانی و سستی دامن زند،شکست است. «صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ» ۶ عامل شکست های بیرونی،درونی است.شما در درون سست و نافرمان شدید،لذا در بیرون شکست خوردید. «فَشِلْتُمْ» ، «صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ» ۷ شکست ها،وسیله ی آزمایش الهی هستند. «لِيَبْتَلِيَكُمْ» ۸ هنگام تخلّف و شکست نیز از لطف خدا مأیوس نشوید. «عَفا عَنْكُمْ» ۹ ایمان،بستر و زمینه ی دریافت فضل خاص خداوند است. «عَفا عَنْكُمْ وَ اللّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» ۱۰ مؤمن را به خاطر یک خلاف نباید از صفوف اهل ایمان خارج دانست،بلکه باید از یک سو هشدار داد و از سوی دیگر با تشویق دلگرمش کرد. «عَفا عَنْكُمْ وَ اللّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۳]

اشاره

إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لا تَلْوُونَ عَلى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْراكُمْ فَأَثابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلا تَحْزَنُوا عَلى ما فاتَكُمْ وَ لا ما أَصابَكُمْ وَ اللّهُ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ (۱۵۳)

(به خاطر بیاورید)هنگامی که(در جنگ احد به هنگام فرار،از کوه)بالا می رفتید و به هیچ کس توجّه نمی کردید،(در حالی که)پیامبر شما را از پشت سرتان فرا می خواند(که به جای خود برگردید).پس به سزای آن،خداوند غمی بر غم هایتان افزود تا دیگر بر آنچه(از غنائم)از کفتان رفته یا(از آسیب و زخم)بر سرتان آمد،اندوه نخورید و(بدانید که)خداوند به آنچه انجام می دهید،آگاه است.

نکته ها:

درباره جمله ی «فَأَثابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ» تفسیرهای گوناگونی مطرح شد است از جمله:

۱ خداوند به لطف خود،غم پسندیده ی پیروزی کفّار بر مسلمانان را جایگزین

ص: ۱۷۶

غم ناپسندِ از دست دادن غنائم ساخت.

۲ خداوند به سزای غمی که بر دل پیامبر وادار کردید،شما را دچار غم و اندوه فراوان کرد.

۳ خداوند به سزای فرار از جنگ و نافرمانی پیامبر،غم های فراوانی را یکی پس از دیگری بر شما وارد کرد.

بر اساس روایات،تسلّط خالد بن ولید بر مسلمانان موجب افزایش اندوه آنان از شکست در جنگ احد گردید. (۱)

پیام ها:

۱ نتیجه ی سستی،اختلاف و عدم اطاعت از فرماندهی؛فرار و سراسیمگی در جبهه ی نبرد است. «حَتّٰی إِذٰا فَشِلْتُمْ وَ تَنٰازَعْتُمْ» ، «إِذْ تُصْعِدُونَ» ۲ یاد نقاط ضعف،مایه ی بهره گیری از تجربه هاست. «إِذْ تُصْعِدُونَ» ۳ هنگام خطر،انسان عادّی جز خودش به فکر دیگری نیست. «لاٰ تَلْوُونَ عَلیٰ أَحَدٍ» ۴ فریاد رهبر،در افراد ترسو و سست ایمان تأثیرگذار نیست. «وَ الرَّسُولُ یَدْعُوکُمْ» ۵ اظهار علاقه،در روز آسایش مهم نیست؛همدلی و همراهی در روزهای سختی نشانه ی دوستی واقعی است. «وَ الرَّسُولُ یَدْعُوکُمْ...» ۶ آنجا که همه فرار می کنند،رهبر باید در صحنه بماند و فراریان را فرابخواند.

«وَ الرَّسُولُ یَدْعُوکُمْ...»

۷ یک لحظه غفلت و کوتاهی در انجام وظیفه،موجب هجوم ناگواری های پی در پی می شود. «غَمًّا بِغَمٍّ» ۸ از ناگواری های گذشته درس بگیرید و دیگر بر از دست دادن اموال دنیا و یا چشیدن مصیبت ها،اندوه نخورید. «لِکَیْلاٰ تَحْزَنُوا عَلیٰ مٰا فٰاتَکُمْ وَ لاٰ مٰا أَصٰابَکُمْ»

ص: ۱۷۷

۱- ۱) .تفسیر برهان؛راهنما.

[سوره آل عمران (٣): آیه ١۵۴]

اشاره

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ اَلْغَمِّ أَمَنَةً نُعاساً يَغْشىٰ طائِفَةً مِنْكُمْ وَ طائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ اَلْحَقِّ ظَنَّ اَلْجاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنا مِنَ اَلْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ اَلْأَمْرَ كُلَّهُ لِلّٰهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ ما لا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كانَ لَنا مِنَ اَلْأَمْرِ شَيْءٌ ما قُتِلْنا هاهُنا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ اَلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ اَلْقَتْلُ إِلىٰ مَضاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَلِيَ اَللّٰهُ ما فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ ما فِي قُلُوبِكُمْ وَ اَللّٰهُ عَلِيمٌ بِذاتِ اَلصُّدُورِ (١۵۴)

سپس(خداوند)به دنبال آن غم،آرامشی(به گونه ی)خوابی سبک بر شما فرو فرستاد که گروهی از شما را فراگرفت(و با آن،خستگی و اضطراب از تن شما بیرون رفت.این آرامش برای کسانی بود که از فرار خود در احد ناراحت و تائب بودند)،ولی گروه دیگر که همّتشان(حفظ)جان خودشان بود و به(وعده های)خدا همچون دوران جاهلیّت گمان ناحق داشتند،(به طعنه)می گفتند:آیا چیزی از امر(نصرت الهی)با ماست؟ بگو:

براستی که امر(پیروزی)همه اش بدست خداست.آنها در دل های خود چیزی را مخفی می کنند که برای تو آشکار نمی کنند،می گویند:اگر در تصمیم گیری(برای شیوه جنگ،) حقّی برای ما بود،ما در اینجا کشته نمی شدیم.(به آنان)بگو:اگر در خانه هایتان نیز بودید،آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرّر شده بود،به سوی قتلگاه خود روانه می شدند و(حادثه احد)برای آن است که آنچه را در سینه های شماست،خدا بیازماید و آنچه را در دل دارید،پاک و خالص گرداند و خداوند به آنچه در سینه هاست داناست.

پیام ها:

١ خداوند به خاطر تخلّفات و اختلافات در جنگ احد،شما را تنبیه کرد،ولی رها نکرد. «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ» ، «أَمَنَةً» ٢ خداوند در اوج حوادث تلخ،به دلهای مؤمنان آرامش می بخشد. «بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً»

ص :١٧٨

۳ خواب،مایه ی آرامش و هدیه ای الهی است. «أَنْزَلَ عَلَیْکُمْ» ، «نُعاساً» ۴ روحیات،اعتقادات،باورها و تحلیل های همه ی رزمندگان یکسان نیست.

«طائِفَةً»

، «وَ طائِفَةٌ...» ۵ در بند خود بودن،مایه ی بد گمانی به وعده های الهی است. «أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ یَظُنُّونَ بِاللّهِ غَیْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجاهِلِیَّةِ» ۶ حتّی در شرایط بحرانی و شکست ها نیز به خدا و وعده های او سوء ظن نبرید.

«وَ طائِفَةٌ»

، «یَظُنُّونَ بِاللّهِ غَیْرَ الْحَقِّ» ۷ سوء ظنّ به وعده های خدا،از عقاید جاهلیّت است و حقیقت ندارد. «یَظُنُّونَ بِاللّهِ غَیْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجاهِلِیَّةِ» ۸ خودمحوری و رفاه طلبی،انسان را از مدار رضای خداوند خارج می کند. «قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ یَظُنُّونَ بِاللّهِ غَیْرَ الْحَقِّ» ۹ پندار اینکه مسلمانان حتّی در صورتِ سستی و اختلاف و نافرمانی نباید شکست بخورند،پنداری جاهلانه است. «ظَنَّ الْجاهِلِیَّةِ» ۱۰ افراد ضعیف الایمان،شکست خود را به عدم نصرت الهی نسبت می دهند.

«یَقُولُونَ لَوْ کانَ لَنا مِنَ الْأَمْرِ شَیْءٌ ما قُتِلْنا هاهُنا»

۱۱ طرح سؤالاتی که موجب تضعیف روحیه ی رزمندگان می شود،ممنوع است.

«هَلْ لَنا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَیْءٍ»

۱۲ در برابر ایجاد وسوسه ها و تردیدها،قاطعیّت لازم است. «قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ کُلَّهُ لِلّهِ» ۱۳ مسلمانان رفاه طلب و خود محور،دائماً در درون نگرانند. «یُخْفُونَ فِی أَنْفُسِهِمْ ما لا یُبْدُونَ لَکَ» ۱۴ آنهایی که به خود فکر می کنند،توقّع قبول نظراتشان را در تصمیم گیری ها دارند. «أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ» ، «یَقُولُونَ لَوْ کانَ لَنا مِنَ الْأَمْرِ...» ۱۵ از مقدّرات حتمی،امکان فرار نیست. «لَوْ کُنْتُمْ فِی بُیُوتِکُمْ لَبَرَزَ الَّذِینَ...» ۱۶ اعتقاد به مقدّرات حتمی پروردگار،به انسان آرامش می دهد. «لَبَرَزَ الَّذِینَ کُتِبَ

عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلىٰ مَضٰاجِعِهِمْ»

۱۷ حوادث تلخ و شکست در جبهه ها،یکی از راههای شناسایی روحیه ها و درجات ایمان در افراد است. «لِيَبْتَلِيَ اللّٰهُ مٰا فِي صُدُورِكُمْ» ۱۸ حوادث تلخ و شیرین،صحنه ای برای تجلّی روح و فکر شماست،و گر نه خداوند همه ی روحیه ها و افکار را از قبل می داند. «وَ اللّٰهُ عَلِيمٌ بِذٰاتِ الصُّدُورِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۵]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ اِلْتَقَى اَلْجَمْعٰانِ إِنَّمَا اِسْتَزَلَّهُمُ اَلشَّيْطٰانُ بِبَعْضِ مٰا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اَللّٰهُ عَنْهُمْ إِنَّ اَللّٰهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۵۵)

همانا کسانی از شما که روز برخورد دو سپاه(در احد،از جنگ)روی برگرداندند(و فرار کردند،)جز این نبود که شیطان به خاطر بعضی از کردار (ناپسند)شان آنها را لغزانید و البتّه خداوند از آنها گذشت،براستی که خداوند آمرزنده ی بردبار است.

نکته ها:

آیه در مورد فرار بعضی از مسلمانان در جنگ احد است.چنان که در تفاسیر آمده است؛در جنگ احد جز سیزده نفر که پنج نفر آنان از مهاجرین و هشت نفر از انصار بودند،همه فرار کردند.در مورد نام این سیزده نفر،جز علی علیه السلام اختلاف است که چه کسانی بودند.

در جنگ احد مسلمانان چهار گروه شدند:۱ شهدا ۲ صابران ۳ فراریان که مورد عفو قرار گرفتند ۴ منافقان.

پیام ها:

۱ یکی از علل فرار از جنگ،گناه است. «تَوَلَّوْا» ، «بِبَعْضِ مٰا كَسَبُوا» ۲ گناه،میدان را برای وسوسه های شیطان باز می کند. «اسْتَزَلَّهُمْ» ، «بِبَعْضِ مٰا كَسَبُوا» ۳ خطاکار را نباید برای همیشه طرد کرد و در کیفر او شتاب کرد. «عَفَا اللّٰهُ عَنْهُمْ»

۴ خداوند گنهکاران را می بخشد،پس شما آنان را ملامت نکنید. «عَفَا اللّهُ عَنْهُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۶]

اشاره

يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قالُوا لِإِخْوانِهِمْ إِذا ضَرَبُوا فِي اَلْأَرْضِ أَوْ كانُوا غُزًّى لَوْ كانُوا عِنْدَنا ما ماتُوا وَ ما قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اَللّهُ ذلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَ اَللّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ اَللّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۵۶)

ای کسانی که ایمان آوردید! مانند کسانی که کفر ورزیدند نباشید که درباره ی برادران خود،که به سفر رفته یا رزمنده بودند،گفتند:اگر نزد ما بودند نمی مردند و کشته نمی شدند.(بلکه با دلگرمی به جبهه بروید)تا خداوند آن (شجاعت و شهادت طلبی شما)را در دلهای کفّار(و منافقان)مایه ی حسرت (رسیدن به هدفشان)قرار دهد و خداوند(است که)زنده می کند و می میراند و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

پیام ها:

۱ دشمن پس از پایان جنگ،دست به شایعات دلسرد کننده می زند. «لَوْ كانُوا عِنْدَنا ما ماتُوا وَ ما قُتِلُوا» اگر رزمندگان نزد ما می ماندند کشته نمی شدند.

۲ دشمن در لباس دلسوزی و حسرت،سمپاشی می کند. «لَوْ كانُوا عِنْدَنا» ۳ کسی که زندگی مادّی هدف او است،مرگ و شهادت را خسارت می داند. «لَوْ كانُوا عِنْدَنا ما ماتُوا وَ ما قُتِلُوا» ۴ منافق کافر است،چون گویندگان این سخنان منافقان بودند،ولی قرآن از آنها به «كَالَّذِينَ كَفَرُوا» یاد می کند.

۵ مرگ و حیات،از مقدّرات الهی است،نه آنکه مربوط به جنگ و سفر باشد.

«وَ اللّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ»

۶ ایمان به مقدّرات الهی،هراس انسان را برطرف می کند.مبادا به امید زنده

ماندن،از زیر بار جهاد شانه خالی کنید.چه بسیار افرادی که در جنگ ها بوده اند،ولی زنده مانده اند و بر عکس کسانی که به جبهه نرفته و جوان مرگ شده اند. «وَ اللّٰهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ» ۷ خداوند بصیر و آگاه است،مواظب حالات و افکار و اعمال خود باشید. «وَ اللّٰهُ بِمٰا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۷]

اشاره

وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اَللّٰهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اَللّٰهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمّٰا يَجْمَعُونَ (۱۵۷)

و اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید(زیان نکرده اید،زیرا)آمرزش و رحمت خداوند از آنچه(آنان در طول عمر خود)جمع می کنند،بهتر است.

نکته ها:

خداوند با بیان دو نکته،به شایعات دلسرد کننده ی منافقان که در آیه ی قبل مطرح شد پاسخ می دهد:

الف:مرگ و حیات بدست اوست.جبهه نرفتن،طول عمر را کم نمی کند.

ب:کسی که در راه خدا گام بردارد،بمیرد یا شهید شود،برنده است.زیرا او عمر داده،ولی مغفرت و رحمت گرفته است،پس چیزی را نباخته است.

کسانی که در راه سفر به جبهه،یا در راه تحصیل علم،یا سفر برای حج و زیارت، تبلیغ و ارشاد و سایر اهداف مقدّس از دنیا بروند،مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند بود.

پیام ها:

۱ در جهان بینی الهی،مرگ و شهادت در راه خدا،از همه ی دنیا و جمع کردنی های آن بهتر است. «وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَوْ مُتُّمْ...» ۲ مهم در راه خدا بودن است،خواه به شهادت بیانجامد یا مرگ. «قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ

اَللّهِ أَوْ مُتُّمْ...»

۳ اوّل باید بخشیده شد،سپس رحمت الهی را دریافت نمود.کلمه ی« لَمَغْفِرَةٌ »قبل از کلمه« رَحْمَةٌ »آمده است.

۴ مغفرت و رحمت نتیجه ای ابدی دارد،ولی مال و ثروت آثارش موقّت است.

«لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللّهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمّا يَجْمَعُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۸]

اشاره

وَ لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اَللّهِ تُحْشَرُونَ (۱۵۸)

و اگر بمیرید یا کشته شوید،قطعاً به سوی خداوند برانگیخته می شوید.

نکته ها:

در این آیه عبارت« فِي سَبِيلِ اللّهِ »نیامده است،تا بگوید:محشور شدن همه ی کسانی که بمیرند یا کشته شوند در هر راهی که باشند،به سوی خداست.اکنون که مرگ برای همه حتمی است و حشرِ همه در محضر خداوند نیز حتمی است،پس چرا بهترین نوع رفتن را با رضایت پذیرا نباشیم؟ اگر مرگ و شهادت،هر دو بازگشت به سوی خداست،پس دیگر نگرانی از شهادت چرا؟ امام حسین علیه السلام می فرمایند: فان تکن الأبدان للموت انشئت فقتل امرء فی اللّه بالسّیف افضل اگر بدنها برای مرگ آماده شده اند،پس شهادتِ مرد در راه خدا با شمشیر بهترین مرگ است. (۱)

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۹]

اشاره

فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اَللّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ اَلْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِي اَلْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اَللّهِ إِنَّ اَللّهَ يُحِبُّ اَلْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹)

۱- ۱) .بحار،ج ۴۴،ص ۳۷۴.

(ای رسول ما!)پس به خاطر رحمتی از جانب خدا(که شامل حال تو شده،)با مردم مهربان گشته ای و اگر خشن و سنگدل بودی،(مردم)از دور تو پراکنده می شدند.پس از(تقصیر)آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و در امور با آنان مشورت نما،پس هنگامی که تصمیم گرفتی(قاطع باش و)بر خداوند توکّل کن.براستی که خداوند توکّل کنندگان را دوست می دارد.

نکته ها:

گرچه محتوای آیه دستورات کلّی است،لکن نزول آیه درباره ی جنگ احد است.

زیرا مسلمانانی که در جنگ احد فرار کرده و شکست خورده بودند،در آتش افسوس و ندامت و پشیمانی می سوختند.آنان اطراف پیامبر را گرفته و عذرخواهی می نمودند،خداوند نیز با این آیه دستور عفو عمومی آنان را صادر نمود.

کلمه ی«شور»در اصل به معنی مکیدن زنبور،از شیره ی گل هاست.در مشورت کردن نیز انسان بهترین نظریه ها را جذب می کند.مولوی می گوید: کاین خردها چون مصابیح،انور است بیست مصباح،از یکی روشنتر است.

پیام ها:

۱ نرمش با مردم،یک هدیه ی الهی است. «فَبِما رَحْمَهٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ» ۲ افراد خشن و سختگیر نمی توانند مردم داری کنند. «لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ» ۳ نظام حکومتی اسلام،بر مبنای محبّت و اتصال به مردم است. «حَوْلِکَ» ۴ رهبری و مدیریّت صحیح،با عفو و عطوفت همراه است. «فَاعْفُ عَنْهُمْ» ۵ خطاکارانِ پشیمان و گنهکاران شرمنده را بپذیرید و جذب کنید. «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ» ۶ ارزش مشورت را با ناکامی های موسمی نادیده نگیرید. (۱)«وَ شاوِرْهُمْ»

۱- ۱) .هر چند نتیجه ی مشورت در جنگ احد،مبنی بر مبارزه در بیرون شهر،به شکست انجامید،ولی این قبیل موارد نباید ما را از اصل مشورت و فواید آن باز دارد.

۷ در مشورتِ پیامبر،تفقّد از نیروها،شکوفایی استعدادها،شناسایی دوستان از دشمنان،گزینش بهترین رأی،ایجاد محبّت و علاقه و درس عملی برای دیگران نهفته است. «وَ شاوِرْهُمْ» ۸ ظلمی را که به تو کردند،عفو کن؛ «فَاعْفُ عَنْهُمْ» برای گناهی که نسبت به خدا مرتکب شدند،طلب آمرزش کن؛ «وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ» در مسائل سیاسی اجتماعی، آنان را طرف مشورت خود قرار ده. «وَ شاوِرْهُمْ» ۹ استغفارِ پیامبر درباره ی امّتش،به دستور خداست.پس مورد قبول نیز هست.

«وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ»

۱۰ مشورت،منافاتی با حاکمیّت واحد و قاطعیّت ندارد. «وَ شاوِرْهُمْ» ، «فَإِذا عَزَمْتَ» ۱۱ در کنار فکر و مشورت،توکّل بر خدا فراموش نشود. «فَتَوَکَّلْ» ۱۲ ابتدا مشورت و سپس توکّل،راه چاره ی کارهاست،خواه به نتیجه برسیم یا نرسیم. «شاوِرْهُمْ» ، «فَتَوَکَّلْ» ، «إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۰]

اشاره

إِنْ یَنْصُرْکُمُ اَللّهُ فَلا غالِبَ لَکُمْ وَ إِنْ یَخْذُلْکُمْ فَمَنْ ذَا اَلَّذِی یَنْصُرُکُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَی اَللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ اَلْمُؤْمِنُونَ (۱۶۰)

اگر خداوند شما را یاری کند،هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر شما را خوار کند،پس چه کسی است که بعد از آن بتواند شما را یاری کند؟(بنا بر این) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکّل کنند.

نکته ها:

در آیه قبل سفارش به توکّل شد و در این آیه،دلیل توکّل بر خدا را چنین مطرح می کند که عزّت و ذلّت تنها به دست اوست.

در حدیث آمده است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از جبرئیل پرسید:توکّل بر خدا چیست؟ گفت:اینکه بدانی مخلوق،سود و زیانی به تو نمی رساند و از غیر خدا

کاملاً مأیوس شوی.اگر انسان به این درجه رسید،جز برای خدا کار نمی کند و از غیر خدا نمی هراسد و جز به خدا امید ندارد و این حقیقت توکّل است. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:هر گاه میان انسان و گناه،مانعی حائل نشد و انسان گرفتار معصیت گردید،این خذلان الهی است. (۲)

پیام ها:

۱ پیروزی های طبیعی تحت الشعاع عوامل دیگر واقع می شوند،امّا نصرت و امداد الهی تحت الشعاع قرار نمی گیرد. «إِنْ یَنْصُرْکُمُ اللّهُ فَلا غالِبَ لَکُمْ» ۲ پیروزی و شکست هر دو با اراده ی خداوند است. «یَنْصُرْکُمُ» ، «یَخْذُلْکُمْ» ۳ ایمان،از توکّل بر خدا جدا نیست. «فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۱]

اشاره

وَ ما کانَ لِنَبِیٍّ أَنْ یَغُلَّ وَ مَنْ یَغْلُلْ یَأْتِ بِما غَلَّ یَوْمَ الْقِیامَهِ ثُمَّ تُوَفّی کُلُّ نَفْسٍ ما کَسَبَتْ وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ (۱۶۱)

و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت کند و هر کس خیانت کند،آنچه را که(در آن)خیانت نموده روز قیامت به همراه آورد،سپس به هر کس پاداشِ کاملِ آنچه کسب کرده،داده شود و آنها ستم نبینند.

نکته ها:

شاید این آیه،پاسخی به آنان باشد که به خاطر جمع غنایم،منطقه حفاظتی احد را رها کردند.آنها به گمان اینکه از سهم غنیمت محروم نشوند،هشدارهای فرمانده خود را که می گفت:سهم شما محفوظ است و از نظر رسول خدا صلی اللّه علیه و آله دور نخواهد بود،نادیده گرفتند.این آیه می فرماید:پیامبر در سهم شما از غنیمت خیانت نخواهد کرد،پس مطمئن باشید و به وظیفه ی خود عمل کنید.

امام باقر علیه السلام فرمودند:جنسِ به سرقت رفته،در دوزخ در برابر چشم خائن

۱- ۱) .بحار،ج ۷۱،ص ۱۳۸.

۲- ۲) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۲۳.

مجسّم،و به او گفته می شود به آتش داخل شو و آن را خارج کن. (۱)

غشّ،تقلّب،غصب و خیانت از موارد« غَلَّ »است.شخصی که مسئول جمع آوری زکات بود،خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله رسید و گفت:این مقدار از اموالی که جمع کرده ام زکات است و مربوط به شماست و این مقدار نیز هدایای مردم به خود من است.حضرت بالای منبر رفت و فرمود:آیا اگر این شخص در خانه اش می نشست کسی به او هدیه می داد؟! به خدا سوگند او با همین اموال حرام در قیامت محشور خواهد شد. (۲)

آنجا که به انبیا بدبین می شوند،شما چه انتظاری نسبت به خودتان دارید؟! از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:رضایت مردم به دست نمی آید و زبانشان قابل کنترل نیست. (۳)

پیام ها:

۱ نه تنها پیامبر اسلام،بلکه همه ی انبیای الهی امین هستند. «وَ مٰا کٰانَ لِنَبِیٍّ...» نبوّت با خیانت سازگار نیست.کسی که می خواهد امین تربیت کند باید خود اهل خیانت نباشد.گرچه در بین رهبران غیر الهی،اهل خیانت کم نیست.

۲ هیچ کس حتّی انبیا،از سوء ظنّ مردم به دور نیست. «مٰا کٰانَ لِنَبِیٍّ أَنْ یَغُلَّ» (ضعف ایمان از یک سو و حبّ دنیا از سوی دیگر،انسان را وادار می کند به انبیا سوء ظنّ ببرد.) ۳ از حریم انسان های پاک و اولیای خدا دفاع کنید. «وَ مٰا کٰانَ لِنَبِیٍّ أَنْ یَغُلَّ...» ۴ آوردن مال حرام در قیامت،نوعی مجازات است.و چه سخت است که در قیامت،در برابر انبیا،شهدا و همه ی مردم،انسان را همراه با مالی که خیانت کرده بیاورند. «یَأْتِ بِمٰا غَلَّ» ۵ یاد قیامت،بازدارنده از خیانت است. «یَأْتِ بِمٰا غَلَّ»

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر فرقان.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین.

۶ خیانت،خیانت است و مقدار آن مهم نیست.کلمه«ما»در جمله ی« یَأْتِ بِما غَلَّ »شامل کم و زیاد هر دو می شود.

۷ قیامت صحنه ای است که نیکان،حسنات خود را می آورند، «جاءَ بِالْحَسَنَهِ» [(۱)](#)و خائنین خیانت های خود را به همراه دارند. «یَأْتِ بِما غَلَّ» ۸ خداوند عادل است.هم جزا را کامل می دهد و هم ذرّه ای افراط نمی کند.

«وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۱۶۲ تا ۱۶۳]

اشاره

أَ فَمَنِ اِتَّبَعَ رِضْوانَ اَللّهِ کَمَنْ باءَ بِسَخَطٍ مِنَ اَللّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ اَلْمَصِیرُ (۱۶۲) هُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ اَللّهِ وَ اَللّهُ بَصِیرٌ بِما یَعْمَلُونَ (۱۶۳)

آیا کسی که در پی خشنودی خداوند است،مانند کسی است که به خشم و غضب خدا دچار گشته و جایگاه او جهنّم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است.

آنان نزد خداوند(دارای)درجاتی هستند و خداوند به آنچه انجام می دهند،بیناست.

نکته ها:

در شأن نزول این آیه آمده است که وقتی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله دستور حرکت به سوی احد را صادر کردند،منافقان به بهانه های مختلف در مدینه ماندند و گروهی از مسلمانان ضعیف الایمان نیز از آنها پیروی کرده و در جبهه حاضر نشدند.

در آیه ی ۱۵۵ خواندیم که خداوند کسانی را که از جبهه فرار کرده و پشیمان شدند می بخشد،امّا این آیه می فرماید:مرفّهان و منافقان بهانه گیر را نمی بخشد.

در آیاتی از قرآن این تعبیر آمده است که برای مؤمنان درجاتی است: «لَهُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ» [(۲)](#)، «لَهُمُ الدَّرَجاتُ الْعُلی» [(۳)](#)امّا در این آیه می فرماید:خود مؤمنان

۱- ۱) .انعام،۱۶۰.

۲- ۲) .انفال،۴.

۳- ۳) .طه،۷۵.

درجات می شوند.همان گونه که انسان های پاک همچون علیّ بن ابی طالب علیهما السلام ابتدا طبق میزان حرکت می کنند و سپس خود آنان میزان می شوند،ابتدا دور محور می گردند،سپس خود آنان محور حقّ می شوند.

پیام ها:

۱ هدف مجاهدان واقعی،بدست آوردن رضای خداست،نه پیروزی و غنائم و خودنمایی. «أَ فَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَ اللّٰهِ...» ۲ در جامعه اسلامی،نباید مجاهدان و مرفّهان یکسان دیده شوند.(با توجّه به شأن نزول) «أَ فَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَ اللّٰهِ» ، «کَمَنْ باءَ...» ۳ روی گردانی از جبهه و جنگ،بازگشت به غضب خداست. «کَمَنْ باءَ بِسَخَطٍ» ۴ خشنودی یا خشم الهی باید تنها ملاک عمل یک مسلمان باشد. «رِضْوانَ اللّٰهِ» ، «بِسَخَطٍ مِنَ اللّٰهِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۴]

اشاره

لَقَدْ مَنَّ اَللّٰهُ عَلَى اَلْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ اَلْكِتَابَ وَ اَلْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلاَلٍ مُبِينٍ (۱۶۴)

همانا خداوند بر مؤمنان منّت گذاشت که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت،تا آیات او را بر آنها تلاوت کند و ایشان را پاک کرده و رشد دهد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد،هر چند که پیش از آن،قطعاً آنها در گمراهی آشکار بودند.

نکته ها:

«منّ»،به معنای سنگی است که برای وزن کردن اشیا بکار می رود.و اعطای هر نعمت سنگین و گرانبهایی را منّت گویند.امّا سنگین و بزرگ جلوه دادنِ نعمت های کوچک،ناپسند است.بنا بر این بخشیدن نعمت بزرگ،نیکو ولی بزرگ

جلوه دادن نعمت های کوچک،ناپسند است. (۱)

بعثت انبیا از میان مردم دارای برکاتی است:

الف:مردم سابقه او را می شناسند و به او اعتماد می کنند.

ب:الگوی مردم در اجرای دستورات و فرامین الهی هستند.

ج:درد آشنا و شریک در غم و شادی مردمند.

د:در دسترس مردم هستند.

هم چنان که از فرمایشات حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه استفاده می شود،در دوره جاهلیّت مردم نه فرهنگ سالم داشتند و نه از بهداشت بهره مند بودند.

برادر ایشان،جعفر طیّار نیز در هجرت به حبشه،در برابر نجاشی اوضاع دوره جاهلی را چنین ترسیم می کند:«کنا اهل الجاهلیه نعبد الاصنام و نأکل المیته و نأتی الفواحش و نقطع الارحام و نسیء الجوار،یأکل القوی منا الضعیف حتی بعث الله رسولا...»ما بت پرستانی بودیم که در آن روزها مردارخوار و اهل فحشا و فساد بودیم،با بستگان قطع رابطه و با همسایگان بد رفتاری می کردیم،قدرتمندان ما حقوق ناتوانان را پایمال می کردند تا اینکه خداوند پیامبرش را مبعوث کرد.... (۲)

پیام ها:

۱ بعثت انبیا،بزرگ ترین هدیه ی آسمانی و نعمت الهی است. «لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ» ۲ گرچه بعثت برای همه ی مردم است،ولی تنها مؤمنان شکرگزار این نعمت هستند و از نور هدایت بهره می گیرند. «لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ» ۳ انبیا،مردمی بودند. «مِنْ أَنْفُسِهِمْ» ۴ تلاوت آیات قرآن،وسیله ی تزکیه و تعلیم است. «یَتْلُوا» ، «یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ» ۵ تزکیه بر تعلیم مقدّم است. «یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ» ۶ تزکیه و تعلیم در رأس برنامه های انبیاست. «یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ»

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۲- ۲) .کامل التاریخ،ج ۲،ص ۸۰.

۷ رشد و خودسازی باید در سایه ی مکتب انبیا و آیات الهی باشد.(ریاضت ها و رهبانیّت هایی که سرچشمه اش آیات الهی و معلّمش انبیا نباشند،خود یک انحراف است). «یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ» ۸ برای شناخت بهتر نعمت بعثت انبیا،به تاریخ مردمان قبل از آنان باید مراجعه کرد. «إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ» ۹ در محیطهای گناه آلود و گمراه نیز می توان کار کرد. «یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ» ، «وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ» ۱۰ در مکتب انبیا،پرورش روحی و آموزش فکری،در کنار بینش و بصیرت مطرح است. «یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۵]

اشاره

أَ وَ لَمّا أَصابَتْکُمْ مُصِیبَهٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَیْها قُلْتُمْ أَنّی هذا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِکُمْ إِنَّ اَللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۱۶۵)

آیا چون مصیبتی(در جنگ احد)به شما رسید که دو برابرش را(در جنگ بدر) به آنها(دشمن)وارد ساخته بودید،گفتند:این مصیبت از کجاست؟(و چرا به ما رسید؟)بگو:آن از سوی خودتان است.قطعاً خداوند بر هر کاری تواناست.

نکته ها:

مسلمانان که در احد هفتاد کشته دادند و شکست خوردند،از پیامبر می پرسیدند:چرا ما شکست خوردیم؟ خداوند خطاب به پیامبرش می فرماید که به آنها بگو:شما دو برابر این تعداد را در سال قبل،در جنگ بدر،به دشمن ضربه وارد کردید.شما از آنها هفتاد کشته و هفتاد اسیر گرفتید،به علاوه شکست امسال به خاطر تفرقه و سستی و اطاعت نکردن خودتان از فرماندهی بوده است.

پیام ها:

۱ هنگام قضاوت،تلخی ها و شیرینی ها را با هم در نظر بگیرید.تنها شکست

احد را نبینید،پیروزی بدر را هم یاد کنید. «قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْها» ۲ در جستجوی عوامل شکست،ابتدا به سراغ عوامل درونی و روحی و فکری خود بروید،سپس عوامل دیگر را پیگیری کنید. «قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ» ۳ خداوند بر هر چیزی قادر است،ولی ما باید شرایط لازم و لیاقت بهره برداری را به دست آوریم. «هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ...إِنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ۴ گمان نکنید که تنها مسلمان بودن برای پیروزی کافی است،تا در هر شکستی کلمه ی«چرا و چطور»را بکار ببرید،بلکه علاوه بر ایمان،رعایت اصول و قوانین نظامی و سنّت های الهی لازم است. «قُلْتُمْ أَنّى هذا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۶]

اشاره

وَ ما أَصابَكُمْ يَوْمَ اِلْتَقَى اَلْجَمْعانِ فَبِإِذْنِ اَللّهِ وَ لِيَعْلَمَ اَلْمُؤْمِنِينَ (۱۶۶)

و آنچه روز مقابله ی دو گروه(کفر و ایمان در احد)به شما وارد شد،به اذن خدا بود(تا شما را آزمایش کند)و مؤمنان را مشخّص کند.

نکته ها:

خداوند برای هر کاری،علّتی را مقرّر کرده است و هر یک از شکست و پیروزی دلیلی دارند.علّت شکست شما در احد این بود که سست شده و ناهماهنگی کردید و برای جمع آوری غنائم حرص ورزیدید،که در آیه قبل فرمود: «هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ» این آیه می فرماید:هر یک از انتخاب های شما،میان اتحاد یا تفرقه، جدّی بودن یا سست شدن،در مدار اراده ی الهی است.اوست که به شما قدرت انتخاب می دهد و هر راهی برگزینید،به همان نتیجه اش می رسید. «ما أَصابَكُمْ» ، «فَبِإِذْنِ اللّهِ»

پیام ها:

۱ شکست ها و پیروزی ها،به اراده ی خداوند محقّق می شود که همان سنّت های اوست. «فَبِإِذْنِ اللّهِ»

ص: ۱۹۲

۲ حوادث تلخ و شیرین،میدان آزمایش و شناسایی انسان هاست. «لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آيه ۱۶۷]

اشاره

وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نافَقُوا وَ قِيلَ لَهُمْ تَعالَوْا قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ أَوِ ادْفَعُوا قالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتالاً لاَتَّبَعْناكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمانِ يَقُولُونَ بِأَفْواهِهِمْ ما لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللّهُ أَعْلَمُ بِما يَكْتُمُونَ (۱۶۷)

و چهره ی منافقان معلوم شود،(کسانی که چون)به آنها گفته شد:بیایید شما (هم مثل دیگران)در راه خدا بجنگید و یا(لا اقل از حریم خود)دفاع کنید،گفتند:

اگر(فنون)جنگی را می دانستیم،حتماً از شما پیروی می کردیم.آنها در آن روز،به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان.با دهانشان چیزی می گویند که در دلشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می کنند آگاه تر است.

نکته ها:

برای جمله ی «لَوْ نَعْلَمُ قِتالاً» سه معنا شده است:

الف:حرکت شما برای احد در خارج از شهر،جنگ برابر نیست،بلکه یک نوع خودکشی است و لذا ما این را جنگ نمی دانیم و شرکت نمی کنیم.

ب:ما اگر فنون نظامی می دانستیم شرکت می کردیم.

ج:ما یقین داریم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا شرکت در جبهه ضرورتی ندارد.

پیام ها:

۱ جبهه ی جنگ،چهره منافقان را افشا می سازد. «وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نافَقُوا» ۲ رهبر باید مردم را برای مقابله با دشمن بسیج کند. «تَعالَوْا قاتِلُوا» ۳ جهاد،گاهی ابتدایی و برای برداشتن طاغوت هاست و گاهی دفاعی و برای حفظ جان و مال مسلمانان است. «قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ أَوِ ادْفَعُوا» ۴ انگیزه ها و درجات و ارزش آنها متفاوت است. «قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ أَوِ ادْفَعُوا»

ص:۱۹۳

۵ دفـاع از وطن و جـان،یـک ارزش است. «أَوِ ادْفَعُوا» ۶ منافقـان،موضع گیری هـای خودشان را توجیه می کننـد. «لَوْ نَعْلَمُ قِتٰالاً لاَتَّبَعْنٰاکُمْ» ۷ سر بـاز زدن از جبهه،نشانه ی کفر است. «هُمْ لِلْکُفْرِ یَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِیمٰانِ» ۸ ایمان انسان در شـرایط و زمان های مختلف فرق می کنـد. «هُمْ لِلْکُفْرِ یَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِیمٰانِ» ۹ همه ی اصـحاب پیامبر صـلی اللّٰه علیه و آله عادل نبودند. «هُمْ لِلْکُفْرِ یَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِیمٰانِ» ۱۰ خداونـد در بـاره ی منافقـان،هم تهدیـد می کنـد و هم افشـاگری. «هُمْ لِلْکُفْرِ یَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ» ، «یَقُولُونَ بِأَفْوٰاهِهِمْ مٰا لَیْسَ فِی قُلُوبِهِمْ» ۱۱ آنچه در احـد برای همه کشف شـد،گوشه ای از نفاق بود،بخش بیشترش را خدا می داند. «وَ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمٰا یَکْتُمُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۸]

اشاره

اَلَّذِینَ قٰالُوا لِإِخْوٰانِهِمْ وَ قَعَدُوا لَوْ أَطٰاعُونٰا مٰا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَؤُا عَنْ أَنْفُسِکُمُ اَلْمَوْتَ إِنْ کُنْتُمْ صٰادِقِینَ (۱۶۸)

منافقان کسانی هسـتند که(بعـد از پایان جنگ احـد،دست به تبلیغات یأس آور زده و در حالی که خود از جنگ سر باز زده و در خانه های)خود نشسته اند و در حقّ برادران خود گفتند:اگر از ما پیروی می کردند کشته نمی شدند.به آنان بگو:اگر راست می گویید،مرگ را از خودتان باز دارید.

پیام ها:

۱ منافقـان بـه هنگـام حرکت مردم به جبهه هـا،در خـانه هـا می نشـینند. «وَ قَعَدُوا» ۲ منافقـان،روحیه ی خـانواده های شـهدا را تضـعیف می کننـد. «لَوْ أَطٰاعُونٰا مٰا قُتِلُوا» ۳ منافقـان،خـود را رهـبر فکری دیگران می داننـد. «لَوْ أَطٰاعُونٰا» ۴ در جهـان بینی منافقان،اصالت با زندگی مادّی و رفاه است. «وَ قَعَدُوا لَوْ أَطٰاعُونٰا مٰا قُتِلُوا» ۵ ایمان به مقدّر بودن مرگ،سبب شجاعت و پذیرش رفتن به جبهه است و در

بینش منافقان،شهادت و سعادت اخروی جایگاه ندارد. «لَوْ أَطٰاعُونٰا مٰا قُتِلُوا» ۶ باید با تبلیغات سوء منافقان برخورد کرد. «قُلْ فَادْرَؤُا عَنْ أَنْفُسِکُمُ الْمَوْتَ» ۷ انسان نمی تواند مرگ را از خود دفع کند. «فَادْرَؤُا عَنْ أَنْفُسِکُمُ الْمَوْتَ» ۸ مرگ به دست خداست،جبهه یا خانه در مرگ نقش اصلی را ندارند. «فَادْرَؤُا عَنْ أَنْفُسِکُمُ الْمَوْتَ إِنْ کُنْتُمْ صٰادِقِینَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۹]

اشاره

وَ لاٰ تَحْسَبَنَّ اَلَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اَللّٰهِ أَمْوٰاتاً بَلْ أَحْیٰاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ (۱۶۹)

و هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند،مردگانند؛بلکه آنها زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

نکته ها:

ما بر مبنای قرآن که شهیدان را زنده می داند،به شهدای راه اسلام و خصوصاً شهدای کربلا سلام کرده،با آنان حرف می زنیم و توسل می جوییم.

ابو سفیان در پایان جنگ احد با صدای بلند فریاد می زد:این هفتاد کشته ی مسلمانان در احد،به عوض هفتاد کشته ی ما در جنگ بدر.ولی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:کشته های ما در بهشت جای دارند،ولی کشتگان شما در دوزخند. (۱)

نکاتی پیرامون شهید و شهادت

۱ در روایات آمده است که شهید،هفت ویژگی اعطایی از جانب خداوند دارد:

اوّلین قطره ی خونش،موجب آمرزش گناهانش می گردد.سر در دامن حورالعین می نهد.به لباس های بهشتی آراسته می گردد.معطّر به خوش بوترین عطرها می شود.جایگاه خود را در بهشت مشاهده می کند.اجازه ی سیر و گردش در تمام بهشت به او داده می شود.پرده ها کنار رفته و به وجه خدا نظاره می کند. (۲)

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

۲- ۲) .وسائل،ج ۱۱،ص ۱۰.

۲ پیامبر صلی اللّه علیه و آله از شخصی شنید که در دعا می گوید:«اسئلک خیر ما تسئل»خدایا! بهترین چیزی که از تو درخواست می شود به من عطا کن،فرمود:اگر این دعا مستجاب شود،در راه خدا شهید می شود. (۱)

۳ در روایت آمده است:بالاتر از هر نیکی،نیکوتری هست،مگر شهادت که هر گاه شخصی شهید شود،بالاتر از آن خیری متصوّر نیست. (۲)

۴ در روز قیامت،شهید مقام شفاعت دارد. (۳)

۵ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:در قیامت لغزش های شهید به خودش نیز نشان داده نمی شود. (۴)

۶ شهدای صف اوّلِ حمله و خط شکن،مقامشان برتر است. (۵)

۷ مجاهدان از درب مخصوص وارد بهشت می شوند (۶)و قبل از همه به بهشت می روند (۷)و در بهشت جایگاه مخصوصی دارند. (۸)

۸ تنها شهید است که آرزو می کند به دنیا بیاید و دوباره شهید شود. (۹)

۹ بهترین و برترین مرگ ها،شهادت است. (۱۰)

۱۰ هیچ قطره ای محبوب تر از قطره ی خونی که در راه خدا ریخته شود،در نزد خداوند نیست. (۱۱)

۱۱ در قیامت،شهید سلاح به دست،با لباس رزم و بوی خوش به صحنه می آید و فرشتگان به او درود می فرستند. (۱۲)

۱۲ امامان ما شهید شدند.بسیاری از انبیا و رهروان و پیروان آنان نیز شهید شدند.

«وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ» (۱۳)

، «یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ حَقٍّ» (۱۴)

ص: ۱۹۶

۱- ۱) .مستدرک،ج ۲،ص ۲۴۳.

۲- ۲) .بحار،ج ۷۴،ص ۶۱.

۳- ۳) .بحار،ج ۲،ص ۱۵.

۴- ۴) .وسائل،ج ۱۱،ص ۹.

۵- ۵) .میزان الحکمه.

۶- ۶) .بحار،ج ۹۷،ص ۸.

۷- ۷) .بحار،ج ۹۷،ص ۱۱.

۸- ۸) .تفسیر نور الثقلین،ج ۲،ص ۲۴۱.

۹- ۹) .کنز العمّال،ج ۴،ص ۲۹۰.

۱۰- ۱۰) .بحار،ج ۱۰۰،ص ۸.

۱۱- ۱۱) .وسائل،ج ۱۱،ص ۶.

۱۲- ۱۲) .بحار،ج ۹۷،ص ۱۳.

۱۳- ۱۳) .آل عمران،۱۴۶.

۱۴- ۱۴) .بقره،۶۱.

۱۳ حضرت علی علیه السلام با داشتن دهها فضیلت اختصاصی،تنها وقتی که در آستانه ی شهادت قرار گرفت فرمود:«فزت و رب الکعبه»او اوّل کسی بود که ایمان آورد، جای پیامبر صلی اللّه علیه و آله خوابید،برادر پیامبر شد،تنها خانهٔ او به مسجد پیامبر درب داشت،پدر امامان و همسر زهرا علیها السلام بود.بت شکن بود،ضربت روز خندق او،از عبادت ثقلین افضل شد.امّا در هیچ یک از موارد مذکور نفرمود:«فزت» ۱۴ علی علیه السلام می فرمود:قسم به خدایی که جان فرزند ابو طالب در دست اوست، تحمّل هزار ضربه شمشیر در راه خدا،آسان تر از مرگ در رختخواب است. (۱)

۱۵ علی علیه السلام در جنگ احد ناراحت بود که چرا به شهادت نرسیده است تا اینکه مژده شهادت در آینده را از پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله دریافت نمود.

۱۶ شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی می نویسد:سخاوتمند،هنرمند و عالم؛مال،هنر و علم خود را که بخشی از وجود اوست جاودانه می کند،امّا شهید،خودش را جاودانه می کند. (۲)

۱۷ در عالم حیوانات نیز گوسفندِ مرده بی ارزش است،گوسفندی که به سوی قبله و با نام خدا ذبح شود،ارزش دارد.

۱۸ همان گونه که کور،مفهوم بینایی را درک نمی کند،زندگان دنیا حیات شهدا را درک نمی کنند.

۱۹ وقتی انفاق مال در راه خدا،قابلیّت رشد تا هفتصد برابر و بیشتر را دارد،دادن خون و جان،در راه خدا چگونه است؟

پیام ها:

۱ شهادت،پایان زندگی نیست،آغاز حیات است.بسیاری از زندگان مرده اند، ولی کشتگان راه خدا زنده اند. «بَلْ أَحْیٰاءٌ» ۲ شهادت،باختن و از دست دادن نیست؛بلکه یافتن و به دست آوردن است.

۱- ۱) .نهج البلاغه.

۲- ۲) .حماسه حسینی،ج ۳،ص ۴۰.

«بَلْ أَحْيٰاءٌ»

، «يُرْزَقُونَ» ۳ كشته شدن،آن گاه ارزشمند است كه در راه خدا باشد. «قُتِلُوا فِی سَبِيلِ اللّٰهِ» ۴ تصوّر هلاكت و يا خسارت براى شهيد،تفكّرى انحرافى است كه بايد اصلاح شود. «لاٰ تَحْسَبَنَّ»

[سوره آل عمران (۳): آيه ۱۷۰]

اشاره

فَرِحِينَ بِمٰا آتٰاهُمُ اَللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاّٰ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاٰ هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰)

آنان بخاطر آنچه خداوند از فضلش به آنها داده،شادمانند و به كسانى كه به دنبال ايشانند،ولى هنوز به آنها ملحق نشده اند،مژده مى دهند كه نه ترسى بر آنها است و نه غمى خواهند داشت.

نكته ها:

در روايات آمده است:مؤمنان واقعى كه قرآن و اهل بيت پيامبر عليهم السلام را با هيچ كتاب و رهبر ديگرى عوض نمى كنند،مشمول بشارت اين آيه هستند.همچنين استفاده مى شود كه زندگى برزخى يك زندگى واقعى داراى رزق و حيات و شادى و بشارت است.و مراد از آن تنها باقى ماندن نام نيك در تاريخ نيست.

پيام ها:

۱ شادى شهدا به الطاف الهى است،نه عملكرد خودشان. «فَرِحِينَ بِمٰا آتٰاهُمُ اللّٰهُ» ۲ شهدا الطاف الهى را تفضّل الهى مى دانند،نه پاداش خون خود. «مِنْ فَضْلِهِ» ۳ شهدا از همرزمان خود دل نمى كنند و آينده خوب را به آنها بشارت مى دهند.

«يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ»

۴ شهدا زندگى جمعى دارند،به يكديگر ملحق مى شوند و در انتظار ملحق شدن ديگران هستند. «يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» ۵ علاقه به سعادت ديگران و ملحق شدن آنان به كاروان عزّت و شرف،يك

ارزش است. «وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا» ۶ كاميابى شهدا،هميشگى است و هرگز غم از دست دادن نعمتى را ندارند.

«أَلاّٰ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاٰ هُمْ يَحْزَنُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آيه ۱۷۱]

اشاره

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اَللّٰهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اَللّٰهَ لاٰ يُضِيعُ أَجْرَ اَلْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)

به نعمت و فضل خدا و اينكه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمى كند،(آيندگان را)مژده مى دهند.

پيام ها:

۱ در عالم برزخ،بشارت و شادمانى وجود دارد. «يَسْتَبْشِرُونَ» ۲ شهدا به نعمت و فضلى مى رسند كه براى ما شناخته نيست.كلمه «بِنِعْمَةٍ» و «فَضْلٍ» نكره آمده است.

۳ پاداش عملكرد مؤمنان،بيمه شده است. «لاٰ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» ۴ وعده ى تضمين پاداش،انگيزه عمل است. «لاٰ يُضِيعُ»

[سوره آل عمران (۳): آيه ۱۷۲]

اشاره

اَلَّذِينَ اِسْتَجٰابُوا لِلّٰهِ وَ اَلرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مٰا أَصٰابَهُمُ اَلْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اِتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۲)

آنان كه دعوت خدا و رسول را(براى شركتِ دوباره در جهاد عليه كفّار) پذيرفتند،با آنكه جراحاتى به آنان رسيده بود،براى نيكوكاران و پرهيزكارانِ آنها،پاداش بزرگى است.

نكته ها:

كفّار قريش،پس از پيروزى در احد بسوى مكّه بازگشتند.در بين راه به اين فكر افتادند كه چه بهتر است به مدينه بازگرديم و باقيمانده مسلمانان را نيز از بين

ببریم،تا کار اسلام یکسره شود.این خبر به پیامبر صلی اللّه علیه و آله رسید.آن حضرت فرمان بسیج داد و فرمود:شرکت کنندگان در احد حرکت کنند.مسلمانان آماده شدند.

ابو سفیان وقتی از بسیج عمومی مسلمانان آگاه شد،گمان کرد که لشکر تازه نفسی مهیّا شده است تا شیرینی پیروزی احد را بر کام آنان تلخ کند،لذا از حمله ی مجدّد منصرف شد و به سرعت به طرف مکّه حرکت نمود.

در تاریخ می خوانیم که در جنگ احد حضرت علی علیه السلام بیش از شصت زخم و جراحت برداشت،ولی لحظه ای دست از یاری پیامبر برنداشت.در تفسیر کنز الدقائق آمده است که این آیه درباره ی حضرت علی علیه السلام و نه نفر دیگر نازل شده است.

پیام ها:

۱ مؤمنان واقعی،در سخت ترین شرایط نیز دست از یاری اسلام برنمی دارند.

«اسْتَجابُوا»

، «مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ» ۲ شرکت مجروحان در جبهه،مایه ی تشویق و تقویت روحیّه افراد سالم است.

«اسْتَجابُوا»

، «مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ» ۳ اطاعت از رسول خدا،همچون اطاعت از خداست. «اسْتَجابُوا لِلّهِ وَ الرَّسُولِ» ۴ شرکت مجروحان در جبهه،نشانه ی وفاداری و عشق و معرفت کامل آنان به مکتب و رهبر و هدف است. «مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ» ۵ گاهی شرایط جنگ به گونه ای است که حتّی مجروحان نیز باید حاضر شوند.

«اسْتَجابُوا»

، «مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ» ۶ هر چه عمل دشوارتر باشد،قابل ستایش بیشتری است. «اسْتَجابُوا» ، «مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ» ۷ حضور در جبهه و مجروح شدن،اگر همراه با تقوی نباشد بی ارزش است.

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا»

۸ برخی از اصحاب پیامبر که در جبهه هم شرکت کرده اند،از سلامت فکر و

تقوی دور شدند. «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا» ۹ رزمنده ای قابل ستایش است که:

الف:از جنگ خسته نشود. «اسْتَجابُوا» ، «مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ» ب:اهل کار نیک باشد. «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ» ج:از فرمان خدا و رسول تخلّف نکند. «وَ اتَّقَوْا»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷۳]

اشاره

اَلَّذِينَ قالَ لَهُمُ اَلنّاسُ إِنَّ اَلنّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اَللّهُ وَ نِعْمَ اَلْوَكِيلُ (۱۷۳)

مؤمنان کسانی هستند که(چون)مردم(منافق)به ایشان گفتند:بی شک مردم (کافر مکّه)بر ضد شما گرد آمده(و بسیج شده)اند،پس از آنان بترسید،(آنها به جای ترس)بر ایمانشان بیافزود و گفتند:خداوند ما را کفایت می کند و او چه خوب نگهبان و یاوری است.

نکته ها:

عوامل تبلیغاتی دشمن و برخی از مردمان ساده اندیش و ترسو،به رزمندگان و مجاهدان تلقین و نصیحت می کنند که دشمن قوی است و کسی نمی تواند حریف آنان بشود،پس بهتر است درگیر جنگ نشوید.امّا مسلمانان واقعی،بدون هیچ ترس و هراسی،با آرامش خاطر و با توکّل به خداوند،به آنان پاسخ می گویند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:تعجّب می کنم از کسی که می ترسد،چرا به گفته ی خداوند« حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ »پناه نمی برد. (۱)

پیام ها:

۱ در برابر تبلیغاتِ توخالی دشمن نهراسید. «فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً» ۲ در جبهه ها،مواظب افراد نفوذی دشمن باشید. «فَاخْشَوْهُمْ»

ص:۲۰۱

۱- ۱) .من لا یحضره الفقیه،ج ۴،ص ۳۹۲.

۳ قوی ترین اهرم در برابر تهدیدات دشـمن،ایمان و توکّل به خداست. «حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ» ۴ مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می گیرد،توکّل و اتصال خود را با خدا بیشتر می کند. «فَزادَهُمْ إِیماناً» ۵ هم حرکت و تلاش لازم است،هم ایمان و توکّل. «اسْتَجابُوا» ، «حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷۴]

اشاره

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَهٍ مِنَ اَللّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اِتَّبَعُوا رِضْوانَ اَللّهِ وَ اَللّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِیمٍ (۱۷۴)

پس(ایـن مجروحینی کـه برای بـار دوّم آمـاده دفـاع شدنـد؛بـدون رخ دادن عملیـاتی)بـا نعمـت و فضـل خداونـد(بـه مقرّ خود)بازگشـتند،در حالی که هیچ گزندی به آنها نرسید و(هم چنان)از رضای پروردگار پیروی کردند و خداوند صاحب فضل بزرگی است.

نکته ها:

پس از آنکه مجروحـان جنـگ احـد،به فرمـان رسول خـدا صـلی اللّه علیه و آله بـار دیگر برای دفاع از اسـلام بسـیج شـده و تا منزلگاه حمراءالاسد در تعقیب دشـمن رفتند،دشـمنان از آمادگی و روحیّه ی مسلمانان به هراس افتاده،از هجوم مجدّد منصرف شده و بازگشتند.این آیه در تقدیر از رزمندگان مجروح و مخلص جنگ احد است.

پیام ها:

۱ حرکت در مسیر انجام وظیفه،همراه با توکّل به خدا،سبب تبدیل مشکلات به آسانی می شود. «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَهٍ....» ۲ چه بسیار کسـانی که در راه خـدا،به اسـتقبال خطر رفته و سالم برگشـته انـد. «لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» ۳ برای مردان خـدا اصـل رضایت الهی است،نه شهادت. «لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا

رِضْوانَ اللّهِ»

۴ فضلِ بزرگ خدا،نصیب شرکت کننده در جبهه است. «وَ اللّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷۵]

اشاره

إِنَّما ذلِكُمُ الشَّيْطانُ يُخَوِّفُ أَوْلِياءَهُ فَلا تَخافُوهُمْ وَ خافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷۵)

این شیطان است که دوستان خویش را(از قدرت کفّار)می ترساند،پس اگر ایمان دارید از آنان نترسید و فقط از(مخالفت)من بترسید.

پیام ها:

۱ هر گونه شایعه ای که مایه ی ترس و یأس مسلمانان گردد،شیطانی است. «إِنَّما ذلِكُمُ الشَّيْطانُ يُخَوِّفُ أَوْلِياءَهُ» ۲ شیوه ی ارعاب و تهدید،سیاست دائمی قدرت های شیطانی است. «يُخَوِّفُ» ۳ افراد ترسوی میدان های نبرد،یار شیطان و تحت نفوذ شیطانند. «يُخَوِّفُ أَوْلِياءَهُ» ۴ مؤمنان شجاع،از ولایت شیطان دورند. «الشَّيْطانُ يُخَوِّفُ أَوْلِياءَهُ» ۵ ترس از خدا،زمینه ی فرمان پذیری و ترس از غیر خدا،زمینه ی فرمان گریزی است. «فَلا تَخافُوهُمْ وَ خافُونِ» (با توجّه به آیات قبل) ۶ مؤمن واقعی از غیر خدا نمی ترسد و می داند که ایمان از شجاعت جدا نیست.

«وَ خافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷۶]

اشاره

وَ لا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللّهَ شَيْئاً يُرِيدُ اللّهُ أَلاّ يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ (۱۷۶)

و(ای پیامبر!)کسانی که در کفر می شتابند،ترا اندوهگین نکنند.آنان هرگز به خداوند ضرری نمی زنند.خداوند خواسته است که برای آنها هیچ بهره ای در قیامت قرار ندهد و برای آنان عذابی بزرگ است.

ص: ۲۰۳

نکته ها:

گویا شرکت کنندگان در جنگ احد،از همدیگر می پرسیدند:حال که ما شکست خوردیم و کفّار پیروزمندانه به مکّه برگشتند،چه خواهد شد؟ آیه در پاسخ آنان می فرماید:ناراحت نباشید،این مهلت الهی است تا پیمان کفرشان پر شود و دیگر حظّی در آخرت نداشته باشند.

پیام ها:

۱ آرامش خود را حفظ کنید،که تلاش های کفّار در محو اسلام بی اثر است.

«لا یَحْزُنْکَ»

، «إِنَّهُمْ لَنْ یَضُرُّوا اللّهَ» ۲ کفر انسان ها،اندک ضرری به ساحت قدس خدا نمی زند. «لَنْ یَضُرُّوا اللّهَ شَیْئاً» ۳ حضور در میدان کفر،انسان را از قابلیّت توبه و دریافت رحمت الهی محروم می کند. «أَلاّ یَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِی الْآخِرَهِ» ۴ مهلت دادن به کفّار،سنّت الهی است،نه آنکه نشانه ی ناآگاهی و یا ناتوانی خداوند باشد. «یُرِیدُ اللّهُ أَلاّ یَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِی الْآخِرَهِ» ۵ محرومیّت انسان در آخرت،ناشی از عملکرد او در دنیاست. «یُسارِعُونَ فِی الْکُفْرِ» ، «أَلاّ یَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِی الْآخِرَهِ» ۶ هم فضل الهی بزرگ است و هم قهر او.(در دو آیه قبل،نسبت به مجروحانی که به فرمان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به جبهه رفتند،از فضل عظیم الهی بشارت داد و در این آیه نسبت به کفّار سرسخت،عذاب عظیم را یادآور می شود). «لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷۷]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ اِشْتَرَوُا اَلْکُفْرَ بِالْإِیمانِ لَنْ یَضُرُّوا اَللّهَ شَیْئاً وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ (۱۷۷)

قطعاً کسانی که ایمان را با کفر معامله کردند،هرگز به خداوند ضرری نمی رسانند و برای آنان عذاب دردناکی است.

ص:۲۰۴

نکته ها:

در قرآن مسأله ی خرید و فروش و سود و زیان سرمایه عمر،بارها تکرار شده است.قرآن،دنیا را بازار می داند و مردم را فروشنده و عقاید و اعمال انسان را در طول عمر،کالای این بازار.در این بازار،فروش اجباری است ولی انتخاب مشتری با انسان است.یعنی ما نمی توانیم آنچه را داریم،از قدرت و عمل و عقیده رها بگذاریم،ولی می توانیم مسیر عقاید و کردار را سودبخش یا زیان آور قرار دهیم.

در قرآن از عدّه ای ستایش شده که جان خود را با خدا معامله می کنند و در عوض بهشت و رضوان می گیرند،و از عدّه ای انتقاد شده که بخاطر انحراف و انتخاب سوء یا سودی نمی برند؛ «فَمٰا رَبِحَتْ تِجٰارَتُهُمْ» (۱)و یا دچار خسارت می شوند؛ «إِنَّ الْإِنْسٰانَ لَفِي خُسْرٍ» و در بعضی از آیات همچون آیه ی فوق،کسانی که ایمان خود را با کفر معامله می کنند،تحقیر می شوند و در مقابل به مؤمنان دلداری داده می شود که ارتداد آنها،به خدا و راه خدا هیچ ضرری نمی زند.

پیام ها:

۱ سرمایه اصلی انسان،ایمان و یا زمینه های فطری ایمان است. «اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيْمٰانِ» ۲ در یک انقلاب عقیدتی و فرهنگی،از ریزش های جزئی نگران مباشید.

«اشْتَرَوُا الْكُفْرَ»

، «لَنْ يَضُرُّوا اللّٰهَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷۸]

اشاره

وَ لاٰ يَحْسَبَنَّ اَلَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمٰا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمٰا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدٰادُوا إِثْماً وَ لَهُمْ عَذٰابٌ مُهِينٌ (۱۷۸)

و کسانی که کافر شدند،مپندارند مهلتی که به آنان می دهیم برایشان خوب است،همانا به آنان مهلت می دهیم تا بر گناه(خود)بیفزایند و برای آنان عذابی خوار کننده است.

۱- ۱) .بقره،۱۶.

نکته ها:

قرآن،واژه ی«گمان نکنید»را بارها خطاب به کفّار و منافقین و افراد سست ایمان بکار برده،و این بخاطر آن است که این افراد از واقع بینی و تحلیل درست و روشن ضمیری لازم محرومند.آنها آفرینش را بیهوده،شهادت را نابودی،دنیا را پایدار، عزّت را در گرو تکیه به کفّار و طول عمر خود را مایه ی خیر و برکت می پندارند که قرآن بر همه ی این پندارها قلم بطلان کشیده است.

اهل کفر،داشتن امکانات،بدست آوردن پیروزی ها و زندگی در رفاه خود را نشان شایستگی خود می دانند،در حالی که خداوند آنان را به دلیل آلودگی به کفر و فساد،مهلت می دهد تا در تباهی خویش غرق شوند.

در تاریخ می خوانیم که وقتی یزید امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند،خاندان آن حضرت را همراه زینب کبری علیها السلام به اسارت به شام بردند.یزید در مجلس خود با غرور تمام خطاب به حضرت زینب گفت:«دیدید که خدا با ماست»،حضرت در پاسخ او،این آیه را خواند و فرمود:من ترا پست و کوچک و شایسته هر گونه تحقیر می دانم.هر آنچه می خواهی انجام بده،ولی به خدا سوگند که نور خدا را نمی توانی خاموش کنی.آری،برای چنین افراد خوشگذرانی،عذاب خوار کننده آماده شده، تا عزّت خیالی و دنیایی آنان،با خواری و ذلّت در آخرت همراه باشد.

مجرمان دوگونه اند:گروهی که قابل اصلاحند و خداوند آنها را با موعظه و حوادث تلخ و شیرین،هشدار داده و بیدار می کند،و گروهی که قابل هدایت نیستند،خداوند آنها را به حال خویش رها می کند تا تمام قابلیّت های آنان بروز کند.به همین جهت امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرمود:مرگ برای کفّار یک نعمت است،زیرا هر چه بیشتر بمانند زیادتر گناه می کنند. (۱)

حضرت علی علیه السلام درباره ی «إِنَّما نُمْلِی لَهُمْ لِیَزْدادُوا إِثْماً» فرمود:چه بسیارند کسانی که

ص: ۲۰۶

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

احسان به آنان(از جانب خداوند)،استدراج و به تحلیل بردن آنان است و چه بسیارند کسانی که به خاطر پوشانده شدن گناه و عیوبشان،مغرورند و چه بسیارند افرادی که به خاطر گفته های خوب درباره آنان مفتون شده اند.خداوند هیچ بنده ای را به چیزی همانند«املاء»مبتلا نکرده است. (۱)

پیام ها:

۱ کفر،مانع شناخت حقیقت است. «لا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا...» ۲ کوتاه یا بلند بودن عمر و زمان رفاه،بدست خداست. «نُمْلِی لَهُمْ» ، «نُمْلِی لَهُمْ» ۳ همه ی انسان ها دنبال خیر هستند،لکن بعضی در مصداق اشتباه می کنند.

«لا یَحْسَبَنَّ»

، «خَیْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ» ۴ مهلت های الهی،نشانه ی محبوبیّت نیست. «لا یَحْسَبَنَّ» ، «خَیْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ» ۵ نعمت ها به شرطی سودمند هستند که در راه رشد و خیر قرار گیرند،نه شرّ و گناه. «إِنَّما نُمْلِی لَهُمْ لِیَزْدادُوا إِثْماً» ۶ طول عمر مهم نیست،بهره از عمر مهم است. «أَنَّما نُمْلِی لَهُمْ» امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق چنین می فرماید:خدایا! اگر عمر من چراگاه شیطان خواهد شد،آن را کوتاه بگردان.

۷ زود قضاوت نکنید،پایان کار و آخرت را نیز به حساب بیاورید. «أَنَّما نُمْلِی لَهُمْ خَیْرٌ» ، «وَ لَهُمْ عَذابٌ مُهِینٌ» ۸ رفاه و حاکمیّت ستمگران،نشانه ی رضای خداوند از آنان نیست.چنان که دلیلی بر سکوت ما در برابر آنان نمی باشد. «نُمْلِی لَهُمْ» ، «لَهُمْ عَذابٌ مُهِینٌ» ۹ عذاب های آخرت،انواع و مراحل متعدّد دارد. «عَذابٌ أَلِیمٌ» در آیه قبل،و «عَذابٌ مُهِینٌ» در این آیه.

۱- ۱) .تحف العقول،ص ۲۰۳.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷۹]

اشاره

مٰا کٰانَ اَللّٰهُ لِیَذَرَ اَلْمُؤْمِنِینَ عَلیٰ مٰا أَنْتُمْ عَلَیْهِ حَتّٰی یَمِیزَ اَلْخَبِیثَ مِنَ اَلطَّیِّبِ وَ مٰا کٰانَ اَللّٰهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی اَلْغَیْبِ وَ لٰکِنَّ اَللّٰهَ یَجْتَبِی مِنْ رُسُلِهِ مَنْ یَشٰاءُ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا فَلَکُمْ أَجْرٌ عَظِیمٌ (۱۷۹)

خداوند بر آن نیست که(شما)مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند،مگر اینکه(با پیش آوردن آزمایش های پی در پی،)ناپاک را از پاک جدا کند.و خداوند بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه سازد،ولی از پیامبرانش،هر که را بخواهد(برای آگاهی از غیب)بر می گزیند،پس به خدا و پیامبرانش ایمان آورید و(بدانید)اگر ایمان آورده و تقوا پیشه کنید،پس برای شما پاداش بزرگی خواهد بود.

نکته ها:

این آیه،آخرین آیه درباره ی جنگ احد است که می فرماید:جهان یک آزمایشگاه بزرگ است و چنین نیست که هر کس ادّعای ایمان کند رها شود و در جامعه به طور عادّی زندگی کند،بلکه شکست ها و پیروزی ها،برای شناخته شدن نهان انسان هاست.بعضی مؤمنان خواستار آگاهی از غیب و نهان انسان ها بودند و می خواستند از طریق غیب منافقان را بشناسند،نه از طریق آزمایش که این آیه می فرماید:راه شناخت،آزمایش است نه غیب،و شناسایی خوب و بد،از طریق آزمایش های تدریجی صورت می گیرد.چون اگر به علم غیب،افراد بد و خوب شناخته شوند،شعله ی امید خاموش و پیوندهای اجتماعی گسسته و زندگی دچار هرج و مرج می شود.

پیام ها:

۱ خداوند،کفّار را به حال خود رها می کند؛ «نُمْلِی لَهُمْ لِیَزْدٰادُوا إِثْماً» ولی مؤمنان را رها نمی کند. «مٰا کٰانَ اللّٰهُ لِیَذَرَ الْمُؤْمِنِینَ»

۲ جداسازی پاک از پلید،از سنّت های الهی است. «حَتّٰی یَمِیزَ الْخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ» ۳ ایمان و کفر افراد،از امور درونی و غیبی است که باید از طریق آزمایش ظاهر شود،نه علم غیب. «حَتّٰی یَمِیزَ الْخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ وَ مٰا کٰانَ اللّٰهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی الْغَیْبِ» ۴ زندگی با مردم باید بر اساس ظاهر آنان باشد،آگاهی بر اسرار مردم،زندگی را فلج می کند. «وَ مٰا کٰانَ اللّٰهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی الْغَیْبِ» ۵ علم غیب،مخصوص خداست و فقط به بعضی از پیامبران برگزیده اش،آن هم در حدّ اطلاع بر غیب نه تمام ابعاد آن،بهره ای داده است. «لِیُطْلِعَکُمْ» ۶ هر چند زندگی باید به نحو عادّی سپری شود،ولی خدا به افرادی علم غیب را عطا می کند. «وَ لٰکِنَّ اللّٰهَ یَجْتَبِی مِنْ رُسُلِهِ» ۷ درجات انبیا یکسان نیست. «یَجْتَبِی مِنْ رُسُلِهِ مَنْ یَشٰاءُ» ۸ خداوند علم غیب را به کسانی می دهد که از جانب او صاحب رسالتی باشند.

«وَ لٰکِنَّ اللّٰهَ یَجْتَبِی مِنْ رُسُلِهِ»

۹ ایمان قلبی باید همراه با تقوای عملی باشد. «تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا» ۱۰ طیب و پاکی اصالت داشته و پایدار است،ولی خبث عارضی و رفتنی است.

«یَمِیزَ الْخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ»

جدا کردن ناپاک از پاک،نشانه عارضی بودن ناپاک است.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۰]

اشاره

وَ لاٰ یَحْسَبَنَّ اَلَّذِینَ یَبْخَلُونَ بِمٰا آتٰاهُمُ اَللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَیُطَوَّقُونَ مٰا بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ اَلْقِیٰامَهِ وَ لِلّٰهِ مِیرٰاثُ اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ اَللّٰهُ بِمٰا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ (۱۸۰)

و کسانی که نسبت به(انفاق)آنچه خداوند از فضلش به آنان داده،بخل می ورزند،گمان نکنند که(این بخل)برای آنان بهتر است،بلکه آن برایشان بدتر است.به زودی آنچه را که بخل کرده اند در روز قیامت،(به صورت) طوقی بر گردنشان آویخته می شود.و میراث آسمان ها و زمین مخصوص خداست و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

پیام ها:

۱ واقع بین باشید و از خیال و گمان انحرافی دوری کنید. «لا یَحْسَبَنَّ» ۲ مال که از آنِ تو نیست،پس بخل چرا؟ «آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ» ۳ سرچشمه ی بخل،ناآگاهی و تحلیل غلط از خیر و شرّ است. «لا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ یَبْخَلُونَ» ، «خَیْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ» ۴ یکی از وظایف انبیا،اصلاح بینش و تفکّر انسان هاست. «لا یَحْسَبَنَّ» ، «هُوَ خَیْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ» ۵ حبّ دنیا،شرور را نزد انسان خیر جلوه می دهد. «لا یَحْسَبَنَّ» ، «هُوَ خَیْراً» ۶ در قیامت،برخی جمادات نیز محشور می شوند. «سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا» ۷ معاد،جسمانی است. «سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا» ۸ قیامت،صحنه ی ظهور خیر و شرّ واقعی است. «هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا» ۹ انسان،در تصرّف اموال خود آزاد مطلق نیست. «سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا» ۱۰ قیامت،صحنه ی تجسّم عمل است. «سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا» در حدیث آمده است:هر کس زکات مال خود را ندهد،در قیامت اموالش به صورت مار و طوقی بر گردنش نهاده می شود. (۱)

۱۱ زمان برپایی قیامت،دور نیست. «سَیُطَوَّقُونَ» ۱۲ اسیر مال شدن در دنیا،موجب اسارت در آخرت است. «سَیُطَوَّقُونَ» ۱۳ بدترین نوع شکنجه،شلاق خوردن از دست محبوب هاست.آنچه را در دنیا بخل ورزیده ایم،همان مایه ی عذاب ما می شود. «سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا» ۱۴ خداوند هم صاحب میراث ماندگار دنیاست و هم نیازمند انفاق ما نیست.

پس دستور انفاق،برای سعادت خود ماست. «وَ لِلّهِ مِیراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» ۱۵ وارث واقعی همه چیز و همه کس خداست.ما با دست خالی آمده ایم و با

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۳،ص ۵۰۲.

دست خالی می رویم،پس بخل چرا؟ «وَ لِلّهِ مِیراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۱۸۱ تا ۱۸۲]

اشاره

لَقَدْ سَمِعَ اَللّهُ قَوْلَ اَلَّذِینَ قالُوا إِنَّ اَللّهَ فَقِیرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِیاءُ سَنَکْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ اَلْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذابَ اَلْحَرِیقِ (۱۸۱) ذلِکَ بِما قَدَّمَتْ أَیْدِیکُمْ وَ أَنَّ اَللّهَ لَیْسَ بِظَلاّمٍ لِلْعَبِیدِ (۱۸۲)

همانا خداوند سخن کسانی را که گفتند:خدا فقیر است و ما توانگریم،شنید.به زودی این سخن آنان،و به ناحق کشتن آنان پیامبران را،خواهیم نوشت و به آنان خواهیم گفت:بچشید عذاب آتش سوزان را.

آن(عذاب)به سبب دست آورد قبلی خودتان است و همانا خداوند نسبت به بندگان،ستمگر نیست.

نکته ها:

در تفاسیر می خوانیم که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نامه ای به یهود بنی قینقاع نوشت و آنان را به ایمان،نماز،زکات و انفاق،دعوت کرد.وقتی این نامه به دست دانشمند یهودیان به نام«فتحاص»در محل تدریس او رسید،رو به شاگردان و حاضران کرد و با استهزا گفت:طبق این دعوت،خدا فقیر است و ما غنی هستیم.او از ما قرض می خواهد و وعده ی ربا و اضافه می دهد! یهودیان زمان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله چون به رفتار نیاکان خود در مورد قتل انبیا راضی بودند،خداوند نسبت قتل را به آنان نیز می دهد. «وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِیاءَ» امام باقر علیه السلام درباره ی این آیه فرمودند:کسانی که امام را نسبت به آنچه به او می دهند فقیر می دانند،نظیر کسانی هستند که می گویند: «إِنَّ اللّهَ فَقِیرٌ» (۱)

ص:۲۱۱

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛بحار،ج ۲۴،ص ۲۷۸.

پیام ها:

۱ خدا همه ی گفته ها را می شنود،پس هر حرفی را بر زبان نیاوریم. «لَقَدْ سَمِعَ اللّهُ» ۲ جهل و غرور،مرز و نهایت ندارد،تا آنجا که بشر ناتوان نیازمند می گوید:

خداوند فقیر است و ما غنی هستیم. «إِنَّ اللّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِياءُ» ۳ احساس غنا و بی نیازی،زمینه ی سرپیچی از فرامین الهی و استهزای آنهاست.

«نَحْنُ أَغْنِياءُ»

۴ برخی کوته فکر،گمان می کنند ریشه ی دستورات الهی نیاز است. «إِنَّ اللّهَ فَقِيرٌ» ۵ همه ی گفتارها و کردارها ثبت می شود. «سَنَكْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ» ۶ گناه یاوه گویی درباره ی خداوند،هم سنگ گناه کشتن انبیاست. «قالُوا إِنَّ اللّهَ فَقِيرٌ» ، «وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِياءَ» ۷ ملاک ارزیابی گفتار و کردار،از هر کس که باشد،حقّ است.حتّی کشتن پیامبران چون ناحق است مورد کیفر واقع می شود. «قَتْلَهُمُ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ» ۸ انسان در انجام عمل آزاد است،لذا کارها به خود او نسبت داده می شود.

«قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ»

۹ پاداش و کیفر الهی،بر طبق عدالت و بر اساس اعمال آزادانه و آگاهانه خود انسان است. «ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ» ۱۰ کیفرهای الهی،ظلم خدا بر بشر نیست،بلکه ظلم بشر بر نفس خویشتن است. «أَنَّ اللّهَ لَيْسَ بِظَلاّمٍ لِلْعَبِيدِ» ۱۱ اگر خداوند افراد بخیل و قاتلان انبیا را مجازات نکند،به فقرا و انبیا ظلم کرده است. «أَنَّ اللّهَ لَيْسَ بِظَلاّمٍ لِلْعَبِيدِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۳]

اشاره

اَلَّذِينَ قالُوا إِنَّ اَللّهَ عَهِدَ إِلَيْنا أَلاّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتّى يَأْتِيَنا بِقُرْبانٍ تَأْكُلُهُ اَلنّارُ قُلْ قَدْ جاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّناتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ (۱۸۳)

ص :۲۱۲

کسانی که گفتند:همانا خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم،مگر آنکه(به صورت معجزه)یک قربانی برای ما بیاورد،که آتش (صاعقه آسمانی)آن را بخورد! بگو:(این حرف ها بهانه است،)بی گمان پیامبرانی پیش از من،با دلائلی روشن و(حتی)با همین(پیشنهادی)که گفتید، برای شما آمدند،پس اگر راست می گویید چرا آنان را کشتید؟

نکته ها:

برخی برای فرار از قبول اسلام،بهانه تراشی نموده و می گفتند:خداوند از ما تعهّد گرفته تنها به پیامبری ایمان بیاوریم که حیوانی را قربانی کند و صاعقه ی آسمانی آن قربانی را در برابر چشم مردم بسوزاند،تا به پیامبری او یقین کنیم.این آیه نازل شد تا پیامبر صلی اللّه علیه و آله به آن بهانه تراشان لجوج بگوید:اگر شما راست می گویید،چرا به پیامبران قبل از من که علاوه بر انواع معجزات،آنچه را شما درخواست می کنید به شما عرضه کردند،ایمان نیاوردید؟ امام صادق علیه السلام پس از تلاوت این آیه فرمود:میان یهودیانِ بهانه جوی زمان پیامبر اسلام و یهودیانی که انبیا را می کشتند،پانصد سال فاصله بوده است،امّا به خاطر رضایت آنان بر قتل نیاکان،خداوند نسبت قتل را به آنان نیز داده است. (1)

در تورات،کتاب اوّل پادشاهان،باب ۱۸ جمله ۳ و ۴،ماجرای به شهادت رساندن انبیای بنی اسرائیل آمده است.همچنین در سِفر لاویان،باب ۹ جمله ی دوّم، موضوع قربانی قوچ آمده است.

پیام ها:

۱ فرار از پذیرش حقّ را با عناوین مذهبی توجیه نکنید. «إِنَّ اللّهَ عَهِدَ إِلَیْنا أَلاّ نُؤْمِنَ» ۲ یهود،موسی را آخرین پیامبر نمی دانستند،بلکه می گفتند:عهد خدا با ما آن بوده است که پیامبر بعدی،چنین و چنان باشد. «عَهِدَ إِلَیْنا» ، «یَأْتِیَنا بِقُرْبانٍ»

۱- ۱) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۲۸؛کافی،ج ۲،ص ۴۰۹.(به نقل از تفسیر راهنما)

۳ انسانی که روحیه ی استکباری پیدا کرد،هم به خدا تهمت می زند؛ «إِنَّ اللّهَ عَهِدَ إِلَيْنا» و هم تسلیم هیچ پیامبری نمی شود؛ «أَلاّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ» و هم توقّع دارد که معجزه ها،مطابق تمایلات و خواست های او باشد. «حَتّی يَأْتِيَنا بِقُرْبانٍ» ۴ قربانی حیوان،تاریخی بس طولانی دارد. «...بِقُرْبانٍ» ۵ سوابق هر گروه و ملّتی،بهترین گواه بر صدق یا کذب ادّعای آنهاست.

«جاءَكُمْ»

، «بِالْبَيِّناتِ وَ بِالَّذِی قُلْتُمْ» ۶ بهانه تراشی مخالفان،در طول تاریخ شبیه هم است. «وَ بِالَّذِی قُلْتُمْ» ۷ استدلال و احتجاج پیامبر با یهود،به تعلیم خداوند بود. «قُلْ قَدْ جاءَكُمْ» ۸ گاهی برای اثبات یا حقّانیت یک امر یا مصلحت مهم تر باید اموالی فدا شود.

آری،اگر مالی آتش گرفت ولی چشمی بیدار و یا دلی روشن شد،اسراف نخواهد بود. «قَدْ جاءَكُمْ رُسُلٌ» ، «بِالَّذِی قُلْتُمْ...» ۹ رضایت بر گناهِ نیاکان،سبب شریک شدن در جرم آنان است. «فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۴]

اشاره

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ جاؤُ بِالْبَيِّناتِ وَ الزُّبُرِ وَ الْكِتابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴)

(بنا بر این)پس اگر تو را تکذیب کردند(چیز تازه ای نیست،زیرا)انبیای قبل از تو نیز که همراه با معجزات و نوشته ها و کتاب روشنگر آمده بودند،تکذیب شدند.

پیام ها:

۱ آشنایی با تاریخ گذشتگان،روحیه ی صبر و مقاومت را در انسان بالا می برد.

«فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ»

۲ تمام انبیا،مخالفانی داشته اند. «كُذِّبَ رُسُلٌ» ۳ حرکت انبیا در طول تاریخ،یک حرکت فرهنگی،فکری و اعتقادی بوده است. «بِالْبَيِّناتِ وَ الزُّبُرِ وَ الْكِتابِ» ۴ معجزات پیامبران متنوّع بوده اند،ولی اصول همه ی ادیان یکی بوده است.

کلمه ی «بِالْبَیِّناتِ» جمع،ولی «الْکِتابِ» مفرد آمده است.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۵]

اشاره

کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ اَلْمَوْتِ وَ إِنَّما تُوَفَّوْنَ أُجُورَکُمْ یَوْمَ اَلْقِیامَهِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ اَلنّارِ وَ أُدْخِلَ اَلْجَنَّهَ فَقَدْ فازَ وَ مَا اَلْحَیاهُ اَلدُّنْیا إِلاّ مَتاعُ اَلْغُرُورِ (۱۸۵)

هر کسی چشنده ی مرگ است.و بی گمان روز قیامت پاداش های شما به طور کامل پرداخت خواهد شد.پس هر کس از آتش بر کنار شد و به بهشت وارد گشت،قطعاً رستگار است و زندگانی دنیا،جز مایه ی فریب نیست.

نکته ها:

این آیه به پیامبر و دیگر مصلحان که مورد آزار و اذیّت و تکذیب کفّار قرار می گیرند،روحیه ی صبر و مقاومت می بخشد،زیرا می فرماید:همه می میرند و لجاجت ها موقّتی است و پاداش تحمّل این مشکلات را خداوند بی کم و کاست عطا می کند.

امام صادق علیه السلام درباره ی «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ» فرمودند:همه ی اهل زمین و آسمان می میرند و فقط ملک الموت و حاملان عرش و جبرئیل و میکائیل باقی می مانند،سپس ملک الموت مأمور می شود که روح آنان را نیز بگیرد و تنها خود باقی می ماند و خداوند به او خطاب می کند که بمیر،او نیز می میرد. (۱)و همچنین آن حضرت فرمودند:کسی که مرگ را نچشیده و کشته شده،به دنیا برگردانده می شود تا مرگ را بچشد. (۲)

پیام ها:

۱ مرگ در راه است،پس این همه لجاجت و استکبار در برابر حق،برای چه؟ «کَذَّبُوکَ» ، «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ»

۱- ۱) .کافی،ج ۳،ص ۲۵۶.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۲،ص ۲۰۲.

۲ مرگ،عدم نیست،یک امر وجودی است که قابل چشیدن است،راه انتقال از دنیا به آخرت است. «ذٰائِقَةُ الْمَوْتِ» ۳ گناهان و عوامل سوق دهنده به دوزخ،دارای جاذبه هایی است که باید انسان با نیروی ایمان و عمل صالح خود را برهاند. «زُحْزِحَ عَنِ النّارِ» ۴ جزای کامل در آخرت است،و پاداش های دنیوی بی ارزش. «تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ» ، «مَا الْحَيٰاةُ الدُّنْيٰا إِلاّ مَتٰاعُ الْغُرُورِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۶]

اشاره

لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوٰالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتٰابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ اَلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذىً كَثِيراً وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ اَلْأُمُورِ (۱۸۶)

قطعاً شما در اموال و جان های خویش آزمایش خواهید شد و از کسانی که پیش از شما کتاب(آسمانی)داده شده اند و از کسانی که شرک ورزیده اند، آزار بسیاری می شنوید و اگر صبوری و پرهیزگاری پیشه کنید،پس قطعاً آن (صبر،نشانه ی)عزم استوار شما در کارهاست.

نکته ها:

وقتی مسلمانان از مکّه به مدینه مهاجرت کردند،مشرکان دست تجاوز به اموال آنان گشودند،چنان که به هر کس نیز دست می یافتند،او را مورد آزار قرار می دادند.

از طرف دیگر،در مدینه هم یهودیان به آنها زخم زبان می زدند و حتّی برخی با کمال بی شرمی برای زنان و دختران مسلمان،غزل سرایی کرده و یا آنها را هَجو می نمودند.سردمداری این جریان با شخصی به نام کعب بن اشرف بود که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله دستور قتل وی را صادر نمود.این آیه ضمن تسلّی خاطر دادن به مسلمانان،از آنان می خواهد در برابر آزار دشمنان صبر و تقوی پیشه کنند که مایه ی استواری آنان در ایمان می گردد.

امام رضا علیه السلام پرداخت زکات را یکی از مصادیق آزمایش در اموال دانستند که در

این آیه مطرح گردیده است. (۱)

پیام ها:

۱ آزمایش،یک سنّت جدّی الهی است،خود را آماده کنیم.(حرف لام در اوّل و حرف نون مشدّد در آخر «لَتُبْلَوُنَّ» نشانه ی جدّی بودن مسئله است.) ۲ یاد مرگ و زودگذری دنیا،مسائل را برای انسان آسان می کند. «کُلُّ نَفْسٍ ذٰائِقَةُ الْمَوْتِ» ، «لَتُبْلَوُنَّ فِی أَمْوٰالِکُمْ» ۳ بیشترین ابزار آزمایش،مال و جان است. «أَمْوٰالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ» ۴ علاوه بر پذیرش خطر جان و مال،باید خود را برای شنیدن انواع نیش ها و تحقیرها آماده کرد. «وَ لَتَسْمَعُنَّ...» ۵ شنیدن تحقیر و هجو،و آزار دیدن از دشمن،یکی از وسایل آزمایش است.

«لَتُبْلَوُنَّ»

، «وَ لَتَسْمَعُنَّ» ، «أَذیً کَثِیراً» ۶ برای رسیدن به اهداف مقدّس،گاهی باید همه گونه سختی را تحمّل کرد.

ضربه به مال،جان،حیثیّت و آبرو. «أَمْوٰالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ» ، «أَذیً کَثِیراً» ۷ انتظار زخم زبان از مخالفان،سبب آمادگی مسلمانان است. «لَتَسْمَعُنَّ...» ۸ مخالفان اسلام در ضربه زدن به مسلمان ها،وحدت در هدف و گاهی وحدت در شیوه دارند. «لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتٰابَ» ، «وَ مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا» ۹ دشمن به کم قانع نیست. «أَذیً کَثِیراً» ۱۰ صبر و تقوی در کنار هم رمز موفقیّت است.استقامت بدون تقوا،در افراد لجوج نیز پیدا می شود. «تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا» ۱۱ صبر و تقوی،ملازم یکدیگرند.کلمه ی «ذٰلِکَ» مفرد است،در حالی که به صبر و تقوی که دو چیزند،اشاره دارد.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۷]

اشاره

وَ إِذْ أَخَذَ اَللّٰهُ مِيثٰاقَ اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتٰابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنّٰاسِ وَ لاٰ تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرٰاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اِشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً فَبِئْسَ مٰا يَشْتَرُونَ (۱۸۷)

و(به یاد آور)زمانی که خداوند از کسانی که به آنان کتاب(آسمانی)داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان کنید و کتمانش نکنید،پس آنها آن(عهد)را پشت سر خویش انداختند و به بهای کمی مبادله کردند،پس چه بد معامله ای کردند.

نکته ها:

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمودند:خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که آنچه درباره ی حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله در تورات و انجیل آمده است برای مردم بگویند و کتمان نکنند. (۱)

اگر امروز میلیون ها مسیحی،یهودی و مجوسی در دنیا هست،همه به سبب سکوت نابجای دانشمندان آنهاست.به گفته ی صاحب تفسیر أطیب البیان،بیش از شصت مورد بشارت اسلام و پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله در عهدین آمده است،ولی دانشمندان اهل کتاب همه را رها کرده اند.

پیام ها:

۱ خداوند برای هدایت مردم،از دانشمندان پیمان مخصوص گرفته است. «أَخَذَ اللّٰهُ مِيثٰاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنّٰاسِ» ۲ بیان حقایق باید به نوعی باشد که چیزی برای مردم مخفی نماند. «لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنّٰاسِ وَ لاٰ تَكْتُمُونَهُ» ۳ وظیفه ی دانشمندان،تبیین کتاب آسمانی برای مردم است. «لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنّٰاسِ»

۱- ۱) .بحار،ج ۹،ص ۱۹۲؛تفسیر قمی،ج ۱،ص ۱۲۸.(به نقل از تفسیر راهنما)

۴ انگیزه ی سکوت دانشمندان از بیان حق،رسیدن به مال و مقام و یا حفظ آن است. «وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَلِیلاً» ۵ علم به تنهایی برای سعادت و نجات کافی نیست،بی اعتنایی به مال و مقام نیز لازم است. «أُوتُوا الْکِتٰابَ» ، «اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَلِیلاً» ۶ هر چه در برابر کتمان آیات الهی گرفته شود اندک است. «...اِشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَلِیلاً» ۷ عمل به دین و تعهّدات الهی ارزش والا دارد.اگر به هر مقام و مالی برسیم، ولی آن را از دست بدهیم باخته ایم. «ثَمَناً قَلِیلاً فَبِئْسَ مٰا یَشْتَرُونَ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۸]

اشاره

لاٰ تَحْسَبَنَّ اَلَّذِینَ یَفْرَحُونَ بِمٰا أَتَوْا وَ یُحِبُّونَ أَنْ یُحْمَدُوا بِمٰا لَمْ یَفْعَلُوا فَلاٰ تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفٰازَةٍ مِنَ اَلْعَذٰابِ وَ لَهُمْ عَذٰابٌ أَلِیمٌ (۱۸۸)

گمان مبر کسانی که به آنچه کرده اند،شادمانی می کنند و دوست دارند برای آنچه نکرده اند ستایش شوند،مپندار که آنها از عذاب الهی رسته اند،(زیرا) برای آنها عذابی دردناک است.

نکته ها:

مردم سه دسته اند:

۱ گروهی که کار می کنند و انتظار پاداش یا تشکّر از مردم ندارند. «لاٰ نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزٰاءً وَ لاٰ شُکُوراً» (۱)۲ گروهی که کار می کنند تا مردم بدانند و ستایش کنند. «رِئٰاءَ النّٰاسِ» (۲)۳ گروهی که کار نکرده،انتظار ستایش از مردم دارند. «یُحْمَدُوا بِمٰا لَمْ یَفْعَلُوا...» از مواردی که غیبت جایز است،در مورد کسی است که ادّعای مقام یا تخصّص یا مسئولیّتی را می کند که صلاحیّت آن را ندارد. «یُحِبُّونَ أَنْ یُحْمَدُوا بِمٰا لَمْ یَفْعَلُوا» برای اینکه این تمایل نابجا ستایش بدون عمل کور شود،در اسلام هر گونه

۱- ۱) .انسان،۹.

۲- ۲) .نساء،۳۸.

تملّق و چاپلوسی منع شده است.

پیام ها:

۱ رذایـل اخلاـقی،همچـون عُجب و غرور و انتظـار تملّق از مردم،هلاـکت قطعی را به دنبـال دارد. «یَفْرَحُـونَ» ، «یُحِبُّونَ» ، «فَلا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفازَهٍ» ۲ قرآن،هر گونه تحلیـل و تفسیـر نابجا را نسـبت به هر کس و هر موردی محکوم می کنـد. (۱)«لا تَحْسَبَنَّ» ، «فَلا تَحْسَبَنَّهُمْ» ۳ خداونـد نه تنهـا برای رفتـار،بلکه برای خواسـته های خیر و شـرّ انسان نیز حساب باز می کنـد. (۲)«یُحِبُّونَ أَنْ یُحْمَدُوا» ، «لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ» ۴ آنچه خطرش بیشـتر است،توقّع حمـد است،نه توقّع شـکر و مـدح.زیرا در حمـد،نوعی سـتایش آمیختـه بـا پرسـتش نهفته است. «یُحِبُّونَ أَنْ یُحْمَدُوا» ۵ گنهکـار ممکن است پشـیمان شـده،توبه کنـد و نجات یابـد،ولی افراد مغرور، حتی در صـدد توبه برنمی آیند،لذا امیدی به نجات آنان نیست. «فَلا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفازَهٍ مِنَ الْعَذابِ» ۶ کسانی که در دنیا گرفتار اوهام خودپرستی و اسیر زندان«منیّت»هستند،در قیامت نیز اسیر و گرفتار عذاب الهی اند. «وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۸۹]

اشاره

وَ لِلّهِ مُلْکُ اَلسَّماواتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ اَللّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۱۸۹)

و حکومت آسمان ها و زمین برای خداست و خداوند بر هر کاری تواناست.

نکته ها:

حکومت خداوند نسبت به جهان،حقیقی است نه اعتباری،چون وجود و بقای

۱- ۱) .آیاتی که با کلماتِ«لا تحسبنّ»،«لا یحسبنّ»،«أ فَحسبتم»آغاز شده،بیانگر همین معناست.

۲- ۲) .در جای دیگر نیز نسـبت به کسانی که دوست دارنـد فحشا در جامعه رواج یابـد وعـده ی عـذاب می دهد. «یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفاحِشَهُ» ، «لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ» نور،۱۹.

هر چیز تنها بدست اوست.برای ایجاد می فرماید: «کُنْ فَیَکُونُ» (۱)و برای محو می فرماید: «إِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ وَ یَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِیدٍ» (۲)حکومت خداوند دائمی و همیشگی است،ولی حکومت های غیر الهی چند صباحی بیش نیست. «تِلْکَ الْأَیّامُ نُداوِلُها بَیْنَ النّاسِ» (۳)آری،این نوع حکومت حقیقی و دائمی تنها در انحصار خداوند است. «وَ لِلّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ»

پیام ها:

۱ در قرآن هر جا سخن از حاکمیّت الهی است،آسمان ها قبل از زمین مطرح شده و این نشانگر وسعت و عظمت آسمان هاست. «مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» ۲ بسیارند افرادی که حکومت در دست آنهاست،ولی نمی توانند به خواسته های خود جامه ی تحقّق بپوشانند،ولی خداوند هم حکومت دارد و هم بر هر کاری قادر است. «مُلْکُ السَّماواتِ» ، «عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۰]

اشاره

إِنَّ فِی خَلْقِ اَلسَّماواتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ اِخْتِلافِ اَللَّیْلِ وَ اَلنَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی اَلْأَلْبابِ (۱۹۰)

همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و در پیِ یکدیگر آمدن شب و روز، نشانه هایی(از علم،رحمت،قدرت،مالکیّت،حاکمیّت و تدبیر خداوند)برای خردمندان است.

نکته ها:

در تفاسیر فخر رازی،قرطبی و مراغی آمده است:از عایشه پرسیدند:بهترین خاطره ای که از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به یاد داری چیست؟ گفت:تمام کارهای پیامبر شگفت انگیز بود،امّا مهم تر از همه برای من،این بود که رسول خدا شبی در منزل من استراحت می کرد،هنوز آرام نگرفته بود که از جا برخاست،وضو گرفت و به

۱- ۱) .بقره،۱۱۷.

۲- ۲) .فاطر،۱۶.

۳- ۳) .آل عمران،۱۴۰.

نماز ایستاد و بقدری گریه کرد که جلو لباسش تر شد،بعد به سجده رفت و به اندازه ای گریه کرد که زمین تر شد.صبح که بلال آمد سبب این همه گریه را پرسید، فرمود:دیشب آیاتی از قرآن بر من نازل شده است.آن گاه آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره آل عمران را قرائت کرد و فرمود:وای بر کسی که این آیات را بخواند و فکر نکند.

در تفسیر کبیر فخر رازی و مجمع البیان از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:رسول خدا صلی اللّه علیه و آله همواره قبل از نماز شب این آیات را می خواند.و در احادیث سفارش شده است که ما نیز این آیات را بخوانیم.

در تفسیر نمونه از«نوف بکّالی»صحابه ی خاصّ حضرت علی علیه السلام نقل شده است که شبی خدمت حضرت علی علیه السلام بودم.امام از بستر بلند شد و این آیات را خواند.سپس از من پرسید:خوابی یا بیدار؟ عرض کردم بیدارم.فرمود:خوشا به حال کسانی که آلودگی های زمین را پذیرا نگشتند و در آسمان ها سیر می کنند.

کلمه« اَلْأَلْبابِ »جمع«لب»به معنای عقل خالص و دور از وهم و خیال است.

پیام ها:

۱ آفرینش جهان،هدفدار است. «خَلْقِ السَّماواتِ» ، «لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ» ۲ هستی شناسی،مقدّمه ی خداشناسی است. «خَلْقِ السَّماواتِ» ، «لَآياتٍ» برگ درختانِ سبز،در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است،معرفت کردگار ۳ اختلاف ساعات شب و روز در طول سال،در نظر خردمندان تصادفی نیست.

«وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَآياتٍ»

۴ قرآن،مردم را به تفکّر در آفرینش ترغیب می کند. «خَلْقِ» ، «لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ» ۵ هر که خردمندتر است باید نشانه های بیشتری را دریابد. «لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ» ۶ آفرینش،پر از راز و رمز،و ظرافت و دقّت است که تنها خردمندان به درک آن راه دارند. «لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ»

ص: ۲۲۲

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۱]

اشاره

اَلَّذِینَ یَذْکُرُونَ اَللّٰهَ قِیٰاماً وَ قُعُوداً وَ عَلیٰ جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ رَبَّنٰا مٰا خَلَقْتَ هٰذٰا بٰاطِلاً سُبْحٰانَکَ فَقِنٰا عَذٰابَ اَلنّٰارِ (۱۹۱)

(خردمندان)کسانی هستند که ایستاده و نشسته و(خوابیده)بر پهلو یاد خدا می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین اندیشه می کنند(و از عمق جان می گویند:)پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده ای،تو(از کار عبث)پاک و منزّهی،پس ما را از عذاب آتش نگهدار.

نکته ها:

به فرموده ی امام باقر علیه السلام،افراد سالم،نماز را ایستاده و افراد مریض،نشسته و افراد عاجز،به پهلو خوابیده،به جا آورند. (۱)

پیام ها:

۱ نشانه ی خردمندی،یاد خدا در هر حال است. «لِأُولِی الْأَلْبٰابِ اَلَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللّٰهَ قِیٰاماً وَ قُعُوداً وَ عَلیٰ جُنُوبِهِمْ» ۲ اهل فکر،باید اهل ذکر باشند. «لِأُولِی الْأَلْبٰابِ اَلَّذِینَ یَذْکُرُونَ» ، «وَ یَتَفَکَّرُونَ» ۳ ایمان بر اساس فکر و اندیشه ارزشمند است. «یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنٰا مٰا خَلَقْتَ هٰذٰا بٰاطِلاً» ۴ ایمان و اعتراف با تمام وجود ارزش دارد.نباید به اعتراف زبانی اکتفاء کرد.

«یَتَفَکَّرُونَ

، «رَبَّنٰا مٰا خَلَقْتَ...» ۵ ذکر و فکر،همراه یکدیگر ارزش است.متأسفانه کسانی ذکر می گویند،ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند،ولی اهل ذکر نیستند. «یَذْکُرُونَ» ، «یَتَفَکَّرُونَ» ۶ آنچه سبب رشد و قرب است،ذکر و فکر دائمی است نه موسمی. «یَذْکُرُونَ» و

۱- ۱) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۳۳.(به نقل از تفسیر راهنما)

«يَتَفَكَّرُونَ»

فعل مضارع اند که نشان استمرار است.

۷ شناختِ حسّی طبیعت کافی نیست،تعقّل و تفکّر لازم است. «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» ۸ کسی که در آفرینش آسمان ها و زمین فکر کند،پی می برد که خالق هستی، پروردگار ما نیز هست. «يَتَفَكَّرُونَ» ، «رَبَّنٰا» ۹ آفرینش بیهوده نیست،گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم. «مٰا خَلَقْتَ هٰذٰا بٰاطِلاً» ۱۰ اوّل تعقّل و اندیشه،سپس ایمان و عرفان،آن گاه دعا و مناجات. «يَتَفَكَّرُونَ» ، «رَبَّنٰا» ، «فَقِنٰا» ۱۱ اگر هستی بیهوده و باطل نیست،ما هم نباید بیهوده و باطل باشیم. «مٰا خَلَقْتَ هٰذٰا بٰاطِلاً» ، «فَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ» ۱۲ هستی هدفدار است،پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ نزدیک می شویم. «فَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ» ۱۳ قبل از دعا،خدا را ستایش کنیم. «سُبْحٰانَكَ فَقِنٰا...» ۱۴ ثمره ی عقل و خرد،ترس از قیامت است. «لِأُولِي الْأَلْبٰابِ» ، «فَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۲]

اشاره

رَبَّنٰا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ اَلنّٰارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَ مٰا لِلظّٰالِمِينَ مِنْ أَنْصٰارٍ (۱۹۲)

پروردگارا! هر که را تو(بخاطر اعمال بدش)به دوزخ افکنی،پس بی شک او را خوار و رسوا ساخته ای و برای ستمگران هیچ یاورانی نیست.

نکته ها:

از امام باقر علیه السلام درباره ی «وَ مٰا لِلظّٰالِمِينَ مِنْ أَنْصٰارٍ» سؤال کردند،حضرت فرمودند:

یعنی آنها امامانی ندارند تا آنان را به نام بخوانند،(و از آنان شفاعت کنند). (۱)

ص: ۲۲۴

۱- ۱) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۱۱.

پیام ها:

۱ آتش قیامت سخت است،امّا نزد اولوا الالباب که خواهان کرامت انسان هستند خواری و رسوایی قیامت،دردناك تر از آن است. «مَنْ تُدْخِلِ النّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ» ۲ ستمگران،از شفاعتِ دیگران محروم هستند. «ما لِلظّالِمِينَ مِنْ أَنْصارٍ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۳]

اشاره

رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْإِيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ (۱۹۳)

پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که(می گفت:)به پروردگارتان ایمان بیاورید،پس ایمان آوردیم.پروردگارا! پس گناهان ما را بیامرز و زشتی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران.

نکته ها:

شاید مراد از«ذنوب»گناهان کبیره باشد و مراد از«سیئات»گناهان صغیره،چنان که در آیه ی شریفه «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ...» (۱)«سیئات»در برابر«کبائر»آمده است.و ممکن است مراد از«سیئات»آثار گناه باشد.

در برابر خردمندانی که دعوت ایمان را اجابت کرده و می گویند:« سَمِعْنا »،افرادی هستند که نسبت به این دعوت بی اعتنایی می کنند و در قیامت با حسرت تمام می گویند: «لَوْ كُنّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما كُنّا فِي أَصْحابِ السَّعِيرِ» (۲)

پیام ها:

۱ خردمندان،آماده ی پذیرش حقّ هستند و در کنار پاسخگویی به ندای فطرت، به ندای انبیا،علما و شهدا پاسخ می دهند. «إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْإِيمانِ...» ۲ استغفار و اعتراف،نشانه ی عقل است. «لِأُولِي الْأَلْبابِ» ، «رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا»

۱- ۱) .نساء،۳۱.

۲- ۲) .ملک،۱۰.

۳ از آداب دعا که زمینه ی عفو الهی را فراهم می کند،توجّه به ربوبیّت الهی است. «رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا» ۴ ایمان،زمینه ی دریافت مغفرت است. «فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا» ۵ دیگران را در دعای خود شریک کنیم. «فَاغْفِرْ لَنا» ۶ پرده پوشی و عفو،از شئون ربوبیّت و از شیوه های تربیت است. «رَبَّنا» ، «کَفِّرْ عَنّا» ۷ مرگِ انسان با اراده الهی است. «تَوَفَّنا» ۸ خردمندانِ دوراندیش،مرگ با نیکان را آرزو می کنند و به فکر حسن عاقبت هستند. «تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ» ۹ ابرار مقامی دارند که خردمندان آرزوی آن را می کنند. «لِأُولِی الْأَلْبابِ» ، «تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۴]

اشاره

رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ (۱۹۴)

(خردمندان می گویند:)پروردگارا! آنچه را به واسطه ی پیامبرانت به ما وعده داده ای،به ما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت خوار مساز،که البتّه تو خلاف وعده انجام نمی دهی.

نکته ها:

در این چند آیه،خداوند متعال مسیر رشد خردمندان و اولوا الالباب را این گونه ترسیم می کند:یاد خدا،فکر،رسیدن به حکمت،تسلیم انبیا شدن،استغفار، خوب مردن،در انتظار الطاف الهی و نجات از رسوایی و خواری.

در آیات قبل ایمان خردمندان به خداوند و قیامت مطرح بود و در این آیه ایمان به نبوّت نیز مطرح شده است. «ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ» تکرار« رَبَّنا »در سخنان اولوا الالباب،نشان شیفتگی آنان به ربوبیّت الهی است.

اولوا الالباب،هم عزّت دنیا را می خواهند و هم عزّت آخرت را.جمله ی «آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ» مربوط به دنیاست که خداوند وعده نصرت به اهل حقّ داده

ص: ۲۲۶

است: «إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا» (۱)و جمله ی« وَ لاٰ تُخْزِنا »مربوط به عزّت در آخرت است.

پیام ها:

۱ وفای به وعده،از شئون ربوبیّت الهی است. «رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا» ۲ گرچه خداوند به وعده های خود وفا می کند،لکن ما نیز باید دعا کنیم. «آتِنا ما وَعَدْتَنا» ۳ خردمندان به همه ی انبیا و همه وعده های الهی ایمان دارند. «ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ» ۴ نهایت آرزوی خردمندان،رسیدن به الطاف الهی و نجات از دوزخ و رسوایی در قیامت است. «آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِ» ۵ بیم و امید باید در کنار هم باشد. «آتِنا ما وَعَدْتَنا» ، «وَ لا تُخْزِنا»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۵]

اشاره

فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لا أُضِیعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِینَ هاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ أُوذُوا فِی سَبِیلِی وَ قاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهارُ ثَواباً مِنْ عِنْدِ اَللّهِ وَ اَللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ اَلثَّوابِ (۱۹۵)

پس پروردگارشان دعای آنان را مستجاب کرد(و فرمود:)که من عمل هیچ صاحب عملی از شما را،خواه مرد یا زن،(گرچه)همه از یکدیگرید،تباه نمی کنم(و بی پاداش نمی گذارم).پس کسانی که هجرت کرده و از خانه هایشان رانده شده و در راه من آزار و اذیّت دیده،جنگیده و کشته شدند،قطعاً من لغزش هایشان را می پوشانم و در باغ هایی که نهرها از زیرشان جاری است،واردشان می کنم.(این)پاداشی است از طرف خدا،و پاداش نیکو تنها نزد خداست.

۱- ۱) .غافر،۵۱.

پیام ها:

۱ دعای قلبی،استجابت قطعی دارد.دعایی که همراه با یاد دائمی خدا؛ «یَذْکُرُونَ» فکر؛ «یَتَفَکَّرُونَ» و ستایش خدا باشد، «سُبْحانَکَ» قطعاً مستجاب می شود. «فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ» ۲ دعای اهل فکر و ذکر،سریعاً مستجاب می شود. «فَاسْتَجابَ» ۳ استجابت دعا،جلوه ای از ربوبیّت الهی است. «فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ» ۴ در جهان بینی الهی،هیچ عملی بدون پاداش نیست. «لا أُضِیعُ عَمَلَ عامِلٍ» ۵ دعائی مستجاب می شود که همراه با عمل و تلاش دعا کننده باشد،گرچه خود دعا نیز نوعی عمل است. «فَاسْتَجابَ لَهُمْ» ، «لا أُضِیعُ عَمَلَ عامِلٍ» ۶ عمل و عامل هر دو مورد توجّهند.حُسن فعلی و حُسن فاعلی هر دو مدّ نظر هستند. «لا أُضِیعُ عَمَلَ عامِلٍ» ۷ پاداش عمل تنها به مؤمنان داده می شود،چرا که اعمال کفّار حبط می گردد.

«عَمَلَ عامِلٍ مِنْکُمْ»

۸ در بینش الهی،مرد و زن در رسیدن به مقام والای انسانی برابر هستند. «مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی» ۹ جنس مرد برتر از زن نیست. «مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ» ۱۰ در جامعه اسلامی،همه ی مسلمانان از یکدیگرند. «بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ» ۱۱ تا گناهان و عیوب محو نشود،کسی وارد بهشت نمی شود. «لَأُکَفِّرَنَّ» ، «لَأُدْخِلَنَّهُمْ» ۱۲ هجرت،جهاد،تبعید و متحمّل آزار شدن در راه خدا؛وسایل عفو خداوند هستند. «هاجَرُوا» ، «أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ» ، «لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ...» ۱۳ علاقه به وطن،یک حقّ پذیرفته شده قرآنی است و گرفتن این حق،ظلم است. «أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ» ۱۴ در پیمودن راه خدا؛هجرت،تبعید،شکنجه و جهاد و شهادت لازم است.

ص: ۲۲۸

«فِی سَبِیلِی»

۱۵ گرچه شهادت بالاترین مرتبه است،ولی مقاومت در برابر آزار و أذیّتهای دشمن،نیاز به صبر بیشتری دارد،لذا کلمه ی «فِی سَبِیلِی» در کنار «أُوذُوا» آمده است.آری،جانبازان معلولین جبهه،بیش از شهدا باید صبر و تحمّل کنند.

۱۶ به خاطر بعضی لغزشها،افراد را طرد نکنیم.در این آیه،خردمندانی که حتّی از اولیای خدا و اهل بهشتند،سابقه ای از لغزش دارند،ولی خداوند آنها را می پوشاند. «لَأُکَفِّرَنَّ» ۱۷ عنایت و توجّه مخصوص خداوند،برای خردمندان مؤمن است. «لا أُضِیعُ» ، «لَأُکَفِّرَنَّ» ، «لَأُدْخِلَنَّهُمْ...» همه ی این فعلها به صیغه متکلم وحده آمده است.به علاوه کلمه ی «رَبُّهُمْ» نشانه ی عنایت خاص خداوند به اولوا الالباب است.

۱۸ در وعده های خداوند،ذرّه ای شک و تردید نکنید.تمام وعده ها با تأکید بیان شده است. «أَنِّی» ، «لَأُکَفِّرَنَّ» ، «لَأُدْخِلَنَّهُمْ» ۱۹ هر پاداشی ممکن است با تغییر مکان و زمان ارزش خود را از دست بدهد، اما پاداش های الهی مطابق فطرت و خلقت انسان است و هرگز از ارزش آن کاسته نمی شود. «جَنّاتٍ تَجْرِی مِنْ...» ۲۰ نهرهای بهشت،هم از پای درختان آن جاری است؛ «جَنّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا» و هم از زیر جایگاه مسکونی بهشتیان. «مِنْ تَحْتِهَا» ۲۱ مغفرت و بهشت،ثوابی عمومی است،ولی آن ثوابی که در شأن لطف خدا و مؤمنان است،ثواب دیگری است که فقط نزد خداست و ما از آن خبر نداریم.

«وَ اللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ»

۲۲ پاداش های الهی برای مردم به طور کامل قابل وصف نیست،همین اندازه بدانیم که از هر پاداشی بهتر است. «وَ اللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ» ۲۳ پاداش های الهی،همراه با انواع کرامت هاست. «وَ اللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ»

[سوره آل عمران (۳): آیات ۱۹۶ تا ۱۹۷]

اشاره

لاٰ یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ اَلَّذِینَ کَفَرُوا فِی اَلْبِلاٰدِ (۱۹۶) مَتٰاعٌ قَلِیلٌ ثُمَّ مَأْوٰاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ اَلْمِهٰادُ (۱۹۷)

رفت و آمد کفّار در شهرها ترا فریب ندهد.

(بهره ی آنها از این رفت و آمدها)متاع ناچیزی است،سپس جایگاه ابدی آنان جهنّم است که بد جایگاهی است.

نکته ها:

مشرکان مکّه و یهودیان مدینه به خاطر مسافرت های تجارتی،سر و سامان داشتند،ولی مسلمانان به خاطر هجرت به مدینه و رها کردن مال و دارایی و زندگی خود در مکّه،و همچنین محاصره ی اقتصادی،در فشار و تنگنا بودند.این آیه مایه ی تسلّی آنهاست.

در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است:«ما خیر بخیر بعدها النار» (۱)خیر و خوشی هایی که به دنبال آن آتش باشد،ارزشی ندارند.لذّت های کوتاه مدّت و عذاب ابدی برای کافران،ولی سختی های موقّت و آرامش و آسایش ابدی از آنِ مؤمنان است.

پیام ها:

۱ انبیا نیز نیاز به هشدار دارند،تا در معرض تأثیر پذیری قرار نگیرند. «لاٰ یَغُرَّنَّکَ» ۲ اعزام هیأت های سیاسی،اقتصادی،نظامی،تشکیل جلسات و مصاحبه ها از سوی دشمن،شما را فریب ندهد. «لاٰ یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ الَّذِینَ کَفَرُوا» ۳ کامیابی های مادّی هر اندازه باشد،محدود و ناچیز است. «مَتٰاعٌ قَلِیلٌ» ۴ کامیابی های کافران،نشانه ی حقّانیت و محبوبیّت آنان نیست. «مَأْوٰاهُمْ جَهَنَّمُ»

۱- ۱) .بحار،ج ۸،ص ۱۹۹.

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۸]

اشاره

لٰكِنِ اَلَّذِينَ اِتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّٰاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰارُ خٰالِدِينَ فِيهٰا نُزُلاً مِنْ عِنْدِ اَللّٰهِ وَ مٰا عِنْدَ اَللّٰهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرٰارِ (۱۹۸)

لکن برای کسانی که نسبت به پروردگارشان پروا داشته باشند،باغ هایی است که نهرها از زیر درختانش جاری است.آنان برای همیشه در آنجا هستند و این پذیرایی(اوّلیه)از جانب خداوند است،ولی آنچه در نزد خداست برای نیکان بهتر است.

نکته ها:

واژه ی« نُزُلاً »به نخستین چیزی که با آن از مهمان پـذیرایی می کننـد،اطلاق می شود.مانند شـربت و میوه.گویا با این تعبیر می فرمایـد:در برابر رفت و آمدهای تجاری کفّار،شـما از مدار تقوی و ایمان خارج نشوید،زیرا باغ های بهشت، مقدّمه ی پذیرایی شما خواهد بود،نه اصل آن.

پیام ها:

۱ نعمت هـای دنیوی نسبت به نعمت های اخروی بی ارزش است. «مَتٰاعٌ قَلِيلٌ» ، «مٰا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ» ۲ تلاش و رفت و آمـد برای کسب دنیا،با حفظ تقوی و توجّه به منافع اخروی مانعی نـدارد. «لاٰ يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِی الْبِلاٰدِ» ، «.لٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا» ۳ توجّه به نعمت های بهشتِ جاودان،سـبب گرایش به تقوی و فریفته نشـدن به بهره های قلیل دنیاست. «اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّٰاتٌ» ۴ مقام ابرار بالاتر از متّقین است. «اتَّقَوْا» ، «لَهُمْ جَنّٰاتٌ» ، «وَ مٰا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرٰارِ»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۹]

اشاره

وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ اَلْكِتٰابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَ مٰا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مٰا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خٰاشِعِينَ لِلّٰهِ لاٰ يَشْتَرُونَ بِآيٰاتِ اَللّٰهِ ثَمَناً قَلِيلاً أُولٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اَللّٰهَ سَرِيعُ اَلْحِسٰابِ (۱۹۹)

و همانـا بعضـی از اهل کتاب،کسانی هسـتند که به خداونـد و آنچه به شـما نازل شـده و آنچه به خودشان نازل شـده،خاشـعانه ایمـان می آورنـد.آیات الهی را به بهای انـدک معامله نمی کننـد.آنها هسـتند که برایشان نزد پروردگارشان پاداش است.همانا خداوند سریع الحساب است.

نکته ها:

برخی مفسّـِران معتقدنـد که این آیه درباره کسانی از اهل کتاب نازل شـده است که به اسـلام گرویدنـد.آنها عبارت بودنـد از چهـل نفر از اهـل نجران،سـی و دو نفر از حبشه و هشت نفر از روم. (۱)امّا بعضـی دیگر از مفسّـِران گفته اند که آیه درباره ی نجاشی،پادشاه حبشه است که در سال نهم هجری در ماه رجب وفات یافت.

وقتی رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله مطلع شد،به مردم فرمود:یکی از برادران شـما در خارج از حجاز وفات یافته،حاضر شوید تا به پاس خدمات او بر وی نماز بخوانیم.

پرسـیدند:او کیست؟ فرمود:نجاشـی.آن گاه مسـلمانان به همراه رسول خدا صـلی اللّه علیه و آله به قبرسـتان بقیع رفته بر او نماز گزاردند. (۲)

پیام ها:

۱ بایـد انصاف را مراعات کرد و از خوبان اهل کتاب سـتایش نمود. «وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْکِتٰابِ لَمَنْ یُؤْمِنُ...» ۲ هر مکتبی،ریزش و رویش دارد.اگر گروهی ایمان نمی آورنـد و حقایق را کتمان می کننـد،در عوض گروهی با خشوع ایمان می آورنـد. «إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْکِتٰابِ لَمَنْ یُؤْمِنُ» ۳ ایمانی ارزش دارد که خاشـعانه، «خٰاشِعِینَ» و جامع باشـد. «مٰا أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ وَ مٰا أُنْزِلَ إِلَیْهِمْ» و پایـدار بوده و با مادّیات تغییر نیابد. «لاٰ یَشْتَرُونَ بِآیٰاتِ اللّٰهِ ثَمَناً قَلِیلاً»

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان و کبیر فخر رازی.

۲- ۲) .تفسیر درّ المنثور،ج ۲،ص ۴۱۶.

۴ هر بهایی در برابر دین فروشی پرداخت شود،کم و ناچیز است. «لاٰ یَشْتَرُونَ بِآیٰاتِ اللّهِ ثَمَناً قَلِیلاً»

[سوره آل عمران (۳): آیه ۲۰۰]

اشاره

یٰا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا اِصْبِرُوا وَ صٰابِرُوا وَ رٰابِطُوا وَ اِتَّقُوا اَللّٰهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید!(در برابر مشکلات و هوسها)استقامت کنید و (در برابر دشمنان نیز)پایدار باشید(و دیگران را به صبر دعوت کنید)و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید،شاید که رستگار شوید.

نکته ها:

این آیه،صبر در برابر انواع حوادث و مصائب را توصیه می کند؛ در مرحله ی اوّل در برابر ناگواری های شخصی و هوسها صبر کنید. «اصْبِرُوا» در مرحله ی دوّم در برابر فشارهای کفّار،مقاومت بیشتر کنید. «صٰابِرُوا» در مرحله ی سوّم در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن،حفظ مرزهای اعتقادی و فکری،از طریق مباحثات علمی و حفظ مرز دلها،از هجوم وسوسه ها بکوشید. «رٰابِطُوا» کلمه ی« رٰابِطُوا »از ریشه ی «Bرِبٰاطِ » به معنای بستن چیزی در مکانی است.به کاروانسرا نیز به این دلیل رُباط می گویند که کاروان ها در آنجا اتراق کرده و مال التجاره و اسب و شترها را در آنجا نگه می دارند.همچنین به قلبی که محکم و بسته به لطف خدا باشد،رُباط گفته می شود.کلماتِ«ارتباط»،«مربوط»و«رباط» ریشه ی واحدی دارند.

در روایات،« رٰابِطُوا »به معنای انتظار اقامه ی نماز آمده است. (۱)گویا مسلمانان دل و جان خود را با پیوندی که در نماز ایجاد می کنند،محکم می سازند.

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اصبروا علی الفرائض»در برابر واجبات صبر کنید.

«صابروا علی المصائب»در برابر مشکلات صبر کنید.

«و رابطوا علی الأئمه»از پیشوایان خود دفاع کنید. (۱)

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمودند:«اصبروا علی الصلوات الخمس و صابروا علی قتال عدوکم بالسیف و رابطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون»بر نمازهای شبانه روزی پایداری کنید و در جهاد با دشمن،فعّال و در راه خدا با یکدیگر هماهنگ باشید تا رستگار شوید. (۲)

پیام ها:

۱ در سایه ی ایمان،به کمالات می رسید. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا...» ۲ تا در مشکلات فردی صابر نباشید،نمی توانید در برابر دشمنان دین مقاومت کنید.ابتدا «اصْبِرُوا» سپس «صابِرُوا» ۳ از دیگران عقب نمانید،اگر کفّار در کفر خود مقاومت می کنند،کشته می دهند و مال خرج می کنند،شما نیز در راه خدا با جان و مال پایداری کنید. «صابِرُوا» ۴ مسلمانان باید مشکلات یکدیگر را تحمل کنند،و یکدیگر را به صبر سفارش کنند. «صابِرُوا» ۵ اسلام،دین ارتباط است.ارتباط با مردم،خدا و پیامبران. «رابِطُوا» ۶ صبر و مصابره و مرابطه باید جهت دار باشد و در مسیر تقوی و رضای الهی قرار گیرد،و گر نه کفّار هم این امور را دارند. «صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللّهَ» ۷ اسلام دین جامعی است،صبر و تقوی در کنار توجّه به مرزها بیان شده است.

«اصْبِرُوا»

، «رابِطُوا» ۸ تقوی،مرتبه ای بالاتر از ایمان است. «آمَنُوا» ، «وَ اتَّقُوا» ۹ صبر،زمینه ی رسیدن به سعادت و پیروزی است. «لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»

۱- ۱) .کافی،ج ۲،ص ۸۱.

۲- ۲) .درّ المنثور،ج ۲،ص ۴۱۸.

[تفسیر سوره نساء]

سیمای سوره نساء

این سوره یکصد و هفتاد و شش آیه دارد و در مدینه نازل شده است.محتوای آن،دعوت به ایمان و عدالت،عبرت از امّت های پیشین،قطع رابطه ی دوستانه با دشمنان خدا،حمایت از یتیمان،احکام ازدواج و ارث،لزوم اطاعت از رهبر الهی،هجرت،جهاد در راه خدا و...است.و از آنجا که سی و پنج آیه ی اوّل این سوره،پیرامون مسائل خانوادگی است،به سوره ی نساء (زنان)نام گذاری شده است.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

[سوره النساء (۴): آیه ۱]

اشاره

بِسْمِ اَللّهِ اَلرَّحْمنِ اَلرَّحِيمِlt;br/gtيا أَيُّهَا اَلنّاسُ اِتَّقُوا رَبَّكُمُ اَلَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها وَ بَثَّ مِنْهُما رِجالاً كَثِيراً وَ نِساءً وَ اِتَّقُوا اَللّهَ اَلَّذِي تَسائَلُونَ بِهِ وَ اَلْأَرْحامَ إِنَّ اَللّهَ كانَ عَلَيْكُمْ رَقِيباً (۱)

۱\۴

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید،آن کس که شما را از یک نفس آفرید و همسرش را نیز از(جنس)او آفرید و از آن دو،مردان و زنان بسیاری را(در روی زمین)پراکنده ساخت و از خدایی که(با سوگند)به او از یکدیگر درخواست می کنید،پروا کنید.و(نسبت)به ارحام نیز تقوا پیشه کنید(و قطع رحم نکنید)که خداوند همواره مراقب شماست.

نکته ها:

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند:صله ی رحم کنید،گرچه با سلام دادن باشد، خداوند فرمود: «وَ اتَّقُوا اللّهَ» ، «وَ الْأَرْحامَ...» (۱)

پیام ها:

۱ آغاز سوره ی خانواده،با سفارش به تقوا شروع شده است،یعنی بنیان خانواده،بر تقواست و مراعات آن بر همه لازم است. «يا أَيُّهَا النّاسُ اتَّقُوا» ۲ خلقت و تربیت انسان،هر دو به دست خداست،پس پروا و اطاعت هم باید

ص :۲۳۸

۱- ۱) .کافی،ج ۲،ص ۱۵۰.

از او باشد. «اتَّقُوا رَبَّكَمُ الَّذِی خَلَقَكَمْ» ۳ همه ی انسان ها از یک نوعند،پس هر نوع تبعیض نژادی،زبانی،اقلیمی و...

ممنوع است. «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ» ۴ زن و مرد در آفرینش وحدت دارند و هیچکدام از نظر جنسیّت بر دیگری برتری ندارند. «خَلَقَ مِنْها زَوْجَها» ۵ همه ی انسان ها در طول تاریخ،از یک پدر و مادرند. «بَثَّ مِنْهُما رِجالاً...» روایات درباره ی ازدواج فرزندان آدم دو نوع است،آنچه با قرآن هماهنگ است،روایاتی است که می گوید فرزندان آدم با یکدیگر ازدواج کردند. (۱)

۶ در مسائل تربیتی،تکرار یک اصل است. «اتَّقُوا رَبَّكُمُ» ، «اتَّقُوا اللّهَ» ۷ رعایت حقوق خانواده و خویشاوندان،لازمه ی تقواست. «اتَّقُوا اللّهَ» ، «وَ الْأَرْحامَ» امام باقر علیه السلام فرمود:قرابت دلبستگان پیامبر صلی اللّه علیه و آله را باید با مودّت مراعات کرد. (۲)

[سوره النساء (۴): آیه ۲]

اشاره

وَ آتُوا الْيَتامى أَمْوالَهُمْ وَ لا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَ لا تَأْكُلُوا أَمْوالَهُمْ إِلى أَمْوالِكُمْ إِنَّهُ كانَ حُوباً كَبِيراً (۲)

و اموال یتیمان را به آنان(باز)دهید و اموال بد(خودتان)را با اموال خوبِ (یتیمان)تبدیل نکنید و اموال آنان را با اموال خود نخورید،همانا این (تصرّفاتِ ظالمانه)گناهی بزرگ است.

پیام ها:

۱ اموال یتیمان را باید به آنان پس داد،هر چند خود ندانند یا فراموش کنند. «آتُوا الْيَتامى أَمْوالَهُمْ» ۲ اسلام،حامی طبقه ی محروم و ضعیف است. «الْيَتامى»

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

۲- ۲) .بحار،ج ۲۳،ص ۲۵۷.

۳ کودکان یتیم،حقّ مالکیّت دارند. «أَمْوٰالَهُمْ» ۴ ممانعت،تبدیل و کاستن از مال یتیم،گناه بزرگ است. «إِنَّهُ كٰانَ حُوباً كَبِيراً» ۵ گناهان،کبیره و صغیره دارند. «حُوباً كَبِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۳]

اشاره

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلاّٰ تُقْسِطُوا فِي الْيَتٰامىٰ فَانْكِحُوا مٰا طٰابَ لَكُمْ مِنَ النِّسٰاءِ مَثْنىٰ وَ ثُلاٰثَ وَ رُبٰاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاّٰ تَعْدِلُوا فَوٰاحِدَةً أَوْ مٰا مَلَكَتْ أَيْمٰانُكُمْ ذٰلِكَ أَدْنىٰ أَلاّٰ تَعُولُوا (۳)

و اگر می ترسید که عدالت را درباره ی(ازدواج با)دختران یتیم مراعات نکنید، (از ازدواج با آنان صرف نظر نمایید و)با زنان دلخواه(دیگر)ازدواج کنید، دو تا،سه تا،یا چهار تا.پس اگر ترسیدید که(میان همسران)به عدالت رفتار نکنید،پس یک همسر(کافی است)یا(به جای همسر دوّم از)کنیزی که مال شماست(کام بگیرید،گرچه کنیز هم حقوقی دارد که باید مراعات شود)این نزدیک تر است که ستم نکنید.

نکته ها:

بعضی مردان،دختران یتیم را برای تکفّل و سرپرستی به خانه می بردند،بعد هم با آنان،با مهریه ی کم ازدواج کرده و به آسانی هم آنان را طلاق می دادند.آیه نازل شد که اگر از بی عدالتی بیم دارید،با زنان دیگر ازدواج کنید.آیه ی قبل،درباره ی رعایت عدالت در اموال یتیمان بود،این آیه،فرمان عدالت در ازدواج با دختران یتیم است.

درباره ی حکمتِ تعدّد زوجات،می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف:تلفات مردها در جنگ ها و حوادث بیشتر است و زنانی بیوه می شوند.

ب:جوانان،کمتر حاضرند با بیوه ازدواج کنند.

ج:همه ی زنان بیوه و بی همسر،تقوای کافی و قدرت کنترل خود را ندارند.

د:زنان در هر ماه،مدّتی عذر دارند و مسائل زناشویی تعطیل است.

نتیجه آنکه برای حفظ حقوق بیوه ها طبق شرایطی مرد می تواند همسر دوّم بگیرد تا مشکل هر دو طرف حل شود.

سؤال:در این آیه مسئله ی بی عدالتی به صورت مشکوک بیان شده است: «إِنْ خِفْتُمْ أَلاّٰ تُقْسِطُوا» ،امّا در آیه ۱۲۹ همین سوره می فرماید: «لَنْ تَسْتَطِيعُوا» که شما قدرت آن را ندارید،این دو آیه را چگونه می توان جمع نمود؟ پاسخ:در مسائل مادّی مانند لباس،مسکن،خوراک و هم خوابی باید عادل باشید و اگر می ترسید عادل نباشید برنامه دیگری را برای خود تنظیم کنید،ولی در آیه ۱۲۹ می فرماید:شما هرگز قدرت بر عدالت ندارید که مراد عدالت در علاقه و تمایلات قلبی است چون علاقه در اختیار انسان نیست تا بتواند آن را یکسان تقسیم کند.این پاسخ با استفاده از حدیثی از امام صادق علیه السلام می باشد. (۱)

پیام ها:

۱ اسلام،حامی محرومان،به ویژه یتیمان و بالاخص دختران یتیم است،آن هم در مسأله ی عفّت و زناشویی و پرهیز از سوء استفاده از آنان. «...فِي الْيَتٰامىٰ» ۲ لازم نیست برای ترک ازدواج با یتیمان،یقین به بی عدالتی داشته باشیم، احتمال و ترس از آن هم کافی است. «إِنْ خِفْتُمْ» ۳ در انتخاب همسر،می توان سراغ ایتام رفت،مگر آنکه خوف بی عدالتی باشد.

«إِنْ خِفْتُمْ»

، «فَانْكِحُوا» ۴ در انتخاب همسر،تمایل قلبی یک اصل است. «طٰابَ لَكُمْ» ۵ اسلام،با تعدّد همسر برای مرد،فی الجمله موافق است. «فَانْكِحُوا» ، «مَثْنىٰ وَ ثُلاٰثَ وَ رُبٰاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ» ، «فَوٰاحِدَةً» ۶ تعدّد زوجات،هم محدود به چهار همسر است و هم مشروط به مراعات.ه است. (۲)«فَانْكِحُوا» ، «رُبٰاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ» ، «فَوٰاحِدَةً»

۱- ۱) .وسائل،ج ۲۱،ص ۳۴۵.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین،ج ۱،ص ۴۳۹؛کافی،ج ۵،ص ۳۶۳.

[سوره النساء (۴): آیه ۴]

اشاره

وَ آتُوا اَلنِّسٰاءَ صَدُقٰاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً (۴)

و مهر و کابین زنان را به صورت هدیه و با رغبت بدهید و اگر با میل و رغبت خویش چیزی از آن را به شما بخشیدند،آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

نکته ها:

کلمه ی« نِحْلَةً »به گفته ی راغب اصفهانی،از«نحل»به معنای زنبور عسل است.

چون زنبور عسل به مردم عسل می بخشد و توقّعی هم ندارد،به هدیه هم« نِحْلَةً » گفته می شود.البتّه بعضی مفسّرین«نحله»را به معنای«دَین»گرفته اند.یعنی مهریّه،دَین و بدهی قطعی مرد است.

در حدیث است:بهترین اموال خویش را برای سه مصرف قرار دهید:

۱ مهریّه.۲ حج.۳ کفن.اگر بهترین اموال را صرف مهریّه کنید،فرزندان شما صالح می شوند. (۱)

پیام ها:

۱ پرداخت مهریّه به زن حقّ او و الزامی است. «وَ آتُوا النِّسٰاءَ...» ۲ مهریّه،نرخ زن نیست،بلکه نشانه ی صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است. «صَدُقٰاتِهِنَّ» ۳ زن،مالک مهریه ی خود است.پدر و بستگان زن،حقّ گرفتن مهریه ی او را برای خود ندارند. (۲)«آتُوا النِّسٰاءَ صَدُقٰاتِهِنَّ» ۴ مهریّه،بهای زن نیست،بلکه هدیه ی مرد به همسرش می باشد. «نِحْلَةً»

ص :۲۴۲

۱- ۱) .تفسیر أطیب البیان ذیل آیه.

۲- ۲) .چون در جاهلیّت و بعضی اقوام،مهریه زن را پدر یا بستگان می گرفتند،خداوند در قرآن،ابتدا نام گیرنده را برد و فرمود: «وَ آتُوا النِّسٰاءَ» مهریه را به خود زن بدهید و نفرمود:«و اتوا صدقات النساء»مهریه زنان را بپردازید،تا گیرنده هر که بتواند باشد.

۵ زن،در گرفتن یـا بخشـیدن مهریه،آزاد و مسـتقل است. «فَإِنْ طِبْنَ لَكَمْ» ۶ مـال گوارا،مـالی است که صـاحبش آن را با طیب خـاطر و رضـایت ببخشـد. «فَإِنْ طِبْنَ» ، «هَنِيئاً» ۷ رضـایت ظـاهری کـافی نیست.رضایت قلبی لازم است.بخشـش های اکراهی، اجباری و یا رودربایستی اعتبار ندارد. «طِبْنَ» ، «نَفْساً» ۸ مهر و هبه،از اسباب مالک شدن است. «صَدُقاتِهِنَّ» ، «فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ» ۹ زنان تحت تأثیر عواطف همه ی مهر خود را نبخشند. «شَيْءٍ مِنْهُ»

[سوره النساء (۴): آیه ۵]

اشاره

وَ لاٰ تُؤْتُوا اَلسُّفَهٰاءَ أَمْوٰالَكُمُ اَلَّتِی جَعَلَ اَللّٰهُ لَكُمْ قِيٰاماً وَ اُرْزُقُوهُمْ فِيهٰا وَ اُكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً (۵)

و اموال خود را که خداونـد وسـیله ی برپـایی زنـد گی شـما قرار داده،به دست سـفیهان ندهیـد(ولی)رزق و مخـارج آنان را از درآمد آن بدهید و آنان را بپوشانید و با آنان سخن شایسته و نیکو بگویید.

نکته ها:

در روایات،افراد شـرابخوار و فاسق،سـفیه خوانـده شده اند. (۱)پس امـوال عمـومی نبایـد در دست چنین افرادی قرار گیرد،زیرا مال،قوام جامعه است و سپردن هر گونه مقام و مسئولیتِ مالی به این افراد،خیانت به جامعه است.

امـام صـادق علیه السـلام به شخصـی فرمودنـد:مـال خود را حفـظ کن،چون مال موجب قوام دین تو است.و آن گاه این آیه را تلاـوت فرمودنـد. «وَ لاٰ تُؤْتُوا السُّفَهٰاءَ أَمْوٰالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ قِيٰاماً...» (۲)امـام باقر علیه السـلام درباره ی معنای «السُّفَهٰاءَ» فرمودند:مقصود کسی است که به او اطمینان نداری. (۳)

ص: ۲۴۳

۱- ۱) .کافی،ج ۵،ص ۲۹۹.

۲- ۲) .وسائل،ج ۷،ص ۱۲۶.

۳- ۳) .وسائل،ج ۱۶،ص ۳۶۹.

پیام ها:

۱ سفیه،از تصرّف در مال خود ممنوع است. «لاٰ تُؤْتُوا السُّفَهٰاءَ» ۲ مالی که سبب برپا ماندن جامعه است،نباید در اختیار سفیه باشد. «أَمْوٰالَكُمُ الَّتِی» ، «قِیٰاماً» ۳ حاکم شدن سفیه حتّی بر اموال خود،ضربه ی اقتصادی به جامعه است و جامعه نست به اموال شخصی افراد حقّ دارد. «أَمْوٰالَكُمْ» به جای«اموالهم» ۴ در برخوردها،به مصالح اقتصادی جامعه و رشد فکری افراد باید توجّه کرد، نه عواطف و ترحّم های گذرا. «لاٰ تُؤْتُوا السُّفَهٰاءَ أَمْوٰالَكُمْ» ۵ مال و ثروت،قوام زندگی و اهرم نظام است. «جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ قِیٰاماً» ۶ سرمایه نباید راکد بماند.اموال یتیمان و سفیهان هم،باید در مدار تولید و سوددهی قرار گیرد و از درآمدش زندگی آنان بچرخد،نه از اصل مال.

«وَ ارْزُقُوهُمْ فِیهٰا»

به جای«منها» ۷ به ابعاد روحی و شخصیّت محرومان باید توجّه کرد. «قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً» ۸ ممنوع کردن افراد از تصرّف در اموالشان،واکنش دارد.چاره ی آن برخورد و سخن نیکوست. «قَوْلاً مَعْرُوفاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۶]

اشاره

وَ ابْتَلُوا الْیَتٰامیٰ حَتّٰی إِذٰا بَلَغُوا النِّكٰاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً فَادْفَعُوا إِلَیْهِمْ أَمْوٰالَهُمْ وَ لاٰ تَأْكُلُوهٰا إِسْرٰافاً وَ بِدٰاراً أَنْ یَكْبَرُوا وَ مَنْ كٰانَ غَنِیًّا فَلْیَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كٰانَ فَقِیراً فَلْیَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذٰا دَفَعْتُمْ إِلَیْهِمْ أَمْوٰالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَیْهِمْ وَ كَفیٰ بِاللّٰهِ حَسِیباً (۶)

و یتیمان را بیازمایید،تا هنگامی که به(سنّ بلوغ و ازدواج)برسند،پس اگر در آنان رشدی(فکری)یافتید،اموالشان را به ایشان برگردانید و آن را به اسراف و شتاب،از(بیم)اینکه بزرگ شوند(و اموالشان را از شما بگیرند) مصرف نکنید.و هر(قیّم و سرپرستی)که بی نیاز است،عفّت به خرج دهد(و از

گرفتن حق الزّحمه ی امور یتیمان چشم بپوشد)و آن که نیازمند است،به مقدار متعارف(در برابر نگهداری از مال یتیم)می تواند ارتزاق کند.پس هر گاه اموالشان را به آنان ردّ کردید،(افرادی را)بر آنان گواه و شاهد بگیرید.(این گواهی برای حفظ حقوق یتیمان است،و گر نه)خدا برای محاسبه کافی است.

پیام ها:

آیین نامه ی پرداخت اموال یتیمان ۱ یتیمان را پیش از بلوغ،از نظر رشد اقتصادی،آزمایش کرده و با کارآموزی و یاددادن روش دادوستد آنان را رشد دهید. «وَ ابْتَلُوا الْیَتامی...» ۲ یتیم،زیر نظر ولیّ خود،حقّ تصرّف در مال خود را دارد.لازمه ی عمل به « وَ ابْتَلُوا »،آن است که یتیم زیر نظر ولیّ خود تصرّف کند،تا آزمایش شود.

۳ برای در اختیار داشتن سرمایه،علاوه بر بلوغ جنسی،بلوغ اقتصادی و اجتماعی هم لازم است. «إِذا بَلَغُوا النِّکاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً» امام صادق علیه السلام فرمودند:مراد از «آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً» این است که بتواتند مال خود را حفظ کند. (۱)

۴ در سپردن اموال یتیم به او،حدس و گمان کافی نیست.باید اطمینان به رشد داشته باشید. «آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً» ۵ مالکیّت،همواره همراه با جواز تصرّف نیست.یتیم مالک هست،امّا تا رشد نیابد،حقّ تصرّف ندارد. «فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً» ۶ افراد متمکّن،خدمات اجتماعی را بدون چشمداشت انجام دهند. «مَنْ کانَ غَنِیًّا فَلْیَسْتَعْفِفْ» ۷ در گرفتن حقّ الزّحمه،حدّ متعارف را در نظر بگیرید. «فَلْیَأْکُلْ بِالْمَعْرُوفِ» امام صادق علیه السلام فرمودند:مراد از «فَلْیَأْکُلْ بِالْمَعْرُوفِ» به مقداری است که شکم

۱- ۱) .من لا یحضره الفقیه،ج ۴،ص ۲۲۳.

خود را سیر کند. (۱)

۸ هم اموال یتیمان را حفظ کنید،هم با شاهد گرفتن و جلوگیری از اختلافات و تهمت های آینده،آبروی خود را حفظ کنید. «فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ» ۹ گواهی مردم،برای حفظ عزّت دنیاست و گواهی خدا برای عزّت آخرت.

«وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ حَسِيباً»

۱۰ گواه گرفتن در جامعه،نزاع را خاتمه می دهد، ولی حساب قیامت هم چنان پابرجاست. «وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ حَسِيباً»

[سوره النساء (۴): آیه ۷]

اشاره

لِلرِّجٰالِ نَصِيبٌ مِمّٰا تَرَكَ اَلْوٰالِدٰانِ وَ اَلْأَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسٰاءِ نَصِيبٌ مِمّٰا تَرَكَ اَلْوٰالِدٰانِ وَ اَلْأَقْرَبُونَ مِمّٰا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيباً مَفْرُوضاً (۷)

برای مردان،از آنچه پدر و مادر و نزدیکان،(پس از مرگ)بر جای گذاشته اند سهمی است،و برای زنان(نیز)از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته اند،سهمی است،خواه(مقدار مال)کم باشد یا زیاد،سهمی معیّن و مقرّر است.

پیام ها:

۱ زنان همانند مردان حقّ ارث دارند و دین،حافظ حقوق آنان است. «لِلرِّجٰالِ نَصِيبٌ» ، «لِلنِّسٰاءِ نَصِيبٌ» ۲ ارث،از اسباب مالکیت است. «لِلرِّجٰالِ نَصِيبٌ» ۳ خویشاوندی که نزدیک تر است،در ارث مقدّم تر است. «اَلْأَقْرَبُونَ» ۴ تقسیم عادلانه ی میراث،مهمّ است،نه مقدار آن. «قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ» ۵ سهم ارث،تغییر ناپذیر است. «نَصِيباً مَفْرُوضاً»

۱- ۱) .کافی،ج ۵،ص ۱۳۰.

[سوره النساء (۴): آیه ۸]

اشاره

وَ إِذٰا حَضَرَ اَلْقِسْمَةَ أُولُوا اَلْقُرْبىٰ وَ اَلْيَتٰامىٰ وَ اَلْمَسٰاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً (۸)

و اگر هنگام تقسیم(ارث)خویشاوندانی(که ارث نمی برند)و یتیمان و مستمندان حاضر شدند،پس چیزی از آن مال به آنان روزی دهید و با آنان پسندیده سخن بگوئید.

نکته ها:

از اینکه کلمه ی« أُولُوا الْقُرْبىٰ »در کنار« اَلْيَتٰامىٰ »و« اَلْمَسٰاكِينُ »آمده،معلوم می شود که مراد از بستگان،بستگانی هستند که فقیرند و به طور طبیعی ارث نمی برند،و سفارش عاطفی آخر آیه نیز این معنا را تأیید می کند.

پیام ها:

۱ به نگاه ها،حضورها و توقّعات طبیعی محرومان توجّه کنید. «وَ إِذٰا حَضَرَ الْقِسْمَةَ» ۲ اموال ارثی را مخفیانه تقسیم نکنید،تا امکان حضور دیگران هم باشد. «حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبىٰ» ۳ در تقسیم ارث،علاوه بر افرادی که سهم مشخّص دارند،به فکر محرومان و یتیمان نیز باشید. «نَصِيباً مَفْرُوضاً» ، «فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ» ۴ با هدایای مالی و زبان شیرین،از کینه ها و حسادت ها،پیشگیری و پیوندهای خانوادگی را مستحکم تر کنید. «فَارْزُقُوهُمْ» ، «قُولُوا» ۵ هدایای مادّی،همراه با محبّت و عواطف معنوی باشد. «قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۹]

اشاره

وَ لْيَخْشَ اَلَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعٰافاً خٰافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اَللّٰهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلاً سَدِيداً (۹)

و کسانی که اگر پس از خود فرزندان ناتوانی به یادگار بگذارند،بر(فقر آینده)آنان می ترسند،باید(از ستم درباره یتیمان مردم نیز)بترسند.از خداوند پروا کنند و سخنی استوار گویند.

نکته ها:

به گفته ی روایات،خوردن مال یتیم،هم بازتاب دنیوی دارد و هم اخروی.در دنیا خسارت به اولاد می رسد،که در این آیه مطرح شده و در آخرت،عذاب دوزخ دارد که در آیه ی بعد مطرح شده است. (۱)

ممکن است مراد آیه،نهی از انفاق و وصیت های غیر متعادل باشد،بدین معنا که:مبادا با داشتن کودکان خردسال و ضعیف،همه ی اموال خود را وقف یا انفاق کنید و پس از مرگ،اولاد خود را در فقر و بدبختی رها سازید. (۲)و ممکن است خطاب آیه به کسانی باشد که فرزندان عقب افتاده دارند،تا آینده ی آنان را با برنامه ریزی تأمین کنند. (۳)

در رسیدن به خیر یا شرّ،میان نسل ها ارتباط است،زیرا آثار عمل محدود به عمر ما نیست،شرّ کار پدر به فرزند می رسد و به عکس،اولاد از آثار کار نیک پدر بهره مند می شود.داستان موسی و خضر و مرمّت دیواری که گنج یتیم را در خود داشت،از نمونه های آن است که قرآن درباره آن می فرماید: «کانَ أَبُوهُما صالِحاً» (۴)

پیام ها:

۱ باید خود را جای دیگران گذاشت،تا دردها را بهتر درک کرد.با یتیمان مردم چنان رفتار کنیم که دوست داریم با یتیمان ما آن گونه رفتار شود. «تَرَکُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّیَّهً ضِعافاً» ۲ هر که آتشی روشن کند،دودش به چشم خودش می رود.ظلم امروز به ایتام مردم،به صورت سنّت در جامعه در می آید و فردا دامن یتیمان ما را هم می گیرد. «وَ لْیَخْشَ الَّذِینَ لَوْ تَرَکُوا...» ۳ در شیوه های تبلیغی،باید از عواطف و فطریّات هم استفاده کرد. «ذُرِّیَّهً ضِعافاً»

ص: ۲۴۸

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر مجمع البیان.

۳- ۳) .تفسیر کبیر فخر رازی.

۴- ۴) .کهف،۸۲.

۴ نه خیانت در اموال یتیمان،نه خشونت در گفتار با آنان. «فَلْيَتَّقُوا اللّهَ وَ لْيَقُولُوا...» ۵ یتیمان،در کنار لباس و خوراک،به محبّت و عاطفه و ارشاد هم نیاز دارند.

«وَ لْيَقُولُوا قَوْلاً سَدِيداً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوالَ اَلْيَتامى ظُلْماً إِنَّما يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ ناراً وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيراً (۱۰)

همانا،آنان که اموال یتیمان را به ستم می خورند،در حقیقت،آتشی را در شکم خود فرو می برند و بزودی در آتشی افروخته وارد خواهند شد.

نکته ها:

علامه طباطبایی این آیه را دلیل بر تجسّم اعمال در قیامت دانسته است،زیرا قرآن می فرماید:مال یتیم به صورت آتش می شود و خورنده ی آن را می سوزاند.

پیام ها:

۱ چهره ی واقعی خوردن مال یتیم در دنیا،به صورت خوردن آتش در قیامت آشکار خواهد شد. «يَأْكُلُونَ أَمْوالَ الْيَتامى» ، «يَأْكُلُونَ» ، «ناراً» ۲ حضور در منزل ایتام و خوردن از مال آنان،در صورتی که مایه ی ضرر و زیان به آنان نباشد،اشکالی ندارد. «يَأْكُلُونَ» ، «ظُلْماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱]

اشاره

يُوصِيكُمُ اَللّهُ فِي أَوْلادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ اَلْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِساءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثا ما تَرَكَ وَ إِنْ كانَتْ واحِدَةً فَلَهَا اَلنِّصْفُ وَ لِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ واحِدٍ مِنْهُمَا اَلسُّدُسُ مِمّا تَرَكَ إِنْ كانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَرِثَهُ أَبَواهُ فَلِأُمِّهِ اَلثُّلُثُ فَإِنْ كانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ اَلسُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِها أَوْ دَيْنٍ آباؤُكُمْ وَ أَبْناؤُكُمْ لا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعاً فَرِيضَةً مِنَ اللّهِ إِنَّ اَللّهَ كانَ عَلِيماً حَكِيماً (۱۱)

خداونـد درباره(ارث)فرزنـدانتان به شـما سـفارش می کند،برای پسـر مانند سـهم دو دختر است،پس اگر وارثان از جنس زن و بیش از دو نفر باشـند،دوسوّم میراث،سهم آنان است و اگر یکی باشد،نصف میراث از آنِ اوست.و برای هر یک از پدر و مادرِ (میّت)،یک شـشم میراث است،اگر میّت،فرزنـدی داشته باشـد.امّا اگر فرزندی نداشـته و پدر و مادر،تنها وارث او باشـند،مادر یک سوّم می برد(و باقی برای پدر است)و اگر متوفّی برادرانی داشـته باشد،مادرش یک ششم می برد.(البتّه تقسیم ارث)پس از عمل به وصیّتی است که او(متوفّی)سـفارش کرده یا پرداخت بدهی اوست.شـما نمی دانید پدران و پسـرانتان،کدامیک برایتان سودمندترند.این احکام،از سوی خدا واجب شده است،همانا خداوند دانا و حکیم است.

نکته ها:

گرچه دریافتی ارث زن نصف مرد است،ولی بهره گیری اش دو برابر مرد است.

فرض کنید مقدار موجودی ۳۰ باشد که دختر ۱۰ و پسر ۲۰ می برد،ولی دختر به خاطر آنکه تعهّدی ندارد،سـهم خود را پس انداز می کند و برای مخارج زندگی از سهم پسر که ۲۰ بود بهره مند می شود.پس نیاز خود را از سهم مرد تأمین کرده و سهم خود را ذخیره دارد.بنا بر این دختر در گرفتن نصف می گیرد،ولی در بهره گیری کاملاً تأمین است.

در حـدیثی از امـام جواد علیه السـلام آمـده است:هیچگونه هزینه فردی و اجتمـاعی بر عهـده زن نیست،علاـوه بر آنکه هنگـام ازدواج مهریه می گیرد،ولی مرد هم مهریه می دهـد،هم خرج زن را عهـده دار است.زن بی هیچ مسئولیّتی سـهم ارث دریافت می کند و حقّ پس انداز دارد ولی در بهره گیری،از همان سهم مرد بهره می گیرد. (۱)

احکام ارث،در تورات نیز بیان شده (۲)و در انجیل آمده است که مسیح گفت:من نیامده ام تا احکام تورات را تغییر دهم.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تورات،سِفر اعداد،باب ۲۷،آیه ۸ ۱۱.

عرب جاهلی،زنان و کودکان را از ارث محروم می کرد،ولی اسلام برای هر یک از فرزند و همسر،متناسب با نیازهای آنان سهم الارث قرار داد.

رسیدن ارث به فرزند،انگیزه ی فعّالیت بیشتر است.اگر انسان بداند که اموالش به فرزندش نمی رسد،چندان تحرّک از خود نشان نمی دهد.در فرانسه،هنگامی که قانون ارث لغو شد،فعّالیت های اقتصادی ضعیف شد.

بیشتر بودن سهم فرزندان متوفّی از والدین او،شاید برای آن است که والدین، سال های پایانی عمر را می گذرانند و نیاز کمتری دارند.اگر متوفّی برادر نداشت، سهم مادر یک سوّم،و اگر داشت یک ششم،و باقی برای پدر است.شاید بدان جهت که مخارج برادران متوفّی معمولاً به عهده ی پدر است،نه مادر.

امام صادق علیه السلام فرمود:پرداخت بدهی میّت بر انجام وصیّت او مقدّم است (۱)چنان که اگر وصیّت او خلاف شرع باشد نباید عملی شود. (۲)

شخصی از اینکه زنش دختر زاییده بود،نگران بود.امام صادق علیه السلام این قسمت از آیه را برای او تلاوت فرمود که: «لا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعاً» (۳)

پیام ها:

۱ اسلام،آیین فطرت است.آن گونه که وجود فرزند،تداوم وجود والدین است و خصوصیّات و صفات جسمی و روحی آنان به فرزند منتقل می شود،اموال هم باید به فرزندان منتقل گردد. «يُوصِيكُمُ اللّهُ فِي أَوْلادِكُمْ» ۲ وصیّت که حقّ خود انسان است،بر حقوق وارثان مقدّم است. «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ» ۳ حقوق مردم،بر حقوق وارثان و بستگان مقدّم است. «مِنْ بَعْدِ» ، «دَيْنٍ» ۴ در تفاوت سهم ارثِ بستگان،حکمت هایی نهفته است که ما نمی دانیم.سهم ارث،بر اساس مصالح واقعی بشر استوار است،هر چند خود انسان بی توجّه

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .بحار،ج ۱۰۰،ص ۲۰۱ و تفسیر قمّی،ج ۱،ص ۶۵.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین.

باشد. «لاٰ تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكَمْ نَفْعاً» ۵ علم و حکمت،دو شرط ضروری برای قانونگذاری است.احکام ارث،بر علم و حکمت الهی استوار است. «فَرِيضَةً مِنَ اللّٰهِ» ، «عَلِيماً حَكِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲]

اشاره

وَ لَكُمْ نِصْفُ مٰا تَرَكَ أَزْوٰاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كٰانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ اَلرُّبُعُ مِمّٰا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهٰا أَوْ دَيْنٍ وَ لَهُنَّ اَلرُّبُعُ مِمّٰا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كٰانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ اَلثُّمُنُ مِمّٰا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهٰا أَوْ دَيْنٍ وَ إِنْ كٰانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلاٰلَةً أَوِ اِمْرَأَةٌ وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وٰاحِدٍ مِنْهُمَا اَلسُّدُسُ فَإِنْ كٰانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهُمْ شُرَكٰاءُ فِي اَلثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصىٰ بِهٰا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اَللّٰهِ وَ اَللّٰهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲)

و برای شما(مردان)نصف ارثی است که همسرانتان به جا گذاشته اند،اگر آنان فرزندی نداشته باشند،(هر چند از شوهر دیگر)،ولی اگر برای آنان فرزندی باشد، سهم شما یک چهارم از میراث است،البتّه پس از عمل به وصیّتی که کرده اند یا ادای دَینی که دارند و(امّا اگر شوهر از دنیا رفت)سهم زنان یک چهارم از چیزی است که به جا گذاشته اید،البتّه اگر فرزندی نداشته باشید،ولی اگر فرزندی داشته باشید(اگر چه از همسر دیگر)سهم همسران یک هشتم از چیزی است که بر جای نهاده اید.(این تقسیم)پس از عمل به وصیّت یا پرداخت دینی است که دارید و اگر مرد یا زنی که از او ارث می برند کلاله باشد(یعنی والدین و فرزندی نداشته باشد)و برای او برادر و خواهر باشد،برای هر یک از آنان یک ششم است و اگر آنان(خواهر و برادر)بیش از یکی باشند،همه آنان در یک سوّم،به تساوی شریکند،(البتّه)پس از انجام وصیّتِ میّت یا ادای دینِ او،بی آنکه وصیّت،ضرر به وارث داشته باشد.این،سفارشی از سوی خداست و خداوند،دانا و بردبار است.

نکته ها:

در آیه گذشته،ارث فرزندان و والدین مطرح بود،در این آیه،ارث زن و شوهر و برادر و خواهر مادری مطرح است.البتّه احکام ارث را باید به کمک روایات اجرا کرد،چون فروع و شاخه های زیادی دارد،که در آیات قرآن نیامده است.

لفظ« کَلالَة »دو بار در قرآن آمده است؛یکی در این آیه و دیگری در آخرین آیه ی همین سوره.این کلمه در لغت به معنای احاطه است،فامیلی که انسان و فرزند انسان را احاطه کرده اند.«اکلیل»،نیز تاجی است که سر را احاطه می کند.کُلّ، عددی است که اعداد دیگر را احاطه کرده است.

این کلمه در بحث ارث دو معنی دارد:

۱ برادران و خواهرانِ مادری میّت،که در این آیه به کار رفته است.

۲ برادران و خواهرانِ پدر و مادری یا پدریِ میّت،که مراد آیه آخر است.

گرچه پرداخت بدهی،بر انجام وصیّت مقدّم است،لکن چون در عمل،انجام وصیّت سخت تر است،خداوند در آیه،اوّل عمل به وصیّت را آورده،بعد پرداخت بدهی را. (۱)

در حدیث آمده است:وصیّت به ثلث مال،زیاد است،سعی کنید وارثان شما بهره ی بیشتری از ارث ببرند،تا همه بی نیاز باشند.و ضرر رسانی در وصیّت از گناهان کبیره است.و عمل به وصیّتی که به ضرر وارث باشد الزامی نیست. (۲)

اگر مردی چند همسر داشت،یک هشتم یا یک چهارم ارث،میان آنان به طور یکسان تقسیم می شود.

دیون و بدهی های متوفّی،هم شامل دیون الهی است،مثل حج،خمس،زکات و کفّاره،و هم شامل دیون مردمی است. (۳)

۱- ۱) .تفسیر صافی.

۲- ۲) .تفسیر کبیر فخر رازی.

۳- ۳) .تفسیر کبیر فخر رازی.

پیام ها:

۱ پرداخت بدهی مردم،آن قدر مهم است که در این دو آیه،چهار بار مطرح شده است. «مِنْ بَعْدِ وَصِیَّهٍ» ، «أَوْ دَیْنٍ» (۱)۲ داشتن فرزند اگر چه از همسر دیگر سهم هر یک از زن و شوهر را به نصف کاهش می دهد،تا فرزندان نیز از متوفّی سهم ببرند،خواه فرزند دختر باشد یا پسر. «فَإِنْ کٰانَ لَهُنَّ وَلَدٌ» ۳ در وصیّت برای خود،باید حال وارثان را مراعات کرد،تا به آنان زیان نرسد.

«غَیْرَ مُضَارٍّ»

۴ اسلام،نه فقط ضرر رسانی در زندگی،بلکه زیان رساندن پس از مرگ را نیز مردود می داند. «غَیْرَ مُضَارٍّ» ۵ تقسیم الهی ارث،هم عالمانه است و هم اگر تخلّف کردید،خداوند در قهر خود حلیم است و شتابی ندارد. «وَصِیَّهً مِنَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ عَلِیمٌ حَلِیمٌ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۳]

اشاره

تِلْکَ حُدُودُ اَللّٰهِ وَ مَنْ یُطِعِ اَللّٰهَ وَ رَسُولَهُ یُدْخِلْهُ جَنّٰاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰارُ خٰالِدِینَ فِیهٰا وَ ذٰلِکَ اَلْفَوْزُ اَلْعَظِیمُ (۱۳)

آن(چه گفته شد،)حدود و مقرّرات الهی است و هرکس از خدا و رسولش پیروی کند خداوند او را به باغهایی وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است،آنان همیشه در آن می مانند،و این است کامیابی و رستگاری بزرگ.

پیام ها:

۱ احکام ارث،از حدود الهی است،پس نباید از مرز آن گذشت. «تِلْکَ حُدُودُ اللّٰهِ» ۲ اطاعت از رسول خدا به منزله ی اطاعت از خداست. «یُطِعِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ»

---

۱ - ۱) .در احادیث آمده است:در قیامت،تمام گناهان شهید بخشیده می شود،مگر دَین و بدهی او.میزان الحکمه،حدیث ۹۷۷۶.

۳ سعادت و رستگاری،در گرو حرکت در مسیر الهی است،نه کام گیری بیشتر از ارث. «ذٰلِکَ الْفَوْزُ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴]

اشاره

وَ مَنْ یَعْصِ اَللّٰهَ وَ رَسُولَهُ وَ یَتَعَدَّ حُدُودَهُ یُدْخِلْهُ نٰاراً خٰالِداً فِیهٰا وَ لَهُ عَذٰابٌ مُهِینٌ (۱۴)

و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند و از حدود الهی تجاوز نماید،خدا او را وارد آتشی می کند که همیشه در آن می ماند و برای او عذابی خوارکننده است.

پیام ها:

۱ آنان که به وصیّت نامه عمل نمی کنند،یا بدهی متوفّی را نمی پردازند،یا با انکار حقّ یا ندادن سهم بعضی وارثان،سعی در تصاحب اموال می کنند،برای همیشه در عذاب و قهر الهی اند. «تِلْکَ حُدُودُ اللّٰهِ» ، «یَتَعَدَّ حُدُودَ اللّٰهِ» ۲ ملاک سعادت و شقاوت،اطاعت یا نافرمانی نسبت به خدا و رسول اوست،نه چیز دیگر. «مَنْ یُطِعِ اللّٰهَ» ، «وَ مَنْ یَعْصِ اللّٰهَ» ۳ نافرمانی رسول خدا،نافرمانی خداست. «یَعْصِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ» ۴ نافرمانی مستمرّ،سبب خلود است. «مَنْ یَعْصِ اللّٰهَ» ، «یُدْخِلْهُ نٰاراً خٰالِداً فِیهٰا» « یَعْصِ » فعل مضارع و رمز استمرار است.

۵ متجاوزان به حقوق دیگران،در ردیف کفّار،گرفتار عذاب جاویدان می شوند. «خٰالِداً فِیهٰا» ۶ قهر خدا،هم عذاب جسمی دارد،هم خواری روحی. «عَذٰابٌ مُهِینٌ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۵]

اشاره

وَ اَللاّٰتِی یَأْتِینَ اَلْفٰاحِشَهَ مِنْ نِسٰائِکُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِنَّ أَرْبَعَهً مِنْکُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِکُوهُنَّ فِی اَلْبُیُوتِ حَتّٰی یَتَوَفّٰاهُنَّ اَلْمَوْتُ أَوْ یَجْعَلَ اَللّٰهُ لَهُنَّ سَبِیلاً (۱۵)

و از زنان شما کسانی که مرتکب زنا شوند،پس چهار نفر از میان شما(مردان مسلمان)را بر آنان شاهد بگیرید،پس اگر شهادت دادند،آن زنان را در خانه ها (ی خودشان)نگاه دارید،تا مرگشان فرا رسد،یا آنکه خداوند،راهی برای آنان قرار دهد(و قانون جدیدی بیاورد).

نکته ها:

امام صادق علیه السلام فرمود:مراد از راه دیگر که خداوند قرار می دهد،حدود الهی و سنگسار و شلاق است. (1)

بعضی آیه را شامل مساحقه و همجنس گرایی زنان نیز گرفته و از مجمع البیان روایتی را از پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله نقل کرده اند که مؤیّد آن است. (2)

در روایتی می خوانیم که مسئله ی حبس در خانه نسبت به زن زناکار،در جاهلیّت نیز بوده و اسلام در آغاز آن را پذیرفته است،ولی بعد از تقویت اسلام مسئله از حبس به اجرای حدّ تبدیل شده است. (3)

پیام ها:

۱ برای حفظ آبرو و شرف دیگران،اسلام برای اثبات زنا،چهار شاهد مقرّر کرده است،و حتّی اگر سه شاهد گواهی دهند،هر سه شلّاق می خورند،ولی برای اثبات قتل،دو شاهد کافی است. «أَرْبَعَةً مِنْكُمْ» ۲ شاهد بر زنا،هم باید مرد باشد و هم مسلمان،تا در اثبات جرم،دقّت لازم صورت گیرد. «أَرْبَعَةً مِنْكُمْ» ۳ گواهی بر زنا واجب نیست. «فَإِنْ شَهِدُوا» ۴ در قضاوت به علم خود قناعت نکنیم،گواهی لازم است. «فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ» ۵ کیفر زن زناکار،حبس در«خانه»است،نه زندان های عمومی،که ممکن است

ص: ۲۵۶

۱- ۱) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۵۳.

۲- ۲) .تفسیر راهنما.

۳- ۳) .وسائل،ج ۲۸،ص ۶۱.

فساد بیشتر بیاموزد. «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِی الْبُيُوتِ» ۶ حبس زن در خانه،برای آنست که افراد جامعه را فاسد نکند و از ازدواج محروم بماند و میدانی برای لذّت پیدا نکند. «فَأَمْسِكُوهُنَّ» ۷ برای سالم سازی و پاکسازی جامعه،حبس مجرم لازم است. «فَأَمْسِكُوهُنَّ» ۸ حبس ابد،کیفر زنان شوهرداری بوده است که مرتکب زنا شده اند. «حَتّى يَتَوَفّاهُنَّ الْمَوْتُ» البتّه این حکم موقّت بوده تا کیفر تازیانه و سنگسار کردن مطرح شود. «أَوْ يَجْعَلَ اللّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶]

اشاره

وَ اَللَّذانِ يَأْتِيانِها مِنْكُمْ فَآذُوهُما فَإِنْ تابا وَ أَصْلَحا فَأَعْرِضُوا عَنْهُما إِنَّ اَللّهَ كانَ تَوّاباً رَحِيماً (۱۶)

و آن دو نفری از شما که سراغ فحشا و زنا روند(زن یا مرد زناکار و بدون همسر)هر دو را آزار دهید(و بر آنان حدّ جاری کنید).پس اگر توبه کرده و خود را اصلاح کردند،از آنان درگذرید(زیرا)خداوند توبه پذیرِ مهربان است.

نکته ها:

برای این آیه در تفاسیر،معانی گوناگونی گفته شده است،ولی معنای فوق،از تفسیر نمونه گرفته شده است.البتّه معنای دیگری نیز به ذهن می رسد و آن اینکه:

هر گاه دو مرد تصمیم به انجام فاحشه(لواط)بگیرند،ولی فقط کارهای مقدّماتی را انجام دهند،به نحوی که اطمینان به انجام آن در آینده است،شما از باب نهی از منکر،آن دو را تنبیه و تعزیر و تهدید کنید.اگر شرمنده شده و دست کشیدند و گذشته را جبران کردند،شما هم از آنان بگذرید،که خدا توبه پذیر و رحیم است.

طبق این معنی کلمه ی «اللَّذانِ» به معنای دو مرد آمده،نه یک مرد ویک زن که از باب تغلیب باشد،و «فَآذُوهُما» به معنای آزار و تنبیه است،نه اجرای حدّ.توبه و اصلاح هم به معنایِ صرف نظر واقعی است،نه اینکه قبل از صدور حکم قاضی توبه کنند. «يَأْتِيانِها» را هم می توان به معنای انجام مقدّمات قریب الوقوع فحشا

گرفت و این در عرف رایج است که کاری را به کسی نسبت دهند که در آستانه ی انجام آن است.مثل اینکه به شخصی که افراد را به مهمانی دعوت کرده و مشغول تهیه مقدّمات است،می گویند فلانی مهمانی می کند،یا مهمان دارد.(و الله العالم) توبه ی زناکار و صرف نظر نمودن از اجرای حد درباره او،تا وقتی است که کار به دادگاه و اقامه ی شهود و صدور حکم نرسیده باشد،و گر نه پس از صدور حکم، توبه مانع اجرای آن نمی شود.

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷]

اشاره

إِنَّمَا اَلتَّوْبَةُ عَلَى اَللّٰهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ اَلسُّوءَ بِجَهٰالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولٰئِكَ يَتُوبُ اَللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَ كٰانَ اَللّٰهُ عَلِيماً حَكِيماً (۱۷)

بی گمان(پذیرش)توبه بر خدا،برای کسانی است که از روی جهالت کار بد می کنند،سپس زود توبه می کنند.پس خداوند توبه ی آنان را می پذیرد و خداوند،دانا و حکیم است.

نکته ها:

این آیه به گوشه ای از شرایط قبولی توبه اشاره می کند.از جمله آنکه:

الف:گناه،از روی نادانی و بی توجّهی به عواقب گناه باشد،نه از روی کفر و عناد.

ب:زود توبه کند،پیش از آنکه گناه او را احاطه کند،یا خصلت او شود،یا قهر و عذاب الهی فرا رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود:هر گناهی که انسان مرتکب شود گرچه آگاهانه باشد در حقیقت جاهل است،زیرا خود را در خطر قهر الهی قرار داده است. (۱)

پیام ها:

۱ پذیرفتن توبه ی واقعی،از حقوقی است که خداوند برای مردم،بر عهده ی خودش قرار داده است. «اَلتَّوْبَةُ عَلَى اَللّٰهِ»

۱- ۱) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۵۴.

۲ علمی که در برابر هوس ها و غرائز پایدار نباشد،جهل است. «یَعْمَلُونَ» ، «بِجَهالَهٍ» ۳ تا گناه زیاد نشده،توبه آسان است.در این آیه می خوانیم: «یَعْمَلُونَ السُّوءَ» که مراد انجام یک گناه است،ولی در آیه ی بعد می خوانیم: «یَعْمَلُونَ السَّیِّئاتِ» که مراد گناهان زیاد است که توبه از آن مشکل است.

۴ خداوند،گناهکاران را به توبه ی فوری تشویق می کند. «یَتُوبُونَ مِنْ قَرِیبٍ» ۵ سرعت در توبه،کلید قبولی آن است. «یَتُوبُونَ مِنْ قَرِیبٍ» ۶ توبه باید واقعی باشد،اگر تظاهر به توبه کنیم خدا می داند. «کانَ اللّهُ عَلِیماً» ۷ پذیرش عذر گناهکاران بی عناد،مطابق با حکمت است. «عَلِیماً حَکِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۸]

اشاره

وَ لَیْسَتِ اَلتَّوْبَهُ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ اَلسَّیِّئاتِ حَتّی إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ اَلْمَوْتُ قالَ إِنِّی تُبْتُ اَلْآنَ وَ لاَ اَلَّذِینَ یَمُوتُونَ وَ هُمْ کُفّارٌ أُولئِکَ أَعْتَدْنا لَهُمْ عَذاباً أَلِیماً (۱۸)

و پذیرش توبه،برای کسانی که کارهای زشت می کنند تا وقتی که مرگ یکی از آنان فرا رسد،آن گاه می گوید:همانا الآن توبه کردم،نیست.و نیز برای آنان که کافر بمیرند،بلکه برای آنان عذاب دردناک مهیّا کرده ایم.

پیام ها:

۱ توبه در حال اختیار و آزادی ارزش دارد،نه در حال اضطرار یا مواجهه با خطر. «إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ إِنِّی تُبْتُ الْآنَ» ۲ اصرار بر گناه،توفیق توبه را از انسان می گیرد.کلمه ی «یَعْمَلُونَ» نشانه استمرار و کلمه ی «السَّیِّئاتِ» به معنای تعدّد و تکرار گناه است.

۳ توبه را نباید به تأخیر انداخت.چون زمان مرگ معلوم نیست و توبه هنگام معاینه ی مرگ،پذیرفته نمی شود. «إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ...» ۴ هنگام خطر و مرگ،فطرت خداشناسی انسان آشکار می شود. «إِنِّی تُبْتُ الْآنَ»

ص :۲۵۹

۵ کافر مردن و بد عاقبتی،همه ی اعمال نیک و از جمله توبه را تباه و حبط می کند. «یَمُوتُونَ وَ هُمْ کُفّارٌ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۹]

اشاره

یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا لا یَحِلُّ لَکُمْ أَنْ تَرِثُوا اَلنِّساءَ کَرْهاً وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَیْتُمُوهُنَّ إِلاّ أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ کَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ یَجْعَلَ اَللّهُ فِیهِ خَیْراً کَثِیراً (۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه به ارث برید و بر آنان سخت نگیرید تا بعضی از آنچه را به آنان بخشیده اید، خود ببرید،مگر آنکه مرتکب فحشاء آشکار شوند و با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر از همسرانتان خوشتان نیامد چه بسا شما چیزی را خوش نداشته باشید،ولی خداوند،خیر فراوان در آن قرار داده باشد.

نکته ها:

بر خلاف سنّت جاهلیّت،که گاهی زن نیز به ارث برده می شد،ممکن است آیه اشاره به این باشد که تنها اموال قابل ارث است و همسرِ متوفّی،ارثِ کسی نیست.او خودش می تواند بعد از فوت شوهرش،همسر دیگری انتخاب کند.

پیام ها:

۱ اسلام،مدافع حقوق زن است. «لا یَحِلُّ لَکُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّساءَ کَرْهاً» ۲ باز پس گرفتن مهریه با زور،حرام است. «لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَیْتُمُوهُنَّ» ۳ تنها در صورتی که زن در معرض بی عفّتی باشد،مرد حقّ سخت گیری دارد.

«لا تَعْضُلُوهُنَّ»

، «إِلاّ أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ» ۴ با زنان باید خوش رفتاری کرد. «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» ۵ مرد،سنگ زیرین آسیای زندگی است و باید با خوشرفتاری،بر سختی ها

شکیبا باشد.خطاب آیه به مرد است «لاٰ تَعْضُلُوهُنَّ» ، «عٰاشِرُوهُنَّ» ۶ بسیاری از خیرات،در لابلای ناگواری های زندگی است. «یَجْعَلَ اللّٰهُ فِیهِ خَیْراً...» ۷ حلّ مشکلات خانواده و داشتن حلم و حوصله،برای سعادت فرزندان،بهتر از جدایی و طلاق است. «فِیهِ خَیْراً کَثِیراً» ۸ همیشه خیر و شرّ ما همراه با تمایلات ما نیست،چه بسا چیزی را ناخوشایند داریم،ولی خداوند خیر زیاد در آن قرار داده باشد.زیرا انسان به همه ی مصالح خویش آگاه نیست. «فَعَسیٰ أَنْ تَکْرَهُوا» ، «فِیهِ خَیْراً کَثِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۰]

اشاره

وَ إِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدٰالَ زَوْجٍ مَکٰانَ زَوْجٍ وَ آتَیْتُمْ إِحْدٰاهُنَّ قِنْطٰاراً فَلاٰ تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئاً أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتٰاناً وَ إِثْماً مُبِیناً (۲۰)

و اگر خواستید همسری بجای همسری انتخاب کنید و مال فراوانی به آنان داده باشید،از او چیزی مگیرید.آیا می خواهید با بهتان و گناه آشکار،آن را بازپس گیرید؟!

نکته ها:

« قِنْطٰاراً »به معنای مال زیاد است که مانند پل و قنطره وسیله ی بهره برداری است.

در دوران جاهلیّت،بعضی که می خواستند همسر دیگری بگیرند،به همسر اوّل تهمت می زدند تا او در فشار قرار گیرد و مهر خود را ببخشد تا شوهر طلاقش دهد، سپس شوهر از همان مهرِ برگردانده شده،همسر دیگری می گرفت.آیه،این سنّت جاهلی را نکوهش می کند.

پیام ها:

۱ ازدواج مجدّد از نظر اسلام مجاز است. «اسْتِبْدٰالَ زَوْجٍ مَکٰانَ زَوْجٍ» ۲ طلاق،به دست مرد است. «أَرَدْتُمُ اسْتِبْدٰالَ زَوْجٍ» ۳ مهریه زیاد،اشکالی ندارد،گرچه سفارش به مهریه کم شده است. «آتَیْتُمْ

إِحْدٰاهُنَّ قِنْطٰاراً»

۴ مالکیّت انسان در چهارچوب قوانین الهی محدودیّت ندارد. «قِنْطٰاراً» ۵ اسلام،حامی حقوق زن است و ازدواج دوّم را به قیمت ضایع کردن حقّ همسر اوّل منع می کند. «فَلاٰ تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً» ۶ زن،حقّ مالکیّت دارد و مهریّه،بی کم و کاست باید به او تحویل شود.

«فَلاٰ تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً»

۱۷گر شخصی به حقّ،مالک شد،نمی توان مالش را اگرچه زیاد باشد از او گرفت. «فَلاٰ تَأْخُذُوا...» ۸ یکی از بدترین انواع ظلم،گرفتن مال مردم،همراه با توجیه کردن و تهمت زدن و بردن آبروی آنان است. «أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتٰاناً وَ إِثْماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۱]

اشاره

وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَ قَدْ أَفْضىٰ بَعْضُكُمْ إِلىٰ بَعْضٍ وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثٰاقاً غَلِيظاً (۲۱)

و چگونه آن مال را پس می گیرید،در حالی که هر یک از شما از دیگری کام گرفته اید و همسرانتان از شما(هنگام ازدواج،برای پرداخت مهریه)پیمان محکم گرفته اند!

پیام ها:

۱ در نهی از منکر باید از عواطف انسانی هم بهره گرفت.شما که مدّتها با همسر خود روابط کامل داشته و کامیاب شده اید چرا اکنون مهریه او را به ناحقّ پس می گیرید. «قَدْ أَفْضىٰ بَعْضُكُمْ إِلىٰ بَعْضٍ» ۲ هنگام ناراحتی های زندگی،باید به یاد لذّت های قبل آن بود. «قَدْ أَفْضىٰ...» ۳ در بیان امور مربوط به زناشویی،ادب را مراعات کنیم. «أَفْضىٰ» ۴ مهریّه حقّی است برای زنان که در برابر هم خوابی تعیین شده است. «قَدْ أَفْضىٰ» ۵ عقد ازدواج،یک میثاق محکم است. «مِيثٰاقاً غَلِيظاً» ۶ پس گرفتن مهریه پیمان شکنی است. «وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ» ، «وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثٰاقاً غَلِيظاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۲]

اشاره

وَ لاٰ تَنْكِحُوا مٰا نَكَحَ آبٰاؤُكُمْ مِنَ اَلنِّسٰاءِ إِلاّٰ مٰا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كٰانَ فٰاحِشَةً وَ مَقْتاً وَ سٰاءَ سَبِيلاً (۲۲)

و با زنانی که پـدرانتان به ازدواج خود در آورده انـد،ازدواج نکنیـد،مگر آنچه در گذشـته(پیش از نزول این حکم)انجام شـده است.همانا این گونه ازدواج، بسیار زشت و مایه ی دشمنی و راه بدی است.

نکته ها:

از رسوم جاهلی آن بود که هر گاه شخصـی از دنیا می رفت،فرزندان او با نامادری خود(همسر پدر)ازدواج می کردند.یکی از انصار به نام ابو قیس از دنیا رفت.

فرزنـدش به نامادری خود پیشـنهاد ازدواج کرد.آن زن گفت:باید از پیامبر کسب تکلیف کنم.چون پرسـید این آیه نازل شد و ازدواج با«زن پدر»را ممنوع کرد.

پیام ها:

۱ اسـلام دین فطرت است.چون انسـان طبعـاً از ازدواج بـا مادر و نامادری متنفّر است،در اسـلام حرام شـده است. «لاٰ تَنْكِحُوا مٰا نَكَحَ آبٰاؤُكُمْ» ۲«زن پـدر»ها به منزله ی مادرند.پس به جای کینه و ناسازگاری،باید نسبت به فرزندان«مادری»کنند. «لاٰ تَنْكِحُوا مٰا نَكَحَ آبٰاؤُكُمْ» ۳ فرزنـدان بایـد حریم پـدر را در ازدواج حفـظ کننـد. «لاٰ تَنْكِحُوا مٰا نَكَحَ آبٰاؤُكُمْ» ۴ فرزنـدان،به زن پدر،به دید«مادر»بنگرند. «مٰا نَكَحَ آبٰاؤُكُمْ» ۵ اسـلام از گذشته ها چشم می پوشد. (۱)ازدواج های پیش از این حکم،با نامادری،مورد عفو است. «إِلاّٰ مٰا قَدْ سَلَفَ» ۶ برای گفتار،باید بطور اجمال یا تفصیل،دلیل و برهان آورد. «إِنَّهُ كٰانَ فٰاحِشَةً وَ مَقْتاً وَ سٰاءَ سَبِيلاً»

ص: ۲۶۳

۱- ۱) .«الاسلام یجُبّ ما قبله»اسلام،گذشته را می پوشاند.

۷ ازدواج با نامادری،راه ازدواج با سایر محارم را نیز باز می کند. «سٰاءَ سَبِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۳]

اشاره

حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ أُمَّهٰاتُکُمْ وَ بَنٰاتُکُمْ وَ أَخَوٰاتُکُمْ وَ عَمّٰاتُکُمْ وَ خٰالاٰتُکُمْ وَ بَنٰاتُ اَلْأَخِ وَ بَنٰاتُ اَلْأُخْتِ وَ أُمَّهٰاتُکُمُ اَللاّٰتِی أَرْضَعْنَکُمْ وَ أَخَوٰاتُکُمْ مِنَ اَلرَّضٰاعَهِ وَ أُمَّهٰاتُ نِسٰائِکُمْ وَ رَبٰائِبُکُمُ اَللاّٰتِی فِی حُجُورِکُمْ مِنْ نِسٰائِکُمُ اَللاّٰتِی دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَکُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلاٰ جُنٰاحَ عَلَیْکُمْ وَ حَلاٰئِلُ أَبْنٰائِکُمُ اَلَّذِینَ مِنْ أَصْلاٰبِکُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَیْنَ اَلْأُخْتَیْنِ إِلاّٰ مٰا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اَللّٰهَ کٰانَ غَفُوراً رَحِیماً (۲۳)

بر شما حرام شده است(ازدواج با)مادرانتان و دخترانتان،و خواهرانتان و عمّه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و آن مادرانتان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی(شیری)شما و مادران همسرانتان و دختران همسرانتان(از شوهر قبلی)که در دامن شما تربیت یافته اند،به شرط آنکه با مادرانشان،همبستر شده باشید،پس اگر آمیزش نکرده اید مانعی ندارد(که با آن دختران ازدواج کنید)و(همچنین حرام است ازدواج با) همسران پسرانتان که از نسل شمایند(نه پسر خوانده ها)و(حرام است در ازدواج)جمع بین دو خواهر،مگر آنچه پیشتر انجام گرفته است.همانا خداوند بخشنده و مهربان است.

نکته ها:

در این آیه گروه هایی از زنان که به انسان محرمند و ازدواج با آنان حرام است،ذکر شده است.محرمیّت و حرمت ازدواج از سه راه حاصل می شود:

۱ ولادت(ارتباط نسبی)۲ ازدواج(ارتباط سببی)۳ شیرخواری(ارتباط رضاعی)

ص :۲۶۴

تحریم ازدواج با محارم در ادیان پیشین نیز بوده است. (۱)

ازدواج با غیر محارم،عامل گسترش ارتباط خانواده ها است.

ازدواج همزمان با دو خواهر،معمولاً آنان را به حسادت و رقابت شخصـی و جنسـی می کشانـد و علاقه هایشان به عـداوت می انجامد.شاید نهی به این خاطر باشد. «وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَیْنَ الْأُخْتَیْنِ...»

پیام ها:

۱ اختیار حرام و حلال کردن همه چیز(مأکولات،مشروبات،معاملات و منکوحات...)تنها برای خداست. «حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ» ۲ شیر مادر،همچون تولّد از مادر،یکی از اسباب محرمیّت است.در انتخاب دایه دقّت کنیم. «أُمَّهاتُکُمُ اللاّتِی أَرْضَعْنَکُمْ وَ أَخَواتُکُمْ مِنَ الرَّضاعَهِ» ۳ به دخترانی که از شوهر قبلیِ زن شما هستند و در خانه شما زندگی می کنند،به چشم دختر خود نگاه کنید و مربّی آنان باشید. «وَ رَبائِبُکُمُ اللاّتِی فِی حُجُورِکُمْ» ۴ قانون عطف به ما سبق نمی شود. «إِلاّ ما قَدْ سَلَفَ» (کسانی که قبل از تحریم،دو خواهر را به عقد خود در آورده اند،کیفری ندارند گرچه بعد از اعلام این قانون باید یکی از خواهران را نگاه و دیگری را رها کند.)

[سوره النساء (۴): آیه ۲۴]

اشاره

وَ اَلْمُحْصَناتُ مِنَ اَلنِّساءِ إِلاّ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ کِتابَ اَللّهِ عَلَیْکُمْ وَ أُحِلَّ لَکُمْ ما وَراءَ ذلِکُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوالِکُمْ مُحْصِنِینَ غَیْرَ مُسافِحِینَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِیضَهً وَ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ فِیما تَراضَیْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ اَلْفَرِیضَهِ إِنَّ اَللّهَ کانَ عَلِیماً حَکِیماً (۲۴)

ص: ۲۶۵

۱- ۱) .تورات،سِفر لاویان،باب ۱۸،آیه ۶-۲۳.

و(ازدواج با)زنان شوهردار(نیز بر شما حرام شده است،)مگر آنان که(به حکم خداوند،در جنگ با کفّار)مالک شده اید.(این احکام،)نوشته و قانون خدا بر شماست.و جز اینها(که گفته شد،)برای شما حلال است که(زنان دیگر را) به وسیله ی اموال خود،به قصد پاکدامنی و نکاح،نه به قصد زنا،طلب کنید.

پس هر گاه از آن زنان،(به نکاح موقّت)کام گرفتید،مهرشان را به عنوان یک واجب بپردازید و پس از تعیین مهر،در(تغییر مدّت عقد یا مقدار مهر)آنچه با یکدیگر توافق کنید،بر شما گناهی نیست.همانا خداوند دانا و حکیم است.

نکته ها:

کلمه ی« اَلْمُحْصَنَاتُ »از نظر لغوی،یعنی آنچه در حِصن و حریم باشد و از دسترسی دیگران منع شود.ریشه این کلمه در قرآن،در مورد سه گروه استعمال شده است:

۱ زنان عفیف و پاکدامن.چنان که خداوند درباره حضرت مریم می فرماید: «الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» (۱)۲ زنان شوهردار.زیرا شوهر نقش حفاظت از عفت زن را به عهده دارد.مراد از «الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» در آیه مورد بحث،همین معنی است.

۳ زنان آزاده که اسیر جنگی نبوده و کنیز نیستند.زیرا اسارت سبب پاره شدن پرده های عفّت و حیای زن می گردد و بی عفّتی در میان کنیزان شایع بوده است.

مراد از «الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» در آیه بعد،این معناست.

کلمه ی« مُسَافِحِینَ »از«سفاح»به معنای زنا می باشد.

اسارت برای زنان کافر،به منزله ی طلاق آنان از شوهران است.مثل ایمان آوردن زن،که اگر شوهرش به کفر ادامه دهد،ایمان آوردن او را از شوهر جدا می کند.

ازدواج با زن شوهردار،از نظر اسلام حرام است،از هر مذهب و ملت که باشد.

ولی چون اسارت به منزله ی طلاق است،زن اسیر،پس از اسارت به مدّت یک بار

۱- ۱) .تحریم،۱۲.

قاعده شدن،و اگر باردار است تا وضع حمل باید عده نگهدارد و در مدّت عده هیچ گونه ارتباط زناشویی با او جایز نیست.این طرح زناشویی بعنوان همسر یا کنیز،از طرح بازگرداندن به کفّار یا رها کردن و بی سرپرست گذاشتن،بهتر است.

کلمه ی«متعه»همچون کلمه ی حج،صلوه،ربا و غنیمت،دارای معنای شرعی است،نه لغوی.بنا بر این به قول علامه در تفسیر المیزان شکّی در آن نیست که مراد از جمله ی «اسْتَمْتَعْتُمْ» مُتعه است.

پرداخت اجر، «فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» در مُتعه مربوط به استمتاع است، «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» در حالی که اگر مراد آیه نکاح دائم باشد،با خواندن عقد مهریه لازم است،خواه استمتاع بشود یا نشود،لکن قبل از آمیزش اگر طلاق صورت گرفت،نصف مهریه پرداخت می شود.

جمله ی «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» به فرموده اهل بیت علیهم السلام (۱)و اکثر تفاسیر اهل سنّت،مربوط به ازدواج موقّت است که خلیفه دوّم آن را حرام کرد،با آنکه کسی حقّ تحریم حکم خدا را ندارد.و اگر حرام نمی شد به گفته روایات، (۲)کسی مرتکب زنا نمی شد مگر افراد شقیّ.ازدواج موقّت یک طرح صحیح است و دنیا بخاطر نداشتن آن،زنا را آزاد کرده است.ازدواج موقّت یک ضرورت اجتماع است و در روایات اهل سنّت می خوانیم،جواز مُتعه به خاطر دوری از همسر و بروز جنگ ها بوده که الآن نیز همان شرایط موجود است.مُتعه طرحی برای حل این مشکل اجتماعی و جلوگیری از فساد است و تا قیامت هم جنبه شرعی دارد.

دستاویز بعضی این است که در قرآن موضوع عدّه و ارث و حفظ فروج،نسبت به ازدواج مطرح است و متعه ازدواج نیست.ولی پاسخ ما این است:

اوّلاً-نام ازدواج به متعه هم گفته می شود،و ثانیاً در متعه هم عدّه لازم است و فقط قانون ارث زن از مرد یا بالعکس،در متعه استثنا شده است.

۱- ۱) .کافی،ج ۵،ص ۴۴۸؛وسائل،ج ۲۱،ص ۵.

۲- ۲) .تفسیر کبیر فخر رازی،ذیل آیه.

چند پرسش:

۱ آیا ازدواج موقّت نقابی بر چهره ی فحشا نیست؟ پاسخ:خیر،زیرا:

الف:در ازدواج موقّت زن فقط در اختیار یک نفر است.

ب:حد اقل چهل و پنج روز باید عدّه نگاه دارد.

ج:مولود مُتعه همچون مولود همسر دائمی است.

۲ آیا مردان هوسباز از این قانون سوء استفاده نمی کنند؟ پاسخ:ممکن است از هر قانون مفید و ضروری افرادی سوء استفاده کنند.مگر از انگور شراب نمی سازند؟ مگر زمانی که بعضی از سفر حج سوء استفاده کردند، باید منکر سفر حج شد؟ ۳ تکلیف فرزندان مُتعه چیست؟ پاسخ:در حقوق و ارث و امثال آن،هیچ فرقی با فرزندان همسر دائم ندارند.

پیام ها:

۱ برای ازدواج،نباید سراغ زنان شوهردار رفت. «وَ الْمُحْصَنٰاتُ» ۲ زنان اسیر در جنگ با کفّار،نباید بی سرپرست بمانند،یا به کفّار برگردانده شوند،بلکه به عنوان همسر یا کنیز،با مسلمانان رابطه ی شرعی داشته باشند.

«إِلاّٰ مٰا مَلَکَتْ أَیْمٰانُکُمْ»

۳ حرام بودن ازدواج با محارم و زنان شوهر دار و جمع میان دو خواهر،از احکام ثابت،قطعی و تغیرناپذیر الهی است. «حُرِّمَتْ» ، «کِتٰابَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ» ۴ صرف بودجه در مسیر بی عفّتی و فحشا حرام است. «تَبْتَغُوا بِأَمْوٰالِکُمْ» ، «غَیْرَ مُسٰافِحِینَ» ۵ ازدواج موقّت،شرعی است و مهریه زن باید پرداخت شود. «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» ، «فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» ۶ در مهریه،رضایت طرفین شرط است.
«فِیمٰا تَرٰاضَیْتُمْ بِهِ»

ص: ۲۶۸

۷ بعـد از پایان مـدّت در ازدواج موقّت،می توان مـدّت یا مهریه را با رضایت طرفین تمدیـد و اضافه کرد. «لاٰ جُنٰاحَ عَلَیْکَمْ فِیمٰا تَرٰاضَیْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِیضَهِ» ۸ ازدواج موقّت و احکام و قوانین ازدواج،برخاسته از علم و حکمت خداوند است. «عَلِیماً حَکِیماً» ۹ علم و حکمت دو شرط لازم برای قانون گذار است. «کِتٰابَ اللّٰهِ» ، «عَلِیماً حَکِیماً» «جُزْءٌ ۵»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۵]

اشاره

وَ مَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ مِنْکُمْ طَوْلاً أَنْ یَنْکِحَ اَلْمُحْصَنٰاتِ اَلْمُؤْمِنٰاتِ فَمِنْ مٰا مَلَکَتْ أَیْمٰانُکُمْ مِنْ فَتَیٰاتِکُمُ اَلْمُؤْمِنٰاتِ وَ اَللّٰهُ أَعْلَمُ بِإِیمٰانِکُمْ بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْکِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنٰاتٍ غَیْرَ مُسٰافِحٰاتٍ وَ لاٰ مُتَّخِذٰاتِ أَخْدٰانٍ فَإِذٰا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَیْنَ بِفٰاحِشَهٍ فَعَلَیْهِنَّ نِصْفُ مٰا عَلَی اَلْمُحْصَنٰاتِ مِنَ اَلْعَذٰابِ ذٰلِکَ لِمَنْ خَشِیَ اَلْعَنَتَ مِنْکُمْ وَ أَنْ تَصْبِرُوا خَیْرٌ لَکُمْ وَ اَللّٰهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ (۲۵)

و هر کس از شـما،که توانایی مالی نـدارد تا با زنان آزادِ باایمان ازدواج کنـد،پس از کنیزانِ با ایمانی که شـما مالک آنیـد،(به زنی بگیرد)و خداوند به ایمان شما داناتر است.

همه از یکدیگرید،پس(نگویید:که من آزادم و تو کنیز.و)با اذن صاحبانشان آن کنیزان را به همسری درآورید و مهریه نیکو و به طور شایسته به آنان بدهید،به شرط آنکه پاکدامن باشند،نه اهل فحشا و نه اهل دوست گرفتن های پنهانی.پس آن گاه که کنیزان، صاحب همسر شدند،اگر مرتکب زنا شوند،کیفرشان نصف کیفر زنانِ آزاد است.این (نوع از ازدواج،)برای کسانی از شما رواست که از(رنج و فشار بی همسری و)افتادن به گناه و زنا بر خود بترسد،با این همه،صبر کردن(و ازدواج نکردن با کنیزان)برایتان بهتر است و خداوند بخشنده و مهربان است.

نکته ها:

چنان که در نکته های آیه قبل گفته شد،مراد از «الْمُحْصَنٰاتِ الْمُؤْمِنٰاتِ» در این آیه، زنان آزاد است.زیرا در مقابل آن، «فَتَیٰاتِکُمُ الْمُؤْمِنٰاتِ» بکار رفته که به معنای کنیزان است.قرآن در جای دیگر نیز در مورد کنیزان،واژه ی«فتیات»را بکار برده و می فرماید: «لاٰ تُکْرِهُوا فَتَیٰاتِکُمْ عَلَی الْبِغٰاءِ» (۱)کنیزان خود را برارتکاب زنا اجبار نکنید.

کلمه ی« أَخْدٰانٍ »،جمع«خدن»به معنای دوست و رفیق است،امّا معمولاً در مورد کسانی به کار می رود که ارتباط با آنها به صورت پنهانی و برای امور نامشروع است.

این کلمه در مقابلِ« مُسٰافِحٰاتٍ »بکار رفته که به معنای کسانی است که زنای آشکار و علنی دارند.

کلمه ی« طَوْلاً »به معنای توانایی و داشتن امکانات است و کلمه ی« اَلْعَنَتَ »به معنای سختی و رنج و مشکلات است.

کسانی که مالک کنیز می شوند،بدون آنکه نیازی به عقدِ ازدواج باشد،حقّ آمیزش با او را دارند.لذا مراد از ازدواج با کنیزان که در این آیه مطرح شده است، ازدواج با کنیز دیگران است که باید با اجازه ی صاحبان آنها باشد.

گرچه ازدواج با کنیزان نکوهیده است،امّا در میان آنها زنان برجسته ی بسیاری بوده اند که صاحب کمالات بوده و به همین جهت برخی اولیای خدا آنان را به همسری گرفته و از آنان صاحب فرزندانی بزرگ شده اند.

پیام ها:

۱ در اسلام،برای موضوع ازدواج،بن بست نیست. «وَ مَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ» ۲ قانونگذار باید به نیازهای طبیعی افراد جامعه از یک سو و فشارهای اقتصادی آنان از سوی دیگر توجّه داشته باشد. «وَ مَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ....» ۳ ازدواج با کنیز را تحمّل کنید،ولی ننگ گناه را هرگز. «فَمِنْ مٰا مَلَکَتْ أَیْمٰانُکُمْ»

۱- ۱) .نور،۳۳.

۴ از ازدواج بـا زن آزاد می توان صـرف نظر کرد،ولی از شـرط ایمـان نمی توان گـذشت. «فَتَیاتِکُمُ الْمُؤْمِناتِ» ۵ ایمان،شرط اساسی در هر ازدواجی است. «الْمُحْصَناتِ الْمُؤْمِناتِ» ، «فَتَیاتِکُمُ الْمُؤْمِناتِ» ۶ ایمان ظاهری برای ازدواج کافی است،ما مأمور به بـاطن نیسـتیم. «وَ اللّهُ أَعْلَمُ بِإِیمانِکُمْ» ۷ ازدواج بـا کنیز،حقـارت نیسـت. «بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ» ۸ رضـایتِ مالـک کنیز در ازدواج،مانند اذن پدرِ دختر،شـرط است. «بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ» ۹ مالکان بدانند که کنیزان از اهل خودشانند. «أَهْلِهِنَّ» ۱۰ به کنیزان نیز مثل زنان آزاد،بایـد مهریه نیکو داد. «آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» ۱۱ مهریه را به خود کنیز بدهیـد.حقوق اقتصادی و اجتماعی بردگان باید مراعات شود. «آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» ۱۲ میزان مهریه باید بر اساس عُرف و شئون زن باشد. «بِالْمَعْرُوفِ» ۱۳ شرطِ بقای ازدواج،پاکدامنی،دوری از فحشا و روابط نامشروع است.

«مُحْصَناتٍ غَیْرَ مُسافِحاتٍ...»

۱۴ مجـازات زن بـدکار اگر کنیز باشـد،به خـاطر کنیز بودن و محرومیّت هـای آن،به نصف کاهش می یابـد. «فَعَلَیْهِنَّ نِصْفُ ما عَلَی الْمُحْصَناتِ» ۱۵ فراهم آوردن ازدواج های سهل و آسان در جامعه،راه جلوگیری از مفاسد جنسی است. «ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ الْعَنَتَ» ۱۶ سـالم سازی روانی از اهـداف اسـلام است. «ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ الْعَنَتَ» ۱۷ صـبر و خودداری،از ازدواج بـا کنیز بهتر است. «وَ أَنْ تَصْبِرُوا خَیْرٌ لَکُمْ»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۶]

اشاره

يُرِيدُ اَللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ اَلَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ اَللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶)

خداوند می خواهد(با این قوانین،راه سعادت را)برای شما آشکار سازد و شما را به سنّت های(خوب)پیشینیانتان راهنمایی کند و شما را(با بیان احکام)از گناه پاک سازد و خداوند،دانا و حکیم است.

پیام ها:

۱ سنّت خداوند،هدایت،بیان و ابلاغ است. «لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ» ۲ از سنّت های خوب گذشتگان باید تبعیّت و تقلید کرد. «سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» ۳ احکام و مقرّرات اسلام درباره ی ازدواج،همانند احکام سایر ادیان آسمانی گذشته است. «سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» ۴ خداوند،لطف خویش را به انسان برمی گرداند. «يَتُوبَ عَلَيْكُمْ» ۵ موارد مجاز یا ممنوع ازدواج،بر اساس علم و حکمت و مصلحت است. «وَ اللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۷]

اشاره

وَ اَللّٰهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يُرِيدُ اَلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ اَلشَّهَوٰاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلاً عَظِيماً (۲۷)

و خداوند می خواهد شما را ببخشد(و از آلودگی پاک سازد،)ولی کسانی که از هوسها پیروی می کنند،می خواهند که شما به انحرافی بزرگ تمایل پیدا کنید.

نکته ها:

آزادی های جنسی در دید اوّل،نوعی لذّت و کامجویی است،لیکن با توجّه به عوارض فردی و اجتماعی آنها،بزرگ ترین سقوط و انحراف است.بی بند و باری، جسم را ذوب،فکر را مشغول،اموال را تباه و اطمینان را سلب می کند.میل به تشکیل خانواده را از بین می برد،فرزندان نامشروع به جامعه تحویل می دهد،

امراض مقاربتی و روانی به ارمغان می آورد و در یک کلمه،آزادی جنسی، بزرگ ترین اسارت ها را به دنبال دارد.

پیام ها:

۱ محدودیّت ها و قیودی که در ازدواج مطرح است،رمز لطف خدا به انسان و جامعه ی بشری است. «وَ اللّٰهُ یُرِیدُ أَنْ یَتُوبَ عَلَیْکُمْ» ۲ در مسیر شهوترانان گام ننهید و از آنان تقلید نکنید،که دشمن شمایند. «یُرِیدُ الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الشَّهَوٰاتِ...» ۳ هوسبازان بی بند و بار،به چیزی جز غرق شدن شما در شهوات،قانع نمی شوند و می خواهند شما رفیق راهشان باشید. «أَنْ تَمِیلُوا مَیْلاً عَظِیماً» ۴ اخلاق جنسی در اسلام،معتدل و دور از افراط و تفریط است،ولی هوس پرستان راه افراطی را برای شما می خواهند. «مَیْلاً عَظِیماً» ۵ در انتخاب راه دقّت کنیم.در آیه دو بار کلمه «یُرِیدُ» به کار رفته است؛یک اراده از خدای علیم حکیم و یک اراده از هوسبازان بدخواه.به سراغ کدام اراده ها می رویم. «وَ اللّٰهُ یُرِیدُ» ، «یُرِیدُ الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الشَّهَوٰاتِ»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۸]

اشاره

یُرِیدُ اَللّٰهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ وَ خُلِقَ اَلْإِنْسٰانُ ضَعِیفاً (۲۸)

خداوند می خواهد(با آسان کردن قوانین ازدواج،بار تکلیف)شما را سبک کند.

و انسان،ضعیف آفریده شده است.

نکته ها:

در این سه آیه اخیر،گوشه ای از الطاف خداوند در امر ازدواج پی در پی نقل شده است.خداوند احکام را برای شما بیان می کند، «لِیُبَیِّنَ لَکُمْ» راه نشان می دهد، «یَهْدِیَکُمْ» لطف خود را به شما برمی گرداند، «یَتُوبَ عَلَیْکُمْ» و بر شما آسان می گیرد، «یُخَفِّفَ عَنْکُمْ» و این همه به خاطر آن که انسان در برابر طوفان غرایز، ناتوان،و قدرت صبر و خودداری او اندک است.

پیام ها:

۱ اسلام،دین آسانی است و بن بست ندارد. «یُرِیدُ اللّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ» ۲ تکالیف دینی،بر اساس توان و طاقت انسان است. «یُرِیدُ اللّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ» ۳ مشکل تراشی در ازدواج،خلاف خواست خداست. «یُرِیدُ اللّهُ أَنْ یُخَفِّفَ» ۴ پیروی و پایبندی شما در احکام ازدواج،زمینه ی سبکباری و دورماندن جامعه از آفات و مشقات است. «یُرِیدُ اللّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ» ۵ انسان در برابر غریزه ی جنسی ضعیف است. «خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعِیفاً» ۶ میان تکوین و آفرینش انسان،و تشریع و احکام الهی هماهنگی است.

«یُخَفِّفَ»

، «ضَعِیفاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۲۹]

اشاره

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ إِلاّ أَنْ تَکُونَ تِجارَهً عَنْ تَراضٍ مِنْکُمْ وَ لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ إِنَّ اللّهَ کانَ بِکُمْ رَحِیماً (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل نخورید، مگر اینکه تجارتی با رضایت یکدیگر باشد.و خود(و یکدیگر)را نکشید،همانا خداوند نسبت به شما همواره مهربان بوده است.

نکته ها:

رمز اینکه نهی از قتل، «لا تَقْتُلُوا» بدنبال نهی از حرام خوری، «لا تَأْکُلُوا» آمده است،شاید آن باشد که سیستم اقتصادی ناسالم،زمینه ی قیام محرومان علیه زراندوزان و بروز درگیری ها و پیدایش قتل و هلاکت جامعه است.

امام صادق علیه السلام به هنگام تلاوت این آیه فرمود:کسی که قرض بگیرد و بداند که نمی تواند بازپرداخت کند،مال باطل خورده است. (۱)امام باقر علیه السلام در ذیل آیه

۱- ۱) .کافی،ج ۵،ص ۹۵.

فرمود:ربا،قمار،کم فروشی و ظلم از مصادیق باطل است. (۱)

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله درباره وضو و غسل با آب سرد،آنجا که خطر جانی دارد فرمود:

« وَ لاٰ تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ إِنَّ اللّٰهَ کٰانَ بِکُمْ رَحِیماً ». (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:اگر مسلمانی به تنهایی وارد منطقه کفّار شد و کشته شد، خودکشی کرده است. (۳)

کشتن رهبران معصوم یکی از مصادیق خودکشی و به هلاکت انداختن جامعه است،امام صادق علیه السلام درباره ی «لاٰ تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ» فرمودند:یعنی اهل بیت پیامبر خود را نکشید. (۴)

پیام ها:

۱ مالکیت فردی محترم است و تصرّف در اموال دیگران،جز از راه معاملات صحیح و بر اساس رضایت،حرام است. «لاٰ تَأْکُلُوا» ، «إِلاّٰ» ، «تِجٰارَةً عَنْ تَرٰاضٍ» ۲ جامعه،دارای روح واحد و سرنوشت مشترک است.اموال دیگران را همچون اموال خودتان محترم بدانید. «أَمْوٰالَکُمْ بَیْنَکُمْ» ۳ هر نوع تصرّفی که بر مبنای«حقّ»نباشد،ممنوع است. «لاٰ تَأْکُلُوا» ، «بِالْبٰاطِلِ» ۴ داد و ستدها باید با رضایت طرفین باشد،نه با اجبار و اکراه. «عَنْ تَرٰاضٍ مِنْکُمْ» ۵ جان انسان محترم است،لذا خودکشی و یا دیگرکشی حرام است. «لاٰ تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ» ۶ احکام و مقرّرات اسلام پرتوی از رحمت خداوند است. «کٰانَ بِکُمْ رَحِیماً»

ص: ۲۷۵

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۶۳.

۴- ۴) .تفسیر فرات کوفی،ص ۱۰۱.

[سوره النساء (۴): آیه ۳۰]

اشاره

وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوٰاناً وَ ظُلْماً فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نٰاراً وَ كٰانَ ذٰلِكَ عَلَى اَللّٰهِ يَسِيراً (۳۰)

و هر کس از روی تجاوز و ستم چنان کند(و دست به مال و جان مردم دراز کرده،یا خودکشی و خونریزی کند)به زودی او را در آتشی(عظیم)وارد سازیم و این کار،بر خداوند آسان است.

نکته ها:

شاید تفاوت«عدوان»و«ظلم»این باشد که عدوان،تجاوز به دیگران است،ظلم،شامل ستم بر خویش هم می شود.

کلمه ی«صلو»به معنای ورود در رحمت و کلمه ی«صلی»به معنای ورود در دوزخ است،بنا بر این کلمه« نُصْلِيهِ »به معنای آن است که او را در آتش وارد می کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:هر کس به عمد خودکشی کند،برای همیشه در دوزخ است.آن گاه این آیه را تلاوت فرمودند. (۱)

پیام ها:

۱ کارهایی که از سر ظلم و عدوان از انسان سر نزند،قهر الهی ندارد. «وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوٰاناً وَ ظُلْماً...» ۲ قصد و انگیزه،نقش اصلی را در کیفر یا پاداش دارد. «مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوٰاناً وَ ظُلْماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۳۱]

اشاره

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبٰائِرَ مٰا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئٰاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلاً كَرِيماً (۳۱)

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید،گناهان کوچکتان را بر شما می پوشانیم و شما را در جایگاهی ارجمند وارد می کنیم.

۱- ۱) .من لا یحضر،ج ۳،ص ۳۶۴.

نکته ها:

از این آیه استفاده می شود که گناهان،دو نوعند:صغیره و کبیره.در آیه ی ۴۹ سوره ی کهف نیز می خوانیم که مجرمان در قیامت،با دیدن پرونده ی اعمال خود می گویند:این چه نامه ی عملی است که هیچ گناه کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده است. «لاٰ یُغٰادِرُ صَغِیرَةً وَ لاٰ کَبِیرَةً» از امام کاظم علیه السلام سؤال شد که در این آیه خداوند وعده ی مغفرت صغائر را در صورت اجتناب از کبائر داده است،پس شفاعت برای کجاست؟ امام فرمودند:

شفاعت برای اهل کبائر امّت است. (۱)

گناه کبیره،طبق روایات،آن است که خداوند وعده ی آتش به انجام دهنده اش داده است. (۲)شاید وعده آتش در آیه قبل برای قتل یا خودکشی و تجاوز به مال مردم اشاره به همین باشد که نمونه گناهان کبیره ای که وعده عذاب داده شده، تجاوز به مال و جان مردم است.

تعداد گناهان کبیره در روایات،متعدّد و مختلف است و این به خاطر آن است که کبائر نیز درجاتی دارند و به بعضی از گناهان«اکبر الکبائر»گفته شده است.

پیام ها:

۱ کسانی که اصول فکری و عملی آنان صحیح است،باید نسبت به تخلّفات جزئی آنان،گذشت کرد. «إِنْ تَجْتَنِبُوا کَبٰائِرَ» ، «نُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئٰاتِکُمْ» ۲ پاداش کسانی که گناهان بزرگ را ترک می کنند،آن است که خداوند از گناهان کوچکشان بگذرد. «إِنْ تَجْتَنِبُوا کَبٰائِرَ» ، «نُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئٰاتِکُمْ» ۳ تا از گناهان کبیره و صغیره پاک نشویم،به بهشت نخواهیم رفت. «نُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئٰاتِکُمْ وَ نُدْخِلْکُمْ مُدْخَلاً کَرِیماً»

ص: ۲۷۷

۱- ۱) .توحید صدوق،ص ۴۰۷.

۲- ۲) .کافی،ج ۲،ص ۲۷۶.

[سوره النساء (۴): آیه ۳۲]

اشاره

وَ لا تَتَمَنَّوْا ما فَضَّلَ اَللّٰهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلىٰ بَعْضٍ لِلرِّجالِ نَصِيبٌ مِمَّا اِكْتَسَبُوا وَ لِلنِّساءِ نَصِيبٌ مِمَّا اِكْتَسَبْنَ وَ سْئَلُوا اَللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اَللّٰهَ كانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً (۳۲)

و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید.برای مردان از آنچه بدست آورده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده اند بهره ای می باشد و(به جای آرزو و حسادت)از فضل خداوند بخواهید،که خداوند به هر چیزی داناست.

نکته ها:

آیات قبل،از حرام خواری نهی فرمود،این آیه به ریشه ی حرام خواری اشاره می کند که طمع،آرزو و رقابت است.

عدالت،غیر از تساوی است.عدالت همه جا ارزش است،ولی تساوی گاهی ارزش است و گاهی ظلم.مثلاً اگر پزشک به همه مریض ها یک نوع دارو بدهد،یا معلّم به همه شاگردان یک نوع نمره بدهد،تساوی هست،امّا عدالت نیست.

عدالت،آن است که به هر کس بر اساس استحقاقش بدهیم،گرچه موجب تفاوت شود،زیرا تفاوت گذاشتن بر اساس لیاقت ها و کمالات حقّ است،امّا تبعیض باطل است.تبعیض آن است که بدون دلیل و بر اساس هوای نفس یکی را بر دیگری ترجیح دهیم،ولی تفاوت آن است که بر اساس معیارها یکی را بر دیگری ترجیح دهیم.بنا بر این باید آرزوی عدالت داشت،ولی تمنّای یکسان بودن همه چیز و همه کس نابجاست.اعضای یک بدن و اجزای یک ماشین از نظر جنس و شکل و کارایی متفاوتند،امّا تفاوت آنها حکیمانه است.اگر خداوند،همه را یکسان نیافریده،طبق حکمت اوست.بنا بر این در اموری که به دست ما نیست، مثل جنسیّت،زیبایی،استعداد،بیان،هوش،عمر و...باید به تقسیم و تقدیر الهی راضی بود.ما که خدا را عادل و حکیم می دانیم،اگر در جایی هم دلیل و حکمت

چیزی را نفهمیدیم نباید قضاوت عجولانه و جاهلانه همراه با سوء ظن یا توقّع نابجا به خداوند حکیم داشته باشیم و یا بر دارندگان این نعمت ها حسد ورزیم، چرا که با فزونی هر نعمتی،مسئولیّت بیشتر می شود و با آمدن هر نعمتی،غم از دست دادنش همراه است.این حقیقت را در نهج البلاغه می خوانیم.

در موارد اختیاری،باید با کوشش و تلاش و پرهیز از کسالت و تنبلی،در رقابتی سالم به قوّت و کثرت و استقلال رسید و اجازه ی استثمار و استعمار به دیگران نداد و در مواردی که بدست ما نیست،باید تفاوتها را دلیل رشد و آزمایش و تحرک و تعاون و پیوستگی جامعه دانست،زیرا که اگر همه مردم دارای امکانات یکسان باشند،صفات انسانی از قبیل سخاوت،شجاعت و ایثار در انسان رشد نمی کند.انسان در لابلای فراز و نشیب ها خود را نشان می دهد،حرکت می کند و با دیگران به خاطر نیازش پیوند می خورد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ از آیه فرمودند:کسی به همسر و فرزند دیگران چشم داشت نداشته باشد،ولی همانند آن را از خداوند بخواهد. (۱)

زمانی که این آیه نازل شد،اصحاب پیامبر اکرم گفتند:مقصود از فضل در «وَ سْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ» چیست؟ قرار شد تا علی علیه السلام این موضوع را از پیامبر سؤال کند.

پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله در پاسخ فرمودند:خداوند ارزاق را در میان مردم از طریق حلال تقسیم کرده و حرام را نیز عرضه کرده است.کسی که حرام را تحصیل کند،به همان اندازه از رزق حلال خود کاسته است و بر حرام مورد محاسبه قرار می گیرد. (۲)

پیام ها:

۱ به داده های الهی راضی باشیم و حسودانه،آرزوی برتریهای دیگران را نداشته باشیم. «وَ لاٰ تَتَمَنَّوْا» ۲ در اسلام مسائل اقتصادی و اخلاقی بهم آمیخته است. «لاٰ تَأْكُلُوا» ، «بِالْبٰاطِلِ» ، «وَ لاٰ تَتَمَنَّوْا»

ص: ۲۷۹

۱- ۱) .وسائل،ج ۱۲،ص ۲۴۱.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۱۵.

۳ تبعیض ها و برتری های استثمارگرانه و ظالمانه،از حساب برتری های خداداد،جداست. «فَضَّلَ اللّٰهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلىٰ بَعْضٍ» ۴ تفاوت های زن و مرد از نظر خلقت و طبیعت،از نمونه های برتری دادن خداوند در آفرینش است. «فَضَّلَ اللّٰهُ» ، «لِلرِّجٰالِ» ، «لِلنِّسٰاءِ» ۵ هر یک از زن و مرد،نسبت به دستاوردهای خود به طور مساوی مالکند.

«لِلرِّجٰالِ نَصِیبٌ»

، «لِلنِّسٰاءِ نَصِیبٌ» ۶ به جای تمنّای آنچه دیگران دارند،در پی کسب و تلاش باشیم. «نَصِیبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا...» ۷ انسان،تنها مالك بخشی از دست رنج خود است.« مِمَّا اكْتَسَبُوا »بخش دیگر سهم فقرا و حکومت اسلامی است.

۸ هم کار،هم دعا. «اكْتَسَبُوا» ، «وَ سْئَلُوا اللّٰهَ» ۹ به جای چشمداشت به داشته های دیگران به فضل و لطف خدا چشم داشته باشید. «وَ لاٰ تَتَمَنَّوْا» ، «وَ سْئَلُوا اللّٰهَ» ۱۰ به خصلت ها جهت صحیح بدهیم.آرزو در انسان هست،امّا جهت این آرزو را درخواست نعمت از خدا قرار دهیم،نه سلب نعمت از دیگران. «لاٰ تَتَمَنَّوْا» ، «وَ سْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ» ۱۱ اگر خداوند،چیزی به کسی داد یا از او گرفت،حکیمانه و آگاهانه است.

«بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً»

(ایمان به علم خداوند سبب بازداشتن انسان از طمع و چشم داشت است.)

[سوره النساء (۴): آیه ۳۳]

اشاره

وَ لِكُلٍّ جَعَلْنٰا مَوٰالِيَ مِمّٰا تَرَكَ اَلْوٰالِدٰانِ وَ اَلْأَقْرَبُونَ وَ اَلَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمٰانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اَللّٰهَ كٰانَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً (۳۳)

و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان و کسانی که با آنان پیمان بسته اید،برجا گذاشته اند،برای هر یک وارثانی قرار داده ایم،پس سهم آنان را(از ارث) بپردازید،زیرا که خداوند بر هر چیز،شاهد و ناظر است.

ص: ۲۸۰

نکته ها:

« مَوٰالِیَ »جمع«مولی»دارای معانی مختلفی است،ولی در اینجا مراد وارثان است.

جمله ی «عَقَدَتْ أَیْمٰانُکُمْ» اشاره به قراردادهای است که پیش از اسلام،میان دو نفر برقرار می شد و اسلام،با اندکی تغییر،آن را پذیرفت و نامش در کتب فقهی، «ضمان جریره»است.متن قرارداد به این صورت بوده که دو نفر پیمان ببندند در زندگی،همدیگر را یاری کنند و در پرداخت غرامت ها،کمک هم باشند و از هم ارث برند.(چیزی شبیه قرارداد بیمه در امروز)،که اگر خسارتی بر یکی وارد شد، هم پیمان او،دیه ی آن را بپردازد.اسلام این قرارداد را پذیرفت،ولی ارث بردن از دیگری را مشروط به آن کرد که انسان وارثی نداشته باشد.

امام رضا علیه السلام درباره ی معنای «وَ الَّذِینَ عَقَدَتْ أَیْمٰانُکُمْ» فرمودند:مقصود پیمانی است که مردم با رهبران الهی و معصوم بسته اند. (۱)

پیام ها:

۱ تعیین میزان ارث،به فرمان خداست. «لِکُلٍّ جَعَلْنٰا مَوٰالِیَ» ۲ خویشان نزدیک تر،در ارث بردن اولویّت دارند. «الْأَقْرَبُونَ» ۳ انسان حقّ دارد در شرایطی مالکیّت خود را از طریق پیمان و قرارداد به دیگری واگذار کند. «عَقَدَتْ أَیْمٰانُکُمْ» ۴ تعهّدات انسان در زمان حیاتش،پس از مرگ،محترم است. «وَ الَّذِینَ عَقَدَتْ أَیْمٰانُکُمْ فَآتُوهُمْ نَصِیبَهُمْ» ۵ وفای به پیمان و عهد،واجب است. «فَآتُوهُمْ نَصِیبَهُمْ» ۶ بدهکاران باید برای پرداخت بدهی،به سراغ طلبکاران بروند. «فَآتُوهُمْ نَصِیبَهُمْ» ۷ ایمان به حضور خداوند،رمز تقوی و هشدار به کسانی است که وفادار به پیمان های خود نیستند. «إِنَّ اللّٰهَ کٰانَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ شَهِیداً»

۱- ۱) .وسائل،ج ۱۲،ص ۲۴۱.

[سوره النساء (۴): آیه ۳۴]

اشاره

اَلرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی اَلنِّساءِ بِما فَضَّلَ اَللّهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اَللّهُ وَ اَللاّتِی تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اُهْجُرُوهُنَّ فِی اَلْمَضاجِعِ وَ اِضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَکُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِیلاً إِنَّ اَللّهَ کانَ عَلِیًّا کَبِیراً (۳۴)

مردان دارای ولایت بر زنانند از آن جهت که خدا بعضی از ایشان(مردان)را بر بعضی(زنان)برتری داده(قدرت بدنی،تولیدی و اراده بیشتری دارند)و از آن جهت که از اموال خود نفقه می دهند،پس زنانِ شایسته،فرمان بردارند و نگهدار آنچه خدا(برای آنان)حفظ کرده،(حقوق و اسرار شوهر،)در غیاب اویند.و(امّا)زنانی که از سرپیچی آنان بیم دارید،پس(نخست)آنان را موعظه کنید و(اگر مؤثّر نشد)در خوابگاه از آنان دوری کنید و(اگر پند و قهر اثر نکرد،)آنان را بزنید(و تنبیه بدنی کنید)،پس اگر اطاعت شما را کردند،بهانه ای بر آنان(برای ستم و آزار)مجویید.همانا خداوند بزرگوار و بزرگ مرتبه است.

نکته ها:

«قوام»به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

«نشوز»از«نشز»به معنای زمین بلند و به سرکشی و بلندپروازی نیز گفته می شود.

شرط سرپرستی و مدیریّت،لیاقت تأمین و اداره زندگی است و به این جهت، مردان نه تنها در امور خانواده،بلکه در امور اجتماعی،قضاوت و جنگ نیز بر زنان مقدّمند، «بِما فَضَّلَ اللّهُ» ، «وَ بِما أَنْفَقُوا» و به این خاطر نفرمود:«قوامون علی ازواجهم»، زیرا که مسئله ی زوجیّت مخصوص زناشویی است و خدا این برتری را مخصوص خانه قرار نداده است.

گرچه برخی زنان،در توان بدنی یا درآمد مالی برترند،ولی در قانون و برنامه، باید عموم را مراعات کرد،نه افراد نادر را.

برای جمله «حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللّهُ» معانی گوناگونی است:

الف:زنان،آنچه را خدا خواهان حفظ آن است،حفظ نمایند.

ب:زنان،حقوق شوهران را حفظ کنند،همان گونه که خدا حقوق زنان را در سایه تکالیفی که بر مرد نهاده،حفظ کرده است.

ج:زنان حافظ هستند،ولی این توفیق را از حفظ الهی دارند.

وقتی راههای مسالمت آمیز سود نبخشید،یا باید دست از انجام وظیفه کشید،یا باید در صورت تأثیر نداشتن موعظه و قهر،خشونت به خرج داد.به گفته ی روانشناسان،بعضی افراد،حالت مازوشیسم(آزاد طلبی)پیدا می کنند که تنبیه مختصر بدنی،برایشان همچون مرهم است.در تنبیهات بدنی هم،اسلام سفارش کرده که نباید به مرحله ی کبودی جسم یا زخمی شدن بدن برسد.به علاوه،مرد متخلّف هم گاهی توسط قاضی تنبیه بدنی می شود.

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:کتک شما نباید به نحوی باشد که اثر آن در جسم زن نمودی داشته باشد،یا کتک نشانه خودنمایی و اظهار قدرت مرد باشد که زهره چشمی بگیرد.«ضربا غیر مبرج» (۱)امام صادق علیه السلام فرمودند:نشوز زن آن است که در فراش(همبستر شدن)از شوهر تبعیت نکند و مقصود از« اِضْرِبُوهُنَّ »،زدن با چوب مسواک و شبیه آن است،زدنی که از روی رفق و دوستی باشد. (۲)

پیام ها:

۱ در یک اجتماع دو نفری هم،یکی باید مسئول و سرپرست باشد.مدیر خانه مرد است. «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» ۲ در اداره امور زندگی،باید تعقّل و تدبیر،بر احساسات و عواطف حاکم باشد.

۱- ۱) .تفسیر طبری،ج ۵،ص ۶۸ و درّ المنثور،ج ۲،ص ۵۲۲.

۲- ۲) .من لا یحضره الفقیه،ج ۳،ص ۵۲۱.

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ»

۳ نظام حقوقی اسلام با نظام تکوین و آفرینش هماهنگ است.حقّ مدیریّت مرد،به خاطر ساختار جسمی و روحی اوست. «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ» ۴ برتری های طبیعی فضل الهی است. «بِما فَضَّلَ اللّٰهُ» ۵ هزینه زندگی،بر عهده مرد است. «بِما أَنْفَقُوا» ۶ قانونگذار باید در وضع قانون،به تفاوت های طبیعیِ زن و مرد در آفرینش، توجه داشته باشد. «الرِّجالُ قَوّامُونَ» ، «بِما فَضَّلَ اللّٰهُ» ۷ نشانه شایستگی زن اطاعت و تواضع او نسبت به شوهر است. «قانِتاتٌ» ۸ نشانه همسر شایسته،حفظ خود در غیاب شوهر است. «حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ» ۹ اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی،مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد است. «بِما أَنْفَقُوا» ، «فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ» ۱۰ علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.پیش از آنکه زن ناشزه شود،چاره ای بیندیشید. «تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ» ۱۱ مرد هیچ حقّی در آزار همسر مطیع خود ندارد. «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً» ۱۲ سه مرحله موعظه،ترک هم خوابی و تنبیه،برای مطیع کردن زن است.پس اگر از راه دیگری زن مطیع می شود،مرد حقّ برخورد ندارد.جمله ی «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ» نشانه آن است که هدف اطاعت است،گرچه از طریق دیگری باشد.

۱۳ تواضع زن،ضعف نیست،ارزش است. «فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ» ۱۴ نشانه ی همسر شایسته،رازداری،حفظ مال و آبرو و ناموس شوهر در غیاب اوست. «فَالصّالِحاتُ» ، «حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ» ۱۵ برخورد با منکرات باید گام به گام و مرحله به مرحله باشد.موعظه،قهر تنبیه. «فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ...» ۱۶ تا موعظه مؤثر باشد،قهر و خشونت ممنوع و تا قهر و جدایی موقت اثر کند، تنبیه بدنی ممنوع است. «فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ» ، «وَ اضْرِبُوهُنَّ»

ص :۲۸۴

۱۷ برخورد خشن و تنبیه،تنها برای انجام وظیفه است،نه انتقام و کینه و بهانه.

«فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلاٰ تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ»

۱۸ برتری مردان،نبایـد سـبب غرور شود،چون خـدا از همه برتر است. «إِنَّ اللّٰهَ كٰانَ عَلِيًّا كَبِيراً» ۱۹ توجّه به برتری خداوند،کلید تقوی و پرهیز از ستم بر همسران است. «إِنَّ اللّٰهَ كٰانَ عَلِيًّا»

[سوره النساء (۴): آیه ۳۵]

اشاره

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقٰاقَ بَيْنِهِمٰا فَابْعَثُوا حَكَماً مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَماً مِنْ أَهْلِهٰا إِنْ يُرِيدٰا إِصْلاٰحاً يُوَفِّقِ اَللّٰهُ بَيْنَهُمٰا إِنَّ اَللّٰهَ كٰانَ عَلِيماً خَبِيراً (۳۵)

و اگر از(ناسازگاری و)جـدایی میـان آن دو(زن و شـوهر)بیـم داشتیـد،پس داوری از خـانوادۀ شـوهر،و داوری از خـانوادۀ زن برگزینیـد(تـا به اختلاـف آن دو رسـیدگی کننـد)اگر این دو بنـای اصـلاح داشـته باشـند خداونـد میـان آن دو را به توافـق می رساند،زیرا خداوند،(از نیّات همه)با خبر و آگاه است.

نکته ها:

این آیه،برای رفع اختلـاف میـان زن و شوهر،و پیشـگیری از وقوع طلـاق،یـک دادگـاه خانوادگی را با امتیازات زیر مطرح می کند:

۱ داوران،از هر دو فامیل باشند تا سوز،تعهّد و خیرخواهی بیشتری داشته باشند.

۲ این دادگاه،نیاز به بودجه ندارد.

۳ رسیدگی به اختلاف در این دادگاه،سریع،بدون تراکم پرونده و مشکلات کارِ اداری است.

۴ اسرار دادگاه به بیگانگان نمی رسد و مسائل اختلافی در میان خودشان می ماند.

۵ چون داوران از خود فامیلند،مورد اعتماد طرفین می باشند.

برای حل همه مشکلات،انتخاب داور جایز است.امام باقر علیه السلام در پاسخ اعتراضی که به پذیرش حکمیّت در صفّین برای حضرت علی علیه السلام بود این آیه را

تلاوت فرمودند. (۱)

از امـام صادق علیه السـلام درباره ی «فَابْعَثُوا حَکَماً...» سؤال شـد،حضـرت فرمود:حَکمین نمی تواننـد به طلاق و جـدایی حکم کنند،مگر آنکه از طرفین اجازه داشته باشند. (۲)

پیام ها:

۱ علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.نگرانی از شـقاق و جدایی کافی است تا اقدام به گزینش داوران شود. «إِنْ خِفْتُمْ» ۲ قبل از نگرانی از شـقاق،در زندگی مردم دخالت نکنیم. «وَ إِنْ خِفْتُمْ» ۳ طلاق و جدایی،سـزاوار ترس و نگرانی است. «خِفْتُمْ شِقاقَ» ۴ زن و شوهر،یک روح در دو پیکرند.کلمه «شِقاقَ» در جایی بکار می رود که یک حقیقت به دو قسمت تقسیم شود.

۵ اقدام برای اصلاح میان زن و شوهر باید سریع باشد.حرف«فاء»در جمله «فَابْعَثُوا» برای تسریع است.

۶ جـامعه در برابر اختلافات خانواده ها،مسـئولیّت دارد. «وَ إِنْ خِفْتُمْ» ، «فَابْعَثُوا» ۷ بستگان،در رفع اختلاف خانواده ها،مسئولیّت بیشتری دارنـد. «مِنْ أَهْلِهِ» ۸ زن و مرد در انتخـاب داور،حقّ یکسـان دارنـد. «حَکَمـاً مِنْ أَهْلِهِ وَ حَکَماً مِنْ أَهْلِها» ۹ در جامعه به افرادی اعتمـاد کنیم و داوری آنان را بپـذیریم. «فَابْعَثُوا حَکَماً...» ۱۰ مشـکلات مردم را بـا کمک خود مردم حل کنیم. «فَابْعَثُوا حَکَماً مِنْ أَهْلِهِ» ۱۱ از آشتی دادن ناامیـد و مـأیوس و نسبت به آن بی تفاوت نباشـیم. «فَابْعَثُوا» ۱۲ بیش از نگرانی،موج ایجاد نکنیم،یک داور برای هر یک کافی است. «حَکَماً مِنْ أَهْلِهِ وَ حَکَماً مِنْ أَهْلِها» ۱۳ اسلام به مسائل شورایی و کدخدامنشی توجّه دارد. «حَکَماً مِنْ أَهْلِهِ وَ» ، «أَهْلِها» ۱۴ همه مسائل را به قاضی و دادگاه نکشانید،خودتان درون گروهی حل کنید.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین و احتجاج طبرسی،ج ۲،ص ۵۸.

۲- ۲) .کافی،ج ۶،ص ۱۴۶.

«فَابْعَثُوا حَكَماً مِنْ أَهْلِهِ»

۱۵ هر جا سخن از حقّ و حقوق است،طرفین باید حضور داشته باشند. «حَكَماً مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَماً مِنْ أَهْلِهٰا» ۱۶ باید زن و شوهر،داوری داوران انتخاب شده را بپذیرند.(لازمه انتخاب داور،اطاعت از حکم اوست.) ۱۷ در انتخاب داور باید به آگاهی،رازداری و اصلاح طلبی آنان توجّه کرد. «إِنْ يُرِيدٰا إِصْلاٰحاً» ۱۸ هر جا حسن نیّت و بنای اصلاح باشد،توفیق الهی هم سرازیر می شود. «إِنْ يُرِيدٰا إِصْلاٰحاً يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُمٰا» ۱۹ دلها بدست خداست. «يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُمٰا» ۲۰ به عقل و تدبیر خود مغرور نشوید،توفیق را از خداوند بدانید. «يُوَفِّقِ اللّٰهُ» ۲۱ طرح قرآن برای اصلاح خانواده برخاسته از علم و حکمت الهی است.

«عَلِيماً خَبِيراً»

۲۲ باید حسن نیّت داشت،چرا که خداوند،به انگیزه های همه آگاه است. «إِنَّ اللّٰهَ كٰانَ عَلِيماً خَبِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۳۶]

اشاره

وَ اُعْبُدُوا اَللّٰهَ وَ لاٰ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوٰالِدَيْنِ إِحْسٰاناً وَ بِذِي اَلْقُرْبىٰ وَ اَلْيَتٰامىٰ وَ اَلْمَسٰاكِينِ وَ اَلْجٰارِ ذِي اَلْقُرْبىٰ وَ اَلْجٰارِ اَلْجُنُبِ وَ اَلصّٰاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ اِبْنِ اَلسَّبِيلِ وَ مٰا مَلَكَتْ أَيْمٰانُكُمْ إِنَّ اَللّٰهَ لاٰ يُحِبُّ مَنْ كٰانَ مُخْتٰالاً فَخُوراً (۳۶)

و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و به بستگان و یتیمان و بینوایان و همسایه ی نزدیک و همسایه ی دور و یار هم نشین و در راه مانده و زیردستان و بردگانتان(نیز نیکی کنید.) همانا خداوند،هر که را متکبّر و فخرفروش باشد،دوست نمی دارد.

نکته ها:

این آیه،از حقّ خدا «وَ اعْبُدُوا اللّهَ» تا حقّ بردگان «مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ» را بیان کرده و این نشانه ی جامعیّت اسلام است.

«الْجارِ ذِی الْقُرْبی وَ الْجارِ الْجُنُبِ»

،شامل همسایه ی فامیل و غیر فامیل،هم عقیده و غیر هم عقیده نیز می شود.به گفته ی روایات تا چهل خانه از هر طرف، همسایه اند. (۱)یعنی در مناطق کوچک،همه همسایه اند.

«الصّاحِبِ بِالْجَنْبِ»

،شامل رفقای دائمی یا موقّت،رفقای سفر،یا آنان که به امید نفعی سراغ انسان می آیند،می شود.

«ابْنِ السَّبِيلِ»

،ممکن است در وطن خود متمکن باشد و ما شناختی از او و بستگانش نداشته باشیم،فقط بدانیم که درمانده ی در سفر و فرزند راه است که باید مورد حمایت قرار گیرد.

«مُخْتالاً»

،کسی است که در دنیای خیال،خود را بزرگ می پندارد و تکبر می کند.

اگر به اسب هم«خیل»می گویند چون متکبرانه راه می رود.

احسان به پدر و مادر،شامل محبّت،خدمت،کمک مالی،علمی،عاطفی و مشورت با آنان می شود.

شرط احسان به والدین خوب بودن آنان نیست،ولی اطاعت از والدین در صورتی است که آنان به امری بر خلاف رضای خدا فرمان ندهند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:پیامبر صلی اللّه علیه و آله و علی علیه السلام پدران این امّت هستند،زیرا در قرآن آمده: «اعْبُدُوا اللّهَ» ، «وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً» (۲)

پیام ها:

۱ تنها عبادت خدا کافی نیست،دوری از هر گونه شرک و ریا لازم است.

«وَ اعْبُدُوا اللّهَ وَ لا تُشْرِكُوا...»

۱- ۱) .وسائل،ج ۱۲،ص ۱۳۱.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۴۱.

۲ نیکی به پدر و مادر،در کنار بندگی خدا و توحید مطرح است. «وَ اعْبُدُوا اللّهَ» ، «وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً» ۳ خداپرست واقعی باید نسبت به بستگان،محرومان و همسایگان خود،متعهّد و مسئول باشد. «اعْبُدُوا اللّهَ» ، «بِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی» ۴ همسایگان دور نیز بر انسان حقّ دارند. «الْجارِ الْجُنُبِ» ۵ در احسان کردن به اولویّت ها توجّه کنید.نام والدین قبل از بستگان و نام آنان قبل از یتیمان آمده است.

۶ بی توجّهی به والدین و بستگان و یتیمان و محرومان جامعه،نشانه ی تکبّر و فخر فروشی است. «إِنَّ اللّهَ لا یُحِبُّ مَنْ کانَ مُخْتالاً فَخُوراً» ۷ احسان،باید همراه با تواضع باشد.در ابتدای آیه سفارش به احسان شده و در پایان از تکبر نهی نموده است. «لا یُحِبُّ مَنْ کانَ مُخْتالاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۳۷]

اشاره

اَلَّذِینَ یَبْخَلُونَ وَ یَأْمُرُونَ اَلنّاسَ بِالْبُخْلِ وَ یَکْتُمُونَ ما آتاهُمُ اَللّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنا لِلْکافِرِینَ عَذاباً مُهِیناً (۳۷)

(متکبّران خود برتربین)کسانی هستند که(هم خود)بخل می ورزند و(هم) مردم را به بخل فرمان می دهند و آنچه را که خداوند از فضل خود به آنان بخشیده پنهان می دارند.و ما برای کفران کنندگان نعمت ها عذابی خوارکننده آماده کرده ایم.

نکته ها:

بخل،علاوه بر بخل ورزیدن در اموال و نبخشیدن به دیگران،شامل بخل نسبت به علم،آبرو،قدرت و امکانات نیز می شود.

پیام ها:

۱ امراض روحی انسان،گسترش یافتنی است.افراد بخیل و مریض،دوست

دارند دیگران هم بخیل باشند. «یَبْخَلُونَ وَ یَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبُخْلِ» ۲ بخیل از محبّت خدا محروم است. «لاٰ یُحِبُّ مَنْ کٰانَ مُخْتٰالاً» ، «الَّذِینَ یَبْخَلُونَ» ۳ از نشانه های تکبر و فخرفروشی،بخل کردن است. «مُخْتٰالٍ فَخُورٍ اَلَّذِینَ یَبْخَلُونَ» ۴ اظهار نعمت های الهی نوعی شکر،و کتمان آن یک نوع ناسپاسی و کفران است. «یَکْتُمُونَ مٰا آتٰاهُمُ اللّهُ» ۵ بخیل،برای ترک احسان فقرنمایی می کند. «یَبْخَلُونَ» ، «وَ یَکْتُمُونَ» ۶ نعمت ها فضل خداست،نه تنها نتیجه ی تلاش و تدبیر ما. «آتٰاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ» ۷ اگر بدانیم نعمت ها از اوست بخل نمی کنیم. «آتٰاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ» ۸ بخل،گاهی می تواند زمینه ساز کفر باشد. (۱)«یَبْخَلُونَ» ، «لِلْکٰافِرِینَ» ۹ کیفر تکبر در دنیا تحقیر در آخرت است. «مُخْتٰالاً» ، «مُهِیناً»

[سوره النساء (۴): آیه ۳۸]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ رِئٰاءَ اَلنّٰاسِ وَ لاٰ یُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ لاٰ بِالْیَوْمِ اَلْآخِرِ وَ مَنْ یَکُنِ اَلشَّیْطٰانُ لَهُ قَرِیناً فَسٰاءَ قَرِیناً (۳۸)

و(متکبران خودبرتربین)کسانی هستند که اموال خود را از روی ریا و برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و هر کس که شیطان همدم او باشد،پس چه بد همدمی است.

نکته ها:

شیطان،گاهی از دور چیزی را به افراد القا و وسوسه می کند و گاهی از نزدیک همدم آنان می شود.مؤمنان از وسوسه ها و القائات شیطان می گریزند،امّا آن گونه که در آیه ی ۳۶ سوره ی زخرف می خوانیم: «مَنْ یَعْشُ عَنْ ذِکْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَیِّضْ لَهُ شَیْطٰاناً فَهُوَ لَهُ قَرِینٌ» هر که از یاد خدا رخ برتافت،شیطانی برای او برمی انگیزیم تا یار و همنشین دائمی او باشد.

۱- ۱) .در آیه ای دیگر آمده است:«و ویل للمشرکین الّذین لا یؤتون الزکاه».فصّلت،۷.

پیام ها:

۱ هم بخل و ترک انفاق بد است،هم انفاق ریایی.در آیه ی پیش از بخل نکوهش شد و در اینجا از بخشش های ریاکارانه. «یَبْخَلُونَ» ، «یُنْفِقُونَ» ، «رِئٰاءَ النّاسِ» ۲ عامل ریا،عدم ایمان واقعی به خدا و قیامت است. «رِئٰاءَ النّاسِ وَ لاٰ یُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ لاٰ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ» ۳ هدف از انفاق،تنها سیر کردن گرسنگان نیست،چون این هدف با ریاکاری هم تأمین می شود.بلکه هدف،رشد معنوی انفاق کننده نیز می باشد. «یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ رِئٰاءَ النّاسِ» ۴ خداوند ریاکاران را دوست ندارد. «لاٰ یُحِبُّ مَنْ کٰانَ مُخْتٰالاً» ، «وَ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ رِئٰاءَ النّاسِ» ۵ دل که از خدا تهی شد،جایگاه همیشگی شیطان می شود. «لاٰ یُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ» ، «یَکُنِ الشَّیْطٰانُ لَهُ قَرِیناً»

[سوره النساء (۴): آیه ۳۹]

اشاره

وَ مٰا ذٰا عَلَیْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ اَلْیَوْمِ اَلْآخِرِ وَ أَنْفَقُوا مِمّٰا رَزَقَهُمُ اَللّٰهُ وَ کٰانَ اَللّٰهُ بِهِمْ عَلِیماً (۳۹)

و بر ایشان چه می شد،اگر به خداوند و روز قیامت ایمان می آوردند و از آنچه خداوند،روزی آنان کرده(از روی اخلاص،نه ریا)انفاق می کردند؟ و خداوند به نیّت آنان داناست.

پیام ها:

۱ اظهار تأسف بر حال منحرفان،یکی از راههای هشدار و تبلیغ است. «وَ مٰا ذٰا عَلَیْهِمْ...» ۲ لازمه ی ایمان به خدا،انفاق به محرومان است. «آمَنُوا» ، «أَنْفَقُوا» ۳ انفاق فقط در اموال نیست،بلکه از هر چه که خداوند داده،(علم،آبرو،مقام...) پسندیده است. «مِمّٰا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ» ۴ اگر بدانیم که نعمت ها از خداوند است،روحیّه ی انفاق در ما قوی می شود.

«رَزَقَهُمُ اللّهُ»

۵ افراد بخیل،یا ریاکار بدانند که زیر نظر خدایند. «کانَ اللّهُ بِهِمْ عَلِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۰]

اشاره

إِنَّ اَللّهَ لا یَظْلِمُ مِثْقالَ ذَرَّهٍ وَ إِنْ تَکُ حَسَنَهً یُضاعِفْها وَ یُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْراً عَظِیماً (۴۰)

همانا خداوند،به مقدار ذرّه ای هم ستم نمی کند و اگر کار نیکی باشد آن را دوچندان می کند و از جانب خویش نیز پاداش بزرگی عطا می کند.

نکته ها:

معمولاً ریشه ی ظلم،یا جهل است یا ترس،یا نیاز،یا حرص و...ولی خداوند غنی و دانا و منزّه است،پس ظلم نمی کند.به علاوه خداوند خود به عدل و احسان فرمان داده،چگونه ظلم می کند؟ البتّه پاداش خداوند،چند برابر(ده برابر تا هفتصد برابر)است و این احسان و لطف اوست.

پیام ها:

۱ خداوند عادل است و مجازات های او عکس العمل کردارهای خودماست. «إِنَّ اللّهَ لا یَظْلِمُ...» ۲ کیفرهای الهی مطابق جرم،ولی پاداش های الهی چند برابر است. «یُضاعِفْها» ۳ خداوند،علاوه بر افزایش حسنات،از جانب خود نیز اجر عظیم می دهد. «مِنْ لَدُنْهُ أَجْراً عَظِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۱]

اشاره

فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِکَ عَلی هؤُلاءِ شَهِیداً (۴۱)

پس چگونه خواهد بود آن گاه که از هر امّتی گواهی(از خودشان)بیاوریم و تو را نیز بر آنان گواه آوریم؟!

نکته ها:

مضمون این آیه که گواه بودن رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بر اعمال امّت را بیان می کند،در موارد دیگری هم آمده است. (۱)

وقتی ابن مسعود،این آیه را در ضمن تلاوتش بر پیامبر می خواند،اشک آن حضرت جاری می شد. (۲)

گرچه خداوند نیازی به آوردن شاهد ندارد،ولی انسان به گونه ای است که هر چه بیشتر حضور شاهدان را حس کند،برای تربیت و تقوایش مؤثّرتر است.کسی که در تلویزیون برای میلیونها نفر صحبت می کند،چون همه او را می بینند،وقتی عطسه ای یا اشتباهی می کند،بیشتر خجالت می کشد.

به نقل آیات قرآن،شهود در قیامت بسیارند؛از جمله خداوند، (۳)پیامبران، (۴)امامان معصوم، (۵)فرشتگان، (۶)زمین، (۷)زمان، (۸)اعضای بدن (۹)و قیامت،روز اقامه ی شاهدان است. «یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ» (۱۰)سنّت الهی بر آن است که پیامبر هر امّتی شاهد آنان باشد.پس از رحلت پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نیز باید کسی که در صفات،همچون پیامبر است،شاهد بر مردم باشد.امام صادق علیه السلام فرمود:در هر قرنی(زمانی)امامی از ما اهل بیت،شاهد بر

ص: ۲۹۳

۱- ۱) .بقره،۱۴۳؛نحل،۸۹؛حج،آیه آخر.

۲- ۲) .تفسیر کبیر فخر رازی و تفسیر مراغی به نقل از صحیح بخاری و ترمذی و نسایی.

۳- ۳) . «إِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ» .حج،۱۷.

۴- ۴) . «جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ بِشَهِیدٍ» .نساء،۴۱.

۵- ۵) . «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ .بقره،۱۴۳.

۶- ۶) . «وَ جاءَتْ کُلُّ نَفْسٍ مَعَها سائِقٌ وَ شَهِیدٌ» .ق،۲۱.

۷- ۷) . «یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها» .زلزال،۴.

۸- ۸) .در حدیث است:هر«روز»جدید،به انسان خطاب می کند:«انا یوم جدید و انا علیک لشهید،اشهد به یوم القیامه».تفسیر نور الثقلین،ج ۵،ص ۱۱۲.

۹- ۹) . «تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَیْدِیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ» .نور،۲۴.

۱۰- ۱۰) .غافر،۵۱.

مردم است و رسول خدا صلى اللّه عليه و آله شاهد بر ماست. (۱)

حضرت على عليه السلام بعد از تلاوت اين آيه فرمود:«هو محمد شهيد على الشهداء و الشهداء هم الرسل». (۲)

پيام ها:

۱ پيامبران،اسوه ى مردم در دنيا و شاهـد بر مردم در آخرتند. «مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَـهِيدٍ» ۲ لازمه ى گواه بودن،علم داشتن است،پس انبيا از كارهاى ما آگاهنـد. «بِشَـهِيدٍ» ۳ پيامبر اسـلام اشـرف انبياست،چون انبيا بر اعمال امّت خود گواهند،ولى پيامبر اسـلام بر اعمال انبيا گواه است. «جِئْنٰا بِكَ عَلىٰ هٰؤُلاٰءِ شَهِيداً»

[سوره النساء (۴): آيه ۴۲]

اشاره

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ اَلَّذِينَ كَفَرُوا وَ عَصَوُا اَلرَّسُولَ لَوْ تُسَوّٰى بِهِمُ اَلْأَرْضُ وَ لاٰ يَكْتُمُونَ اَللّٰهَ حَدِيثاً (۴۲)

در چنين روز،كسانى كه كفر ورزيدند و پيامبر را نافرمانى كردند،آرزو مى كنند كه اى كاش با زمين يكسان مى شدند و هيچ سخنى را نمى توانند از خدا كتمان كنند.

نكته ها:

كفّار معصيت كار،پيش از اقامه ى شـهود،منكر گناه و فساد خود مى شونـد و در پى راه فرارند و مى گويند: «وَ اللّٰهِ رَبِّنٰا مٰا كُنّٰا مُشْرِكِينَ» (۳)به خدا سوگند ما مشرك نبوديم.ولى وقتى گواهان حقايق را گفتند،ديگر جايى براى كتمان نيست.

در آيات قرآن،آرزوهاى حسرت بار گناهكاران به اين گونه مطرح است:

كاش خاك بودم.كاش در خاك محو بودم.كاش با فلانى دوست نمى شدم.كاش در دنيا اهل تعقّل و فكر بودم.كاش با همان مرگ،فانى شده بودم...

۱- ۱) .نور الثقلين،ج ۱،ص ۳۹۹.

۲- ۲) .تفسير برهان،ج ۱،ص ۳۷۰ و عيّاشى،ج ۱،ص ۲۴۲.

۳- ۳) .انعام،۲۳.

پیام ها:

۱ نافرمانی از دستورهای حکومتی پیامبر،در ردیف کفر به خداست. «کَفَرُوا وَ عَصَوُا الرَّسُولَ» ۲ روز قیامت،روز حسرت و آرزوست. «یَوَدُّ» ، «لَوْ تُسَوّی» ۳ روز قیامت،هیچ سخن و مطلبی پوشیده نمی ماند. «لا یَکْتُمُونَ اللّهَ حَدِیثاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۳]

اشاره

یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا اَلصَّلاهَ وَ أَنْتُمْ سُکاری حَتّی تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ وَ لا جُنُباً إِلاّ عابِری سَبِیلٍ حَتّی تَغْتَسِلُوا وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضی أَوْ عَلی سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ اَلْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ اَلنِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَیَمَّمُوا صَعِیداً طَیِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِکُمْ وَ أَیْدِیکُمْ إِنَّ اَللّهَ کانَ عَفُوًّا غَفُوراً (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید،تا آنکه بدانید چه می گویید.و نیز در حال جنابت نزدیک(مکان)نماز،(مسجد)نشوید، مگر به طور عبوری(و بی توقّف)تا اینکه غسل کنید.و اگر بیمار یا در سفر بودید،یا یکی از شما از جای گودی(کنایه از قضای حاجت)آمد،یا تماسی(و آمیزش جنسی)با زنان داشتید و(در این موارد)آب نیافتید،پس بر زمین(و خاک)پاک و دلپسندی تیمّم کنید،(دو کف دست بر خاک زنید)آن گاه صورت و دست هایتان را مسح کنید،همانا خداوند،بخشنده و آمرزنده است.

نکته ها:

چون تحریم شراب،در صدر اسلام به صورت تدریجی انجام گرفت.ابتدا شراب به عنوان نوشابه نامطلوب معرّفی شد؛ «وَ مِنْ ثَمَراتِ النَّخِیلِ وَ الْأَعْنابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَکَراً وَ رِزْقاً حَسَناً» (۱)سپس این آیه نازل شد (۲)و نماز در حال مستی را نهی کرد،

۱- ۱) .نحل،۶۷.

۲- ۲) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۴۲.

آن گاه زیان آن را بیش از منافعش دانست، «یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ قُلْ فِیهِمٰا إِثْمٌ کَبِیرٌ وَ مَنٰافِعُ لِلنّٰاسِ وَ إِثْمُهُمٰا أَکْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمٰا» (۱)سپس از مصرف آن به عنوان عنصری پلید و شیطانی نهی شد. «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ» ، «رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطٰانِ» (۲)در روایات (۳)آمده که از نماز در حالت خواب آلودگی و کسالت و سنگینی پرهیز کنید.آیات دیگر نیز،نماز از روی کسالت را از نشانه های منافقان دانسته است. (۴)

« اَلْغٰائِطِ »یعنی مکان گود.چون در قدیم گودال هایی برای قضای حاجت فراهم می کردند،غائط کنایه از رفتن برای تخلّی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:«صعید»،موضع بلندی است که آب از آنجا جاری شود. (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود:مقصود از« لاٰمَسْتُمُ »جماع است،ولی خداوند ستّار است و ستر را دوست دارد. (۶)

پیام ها:

۱ مقام نماز به حدی رفیع است که شرابخوار نباید به آن نزدیک شود. «لاٰ تَقْرَبُوا الصَّلاٰةَ وَ أَنْتُمْ سُکٰاریٰ» ۲ در نماز،تنها اذکار و حرکات کافی نیست،توجّه و شعور لازم است. «حَتّٰی تَعْلَمُوا...» ۳ عبادات ناآگاهانه،بی ارزش است،گرچه تکلیف را ساقط می کند. «حَتّٰی تَعْلَمُوا مٰا تَقُولُونَ» ۴ در مسجد،نباید با حالت جنابت وارد شد. «وَ لاٰ جُنُباً...» ۵ در غسل،شستن تمام بدن لازم است.چون در آیه نام عضو خاصّی برده نشده است. «تَغْتَسِلُوا» ۶ احتمال خطر و ضرر،یا تکلیف را از انسان برمی دارد و یا سبب تخفیف تکلیف می شود. «وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضیٰ» ، «فَتَیَمَّمُوا»

۱- ۱) .بقره،۲۱۹.

۲- ۲) .مائده،۹۰.

۳- ۳) .کافی،ج ۳،ص ۳۷۱.

۴- ۴) .نساء،۱۴۲ و توبه،۵۴.

۵- ۵) .بحار،ج ۷۶،ص ۳۴۷.

۶- ۶) .وسائل،ج ۲۰،ص ۱۳۳.

۷ در تعبیرات و گفتار،باید ادب را رعایت کرد.(تعبیر بر گشت از گودی برای قضای حاجت و لمس زنان،کنایه از آمیزش جنسی است و گر نه تنها لمس سبب وضو نمی شود.) (۱)«مِنَ الْغٰائِطِ أَوْ لاٰمَسْتُمُ النِّسٰاءَ» ۸ احکام خدا،ترخیص دارد ولی تعطیل ندارد.اگر آب نبود،باید تیمم کرد.

«فَلَمْ تَجِدُوا مٰاءً فَتَيَمَّمُوا»

۹ شرط ارتباط با خدا از طریق نماز،طهارت و پاکی است،وضو یا تیمّم.

«فَلَمْ تَجِدُوا مٰاءً فَتَيَمَّمُوا»

۱۰ تیمّم باید بر خاک پاک باشد. «صَعِيداً طَيِّباً» ۱۱ تخفیف احکام،نمودی از رحمت و مغفرت الهی است. «فَلَمْ تَجِدُوا مٰاءً فَتَيَمَّمُوا» ، «عَفُوًّا غَفُوراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۴]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ إِلَى اَلَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ اَلْكِتٰابِ يَشْتَرُونَ اَلضَّلاٰلَةَ وَ يُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا اَلسَّبِيلَ (۴۴)

آیا ندیدی آنان را که بهره ای از کتاب خدا به آنان داده شده بود(به جای آنکه هدایت کسب کنند)گمراهی می خرند و می خواهند شما(نیز)راه را گم کنید.

پیام ها:

۱ علم به کتاب آسمانی،به تنهایی برای هدایت کافی نیست. «أُوتُوا نَصِيباً مِنَ الْكِتٰابِ» ، «يَشْتَرُونَ الضَّلاٰلَةَ» ۲ آگاهی علمای اهل کتاب از تعالیم الهی ناقص است و همین نقص زمینه ی انحراف می شود. «نَصِيباً مِنَ الْكِتٰابِ يَشْتَرُونَ الضَّلاٰلَةَ» ۳ دانشمندان منحرف،از علم و مقام خود سوء استفاده کرده و در کمین انحراف و گمراهی دیگرانند. «يُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ»

۱- ۱) .تهذیب الاحکام،ج ۱،ص ۲۲.

[سوره النساء (۴): آیه ۴۵]

اشاره

وَ اَللّٰهُ أَعْلَمُ بِأَعْدٰائِكُمْ وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ وَلِيًّا وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ نَصِيراً (۴۵)

و خداوند به دشمنان شما داناتر است و کافی است که خدا سرپرست شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد.

پیام ها:

۱ ممکن است ما در شناخت دشمن اشتباه کنیم،ولی خداوند دشمنان واقعی ما را بهتر می شناسد. «وَ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِأَعْدٰائِكُمْ» ۲ با وعده های الهی مبنی بر ولایت و نصرت مؤمنان،نباید از توطئه ها و دشمنی ها ترسید. «وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ وَلِيًّا» ۳ ولایت باید همراه با قدرت و نصرت باشد. «وَلِيًّا وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ نَصِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۶]

اشاره

مِنَ اَلَّذِينَ هٰادُوا يُحَرِّفُونَ اَلْكَلِمَ عَنْ مَوٰاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنٰا وَ عَصَيْنٰا وَ اِسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَ رٰاعِنٰا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْناً فِي اَلدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قٰالُوا سَمِعْنٰا وَ أَطَعْنٰا وَ اِسْمَعْ وَ اُنْظُرْنٰا لَكٰانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لٰكِنْ لَعَنَهُمُ اَللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَلاٰ يُؤْمِنُونَ إِلاّٰ قَلِيلاً (۴۶)

بعضی از یهودیان،سخنان را از جایگاهش تحریف می کنند(و بجای آنکه بگویند:شنیدیم و اطاعت کردیم)می گویند:شنیدیم و نافرمانی کردیم(و بی ادبانه به پیامبر اسلام می گویند:)بشنو که هرگز نشنوی و ما را تحمیق کن،(این گونه می گویند)تا با زبان خود حقایق را بگردانند و در دین شما طعنه زنند و اگر می گفتند:(کلام خدا)را شنیدیم و اطاعت کردیم و(کلام ما را)بشنو و به حال ما بنگر(تا حقایق را بهتر درک کنیم)برایشان بهتر بود و با منطق سازگارتر،ولی خداوند آنان را به خاطر کفر و سرسختی شان لعن کرد،پس جز اندکی توفیق ایمان نیافتند.

نکته ها:

تعبیر «سَمِعْنا وَ عَصَیْنا» مثل آن است که در فارسی از روی مسخره می گویند:از تو گفتن و از ما گوش نکردن.

کلمه ی« راعِنا» را مسلمانان به رسول خدا می گفتند،و منظورشان این بود که مراقب و متوجّه ما باش،امّا یهود با تحریف این کلمه،معنای زشتی را اراده می کردند.چون کلمه ی« راعِنا »را اگر از ریشه ی«رعی»بگیرند،معنایش مراعات کردن است و اگر از«رعونت»گرفته شود و با تشدید نون« راعِنّا »خوانده شود،به معنای آن است که ما را احمق کن.یهود با پیچیدن زبانشان و جابجا کردن کلمات و حروف،مسلمانان را تحقیر و پیامبر را مسخره می کردند.

پیام ها:

۱ گناه عدّه ای از یک گروه را نباید به گردن همه ی آنان انداخت. «مِنَ الَّذِینَ...» ۲ تحریف در مفاهیم لغات و فرهنگ،از گناهان کلیدی و زمینه ساز گناهان دیگر و تضعیف مکتب است. «لَیًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْناً فِی الدِّینِ» ۳ توهین به مقدّسات و شکستن حریم ها،حربه ی همیشگی کافران است.

«وَ اسْمَعْ غَیْرَ مُسْمَعٍ»

۴ اجابت دعوت انبیا،مایه ی نیکی و استواری است. «خَیْراً لَهُمْ وَ أَقْوَمَ» ۵ سرنوشت انسان،نتیجه ی انتخاب و عملکرد خود اوست. «لَعَنَهُمُ اللّهُ بِکُفْرِهِمْ»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۷]

اشاره

یا أَیُّهَا الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَما لَعَنّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ کانَ أَمْرُ اللّهِ مَفْعُولاً (۴۷)

ای کسانی که به شما کتاب(آسمانی)داده شده! به آنچه نازل کردیم که تصدیق کننده ی چیزی است که با شماست،(تورات و انجیل)ایمان آورید،

پیش از آنکه چهره هایی را محو و نابینا کنیم،پس به پشت برگردانیم،یا مورد لعن خویش سازیم،آن گونه که اصحابِ روزِ شنبه(یهودیان متخلّف)را لعنت کردیم.و فرمان خداوند،شدنی است.

نکته ها:

منظور از محو و برگشت چهره ها،می تواند،دگرگونی دل و فطرت سالم و عقل و هوش،از مسیر سعادت باشد،که در نتیجه ی لجاجت و سرسختی در برابر آیات الهی،بجای یک قدم به جلو،گامی به عقب می روند و چهره ی انسانی شان مسخ و محو می شود.شاید هم منظور،برگشتِ ظاهری صورت به پشت سر و مسخ چهره باشد،یا تغییر شکل در قیامت.

اصحاب سَبت،یهودیان متخلّفی بودند که فرمان خدا را مبنی بر تحریم صید ماهی در روزهای شنبه نافرمانی کرده و با یک نیرنگ،ماهیان را در روز شنبه حبس و روز یکشنبه صید می کردند.آنان به قهر الهی گرفتار شدند و صورت هایشان به شکل بوزینه،مسخ شد. (۱)

پیام ها:

۱ اسلام،پیروان ادیان دیگر را به دین خدا دعوت می کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا» ۲ چهره های علمی و آگاهان جامعه،مسئول تر و مورد خطاب بیشتر خداوند هستند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا» ۳ در شیوه ی دعوت و تبلیغ،باید به اعتقادات و مشترکاتِ حقّ دیگران احترام گذاشت. «مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ» ۴ اصول کلّی برنامه های همه ی انبیا،با هم هماهنگ است. «مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ» ۵ در برابر افراد لجوج،باید از اهرم تهدید استفاده کرد. «مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ»

ص: ۳۰۰

۱- ۱) .اعراف،۱۶۳.

۶ برای تأثیر تهدید،باید نمونه های عینی و عملی آن را گوشزد کرد. «کَمٰا لَعَنّٰا أَصْحٰابَ السَّبْتِ» ۷ قهر الهی نسبت به لجوجان،یک سنّت است. «کَمٰا لَعَنّٰا أَصْحٰابَ السَّبْتِ» ۸ فرمان خداوند،قطعی است. «کٰانَ أَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُولاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۸]

اشاره

إِنَّ اَللّٰهَ لاٰ یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ مٰا دُونَ ذٰلِکَ لِمَنْ یَشٰاءُ وَ مَنْ یُشْرِکْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اِفْتَریٰ إِثْماً عَظِیماً (۴۸)

همانا خداوند،این که به او شرک ورزیده شود نمی بخشد،ولی هر چه پایین تر باشد،برای هر که بخواهد می بخشد.و هر کس به خداوند شرک ورزد به تحقیق گناهی بزرگ بر ساخته است.

نکته ها:

موضوع شرک،بیش از دویست بار در قرآن مطرح شده و از هر گونه توجّه به غیر خدا،تحت هر عنوان(بت پرستی،ریاکاری،گرایش های غیر الهی،مادّه گرایی و...)انتقاد شده است.مضمون این آیه،عیناً در آیه ۱۱۶ همین سوره تکرار شده است و تکرار،عامل هدایت است.

از آنجا که شرک،خروج از مدار حقّ و بریدن از خدا و پیوستن به دیگری است، بدون توبه آمرزیده نمی شود،ولی اگر مشرک،دست از شرک بردارد و توبه ی واقعی کند،خداوند می آمرزد.در آیه ۵۴ سوره ی زمر،می فرماید:خداوند،همه گناهان را می آمرزد،پس از رحمت او مأیوس نباشید و به درگاهش توبه کنید.

چون هیچ کس نمی داند نظر رحمت حکیمانه ی خدا متوجه چه کسی خواهد شد،پس جایی برای غرور و جرأت به گناه،باقی نمی ماند.

عوامل بخشش چند چیز است:۱ توبه.۲ انجام نیکی ها.۳ دوری از گناهان کبیره.۴ شفاعت.۵ عفو الهی.(تمام موارد در این آیه مطرح است) امام صادق علیه السلام درباره ی« یَغْفِرُ مٰا دُونَ ذٰلِکَ »فرمود:مقصود گناهان کبیره و گناهان

دیگر است،(که خداوند اگر بخواهد بدون توبه نیز می بخشد). (۱)

پیام ها:

۱ شرک،منفورترین گناه و مانع بخشایش الهی است. «لاٰ یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ» ۲ بخشایش گناهان،مربوط به اراده ی حکیمانه خداست. «لِمَنْ یَشٰاءُ» ۳ شرک،ادّعایی بی دلیل و دروغی بزرگ است. «فَقَدِ افْتَریٰ إِثْماً عَظِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۴۹]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ إِلَی اَلَّذِینَ یُزَکُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اَللّٰهُ یُزَکِّی مَنْ یَشٰاءُ وَ لاٰ یُظْلَمُونَ فَتِیلًا (۴۹)

آیا ندیدی کسانی که خود را پاک و بی عیب می شمردند؟(چنین نیست)بلکه خداوند،هر کس را بخواهد پاک می گرداند و آنان به اندازه نخ هسته خرما ظلم نمی شوند.

نکته ها:

خودستایی و خویشتن را بی عیب دانستن و خود را برگزیده و ممتاز دیدن،مورد نکوهش قرآن است،چنان که می فرماید: «فَلاٰ تُزَکُّوا أَنْفُسَکُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقیٰ» (۲)از خود ستایش نکنید،خداوند داناتر است که متّقی کیست.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ی«همام»یکی از نشانه های متّقین را این می داند که هر گاه ستایش شوند،می هراسند.

پیام ها:

۱ خودستایی که برخاسته از غرور و بزرگ بینی است،جایز نیست. «یُزَکُّونَ أَنْفُسَهُمْ» ۲ تزکیه ای ارزش دارد که بر اساس دستورات الهی باشد،نه ارشادات بشری.

«بَلِ اللّٰهُ یُزَکِّی مَنْ یَشٰاءُ»

۳ کیفرهای الهی،نتیجه اعمال ناپسند انسان است،نه ظلم خدا. «لاٰ یُظْلَمُونَ فَتِیلاً»

ص: ۳۰۲

۱- ۱) .کافی،ج ۲،ص ۲۸۴.

۲- ۲) .نجم،۳۲.

[سوره النساء (۴): آیه ۵۰]

اشاره

أُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اَللّٰهِ اَلْكَذِبَ وَ كَفىٰ بِهِ إِثْماً مُبِيناً (۵۰)

بنگر چگونه بر خدا دروغ می بندند! و همین گناه آشکار برای(مجازات)آنان بس است.

نکته ها:

خودبرتربینی یهود که خود را نژاد برتر و فرزندان و محبوبان خدا می دانستند- بزرگ ترین افترا بر خداست،چون خداوند هیچ کسی را فرزند خویش قرار نداده و همه در نزد او برابرند و امتیاز،برای ایمان و تقوی است.

در افترا،علاوه بر دروغ،تهمت،ایذاء،ظلم و هتک حیثیّت هم هست.افترا بر خدا روزه را باطل می کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:دروغ،از شرابخواری بدتر است،ولی افترا از دروغ هم سخت تر است.

پیام ها:

۱ پیامبر موظّف به شناخت و ارزیابی اعمال و عقائد اهل کتاب است. «اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ...» ۲ تزکیه ی نابجای نفس و خود را مقرّب درگاه خدا دانستن،افترا بر خدا و مانع رشد است.کلمه« إِثْماً »در لغت به چیزی گفته می شود که انسان را از صلاح و ثواب باز دارد. «كَفىٰ بِهِ إِثْماً مُبِيناً»

[سوره النساء (۴): آیه ۵۱]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ إِلَى اَلَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ اَلْكِتٰابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ اَلطّٰاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هٰؤُلاٰءِ أَهْدىٰ مِنَ اَلَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلاً (۵۱)

آیا کسانی را که بهره ای از کتاب(خدا)به آنها داده شده،ندیده ای که به بت و طاغوت ایمان می آورند و درباره کفّار می گویند:اینان از کسانی که(به اسلام و محمّد صلی اللّه علیه و آله ایمان آورده اند،راه یافته ترند.

ص: ۳۰۳

نکته ها:

پس از جنگ احد،جمعی از یهودیان به مکّه رفتند تا بر ضد مسلمانان،با مشرکان هم پیمان شوند و برای دلخوشی و اطمینان کفّار،در برابر بت های آنان سجده کردند و گفتند:بت پرستی شما از اسلام مسلمانان بهتر است.

« بِالْجِبْتِ »،که به بت،ساحر و کاهن گفته می شود،یک بار در قرآن آمده ولی کلمه ی « اَلطّاغُوتِ »،از ریشه ی«طغیان»،هشت مرتبه آمده است.شاید مراد از جِبت و طاغوت،همان دو بت باشد که یهودیان در برابر آنها سجده کردند،و شاید مراد از جبت،بت باشد و مراد از طاغوت،بت پرستان و حامیان بت پرستی باشد.

پیام ها:

۱ آگاهی ناقص از دین،زمینه ی انحراف است. «نَصِیباً مِنَ الْکِتابِ» ۲ دشمنان،برای مبارزه با اسلام حتّی از عقاید خود دست می کشند(سجده ی یهود بر بت،به خاطر خشنودی مشرکان و هماهنگی بر ضد مسلمانان).

«یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ»

۳ روح لجاجت و عناد،مسیر قضاوت را عوض می کند. «یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ یَقُولُونَ» ، «هؤُلاءِ أَهْدی...»

[سوره النساء (۴): آیه ۵۲]

اشاره

أُولئِکَ اَلَّذِینَ لَعَنَهُمُ اَللّهُ وَ مَنْ یَلْعَنِ اَللّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً (۵۲)

آنانند کسانی که خداوند،لعنتشان کرده است و هر کس را خدا لعن کند،هرگز برای او یاوری نخواهی یافت.

پیام ها:

۱ هر اتّحادی علیه حقّ ملعون است.همسویی اهل کتاب با مشرکان علیه اسلام سبب لعنت آنان شد. «لَعَنَهُمُ اللّهُ» ۲ پیمان های نامقدّس دشمنان علیه حقّ،هرگز به نتیجه ی مطلوب نمی رسد و در

برابر اراده ی خدا سودی ندارد. «فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيراً» ۳ منفور خدا،همیشه مغلوب خواهد بود. «وَ مَنْ يَلْعَنِ اللّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۵۳]

اشاره

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ اَلْمُلْكِ فَإِذاً لاٰ يُؤْتُونَ اَلنّاسَ نَقِيراً (۵۳)

آیا برای آنان(یهودیان)بهره ای از حکومت است؟ که در آن هنگام ذرّه ای به مردم نمی دادند.

نکته ها:

«نَقِيراً »یا گودی پشت هسته ی خرماست،و یا آن چیزی است که پرندگان با منقار خود برمی دارند و کنایه از امر ناچیز و اندک است.

امام باقر علیه السلام درباره ی« نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ »فرمود:مقصود امامت و خلافت است و مقصود از« اَلنّاسَ »ما اهل بیت هستیم. (۱)یعنی اگر کسانی به قدرت برسند به اندازه نخ هسته ی خرمایی به اهل بیت علیهم السلام قدرت نخواهند داد.

در تفسیر مجمع البیان آمده که یهود به قدری انحصار طلبند که اگر قدرتی به دست آورند،به دیگران نمی دهند.این معنی،با روحیّه ی بخل و تنگ نظری یهود،سازگارتر است.

پیام ها:

۱ از قضاوت های نابجای دیگران درباره ی دینتان نگران نباشید. «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ» ۲ حکومتِ نامحدود،مخصوص خداست.هر فرد و قومی گوشه ای از حکومت را آن هم برای چند روزی بدست می گیرد. «نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ» ۳ دشمنان خود را بشناسید،که اگر به قدرت برسند،شما را به کلّی نادیده می گیرند. «لاٰ يُؤْتُونَ النّاسَ...» ۴ کسی که حکومت و قدرت را بدست می گیرد باید به فکر رفاه مردم باشد.

ص: ۳۰۵

۱- ۱) .کافی،ج ۱،ص ۲۰۵.

«نَصِیبٌ مِنَ الْمُلْکِ»

، «لا یُؤْتُونَ»

[سوره النساء (۴): آیه ۵۴]

اشاره

أَمْ یَحْسُدُونَ اَلنّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اَللّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ اَلْکِتابَ وَ اَلْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً (۵۴)

یا اینکه(یهودیان)نسبت به مردم(مسلمان)به خاطر آنچه که خداوند از فضل خویش به آنان داده است،حسد می ورزند.همانا ما قبلاً به آل ابراهیم(که شما از نسل او هستید نیز)کتاب آسمانی و حکمت و سلطنت بزرگی دادیم.(چرا اکنون به آل محمّد علیهم السلام ندهیم؟)

نکته ها:

آیه ی قبل اشاره به بخل یهود بود و در این آیه به حسادتشان اشاره شده است و حسد از بخل بدتر است.چون در بخل مال خود را نمی بخشد،ولی در حسد از بخششِ دیگری هم ناراحت است.

یهود که پیشتر مورد لطف و نعمت خدا قرار گرفته اند،چرا از اینکه دیگران به نعمت و قدرتی برسند،از روی حسد،ناراحت می شوند؟ چرا آل ابراهیم برخوردار باشند و آل محمّد و بنی هاشم،محروم؟ در روایات،اهل بیت فرموده اند:آنان که مورد حسادت قرار گرفته اند،ماییم. (۱)

در حدیث از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود:مراد از« اَلْکِتابَ »،نبوّت و مراد از «حکمت»،فهم و قضاوت و مراد از«ملک عظیم»،اطاعت مردم است. (۲)امام باقر علیه السلام در تفسیر«ملک عظیم»فرمود:مراد آن است که خداوند در میان آنان امامان بر حقّ قرار داد. (۳)در حدیث دیگر از حضرت علی علیه السلام می خوانیم که فرمود:مراد از آل ابراهیم ما اهل بیت پیامبریم. (۴)

ص: ۳۰۶

۱- ۱) .کافی،ج ۱،ص ۱۸۶.

۲- ۲) .کافی،ج ۱،ص ۳۰۶.

۳- ۳) .کافی،ج ۱،ص ۳۰۶.

۴- ۴) .بحار،ج ۲۸،ص ۲۷۵.

پیام ها:

۱ حسود،در مقابل اراده ی خدا قد علم می کند. «یَحْسُدُونَ النّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللّهُ» ۲ منشأ همه ی نعمت ها و بهره گیری ها فضل خداست. «مِنْ فَضْلِهِ» به جای آرزوی زوال نعمت دیگران،از خداوند آرزوی فضل او را داشته باشید.

۳ همسویی اهل کتاب با مشرکان و قضاوت بر اینکه شرک شما بهتر از توحید مسلمانان است،به خاطر حسادت است.در آیات قبل خواندیم که یهودیان به مشرکان گفتند: «هؤُلاءِ أَهْدی...» در این آیه می خوانیم: «أَمْ یَحْسُدُونَ» ۴ همه ی الطاف از اوست.(سه بار کلمه «آتَیْنا» تکرار شده است) ۵ حکومت الهی باید بدست کسانی باشد که قبل از حکومت،دارای مقام معنوی و علمی و بینش بالایی باشند.نام کتاب و حکمت قبل از ملک عظیم آمده است.(آری نعمت های معنوی بر مادّی مقدّم است.) «آتَیْنا» ، «الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً»

[سوره النساء (۴): آیات ۵۵ تا ۵۶]

اشاره

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعِیراً (۵۵) إِنَّ اَلَّذِینَ کَفَرُوا بِآیاتِنا سَوْفَ نُصْلِیهِمْ ناراً کُلَّما نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْناهُمْ جُلُوداً غَیْرَها لِیَذُوقُوا اَلْعَذابَ إِنَّ اَللّهَ کانَ عَزِیزاً حَکِیماً (۵۶)

پس بعضی از یهودیان به او(پیامبر اسلام)ایمان آوردند و بعضی(نه تنها ایمان نیاوردند،بلکه)از ایمان آوردن مردم جلوگیری کردند،و شعله ی سوزان دوزخ،برای کیفر آنان بس است.

همانا به زودی کسانی را که به آیات ما کافر شدند در آتشی خواهیم افکند.هر چه پوست بدنشان بسوزد،پوست دیگری بجای آن قرار می دهیم تا کیفر را بچشند.همانا خداوند توانا و حکیم است

ص: ۳۰۷

نکته ها:

چون آنان هر لحظه،لجاجت می کنند پس باید هر لحظه با پوست جدید کیفر شوند.چنان که در تفسیر صافی آمده است:«ابن ابی العوجاء»یکی از مخالفان دین در عصر ائمه،از امام صادق علیه السلام پرسید:گناه پوست جدید چیست؟ امام فرمود:

پوست جدید،از سوخته های همان پوست اوّل است،مثل خشتی که شکسته و خورد می شود و بار دیگر گل و خشت تازه ای ساخته می شود.

پیام ها:

۱ کیفر کافران دائمی است. «بَدَّلْنٰاهُمْ جُلُوداً» ۲ پوست جدید،به خاطر چشیدن عذاب شدید است.(چون در سوختن،بیشتر درد و سوزش مربوط به پوست است و اگر آتش به استخوان برسد،درد کم می شود). «بَدَّلْنٰاهُمْ جُلُوداً» ۳ معاد جسمانی است. «بَدَّلْنٰاهُمْ جُلُوداً» ۴ هرگز عذاب،به خاطر استمرار،برای کافران عادّی نمی شود. «لِيَذُوقُوا الْعَذٰابَ» ۵ عذاب کردن دائمی کفّار حکیمانه است و هیچ نیرویی قادر بر جلوگیری از قهر خداوند در دوزخ نیست. «عَزِيزاً حَكِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۵۷]

اشاره

وَ اَلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّٰالِحٰاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰارُ خٰالِدِينَ فِيهٰا أَبَداً لَهُمْ فِيهٰا أَزْوٰاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلاًّ ظَلِيلاً (۵۷)

۵۷\۴

و کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند،به زودی در باغ هایی که از زیر(درختان)آن نهرها جاری است وارد می کنیم.آنان همیشه در آن جاودانند،برایشان در آن جا همسرانی پاکیزه است و آنان را در سایه هایی پایدار(بدون سردی و گرمی و طوفان)درآوریم.

نکته ها:

در تربیت باید بیم و امید در کنار هم باشد.در آیه قبل بیم بود و این آیه امید است.

«Bظَلِيلٍ » ،سایه ی کشیده و ممتد است.

امام صادق علیه السلام فرمود:مراد از ازواج مطهره همسرانی هستند که از آلودگی به حیض و حدث پاکند. (۱)

پیام ها:

۱ ایمان و عمل صالح دو شرط اساسی برای ورود به بهشت است. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ سَنُدْخِلُهُمْ» ۲ لطف خدا سریع تر از قهر اوست.(در آیه قبل برای دوزخیان حرف« سَوْفَ » بکار رفته که نشانه آینده دور است،ولی در این آیه حرف«سین» «سَنُدْخِلُهُمْ» که نشانه ی آینده نزدیک است) ۳ پاکی همسران بهشتی هم جسمی است و هم روحی.« مُطَهَّرَةٌ »به کسی گفته می شود که از نظر جسمی و روحی هر دو پاک و منزّه باشد.

[سوره النساء (۴): آیه ۵۸]

اشاره

إِنَّ اَللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا اَلْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ اَلنّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اَللّهَ نِعِمّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اَللّهَ كانَ سَمِيعاً بَصِيراً (۵۸)

همانا خداوند فرمانتان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید و هر گاه میان مردم داوری کردید،به عدل حکم کنید.چه نیک است آنچه که خداوند شما را بدان پند می دهد.بی گمان خداوند شنوای بیناست.

ص: ۳۰۹

۱- ۱) .من لا یحضره الفقیه،ج ۱،ص ۵۰.

نکته ها:

امانتداری و رفتار عادلانه و دور از تبعیض،از نشانه های مهم ایمان است،چنان که خیانت به امانت،علامت نفاق است.در حدیث است:به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید،بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید. (۱)

در روایات متعدّد،منظور از امانت،رهبری جامعه معرّفی شده که اهلش اهل بیت علیهم السلام می باشند.این مصداق بارز عمل به این آیه است.

آری،کلید خوشبختی جامعه،بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه است و منشأ نابسامانی های اجتماعی،ریاست نااهلان و قضاوت های ظالمانه است. (۲)

خیانت در امانت شامل کتمان علم،حرفه و حقّ،تصاحب اموال مردم،اطاعت از رهبران غیر الهی،انتخاب همسر یا معلّم نااهل برای فرزندان و...می شود.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:اوامر و نواهی خدا امانت های الهی است. (۳)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:خداوند امر فرموده که هر امامی آنچه در نزدش است به امام بعد از خود بسپارد. (۴)

امانت سه گونه است:

الف:میان انسان و خدا.(وظایف و واجباتی که بر انسان تعیین شده است.) (۵)ب:میان انسان و دیگران.(اموال یا اسرار دیگران نزد انسان) ج:میان انسان و خودش.(مثل علم و عمر و قدرت که در دست ما امانتند.)

۱- ۱) .کافی،ج ۲،ص ۱۰۵.

۲- ۲) .حضرت امیر علیه السلام فرموده است:«من تقدّم علی قوم و هو یری فیهم من هو افضل،فقد خان اللّه و رسوله و المؤمنین»هر کس خود را در جامعه بر دیگران مقدّم بدارد و پیشوا شود در حالی که بداند افراد لایق تر از او هستند،قطعاً او به خدا و پیامبر و مؤمنان خیانت کرده است.الغدیر،ج ۸.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین.

۴- ۴) .کافی،ج ۱،ص ۲۷۷.

۵- ۵) .تفسیر مجمع البیان.

پیام ها:

۱ سپردن امور به کاردانان و قضاوت عادلانه،از مصادیق عمل صالح و از نشانه های ایمان است.(با توجّه به آیه قبل) ۲ هر امانتی صاحبی دارد و هرکس لیاقت و استعداد کار و مقامی را دارد. «أَهْلِهٰا» ۳ در ادای امانت و دادگری،ایمان شرط نیست.نسبت به همه ی مردم باید امین و دادگر بود. «أَهْلِهٰا» ، «النّاسِ» ۴ قاضی و حاکم باید عادل باشد. «تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ» ۵ تشکیل حکومت لازم است.لازمه ی سپردن مسئولیّت ها به اهلش و قضاوت عادلانه برقراری نظام و حکومت الهی است. «تُؤَدُّوا الْأَمٰانٰاتِ» ، «تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ» ۶ موعظه ی خوب،آن است که علاوه بر پندهای اخلاقی،به مسائل اجتماعی و قضایی هم توجّه کند. «نِعِمّٰا یَعِظُکُمْ بِهِ» ۷ اگر مردم هم خیانت در امانت یا ستم در قضاوت را نفهمند،خدا بینا و شنواست. «إِنَّ اللّٰهَ کٰانَ سَمِیعاً بَصِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۵۹]

اشاره

یٰا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اَللّٰهَ وَ أَطِیعُوا اَلرَّسُولَ وَ أُولِی اَلْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنٰازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اَللّٰهِ وَ اَلرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ اَلْیَوْمِ اَلْآخِرِ ذٰلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلاً (۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خود (جانشینان پیامبر)اطاعت کنید.پس اگر درباره چیزی نزاع کردید آن را به حکم خدا و پیامبر ارجاع دهید،اگر به خدا و قیامت ایمان دارید.این(رجوع به قرآن و سنّت برای حلّ اختلاف)بهتر و پایانش نیکوتراست.

نکته ها:

آیه ی قبل،بیان وظایف حکّام بود که دادگر و امانتدار باشند،این آیه به وظیفه ی مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می کند.با وجود سه مرجع«خدا»،«پیامبر»و

«اولی الامر»هرگز مردم در بن بست قرار نمی گیرند.

آمدن این سه مرجع برای اطاعت،با توحید قرآنی منافات ندارد،چون اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز،شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است،نه در عرض آن و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است.

در تفسیر نمونه به نقل از ابن عباس آمده است که وقتی پیامبر اسلام،هنگام عزیمت به تبوک،علی علیه السلام را در مدینه به جای خود نهاد و فرمود:«انت منی بمنزله هارون من موسی»این آیه نازل شد.

در آیه قبل سفارش شد که امانات به اهلش سپرده شود.این آیه گویا می فرماید:

این سپردن به اهل،در سایه اطاعت از خدا و رسول و أولی الأمر است.

تکرار فرمانِ «أَطِیعُوا» رمز تنوّع دستورهاست.پیامبر گاهی بیان احکام الهی می کرد،گاهی دستور حکومتی می داد و دو منصب«رسالت»و«حکومت»داشت.

قرآن گاهی خطاب به پیامبر می فرماید: «أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ» (۱)آنچه را نازل کرده ایم برای مردم بیان کن.و گاهی می فرماید: «لِتَحْکُمَ بَیْنَ النّاسِ بِما أَراکَ اللّهُ» (۲)میان مردم بر اساس قوانین الهی،حکومت و قضاوت کن.

قرآن درباره مفسدان،مسرفان،گمراهان،جاهلان،جبّاران و...دستور«لا تطع»و «لا تتبع»می دهد.بنا بر این موارد «أَطِیعُوا» باید کسانی باشند که از اطاعتشان نهی نشده باشد و اطاعتشان در تضادّ با اوامر خدا و رسول قرار نگیرد.

در آیه اطاعت از أولی الأمر مطرح شده است،ولی به هنگام نزاع،مراجعه به آنان مطرح نشده،بلکه تنها مرجع حلّ نزاع،خدا و رسول معرفی شده اند.و این نشانه آن است که اگر در شناخت أولی الأمر و مصداق آن نیز نزاع شد به خدا و رسول مراجعه کنید که در روایات نبوی،أولی الأمر اهل بیت پیامبر معرفی شده اند. (۳)

حسین بن ابی العلاء گوید:من عقیده ام را درباره ی اوصیای پیامبر و اینکه اطاعت

۱- ۱) .نحل،۴۴.

۲- ۲) .نساء،۱۰۵.

۳- ۳) .کمال الدین صدوق،ص ۲۲۲.

آنها واجب است،بر امام صادق علیه السلام عرضه کردم،حضرت فرمود:آری چنین است،اینان همان کسانی هستند که خداوند درباره ی آنان فرموده:« أَطِیعُوا اللّٰهَ... »و همان کسانی اند که درباره ی آنها فرموده: «إِنَّمٰا وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ» ، «وَ هُمْ رٰاکِعُونَ» [(۱)](#)حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۲۵ نهج البلاغه و عهدنامه مالک اشتر فرمودند:مراد از مراجعه به خدا و رسول،مراجعه به آیات محکمات و سنّتی که همه بر آن اتّفاق داشته باشند.

حضرت علی علیه السلام فرمود:هر حاکمی که به غیر از نظر اهل بیت معصوم پیامبر علیهم السلام قضاوت کند،طاغوت است. [(۲)](#)

پیام ها:

۱ مردم باید نظام اسلامی را بپذیرند و از رهبران الهی آن در قول و عمل پشتیبانی کنند. «أَطِیعُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» ۲ اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش بهم آمیخته است.اطاعت از رسول و أولی الأمر که امری سیاسی است،به ایمان به خدا و قیامت که امری اعتقادی است،آمیخته است. «أَطِیعُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ» ۳ سلسله مراتب در اطاعت باید حفظ شود. «اللّٰهَ» ، «الرَّسُولَ» ، «أُولِی الْأَمْرِ» ۴ اولی الامر باید همچون پیامبر معصوم باشند،تا اطاعت از آنها در ردیف اطاعت پیامبر،بی چون و چرا باشد. «أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ» ۵ اطاعت از حاکمی واجب است که مؤمن و از خود مردم با ایمان باشد.

«أَطِیعُوا»

، «مِنْکُمْ» ۶ نام اولی الامر در کنار نام خدا و رسول،همراه با اطاعت مطلق،نشان آن است که مسئول حکومت و نظام اسلامی باید از قداست والایی برخوردار باشد.

«أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ»

۱- ۱) .کافی،ج ۱،ص ۱۸۷.

۲- ۲) .دعائم الاسلام،ج ۲،ص ۵۳۰.

۷ نشانه ی ایمان واقعی،مراجعه به خدا و رسول،هنگام تنازع و بالا گرفتن درگیری هاست و اطاعت در شرایط عادّی کار مهمّی نیست. «فَإِنْ تَنازَعْتُمْ» ۸ یکی از وظایف حکومت اسلامی ایجاد وحدت و حل تنازعات است. «فَإِنْ تَنازَعْتُمْ...» ۹ دین کامل باید برای همه ی اختلاف ها،راه حل داشته باشد. «فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَ الرَّسُولِ» ۱۰ پذیرش فرمان از حکومت های غیر الهی و طاغوت،حرام است. «فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَ الرَّسُولِ» ۱۱ اگر همه ی فرقه ها،قرآن و سنّت را مَرجع بدانند،اختلاف ها حل شده، وحدت و یکپارچگی حاکم می شود. «فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَ الرَّسُولِ» ۱۲ مخالفان با احکام خدا و رسول و رهبران الهی،باید در ایمان خود شک کنند.

«إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ...»

۱۳ برنامه عملی اسلام بر اساس برنامه اعتقادی آن است. «أَطِیعُوا» ، «إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ» به عبارت دیگر ایمان به خدا و قیامت،پشتوانه ی اجرایی احکام اسلام و مایه ی پرهیز از نافرمانی خدا و رسول است.

۱۴ دوراندیشی و رعایت مصالح درازمدّت،میزان ارزش است. «أَحْسَنُ تَأْوِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۶۰]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ إِلَی اَلَّذِینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی اَلطّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ وَ یُرِیدُ اَلشَّیْطانُ أَنْ یُضِلَّهُمْ ضَلالاً بَعِیداً (۶۰)

آیا کسانی را که می پندارند به آنچه بر تو و آنچه(بر پیامبران)پیش از تو نازل شده است،ایمان آورده اند نمی بینی که می خواهند داوری را نزد طاغوت (و حکّام باطل)ببرند،در حالی که مأمورند به طاغوت،کفر ورزند.و شیطان می خواهد آنان را گمراه کند،گمراهی دور و درازی!

ص: ۳۱۴

نکته ها:

آیه ی قبل،مرجع در منازعات را خـدا و پیامبر معرفی کرد،این آیه در انتقاد از کسانی است که مرجع نزاع خود را طاغوت قرار می دهند.

میان یک منافق مسـلمان نما و یک یهودی نزاع شـد.بنا بر داوری گذاشـتند.یهودی پیامبر را به خاطر امانت و عـدالت به داوری قبول کرد،ولی آن منـافق گفت:من به داوری کعب بن اشـرف(که از بزرگـان یهود بود)راضـیم،زیرا می دانست که با هـدایایی می تواند نظر کعب را به نفع خود جلب کند.این آیه در نکوهش آن رفتار نازل شد.

به تعبیر امام صادق علیه السلام طاغوت،کسی است که به حقّ حکم نکند و در برابر فرمان خدا،دستور دهد و اطاعت شود. (۱)

پیام ها:

۱ ایمان بدون تبرّی از طاغوت،ایمان نیست،خیال ایمان است. «یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا» ، «یَتَحاکَمُوا إِلَی الطّاغُوتِ» ۲ ادیان،هدف و ماهیّت مشترک دارنـد و ایمان به دسـتورات همه ی انبیا لازم است. «أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ» ۳ سازش با طاغوت،حرام است. «أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ» ۴ ابتـدا راه حقّ را نشان دهید،سپس راه باطل را نفی کنید. «فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَ الرَّسُولِ» ، «یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطّاغُوتِ» ۵ حتّی فکر و اراده ی مراجعه به طـاغوت مورد انتقـاد است. «یُرِیـدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطّاغُوتِ» ۶ موفقّیت شیطان،در سایه ی اطاعت مردم از طاغوت هاست. «یَتَحاکَمُوا إِلَی الطّاغُوتِ» ، «یُرِیدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُضِلَّهُمْ»

ص: ۳۱۵

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۷ منافق،طاغوت و شیطان در یک خط و در برابر پیامبرانند. «الَّذِینَ یَزْعُمُونَ» ، «یَتَحاکَمُوا إِلَی الطّاغُوتِ» ، «یُرِیدُ الشَّیْطانُ» ۸ کفر به طاغوت و حرام بودن مراجعه به دادگاه های طاغوتی،فرمان همه ادیان آسمانی است. «أَ لَمْ تَرَ» ، «أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ» ، «یَتَحاکَمُوا إِلَی الطّاغُوتِ» ۹ در حل اختلافات داخلی،سراغ بیگانگان رفتن،خواست شیطان و ممنوع است. «یُرِیدُ الشَّیْطانُ...» ۱۰ منافقان،تحت اراده ی شیطانند و طاغوت ها دام ها و ابزار کار شیطانند. «یُرِیدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُضِلَّهُمْ» ۱۱ نتیجه مراجعه به طاغوت سقوط به درّه هولناک است. «ضَلالاً بَعِیداً»

[سوره النساء (۴): آیه ۶۱]

اشاره

وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلی ما أَنْزَلَ اَللّهُ وَ إِلَی اَلرَّسُولِ رَأَیْتَ اَلْمُنافِقِینَ یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُوداً (۶۱)

و چون به آنان گفته شود(که برای داوری)به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید،منافقان را می بینی که به شدّت از پذیرش دعوت تو روی می گردانند.

پیام ها:

۱ گرچه منافقان،تسلیم قانون خدا و فرمان پیامبر نیستند،ولی ما باید آنان را دعوت کنیم. «قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا» ۲ در پذیرش دعوت انبیا،رشد و برتری است.(« تَعالَوْا »دعوت به بالا آمدن است) ۳ کتاب و سنّت هماهنگ هستند،و گر نه ارجاع مردم به دو چیز متضاد حکیمانه نیست. «إِلی ما أَنْزَلَ اللّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ» ۴ مراجعه به طاغوت و قضاوت خواهی از بیگانگان،خصلت و روحیّه ی منافقان است که با رهبر آسمانی مخالفت و از راه حقّ اعراض کنند.(کلمه « یَصُدُّونَ »نشانه ی خصلت و استمرار است)

۵ منـافق،علاوه بر اعراض خود،مانع راه دیگران نیز می شود. «یَصِدُّونَ» ۶ آنچه پرده از کفر منافقـان برمی دارد،مخالفتشـان با رهبری الهی است. «عَنْکَ» ۷ منافقان،حساسیّتی نسبت به ایمان قلبی مردم به خداونـد ندارنـد،ناراحتی عمـده ی آنان اجتماع مردم برگرد رهبر آسمانی است. «یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُوداً»

[سوره النساء (۴): آیه ۶۲]

اشاره

فَکَیْفَ إِذٰا أَصٰابَتْهُمْ مُصِیبَهٌ بِمٰا قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ ثُمَّ جٰاؤُکَ یَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ إِنْ أَرَدْنٰا إِلاّٰ إِحْسٰاناً وَ تَوْفِیقاً (۶۲)

پس چگونه وقتی به خاطر کارهایی که از قبل انجام دادند،مصیبتی و مشکلی به آنان می رسد و(از برای رهایی از آن)سراغ تو می آیند،به خدا سوگند یاد می کنند که هدف ما (از مراجعه به طاغوت)جز نیکی و توافق(میان دو طرف نزاع)نبوده است.

نکته ها:

توجیه منافقـان برای داوری نزد طـاغوت این بود که هـدف،آشتی دادن بوده و اگر برای داوری نزد پیامبر می رفتیم و او به نفع یک طرف حکم می داد،قهراً دیگری از رسول خـدا دلگیر می شد و سـر و صدا به پا می کرد که با شأن پیامبر سازگار نبود،از این رو برای حفظ آبرو و موقعیّت و محبوبیّت پیامبر،نزاع را نزد وی نبردیم.

پیام ها:

۱ عامل خطر کارهای خود انسان است. «مُصِیبَهٌ بِمٰا قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ» ۲ مسلمانان چند چهره و منافق،هنگام بروز مشکل و احساس خطر به سـراغ رهبران الهی می آیند. «جٰاؤُکَ» ۳ مراجعه به طـاغوت،نابسامانی ها و مصائبی دارد،«أَصٰابَتْهُمْ مُصِیبَهٌ» که ناگزیر بایـد به راه انبیاء برگردیـد. «جٰاؤُکَ» ۴ منافقـان،خلاـف های خود را توجیه می کننـد. «إِنْ أَرَدْنٰا إِلاّٰ إِحْسٰاناً» ۵ منافق سوگند به خدا را پوششی برای اهداف خود قرار می دهد. «یَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ»

۶ گاهی واژه های مقدّس دستاویز افراد نامقدّس می شود. «إِحْسٰاناً وَ تَوْفِيقاً»

[سوره النساء (۴): آيه ۶۳]

اشاره

أُولٰئِکَ اَلَّذِينَ يَعْلَمُ اَللّٰهُ مٰا فِی قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِی أَنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَلِيغاً (۶۳)

آنان کسانی اند که خداوند،آنچه را در دل دارند می داند.پس از آنان درگذر و پندشان ده و با آنان سخنی رسا که در جانشان بنشیند بگوی.

پيام ها:

۱ تلاش منافقان بیهوده است،چون خداوند هم از درون و نیاتشان آگاه است و هم بموقع،افشاگری می کند. «يَعْلَمُ اللّٰهُ مٰا فِی قُلُوبِهِمْ» ۲ معذرت خواهی منافقان،صادقانه نیست،و گر نه فرمان اعراض از آنان صادر نمی شد. «يَعْلَمُ اللّٰهُ مٰا فِی قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ» ۳ شیوه ی برخورد رهبر با منافقان باید شیوه ی اعراض و موعظه باشد. «فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ» ۴ در مقام موعظه،باید با صراحت،منافقان را نسبت به عواقب کار و سرنوشتشان هشدار داد. «فِی أَنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَلِيغاً»

[سوره النساء (۴): آيه ۶۴]

اشاره

وَ مٰا أَرْسَلْنٰا مِنْ رَسُولٍ إِلاّٰ لِيُطٰاعَ بِإِذْنِ اَللّٰهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جٰاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اَللّٰهَ وَ اِسْتَغْفَرَ لَهُمُ اَلرَّسُولُ لَوَجَدُوا اَللّٰهَ تَوّٰاباً رَحِيماً (۶۴)

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای آنکه با اذن خداوند فرمان برده شود و اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند(از راه خود برگشته و)نزد تو می آمدند و از خداوند مغفرت می خواستند و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد قطعاً خداوند را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

ص:۳۱۸

نکته ها:

سیمای یک جامعه و مدیریّت سالم آن است که مردمش با ایمان،رهبرش آسمانی،فرمان بری و اطاعت مردم قوی،منحرفانش پشیمان و اهل استغفار و رهبرش پذیرا و مهربان باشد.

چنان که دعای پیامبر در حقّ مؤمنان مستجاب است، «اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ» دعای نیکان و فرشتگان نیز در حقّ آنان اثر دارد.در یک جا استغفار فرشتگان برای مردم مطرح است. «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْأَرْضِ» (۱)و در جای دیگر برای مؤمنان. «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» (۲)

پیام ها:

۱ هدف از فرستادن انبیا،هدایت مردم از طریق اطاعت از آنان است. «إِلاّٰ لِیُطٰاعَ» ۲ اطاعت مخصوص خداست.حتّی اطاعت از پیامبران باید با اذن خدا باشد و گرنه شرک است. «لِیُطٰاعَ بِإِذْنِ اللّٰهِ» ۳ توبه ی ترک رهبر،بازگشت به رهبر است. «لِیُطٰاعَ» ، «جٰاؤُکَ» ۴ رها کردن انبیا و رجوع به طاغوت،ظلم به مقام انسانی خود است. «ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (با توجّه به ارتباط این آیه با آیات قبل) ۵ پیوند همه مردم با رسول اللّه باید محکم باشد.چه مؤمن چه فاسق.مؤمن برای کسب فیض و فاسق برای درک شفاعت. «جٰاؤُکَ» ۶ راه بازگشت و توبه برای خطاکاران و حتّی منافقان باز است.(با توجّه به آیات قبل که مربوط به منافقان است) «فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ» ۷ زیارت رهبران آسمانی و استمداد و توسل از طریق آن عزیزان،مورد تأیید قرآن است. «جٰاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» ۸ پیامبر بخشنده ی گناه نیست،واسطه ی عفو الهی است. «اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ»

۱- ۱) .شوری،۵.

۲- ۲) .غافر،۷.

۹ خطاکار،ابتدا باید پشیمان شود و به سوی حقّ برگردد،سپس برای استحکام رابطه با خدا،از مقام رسالت کمک بگیرد. «فَاسْتَغْفَرُوا اللّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» ۱۰ گناهکاران نباید مأیوس شوند،استغفار،توبه و زیارت اولیای خدا، وسیله ای برای بازسازی روحی آنان است. «جٰاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا...» ۱۱ در زیارت رسول خدا و اقرار به لغزش و استغفار خود احساس سبک شدن از گناه به انسان دست می دهد. «لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً» ۱۲ اگر خطاکاران را بخشیدید به آنان محبّت نیز بکنید. «تَوّاباً رَحِیماً» ۱۳ گناه،حجابی میان انسان و رحمت الهی است و همین که آن حجاب برطرف شد،رحمت دریافت می شود. «اسْتَغْفَرَ» ، «لَوَجَدُوا اللّهَ» ۱۴ اقرار و اعتراف به گناه و استغفار از آن در محضر اولیای خدا،وسیله و زمینه ی عفو الهی است. «جٰاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا» ، «لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۶۵]

اشاره

فَلاٰ وَ رَبِّکَ لاٰ یُؤْمِنُونَ حَتّٰی یُحَکِّمُوکَ فِیمٰا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لاٰ یَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّٰا قَضَیْتَ وَ یُسَلِّمُوا تَسْلِیماً (۶۵)

نه چنین است؛به پرودگارت سوگند،که ایمان(واقعی)نمی آورند مگر زمانی که در مشاجرات و نزاع های خود،تو را داور قرار دهند،و در دل خود هیچ گونه احساس ناراحتی از قضاوت تو نداشته باشند(و در برابر داوری تو)کاملاً تسلیم باشند.

نکته ها:

میان زبیر بن عوام از مهاجرین و یکی از انصار،بر سر آبیاری نخلستان نزاع شد.

پیامبر قضاوت کرد که چون قسمت بالای باغ،از زبیر است،اوّل او آبیاری کند.

مرد انصاری از قضاوت پیامبر ناراحت شد و گفت چون زبیر،پسر عمه توست،به نفع او داوری کردی! رنگ پیامبر پرید و این آیه نازل شد.عجبا که خودشان رسول اللّه را به داوری پذیرفته اند،ولی سرباز می زنند! امام صادق علیه السلام فرمود:اگر کسانی اهل نماز و حج و زکات باشند،ولی نسبت به

کارهای پیامبر صلی اللّه علیه و آله سوء ظن داشته باشند،در حقیقت مؤمن نیستند.سپس این آیه را تلاوت فرمودند. (۱)

پیام ها:

۱ نشانه های ایمان راستین سه چیز است:

الف:به جای طاغوت،داوری را نزد پیامبر بردن. «یُحَکِّمُوکَ» ب:نسبت به قضاوت پیامبر،سوء ظن نداشتن. «لاٰ یَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً» ج:فرمان پیامبر را با دلگرمی پذیرفتن و تسلیم بودن. «وَ یُسَلِّمُوا تَسْلِیماً» ۲ اسلام،علاوه بر تسلیم ظاهری،به ابعاد روحی و تسلیم قلبی توجّه کامل دارد.

«لاٰ یَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً»

۳ قضاوت،از شؤون رسالت و ولایت است. «مِمّٰا قَضَیْتَ» ۴ وجوب تسلیم در برابر قضاوت پیامبر،نشان عصمت اوست. «یُسَلِّمُوا تَسْلِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۶۶]

اشاره

وَ لَوْ أَنّٰا کَتَبْنٰا عَلَیْهِمْ أَنِ اُقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ أَوِ اُخْرُجُوا مِنْ دِیٰارِکُمْ مٰا فَعَلُوهُ إِلاّٰ قَلِیلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مٰا یُوعَظُونَ بِهِ لَکٰانَ خَیْراً لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَثْبِیتاً (۶۶)

و اگر به آنان حکم می کردیم که تن به کشتن دهید(و یکدیگر را به فرمان ما بکشید)یا از خانه و سرزمین خود بیرون روید،جز افرادی اندک،این دستور را انجام نمی دادند و اگر آنان به آنچه پند داده می شوند عمل می کردند، برایشان بهتر و در پایداری مؤثرتر بود.

نکته ها:

این آیه اشاره دارد به تکلیف های سختی که برای امّت های پیشین بوده است، مثلاً خداوند به کیفر گوساله پرستی بنی اسرائیل،فرمان داد یکدیگر را بکشند.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۱،ص ۳۹۰.

چون برای گناهی بزرگ مثل بت پرستی،جبرانی عظیم مانند کشتن یکدیگر و بیرون رفتن از شهر و دیار خود لازم بود.

پیام ها:

۱ مؤمنان باید خود را بسنجند،که اگر فرمان سختی صادر شد،در برابر آن چگونه خواهند بود؟ «وَ لَوْ أَنّا کَتَبْنا عَلَیْهِمْ» ۲ هنگام امتحان،افراد کمتری از عهده ی انجام تکلیف و اثبات ادعا برمی آیند.

«ما فَعَلُوهُ إِلاّ قَلِیلٌ»

۳ فرمان کفر به طاغوت و رجوع به پیامبر و تسلیم قضاوت های او بودن،موعظه و خیرخواهی الهی است. «ما یُوعَظُونَ بِهِ لَکانَ خَیْراً لَهُمْ» ۴ خیر و سعادت در گرو عمل است «فَعَلُوا» ، «خَیْراً» ۵ احکام الهی(اوامر و نواهی)مواعظ خداوند است. «فَعَلُوا ما یُوعَظُونَ بِهِ» ۶ هر چه در راه خدا گام برداریم،ثبات قدم و ایمان بیشتر می شود. «فَعَلُوا» ، «أَشَدَّ تَثْبِیتاً» ۷ عمل،در نفس و روح اثر دارد.عمل به احکام،سبب پایداری ایمان است. «فَعَلُوا» ، «أَشَدَّ تَثْبِیتاً» ۸ تکالیف الهی هر چند به ظاهر ناخوشایند و سخت باشد،ولی به خیر و صلاح انسان است. «وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا» ، «لَکانَ خَیْراً لَهُمْ»

[سوره النساء (۴): آیات ۶۷ تا ۶۸]

اشاره

وَ إِذاً لَآتَیْناهُمْ مِنْ لَدُنّا أَجْراً عَظِیماً (۶۷) وَ لَهَدَیْناهُمْ صِراطاً مُسْتَقِیماً (۶۸)

و در این صورت یقیناً ما از جانب خود پاداشی بزرگ به آنان می دادیم.

و قطعاً آنان را به راهی راست هدایت می کردیم.

پیام ها:

۱ رسیدن به خیر،ثبات قدم،اجر بزرگ و رهیابی به راه مستقیم،در سایه ی عمل به مواعظ و پشتکار انسان است. «فَعَلُوا» ، «خَیْراً» ، «تَثْبِیتاً» ، «أَجْراً» ، «مُسْتَقِیماً» ۲ گام نهادن در راه خیر،سبب رسیدن به خیر بالاتر و بیشتر می شود. «فَعَلُوا» ، «أَشَدَّ تَثْبِیتاً» ، «أَجْراً عَظِیماً» ، «صِراطاً مُسْتَقِیماً»

[سوره النساء (۴): آیات ۶۹ تا ۷۰]

اشاره

وَ مَنْ یُطِعِ اَللّهَ وَ اَلرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ اَلَّذِینَ أَنْعَمَ اَللّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ اَلنَّبِیِّینَ وَ اَلصِّدِّیقِینَ وَ اَلشُّهَداءِ وَ اَلصّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً (۶۹) ذلِکَ اَلْفَضْلُ مِنَ اَللّهِ وَ کَفی بِاللّهِ عَلِیماً (۷۰)

و هر کس که از خدا و پیامبر اطاعت کند،پس آنان(در قیامت)با کسانی همدم خواهند بود که خداوند بر آنان نعمت داده است،مانند پیامبران،صدّیقان، شهیدان و صالحان و اینان چه همدم های خوبی هستند.

این همه تفضّل از سوی خداست و خداوند برای آگاه بودن بس است.

نکته ها:

در سوره ی حمد در کنار صراط مستقیم،گروه «أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ» آمده بود،و این بار دوّم است که در کنار آیه ی صراط مستقیم،گروه «أَنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ» مطرح است.گویا غیر از انبیا و شهدا و صدّیقان و صالحان،دیگران بیراهه می روند و راه مستقیم، منحصراً راه یکی از این چهار گروه است.

در روایات،بهترین نمونه ی صدّیقان،امامان معصوم علیهم السلام،و صدیقه،فاطمه ی زهرا علیها السلام معرّفی شده است.مراد از«شهدا»هم،یا کشتگان میدان جهادند،یا گواهان اعمال در قیامت.

همنشینی با انبیا در دنیا برای همه ی پیروان واقعی امکان ندارد،بنا بر این مراد آیه همنشینی در آخرت است.

پیام ها:

۱ قرار گرفتن در راه انبیا و شهدا و داشتن رفقای خوب،جز با اطاعت از فرمان خدا و رسول به دست نمی آید. «وَ مَنْ يُطِعِ اللّهَ وَ الرَّسُولَ،فَأُولئِكَ...» ۲ رفیق خوب،انبیا،شهدا،صدّیقان و صالحانند.رفقای دنیایی را هم باید با همین خصلتها گزینش کرد. «حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً» ۳ اطاعت از رسول،پرتوی از اطاعت خدا و در طول آن است،پس با توحید، منافاتی ندارد. «مَنْ يُطِعِ اللّهَ وَ الرَّسُولَ» ۴ پاداش اطاعت از پیامبر،همجواری با همه ی انبیاست.چون همه یک نورند و یک هدف دارند و اطاعت از یکی،همراه شدن با همه است. «مَنْ يُطِعِ اللّهَ وَ الرَّسُولَ» ، «مَعَ» ، «النَّبِيِّينَ» ۵ آگاه بودن خدا،بهترین عامل تشویق برای انجام وظیفه است. «بِاللّهِ عَلِيماً» ۶ مقام نبوّت از مقام صدّیقین و شهدا و صالحین بالاتر است(چون نام انبیا قبل از آنها برده شده است) «مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ...»

[سوره النساء (۴): آیه ۷۱]

اشاره

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُباتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعاً (۷۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید!(در برابر دشمن هوشیار باشید و به علامت آمادگی)سلاح خود را بردارید،پس به صورت دسته های پراکنده و نامنظّم یا همه با هم بسوی دشمن حرکت کنید.

نکته ها:

در آیه ی پیش،اطاعت از خدا و رهبری معصوم و حاکمیّت پیامبر،و در این آیه، ضرورت هوشیاری و آمادگی رزمی برای امّت اسلامی و رهبری حقّ مطرح است.

« حِذْرَكُمْ »،به معنای بیداری،آماده باش و وسیله دفاع است.« ثُبٰاتٍ »،جمع«ثبه»،به دسته های پراکنده(شامل گروه های پارتیزانی که دشمن را گیج و تمرکز فکری او را سلب می کند)می گویند.

مسلمانان باید مرزهای کشور خود را حفظ کنند.عمل به این آیه،رمز عزّت و غفلت از آن،رمز سقوط و شکست مسلمانان می باشد.

پیام ها:

۱ مسلمانان باید در هر حال آماده و بیدار باشند،و از طرحها،نفرات،نوع اسلحه،روحیّه،همکاری داخلی و خارجی دشمنان آگاه باشند و متناسب با آنها طرح بریزند و عمل کنند. «یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَکُمْ» ۲ آمادگی رزمی در سایه ی ایمان ارزش دارد. «یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَکُمْ» ۳ مسلمانان باید بسیج شوند. «انْفِرُوا جَمِیعاً» ۴ مسلمانان باید از تاکتیک های مختلف،برای مقابله با دشمن استفاده کنند.

«ثُبٰاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِیعاً»

۵ شیوه بسیج و مبارزه را خودتان تعیین کنید. «ثُبٰاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِیعاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۷۲]

اشاره

وَ إِنَّ مِنْکُمْ لَمَنْ لَیُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصٰابَتْکُمْ مُصِیبَةٌ قٰالَ قَدْ أَنْعَمَ اَللّٰهُ عَلَیَّ إِذْ لَمْ أَکُنْ مَعَهُمْ شَهِیداً (۷۲)

و همانا از شما کسانی اند که(هم خودشان سست می باشند وهم)عامل کُندی و دلسردی رزمندگان می شوند،چون به شما مشکلی برسد،می گوید:خدا بر من منّت نهاده که همراه آنان(در جبهه)حضور نیافتم(یا همراه آنان شهید نشدم)

نکته ها:

در آیه ی پیش،خطر دشمنان خارجی مطرح بود،اینجا خطر دشمنان داخلی و عوامل نفوذی و منافق مطرح است.

« لَيُبَطِّئَنَّ »از ريشه ى«بطء»به معناى كُندى است.به گفته اهل لغت،«بطوء»هم حركت كند است و هم ديگران را به كندى در حركت فراخواندن.

پيام ها:

۱ صحنه هاى جنگ،وسيله ى خوبى براى شناخت افراد ضعيف الايمان و منافقان است. «وَ إِنَّ مِنْكُمْ...» ۲ خداوند،از افكار و گفتار منافقان پرده برمى دارد. «وَ إِنَّ مِنْكُمْ...» ۳ منافقان،گاهى چنان به رنگ مؤمنان در مى آيند كه جزء آنان جلوه مى كنند.

«مِنْكُمْ»

۴ همه اصحاب پيامبر عادل و در خط حضرت نبودند. «مِنْكُمْ» ، «لَيُبَطِّئَنَّ» ۵ منافقان،عامل تضعيف روحيّه ى مسلمانانند «لَيُبَطِّئَنَّ» پس بايد آنان را شناخت و به جبهه نفرستاد.

۶ منافقان،عدم شركت در جنگ،فرار از جبهه و نجات از مرگ را رمز موفقّيت و سعادت مى دانند. «أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيَّ» ۷ هر رفاهى،مصون ماندنى و لطف و نعمت خدا نيست. «أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيَّ» ۸ چشيدن سختى ها در كنار مؤمنان،نعمت است،امّا رفاه جدا از مؤمنان نعمت نيست. «أَصٰابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ» ، «لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ»

[سوره النساء (۴): آيه ۷۳]

اشاره

وَ لَئِنْ أَصٰابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اَللّٰهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يٰا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً (۷۳)

و اگر فضل و غنيمتى از سوى خداوند به شما برسد،آن چنان كه گويا ميان شما و او هرگز دوستى نبوده(تا نفع شما را نفع خود داند)خواهد گفت:اى كاش (در جهاد)با آنان بودم تا به رستگارى بزرگ(پيروزى و غنائم)مى رسيدم.

ص: ۳۲۶

نکته ها:

در رسیدن فضل و غنیمت،نام خدا مطرح است، «فَضْلٌ مِنَ اللّهِ» ولی در برخورد با سختی ها که در آیه ی قبل مطرح بود،نامی از خدا نیست، «أَصابَتْکُمْ مُصِیبَهٌ» گویا اشاره به این است که از خداوند،جز فضل و رحمت،چیزی به ما نمی رسد.

پیام ها:

۱ پیروزی در جنگ و غنائم آن،از فضل خداست. «أَصابَکُمْ فَضْلٌ مِنَ اللّهِ» ۲ به خاطر منافع دنیوی،منافقان عاطفه را از دست می دهند. «کَأَنْ لَمْ تَکُنْ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَهُ مَوَدَّهٌ» ۳ آرزوهای منافق،صادقانه نیست. «لَئِنْ أَصابَکُمْ فَضْلٌ» ، «یا لَیْتَنِی» ۴ منافق،نان به نرخ روز می خورد.هنگام ناگواریها می گوید:خدا لطف کرد که ما نبودیم. «أَنْعَمَ اللّهُ عَلَیَّ» و هنگام فتح و غنیمت می گوید:کاش می بودیم.

«یا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ»

۵ آنکه در غمهای مؤمنان شریک نیست،ولی می خواهد در بهره ها سهیم باشد، خصلتی از منافقان دارد. «لَئِنْ أَصابَکُمْ فَضْلٌ» ، «یا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ» ۶ در نظر منافقان،رستگاری،رسیدن به دنیاست. «فَوْزاً عَظِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۷۴]

اشاره

فَلْیُقاتِلْ فِی سَبِیلِ اللّهِ الَّذِینَ یَشْرُونَ الْحَیاهَ الدُّنْیا بِالْآخِرَهِ وَ مَنْ یُقاتِلْ فِی سَبِیلِ اللّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً (۷۴)

پس باید در راه خدا کسانی بجنگند که زندگی دنیا را به آخرت می فروشند و کسی که در راه خدا می جنگد،کشته شود یا پیروز گردد،بزودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد.

پیام ها:

۱ هدف از جنگ در اسلام،فقط خداست،نه کشورگشایی،نه استثمار و نه انتقام.

«فِی سَبِیلِ اللّهِ»

۲ جهاد،توفیقی است که به همه داده نمی شود. «فَلْیُقاتِلْ» ، «الَّذِینَ یَشْرُونَ الْحَیاهَ الدُّنْیا» دنیاطلبان نه لیاقت جبهه را دارند و نه شجاعت آن را.

۳ جهاد اکبر و مبارزه با دنیا پرستی،مقدّمه ی جهاد اصغر و مبارزه با دشمن است. «فَلْیُقاتِلْ فِی سَبِیلِ اللّهِ الَّذِینَ...» ۴ مجاهد فی سبیل اللّه هرگز مغلوب نیست.(به جای« یَغْلِبْ »می فرماید: «فَیُقْتَلْ» ۵ در جبهه ی حقّ،فرار و شکست مطرح نیست،یا شهادت یا پیروزی. «فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ» ۶ منافق،فقط غنائم را«فوز عظیم»می داند(در آیه ی قبل)ولی قرآن،هم برای پیروزی و هم برای شهادت،«اجر عظیم»قرار داده است. «أَجْراً عَظِیماً» ۷ وعده ی« أَجْراً عَظِیماً »تشویق برای عزیمت به جبهه است.

۸ زندگی آخرت برتر از زندگی دنیاست و معامله دنیا با آخرت کار بزرگی است. «یَشْرُونَ الْحَیاهَ الدُّنْیا بِالْآخِرَهِ» ، «أَجْراً عَظِیماً» ۹ پاداش شهید و رزمنده پیروز یکسان است. «فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ» ، «أَجْراً عَظِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۷۵]

اشاره

وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اَللّهِ وَ اَلْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ اَلرِّجالِ وَ اَلنِّساءِ وَ اَلْوِلْدانِ اَلَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هٰذِهِ اَلْقَرْیَهِ اَلظّالِمِ أَهْلُها وَ اِجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اِجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیراً (۷۵)

شما را چه شده که در راه خدا و(در راه نجات)مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید،آنان که می گویند:پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت،یاوری برای ما تعیین فرما.

نکته ها:

آیه درباره ی مسلمانانی است که تحت فشار و شکنجه ی مردم مکّه قرار داشتند.

و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده اند،نکوهش می کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:مقصود از مستضعفینی که در تحت حکومت ظالمانند،ما هستیم.و امام صادق علیه السلام در پاسخ به اینکه مستضعفین چه کسانی هستند؟ فرمود:

کسانی که نه مؤمن هستند و نه کافر. (۱)

پیام ها:

۱ مسلمانان باید نسبت به هم،غیرت و تعصّب مکتبی داشته باشند و در برابر ناله ها و استغاثه ها بی تفاوت نباشند. «ما لَكُمْ....»
۲ از اهداف جهاد اسلامی،تلاش برای رهایی مستضعفان از سلطه ستمگران است. «فِی سَبِیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ».

۳ اسلام مرز نمی شناسد،هر جا که مستضعفی باشد،جهاد هست. «وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ» ۴ ارتش اسلام باید به حدی مقتدر باشد که نجات بخش تمام محرومان جهان باشد. «ما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ» ۵ در شیوه ی دعوت به جهاد،باید از عواطف مردم کمک گرفت. «الْمُسْتَضْعَفِینَ» ، «الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا...» ۶ سرپرستی و ولایت بر مسلمانان باید از طرف خدا باشد. «مِنْ لَدُنْكَ وَلِیًّا»

[سوره النساء (۴): آیه ۷۶]

اشاره

اَلَّذِینَ آمَنُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اَللّهِ وَ اَلَّذِینَ كَفَرُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اَلطّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِیاءَ اَلشَّیْطانِ إِنَّ كَیْدَ اَلشَّیْطانِ كانَ ضَعِیفاً (۷۶)

ص :۳۲۹

۱- ۱) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۵۷.

کسانی که ایمان آورده انـد،در راه خدا جهاد می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند.پس با دوستان و یاران شیطان بجنگید(و بیم نداشته باشید)زیرا حیله ی شیطان ضعیف است.

نکته ها:

گرچه نیرنگ های شیطانی کفّار بزرگ است، «وَ مَکَرُوا مَکْراً کُبّاراً» (۱)و نزدیک است کوه ها از مکر کفّار،از جا کنده شود، «وَ إِنْ کانَ مَکْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبالُ» (۲)ولی در برابر اراده ی خداوند،سست و ضعیف است.

پیام ها:

۱ لازمه ی ایمان،جهاد با کفّار است. «الَّذِینَ آمَنُوا یُقاتِلُونَ» ۲ جهاد اسلامی،در راه خدا و برای حفظ دین خداست،نه کشورگشایی یا انتقام گیری. «یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللّهِ» ۳ جامعه ی الهی و غیر الهی را از نوع درگیری هایشان می توان شناخت. «فِی سَبِیلِ اللّهِ» ، «فِی سَبِیلِ الطّاغُوتِ» ۴ درگیری و تضاد همیشه بوده و هست،ولی در چه راهی و برای چه هدفی؟ «فِی سَبِیلِ اللّهِ...» ۵ مثلث کفر،طاغوت و شیطان،اتحاد محکمی دارند. «کَفَرُوا» ، «الطّاغُوتِ» ، «الشَّیْطانِ» ۶ با مقایسه میان دو نوع مبارزه و هدف،به ارزش کار خود پی ببرید و در جنگ بکوشید. «فَقاتِلُوا أَوْلِیاءَ الشَّیْطانِ» ۷ گرچه دشمنان نقشه ها دارند،ولی نترسید،که نقشه هایشان ضعیف است. «إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً» ۸ پایان خط طاغوت و راه شیطان،ناکامی است. «إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً»

۱- ۱) .نوح،۲۲.

۲- ۲) .ابراهیم،۴۶.

[سوره النساء (۴): آیه ۷۷]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ إِلَى اَلَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا اَلصَّلاٰةَ وَ آتُوا اَلزَّكٰاةَ فَلَمّٰا كُتِبَ عَلَيْهِمُ اَلْقِتٰالُ إِذٰا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ اَلنّٰاسَ كَخَشْيَةِ اَللّٰهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قٰالُوا رَبَّنٰا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا اَلْقِتٰالَ لَوْ لاٰ أَخَّرْتَنٰا إِلىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتٰاعُ اَلدُّنْيٰا قَلِيلٌ وَ اَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اِتَّقىٰ وَ لاٰ تُظْلَمُونَ فَتِيلاً (۷۷)

آیا نمی نگری کسانی را که(پیش از هجرت)به آنان گفته شد(اکنون)دست نگهدارید و نماز به پا دارید و زکات بپردازید.لیکن چون جهاد(در مدینه)بر آنان مقرّر شد،گروهی از آنان از مردم(مشرک مکّه)چنان می ترسیدند که گویا از خدا می ترسند،بلکه بیش از خدا(از کفّار می ترسیدند)و(از روی اعتراض) گفتند:پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ چرا ما را تا سرآمدی نزدیک (مرگ طبیعی)مهلت ندادی؟ بگو:برخورداری دنیا اندک و ناچیز است و برای کسی که تقوا پیشه کند آخرت بهتر است،و به اندازه ی رشته ی میان هسته خرما،به شما ستم نخواهد شد.

نکته ها:

مسلمانان صدر اسلام در دوران سخت مکّه،از پیامبر اسلام اجازه ی جنگ با مشرکان را می خواستند و می گفتند:پیش از اسلام عزیز بودیم،اینک به خاطر اسلام گرفتار فشاریم،بگذار بجنگیم تا عزّت خود را به دست آوریم.پیامبر صلی اللّه علیه و آله که آن هنگام مأمور به جنگ نبود،اجازه نمی داد،ولی پس از هجرت که فرمان جهاد آمد،جمعی از همان جهاد طلبان،دست به اعتراض و بهانه جویی زدند و کفّار مکّه را بزرگ شمرده و از آنان به شدّت می ترسیدند.

« خَشْيَةً »به ترسی گفته می شود که برخاسته از عظمت و بزرگ دانستن طرف باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:مراد از «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» ،«کفوا السنتکم»است،گویا شعارهای

توخالی می دادند که آیه نازل شد،دست بردارید. (۱)

امام باقر علیه السلام یکی از نمونه ها را صلح امام حسن علیه السلام معرّفی فرمودند که آن صلح از آنچه خورشید بر آن می تابد برای امّت اسلام بهتر بود. (۲)

آری،رهبر معصوم گاهی مثل امام حسن علیه السلام فرمان آتش بس می دهد و گاهی مانند امام حسین علیه السلام جنگ و شهادت را لازم می داند.

در روایات متعددی می خوانیم که مراد از اجل قریب که مردم تقاضای تأخیر جهاد را تا آن زمان دارند،قیام حضرت مهدی علیه السلام است. (۳)یعنی افرادی می گویند:تا زمان قیام امام زمان علیه السلام نباید حکم قتال بیاید.

پیام ها:

۱ توجّه به تاریخ،سازنده است. «أَ لَمْ تَرَ...» ۲ در آغاز هر انقلابی،تحمل مشکلات و سعه ی صدر لازم است. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» ۳ باید احساسات زودرس و شعارهای توخالی را کنترل کرد. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» ۴ دستورهای خداوند،طبق مصالح واقعی است،نه تقاضای مردم. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» (با توجّه به شأن نزول) ۵ همیشه و همه جا شمشیر کارساز نیست.در شرایط بحرانی و عدم آمادگی، نباید بهانه به دشمن قوی پنجه داد. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» ۶ از رسول خدا و فرمان خدا جلو نیفتید و در امور دینی،اظهار سلیقه ی شخصی نکنید. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» ۷ با نماز که یاد خداست،آرامش درونی کسب کنید و با زکات،خلاهای اقتصادی را پر کنید. «أَقِيمُوا الصَّلاٰةَ وَ آتُوا الزَّكٰاةَ» ۸ مسائل عبادی اسلام با مسائل اقتصادی آن بهم پیوسته است. «الصَّلاٰةَ» ، «الزَّكٰاةَ»

ص:۳۳۲

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۲،ص ۱۱۴.

۲- ۲) .کافی،ج ۸،ص ۳۳۰.

۳- ۳) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۵۷.

۹ در میان عبادات،نماز و زکات جایگاه ویژه دارد. «أَقِیمُوا الصَّلاٰهَ وَ آتُوا الزَّکاٰهَ» ۱۰ نماز بر زکات مقدّم است.(هر کجا نامی از این دو است،اوّل نام نماز است) ۱۱ فرمان نماز و زکات قبل از جهاد صادر و تشریع شده است. «کُفُّوا أَیْدِیَکُمْ وَ أَقِیمُوا الصَّلاٰهَ...» ۱۲ خودسازی،مقدّم بر جامعه سازی است،آنکه اهل نماز و زکات نباشد،اهل اخلاص و ایثار هم نخواهد بود. «أَقِیمُوا الصَّلاٰهَ وَ آتُوا الزَّکاٰهَ» ۱۳ آنان که زود داغ می شوند،زود هم سرد می شوند.آری هر داغی،سرد می شود،ولی هیچ پخته ای خام نمی شود. «کُفُّوا أَیْدِیَکُمْ» ، «فَلَمّٰا کُتِبَ» ، «لِمَ کَتَبْتَ» ۱۴ انقلابی بودن مهم نیست،انقلابی ماندن مهم است.گاهی از شعار تا عمل فاصله زیاد است. «فَلَمّٰا کُتِبَ» ، «إِذٰا فَرِیقٌ مِنْهُمْ یَخْشَوْنَ» ۱۵ فرمان جهاد،وسیله ی آزمایش مردم است. «کُتِبَ» ، «الْقِتٰالُ» ، «فَرِیقٌ مِنْهُمْ یَخْشَوْنَ» ۱۷ عامل مهم ترک جهاد،دلبستگی های دنیوی است. «لَوْ لاٰ أَخَّرْتَنٰا إِلیٰ أَجَلٍ» ۱۶ سرچشمه اعتراض به فرمان جهاد ترس است. «یَخْشَوْنَ» ، «لِمَ کَتَبْتَ» ۱۸ به فرمان های خدا و زمان صدور آنها اعتراض نکنید.در برابر امر الهی، محاسبات زمانی و مکانی خود را کنار بگذارید. «لَوْ لاٰ أَخَّرْتَنٰا إِلیٰ أَجَلٍ قَرِیبٍ» ۱۹ اعتراض به فرمان خدا نشانه ی بی تقوایی است. «لِمَ کَتَبْتَ» ، «خَیْرٌ لِمَنِ اتَّقیٰ» ۲۰ اگر چشم اندازتان را وسیعتر از این جهان مادّی قرار دهید،به متاع اندک دنیا دلبسته نمی شوید. «وَ الْآخِرَهُ خَیْرٌ» ۲۱ کامیابان آخرت،تنها اهل تقوایند. «خَیْرٌ لِمَنِ اتَّقیٰ»

[سوره النساء (۴): آیه ۷۸]

اشاره

أَیْنَمٰا تَکُونُوا یُدْرِکْکُمُ اَلْمَوْتُ وَ لَوْ کُنْتُمْ فِی بُرُوجٍ مُشَیَّدَهٍ وَ إِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَهٌ یَقُولُوا هٰذِهِ مِنْ عِنْدِ اَللّٰهِ وَ إِنْ تُصِبْهُمْ سَیِّئَهٌ یَقُولُوا هٰذِهِ مِنْ عِنْدِکَ قُلْ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ اَللّٰهِ فَمٰا لِهٰؤُلاٰءِ اَلْقَوْمِ لاٰ یَکٰادُونَ یَفْقَهُونَ حَدِیثاً (۷۸)

ص:۳۳۳

هر کجا باشید،مرگ شما را درمی یابد هر چند در دژهای مستحکم(یا ستارگان)باشید.اگر به آنان(منافقان)نیکی و پیروزی برسد،می گویند:این از سوی خداست،و اگر بدی به ایشان رسد،می گویند:این از جانب تو است.

بگو:همه چیز از سوی خداست.این قوم را چه شده که در معرض فهم هیچ سخنی نیستند؟

نکته ها:

این آیه،هم تشویقی به جهاد و نترسیدن از مرگ در جبهه ی درگیری است و هم پاسخی به فال بد زدنهای منافقان است،که بجای بررسی و فهم درست مسائل، تلخی ها و شکست ها را به گردن پیامبر خدا می اندازند.

پیام ها:

۱ با توجّه به قطعی و حتمی بودن مرگ،فرار از جنگ چرا؟ «أَيْنَمَا تَكُونُوا...» ۲ بدنام کردن رهبر،از شیوه های منافقان است. «هٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ» ۳ نباید با سلب مسئولیّت از خود،لغزشها را توجیه کرد و گناهان خود را به گردن دیگری انداخت. «يَقُولُوا هٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ» ۴ پیروزی و شکست،مرگ و حیات،تلخی ها و شیرینی ها همه در مدار مقدرات حکیمانه خداست. «كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ» ۵ منشأ همه ی حوادث تلخ و شیرین خداست،نه آنچه ثنویّت می گوید و اهریمن و یزدان را مطرح می کند. «كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ» ۶ منافقان عناد دارند و سخن حقّ را در نمی یابند. «لاٰ يَكٰادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثاً» ۷ خداوند را محور همه چیز دانستن(توحید افعالی)نیازمند تفکّر دقیق و عمیق است. «يَفْقَهُونَ» ۸ کسی که توحید و محوریّت خدا را درک نکند،هیچ یک از معارف را درک نمی کند. «لاٰ يَكٰادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثاً»

ص:۳۳۴

[سوره النساء (۴): آیه ۷۹]

اشاره

مٰا أَصٰابَکَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اَللّٰهِ وَ مٰا أَصٰابَکَ مِنْ سَیِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِکَ وَ أَرْسَلْنٰاکَ لِلنّٰاسِ رَسُولاً وَ کَفیٰ بِاللّٰهِ شَهِیداً (۷۹)

(ای انسان!)آنچه از نیکی به تو رسد از خداست و آنچه از بدی به تو برسد از نفس توست. و(ای پیامبر)ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم و گواهی خدا در این باره کافی است.

نکته ها:

در بینش الهی،همه چیز مخلوق خداست «اللّٰهُ خٰالِقُ کُلِّ شَیْءٍ» (۱)و خداوند،همه چیز را نیک آفریده است. «أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ» (۲)آنچه به خداوند مربوط است،آفرینش است که از حُسن جدا نیست و ناگواری ها و گرفتاری های ما،اوّلاً فقدان آن کمالات است که مخلوق خدا نیست،ثانیاً آنچه سبب محرومیّت از خیرات الهی است،کردار فرد یا جامعه است.

به تعبیر یکی از علما،زمین که به دور خورشید می گردد،همواره قسمتی که رو به خورشید است،روشن است و اگر طرف دیگر تاریک است،چون پشت به خورشید کرده و گر نه خورشید،همواره نور می دهد.بنا بر این می توان به زمین گفت:ای زمین هر کجای تو روشن است از خورشید است و هر کجای تو تاریک است از خودت می باشد.در این آیه نیز به انسان خطاب شده که هر نیکی به تو رسد از خداست و هر بدی به تو رسد از خودت است.

با آن همه ستایش قرآن از رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله،باید گفت:مراد از «فَمِنْ نَفْسِکَ» نفس انسان است،نه شخص پیامبر.و اللّه العالم در آیه قبل خواندیم که خوبی ها و بدی ها همه از نزد خداست و در این آیه می خوانیم:تنها خوبی ها از اوست و بدی ها از انسان است و این به خاطر آن است که بدی ها از آن جهت که از انسان صادر می شود به انسان نسبت داده شده و از آن

۱- ۱) .زمر،۶۳.

۲- ۲) .سجده،۷.

جهت که خود انسان و اراده او در تحت سیطره الهی است،به خدا نسبت داده می شود.چنان که اگر کارمند دولت خلاف کند،این خلاف هم به خود کارمند نسبت داده می شود،و هم به دلیل آنکه او کارمند دولت است،به دولت نسبت داده می شود.

امام رضا علیه السلام می فرماید:خداوند به انسان خطاب می کند که اراده و خواست تو نیز از من است. (۱)آری،انسان با خواست خداوند می تواند تصمیم بگیرد.

پیام ها:

۱ در جهان بینی الهی،هر نیکی و زیبایی از خداست. «مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّهِ» ۲ در برابر تضعیف روحیّه ها،باید تقویت روحیّه کرد.منافقان که بدی ها را از رسول اللّه می دانستند،این آیه در جبران آن می گوید: «مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» ۳ رسالت پیامبر اسلام،جهانی است. «أَرْسَلْناكَ لِلنّاسِ» ۴ انبیا برای همه مردم وسیله ی خیر هستند. «لِلنّاسِ»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۰]

اشاره

مَنْ يُطِعِ اَلرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اَللّهَ وَ مَنْ تَوَلّى فَما أَرْسَلْناكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً (۸۰)

هر کس پیامبر را پیروی کند،بی شک خداوند را اطاعت کرده است و هر که اعراض کند و سرباز زند،ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم.

پیام ها:

۱ سخن و رفتار پیامبر همچون قرآن،حجّت و لازم الاجراست. «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ...» ۲ اطاعت از اوامر حکومتی پیامبر واجب است.(مراد از اطاعت رسول، فرمان های حکومتی اوست،و گر نه اطاعت از دستورات الهی که با بیان رسول ابلاغ می شود،اطاعت از خداست نه رسول.) «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ»

۱- ۱) .تفسیر عیّاشی،ج ۱،ص ۲۵۸.

۳ انبیا معصومند. «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطٰاعَ اللّٰهَ» ۴ اوامر پیامبر،پرتوی از اوامر الهی و در طول آن است. «يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطٰاعَ اللّٰهَ» ۵ انسان،مختار است،نه مجبور. «مَنْ يُطِعِ» ، «وَ مَنْ تَوَلّٰى» ۶ وظیفه ی پیامبران،تبلیغ است،نه تحمیل. «وَ مَنْ تَوَلّٰى فَمٰا أَرْسَلْنٰاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۱]

اشاره

وَ يَقُولُونَ طٰاعَةٌ فَإِذٰا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طٰائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ اَلَّذِي تَقُولُ وَ اَللّٰهُ يَكْتُبُ مٰا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اَللّٰهِ وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ وَكِيلاً (۸۱)

(منافقان،به هنگام روز و در حضور تو)می گویند:اطاعت! پس چون از نزد تو بیرون می روند،گروهی از آنان در جلسات شبانه و بیتوته ها بر خلاف گفته ی تو کار می کنند،ولی خداوند،آنچه را در این جلسات می گذرد،می نویسد.پس از آنان اعراض و بر خداوند توکّل کن،و کافی است که خداوند،پشتیبان باشد.

پیام ها:

۱ به هر اظهار وفاداری و ایمانی دلگرم نباشید،چرا که منافقان با چرب زبانی خود را مطیع جلوه می دهند. «يَقُولُونَ طٰاعَةٌ» ۲ منافقان،جلسات سرّی شبانه و تشکیلات گروهی دارند. «بَيَّتَ طٰائِفَةٌ» ۳ دشمنان از نقاط کور و تاریک استفاده می کنند،از توطئه های آنان غافل نباشید.

«بَيَّتَ»

۴ قرآن،در انتقاد،همه را یکسان نمی داند. «طٰائِفَةٌ مِنْهُمْ» ۵ خداوند،به حساب توطئه ها و شیطنت های منافقان خواهد رسید. «يَكْتُبُ مٰا يُبَيِّتُونَ» ۶ در برابر توطئه های سری منافقان تنها بر خدا باید توکّل کرد،توکّل عامل موفقیّت است. «تَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ»

۷ خداوند،حامی مسلمانان و رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله است و پرده از توطئه های منافقان برداشته و با امدادهای غیبی آنان را یاری می کند. «وَ کَفیٰ بِاللّٰهِ وَکِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۲]

اشاره

أَ فَلاٰ یَتَدَبَّرُونَ اَلْقُرْآنَ وَ لَوْ کٰانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اَللّٰهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اِخْتِلاٰفاً کَثِیراً (۸۲)

چرا در معانی قرآن تدبّر نمی کنند؟ در حالی که اگر این قرآن،از طرف غیر خدا بود قطعاً اختلاف های بسیاری در آن می یافتند.

نکته ها:

از تهمت هایی که به پیامبر اسلام می زدند،آن بود که قرآن را شخص دیگری به محمّد صلی اللّه علیه و آله یاد داده است: «یُعَلِّمُهُ بَشَرٌ» (۱)این آیه در پاسخ آنان نازل شده است.

معمولاً در نوع سخنان و نوشته های افراد بشر در درازمدّت تغییر،تکامل و تضاد پیش می آید.امّا این که قرآن در طول ۲۳ سال نزول،در شرایط گوناگون جنگ و صلح،غربت و شهرت،قوّت و ضعف،و در فراز و نشیب های زمان آن هم از زبان شخصی درس نخوانده،بدون هیچگونه اختلاف و تناقض بیان شده،دلیل آن است که کلام خداست،نه آموخته ی بشر.

فرمان تدبّر در قرآن برای همه و در هر عصر و نسلی،رمز آن است که هر اندیشمندی هر زمان،به نکته ای خواهد رسید.حضرت علی علیه السلام درباره ی بی کرانگی مفاهیم قرآن فرموده است:«بحرا لا یدرک قعره» (۲)قرآن،دریایی است که تهِ آن درک نمی شود.

پیام ها:

۱ اندیشه نکردن در قرآن،مورد توبیخ و سرزنش خداوند است. «أَ فَلاٰ یَتَدَبَّرُونَ» ۲ تدبّر در قرآن داروی شفابخش نفاق است. «وَ یَقُولُونَ طٰاعَةٌ» ، «أَ فَلاٰ یَتَدَبَّرُونَ...»

۱- ۱) .نحل،۱۰۳.

۲- ۲) .نهج البلاغه،خطبه ۱۹۸.

۳ راه گرایش به اسلام و قرآن،اندیشه و تدبر است نه تقلید. «أَ فَلاٰ یَتَدَبَّرُونَ» ۴ قرآن همه را به تدبّر فراخوانده است و فهم انسان به درک معارف آن می رسد.

«أَ فَلاٰ یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ»

۵ پندار وجود تضاد و اختلاف در قرآن،نتیجه ی نگرش سطحی و عدم تدبّر و دقّت است. «أَ فَلاٰ یَتَدَبَّرُونَ» ۶ قرآن،دلیل حقّانیت رسالت پیامبر است. «لَوْ کٰانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّٰهِ...» ۷ یک دستی و عدم اختلاف در آیات نشان آن است که سرچشمه ی آن،وجودی تغییر ناپذیر است. «لَوْ کٰانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّٰهِ» ۸ هر چه از طرف خداست حقّ و ثابت و دور از تضاد و پراکندگی و تناقض است. «لَوْ کٰانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوا...» ۹ در قوانین غیر الهی همواره تضاد و تناقض به چشم می خورد. «لَوْ کٰانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوا...» ۱۰ اختلاف،تغییر و تکامل،لازمه ی نظریات انسان است. «لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلاٰفاً» ۱۱ برای ابطال هر مکتبی،بهترین راه کشف و بیان تناقض های آن است.

«لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلاٰفاً کَثِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۳]

اشاره

وَ إِذٰا جٰاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ اَلْأَمْنِ أَوِ اَلْخَوْفِ أَذٰاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی اَلرَّسُولِ وَ إِلیٰ أُولِی اَلْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ اَلَّذِینَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اَللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ اَلشَّیْطٰانَ إِلاّٰ قَلِیلاً (۸۳)

هنگامی که خبری(و شایعه ای)از ایمنی یا ترس(پیروزی یا شکست)به آنان (منافقان)برسد،آن را فاش ساخته و پخش می کنند،در حالی که اگر آن را (پیش از نشر)به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند،قطعاً آنان که اهل درک و فهم و استنباطند،حقیقت آن را در می یابند.و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود،به جز اندکی،پیروی از شیطان می کردید.

ص: ۳۳۹

نکته ها:

نشـر و پخش اخبار محرمانه و شایعات همیشه به مسـلمانان ضربه زده است.نشر اخبار سری معمولاً از روی ساد گی،انتقام،ضربه زدن،آلت دست شدن،طمع مادّی،خودنمایی و اظهار اطلاعات صورت می گیرد.اسـلام به خاطر جامعیّتی که دارد،به این مسأله پرداخته و در ایـن آیـه از افشـای رازهـای نظـامی نکـوهش می کنـد و نقـل اخبـار پیروزی یـا شـکست را پیش از عرضـه به پیشوایان،عامل غرور نابجا یا وحشت بی مورد از دشـمن می دانـد.و اگر هشـدارها و عنایت های الهی نبود، مسـلمانان بیشتر در این مسیر شیطانی(افشای سر)قرار می گرفتند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:کسی که اسرار ما را فاش کند،همانند کسی است که به روی ما شمشیر کشیده باشد. (۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید:مراد از اهل استنباط در آیه،ائمّه معصومین هستند. (۲)

پیام ها:

۱ رازداری و حفـظ اخبـار امنیّتی وظیفه مسـلمانان است و افشـای اسـرار آنها حرام است. «إِذٰا جٰاءَهُمْ أَمْرٌ» ، «أَذٰاعُوا بِهِ» ۲ پخش شایعـات،از حربه های منافقان است. «أَذٰاعُوا» (با توجّه با آیات قبل) ۳ اخبار جبهه و اسرار نظامی باید به یک نقطه برسد و پس از ارزیابی و تشـخیص به اندازه ی مصـلحت منتشر گردد. «رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ» ۴ عوام و عموم مردم،باید به اهل اسـتنباط رجوع کنند. «رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ...» ۵ اولی الامر بایـد از میان خودِ مؤمنین باشـد. «أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ» ۶ مسـلمانان باید دارای حکومت و تشـکیلات و رهبری باشند.اولی الامر صاحب دولت و حکومت و قدرت است. «إِلىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ» ۷ مسائل نظامی،سیاسی و امنیّتی باید تحت یک مدیریّت دارای اجتهاد و

۱- ۱) .وسائل،ج ۲۷،ص ۱۹۷.

۲- ۲) .وسائل،ج ۲۷،ص ۲۰۰.

استنباط باشد. «لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ» ۸ کنترل و هدایت اخبار امنیّتی و اسرار اجتماعی،ایجاد تشکیلات خبری برای جمع آوری و ارزیابی خبرهای سرنوشت ساز و عرضه آن به مردم از شئون رهبری است. «لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ» ۹ بین ولایت و فقاهت رابطه ی تنگاتنگ است.اولو الامر باید اهل استنباط باشند. «أُولِي الْأَمْرِ» ، «يَسْتَنْبِطُونَهُ» ۱۰ استنباط،تنها مخصوص احکام فقهی نیست. «أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ» ، «يَسْتَنْبِطُونَهُ» ۱۱ خنثی سازی توطئه از راه قرار دادن مراجع صلاحیّت دار در جریان اخبار و بررسی آنها،مصداق فضل و رحمت الهی است. «رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ» ، «فَضْلُ اللَّهِ» ۱۲ تعیین رسول اللّه و اولو الامر بعنوان مرجع مردم،و رهانیدن مردم از پیروی شیطان بزرگ ترین فضل و رحمت خدا است. «وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ...» ۱۳ مرکزیّت صحیح مانع انحراف است و جامعه ی بی رهبر در دام شیطان می افتد. «لَوْ لاٰ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ» ۱۴ انتشار اخبار نظامی و عدم مراجعه به رهبران الهی،پیروی از شیطان است.

«لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطانَ»

۱۵ اکثر مردم فریب شایعات را می خورند. «لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطانَ إِلاّٰ قَلِيلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۴]

اشاره

فَقٰاتِلْ فِي سَبِيلِ اَللّٰهِ لاٰ تُكَلَّفُ إِلاّٰ نَفْسَكَ وَ حَرِّضِ اَلْمُؤْمِنِينَ عَسَى اَللّٰهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ اَلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اَللّٰهُ أَشَدُّ بَأْساً وَ أَشَدُّ تَنْكِيلاً (۸۴)

پس در راه خدا پیکار کن،که جز شخص تو(کسی بر آن)مکلّف نیست و مؤمنان را(به جهاد)ترغیب کن،باشد که خداوند از گزند کافران جلوگیری کند و خداوند قدرتمندتر و مجازاتش دردناکتر است.

ص: ۳۴۱

نکته ها:

پس از پیروزی کفّار در احد ابو سفیان با غرور گفت:بار دیگر با مسلمانان در موسم بدر صغری(محلّ برپایی بازاری در سرزمین بدر در ماه ذی قعده)روبرو خواهیم شد.هنگام رسیدن موعد،پیامبر مردم را به جهاد دعوت کرد.عده ای به جهت شکست در احد روحیّه ی حضور نداشتند.آیه ی فوق نازل شد و پیامبر بار دیگر مردم را به جهاد دعوت کرد.هفتاد نفر حاضر شدند ولی درگیری رخ نداد و مسلمانان سالم به مدینه برگشتند.

«نکول»،به معنای امتناع کردن از روی ترس است.و« تَنْکِیلاً »،انجام کاری است که طرف را منصرف کند،همچون کیفر و مجازات.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که به هیچ پیامبر دیگری فرمان نیامد که اگر تنها شدی جهاد کن. (۱)در زمان ما نیز امام خمینی قدس سره فرمود:ابرقدرت ها بدانند اگر خمینی یکه و تنها بماند به راه خود و مبارزه با شرك و کفر ادامه خواهد داد.

امام باقر علیه السلام فرمود:پس از نزول این آیه پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله تمام جنگ ها را شخصاً فرماندهی می کرد. (۲)

پیام ها:

۱ رهبر باید پیشاهنگ دیگران باشد. «فَقاتِلْ» ۲ اگر مسلمانان نسبت به ناله ی مستضعفان بی تفاوت شدند،پیشوا باید به تنهایی حرکت کند. «إِلاّ نَفْسَکَ» ۳ رهبر باید چنان قاطع باشد که همراهی یا عدم همراهی مردم در جهاد،در او بی اثر باشد. «إِلاّ نَفْسَکَ» ۴ هر کس مسئول کار خویش است. «لا تُکَلَّفُ إِلاّ نَفْسَکَ» ۵ باید دل به خدا بست،نه مردم. «إِلاّ نَفْسَکَ»

۱- ۱) .تفسیر صافی.

۲- ۲) .تفسیر برهان،ج ۱،ص ۳۹۸ و عیاشی،ج ۱،ص ۲۶۱.

۶ وظیفه ی پیامبران،تشویق و دعوت است،نه اجبار. «حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ» ۷ جبهه و جهاد،نیاز به تبلیغات قوی دارد. «حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ» ۸ وظیفه ی ما قیام و جهاد است،شکستِ دشمن کار خداست. «فَقاتِلْ» ، «عَسَی اللّهُ أَنْ یَکُفَّ» ۹ قدرت الهی،برترین قدرت و مایه ی دلگرمی مؤمنان و تهدید متخلّفان است.

«وَ اللّهُ أَشَدُّ بَأْساً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۵]

اشاره

مَنْ یَشْفَعْ شَفاعَةً حَسَنَةً یَکُنْ لَهُ نَصِیبٌ مِنْها وَ مَنْ یَشْفَعْ شَفاعَةً سَیِّئَةً یَکُنْ لَهُ کِفْلٌ مِنْها وَ کانَ اَللّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مُقِیتاً (۸۵)

هر کس وساطت نیکو کند،او هم سهمی از پاداش خواهد داشت و هر کس به کار بد وساطت کند،بهره ای از کیفر خواهد داشت و خداوند بر هر چیزی نگهبان است.

نکته ها:

« مُقِیتاً »،یعنی آنکه قوت دیگری را می دهد و حافظ جان اوست و بطور عام،به معنای حافظ و حسابرس به کار می رود.

در آیه پیش،هر کس مسئول کار خود بود،امّا این آیه نقش دعوت و وساطت در کار نیک را،در بهره داشتن از پاداش و کیفر بیان می کند.

موعظه،آشتی دادن،تدریس،تشویق به جبهه،تعاون بر کار نیک،مصادیق «شَفاعَةً حَسَنَةً» هستند،چنان که در حدیث،دعا در حقّ دیگران،امر به معروف، راهنمایی و حتّی اشاره به کار خیر،از مصادیق« شَفاعَةً حَسَنَةً »ذکر شده است. (۱)غیبت،سخن چینی،کارشکنی،تهمت،فتنه،ترساندن از جبهه،وسوسه و توطئه، مصادیق «شَفاعَةً سَیِّئَةً» هستند.

۱- ۱) .تفسیر صافی.

پیام ها:

۱ فردگرایی و انزوا در اسلام ممنوع است. «يَشْفَعْ شَفاعَةً حَسَنَةً» ۲ دعوت به نیک و بد،شرکت در پاداش و کیفر است. «نَصِيبٌ مِنْها» ۳ به خاطر محدودیّت ها،نمی توان در هر کاری دخالت مستقیم داشت،ولی با شفاعت های خیر،می توان از آنها بهره برد. «نَصِيبٌ مِنْها» ۴ به دلاّل باید حقّی پرداخت شود،کسانی که در امور خیریّه یا در تجارت واسطه گری می کنند حقّی دارند. «يَشْفَعْ شَفاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْها» ۵ در وساطت ها،باید خدا را در نظر داشت. «كانَ اللّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۶]

اشاره

وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اَللّهَ كانَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيباً (۸۶)

و هرگاه شما را به درودی ستایش گفتند،پس شما به بهتر از آن تحیّت گویید یا(لا اقّل)همانند آن را(در پاسخ)باز گویید که خداوند همواره بر هر چیزی حسابرس است.

نکته ها:

مراد از« بِتَحِيَّةٍ »،سلام کردن به دیگران،یا هر امر دیگری است (۱)که با آرزوی حیات و سلامتی و شادی دیگران همراه باشد،همچون هدیه دادن.چنان که وقتی کنیزی به امام حسن علیه السلام دسته گلی هدیه داد،امام او را آزاد کرد و در پاسخ سؤال مردم،همین آیه را قرائت فرمود.

در اسلام،تشویق به سلام به دیگران شده،چه آنان را بشناسیم یا نشناسیم.و بخیل کسی شمرده شده که در سلام بخل ورزد.و پیامبر به هر کس می رسید حتّی به کودکان،سلام می داد.

۱- ۱) .تفسیر قمی،ج ۱،ص ۱۴۵.

در نظام تربیتی اسلام،تحیّت تنها از کوچک نسبت به بزرگ نیست،خدا،پیامبر و فرشتگان،به مؤمنان سلام می دهند. (۱)(به آداب سلام در روایات مراجعه شود).

پیام ها:

۱ رابطه ی عاطفی خود را نسبت به یکدیگر گرم تر کنید. «فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ» ۲ ردّ احسانِ مردم نارواست،باید آن را پذیرفت و به نحوی جبران کرد. «فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها» ۳ پاسخ محبّت ها و هدایا را نباید تأخیر انداخت.حرف فاء در کلمه «فَحَيُّوا» ۴ پاداش بهتر در اسلام استحباب دارد. «فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها» ۵ در پاسخ نیکی های دیگران،ابتدا به سراغ پاسخ بهتر روید،اگر نشد،پاسخی مشابه. «بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها» ۶ در جنگ هم اگر دشمن پیشنهاد صلح کرد،شما با رحمت بیشتری بپذیرید،یا مقابله به مثل آن را بپذیرید. «حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها» ۷ از تحیّت های بی جواب نگران باشید،که اگر مردم پاسخ ندهند،خداوند حساب آن را دارد و نه عواطف مردم را بی جواب گذارید،که خداوند به حساب شما می رسد. «إِنَّ اللّهَ كانَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيباً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۷]

اشاره

اَللّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ لا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّهِ حَدِيثاً (۸۷)

خداوند که معبودی جز او نیست،همه شما را در روز قیامت که هیچ شکّی در آن نیست جمع می کند،و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟

ص: ۳۴۵

---

۱ – ۱) .سلام خدا. «سَلامٌ عَلى نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ» .صافّات،۷۹. سلام پیامبر. «إِذا جاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآياتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ» .انعام،۵۴. سلام فرشتگان. «تَتَوَفّاهُمُ الْمَلائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلامٌ عَلَيْكُمْ» .نحل،۳۲.

پیام ها:

۱ مبـدأ و معـاد هر دو به دست یـک خـداست. «اللّهُ لاـ إِلهَ إِلاّـ هُوَ لَیَجْمَعَنَّكُمْ...» ۲ قیامت روز جمع شـدن همه برای حسابرسـی است،پس بایـد در راه جلب رضـای او کوشـش کرد و تنهـا او را پرستیـد. «لَیَجْمَعَنَّكُمْ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ» ۳ بـا آن همه دلایـل بر معاد(مثل عدالت خدا،حکمت او،نشانه های رسـتاخیز در طبیعت و حیات آن پس از مرگ در زمستان،خواب و بیداری،تجدید سلول هـای بـدن و...)جایی برای تردیـد در قیامت نیست. «لا رَیْبَ» ۴ هر جا که غفلت بیشتر باشـد،مربّی بایـد هشدارهای قاطع تری دهـد.(نشـانه هـای تأکیـد در آیه:حرف لام،نون تأکیـد ثقیله،جمله «لا رَیْبَ» ،جمله «أَصْـدَقُ مِنَ اللّهِ حَـدِیثاً» ،همه به خاطر غفلت انسان از قیامت است.)

[سوره النساء (۴): آیه ۸۸]

اشاره

فَما لَكُمْ فِی اَلْمُنافِقِینَ فِئَتَیْنِ وَ اَللّهُ أَرْكَسَهُمْ بِما كَسَبُوا أَ تُرِیدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اَللّهُ وَ مَنْ یُضْلِلِ اَللّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِیلاً (۸۸)

چرا درباره ی منافقانی که خداوند به خاطر اعمالشان،آنان را سرنگون کرده دو دسته شده اید؟! آیا می خواهید کسانی را که خداوند گمراه کرده،به راه آورید؟(مگر نمی دانید)هر که را خداوند گمراه کند،هرگز راهی برای نجاتش نخواهی یافت؟

نکته ها:

کلمه«ارکاس»به معنای واژگون کردن است،و مراد از «أَرْكَسَهُمْ» در آیه واژگونی فکری منافقان است.

در چند آیه ی قبل برای واسطه شدن و شفاعت در کار خیر و شر آیه ای خواندیم.

این آیه نمونه ای از شفاعت برای منافقان را بیان می کند.

گروهی در مکّه به ظاهر مسـلمان شدنـد،ولی هجرت نکردنـد و در عمل با مشـرکان بودند.بعـدها که هجرت کردند،(شاید هم برای جاسوسی)مؤمنان درباره ی آنان دو نظر داشتند.بعضی می گفتند:چون به توحید و معاد شهادت می دهند،رفتار

ص: ۳۴۶

برادرانه با آنان داشته باشیم،و بعضی به خاطر ترک هجرت و همکاری آنان با کفّار،طرفدار برخورد منفی با آنان بودند،که این آیه نازل شد.

جملات قرآن را در کنار هم معنا کنیم.در این آیه هم «أَضَلَّ اللّهُ» داریم و هم «یُضْلِلِ اللّهُ» ،ولی جمله «بِما کَسَبُوا» نیز هست.یعنی گمراه کردن الهی به خاطر عملکرد خود ماست.

پیام ها:

۱ با وجود رهبری همچون پیامبر صلی اللّه علیه و آله،تشتت آراء ناپسند است. «فَما لَکُمْ...» ۲ برای برخورد با منافقان،قاطعیّت و یکپارچگی لازم است. «فَما لَکُمْ» ، «فِئَتَیْنِ» ۳ عامل سقوط انسان،اعمال خود اوست. «أَرْکَسَهُمْ بِما کَسَبُوا» ۴ دایه ی مهربان تر از مادر نباشید.آنکه خود،مقدّمات سقوطش را فراهم کرده، چرا دلسوزی؟ «بِما کَسَبُوا» ، «أَ تُرِیدُونَ» ۵ وقتی پیمانه ی گناه پر شود،قهر خدا حتمی است.همه ی عوامل در برابر قدرت خداوند بی اثر می شوند. «وَ مَنْ یُضْلِلِ اللّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِیلاً» ۶ کسی که طبق نظام قانونمند الهی بخاطر عملکردش از گردونه خارج شد، حتی تو که پیامبری راهی برای نجاتش نمی یابی. «فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۸۹]

اشاره

وَدُّوا لَوْ تَکْفُرُونَ کَما کَفَرُوا فَتَکُونُونَ سَواءً فَلا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِیاءَ حَتّی یُهاجِرُوا فِی سَبِیلِ اَللّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَ اُقْتُلُوهُمْ حَیْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ لا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِیًّا وَ لا نَصِیراً (۸۹)

آنان(منافقان)دوست دارند که شما همچون خودشان کافر شوید،تا با آنان برابر گردید.پس از آنان دوستانی نگیرید تا آنکه(توبه کرده و)در راه خدا هجرت کنند.پس اگر سرباز زدند(و به همکاری با کفّار ادامه دادند)پس آنان را هر جا یافتید بگیرید و بکشید و از آنان هیچ دوست و یاوری نگیرید.

نکته ها:

روش برخورد بـا اهـل نفـاق،مراتبی دارد.اینگونه احکـام شدیـد که در این آیه آمـده، مربوط به گروهی از منافقـان است که با مشرکان در توطئه ها همکاری می کردند.

پیام ها:

۱ خداونـد از اسـرار و خواسـته های درونی منافقان پرده برمی دارد. «وَدُّوا...» ۲ منافقان و دشـمنان،فکر و عقیده ی شـما را می خواهنـد. «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» ۳ جامعه ی اسـلامی بایـد از منافقان تصـفیه شود و پیونـد دوستی و علاقه با آنان را قطع کنـد. «فَلا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِیاءَ» ۴ هجرت از منطقه ی کفر و شـرک و توطئه،واجب است. «حَتّی یُهاجِرُوا» ۵ نشانه ایمان واقعی،هجرت در راه خـداست. «حَتّی یُهاجِرُوا فِی سَبِیلِ اللّهِ» ۶ راه توبه همیشه بـاز است. «حَتّی یُهاجِرُوا» ۷ توبه ی هر گنـاهی،جبران همان گناه است.توبه ترک هجرت،هجرت است.

«حَتّی یُهاجِرُوا»

۸ منافقان کارشکن و توطئه گر،باید اعدام و سرکوب شوند و برای این کار، جامعه ی اسلامی باید قدرتمند باشد. «فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ» ۹ اسـلام در مبارزه با دشـمن و تعقیب مفسـدان،مرز نمی شـناسد. «فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَیْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» ۱۰ نباید به امکانـات مـادّی و نیروی نظامی منافقان دل بست و بایـد از کمک آنان چشم پوشـید. «لا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِیًّا وَ لا نَصِیراً» ۱۱ هر گونه ارتباط قلبی،سیاسی،نظامی،اقتصادی و فرهنگی با منافق در اسلام محکوم است. «لا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِیًّا وَ لا نَصِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۹۰]

اشاره

إِلَّا اَلَّذِینَ یَصِلُونَ إِلی قَوْمٍ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَهُمْ مِیثاقٌ أَوْ جاؤُکُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ یُقاتِلُوکُمْ أَوْ یُقاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شاءَ اَللّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَیْکُمْ فَلَقاتَلُوکُمْ فَإِنِ اِعْتَزَلُوکُمْ فَلَمْ یُقاتِلُوکُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَیْکُمُ اَلسَّلَمَ فَما جَعَلَ اَللّهُ لَکُمْ عَلَیْهِمْ سَبِیلاً (۹۰)

ص: ۳۴۸

مگر کسانی(از منافقان)که به قومی پیوسته اند که میان شما و آن قوم پیمانی است،یا(کسانی که)نزد شما می آیند در حالی که سینه هاشان از جنگ با شما یا قوم خودشان به تنگ آمده است(و اصلاً حال جنگ با هیچ طرفی را ندارند و این بی حوصلگی آنها لطف خداست)زیرا اگر خداوند می خواست آنان را بر شما مسلّط می کرد و آنان با شما مقاتله می کردند.پس اگر آنان از شما کناره گرفته و با شما نجنگیدند و پیشنهاد صلح و سازش دادند،خداوند برای شما راهی برای تعرّض و جنگ با آنان قرار نداده است.

پیام ها:

۱ به پیمان های نظامی حتّی با کفّار،باید احترام گذاشت. «بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَهُمْ مِیثاقٌ» ۲ در جنگ ها،به کسانی که اعلام بی طرفی می کنند،متعرّض نشوید. «حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ یُقاتِلُوکُمْ أَوْ یُقاتِلُوا قَوْمَهُمْ» ۳ مسلمانان باید چنان قدرتمند باشند که مخالفان در فکر هجوم نباشند.

«حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ یُقاتِلُوکُمْ»

۴ توجّه به قدرت الهی داشته باشید تا دچار غرور نشوید. «لَوْ شاءَ اللّهُ لَسَلَّطَهُمْ» ۵ با اراده و مشیّت الهی،منافقان و کفّار از جنگ با شما باز ماندند.مبادا ضعف آنان را به حساب قدرت خود بگذارید. «وَ لَوْ شاءَ اللّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَیْکُمْ» ۶ جهاد اسلام برای سلطه و تحمیل عقیده نیست،بلکه برای دفع شرّ و موانع است.پس اکنون که آنان از شما دست برداشته اند شما تعرّض بر آنان نکنید و اگر متعرّض شوید ممکن است خداوند به آنان نیرو دهد و شما را قلع و قمع نمایند. «وَ لَوْ شاءَ اللّهُ....لَسَلَّطَهُمْ....» ۷ به انگیزه های صلح طلبانه و تقاضای آتش بس،احترام بگذارید.چون در

اسلام،صلح اصل است و جنگ،در صورت ضرورت مجوّز دارد. «فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ» ، «فَمَا جَعَلَ اللّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً» ۸ تنها پیشنهاد صلح از سوی دشمن کافی نیست،برای اطمینان،ترک جنگ و القای سلام لازم است. «فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ» ۹ ملاک و معیار و ضوابط جنگ و صلح را باید خدا تعیین کند. «فَمَا جَعَلَ اللّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۹۱]

اشاره

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَ يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى اَلْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَ يُلْقُوا إِلَيْكُمُ اَلسَّلَمَ وَ يَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَ اُقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أُولٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَاناً مُبِيناً (۹۱)

بزودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می خواهند از شما(با اظهار اسلام)در امان باشند و از قوم خود نیز(با اظهار کفر)ایمن باشند.آنان هر بار به سوی فتنه(و بت پرستی)برگردند،در آن فرو می افتند.پس اگر از درگیری با شما کناره نگرفتند و به شما پیشنهاد صلح ندادند و دست از شما برنداشتند،آنان را هر جا یافتید،بگیرید و بکشید که آنانند کسانی که ما برای شما بر ایشان قدرت و تسلّطی آشکار قرار داده ایم.

نکته ها:

گروهی از مکّیان،برای حفظ جان خود،نزد پیامبر آمده و منافقانه اظهار اسلام می کردند و هنگامی که به مکّه برمی گشتند،سراغ بت پرستی می رفتند تا دچار شکنجه ی کافران نشوند و با این روش،از منافع هر دو گروه بهره مند می شدند و از خطرات هر دو جناح،در امان بودند و البتّه گرایش آنان به کفر بیشتر بود.

پیام ها:

۱ خداوند مسلمانان را از افکار و حرکات آینده دشمن آگاه می کند. «سَتَجِدُونَ» ۲ مسلمانان باید انواع دشمنان خود را شناخته،با هر یک برخوردی متناسب داشته باشند. «سَتَجِدُونَ آخَرِينَ...» ۳ به اظهارات هر کس اطمینان نکنید. «يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ» ۴ هدف منافقان،رفاه و زندگی آسوده است. «يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَ يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ» ۵ محیطها و زمینه های مناسب،خصلت های درونی افراد را بروز می دهد. «كُلَّما رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيها» ۶ عقربه ی روح منافقان به سوی کفر است و با مساعد دیدن زمینه،در آن فرو می روند. «كُلَّما رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيها» ۷ برخورد شدید و سرکوبگرانه،با منافقانی است که حرکت های براندازی علیه نظام اسلامی می دارند. «لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ» ، «يَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ» ۸ شناخت منافقان نیاز به آگاهی و تحقیق و اطلاعات دقیق دارد. «ثَقِفْتُمُوهُمْ» از «ثقافه»به معنای فرهنگ و علم است.

۹ مسلمانان باید از هر جهت بر کفّار سلطه یابند. «سُلْطاناً مُبِيناً» ۱۰ حکومت اسلامی در سرکوب منافقان توطئه گر و تصفیه ی جامعه،دستش باز است و ولایت دارد. «جَعَلْنا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطاناً مُبِيناً»

[سوره النساء (۴): آیه ۹۲]

اشاره

وَ ما كانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِناً إِلاّ خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلى أَهْلِهِ إِلاّ أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلى أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللّهِ وَ كانَ اَللّهُ عَلِيماً حَكِيماً (۹۲)

ص:۳۵۱

و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمن دیگر را بکَشد،مگر از روی اشتباه،و هر کس مؤمنی را به خطا کشت،پس باید برده ی مؤمنی را آزاد کند و خونبهای کشته را به خانواده اش تسلیم کند،مگر آنکه(خانوادهٔ مقتول،از دیه ی قاتل) بگذرد و اگر(مقتول)با آنکه مؤمن است،از قومی است که با شما دشمن است (جریمه اش فقط)آزاد کردن یک برده ی مؤمن است و اگر(مقتول)از قومی باشد که میان شما و آنان پیمان است،دیه ی او را به خانواده اش تسلیم کند و برده ی مؤمنی را آزاد سازد.و اگر(برده ای برای آزاد کردن،یا پولی برای خرید برده)نیافت،پس دو ماه پیاپی روزه بگیرد.این،(تخفیف و)بازگشتی از سوی خدا(به مردم)است،و خداوند دانا و حکیم است.

نکته ها:

مسلمانی به نام«عیّاش بن ابی ربیعه»که سالها در مکّه به دست«حارث»شکنجه شده بود،روزی پس از هجرت مسلمانان به مدینه،حارث را در مدینه دید و بی خبر از مسلمان شدنش،او را به عنوان کافر شکنجه گر کشت.خبر به پیامبر دادند،و این آیه نازل شد.

پرداخت دیه آثاری دارد:

الف:مرهمی برای بازماندگان مقتول است.

ب:جلوگیری از بی مبالاتی مردم است،تا نگویند قتل خطایی،بها ندارد.

ج:احترام به جان افراد و امنیّت اجتماعی است.

د:جبران خلأ اقتصادی است که در اثر قتل پیدا می شود.

در جایی که بستگان مقتول،از دشمنان مسلمین باشند،خونبها به آنان داده نمی شود،تا بنیه ی مالی دشمنان اسلام تقویت نشود.به علاوه اسلام،ارتباط مقتول مؤمن با خانوادهٔ کافرش را بریده است،پس جایی برای جبران نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود:آزاد کردن برده،پرداخت حقّ خدا و دیه دادن پرداخت

ص:۳۵۲

حقّ اولیای مقتول است. (۱)

یک دیه و خونبهای کامل،به اندازه ی متوسط درآمد یک فرد عادّی است.هزار مثقال طلا یا صد شتر و یا دویست گاو. (۲)

در آیه مقدار دیه بیان نشده،تا نیاز به مفسران واقعی قرآن و سنّت پیامبر و اهل بیت بیشتر احساس شود.

دیه ی پرداختی به خانواده مقتول مسلمان،اوّل آزادی برده مطرح شده،سپس خونبها، «فَتَحْرِیرُ رَقَبَهٍ مُؤْمِنَهٍ وَ دِیَهٌ» ولی در بستگان کافر،اوّل سخن از خونبهاست،سپس آزادی برده. «فَدِیَهٌ مُسَلَّمَهٌ» ، «وَ تَحْرِیرُ رَقَبَهٍ» شاید چون خویشانِ غیر مسلمان، توجّهشان بیشتر به مادّیات است و یا آنکه پرداخت دیه،در حفظ و بقای پیمان مؤثّرتر است.

پیام ها:

۱ قتل بی گناه،در اسلام حرام است. «وَ مٰا کٰانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ یَقْتُلَ» ۲ قتل،با ایمان ناسازگار است. «وَ مٰا کٰانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ یَقْتُلَ» ۳ مؤمن،جایز الخطاست،باید مواظب باشد. «وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً» ۴ احترام جان مسلمان تا حدّی است که از قتل خطایی هم نمی توان به آسانی گذشت. «وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً فَتَحْرِیرُ» ۵ خطا،یکی از ملاک های رفع تکلیف یا تخفیف در کیفر است. «فَتَحْرِیرُ رَقَبَهٍ» ۶ جبران فقدان مؤمن،با آزاد کردن انسان با ایمان است. «تَحْرِیرُ رَقَبَهٍ مُؤْمِنَهٍ» ۷ آزادی،نوعی حیات است.وقتی حیات یک نفر گرفته می شود،به جبرانش باید یک نفر را آزاد کرد. (۳)«تَحْرِیرُ رَقَبَهٍ» ۸ آزادی بردگان،در لابلای برنامه های اسلام گنجانده شده است. «فَتَحْرِیرُ رَقَبَهٍ» ۹ تسلیم دیه،مشروط به درخواست خانواده مقتول نیست،بلکه وظیفه ی قاتل

۱- ۱) .نور الثقلین،ج ۱،ص ۵۳۰.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

۳- ۳) .تفسیر المیزان.

پرداخت آن است. «مُسَلَّمَةٌ إِلىٰ أَهْلِهِ» ۱۰ به هر کس نباید دیه داد،باید به خانواده مقتول داد تا حقّ به حق دار برسد.

«مُسَلَّمَةٌ إِلىٰ أَهْلِهِ»

۱۱ خانوادهٔ مقتول،مالک خونبها می شود. «مُسَلَّمَةٌ إِلىٰ أَهْلِهِ» ۱۲ تعیین دیه ی خطاکار،رمز وجود جریمه در نظام اسلامی است. «دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ» ۱۳ در حالات هیجانی هم،عواطف و رحم نباید فراموش شود و عفو از خطاکار،یک صدقه ی پسندیده است. «إِلاّ أَنْ يَصَّدَّقُوا» ۱۴ ارزش پیمان تا آنجاست که گاهی کافر را در ردیف مؤمن قرار می دهد.

خونبها را به کافری که هم پیمان است باید داد. «فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ» ، «وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ» ۱۵ نوع جریمه ها باید از یک سو به نفع افراد مؤمن باشد، «فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ» و از سوی دیگر سبب تقویت جامعه ی کفّار نگردد.لذا پرداخت دیه و خونبها به دشمن حربی،ممنوع است. «فَإِنْ كٰانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ» ۱۶ شرط ایمان برای آزاد کردن برده،تشویقی است برای بردگان که به سراغ پذیرش اسلام بروند. «رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ» ۱۷ در اسلام و قوانینش،بن بست نیست.احکام اسلامی تعطیل نمی شود،ولی تخفیف دارد. «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ» ۱۸ در اسلام،جریمه به مقدار توان جسمی و مالی افراد است. «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ» ۱۹ روزه های پیاپی،وسیله ای برای پاکسازی روح است. «فَصِيٰامُ شَهْرَيْنِ مُتَتٰابِعَيْنِ» ۲۰ اسلام،به بعد ایمانی افراد تکیه دارد.آزاد کردن برده و پرداخت دیه،دیدنی است،ولی روزه گرفتن،دیدنی نیست و به این وسیله،انسان و جدان دینی و اخلاقی خود را جریمه می کند. «فَصِيٰامُ شَهْرَيْنِ مُتَتٰابِعَيْنِ» ۲۱ جان مؤمن بسیار مهم است،و کفّارات،نوعی تخفیف و ارفاق الهی است.

«تَوْبَةً مِنَ اللّٰهِ»

۲۲ قتل غیر عمدی نیز انسان را از لطف خدا دور می کند و پرداخت دیه و آزاد

کردن برده راهی است برای برگرداندن لطف الهی به قاتل. «تَوْبَةً مِنَ اللّهِ» ۲۳ قوانین الهی،بر اساس علم و حکمت و با ملاحظه ی همه ی جوانب مسأله است. «کانَ اللّهُ عَلِیماً حَکِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۹۳]

اشاره

وَ مَنْ یَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خالِداً فِیها وَ غَضِبَ اَللّهُ عَلَیْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذاباً عَظِیماً (۹۳)

و هر کس به عمد مؤمنی را بکشد پس کیفرش دوزخ است که همیشه در آن خواهد بود،و خداوند بر او غضب و لعنت کرده و برای او عذابی بزرگ آماده ساخته است.

نکته ها:

در شرایط بحرانی جنگ احد،یکی از مسلمانان،مسلمان دیگری را به خاطر خصومت های شخصی دوران جاهلیّت کشت.پیامبر اکرم از طریق وحی آگاه شد و در بازگشت از احد،در محلّه ی«قُبا»به قصاص قتل مؤمن دستور داد،آن مسلمان قاتل را بکشند و به پشیمانی او توجّهی نکرد. (۱)

اسلام برای جان مسلمان و حفظ امنیّت افراد،اهمیّت بسیار قائل شده و کیفر عذاب ابدی را برای آن مقرّر داشته تا جلوی قتل و جرائم سنگین گرفته شود.

تعبیراتی که در این آیه برای«قتل عمدی مؤمن»به کار رفته،درباره ی هیچ گناهی نیامده است.امام صادق علیه السلام فرمود:توبه ی کسی که از روی عمد مؤمنی را بکشد قصاص است. (۲)

«تعمد»از«عمود»است و از آنجا که ستون کارها نیّت است،به کاری که با انگیزه ی قبلی باشد،عمدی گویند.

۱- ۱) .مغازی،ج ۱،ص ۳۰۴،به نقل از:پیامبری و جهاد،ص ۳۲۷.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۷،ص ۲۷۶.

در روایات متعدّدی به بزرگی گناه قتل تصریح شده،از جمله:

۱ در قیامت،قتل بی گناهان اوّلین مسأله ای است که از آن سؤال می شود.

۲ یاغی ترین افراد،کسی است که انسانی را بکشد یا بزند.

۳ علاوه بر گناه قتل،گناهان مقتول هم به دوش قاتل می افتد.

۴ اگر اهل آسمان و زمین در قتل مؤمنی شریک شوند،همه عذاب می شوند.

۵ اگر همه دنیا فنا شود،آسان تر از قتل یک بی گناه است. (۱)

پیام ها:

۱ در نظام اسلامی،هیچ مقامی حقّ قتل و اعدام بی جهت دیگران را ندارد. (۲)«مَنْ یَقْتُلْ» ، «مُتَعَمِّداً» ۲ ارزش انسان به افکار و عقاید صحیح اوست. «مُؤْمِناً» ۳ در کیفر،حساب لغزشهای آگاهانه و مغرضانه جداست. «مُتَعَمِّداً» ۴ قتل و خونریزی از گناهان کبیره است. «فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ» ۵ مجازات و کیفر سنگین،از عوامل بازدارنده فساد در جامعه و عامل ایجاد و حفظ امنیّت اجتماعی است. «مَنْ یَقْتُلْ» ، «فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ»

[سوره النساء (۴): آیه ۹۴]

اشاره

یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا إِذا ضَرَبْتُمْ فِی سَبِیلِ اَللّهِ فَتَبَیَّنُوا وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقی إِلَیْکُمُ اَلسَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ اَلْحَیاهِ اَلدُّنْیا فَعِنْدَ اَللّهِ مَغانِمُ کَثِیرَهٌ کَذلِکَ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اَللّهُ عَلَیْکُمْ فَتَبَیَّنُوا إِنَّ اَللّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه در راه خدا(برای جهاد)گام برداشتید پس(در کار دشمن)تحقیق کنید و به کسی که نزد شما(با کلامی یا عملی یا

۱- ۱) .به وسائل،جلد ۱۹،صفحه ۲ به بعد،رجوع شود.

۲- ۲) .ولی در نظام طاغوتی شعار«اَنَا احیی و امیت»هست.بقره،۲۵۸.

سلامی یا پیشنهادی)اظهار اسلام و صلح می کند،نگویید:تو مؤمن نیستی، تا بدین بهانه کالای زندگی دنیا و غنائم بدست آورید.زیرا که غنائم بسیار، نزد خداوند است.شما نیز خودتان قبلاً این گونه بودید،پس خداوند بر شما منّت نهاد(تا ایمان در جانتان نفوذ کرد)پس تحقیق کنید(و زود دست به اسلحه نبرید)که خداوند همواره به آنچه انجام می دهید،به خوبی آگاه است.

نکته ها:

پس از نبرد خیبر،رسول خدا صلی اللّه علیه و آله«اسامه بن زید»را همراه گروهی از مسلمانان به سوی یهودیان در یکی از روستاهای فدک اعزام کرد تا آنان را به اسلام یا قبول شرایط ذمّه دعوت کنند.یکی از یهودیان به نام«مرداس»با آگاه شدن از آمدن سپاه اسلام،اموال و خانوادهٔ خود را در پناه کوهی قرار داد و در حالی که به توحید و نبوّت پیامبر گواهی می داد،به استقبال مسلمانان آمد.اُسامه به خیال آنکه او از روی ترس اظهار اسلام می کند،او را کشت و اموالش را به غنیمت گرفت.پیامبر خدا از این رفتار که به کشتن یک مسلمان انجامید،ناراحت شد.

انگیزه ی مادّی و کسب غنائم در جهاد،چیزی است که اسلام آن را نکوهش کرده و از اقدام شتابزده و کشتن بی تحقیق،زیر عنوان حرکت انقلابی و قاطعیّت،انتقاد نموده است.

جمله ی «کَذٰلِکَ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ» هم می تواند اشاره به این باشد که شما خودتان هم در آغاز،به ظاهر ادّعای اسلام می کردید و هم می تواند(آن گونه که در المیزان آمده است)اشاره به این باشد که خود شما نیز در جاهلیّت با انگیزه های مادّی و برای رسیدن به غنائم می جنگیدید و اسلام آن انگیزه ها را از میان برد.

ممکن است مراد از «أَلْقیٰ إِلَیْکُمُ السَّلاٰمَ» اظهار اسلام و گفتن شهادتین باشد که با شأن نزول موافق است و یا مراد از القاء سلام،پیشنهاد آتش بس و ترک جنگ و تسلیم باشد نه اسلام آوردن،که معنای آیه این می شود:به کسی که پیشنهاد عدم تعرّض می کند و اظهار تسلیم و ترک جنگ دارد،نگویید:تو به حرفت ایمان

نداری و دروغ می گویی تا بتوانید او را بکشید و غنائمی به دست آورید. (۱)

البتّه ممکن است مراد از جمله «فَتَبَيَّنُوا» در آخر آيه،تحقيق در تاريخ جاهليّت باشد.يعنی شما قبل از اسلام برای دنيا جنگ می كرديد پس تحقيق كنيد يعنی تاريخ را بررسی كنيد كه چگونه اسلام به شما رشد داد،پس از تازه مسلمانان توقّع بالا نداشته باشيد. (۲)

پيام ها:

۱ جهاد بايد بر اساس اطلاعات و آگاهی از وضعيّت و اهداف دشمن باشد.

«فَتَبَيَّنُوا»

۲ كسانی را كه اظهار اسلام می كنند،با آغوش باز بپذيريد. «لا تَقُولُوا» ، «لَسْتَ مُؤْمِناً» ۳ در جبهه ی جهاد،از قدرت خود سوء استفاده نكنيد. «لا تَقُولُوا» ، «لَسْتَ مُؤْمِناً» ۴ بر چسب بی دينی به ديگران زدن و عجله در نسبت دادن كفر به افراد مشكوك ممنوع. «لا تَقُولُوا» ، «لَسْتَ مُؤْمِناً» ۵ ما مأمور به ظاهريم،نه درون افراد،اگر گفتارشان را نمی پذيريم،فوری هم ردّ نكنيم. «لا تَقُولُوا» ، «لَسْتَ مُؤْمِناً» ۶ نه تنها ادّعا دليل می خواهد،بلكه ردّ مطلب نيز دليل می خواهد. «لا تَقُولُوا» ، «لَسْتَ مُؤْمِناً» ۷ با انگيزه های مادّی ديگران را تكفير نكنيد. «تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيٰاةِ الدُّنْيٰا» ۸ در جنگ ها،اهداف مادّی را كنار بگذاريد و قداست جهاد را با غنيمت طلبی نشكنيد. «تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيٰاةِ الدُّنْيٰا» ۹ جاذبه ی دنيا،رزمندگان جان بر كف را هم رها نمی كند. «إِذٰا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ» ، «تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيٰاةِ الدُّنْيٰا» ۱۰ هدف از جهاد،پيوستن ديگران به اسلام است،نه كسب غنائم.پس به خاطر

۱- ۱) .تفسير راهنما.

۲- ۲) .تفسير راهنما ذيل آيه.

غنائم،دیگران را متّهم به بی دینی نکنیم. «لاٰ تَقُولُوا» ، «لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَیٰاةِ الدُّنْیٰا» ۱۱ خطر عوض شدن انگیزه ها در جهاد،بسیار مهم است. «تَبْتَغُونَ» ۱۲ دنیا،عارضی،ناپایدار و زودگذر است. «عَرَضَ الْحَیٰاةِ الدُّنْیٰا» ۱۳ زهد و بی اعتنایی به دنیا،باید اخلاق رزمنده ی مؤمن باشد. «تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَیٰاةِ الدُّنْیٰا» ۱۴ شما بی تحقیق و بی پروا گام برندارید،خداوند مسائل مادّی را حل می کند.

«فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغٰانِمُ کَثِیرَةٌ»

۱۵ یاد پاداش های الهی،دنیا را در نظر کوچک می کند. «فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغٰانِمُ کَثِیرَةٌ» ۱۶ نعمت های مادّی را هم از خدا بخواهیم. «فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغٰانِمُ» ۱۷ انسان فطرتاً دنبال منافع مادّی است و باید به نحوی تأمین شود،چه بهتر که با شناساندن ارزشهای بهتر و جهت دادن به این خواسته فطری او را از سقوط در ورطه سودهای کم و ناروا باز داریم. «فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغٰانِمُ کَثِیرَةٌ» ۱۸ دنیاگرایی،خصلتی جاهلی است. «کَذٰلِکَ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ» ۱۹ خود را به جای دیگران بگذارید،بعد قضاوت کنید.شما هم روزی چنین بودید. «کَذٰلِکَ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ» ۲۰ مغرور نشوید،که ایمانتان از خداست. «فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَیْکُمْ» ۲۱ هدایت های الهی،منّت خداوند بر ماست. «فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَیْکُمْ» ۲۲ نعمت ها مسئولیّت آورند. «فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَیْکُمْ فَتَبَیَّنُوا» ۲۳ خطر و ضرر قتل نابجا،بیش از احتمال نفاق از سوی دشمنان و از دست دادن غنائم است.عهده داران مال و جان و آبروی مردم،باید اصل احتیاط و تحقیق را فراموش نکنند. «فَتَبَیَّنُوا» ، «فَتَبَیَّنُوا» ۲۴ نه ساده اندیش باشید،نه زود باور.نه بد اندیش و نه کینه توز. «فَتَبَیَّنُوا» ۲۵ در حوادث جنگ که زمینه و بهانه برای قتل بی گناهان است،با عقل و

حوصله برخورد کنید،نه با احساسات،که خداوند،آگاه و بیناست. «إِنَّ اللّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۹۵]

اشاره

لا یَسْتَوِی الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ غَیْرُ أُولِی الضَّرَرِ وَ الْمُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدِینَ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَی الْقاعِدِینَ دَرَجَةً وَ کُلاًّ وَعَدَ اللّهُ الْحُسْنی وَ فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدِینَ عَلَی الْقاعِدِینَ أَجْراً عَظِیماً (۹۵)

مؤمنانی که بدون عذر و ضرر(مثل بیماری و معلولیّت)از جهاد بازنشسته اند،با مجاهدانی که با اموال و جانهای خویش در راه خدا جهاد می کنند،یکسان نیستند.

خداوند،جهادگران با اموال و جانشان را بر وانشستگان(از جنگ)به درجه ای برتری داده است.خداوند همه مؤمنان را وعده ی(پاداش)نیک تر داده است،ولی خداوند مجاهدان را بر وانشستگان،با پاداش بزرگی برتری داده است.

نکته ها:

کسانی که به جبهه ی جهاد نمی روند،چند گروهند:منافقان بی ایمان،مسلمانان ترسو،رفاه طلبان،شکّاکان،بی همّتان که می گویند:با مال و بیان و قلم و دعا، رزمندگان را دعا و حمایت می کنیم،و جهاد،برای ما واجب عینی نیست.این آیه، به این گروه آخر مربوط می شود و از آنان انتقاد می کند.زیرا گروه های دیگر در موارد متعدّد به شدّت مورد انتقاد قرار گرفته اند و هیچ گونه مقام و درجه ای ندارند تا مجاهدان یک درجه بالاتر از آنان باشند.

در روایات آمده است،کسانی که به خاطر بیماری نمی توانند بجنگند ولی دلشان همراه رزمندگان است،با آنان در ثواب جهاد برابرند. (۱)

۱- ۱) .تفسیر صافی.

آیه مربوط به واجب کفایی است و اگر جهاد واجب عینی بود،از قاعدان به عنوان متخلّف یاد می شد.

پیام ها:

۱ شیوه ی تبلیغ و تشویق،باید مرحله ای باشد.(ابتدا فرمود: «لاَ یَسْتَوِی» ،سپس فرمود: «دَرَجَةً» و در آخر: «أَجْراً عَظِیماً» ۲ با هر کس باید به نحوی سخن گفت:قرآن با مؤمنان جبهه نرفته و منافقان و ترسوها و رفاه طلبان برخورد متفاوت دارد.تنها با کلمه «الْقاعِدِینَ» از مؤمنان جبهه نرفته یاد کرده است.

۳ آنان که مشکلات جسمی دارند از جهاد معافند. «غَیْرُ أُولِی الضَّرَرِ» ۴ جهاد مالی در کنار جهاد با جان مطرح است،چون بدون پشتوانه ی مالی، جبهه ضعیف می شود. «بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ» ۵ کمک های داوطلبانه ی مردم،از جمله منابع تأمین بودجه های دفاعی است.

«بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ»

۶ هر کجا خطر ناباوری مردم محتمل است،اصرار و تکرار لازم است.(در این آیه و آیه بعد جمله ی «فَضَّلَ اللّهُ» و «دَرَجَةً» تکرار شده است.) ۷ خدمات و تلاش هر کس محترم است و به خاطر شرکت کسانی در جبهه، نباید ارزش های دیگران نادیده گرفته شود.برتری مجاهدان آری،امّا طرد دیگران هرگز. «کُلاًّ وَعَدَ اللّهُ الْحُسْنی» ۸ هر کس در هر موقعیّت و مقام و خدمتی که باشد،باید بداند مقام رزمندگان مخلص از او بالاتر است. «فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدِینَ» ۹ اگر خداوند به رزمندگان فضیلت داده است،پس جامعه هم باید برای مجاهدان و شهدا در اجتماع،گزینش ها و برخوردها حساب خاصی باز کند.

(البتّه به شرطی که برای رزمنده نیز توقّعات نابجا پیدا نشود و گرفتار سوء عاقبت نگردد). «فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدِینَ»

ص: ۳۶۱

[سوره النساء (۴): آیه ۹۶]

اشاره

دَرَجٰاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كٰانَ اَللّٰهُ غَفُوراً رَحِيماً (۹۶)

(آن پاداش بزرگ)درجاتِ(مهم و متعدّد)همراه با آمرزش و رحمتی از جانب اوست و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

پیام ها:

۱ تفاوت مبارزان با قاعدان اندک نیست،بلکه فاصله بسیار است. «دَرَجٰاتٍ» ۲ شرط دریافت و برخورداری از رحمت الهی،پاک بودن و پاک شدن است.

ابتدا «مَغْفِرَةً» آمده،سپس «رَحْمَةً» ۳ خداوند،غفور و رحیم است،امّا شرط برخورداری از این غفران و رحمت، جبهه رفتن و جهاد است. «مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً» ، «غَفُوراً رَحِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۹۷]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ تَوَفّٰاهُمُ اَلْمَلاٰئِكَةُ ظٰالِمِي أَنْفُسِهِمْ قٰالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قٰالُوا كُنّٰا مُسْتَضْعَفِينَ فِي اَلْأَرْضِ قٰالُوا أَ لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اَللّٰهِ وٰاسِعَةً فَتُهٰاجِرُوا فِيهٰا فَأُولٰئِكَ مَأْوٰاهُمْ جَهَنَّمُ وَ سٰاءَتْ مَصِيراً (۹۷)

همانا کسانی که فرشتگان،جانشان را می گیرند،در حالی که بر خویشتن ستم کرده اند،از آنان می پرسند:شما در چه وضعی بودید؟ گویند:ما در زمین مستضعف بودیم(و به ناچار در جبهه ی کافران قرار داشتیم)فرشتگان(در پاسخ)گویند:مگر زمین خداوند گسترده نبود تا در آن هجرت کنید؟ آنان، جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجامی است.

نکته ها:

پیش از جنگ بدر،کفّار مکّه مردم آن شهر را به جنگ با مسلمانان فراخواندند و تهدید کردند که همه باید شرکت کنند و هر کس تخلّف کند،خانه اش ویران و اموالش مصادره خواهد شد.برخی از مسلمانان هم که ساکن مکّه بودند و هنوز هجرت نکرده بودند،از ترس جان،همراه کفّار به جبهه ی جنگ با مسلمانان

آمدند و در«بدر»کشته شدند،آیه نازل شد و آنان را که با ماندن در محیط کفر و ترک هجرت،به خویش ستم کرده بودند،توبیخ کرد و مقصر دانست.

در روایات آمده است:کسی که به خاطر حفظ دین خود،حتّی یک قدم هجرت کند،اهل بهشت و همنشین حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و ابراهیم علیه السلام است. (۱)

پیام ها:

۱ فرشتگان به کارهای انسان آگاهند. «الْمَلاٰئِکَةُ» ، «قٰالُوا فِیمَ کُنْتُمْ قٰالُوا» ۲ ترک هجرت و از دست دادن هدف و عقیده،ظلم به خویش است.(شعار «خواهی نشوی رسوا،همرنگ جماعت شو»از نظر قرآن مردود است.) «ظٰالِمِی أَنْفُسِهِمْ» ۳ بازخواست گناه«ترک هجرت»پیش از هر چیز دیگر آغاز می شود.فرشتگان مأمور قبض روح در لحظه جان گرفتن ابتدا از آن بازخواست می کنند. «فِیمَ کُنْتُمْ» ۴ هجرت از محیط کفر واجب و سیاهیِ لشکر کفّار شدن حرام است. «کُنّٰا مُسْتَضْعَفِینَ» ، «أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وٰاسِعَةً» ۵ اگر می توانید،محیط را تغییر دهید،و گر نه از آنجا هجرت کنید تا مؤاخذه نشوید. «أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وٰاسِعَةً فَتُهٰاجِرُوا فِیهٰا» ۶ توجیه گناه پذیرفته نمی شود. «کُنّٰا مُسْتَضْعَفِینَ...» ۷ محیط و جوّ اکثریّت بر انسان مؤثر است،لذا انسان باید با هجرت،فشار محیط را در هم بشکند. «فَتُهٰاجِرُوا» ۸ اصل،خداپرستی است نه وطن پرستی. «أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وٰاسِعَةً فَتُهٰاجِرُوا» ۹ هجرت،یکی از درمان های استضعاف فکری و عقیدتی است. «کُنّٰا مُسْتَضْعَفِینَ» ، «أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وٰاسِعَةً»

۱- ۱) .تفسیر صافی ذیل آیه.

[سوره النساء (۴): آیات ۹۸ تا ۹۹]

اشاره

إِلاَّ اَلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ اَلرِّجالِ وَ اَلنِّساءِ وَ اَلْوِلْدانِ لا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لا يَهْتَدُونَ سَبِيلاً (۹۸) فَأُولئِكَ عَسَى اَللّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَ كانَ اَللّهُ عَفُوًّا غَفُوراً (۹۹)

مگر مردان و زنان و کودکان مستضعف(و زیردستی)که قدرت تدبیر و چاره جویی ندارند و راهی(برای هجرت)نمی یابند.

پس آنانند که امید است خداوند از آنان درگذرد و خداوند همواره آمرزنده و بخشاینده است.

نکته ها:

آنان که نه تدبیری برای دفع کفر دارند و نه راهی برای تسلیم حقّ،مستضعفند و تکلیف از آنان برداشته شده است. (۱)

امام باقر علیه السلام:مردان و زنانی که عقلشان مثل کودکان است،مستضعف هستند. (۲)

پیام ها:

۱ قدرت،شرط تکلیف است. «إِلاَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ...» ۲ هجرت حتّی بر زنان و کودکانی که در سیطره کفرند و توان هجرت دارند، واجب است. «وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ لا يَسْتَطِيعُونَ» ۳ مستضعف واقعی کسی است که توانایی هجرت و گریز از سیطره کفّار و مشرکین را نداشته باشد. «لا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لا يَهْتَدُونَ» ۴ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری،گناه و ظلم به خویشتن است. «ظالِمِي أَنْفُسِهِمْ» ، «إِلاَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ» ، «لا يَهْتَدُونَ سَبِيلاً» ۵ عذرهای واقعی پذیرفته است،نه عذرتراشی ها و بهانه جویی ها.

«لا يَسْتَطِيعُونَ»

، «لا يَهْتَدُونَ»

۱- ۱) .تفسیر صافی.

۲- ۲) .نور الثقلین،ج ۱،ص ۵۳۷؛معانی الاخبار،ص ۲۰۱.

۶ ترک هجرت،به قدری مهم است که بخشوده شدن این گونه افراد گرفتار و عاجز،با«شاید»مطرح شده است،نه به صورت قطعی. «عَسَی اللّهُ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۰]

اشاره

وَ مَنْ یُهاجِرْ فِی سَبِیلِ اَللّهِ یَجِدْ فِی اَلْأَرْضِ مُراغَماً کَثِیراً وَ سَعَهً وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً إِلَی اَللّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ اَلْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اَللّهِ وَ کانَ اَللّهُ غَفُوراً رَحِیماً (۱۰۰)

و هر که در راه خداوند هجرت کند،اقامتگاه های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هر که از خانه اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود،سپس مرگ،او را دریابد حتماً پاداش او بر خداوند است و خداوند آمرزنده ی مهربان است.

نکته ها:

یکی از مسلمانان مکّه بیمار شد گفت مرا از مکّه بیرون ببرید تا جزء مهاجران باشم.همین که او را بیرون بردند،در راه درگذشت.سپس این آیه نازل شد.

همه ی هجرت های مقدّس،مثل هجرت برای جهاد،تحصیل علم،تبلیغ و...

مصداق این آیه است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:کسی که برای معرفت امام زمان خود از خانه و شهر خود خارج شود،ولی اجل به او مهلت ندهد،از مصادیق این آیه است. (۱)

پیام ها:

۱ هجرت،زمینه ساز گشایش و توسعه است. «مَنْ یُهاجِرْ» ، «یَجِدْ فِی الْأَرْضِ مُراغَماً» نابرده رنج،گنج میسّر نمی شود.

۲ ما مکلّف به وظیفه ایم،نه نتیجه.مهم خروج از منزل است،نه وصول به مقصد. «وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ»

۱- ۱) .کافی،ج ۱،ص ۳۷۸.

۳ راه خدا و رسول را بروید،نگران مرگ و حیات نباشید. «ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ» ۴ پاداش«مهاجر»با خداست و بالاتر از بهشت است. «وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللّهِ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۱]

اشاره

وَ إِذا ضَرَبْتُمْ فِی اَلْأَرْضِ فَلَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ اَلصَّلاهِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ یَفْتِنَکُمُ اَلَّذِینَ کَفَرُوا إِنَّ اَلْکافِرِینَ کانُوا لَکُمْ عَدُوًّا مُبِیناً (۱۰۱)

و هر گاه که در زمین سفر کنید،گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند.همانا کافران همواره دشمن آشکار شمایند.

نکته ها:

پس از سخن درباره ی جهاد و هجرت،این آیه حکم نماز مسافر را بیان می کند.

« ضَرَبْتُمْ فِی الْأَرْضِ »کنایه از سفر است،چون مسافر هنگام سفر،زمین را زیر پای خود می کوبد. (۱)

در قرآن،گاهی به جای«وجوب»تعبیر«مانعی ندارد»به کار رفته،که این آیه نیز یکی از آن موارد است.گویا مسلمانان صدر اسلام به قدری به نماز علاقمند بودند که کوتاه کردن آن را گناه می پنداشتند.

نماز قصر،مخصوص موارد ترس از دشمن نیست.ولی چون معمولاً در سفرها، بیم و نگرانی هست،یا اینکه چون قانون نماز قصر،ابتدا در موارد ترس بوده و بعدها نسبت به هر سفر تعمیم یافته،قید «إِنْ خِفْتُمْ» آمده است.

در روایات مقدار سفری که در آن نماز کوتاه و شکسته می شود،مسیر یک روز (هشت فرسخ)مشخّص شده است. (۲)

۱- ۱) .مفردات راغب،ماده«ضرب».

۲- ۲) .تهذیب الاحکام،ج ۳،ص ۲۰۷.

تمام نمازهای مسافر جز نماز مغرب دو رکعتی است. (۱)و مراد از کوتاه کردن نماز،دو رکعتی شدن نمازهای چهار رکعتی است.

پیام ها:

۱ واقع بینی و انعطاف پذیری،یک اصل در قوانین الهی است. «تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلاٰةِ إِنْ خِفْتُمْ...» ۲ در حال نماز هم از دشمن غافل نباشید.سیاست و دیانت،عبادت و فطانت از هم جدا نیست. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ یَفْتِنَکُمُ» ۳ در مواردی یقین لازم نیست.احتمال توطئه و فتنه برای تصمیم و تغییر برنامه کافی است. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ یَفْتِنَکُمُ» ۴ حتّی به هنگام احتمال خطر،اقامه نماز واجب است. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ یَفْتِنَکُمُ...» ۵ کفر و ایمان با هم در تضادّند. «إِنَّ الْکاٰفِرِینَ کٰانُوا لَکُمْ عَدُوًّا» ۶ کفّار،در دشمنی با شما متّحدند. «عَدُوًّا» بجای«اعداء» ۷ دشمنی کفّار با شما ریشه دار و پرسابقه و دائمی است. «کٰانُوا لَکُمْ عَدُوًّا»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۲]

اشاره

وَ إِذٰا کُنْتَ فِیهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ اَلصَّلاٰهَ فَلْتَقُمْ طٰائِفَهٌ مِنْهُمْ مَعَکَ وَ لْیَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذٰا سَجَدُوا فَلْیَکُونُوا مِنْ وَرٰائِکُمْ وَ لْتَأْتِ طٰائِفَهٌ أُخْریٰ لَمْ یُصَلُّوا فَلْیُصَلُّوا مَعَکَ وَ لْیَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ اَلَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِکُمْ وَ أَمْتِعَتِکُمْ فَیَمِیلُونَ عَلَیْکُمْ مَیْلَهً وٰاحِدَهً وَ لاٰ جُنٰاحَ عَلَیْکُمْ إِنْ کٰانَ بِکُمْ أَذیً مِنْ مَطَرٍ أَوْ کُنْتُمْ مَرْضیٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَکُمْ وَ خُذُوا حِذْرَکُمْ إِنَّ اَللّٰهَ أَعَدَّ لِلْکٰافِرِینَ عَذٰاباً مُهِیناً (۱۰۲)

۱- ۱) .من لا یحضره الفقیه،ج ۱،ص ۲۷۹.

(ای پیامبر!)هر گاه(در سفرهای جهادی)در میان سپاه اسلام بودی و برای آنان نماز برپا داشتی،پس گروهی از آنان با تو(به نماز)بایستند و سلاحهای خود را همراه داشته باشند،پس چون سجده کردند(قیام نمایند و رکعت دوّم را فرادی انجام داده پس بروند و)پشت سر شما(نگهبان)باشند،و گروه دیگر که نماز نخوانده اند(از رکعت دوّم)با تو نماز بخوانند و وسایل دفاع و سلاحهای خود را با خود داشته باشند،کافران دوست دارند که شما از سلاح و ساز و برگ خود غافل شوید تا یکباره بر شما حمله آورند،و اگر از باران رنجی به شما رسید یا بیمار و مجروح بودید،گناهی بر شما نیست که سلاحهایتان را بر زمین بگذارید و(فقط)وسایل دفاع با خود داشته باشید.

همانا خداوند برای کافران عذابی خوارکننده فراهم کرده است.

نکته ها:

در سال ششم هجری،پیامبر با گروهی به سوی مکّه عزیمت کردند.در منطقه ی حدیبیه،با خالد بن ولید و دویست نفر همراه او مواجه شدند که برای جلوگیری از ورود آن حضرت،سنگر گرفته بودند.پس از اذانِ بلال و برپایی نماز جماعت، خالد بن ولید فرصت را مناسب دید که هنگام نماز عصر یکباره حمله کند.آیه نازل شد و از توطئه خبر داد.خالد پس از دیدن این معجزه ی وحی،مسلمان شد. (۱)

در این نماز،گروه اوّل پس از پایان رکعت اوّل،برخاسته بقیه نماز را خود تمام می کنند و امام جماعت صبر می کند تا گروه دیگر به رکعت دوّم برسند و با سلاح، به نماز جماعت بپیوندند.

پیام ها:

۱ نماز،حتّی در صحنه ی جنگ تعطیل نمی شود و رزمنده،بی نماز نیست. «فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلاٰةَ» ، «وَ لْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»

ص: ۳۶۸

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

۲ در اهمیّت نماز جماعت همین بس که در جبهه ی جنگ با دشمن،حتّی با یک رکعت هم برپا می شود. «وَ لْتَأْتِ طائِفَةٌ أُخْرى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا» ۳ در هنگام پیش آمدن دو وظیفه(جهاد و نماز)،نباید یکی فدای دیگری شود.

«فَلْتَقُمْ»

، «وَ لْيَأْخُذُوا» ۴ در همه حال،هشیاری لازم است،حتّی نماز نباید مسلمانان را از خطر دشمن غافل کند. «وَ لْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ» ۵ رهبر،محور وحدت و عبادت است. «كُنْتَ فِيهِمْ» ، «فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلاةَ» ۶ تقسیم کار،تعاون و شریک کردن دیگران در کارهای خیر،حتّی در حسّاس ترین موارد،از عوامل الفت جامعه است.در این آیه،دو رکعت نماز جماعت میان دو گروه تقسیم شده،تا تبعیضی پیش نیاید و همه در خیر شریک باشند. «وَ لْتَأْتِ طائِفَةٌ أُخْرى...» ۷ فرمان های الهی به تناسب شرایط،متفاوت است.(این آیه مربوط به نماز خوف در برابر دشمن است.) «فَلْتَقُمْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ» ۸ نماز جماعت در جبهه،نشان عشق به هدف و خدا و رهبر و پایبندی به ارزشهاست. «إِذا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلاةَ» ۹ در جبهه باید جابه جایی نیروها در فاصله ی یک رکعت نماز،امکان پذیر بوده باشد. «وَ لْتَأْتِ طائِفَةٌ أُخْرى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا» ۱۰ هر چه مدّت نماز در جبهه بیشتر شود،فرصت دشمن برای حمله افزایش می یابد.پس باید حفاظت بیشتری داشت.در رکعت اوّل،داشتن اسلحه کافی است ولی در رکعت دوّم،هم اسلحه و هم ابزار دفاع. «وَ لْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ» ، «وَ لْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ» ۱۱ خداوند،پیامبرش را از توطئه ها و نقشه های پنهانی دشمن آگاه می کند.(با توجّه به شأن نزول که ولید قصد کرد تا هنگام نماز جماعت حمله کند و با این آیه طرح او لغو شد.)

۱۲ حرکت با اخلاص شما،سبب امدادهای الهی در وقت خود است.(نزول این آیه و فرمان نماز خوف،یک امداد الهی در مقابل آن توطئه بود.) ۱۳ در جبهه،مراسم عبادی نباید طولانی شود و کارهای مانع هوشیاری،ممنوع است. «وَدَّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ» ۱۴ از آرزوهای دشمن،آگاه باشید. «وَدَّ الَّذِینَ» ۱۵ عبادت،وسیله ی غفلت از دشمن نشود. «تَغْفُلُونَ» ۱۶ احتمال غفلت در مسلمانان واقعی ضعیف است.(کلمه «لَوْ» در جمله «لَوْ تَغْفُلُونَ» نشانه ی این معناست.) ۱۷ با هوشیاری،باید از امکانات نظامی و اقتصادی حفاظت کرد. «أَسْلِحَتِکُمْ وَ أَمْتِعَتِکُمْ» ۱۸ غفلت امّت اسلامی،شبیخون کفّار را در پی خواهد داشت. «مَیْلَةً واحِدَةً» ۱۹ هر سخن و برنامه و حرکتی که مسلمانان را غافل کند،گامی است در جهت اهداف و خواسته های دشمن. «وَدَّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ» ۲۰ ملاک و مجوّز معافیّت از جبهه و سربازی،مرض و ضرر است. «بِکُمْ أَذیً» ، «أَوْ کُنْتُمْ مَرْضی» ۲۱ بارانی مجوّز زمین گذاشتن اسلحه است که با ضرر و آزار همراه باشد.در باران بی ضرر رزمنده سلاح بر زمین نمی گذارد. «بِکُمْ أَذیً مِنْ مَطَرٍ» ۲۲ در هیچ حالی،رزمنده نباید از وسائل حفاظتی دور باشد.حتّی اگر اسلحه ندارد،زره بر تن داشته باشد. «خُذُوا حِذْرَکُمْ» ۲۳ تهدید کفّار و امید و دلگرمی دادن به مؤمنان،از شیوه های قرآن است. «أَعَدَّ لِلْکافِرِینَ عَذاباً مُهِیناً» ۲۴ در آینده،ذلّت از آنِ کافران است. «لِلْکافِرِینَ عَذاباً مُهِیناً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۳]

اشاره

فَإِذا قَضَيْتُمُ اَلصَّلاةَ فَاذْكُرُوا اَللّهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اِطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا اَلصَّلاةَ إِنَّ اَلصَّلاةَ كانَتْ عَلَى اَلْمُؤْمِنِينَ كِتاباً مَوْقُوتاً (۱۰۳)

پس چون نماز را به پایان بردید،خداوند را در(همه)حال ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده یاد کنید،پس هر گاه آرامش یافتید(و حالت خوف تمام شد) نماز را(بصورت کامل)برپا دارید.همانا،نماز بر مؤمنان در وقت های معیّن واجب شده است.

نکته ها:

کلمه ی« قِياماً »جمع«قائم»به معنای ایستاده و کلمه ی« قُعُوداً »جمع«قاعد»به معنای نشسته و کلمه ی«جنوب»جمع«جنب»به معنای پهلو و کنایه از دراز کشیدن است.همچنین کلمه ی« كِتاباً »به معنای امری نوشته شده و واجب و کلمه ی « مَوْقُوتاً »به معنای کاری با وقت معیّن است.

حضرت علی علیه السلام درباره ی آیه «فَاذْكُرُوا اللّهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى جُنُوبِكُمْ» فرمودند:

یعنی شخص سالم ایستاده،مریض نشسته و کسی که نشسته نمی تواند،خوابیده نماز بخواند. (۱)

امام باقر علیه السلام درباره ی« كِتاباً مَوْقُوتاً »فرمودند:یعنی مفروض و واجب. (۲)

پیام ها:

۱ کمبودهای نماز خوف،با یاد خدا جبران می شود. «فَإِذا قَضَيْتُمُ الصَّلاةَ فَاذْكُرُوا اللّهَ» ۲ نماز و یاد خدا در هر حال لازم است،در جبهه ی جنگ یا بستر بیماری. «قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى جُنُوبِكُمْ» ۳ سلاح رزمنده مسلمان،نماز و یاد خداست. «فَإِذا قَضَيْتُمُ الصَّلاةَ فَاذْكُرُوا اللّهَ»

۱- ۱) .وسائل،ج ۵،ص ۴۸۸.

۲- ۲) .کافی،ج ۳،ص ۳۹۴.

۴ نماز خوف،یک استثناست.پس از برطرف شدن حالت اضطرار،نماز باید به صورت عادّی خوانده شود. «فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِیمُوا الصَّلاٰهَ» ۵ نماز،از واجبات قطعی الهی در همه ی عصرها و برای همه ی نسل ها است.

«کاٰنَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِینَ کِتاٰباً»

۶ وجوب هر نماز،در وقت مخصوص خودش است. «مَوْقُوتاً» ۷ تعیین وقت برای نماز،رمز تداوم،نظم و عامل مواظبت بر آن است که خود درس نظم و عامل نظم بخشیدن به امور مسلمانان است. «کِتاٰباً مَوْقُوتاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۴]

اشاره

وَ لاٰ تَهِنُوا فِی ابْتِغاٰءِ الْقَوْمِ إِنْ تَکُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ یَأْلَمُونَ کَماٰ تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ ماٰ لاٰ یَرْجُونَ وَ کاٰنَ اللّٰهُ عَلِیماً حَکِیماً (۱۰۴)

و در تعقیب دشمن سستی نکنید،اگر شما رنج می کشید،همانا آنان نیز همان گونه که شما رنج می برید رنج می برند،در حالی که شما چیزی(امدادهای غیبی و بهشت)از خداوند امید دارید که آنان امید ندارند،و خداوند دانا و حکیم است.

نکته ها:

پس از جنگ احد،ابوسفیان بالای کوه احد رفت و شعار داد که پیروزی ما در مقابل شکست سال گذشته در جنگ بدر بود.یاران پیامبر صلی اللّه علیه و آله گفتند:شهدای ما در بهشتند و کشته های شما در دوزخ.

آنان شعار دادند:«ان لنا العزی و لا عزی لکم»ما بت عُزّی داریم ولی شما ندارید، مسلمانان پاسخ دادند:«الله مولانا و لا مولی لکم»خداوند مولای ماست ولی شما مولی ندارید.

آن گاه کفّار به نام بت هُبَل شعار دادند:«اعل هبل»سر بلند باد بت هُبَل.مسلمانان در پاسخ فریاد زدند:«الله اعلی و اجل»خداوند بالاتر و جلیل تر است.پس از نزول این آیه،پیامبر فرمان بسیج عمومی(حتّی زخمیان)را صادر کرد،تا با این حرکت، فکر بازگشت کفّار از سرشان بیرون رود.

پیام ها:

۱ مسلمانان باید روحیّه ی قوی داشته باشند و شکست های موردی(مثل احد) آنان را سست نکند. «وَ لاٰ تَهِنُوا» ۲ به جای موضع تدافعی،در تعقیب دشمن و در حالت تهاجمی باشید. «لاٰ تَهِنُوا فِی ابْتِغٰاءِ الْقَوْمِ» ۳ از عوامل روحیّه گرفتن مؤمنان،مقایسه ی دردهای خود با رنج دیگران و امید و توجّه به امدادهای الهی و آگاهی اوست. «فَإِنَّهُمْ یَأْلَمُونَ کَمٰا تَأْلَمُونَ» ۴ با همه ی آسیب ها و تلخی های جنگ،شما پیروزید،چون امید به الطاف الهی دارید. «تَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ» ۵ مسلمانان،امیدهای گونه گون از خدا دارند.امید به امدادهای غیبی،پیروزی،مرعوب شدن دشمن،پاداش های معنوی و امثال آن.(مورد امید در آیه ذکر نشده و هر امیدی را شامل می شود). «تَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ» ۶ امید،بزرگ ترین اهرم حرکت و سرمایه ی روحی رزمنده است.یا شهادت و سعادت،یا پیروزی. «تَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ مٰا لاٰ یَرْجُونَ» ۷ رنج و مشقّت مؤمنان در جنگ ها،در مدار علم و حکمت خداوند است و لذا از آن جلوگیری نمی کند. «عَلِیماً حَکِیماً»

[سوره النساء (۴): آیات ۱۰۵ تا ۱۰۶]

اشاره

إِنّٰا أَنْزَلْنٰا إِلَیْکَ اَلْکِتٰابَ بِالْحَقِّ لِتَحْکُمَ بَیْنَ اَلنّٰاسِ بِمٰا أَرٰاکَ اَللّٰهُ وَ لاٰ تَکُنْ لِلْخٰائِنِینَ خَصِیماً (۱۰۵) وَ اِسْتَغْفِرِ اَللّٰهَ إِنَّ اَللّٰهَ کٰانَ غَفُوراً رَحِیماً (۱۰۶)

همانا ما این کتاب را بحقّ بر تو فروفرستادیم تا میان مردم به آنچه خدا(از طریق وحی) تو را آموخته و نشان داده،داوری کنی و به نفع خیانت کاران به مخاصمت برنخیز.

و از خداوند طلب آمرزش کن که همانا خداوند آمرزنده مهربان است.

ص:۳۷۳

نکته ها:

شخصی از یک قبیله ی معروف،مرتکب سرقتی شد.چون موضوع به اطلاع پیامبر صلی اللّه علیه و آله رسید،آن سارق،گناه را به گردن شخص دیگری انداخت که در خانهٔ او زندگی می کرد.متّهم،با شمشیر به او حمله کرد و خواستار اثبات این ادّعا شد.

او را آرام کردند ولی یکی از سخنوران قبیله را همراه جمعی برای تبرئه ی خود خدمت پیامبر فرستاد.پیامبر،طبق ظاهر و بر اساس گواهی آنان،سارق واقعی را تبرئه کرد و خبر دهنده ی سرقت را(به نام قتاده)سرزنش نمود،ولی قتاده که می دانست گواهی آنان دروغ است به شدّت ناراحت بود.این آیه نازل شد و مظلومیّت قتاده و صحنه سازی و گواهی دروغ آنان را روشن ساخت.

نقل دیگر در شأن نزول آن است که در یکی از جنگ ها،یکی از مسلمانان زرهی سرقت کرد.چون در آستانه ی رسوایی قرار گرفت،زره را به خانهٔ یک یهودی انداخت و افرادی را مأمور کرد که بگویند:یهودی سارق است،نه فلانی.پیامبر، طبق ظاهر،حکم به تبرئه آن مسلمان کرد.امّا نزول این آیه،آن یهودی را تبرئه کرد.

« خَصِیماً »به کسی گفته می شود که از ادّعایی طرفداری می کند و خائن به کسی گفته می شود که در محضر قاضی ادعای امری باطل می کند. (۱)

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمودند:من طبق ظاهر حکم می کنم،امّا چنانچه حقّ با شما نیست به اتکای قضاوت من چیزی از کسی نگیرید که قطعه ای از دوزخ است.

امام صادق علیه السلام فرمود:جانشینان بر حقّ پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله همانند خود آن حضرت باید بر اساس قرآن قضاوت نمایند. (۲)

پیام ها:

۱ قرآن،پایه ی قضاوت و عدالت میان مردم است. «إِنّا أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ» ۲ قاضی باید از قانونِ قرآن،آگاهی کامل داشته باشد. «أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِتَحْکُمَ»

۱- ۱) .تفسیر راهنما ذیل آیه.

۲- ۲) .کافی،ج ۱،ص ۲۶۸.

۳ فراگیری قرآن و سنّت شرط قاضی شدن است. «أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ» ، «لِتَحْکُمَ» ، «أَراکَ اللّهُ» ۴ چون نزول قرآن بر اساس حقّ است،قضاوت ها هم باید بر مبنای حقّ باشد، نه وابستگی های حزبی،گروهی،منطقه ای و نژادی. «بِما أَراکَ اللّهُ» ۵ رفتار به عدالت،حتّی نسبت به غیر مسلمانان هم ضروری است.(با توجّه به شأن نزول دوّم) «لِتَحْکُمَ» ، «بِما أَراکَ اللّهُ» ۶ قضاوت،از شئون انبیاست.تنها ابلاغ احکام کافی نیست،اجرای احکام نیز وظیفه است. «لِتَحْکُمَ بَیْنَ النّاسِ» ۷ کفر اشخاص،دلیل تهمت به آنان نمی شود.(با توجّه به شأن نزول) ۸ پیامبر،علاوه بر قانون و کتاب،از امدادهای الهی برخوردار است. «أَراکَ اللّهُ» ۹ خداوند علاوه بر قرآن برنامه های دیگری به پیامبرش نشان داد. «أَراکَ اللّهُ» و نفرمود:«لتحکم بین الناس به» ۱۰ خداوند،پیامبرش را حفظ می کند و توطئه ها و صحنه سازی ها را فاش می سازد. «أَراکَ اللّهُ» ۱۱ قانون محترم است،ولی برای جلوگیری از سوء استفاده ها باید چاره ای جست.در اینجا،امداد الهی چاره ی کار شد. «بِما أَراکَ اللّهُ» ۱۲ دفاع و حمایت از خائن ممنوع است. «وَ لا تَکُنْ لِلْخائِنِینَ خَصِیماً» ۱۳ خائنان نباید امیدی به حمایت رهبران دینی داشته باشند. «وَ لا تَکُنْ لِلْخائِنِینَ خَصِیماً» ۱۴ قضاوت،مقامی است که متصدی آن،اگر معصوم هم باشد باز استغفار می طلبد. «وَ اسْتَغْفِرِ اللّهَ» ۱۵ از افتخارات اسلام این است که حتّی اگر به یک یهودی ظلم شود،شخص اوّل اسلام برای مسلمانانی که سوء قصدی داشته اند باید استغفار کند.

«وَ اسْتَغْفِرِ اللّهَ»

ص: ۳۷۵

۱۶ اگر قرآن،ساخته و پرداخته ی خود پیامبر بود،هرگز آیاتش فرمان استغفار به رسول خدا نمی داد. «وَ اسْتَغْفِرِ اللّهَ» ۱۷ قاضی باید همواره برای دوری از هوای نفس استغفار کند. «اسْتَغْفِرِ اللّهَ» ۱۸ استغفار،مایه ی بهره گیری از مغفرت و رحمت پروردگار است. «غَفُوراً رَحِيماً» ۱۹ خداوند علاوه بر بخشیدن گناه مهربان است. «غَفُوراً رَحِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۷]

اشاره

وَ لاٰ تُجٰادِلْ عَنِ اَلَّذِينَ يَخْتٰانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اَللّٰهَ لاٰ يُحِبُّ مَنْ كٰانَ خَوّٰاناً أَثِيماً (۱۰۷)

و از کسانی که به خود خیانت می ورزند،دفاع مکن که خداوند خیانت پیشگان گنهکار را دوست ندارد.

نکته ها:

ظلم و خیانت به مردم،خیانت به خود است.زیرا آثار سوء زیر را بدنبال دارد:

الف:سبب از دست دادن روحیّه ی صفا و عدالتخواهی است.

ب:عامل محروم کردن مظلومانی است که فردا به پا خواهند خواست.

ج:موجب آماده کردن قهر و دوزخ الهی برای خود است.

د:جامعه را آلوده می کند و این آلودگی دامن خود خائن را هم می گیرد.

پیام ها:

۱ دفاع از خائن،حرام و رضایت به خیانت،به معنای شرکت در جرم است.

«لاٰ تُجٰادِلْ...»

۲ حاکم اسلامی باید پشتیبان مظلومان باشد،نه حامی ظالم. «وَ لاٰ تُجٰادِلْ...» ۳ عناوین،قدرت ها،تهدیدها،جوّ و افکار عمومی،هیچ یک مجوّز همکاری با خائن نیست. «وَ لاٰ تُجٰادِلْ....»

ص:۳۷۶

۴ رهبر جامعه و قاضیان باید خائنان را بشناسند و نقشه هایشان را بدانند،تا بتوانند موضعگیری مناسب داشته باشند. «وَ لاٰ تُجٰادِلْ» ۵ هم از گذشته باید استغفار کرد،(آیه قبل)و هم نسبت به آینده هشیار بود.

«لاٰ تُجٰادِلْ...»

۶ در فرهنگ قرآن،افراد جامعه به منزله ی اعضای یک پیکرند و خیانت به جامعه به منزله ی خیانت به خود است. «یَخْتٰانُونَ أَنْفُسَهُمْ» ۷ حساب خیانت های جزئی و ناآگاهانه،از خیانت توطئه گران فسادانگیز، جداست. «یَخْتٰانُونَ» ، «خَوّٰاناً» ، «أَثِیماً» ۸ آنکه با خیانت،محبّت خود را از مردم می بُرد،محبّت خدا هم از او قطع خواهد شد. «إِنَّ اللّٰهَ لاٰ یُحِبُّ» ۹ در انسان غریزه ی محبوب شدن است که باید از این غریزه برای تربیت استفاده کرد. «إِنَّ اللّٰهَ لاٰ یُحِبُّ» ۱۰ حُبّ و بغضِ خداوند،ملاک انتخاب و حرکت رسول خدا و مؤمنان است.

«إِنَّ اللّٰهَ لاٰ یُحِبُّ...»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۸]

اشاره

یَسْتَخْفُونَ مِنَ اَلنّٰاسِ وَ لاٰ یَسْتَخْفُونَ مِنَ اَللّٰهِ وَ هُوَ مَعَهُمْ إِذْ یُبَیِّتُونَ مٰا لاٰ یَرْضیٰ مِنَ اَلْقَوْلِ وَ کٰانَ اَللّٰهُ بِمٰا یَعْمَلُونَ مُحِیطاً (۱۰۸)

(آنان خیانت خود را)از مردم پنهان می کنند،ولی نمی توانند از خداوند پنهان دارند،در حالی که او آن گاه که شبانه،سخنان غیر خداپسندانه می گویند(و توطئه های پنهانی می کنند)با آنان است و خداوند همواره به آنچه انجام می دهند،احاطه دارد.

پیام ها:

۱ بهره گیری از جلسات مخفی شبانه برای توطئه،از شیوه های کار منافقان خائن است. «یَسْتَخْفُونَ» ، «یُبَیِّتُونَ»

۲ مهم ترین عامل تقوا،ایمان به حضور و آگاهی خداوند و احاطه ی او به همه ی گفته ها و کارهاست. «هُوَ مَعَهُمْ» ، «مُحِيطاً» ۳ خداوند از نزدیک،ناظر بر اعمال ماست. «هُوَ مَعَهُمْ» ۴ گفتار نیز،جزء اعمال است.با این که آیه درباره ی گفتارهای ناپسند سخن می گوید،ولی تعبیر «بِمٰا يَعْمَلُونَ» می کند.

[سوره النساء (۴): آیه ۱۰۹]

اشاره

هٰا أَنْتُمْ هٰؤُلاٰءِ جٰادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي اَلْحَيٰاةِ اَلدُّنْيٰا فَمَنْ يُجٰادِلُ اَللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ اَلْقِيٰامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلاً (۱۰۹)

هان شما همانها هستید که در زندگی دنیا از ایشان(خائنان)جانبداری کردید، پس چه کسی در روز قیامت در برابر خداوند از آنان جانبداری خواهد کرد؟ یا چه کسی(در آن روز،)وکیل و مدافع آنان خواهد شد؟

نکته ها:

در سه آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹،به سه گروه سه هشدار داده شده است:

به قاضی می گوید:مواظب باش از مرز حقّ تجاوز نکنی. «بِمٰا أَرٰاكَ اللّٰهُ» به خائن می گوید:خدا ناظر کار توست. «هُوَ مَعَهُمْ» به مدافع خائن می گوید:تلاش شما به درد قیامت نمی خورد. «فَمَنْ يُجٰادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰامَهِ»

پیام ها:

۱ خائنان،به حامیان امروز خود دلخوش نباشند که فردایی هست.همه ی حمایت ها از خائنان،موقّت و زودگذر است. «فَمَنْ يُجٰادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰامَهِ» ۲ حکم دادگاه در دنیا نافذ است،ولی مجرم،حساب کار خود را برای قیامت بکند که آن روز تنهاست. «فَمَنْ يُجٰادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰامَهِ» ۳ وکیل مدافع خائن نشویم و فریب حقّ الوکاله را نخوریم. «فَمَنْ يُجٰادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ»

۴ مظلومانی که در دنیا نتوانند حقّشان را بگیرند،دلگرم باشند که در قیامت، پشتیبان دارند و به حساب ظالم رسیدگی می شود. «فَمَنْ یُجادِلُ اللّهَ عَنْهُمْ...»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۰]

اشاره

وَ مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اَللّهَ یَجِدِ اَللّهَ غَفُوراً رَحِیماً (۱۱۰)

و هر کس بدی کند یا بر خویشتن ستم نماید سپس از خداوند آمرزش طلبد، خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

نکته ها:

در کنار آیه قبل که تهدید خائن بود،این آیه راه توبه به روی او می گشاید.

« سُوءاً »در لغت،به معنای زیان رسانی به دیگران هم آمده است.پس آیه هم ظلم به مردم و هم ستم به خویش را مطرح می کند.چنان که برخی مراد از« سُوءاً »را گناه صغیره و مراد از«ظلم به نفس»را گناهان کبیره دانسته اند. (۱)

پیام ها:

۱ انسان حقّ ندارد حتّی به خودش ظلم کند و گناه در حقیقت ظلم به خویشتن است. «یَظْلِمْ نَفْسَهُ» ۲ راه بازگشت برای خطاکاران باز است. «یَسْتَغْفِرِ اللّهَ» ۳ میان استغفار بنده و مغفرت الهی،فاصله ای نیست. «یَسْتَغْفِرِ اللّهَ یَجِدِ اللّهَ غَفُوراً» ۴ توبه ی واقعی چنان شیرین است که انسان،رحمت الهی را در درون خود احساس می کند. «یَجِدِ اللّهَ غَفُوراً رَحِیماً» ۵ خداوند نه تنها بدی ها را می بخشد،بلکه مهربان هم هست. «غَفُوراً رَحِیماً»

۱- ۱) .تفسیر راهنما.

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۱]

اشاره

وَ مَنْ يَكْسِبْ إِثْماً فَإِنَّما يَكْسِبُهُ عَلى نَفْسِهِ وَ كانَ اَللّهُ عَلِيماً حَكِيماً (١١١)

و هر کس گناهی مرتکب شود،پس در حقیقت به زیان خود مرتکب شده و خداوند دانا و حکیم است.

نکته ها:

گناه که تجاوز از مرز قانون الهی است،صفای دل و تقوای روح و عدالت را از بین می برد و این بزرگ ترین خسارت است.علاوه بر آنکه در نظام هستی و سنّت های الهی،نتیجه ظلم به مردم،دیر یا زود به خود ظالم می رسد. «فَإِنَّما يَكْسِبُهُ عَلى نَفْسِهِ»

پیام ها:

۱ هر گناهی در روح و جان انسان،اثر مستقیم دارد. «يَكْسِبُهُ عَلى نَفْسِهِ» ۲ انسان مجبور نیست و گناه را با سوء اختیار و اراده خود انجام می دهد. «يَكْسِبْ» ۳ آنچه در روح اثر سوء دارد،نیّت سویی است که گناه را به دنبال دارد،نه صرف عمل بی قصد. «يَكْسِبْ» ۴ در بازگرداندن آثار بد گناه به گناهکار هیچ خطایی رخ نمی دهد و کاری حکیمانه است. «عَلِيماً حَكِيماً» ۵ کار حکیمانه مشروط به آگاهی و علم است. «عَلِيماً حَكِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۲]

اشاره

وَ مَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْماً ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئاً فَقَدِ اِحْتَمَلَ بُهْتاناً وَ إِثْماً مُبِيناً (١١٢)

و هر کس که خطا یا گناهی مرتکب شود،سپس آن را به بی گناهی نسبت دهد، به یقین بار تهمت و گناه آشکاری را بر دوش گرفته است.

نکته ها:

«خطا»به معنای لغزش است،عمدی یا غیر عمدی،ولی« إِثْماً »گناه عمدی است.

تهمت،از گناهان بسیار بزرگی است که موجب ذوب شدن ایمان و محو عدالت

و اعتماد در جامعه و سبب عذاب اخروی است.امام صادق علیه السلام فرمود:تهمت به بی گناه،از کوه های عظیم سنگین تر است. (۱)

« بُهْتاناً »به دروغی گفته می شود که انسان از شنیدن آن بهت زده می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:غیبت آن است که درباره ی برادر دینی خود چیزی را که خدا بر او پوشانده ابراز کنی،ولی اگر درباره ی او چیزی بگویی که در او نیست، بُهتان است. (۲)

پیام ها:

۱ تهمت،پرتاب تیر به آبروی مردم است. «یَرْمِ بِهِ» ۲ تهمت به بی گناه از هر نژاد و مکتب و در هر سنّ و شرایطی که باشد،حرام است. «یَرْمِ بِهِ بَرِیئاً» ۳ تهمت زننده،بار سنگینی از گناه را به دوش می کشد. «فَقَدِ احْتَمَلَ» (۳)

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۳]

اشاره

وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اَللّٰهِ عَلَیْکَ وَ رَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طٰائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ یُضِلُّوکَ وَ مٰا یُضِلُّونَ إِلاّٰ أَنْفُسَهُمْ وَ مٰا یَضُرُّونَکَ مِنْ شَیْءٍ وَ أَنْزَلَ اَللّٰهُ عَلَیْکَ اَلْکِتٰابَ وَ اَلْحِکْمَةَ وَ عَلَّمَکَ مٰا لَمْ تَکُنْ تَعْلَمُ وَ کٰانَ فَضْلُ اَللّٰهِ عَلَیْکَ عَظِیماً (۱۱۳)

و اگر فضل و رحمت خداوند بر تو نبود،گروهی از آنان تصمیم داشتند که تو را از مسیر حقّ گمراه کنند،امّا جز خودشان را گمراه نمی کنند و به تو هیچ زیانی نمی زنند.و خداوند کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد،و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت.و فضل خداوند بر تو،بسی بزرگ بوده است.

۱- ۱) .سفینه البحار،ماده«بهت»؛کافی ج ۲،باب التهمه.

۲- ۲) .وسائل،ج ۱۳،ص ۲۸۶.

۳- ۳) .تنوین در دو کلمه «بُهْتاناً» و «إِثْماً» نشانه ی عظمت گناه است.

نکته ها:

ممکن است این آیه،همانند آیه ۱۰۵،مربوط به ماجرای تهمت سرقت به یک بی گناه و شهادت دادن جمعی به دروغ،بر سرقت باشد،که پیامبر طبق گواهی آنان،داوری کرد.و ممکن است مربوط به گروهی باشد که به دیدار پیامبر آمدند و گفتند:با دو شرط حاضریم با تو بیعت کنیم،یکی آنکه بت ها را با دست خود نشکنیم و دیگر آنکه تا یک سال دیگر،بت«عُزّی»را پرستش کنیم.آیه نازل شد و این خواسته را رد کرد.

پیام ها:

۱ دشمنان،حتّی برای پیامبر و لغزاندن او طرح و برنامه دارند،پس رهبران جامعه باید به هوش باشند. «يُضِلُّوكَ» ۲ تصمیم به منحرف ساختن دیگران،در حقیقت تصمیم به منحرف کردن خود است. «وَ ما يُضِلُّونَ إِلاّ أَنْفُسَهُمْ» ۳ خداوند،آن گونه که قرآن را بیمه کرده (۱)،پیامبرش را نیز بیمه می کند. «وَ ما يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ» ۴ تعلیم حکمت و فرستادن کتاب،نمونه ی روشن فضل و لطف الهی و رمز عصمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله است. «أَنْزَلَ اللّهُ عَلَيْكَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ» ۵ خداوند به پیامبرش،علم غیب و اسرار را می آموزد. «عَلَّمَكَ ما لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» ۶ از نشانه های حقّانیت پیامبر،این است که می گوید:تو بدون تعلیم الهی امکان آگاهی از اموری را نداشتی.آری،اگر قرآن ساخته پیامبر بود،هرگز به خودش نسبت جهل نمی داد. «عَلَّمَكَ ما لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» ۷ خداوند معلّم پیامبر است،پس هیچ خطا و اشتباهی در تعلیم،رخ نمی دهد.

«عَلَّمَكَ»

۱- ۱) .«انّا نحن نزّلنا الذّکر و انّا له لحافظون»حجر،۹.

۸ مدار علم بشر حتّی پیامبر خدا،محدود است. «مٰا لَمْ تَکُنْ تَعْلَمُ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۴]

اشاره

لاٰ خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْوٰاهُمْ إِلاّٰ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاٰحٍ بَیْنَ اَلنّٰاسِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذٰلِکَ اِبْتِغٰاءَ مَرْضٰاتِ اَللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً (۱۱۴)

در بسیاری از(جلسات و)سخنان درگوشی آنان،خیری نیست،مگر(سخن) کسی که به صدقه یا کار نیک یا اصلاح و آشتی میان مردم فرمان دهد و هر کس برای کسب رضای خدا چنین کند پس به زودی او را پاداشی بزرگ خواهیم داد.

نکته ها:

امام صادق علیه السلام فرمود:مراد از معروف در آیه،قرض الحسنه دادن است. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:ایجاد خوش بینی و اصلاح ذات البین حتّی با دروغ،عملی پسندیده است. (۲)

پیام ها:

۱ نجوا،جز در موارد استثنایی،ناپسند است،چون سبب سوء ظنّ میان مؤمنان می شود. «لاٰ خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْوٰاهُمْ» ۲ در اظهار نظر،باید منصفانه رفتار کرد.همه ی نجواها را زیر سؤال نبریم. «فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْوٰاهُمْ» ۳ گاهی آشتی دادن میان مردم،ایجاب می کند که با هر یک از طرفین،مخفیانه گفتگو کنیم. «إِصْلاٰحٍ بَیْنَ النّٰاسِ» ۴ گاهی امر به معروف یا صدقه ی آشکار،سبب شرمندگی و لجاجت طرف می شود،باید با نجوا و پنهانی عمل کرد. «أَوْ مَعْرُوفٍ»

۱- ۱) .کافی،ج ۴،ص ۳۴.

۲- ۲) .کافی،ج ۲،ص ۳۴۱.

۵ اهمیّت آبروی مردم،تا حدّی است که نجوای ناپسند،به خاطر حفظ آن پسندیده می شود و صدقه و امر به معروف مخفیانه،زشتی نجوا را تحت الشعاع قرار می دهد. «إِلاّ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ...» ۶ ارزش کارها به اخلاص است. «ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ» ۷ انجام هر کار خیر پنهانی و محرمانه،نشان اخلاص نیست،شاید خود تظاهر باشد. «وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ» ۸ خدمت به جامعه،دعوت به نیکوکاری و همزیستی مسالمت آمیز سبب دریافت اجر عظیم است. «نُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۵]

اشاره

وَ مَنْ يُشاقِقِ اَلرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُ اَلْهُدى وَ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ اَلْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ ما تَوَلّى وَ نُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ ساءَتْ مَصِيراً (۱۱۵)

و هر کس پس از آنکه هدایت برایش آشکار شد با پیامبر مخالفت کند و راهی جز راه مؤمنان را پیروی کند،او را بدان سوی که روی کرده بگردانیم و او را به دوزخ افکنیم که سرانجام بدی است.

نکته ها:

این آیه درباره ی کسانی است که پس از پذیرش اسلام و رسالت پیامبر،به مخالفتِ آگاهانه با دستورات او می پردازند و راهِ خود را از راه جماعت مسلمین جدا می کنند.

«مُشاقّه رسول»یعنی خودت را یک شِقّ و رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله را شِقّ دیگر قرار دهی.

به کارشکنی بپردازی و دست به مخالفت آگاهانه همراه با عداوت بزنی.

شقاق و مخالفت با پیامبر خدا انواع مختلفی دارد،مانند:انکار کل دین،ایمان به بعضی و کفر به بعض دیگر،تحریف،توجیه و حیله های شرعی.

در روایات آمده است دو نفر برای مسخره کردن،سوسماری را مخاطب قرار داده و او را با لقب امیر المؤمنین خواندند.حضرت علی علیه السلام فرمود:«دعهما فهو

امامهما یوم القیامه»یعنی آن دو استهزا کننده را به حال خود رها کنید که همین سوسمار در قیامت امام آن دو خواهد شد.سپس این جمله را تلاوت فرمود:

«نُوَلِّهِ ما تَوَلّی» (۱)

حضرت علی علیه السلام در نامه ششم نهج البلاغه می فرماید:اگر مردم روی شخصی اتّفاق آرا داشتند و او را امام نامیدند رضای خدا در آن است و اگر کسی با طعن یا بدعت از مدار اطاعت او خارج شد او را برگردانید و اگر برنگشت با او بجنگید که راه مؤمنان را پیروی نکرده است. (۲)

پیام ها:

۱ علم و شناخت مسئولیّت آور است و کیفر مخالفان پیامبر زمانی است که حقّانیت پیامبر اکرم را فهمیده باشند. «وَ مَنْ یُشاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُ» ، «نُصْلِهِ جَهَنَّمَ» ۲ سیره ی عملی مسلمین به شرطی حجّت است که با سنّت و راه رسول اللّه مخالفتی نداشته باشد. «مَنْ یُشاقِقِ الرَّسُولَ» ، «یَتَّبِعْ غَیْرَ سَبِیلِ الْمُؤْمِنِینَ» ، «نُصْلِهِ جَهَنَّمَ» ۳ پیامبر اسلام و مؤمنان در یک جبهه قرار دارند و مخالفت با جامعه اسلامی، مخالفت با پیامبر است. «یُشاقِقِ الرَّسُولَ» ، «وَ یَتَّبِعْ غَیْرَ سَبِیلِ الْمُؤْمِنِینَ» ۴ تسلیم بودن در برابر رسول خداوند واجب و مخالفت با او حرام است. «وَ مَنْ یُشاقِقِ الرَّسُولَ» ۵ تفرقه افکنی در صفوف مسلمین سبب دوزخ است. «یَتَّبِعْ غَیْرَ سَبِیلِ الْمُؤْمِنِینَ» ، «نُصْلِهِ جَهَنَّمَ» ۶ خداوند،کسی را بدون اتمام حجّت به دوزخ نمی برد. «بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُ الْهُدی»

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .«فانْ اجمعوا علی رَجل و سَمّوه اماماً کان ذلک للّه رضا فانْ خَرج عن امرِهم خارج بِطَعن او بِدعَه رُدّوه الی ما خَرج منه فانْ ابی قاتلوا علی اتّباعه غَیر سبیل المؤمنین ما تولّی».نهج البلاغه نامه ۶.

۷ حساب افراد قاصر و مستضعف که صدای حقّ را نمی شنوند،یا قدرت تشخیص ندارند،از حساب افراد آگاه و لجوج،جداست. «بَعْدِ مٰا تَبَیَّنَ لَهُ الْهُدیٰ» ۸ مقدّمات سقوط انسان،به دست خود اوست. «مَنْ یُشٰاقِقِ الرَّسُولَ» ، «نُصْلِهِ جَهَنَّمَ» ۹ هر راهی جز راه مؤمنان واقعی،به دوزخ منتهی می شود. «یَتَّبِعْ غَیْرَ سَبِیلِ الْمُؤْمِنِینَ» ، «نُصْلِهِ جَهَنَّمَ» ۱۰ نتیجه ی مخالفت با رسول خدا و امّت اسلامی،تحت ولایت غیر خدا در آمدن و سقوط در جهنّم است. «نُوَلِّهِ مٰا تَوَلّٰی» ۱۱ خداوند،نعمت های خود را از منحرفان قطع نمی کند و هر کس را در مسیری که خودش انتخاب کرده است،یاری می دهد. «نُوَلِّهِ مٰا تَوَلّٰی»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۶]

اشاره

إِنَّ اَللّٰهَ لاٰ یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ مٰا دُونَ ذٰلِکَ لِمَنْ یَشٰاءُ وَ مَنْ یُشْرِکْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلاٰلاً بَعِیداً (۱۱۶)

همانا خداوند از اینکه به او شرک ورزیده شود(بدون توبه)درنمی گذرد ولی پائین تر و کمتر از آن را برای هر کس که بخواهد(و شایسته بداند)می بخشد.

و هر کس به خداوند شرک ورزد حتماً گمراه شده است،گمراهی دور و دراز.

نکته ها:

این آیه با اندک تفاوتی در آیه ی ۴۸ همین سوره گذشت.آری،در هدایت و تربیت تکرار لازم است.

تا ریشه ی شرک که یک مرض روحی عمیق است قطع نشود،اخلاق و اعمال صالح سودی ندارد.توبه،درمان شرک است و مشرک باید از مدار شرک بیرون آید تا عفو و رحمت الهی شامل او شود.

این آیه،امیدبخش ترین آیات قرآن است. (۱)

۱- ۱) .تفسیر أطیب البیان.

پیام ها:

۱ مخالفت با رسول خدا و شکستن وحدت مسلمین(که در آیه قبل آمده بود) نوعی شرک است. «وَ مَنْ یُشاقِقِ» ، «یُشْرَکَ بِهِ» ۲ شرک،بزرگ ترین گناه نابخشودنی است. «لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ» ۳ انسان باید در حالتی بین بیم و امید نسبت به مغفرت الهی باشد. «لِمَنْ یَشاءُ» ۴ شرک،مایه ی گمراهی و دوری از هر گونه کمال است. «ضَلالاً بَعِیداً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱۷]

اشاره

إِنْ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاّ إِناثاً وَ إِنْ یَدْعُونَ إِلاّ شَیْطاناً مَرِیداً (۱۱۷)

(مشرکان)به جای خدا،جز معبودانی مؤنث(که نام زن بر آنها نهاده اند مانند لات و مناه و عُزّی)نمی خوانند و جز شیطان سرکش و طغیانگر را نمی خوانند.

نکته ها:

آیه ی قبل،مشرکان را در ضلالت و گمراهی دانست،این آیه،علّت آن را پرستش بت ها و پیروی از شیطان می داند.

مراد از معبودانِ مؤنث در آیه «إِناثاً» ،یا بت هایی است که مشرکان نام های مؤنث چون لات و مناه و عُزّی بر آنها می گذاشتند و یا فرشتگان که به عقیده ی مشرکان دختران خدا بودند.شاید هم مراد از« إِناثاً »در آیه،موجود تأثیرپذیر و ضعیف است و لذا صلاحیّت پرستش را ندارد.

پیام ها:

۱ معبودهای غیر الهی،یا ضعیفند یا طغیانگر. «إِلاّ إِناثاً» ، «إِلاّ شَیْطاناً مَرِیداً» ۲ فرار از معبود حقّ،راهی جز پناه به معبودهای باطل و شیطان ندارد. «إِلاّ إِناثاً» ، «إِلاّ شَیْطاناً مَرِیداً» ۳ همه ی راههای انحرافی،به یک راه پیروی از شیطان منتهی می شود. «إِنْ یَدْعُونَ إِلاّ شَیْطاناً مَرِیداً» ۴ پرستش هر معبودی جز خداوند در حقیقت شیطان پرستی است. «یَدْعُونَ مِنْ

ص: ۳۸۷

دُونِهِ»

، «شَيْطاناً مَرِيداً»

[سوره النساء (۴): آيات ۱۱۸ تا ۱۱۹]

اشاره

لَعَنَهُ اَللّٰهُ وَ قٰالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبٰادِكَ نَصِيباً مَفْرُوضاً (۱۱۸) وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذٰانَ اَلْأَنْعٰامِ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اَللّٰهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ اَلشَّيْطٰانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اَللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرٰاناً مُبِيناً (۱۱۹)

خداوند لعنتش كرده وقتى كه گفت:من حتماً از بندگان تو سهمى معيّن خواهم گرفت.(و گروهى را منحرف خواهم كرد)

و حتماً آنان را گمراه مى كنم و قطعاً به آرزوها سرگرمشان مى سازم و دستورشان مى دهم كه گوش چهارپايان را بشكافند(تا علامت باشد كه اين حيوان سهم بت هاست)و به آنان فرمان مى دهم كه آفرينش خدا را دگرگون سازند.و هر كس به جاى خدا،شيطان را دوست و سرپرست خود بگيرد، بى گمان زيان كرده است،زيانى آشكار.

نكته ها:

جمله «لَأُمَنِّيَنَّهُمْ» به معناى القاى آرزوهاى پوچ و بيجا است.

شكافتن گوش حيوان،از برنامه هاى خرافى جاهليّت بود كه پس از آن،سوار شدن و ذبح و هر استفاده اى را از آن حيوان حرام مى پنداشتند.

تأكيدهاى بسيار شيطان بر گمراه ساختن مردم،كه در اين دو آيه آمده،هشدارى بر صاحبان ايمان است.

عبارت «مِنْ عِبٰادِكَ نَصِيباً مَفْرُوضاً» را دو گونه مى توان معنا كرد:

الف:بعضى از بندگان را گمراه مى كند.

ب:از هر بنده اى لحظاتى را شيطانى مى كند.

ص: ۳۸۸

در روایتی می خوانیم:جمله «فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّهِ» تغییر دین خدا را نیز شامل می شود. (۱)

پیام ها:

۱ شرک ورزیدن در دام شیطان قرار گرفتن است. «إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاّ إِناثاً» ، «لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبادِكَ» ۲ ریشه ی همه ی شقاوت های شیطان،ملعون شدن اوست. «لَعَنَهُ اللّهُ» ۳ شیطان،دشمن دیرین انسان است،به هوش باشیم در دام او نیفتیم. «لَأَتَّخِذَنَّ» ۴ شیطان برای گمراهی انسان،آخرین تلاش خود را می کند.(تمام آیه ی ۱۱۹) ۵ شیطان،همه را نمی تواند گمراه کند. «لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبادِكَ» ۶ شیطان،خالقیّت خدا را قبول دارد. «عِبادِكَ» ۷ خطر وسوسه ها،جدّی و دائمی است،دشمن خود را بشناسیم.(حرف لام که بر سر تمام افعال آمده است نشانه جدّی بودن خطر است). «لَأَتَّخِذَنَّ...» ۸ شیطان،هر کس را به نحوی گمراه می کند.بدعت در دین،تغییر در آفرینش.

«لَأُمَنِّيَنَّهُمْ»

، «فَلَيُبَتِّكُنَّ» ، «فَلَيُغَيِّرُنَّ» ۹ آرزوهای طولانی از القائات شیطان است. «لَأُمَنِّيَنَّهُمْ» ۱۰ شیطان،ابتدا در فکر و روح انسان اثر می گذارد،سپس او را تسلیم خود می گرداند.(جمله ی گمراه کردن و آرزوی طولانی ابتدا مطرح شده،سپس فرمان دادن) «لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ» ۱۱ انسان فطرتاً در مسیر حقّ است.کلمه«اضلال»در جایی بکار می رود که قبلاً مسیر حقّ باشد. «لَأُضِلَّنَّهُمْ» ۱۲ شیطان مردم را به حرام کردن حلال های الهی دعوت می کند. «فَلَيُبَتِّكُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ» ۱۳ آرزوها زمینه اطاعت پذیری از شیطان است. «لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ»

۱- ۱) .تفسیر برهان و عیّاشی.

۱۴ خرافات،از القائات شیطانی است. «فَلَیُبَتِّکُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ» ۱۵ اسلام،اجازه ی بی مصرف ماندن یک حیوان را نمی دهد تا چه رسد به بی مصرف ماندن انسان ها. «فَلَیُبَتِّکُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ» ۱۶ تغییر مخلوقات(نظیر زن را به مرد و مرد را به زن تبدیل کردن)کار حرام و شیطانی است. «فَلَیُغَیِّرُنَّ خَلْقَ اللّهِ» ۱۷ اطاعت از شیطان در حقیقت پذیرش ولایت اوست. «یَتَّخِذِ الشَّیْطانَ وَلِیًّا» ۱۸ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان است. «وَ مَنْ یَتَّخِذِ الشَّیْطانَ وَلِیًّا مِنْ دُونِ اللّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِیناً»

[سوره النساء (۴): آیات ۱۲۰ تا ۱۲۱]

اشاره

یَعِدُهُمْ وَ یُمَنِّیهِمْ وَ ما یَعِدُهُمُ الشَّیْطانُ إِلاّ غُرُوراً (۱۲۰) أُولئِکَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ لا یَجِدُونَ عَنْها مَحِیصاً (۱۲۱)

(شیطان)به آنان وعده می دهد و ایشان را در آرزو می افکند و شیطان جز فریب،وعده ای به آنان نمی دهد.

آنانند که جایگاهشان دوزخ است و از آن راه گریزی نیابند.

نکته ها:

« مَحِیصاً »از«حیص»به معنای عدول و صرف نظر کردن است.

وقتی آیه ی ۱۳۵ آل عمران در مورد بخشایش گناهان از سوی خداوند نازل شد ابلیس با فریادی یارانش را جمع کرد و گفت:با توبه ی انسان،همه ی زحمات ما ناکام می شود.هر یک سخنی گفتند.یکی از شیاطین گفت:هر گاه کسی تصمیم به توبه گرفت،او را گرفتار آرزوها و وعده ها می کنم تا توبه را به تأخیر اندازد.ابلیس راضی شد. (۱)

هم خدا و هم شیطان وعده داده اند،ولی وعده ی الهی راست

ص: ۳۹۰

۱- ۱) .تفسیر صافی.

«وَ لَنْ يُخْلِفَ اللّهُ وَعْدَهُ» (۱)و وعده های شیطان جز دروغ و فریب چیز دیگری نیست. «وَ ما يَعِدُهُمُ اَلشَّيْطانُ إِلاّ غُرُوراً» نشانه ی وعده های شیطان،دعوت به تنگ نظری و فساد است.در آیه ی دیگر می خوانیم: «الشَّيْطانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشاءِ» (۲)

پیام ها:

۱ دلبستگی به آرزوها،افتادن در دام فریب شیطان است. «يَعِدُهُمْ وَ يُمَنِّيهِمْ» ۲ آنان که به دیگران حتّی به کودکان وعده ی دروغ می دهند،کاری شیطانی می کنند. «وَ ما يَعِدُهُمُ...» ۳ دوزخ،برای گروهی جایگاه ابدی و خلود است. «مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ...» ۴ تهدید به کیفر،یکی از شیوه های جلوگیری از فساد است. «مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ» ۵ از همه ی ناگواری های دنیا می توان گریخت،ولی از عذاب آخرت هرگز! «لا يَجِدُونَ عَنْها مَحِيصاً» ۶ در آخرت،برگشت امکان ندارد،پس تا از دنیا نرفته ایم از بدی ها برگردیم.

«لا يَجِدُونَ...»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۲]

اشاره

وَ اَلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّالِحاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً وَعْدَ اَللّهِ حَقًّا وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اَللّهِ قِيلاً (۱۲۲)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند،به زودی آنان را در باغهایی که از زیر(درختان)آنها جوی ها روان است وارد می کنیم.همیشه در آن جاودانند.وعده ی الهی حقّ است.و چه کسی در سخن از خداوند، راستگوتر است؟

۱- ۱) .حج،۴۷.

۲- ۲) .بقره،۲۶۸.

پیام ها:

۱ ایمان از عمل جدا نیست. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا» ۲ اگر همه ی اعمال صالح بود،کارساز خواهد گشت.کلمه «الصّالِحاتِ» با الف و لام نشانه همه کارهای نیک است.

۳ تشویق در کنار تهدید،از شیوه های تربیتی قرآن است.(آیه ی قبل تهدید بود، اینجا تشویق است). «مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ» ، «سَنُدْخِلُهُمْ جَنّاتٍ» ۴ وعده ی الهی از ذات مقدّس توانا و بی نیاز اوست. «سَنُدْخِلُهُمْ جَنّاتٍ» ولی وعده های دیگران یا از روی جهل و نیاز است،یا برخاسته از عجز و ناتوانی.

۵ لذّت های دنیا،نگرانی از دست دادن دارد،امّا نعمت های بهشت،جاودانه است. «خالِدِینَ فِیها» ۶ با مقایسه ی وعده های دروغ شیطان و وعده های راست خدا،به وعده ی الهی دل ببندیم. «وَعْدَ اللّهِ حَقًّا»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۳]

اشاره

لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ وَ لا أَمانِیِّ أَهْلِ اَلْکِتابِ مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً یُجْزَ بِهِ وَ لا یَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اَللّهِ وَلِیًّا وَ لا نَصِیراً (۱۲۳)

(پاداش و عقاب و برتری)به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست! هر که بدی کند بدان کیفر داده می شود و جز خداوند،برای خویش سرپرست و یاوری نیابد.

نکته ها:

مسلمانان به خاتمیّت پیامبر اسلام و اینکه بهترین امّتند افتخار می کردند. (۱)و اهل کتاب نیز به سابقه ی خود می بالیدند و می گفتند:جز ایّام معدودی در آتش نخواهیم بود. (۲)این آیه در تصحیح پندار هر دو گروه،ملاک را«عمل»قرار داد.

در دو آیه قبل،امانیّ را از شیطان دانست،در این آیه آرزوهای باطل را ردّ می کند.

ص: ۳۹۲

۱- ۱) .آل عمران،۱۱۰.

۲- ۲) .بقره،۸۰.

تعبیر «یُجْزَ بِهِ» شامل جزای دنیوی،یا اخروی یا هر دو می باشد.روایات، جزای خلافکاری مؤمن را گرفتاری ها و سختی های دنیا و برزخ معرّفی کرده است. (۱)

برخی مسلمانان انتظار داشتند که پیامبر صلی اللّه علیه و آله در مشاجرات مسلمانان و اهل کتاب، از مسلمانان جانبداری کند،در حالی که اصل بر عدالت است،نه حمایت. (۲)

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در پاسخ کسی که از جمله ی« مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً یُجْزَ بِهِ »به وحشت افتاده بود،فرمود:امراض جسمی و گرفتاری ها،نوعی کیفر اعمال انسان است. (۳)

پیام ها:

۱ از خیال ها و آرزوهای بی اساس بپرهیزید،که کارآیی ندارد. «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ» ۲ در هر گروه و قشری افراد پر توقّع و امتیازطلب پیدا می شود. «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ» ، «أَهْلِ الْکِتابِ» ۳ در گفتار و داوری منصفانه عمل کنید و اگر انتقاد می کنید از ضعف همه بگویید. «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ وَ لا أَمانِیِّ أَهْلِ الْکِتابِ» ۴ در انتقاد یا رفع عیب،از خودتان شروع کنید.جمله «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ» قبل از جمله «أَمانِیِّ أَهْلِ الْکِتابِ» است.

۵ قاطعیّت بجا و ایستادگی در مقابل امیتازطلبی های پوچ،از بهترین شیوه های تربیت است. «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ» ۶ اسلام بر واقعیّات استوار است،نه بر خیالات یا تمایلات افراد. «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ...» ۷ خداوند عادل است و پاداش و کیفرش بر اساس عمل است. «مَنْ یَعْمَلْ» ۸ در مکتب وحی،همه در برابر قانون برابرند. «مَنْ یَعْمَلْ» (سوء استفاده و امتیاز طلبی از نام و آرم ممنوع است) ۹ اصل،عمل است نه شعار،ضابطه است نه رابطه! «مَنْ یَعْمَلْ»

۱- ۱) .تفسیر أطیب البیان.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

۳- ۳) .مستدرک،ج ۲،ص ۶۰.

۱۰ در اجرای حدود نسبت به مجرم،وساطت و شفاعت ممنوع است. «لاّ یَجِدْ» ، «وَلِیًّا وَ لاّ نَصِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۴]

اشاره

وَ مَنْ یَعْمَلْ مِنَ اَلصّالِحاتِ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰئِکَ یَدْخُلُونَ اَلْجَنَّهَ وَ لا یُظْلَمُونَ نَقِیراً (۱۲۴)

و هر کس کارهای شایسته انجام دهد،چه مرد باشد و چه زن،در حالی که مؤمن باشد پس آنان به بهشت وارد می شوند و کمترین ستمی به آنان نمی شود.

نکته ها:

کلمه ی« نَقِیراً »از نوک زدن گرفته شده و به گودی هسته ی خرما که گویا نوک خورده است،گفته می شود.

در آیه ی قبل «مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً» بود،اینجا «یَعْمَلْ مِنَ الصّالِحاتِ» ،یعنی کیفر و پاداش،هر دو بر پایه ی«عمل»است.

در این آیه بهشت،و در آیه ی ۹۷ سوره ی نحل،علاوه بر آن«حیات طیّبه»بیان شده است: «مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاهً طَیِّبَهً وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما کانُوا یَعْمَلُونَ»

پیام ها:

۱ عامل ورود به بهشت،ایمان و عمل صالح است،نه نژاد و ادّعا و آرزو(که در آیه ی قبل مطرح بود). «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ» ، «مَنْ یَعْمَلْ مِنَ الصّالِحاتِ...» ۲ همه ی نژادها،رنگ ها،ملل و طبقات،در بهره گیری از لطف خدا یکسانند.

«مَنْ یَعْمَلْ»

۳ با انجام قسمتی از کارهای صالح،به بهشت امید داشته باشید.چون کمال بی نهایت است و قدرت کسب انسان محدود. «مِنَ الصّالِحاتِ» ۴ زن و مرد،در رسیدن به کمالات معنوی برابرند. «مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی» بر خلاف

اعتقادات گروهی از یهود و مسیحیان. (۱)

۵ ایمان،شرط قبولی اعمال است و خدمات انسان های بی ایمان،در همین دنیا جبران می شود و ارزش اخروی ندارد. (۲)«مَنْ يَعْمَلْ» ، «وَ هُوَ مُؤْمِنٌ» ۶ جزای مؤمنِ نیکوکار بهشت است. «فَأُولٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» ۷ کارهای نیک،گرچه اندک باشد ارزش دارد. «وَ لاٰ يُظْلَمُونَ نَقِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۵]

اشاره

وَ مَنْ أَحْسَنُ دِيناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اِتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرٰاهِيمَ حَنِيفاً وَ اِتَّخَذَ اَللّٰهُ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلاً (۱۲۵)

و دین و آیین چه کسی بهتر از آن کس است که خود را تسلیم خدا کرده،در حالی که نیکوکار است و از آیین ابراهیمِ حق گرا پیروی کرده است؟ و خداوند، ابراهیم را به دوستی خود برگزید.

نکته ها:

در دو آیه ی قبل،اصل را بر«عمل»دانست،نه انتساب به اسلام یا مسیحیّت.این آیه برای جلوگیری از این است که پنداشته نشود همه ی ادیان و عقاید یکسانند.

مخفی نماند که تسلیم خدا بودن از رضا به قضای او بالاتر است.چون در رضا، انسانِ راضی خود را کسی می داند ولی در تسلیم،انسان برای خود ارزشی در برابر خدا قائل نیست. (۳)

« حَنِيفاً »یعنی کسی که از راه انحرافی به حقّ گرویده است،بر عکس«جنیف»که کسی را گویند که از حقّ به باطل گرویده است.

« خَلِيلاً »یا از ریشه ی«خلت»به معنای دوستی است،یا از«خلت»به معنای نیاز است،ولی معنای اوّل مناسب تر است.

طبق روایات،مقام خلیل اللّهی ابراهیم،به خاطر سجده های بسیار،اطعام

۱- ۱) .تفسیر فرقان.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

۳- ۳) .تفسیر أطیب البیان.

مساکین،نماز شب،رد نکردن سائل و مهمان نوازی او بوده است. (۱)

پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله تابع آیین ابراهیم است. «أَوْحَیْنا إِلَیْکَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّهَ إِبْراهِیمَ حَنِیفاً» (۲)ابراهیم،«خلیل اللّه»است و محمّد،«حبیب اللّه». (۳)

کسانی که وجهه ی خود را الهی کنند،برنده اند.چون «کُلُّ شَیْءٍ هالِکٌ إِلاّ وَجْهَهُ» (۴)جز وجه الهی،همه چیز فانی است.

پیام ها:

۱ برترین آیین،پیروی از دین ابراهیم است. «وَ مَنْ أَحْسَنُ دِیناً» ۲ تسلیم در برابر خداوند و احسان به مردم از اصول ادیان الهی است. «أَسْلَمَ» ، «وَ هُوَ مُحْسِنٌ» ۳ مکتب،بر پایه ی ایمان و عمل،هر دو استوار است و هر کدام بدون دیگری ناقص است. «أَسْلَمَ» ، «وَ هُوَ مُحْسِنٌ» ۴ بهترین الگوهای مردم کسانی هستند که خداوند آنان را برای خود برگزیده است. «وَ اتَّبَعَ مِلَّهَ إِبْراهِیمَ حَنِیفاً وَ اتَّخَذَ اللّهُ إِبْراهِیمَ خَلِیلاً» ۵ هر کس از باطل روی گرداند خود را آماده مقام خلیل اللّهی می کند. «حَنِیفاً وَ اتَّخَذَ اللّهُ إِبْراهِیمَ خَلِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۶]

اشاره

وَ لِلّهِ ما فِی اَلسَّماواتِ وَ ما فِی اَلْأَرْضِ وَ کانَ اَللّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ مُحِیطاً (۱۲۶)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است تنها از آن خداوند است.و خداوند همواره بر هر چیز احاطه دارد.

نکته ها:

خداوند بر همه ی مخلوقاتش احاطه ی کامل دارد.احاطه ی قهر و تسخیر،

ص: ۳۹۶

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .نحل،۱۲۳.

۳- ۳) .درّ المنثور،ج ۲ ص ۲۳۰.

۴- ۴) .قصص،۸۸.

احاطه ی علم و تدبیر و احاطه ی خلق و تغییر.

پیام ها:

۱ چون همه چیز از آن اوست،پس باید تنها در مقابل اراده ی حکیمانه ی او تسلیم بود.(اشاره به آیه ی قبل) «مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ» ، «لِلّٰهِ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ» ۲ انتخاب ابراهیم به عنوان دوست(آیه قبل)،به خاطر نیاز خداوند نیست.

انسان های برگزیده نیز مملوک او هستند. «إِبْرٰاهِیمَ خَلِیلاً وَ لِلّٰهِ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ...» ۳ مالکیّت مطلقه،همراه با علم و احاطه ی کامل بر مملوک،مخصوص خداست.

«بِکُلِّ شَیْءٍ مُحِیطٌ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۷]

اشاره

وَ یَسْتَفْتُونَکَ فِی اَلنِّسٰاءِ قُلِ اَللّٰهُ یُفْتِیکُمْ فِیهِنَّ وَ مٰا یُتْلیٰ عَلَیْکُمْ فِی اَلْکِتٰابِ فِی یَتٰامَی اَلنِّسٰاءِ اَللاّٰتِی لاٰ تُؤْتُونَهُنَّ مٰا کُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ وَ اَلْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ اَلْوِلْدٰانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْیَتٰامیٰ بِالْقِسْطِ وَ مٰا تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اَللّٰهَ کٰانَ بِهِ عَلِیماً (۱۲۷)

و درباره ی(ارث)زنان از تو فتویٰ می خواهند،بگو:خدا درباره آنها به شما فتوی می دهد،و آیه های قرآن که بر شما تلاوت می شود،درباره ی زنان یتیم که حقّشان را نمی دهید و می خواهید به ازدواجشان درآورید و کودکانی که مستضعفند(به شما فتویٰ می دهد)که با یتیمان به انصاف رفتار کنید و هر کار نیکی انجام دهید،خدا از آن آگاه است.

پیام ها:

۱ حقوق زن،مورد بحث و گفتگوی مسلمانان صدر اسلام بوده است.

«یَسْتَفْتُونَکَ فِی النِّسٰاءِ»

۲ دفاع از حقوق زنان،کودکان و یتیمان در کنار هم،نشانه ی ظلم به آنان در طول

تاریخ است. «النِّساءِ» ، «یَتامَی» ، «الْوِلْدانِ» ۳ حمایت از حقوق زنان،حکم خدشه ناپذیر خداوند است. «قُلِ اللّهُ یُفْتِیکُمْ» ۴ تشریع حکم از جانب خداوند است و بیان بر عهده ی پیامبر. «قُلِ اللّهُ یُفْتِیکُمْ» ۵ سنّت های جاهلی را باید با فتواهای صریح شکست. «قُلِ اللّهُ یُفْتِیکُمْ» ۶ به خاطر تفکّرات جاهلی،زنان را از ارث محروم نکنید. «لا تُؤْتُونَهُنَّ ما کُتِبَ لَهُنَّ» ۷ خدا زنان را مالک دانسته و برایشان بهره ای از ارث قرار داده است. «کُتِبَ لَهُنَّ» ۸ بی میلی به ازدواج با دختران یتیم،هم ردیفِ محروم کردن آنان از ارث است.

همچنین تمایل به ازدواج با آنان به خاطر تصاحب ارثشان،نوعی ظلم به آنان است. «تَرْغَبُونَ» (هم به معنی مایل بودن است وهم به معنای مایل نبودن) ۹ حفظ حقوق یتیمان وظیفه همگان است. «وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْیَتامی» ۱۰ باید جامعه اسلامی برای اجرای عدالت در میان یتیمان قیام کند. «تَقُومُوا لِلْیَتامی بِالْقِسْطِ» ۱۱ برخورد عادلانه با یتیم،نمونه ی کار خیر است. «وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ» ۱۲ خدمت و حمایت از محرومان،فراموش نمی شود. «فَإِنَّ اللّهَ کانَ بِهِ عَلِیماً» ۱۳ ایمان به علم الهی،بهترین تشویق برای انجام کار خیر است. «کانَ بِهِ عَلِیماً» ۱۴ علم خداوند به رخدادها،قبل از تحقّق آن است. «تَفْعَلُوا» ، «کانَ بِهِ عَلِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۸]

اشاره

وَ إِنِ امْرَأَةٌ خافَتْ مِنْ بَعْلِها نُشُوزاً أَوْ إِعْراضاً فَلا جُناحَ عَلَیْهِما أَنْ یُصْلِحا بَیْنَهُما صُلْحاً وَ الصُّلْحُ خَیْرٌ وَ أُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَ إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً (۱۲۸)

و اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا اعراض داشته باشد بر آن دو باکی نیست که به گونه ای با یکدیگر صلح کنند(گرچه با چشم پوشی بعضی از حقوقش باشد)و صلح بهتر است،ولی بخل و تنگ نظری،در نفْس ها حاضر شده(و مانع صلح)است،و اگر نیکی کنید و تقوا ورزید،پس بدانید که همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است.

نکته ها:

« نُشُوزاً »،از ریشه ی«نشز»زمین بلند و معنای آن طغیان است.در آیه ی ۳۴ سخن از نشوز زن بود «تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ» و اینجا کلام از نشوز و سرکشی مرد است.

« اَلشُّحَّ »در زن،نپوشیدن لباس خوب و ترک آرایش است.و در مرد،نپرداختن مهریّه و نفقه و نشان ندادن علاقه.

رافع بن خدیج دو همسر داشت،یکی پیر و دیگری جوان.همسر مسنّ را به خاطر اختلاف هایی طلاق داد و پیش از تمام شدن عدّه،به او گفت:اگر حاضر باشی به این شرط با تو آشتی می کنم که اگر همسر جوانم را مقدّم داشتم صبر کنی، و گر نه پس از تمام شدن مدّت عدّه،از هم جدا می شویم.زن،آشتی را پذیرفت.

سپس این آیه نازل شد.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فرمود:این آیه مربوط به کسی است که از همسرش لذّتی نمی برد و بنای طلاقش را دارد،زن می گوید:مرا طلاق نده،اگر خواستی همسر دیگری بگیر و مرا هم داشته باش. (۱)

پیام ها:

۱ علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.در مسائل خانوادگی قبل از آنکه کار به طلاق بکشد باید چارههایی اندیشید. «خافَتْ» ۲ گذشت از حقّی برای رسیدن به مصلحت بالاتر و حفظ خانواده،مانعی ندارد و بهتر از پافشاری برای گرفتن حقّ است. «فَلا جُناحَ» ۳ در مسائل خانواده،مرحله ی اوّل اصلاح خود زوجین،بدون دخالت دیگران است.اگر نشد،دیگران دخالت کنند. «أَنْ يُصْلِحا بَيْنَهُما» ۴ بهره ی همسر از همسر،حقّی قابل گذشت است.حکمی نیست که قابل تغییر نباشد. «فَلا جُناحَ عَلَيْهِما أَنْ يُصْلِحا»

۱- ۱) .کافی،ج ۶،ص ۱۴۵؛وسائل،ج ۲۱،ص ۳۵۱.

۵ حقّ خانواده بیش از حقّ شخصی زن یا مرد است.به خاطر حفظ خانواده، باید از حقّ شخصی گذشت. «وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ» ۶ صلح،همیشه با پرداخت مال نیست.گاهی گذشت از حقّ،زمینه ساز مصالحه و آشتی است.و بخل مانع آن است. «وَ أُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» ۷ رمز تزلزل بسیاری از خانواده ها،تنگ نظری و بخل و حرصی است که انسان را احاطه کرده است. «وَ أُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» ۸ گذشت مرد از تمایلات جنسی و رعایت عدالت میان دو همسر،از نمونه های تقوا و احسان است. «إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا» ۹ نظام حقوقی اسلام با نظام اخلاقی آن آمیخته است. «يُصْلِحا» ، «.تُحْسِنُوا» ۱۰ چه گذشتن از حقّ خود و چه نیکی به همسر،همه در محضر خداوند است.

«فَإِنَّ اللّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً»

۱۱ مرد هوسباز بداند که اگر به خاطر کامیابی خود،همسر قبل را در فشار قرار دهد و او به ناچار مسئله ای را بپذیرد،خدا به عملکردش آگاه است. «كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۲۹]

اشاره

وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ اَلنِّساءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلا تَمِيلُوا كُلَّ اَلْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ وَ إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اَللّهَ كانَ غَفُوراً رَحِيماً (۱۲۹)

و هرگز نمی توانید(از نظر علاقه ی قلبی)میان همسران به عدالت رفتار کنید، هر چند کوشش فراوان کنید.پس تمایل خود را یکسره متوجّه یک طرف نسازید تا دیگری را بلاتکلیف رها کنید.و اگر راه صلح و آشتی و تقوا پیش گیرید،به یقین خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

نکته ها:

قانون آسمانی با فطرت تضاد ندارد.انسان به همسر جوان بیشتر از همسر سالخورده علاقه دارد.و لذا فرمان عدالت تنها نسبت به رفتار با آن دو است نه

علاقه ی قلبی.حالا که عدالت قلبی نمی شود عدالت در عمل بایستی باشد. (۱)در اسلام،تکلیف فوق توان نیست.انسان قدرت بر تعدیل محبّت را ندارد ولی حد اقل عدالت در برخورد،را باید داشته باشد.

در روایات آمده است:پیامبر صلی اللّه علیه و آله حتّی در ایام بیماری در آستانه ی رحلت،بستر خود را به عدالت به اتاق های همسران خود منتقل می کرد،و حضرت علی علیه السلام در روزی که متعلّق به همسری بود،حتّی در خانهٔ همسر دیگر وضو نمی گرفت. (۲)

پیام ها:

۱ بلاتکلیف گذاشتن زن،حرام است. «فَتَذَرُوها کَالْمُعَلَّقَهِ» ۲ با صلح و تقوا،هم ضعف های گذشته بخشوده می شود،هم غفلت های ناآگاهانه ی امروز. «وَ إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللّٰهَ کانَ غَفُوراً رَحِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۳۰]

اشاره

وَ إِنْ یَتَفَرَّقا یُغْنِ اَللّٰهُ کُلاًّ مِنْ سَعَتِهِ وَ کانَ اَللّٰهُ واسِعاً حَکِیماً (۱۳۰)

و اگر آن دو از یکدیگر جدا شدند،خداوند هر یک را از کرم و وسعت خویش بی نیاز می کند.و خداوند همواره گشایش دهنده ی حکیم است.

پیام ها:

۱ در اسلام،برای خانواده بن بست نیست،(بر خلاف مسیحیّت فعلی،)اگر عفو، صلح و اجرای حدود و هشدارها کارساز نبود،طلاق وجود دارد. «وَ إِنْ یَتَفَرَّقا» ۲ با پیدایش گره در زندگی،نباید مأیوس شد.بلکه مسیر را باید عوض کرد.

«وَ إِنْ یَتَفَرَّقا یُغْنِ اللّٰهُ...»

۳ گام اوّل،اصلاح و تقوا است.(آیه ی قبل)،گام آخر،جدایی و طلاق است.

«وَ إِنْ یَتَفَرَّقا»

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین،ج ۱،ص ۵۵۸؛کافی،ج ۵،ص ۳۶۲.

۲- ۲) .تفسیر نمونه و تبیان.

۴ طلاق و جدایی همه جا بد نیست،گاهی راهگشاست.زیرا چه بسا اختلافات خانوادگی به خودکشی و روابط نامشروع بیانجامد.طلاق،امیدِ تشکیل زندگی مجدّد را نوید می دهد. «يُغْنِ اللّهُ كُلاًّ مِنْ سَعَتِهِ» ۵ خداوند،ضامن گره گشایی است. «يُغْنِ اللّهُ كُلاًّ مِنْ سَعَتِهِ» ۶ راه توسعه ی زندگی برای هر کس به گونه ای است.گاهی با ازدواج «إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللّهُ» [(۱)](#) گاهی با طلاق «وَ إِنْ يَتَفَرَّقا يُغْنِ اللّهُ» تا وظیفه چه باشد.نه از ازدواج باید ترسید،چون خدا وعده ی بی نیازی داده است؛و نه از طلاق، چون خداوند آن جا هم وعده ی وسعت رزق داده است. «يُغْنِ اللّهُ» ۷ روزی دست خداست. «واسِعاً حَكِيماً» ۸ تشریع طلاق یک تفضل الهی و بر اساس حکمت است. «واسِعاً حَكِيماً» ۹ بهره گیری از وسعت و قدرت،اگر همراه با حکمت باشد ارزش است و گر نه خطر است. «واسِعاً حَكِيماً»

[سوره النساء (۴): آیات ۱۳۱ تا ۱۳۲]

اشاره

وَ لِلّهِ ما فِي اَلسَّماواتِ وَ ما فِي اَلْأَرْضِ وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيّاكُمْ أَنِ اِتَّقُوا اَللّهَ وَ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّهِ ما فِي اَلسَّماواتِ وَ ما فِي اَلْأَرْضِ وَ كانَ اَللّهُ غَنِيًّا حَمِيداً (۱۳۱) وَ لِلّهِ ما فِي اَلسَّماواتِ وَ ما فِي اَلْأَرْضِ وَ كَفى بِاللّهِ وَكِيلاً (۱۳۲)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن خداست و همانا کسانی را که پیش از شما کتاب آسمانی داده شدند و نیز شما را به تقوای الهی سفارش کردیم و اگر کافر شوید،(چه باک که)آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن خداست و خداوند همواره بی نیاز و ستوده(شایسته ی ستایش)است.

ص: ۴۰۲

۱- ۱) .نور،۳۲.

و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و خداوند بس کارساز است.

نکته ها:

در آیه قبل خداوند وعده داد که در صورت جدایی زن و شوهر هر دو را از رحمت گسترده خود بی نیاز می کند.

تکرار جمله ی «وَ لِلّهِ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ» در این آیات،برای دفع این توهم است که کسی نپندارد خداوند نمی تواند همسران طلاق داده شده را کفایت کند،یا اینکه سفارش به تقوا به سود خداست،یا اینکه خدا مجبور است شما را نگهدارد.چون آنچه در آسمان ها و زمین است از آن اوست و اگر بخواهد شما را می برد و دیگران را جایگزین شما می سازد.

علی علیه السلام درباره ی رابطه انسان با خدا می فرماید:«غنیا عن طاعتهم لا تضره معصیه من عصاء و لا تنفعه طاعه من اطاعه» (۱)نه گناه کسانی که گناه می کنند به او ضرر می رساند نه عبادت عبادت کنندگان برای او سودی دارد.

پیام ها:

۱ قدرت و مالکیت الهی،ضامن اجرای وعده های اوست. «وَ لِلّهِ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ» ۲ سفارش به پرهیزگاری سفارش همه ی انبیاست و تکرار این توصیه در همه ادیان،از اصول مهم تربیتی است. «وَصَّیْنَا» ، «مِنْ قَبْلِکُمْ وَ إِیّٰاکُمْ» ۳ مشترک بودن دستورات الهی در همه ادیان،عمل به آنها را آسان می نماید.

«وَصَّیْنَا»

، «مِنْ قَبْلِکُمْ وَ إِیّٰاکُمْ أَنِ اتَّقُوا اللّٰهَ» ۴ از او که مالک آسمان ها و زمین است باید پروا داشت،نه دیگری. «وَ لِلّٰهِ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ» ، «اتَّقُوا اللّٰهَ» ۵ بی تقوایی زمینه ساز کفر است. «أَنِ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ إِنْ تَکْفُرُوا»

۱- ۱) .نهج البلاغه،خطبه ۱۹۳.

۶ خداوند غنی است و با داشتن مالکیّت آسمان ها و زمین،نیازی به عبادت و ایمان ما ندارد. «إِنْ تَکْفُرُوا فَإِنَّ لِلّهِ ما فِی السَّماواتِ» ۷ کفر،مردم را از تحت قدرت خدا خارج نمی کند. «إِنْ تَکْفُرُوا فَإِنَّ لِلّهِ ما فِی السَّماواتِ» ۸ چون خدا بی نیاز مطلق است پس باید ستایش شود. «غَنِیًّا حَمِیداً» ۹ غنای او دائمی است. «کانَ اللّهُ غَنِیًّا» ۱۰ خداوند به ایمان و تقوای مردم نیازی ندارد. «أَنِ اتَّقُوا اللّهَ وَ إِنْ تَکْفُرُوا» ، «کانَ اللّهُ غَنِیًّا» ۱۱ به کسی توکّل کنید که مالک آسمان ها و زمین است. «کَفی بِاللّهِ وَکِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۳۳]

اشاره

إِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ أَیُّهَا اَلنّاسُ وَ یَأْتِ بِآخَرِینَ وَ کانَ اَللّهُ عَلی ذلِکَ قَدِیراً (۱۳۳)

(ای مردم!)اگر خدا بخواهد شما را از میان می برد و دیگران را می آورد و خداوند بر این کار تواناست.

نکته ها:

چون این آیه نازل شد،رسول خدا صلی اللّه علیه و آله دست مبارک خود را بر پشت سلمانِ فارسی زد و فرمود:آن جمعیّت که خدا می آورد،از قوم فارس هستند. (۱)پیامبر صلی اللّه علیه و آله با این سخن خود،هم اسلام ایرانیان را پیشگویی کرد و هم خدمات آنان را به اسلام.

پیام ها:

۱ مهلت دادن خداوند به کافران از عجز او نیست بلکه از حکمت اوست. «إِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ» ۲ امکانات و موقعیّتی که دارید،همیشگی نیست،بلکه مربوط به اراده ی

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

خداست.به خود مغرور نشوید. «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكَمْ أَيُّهَا النّاسُ وَ يَأْتِ بِآخَرِينَ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۳۴]

اشاره

مَنْ كانَ يُرِيدُ ثَوابَ اَلدُّنْيا فَعِنْدَ اَللّهِ ثَوابُ اَلدُّنْيا وَ اَلْآخِرَهِ وَ كانَ اَللّهُ سَمِيعاً بَصِيراً (۱۳۴)

هر کس پاداش دنیا را بخواهد،پس(بداند که)پاداش دنیا و آخرت نزد خداست و خداوند همواره شنوای بیناست.

نکته ها:

انسان که می تواند از خداوند،دنیا و آخرت را بخواهد و از نعمت های هر دو سرا بهره مند شود،اگر تنها به دنیا اکتفاء کند و در کارهای نیک،در پی اهداف مادّی باشد،به شدّت در اشتباه است.

یکی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی،گمان رسیدن به دنیاست که این آیه آن را ردّ می کند.

پیام ها:

۱ در انسان غریزه سودجویی است.قرآن از این غریزه در تربیت انسان ها استفاده می کند. «مَنْ كانَ يُرِيدُ ثَوابَ الدُّنْيا» ۲ اسلام دین جامع و خواهان سعادت مردم در دنیا و آخرت و دستیابی به هر دو است. «فَعِنْدَ اللّهِ ثَوابُ الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ» ۳ دنیا و آخرت،همه به دست اوست،پس دید خود را گسترش دهیم و از مادّیات و تنگ نظری برهیم. «فَعِنْدَ اللّهِ ثَوابُ الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ» ۴ اگر دنیا هم می خواهیم،از خدا بخواهیم،که همه چیز به دست اوست. «فَعِنْدَ اللّهِ

ثَوابُ الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ»

۵ مؤمنانی که از خداونـد،هم دنیا و هم آخرت را طلب کننـد برنـده انـد. (۱)«فَعِنْدَ اللّهِ ثَوابُ الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ» ۶ پاداش الهی بر اسـاس علم و آگاهی او به اعمال ما است. «فَعِنْدَ اللّهِ ثَوابُ الـدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ وَ كانَ اللّهُ سَـمِيعاً بَصِـيراً» ۷ بایـد به حقیقت،مؤمن و مخلص بود نه به ظاهر،چرا که خداوند،شنوا و بیناست. «كانَ اللّهُ سَمِيعاً بَصِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۳۵]

اشاره

يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلّهِ وَ لَوْ عَلى أَنْفُسِكُمْ أَوِ اَلْوالِدَيْنِ وَ اَلْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللّهُ أَوْلى بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا اَلْهَوى أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اَللّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً (۱۳۵)

ای کسـانی که ایمـان آورده ایـد! همواره بر پـا دارنـده ی عـدالت باشـید و برای خـدا گواهی دهیـد،گرچه به ضـرر خودتان یا والدین و بستگان باشد.اگر(یکی از طرفین دعوا)ثروتمند یا فقیر باشد،پس خداوند به آنان سزاوارتر است.پس پیرو هوای نفس نباشید تا بتوانید به عدالت رفتار کنید. (۲)و اگر زبان بپیچانید(و به ناحق گواهی دهید)یا(از گواهی دادن به حقّ)اعراض کنید، پس(بدانید که)خداوند به آنچه می کنید آگاه است.

نکته ها:

کلمـه ی« تَلْوُوا »از ریشه ی«لی»به معنـای پیمانـدن و تـاب دادن است که مراد از آن در این آیه یـا گردانـدن زبـان به نـاحق و تحریف گواهی است و یا تاب دادن به اجرای

۱- ۱) .با توجّه به آیه«ربّنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخره حسنه»بقره،۲۰۵.

۲- ۲) .ممکن است معنی این جمله چنین باشد:از هوسها پیروی نکنید که در نتیجه از حقّ منحرف شوید و عدول کنید.

عدالت و ایجاد تأخیر در آن است.

تمام کلمات و جملات این آیه در راستای تشویق و تأکید بر عدالت است.قیام به عدالت و گواهی به عدالت و دوری از هر گونه فردگرایی،نژادگرایی و یا ضعیف گرایی،معیار حقّ و عدالت است،نه فقر و غنی،یا خویش و خویشاوند.

گواهی انسان چند حالت دارد:

گاهی علیه ثروتمندان به خاطر روحیّه ی ضدّ استکباری.

گاهی به نفع ثروتمندان بخاطر طمع به مال و مقام او.

گاهی علیه فقیر به خاطر بی اعتنایی به او.

گاهی به نفع فقیر به خاطر دلسوزی برای او.

که این آیه همه ی این انگیزه ها را باطل و تنها قیام به عدل را حقّ می داند.

امام صادق علیه السلام فرمود:مؤمن بر مؤمن هفت حقّ دارد که واجب ترین آنها گفتن حقّ است،گرچه به زیان خود و بستگانش تمام شود. (۱)

پیام ها:

۱ به پاداشتن عدالت هم واجب است،هم لازمه ی ایمان است. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا قَوّامِینَ بِالْقِسْطِ» ۲ قیام به عدالت،باید خوی و خصلت مؤمن گردد.کلمه «قَوّامِینَ» یعنی بر پا کننده دائمی قسط و عدل.

۳ عدالت،حتّی نسبت به غیر مسلمان نیز باید مراعات شود.به اقتضای اطلاق «کُونُوا قَوّامِینَ بِالْقِسْطِ» ۴ عدالت باید در تمام ابعاد زندگی باشد.در اقامه عدل نام مورد خاصّی برده نشده است. «قَوّامِینَ بِالْقِسْطِ» ۵ گواه شدن و گواهی دادن به حقّ،واجب است. «کُونُوا» ، «شُهَداءَ لِلّهِ» ۶ نباید هدف از گواهی دادن،دست یابی به اغراض دنیوی باشد. «شُهَداءَ لِلّهِ» ۷ اقرار انسان علیه خودش معتبر است. «شُهَداءَ لِلّهِ وَ لَوْ عَلی أَنْفُسِکُمْ»

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

۸ ضوابط بر روابط مقدّم است. «وَ لَوْ عَلى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ» ۹ رعایت مصالح خود و بستگان و فقرا،باید تحت الشعاع حقّ و رضای خدا باشد. «شُهَداءَ لِلّهِ وَ لَوْ عَلى أَنْفُسِكُمْ...» ۱۰ سود و مصلحت واقعی فقرا و اغنیا از طریق شهادت به ناحقّ تأمین نخواهد شد. «إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللّهُ أَوْلى بِهِما» ۱۱ همه در برابر قانون مساویند. «غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً» ۱۲ پیروی از هوای نفس مانع اجرای عدالت است و ملاحظه فامیل و فقر و غنا نشانه ی هوی پرستی است. «فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى أَنْ تَعْدِلُوا» ۱۳ ادای شهادت واجب است و کتمان و تحریف آن ممنوع. «إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا» ۱۴ هر نوع کارشکنی،تأخیر و جلوگیری از اجرای عدالت،حرام است. «إِنْ تَلْوُوا» ۱۵ ضامن اجرای عدالت،ایمان به علم الهی است. «فَإِنَّ اللّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۳۶]

اشاره

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلى رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعِيداً (۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خداوند و پیامبرش و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و کتابی که پیشتر فرستاده است،(به همه ی آنها)ایمان(واقعی) بیاورید.و هر کس به خدا و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبرانش و روز قیامت کفر ورزد پس همانا گمراه شده است،گمراهی دور و درازی.

نکته ها:

مراد آیه یا آن است که:ای مؤمنان! گامی فراتر نهید و به درجات بالاتر دست یابید،یا آنکه بر ایمانتان برای همیشه استوار بمانید و اندکی از آن عدول نکنید.

ایمان دارای درجاتی است،چنان که در آیات دیگر نیز می فرماید: «وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا

زٰادَهُمْ هُدیً» (۱)کسانی که هـدایت شدنـد خداوند ب هدایت آنان بیافزاید، «لِیَزْدٰادُوا إِیمٰاناً مَعَ إِیمٰانِهِمْ» (۲)تا ایمانی بر ایمان خویش بیافزایند.

پیام ها:

۱ مؤمن،بایـد تلاش کند تا خود را به مرتبه ی بالاتری از ایمان برساند. (۳)«یٰا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا» ۲ ادیان آسمانی،هدف و حقیقت واحـدی دارنـد،همچون کلاـس هـای یک مـدرسه که تحت نظارت یک مـدیر است. «الْکِتٰابِ الَّذِی نَزَّلَ عَلیٰ رَسُولِهِ وَ الْکِتٰابِ الَّذِی أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ» ۳ ایمان به همه ی پیامبران و کتاب های آسمانی،لازم است. «آمَنُوا» ، «وَ مَنْ یَکْفُرْ» ، «فَقَدْ ضَلَّ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۳۷]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ اِزْدٰادُوا کُفْراً لَمْ یَکُنِ اَللّٰهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لاٰ لِیَهْدِیَهُمْ سَبِیلاً (۱۳۷)

آنان که ایمان آوردند،سپس کافر شدند،بار دیگر ایمان آوردند و دوباره کفر ورزیدند،سپس بر کفر خود افزودند،قطعاً امیدی به آن نیست که خداوند آنان را ببخشد و به راه حقّ هدایتشان کند.

نکته ها:

در صدر اسـلام گروهی از اهل کتاب در حضور مسـلمانان اظهار ایمان می کردند و برای القای شـبهه دوباره کافر می شدند و دلیل کفر خود را نادرستی اسـلام قلمـداد می کردنـد چنان که قوم یهود ابتـدا به موسـی ایمان آوردنـد،سـپس گوساله پرست شدند،سـپس توبه کرده و خداپرست گشـتند،باز بر عیسی علیه السلام کفر ورزیدند و سپس با کفر خود به پیامبر اسلام،بر کفر خود افزودند.

۱- ۱) .محمّد،۱۷.

۲- ۲) .فتح،۴.

۳- ۳) .تفسیر قمی،ج ۱،ص ۳۱.

مشابه این آیه قبلاً نیز گذشت،که چنین کسانی توبه شان پذیرفته نیست و گمراهان واقعی می باشند. «إِنَّ اَلَّذِینَ کَفَرُوا بَعْدَ إِیمانِهِمْ ثُمَّ ازْدادُوا کُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الضّالُّونَ» (۱)هر روز به رنگی درآمدن،یا به خاطر عدم تحقیق در پذیرش دین است،یا از روی توطئه و نقشه برای متزلزل کردن عقیده ی مؤمنان.در آیه ی ۷۲ آل عمران نیز از این نقشه پرده برداشته که آنان،طرف صبح ایمان می آورند و آخر روز کافر می شوند تا مسلمانان را متزلزل کنند.

از مصادیق بارز این آیه،کسانی همچون«شَبَث بن ربعی»هستند که در تاریخ آورده اند:او در زمان پیامبر مسلمان شد،پس از پیامبر مرتد شد،سپس توبه کرد و یار حضرت علی گشت.امّا بعد فرمانده خوارج شد و جنگ نهروان را به راه انداخت.باز توبه کرد و یار امام حسن و امام حسین علیهما السلام شد و از کسانی بود که به امام حسین علیه السلام نامه دعوت نوشت،امّا در کوفه با مسلم بی وفایی کرد.در کربلا جزء لشکر یزید شد و به شکرانه قتل امام حسین علیه السلام مسجدی در کوفه ساخت. (۲)

پیام ها:

۱ خطر ارتداد و بازگشت از دین،هر مؤمنی را تهدید می کند. «آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا» ۲ بی ثباتی در عقیده،به گمراهی نهایی و عدم آمرزش الهی می انجامد. «آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا» ، «لَمْ یَکُنِ اللّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِیَهْدِیَهُمْ»

[سوره النساء (۴): آیات ۱۳۸ تا ۱۳۹]

اشاره

بَشِّرِ اَلْمُنافِقِینَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذاباً أَلِیماً (۱۳۸) اَلَّذِینَ یَتَّخِذُونَ اَلْکافِرِینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ اَلْمُؤْمِنِینَ أَ یَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ اَلْعِزَّةَ فَإِنَّ اَلْعِزَّةَ لِلّهِ جَمِیعاً (۱۳۹)

منافقان را بشارت ده که برایشان عذابی دردناک است.

۱- ۱) .آل عمران،۹۰.

۲- ۲) .کتاب مسلم بن عقیل آیه اللّه کمره ای،ص ۱۷۸،قاموس الرجال تستری،معجم رجال الحدیث آیه اللّه خویی.

آنان که کافران را بجای مؤمنان،سرپرست و دوست خود می گیرند آیا عزّت را نزد آنان می جویند؟ همانا عزّت به تمامی از آن خداست.

نکته ها:

مضمون این آیه که انتقاد شدید از دوست و سرپرست گرفتن کفّار است،در آیه ی ۲۸ آل عمران نیز بیان شده است.

در صدر اسلام،منافقان با یهود مدینه و مشرکان مکّه رابطه داشتند تا اگر مسلمانان شکست خوردند،آنها ضرری نبینند و جایگاه خود را از دست ندهند.

عزّت تنها به دست خداست.چون سرچشمه ی عزّت یا علم است یا قدرت،و دیگران از علم و قدرت بی بهره اند.در مناجات شعبانیّه می خوانیم:«الهی بیدک لا بید غیرک زیادتی و نقصی»خداوندا! زیادی و یا کاستی من تنها در دست توست،نه در دست دیگری.

پیام ها:

۱ عزّت را در وابستگی به کفّار جستن،خصلتی منافقانه است. «الَّذِینَ یَتَّخِذُونَ الْکافِرِینَ أَوْلِیاءَ...» ۲ کفّار،حقّ سرپرستی مؤمنان را ندارند و مؤمنان نیز نباید ننگ سلطه ی کفّار را بپذیرند. «یَتَّخِذُونَ الْکافِرِینَ أَوْلِیاءَ» ۳ در سیاست خارجی،به جای گسترش روابط با کشورهای کفر،در فکر برقراری روابط با کشورهای اسلامی باشیم. «یَتَّخِذُونَ الْکافِرِینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِینَ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۰]

اشاره

وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي اَلْكِتابِ أَنْ إِذا سَمِعْتُمْ آياتِ اَللّٰهِ يُكْفَرُ بِها وَ يُسْتَهْزَأُ بِها فَلا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ إِنَّ اَللّٰهَ جامِعُ اَلْمُنافِقِينَ وَ اَلْكافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً (۱۴۰)

همانا خداوند در قرآن(این حکم را)بر شما نازل کرده است که هر گاه شنیدید آیات خدا مورد کفر یا تمسخر قرار می گیرد با آنان،همنشینی نکنید تا به سخن دیگری مشغول شوند،و گر نه شما هم مانند آنان خواهید بود.همانا خداوند همه ی منافقان و کافران را در دوزخ جمع می کند.

نکته ها:

مشابه این آیه،آیه ی ۶۸ سوره ی انعام است که خطاب به رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله می فرماید:اگر دیدی کسانی در آیات ما یاوه سرایی می کنند.از آنان اعراض کن تا موضوع بحث آنان عوض شود. «وَ إِذا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آياتِنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ»

پیام ها:

۱ انسان،در برابر گفته های ناحقّ دیگران نباید بی تفاوت باشد. «إِذا سَمِعْتُمْ» ، «فَلا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» ۲ مجامله و سکوت در جلسه گناه،گناه است. «يُكْفَرُ بِها» ، «فَلا تَقْعُدُوا» ۳ یا محیط فاسد را عوض کنید،یا از آن محیط خارج شوید. «فَلا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» ۴ تنها گناه نکردن و مستقیم بودن کافی نیست،باید بساط گناه را به هم زد و جلو انحراف دیگران را هم گرفت. «فَلا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ» ۵ نباید به بهانه و عنوان آزادی بیان،سعه ی صدر،تسامح،خوش اخلاقی، مدارا،حیا،مردم داری،و امثال اینها،در مقابل تمسخر دین سکوت کرد.

ص:۴۱۲

«سَمِعْتُمْ»

، «يُسْتَهْزَأُ بِهٰا فَلاٰ تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» ۶ تعصّب و غیرت دینی و موضعگیری و برخورد شرط ایمان واقعی است. «فَلاٰ تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» ۷ تشویق و تقویت کفر و استهزای دین،به هر نحو که باشد هر چند به صورت سیاهی لشکر حرام است. «فَلاٰ تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» ۸ شرط مصاحبت با دیگران،آن است که ضرر فکری و مکتبی نداشته باشد.

«سَمِعْتُمْ»

، «يُكْفَرُ بِهٰا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهٰا فَلاٰ تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» ۹ هم رابطه و هم قطع رابطه،هر کدام بجای خود لازم است،هم جاذبه و هم دافعه. «فَلاٰ تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» ۱۰ کسی که راضی به گناه دیگران باشد،شریک گناه است. «إِنَّكُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ» ۱۱ سکوت در برابر یاوه گویی های کفّار،نوعی نفاق است. «إِنَّ اللّٰهَ جٰامِعُ الْمُنٰافِقِينَ» ۱۲ همنشینی های آخرت،جزای همنشینی های دنیوی است. «إِنَّ اللّٰهَ جٰامِعُ الْمُنٰافِقِينَ وَ الْكٰافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۱]

اشاره

اَلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كٰانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اَللّٰهِ قٰالُوا أَ لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَ إِنْ كٰانَ لِلْكٰافِرِينَ نَصِيبٌ قٰالُوا أَ لَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَ نَمْنَعْكُمْ مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ اَلْقِيٰامَةِ وَ لَنْ يَجْعَلَ اَللّٰهُ لِلْكٰافِرِينَ عَلَى اَلْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً (۱۴۱)

(منافقان)کسانی اند که پیوسته(از سر بدخواهی)مراقب شما هستند تا اگر از سوی خدا برای شما پیروزی باشد،گویند:آیا ما با شما نبودیم؟(پس باید در افتخارات و غنائم شریک شویم)اگر برای کفّار بهره ای(از پیروزی)بود،(به کفّار)گویند:آیا ما مشوّق شما(برای جنگ با مسلمانان)و بازدارنده شما از گزند آنان و عدم تسلیم در برابر)مؤمنان نبودیم؟ پس خداوند روز قیامت،میان شما داوری خواهد کرد.و خداوند هرگز راهی برای سلطه ی کفّار بر مسلمانان قرار نداده است.

ص: ۴۱۳

نکته ها:

قرآن،از پیروزی مسلمانان با کلمه ی« فَتْحٌ »و پیروزی کفّار با واژه ی« نَصِیبٌ »تعبیر کرده است،تا بفهماند رونق کفر،زودگذر است و فرجام نیک و پیروزی واقعی،با حقّ است.

« نَسْتَحْوِذْ »از ریشه ی«حوذ»به معنای عقبِ ران گرفته شده است.زیرا شتربان برای سوق و حرکت دادن شتر،به آن قسمت ضربه می زند و در اینجا مراد،تشویق کفّار به جنگ علیه مسلمانان است.

فقها در مسائل مختلف فقهی،برای اثبات عدم تسلّط کفّار بر مؤمنان،به جمله ی «لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ» استناد می کنند.البتّه رفت و آمد و کسب اطلاع و آموزش دیدن و تبادل فرهنگی و اقتصادی،اگر سبب سلطه کفّار و ذلّت مؤمنان نباشد مانعی ندارد.چون در روایات می خوانیم:آموزش ببینید،گرچه به قیمت مسافرت به کشور چین باشد.و یا پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود:هر کافر اسیری،ده مسلمان را آموزش دهد او را آزاد می کنم.و در زمان معصومین علیهم السلام معاملات میان مسلمانان و دیگران انجام می شده است.

پیام ها:

۱ منافقان فرصت طلبند و از هر پیشامدی به سود خود بهره می گیرند. «یَتَرَبَّصُونَ بِکُمْ...» ۲ منافقان جاسوسان کفّار،و مشوّق آنان برای جنگ با مسلمانانند. «نَسْتَحْوِذْ» ۳ روز قیامت،با داوری به حقّ خدا،همه ی نیرنگ ها و نفاق ها آشکار می شود. «فَاللّهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ»

۴ مؤمنان،حقِ پذیرفتن سلطه ی کافران را ندارند،و سلطه پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است. «لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً» ۵ باید کاری کرد که کفّار از سلطه بر مؤمنان برای همیشه مأیوس باشند. «لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ...»

۶ هر طرح،عهد نامه،رفت و آمد و قراردادی که راه نفوذ کفّار بر مسلمانان را باز کند حرام است.پس مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی،نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند. «لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرینَ...»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۲]

اشاره

إِنَّ اَلْمُنافِقِینَ یُخادِعُونَ اَللّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ وَ إِذا قامُوا إِلَی اَلصَّلاهِ قامُوا کُسالی یُراؤُنَ اَلنّاسَ وَ لا یَذْکُرُونَ اَللّهَ إِلاّ قَلِیلاً (۱۴۲)

همانا منافقان با خدا مکر و حیله می کنند در حالی که خداوند(به کیفر عملشان) با آنان مکر می کند.و هر گاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند،آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

نکته ها:

منافق،کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می آورد،امّا انگیزه های او الهی نیست.نماز می خواند،امّا از روی ریاکاری،کسالت و غفلت.او گمان می کند با این روش خدا را فریب می دهد،در حالی که نمی داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریبکاری او را می دهد.

امام رضا علیه السلام می فرماید:چون خداوند،جزای خدعه آنان را می دهد،به این کیفر الهی،خدعه گفته می شود. (۱)

نماز مطلوب،عاشقانه،خالصانه و دائمی است.پیامبر صلی اللّه علیه و آله فرمودند:آنان که نماز را به آخر وقت می اندازند و فشرده می خوانند،نماز منافقان را انجام می دهند. (۲)

قرآن نسبت به مؤمنان جمله ی «أَقامُوا الصَّلاهَ» به کار می برد ولی درباره ی منافقین جمله ی «قامُوا إِلَی الصَّلاهِ» و تفاوت میان «أَقامُوا» و «قامُوا» تفاوت میان برپاداشتن و به پا خواستن است.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .درّ المنثور،ج ۲،ص ۲۳۷.

پیام ها:

۱ فریبکاری،بی نشاطی در نماز،ریاکاری و غفلت از یاد خدا،از نشانه های نفاق است. «إِنَّ الْمُنافِقِینَ یُخادِعُونَ» ، «یُراؤُنَ» ، «لا یَذْکُرُونَ» ۲ منافقان بدانند که با خدا طرفند. «وَ هُوَ خادِعُهُمْ» ۳ کیفر خدا متناسب با عمل است. «یُخادِعُونَ اللّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ» ۴ نماز منافقان نه روحیّه دارد،نه انگیزه،نه مقدار. «کُسالی» ، «یُراؤُنَ» ، «قَلِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۳]

اشاره

مُذَبْذَبِینَ بَیْنَ ذلِکَ لا إِلی هؤُلاءِ وَ لا إِلی هؤُلاءِ وَ مَنْ یُضْلِلِ اَللّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِیلاً (۱۴۳)

(منافقان)بین کفر و ایمان سرگشته اند،نه با این گروه اند و نه با آن گروه و خداوند هر که را گمراه کند،برای او راه نجاتی نخواهی یافت.

نکته ها:

«تذبذب»حرکت چیزی است که در هوا آویخته باشد و هیچ جایگاه و پایگاه محکم و استواری در روی زمین نداشته باشد.

پیام ها:

۱ منافقان،استقلال فکر و عقیده ندارند به هر حرکتی می چرخند،به دیگران وابسته و بی هدف سرگردانند. «مُذَبْذَبِینَ بَیْنَ ذلِکَ» ۲ منافق،آرامش ندارد.چون پیوسته باید موضع جدید،تصمیم فوری و عجولانه بگیرد. «مُذَبْذَبِینَ بَیْنَ ذلِکَ» ۳ در مواضع اعتقادی و بینش فکری،قاطعیّت لازم است. «مُذَبْذَبِینَ بَیْنَ ذلِکَ» ۴ منافق،مورد قهر خداوند است. «مَنْ یُضْلِلِ اللّهُ» ۵ نفاق،درد بی درمان است. «فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِیلاً»

ص: ۴۱۶

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۴]

اشاره

یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا لاٰ تَتَّخِذُوا اَلْکٰافِرِینَ أَوْلِیٰاءَ مِنْ دُونِ اَلْمُؤْمِنِینَ أَ تُرِیدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلّٰهِ عَلَیْکُمْ سُلْطٰاناً مُبِیناً (۱۴۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! کافران را به جای مؤمنان دوست و سرپرست خود نگیرید،آیا می خواهید برای خداوند دلیل و حجّت آشکار علیه خودتان قرار دهید؟

نکته ها:

مؤمنان حقّ پذیرفتن ولایت کفّار را ندارند،ولی منافقان با کافران رابطه ی تنگاتنگ دارند.قرآن،کفّار را شیطان های منافقان «خَلَوْا إِلیٰ شَیٰاطِینِهِمْ» (۱)و برادران منافقان معرفی می کند «الَّذِینَ نٰافَقُوا یَقُولُونَ لِإِخْوٰانِهِمُ الَّذِینَ کَفَرُوا» (۲)تعبیرات قرآن در آیات ۱۳۹ و ۱۴۱ مبین کیفیّت رابطه ی آنان با کفّار بود.

پیام ها:

۱ پذیرش ولایت کفّار با ایمان سازگار نیست.یک دل،دو دوستی برنمی دارد.

«یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاٰ تَتَّخِذُوا...»

۲ تولّی و تبرّی،دوستی با مؤمنان و دوری از کافران،لازمه ی ایمان است.

«لاٰ تَتَّخِذُوا الْکٰافِرِینَ أَوْلِیٰاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِینَ»

۳ از هر نوع اختلاط،رفاقت و قراردادی که نتیجه اش به زیان مسلمانان باشد، باید پرهیز کرد. «لاٰ تَتَّخِذُوا الْکٰافِرِینَ أَوْلِیٰاءَ» ۴ در سیاست خارجی، روابط سیاسی و اقتصادی،گزینش ها و عزل و نصب ها، هر اقدامی که به سلطه ی کفّار بر مسلمانان انجامد حرام و محکوم است.

«لاٰ تَتَّخِذُوا الْکٰافِرِینَ أَوْلِیٰاءَ»

۵ مسلمان ذلّت پذیر،در برابر خداوند پاسخی ندارد. «أَ تُرِیدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلّٰهِ...»

۱- ۱) .بقره،۱۷.

۲- ۲) .حشر،۱۱.

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۵]

اشاره

إِنَّ اَلْمُنافِقِينَ فِی اَلدَّرْكِ اَلْأَسْفَلِ مِنَ اَلنّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً (۱۴۵)

قطعاً منافقان،در پست ترین عمق آتشند و هرگز برای آنان هیچ یاوری نمی یابی.

نکته ها:

« اَلـدَّرْكِ »،عمیق ترین نقطه ی دریـاست.به مطلبی هم که عمق آن فهمیـده شود، می گوینـد:درک شـد.به پله هـایی که رو به پـایین می رود«درک»،و بـه پله هـایی که رو به بالاـ می رود«درجه»می گوینـد.همان گـونه که بهشت،درجـات دارد،دوزخ هم درکات دارد.

پیام ها:

۱ جایگاه منافقان در دوزخ از کفّار بدتر است. «فِی الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ» ۲ دوزخ،مراتب و درجاتی دارد. «فِی الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ» ۳ در قیامت،راهی برای نجات منافقان نیست. «لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِیراً» ۴ شفاعت،شامل حال منافقان نمی شود. «لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۶]

اشاره

إِلاّـ اَلَّذِينَ تابُوا وَ أَصْـلَحُوا وَ اِعْتَصَـمُوا بِـاللّهِ وَ أَخْلَصُـوا دِينَهُمْ لِلّهِ فَأُولئِـكَ مَعَ اَلْمُـؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِ اَللّهُ اَلْمُؤْمِنِينَ أَجْراً عَظِيماً (۱۴۶)

مگر آنان که توبه کرده و(گذشته ی خود را)اصلاح نموده و به(دامن لطف) خدا پناه برده و برای خدا از روی اخلاص به دین گرویده اند،پس اینان در زمره ی مؤمنان هستند و بزودی خداوند به مؤمنان،پاداشی بزرگ خواهد داد.

پیام ها:

۱ راه توبه،برای همه حتّی منافقان باز است و آنان را از«درک اسفل»به بهشت اعلا می رساند. «إِلاَّ الَّذِينَ تابُوا»

۲ انسان آزاد است و می تواند آگاهانه تغییر جهت دهد. «تابُوا» ۳ همراه با شدیدترین تهدیدها،به مردم امید هم بدهید. «فِی الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ» ، «إِلاَّ الَّذِینَ تابُوا» ۴ توبه تنها یک اظهار پشیمانی نیست،بلکه بازسازی همه جانبه است. «أَصْلَحُوا» ، «اعْتَصَمُوا» ، «أَخْلَصُوا» ۵ توبه ی هر گناهی،به شکلی است.توبه ی نفاق،اصلاح به جای تخریب، اعتصام به خداوند به جای وابستگی به این و آن،و اخلاص به جای ناخالصی است. «أَصْلَحُوا وَ اعْتَصَمُوا بِاللّهِ وَ أَخْلَصُوا» ۶ التقاط در عقاید و اندیشه،ممنوع است. «أَخْلَصُوا دِینَهُمْ لِلّهِ» ۷ منافقانِ توّاب،در جدا شدن از هم فکرانشان احساس غربت نکنند.چون دوستان بهتری می یابند. «فَأُولئِکَ مَعَ الْمُؤْمِنِینَ» ۸ مؤمنان،از توبه کنندگان واقعی استقبال کنند و آنان را از خود بدانند. «فَأُولئِکَ مَعَ الْمُؤْمِنِینَ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۷]

اشاره

ما یَفْعَلُ اَللّهُ بِعَذابِکُمْ إِنْ شَکَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ وَ کانَ اَللّهُ شاکِراً عَلِیماً (۱۴۷)

اگر شکر گزارید و ایمان آورید،خداوند می خواهد با عذاب شما چه کند؟ در حالی که خداوند همواره حقّ شناس داناست.

پیام ها:

۱ کیفرهای الهی،بر پایه ی عدالت اوست،نه انتقام و قدرت نمایی.عامل عذاب، خود انسان هایند. «ما یَفْعَلُ اللّهُ بِعَذابِکُمْ إِنْ شَکَرْتُمْ» ۲ شناخت نعمت های او و شکر آنها،زمینه ی قبول دعوت و ایمان است.

«شَکَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ»

۳ ایمان به خداوند،بارزترین جلوه شکرگزاری است. «إِنْ شَکَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ»

۴ شکر،هم مایه ی نجات از قهر،هم سبب دریافت لطف بیشتر است. «مٰا یَفْعَلُ اللّٰهُ بِعَذٰابِکُمْ» ، «کٰانَ اللّٰهُ شٰاکِراً» ۵ اگر شما شکر کنید،خداوند هم نسبت به شما شاکر است. «کٰانَ اللّٰهُ شٰاکِراً» ۶ خداوند،با آنکه بی نیاز است،ولی از بنده ی کوچکش تشکّر می کند.چرا ما شکر او را به جا نیاوریم؟! «إِنْ شَکَرْتُمْ» ، «کٰانَ اللّٰهُ شٰاکِراً» «جُزْءٌ ۶»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۸]

اشاره

لاٰ یُحِبُّ اَللّٰهُ اَلْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ اَلْقَوْلِ إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ وَ کٰانَ اَللّٰهُ سَمِیعاً عَلِیماً (۱۴۸)

خداوند،آشکار کردن گفتار بد را دوست نمی دارد،مگر از کسی که به او ستم شده باشد و خداوند،شنوای داناست.

نکته ها:

این آیه به مظلوم،اجازه دادخواهی و فریاد می دهد،نظیر آیه ی ۴۱ سوره شوری که می فرماید: «وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولٰئِکَ مٰا عَلَیْهِمْ مِنْ سَبِیلٍ» و هر کس پس از ستم دیدن،یاری جوید و انتقام گیرد،راه نکوهشی بر او نیست.

افشای زشتی ها را بارها قرآن منع کرده و از گناهان کبیره شمرده و وعده عذاب داده است.از جمله آیه ۱۹ سوره نور که علاقه به افشای زشتی های مؤمنان را گناه می داند: «إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفٰاحِشَةُ فِی الَّذِینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذٰابٌ أَلِیمٌ فِی الدُّنْیٰا وَ الْآخِرَةِ» در تعبیر «مَنْ ظُلِمَ» چند احتمال است:

۱ به معنای مَنْ ظُلِمَ باشد،یعنی فریاد کسی که مورد ظلم قرار گرفته،جایز است.

۲ به معنای« مَنْ ظُلِمَ »،یعنی فریاد به نفع مظلوم،هر چند خودش مظلوم نباشد.

۳ به معنای«علی من ظلم»،یعنی فریاد اعتراض آمیز به مظلومی که ساکت نشسته و ذلّت می پذیرد.البتّه احتمال اوّل،نزدیک ترین وجوه است.

آنچه حرام است،افشای عیوب مردم در برابر دیگران است،نه بازگویی عیوب افراد به خود آنان.چون پیامبر خدا فرموده است:مؤمن،آیینه ی مؤمن است. (۱)

امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه فرمودند:کسی که افرادی را مهمان کند،ولی از آنان به صورت ناشایست پذیرایی کند،از کسانی است که ستم کرده و بر مهمان باکی نیست که درباره او چیزی بگویند. (۲)

پیام ها:

۱ قانون کلّی و اصلی،حرمت افشاگری و بیان عیوب مردم است،مگر در موارد خاص. «لاٰ یُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ» ۲ افشای عیوب مردم،به هر نحو باشد حرام است.(با شعر،طنز،تصریح، تلویح،حکایت،شکایت و...) «لاٰ یُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ» ۳ نشانه ی جامعه اسلامی آن است که مظلوم بتواند با آزادی کامل،علیه ظالم فریاد بزند. «الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ» ۴ غیبت مظلوم از ظالم جایز است. «الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ» ۵ اسلام،حامی ستمدیدگان است. «إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ» ۶ سوء استفاده از قانون ممنوع است.ستمگران بدانند که حرمت غیبت،راه ستمگری را برایشان نمی گشاید. «إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ» ۷ تنها مظلوم،اجازه ی غیبت از ظالم را دارد،آن هم در مورد ظلم او،نه عیوب دیگرش. (۳)«إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ» ۸ ظالم،در جامعه ی اسلامی احترام ندارد،باید محکوم و به مردم معرفی شود.

«لاٰ یُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ»

، «إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ» ۹ در تزاحم ارزش های انسانی،باید اهم و مهم رعایت شود.ارزش دفاع از مظلوم،بیش از ارزش حیا و سکوت است. «لاٰ یُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ» ، «إِلاّٰ مَنْ ظُلِمَ»

۱- ۱) .بحار،ج ۷۴،ص ۲۳۳.

۲- ۲) .وسائل،ج ۱۲،ص ۲۸۹.

۳- ۳) .تفسیر المیزان.

۱۰ در موارد جواز افشای عیوب،از مرز حقّ تجاوز نکنید،چون خداوند شنوا و داناست. «سَمِیعاً عَلِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۴۹]

اشاره

إِنْ تُبْدُوا خَیْراً أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اَللّٰهَ کٰانَ عَفُوًّا قَدِیراً (۱۴۹)

اگر کار نیکی را آشکارا یا پنهان انجام دهید،یا از لغزش و بدی دیگران درگذرید،بدانید که قطعاً خداوند بخشاینده تواناست.

نکته ها:

هر جا که مظلوم در موضع قدرت قرار گرفت و عفوِ ظالم اثر تربیتی دارد،باید عفو کرد و هر جا که سکوت،موجب ذلّت مظلوم و تقویت ظلم است باید فریاد زد.

انتقام و قصاص،«حقّ»است و عفو و گذشت،«فضل».به فرموده ی حضرت علی علیه السلام،بخشودن دشمن،سپاس چیره شدن بر اوست.«اذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکرا للقدره علیه» (۱)

پیام ها:

۱ باید نسبت به خوبی ها مشوق بود و نسبت به بدی ها،بخشاینده. «إِنْ تُبْدُوا خَیْراً» ، «أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ» ۲ گاهی ظلم ستیزی و فریاد،ارزش است و گاهی عفو و بخشش. «تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ» ۳ عفو از موضع قدرت،ارزشمند است. «عَفُوًّا قَدِیراً»

[سوره النساء (۴): آیات ۱۵۰ تا ۱۵۱]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ یَکْفُرُونَ بِاللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ یُرِیدُونَ أَنْ یُفَرِّقُوا بَیْنَ اَللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ یَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَکْفُرُ بِبَعْضٍ وَ یُرِیدُونَ أَنْ یَتَّخِذُوا بَیْنَ ذٰلِکَ سَبِیلاً (۱۵۰) أُولٰئِکَ هُمُ اَلْکٰافِرُونَ حَقًّا وَ أَعْتَدْنٰا لِلْکٰافِرِینَ عَذٰاباً مُهِیناً (۱۵۱)

ص: ۴۲۲

۱- ۱) .نهج البلاغه،قصار ۱۰.

قطعاً کسانی که به خداونـد و پیامبرانش کفر می ورزنـد و می خواهنـد میان خـدا و پیامبرانش جـدایی بیفکننـد و می گویند:به بعضـی ایمان می آوریم و به بعضـی کافر می شویم،و می خواهنـد در این میانه راهی در پیش گیرند،(که مطابق هوس باشد،نه عقل و استدلال)

به حقیقت کافر همین هایند و ما برای کافران عذاب خوارکننده آماده ساخته ایم.

نکته ها:

آیه ۱۵۰ به منزله ی مبتدا و آیه ی ۱۵۱ به منزله ی خبر آن است.

یهودیـان و مسـیحیان،به خـاطر هوس هـا و تعصّـبات جاهلانه و تنگ نظری های بی دلیل،برخی انبیا را قبول داشـتند و به برخی کافر بودند.

پیام ها:

۱ نبـوّت،یـک جریـان و سـنّت دائمی الهی و همچـون زنجیر بهـم پیوسـته است.پس بایـد به همه ی این جریـان اعتقـاد داشت.(۱)«یُرِیدُونَ أَنْ یُفَرِّقُوا بَیْنَ اللّهِ وَ رُسُلِهِ» ۲ خدا و رسول،جبهه ی واحدند و جدایی در کار نیست. «یُفَرِّقُوا بَیْنَ اللّهِ وَ رُسُلِهِ» ۳ کفر به خـدا و رسولا ـن،یـا ایمـان به خـدا و کفر به همه ی پیـامبران،یـا ایمـان به خـدا و کفر نسـبت به بعضـی انبیـا،ممنـوع است.راه حقّ،ایمـان به خـدا و همه ی پیـامبران است. «یَکْفُرُونَ» ، «یُفَرِّقُوا» ، «یَقُومُونَ» ، «هُمُ الْکافِرُونَ حَقًّا» ۴ همه ادیان آسـمانی باید به رسـمیّت شـناخته شونـد.(البتّه در مرز تاریخی خود) «یَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَکْفُرُ بِبَعْضٍ» ۵ پذیرش قوانین مخالف اسـلام،نوعی تبعیض در دین و ممنوع است. «نُؤْمِنُ

---

۱ – ۱) .نسبت به«امامت»نیز عقیـده به همه ی امامان لازم است.پـذیرش بعضـی و انکار بعضـی یا توقّف،به منزله ی کفر به همه ائمه است.

بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ»

۶ التقـاط و راه جدیـدی در برابر راه انبیا گشودن،کفر است. «يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيلاً أُولٰئِكَ هُمُ الْكافِرُونَ» ۷ جهنّم،هم اكنون نیز موجود و آفریده شده است. «أَعْتَدْنا»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۵۲]

اشاره

وَ اَلَّذِينَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ كانَ اَللّٰهُ غَفُوراً رَحِيماً (۱۵۲)

و کسانی که به خـدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیـچ یک از آنان جـدایی نیفکنـده اند،اینانند که بزودی پاداشـشان را به آنان خواهد داد و خداوند، همواره بخشاینده و مهربان است.

پیام ها:

۱ باید به خداوند و تمام پیامبرانش ایمان داشت.با اینکه درجات انبیا و شعاع مأموریّت آنها متفاوت است،ولی ایمان به همه ی آنها ضروری است. «آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ رُسُلِهِ» ۲ با اینکه هستی ما و توفیقات ما و تمام امکانات و ابزارهای ما از اوست،ولی باز هم به ما پاداش می دهد. «أُجُورَهُمْ» ۳ خداوند در پاداش خود،کوتاهی ها و تقصیرات ما را به حساب نمی آورد.

«يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ كانَ اللّٰهُ غَفُوراً رَحِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۵۳]

اشاره

يَسْئَلُكَ أَهْلُ اَلْكِتابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتاباً مِنَ اَلسَّماءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقالُوا أَرِنَا اَللّٰهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ اَلصّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اِتَّخَذُوا اَلْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ اَلْبَيِّناتُ فَعَفَوْنا عَنْ ذٰلِكَ وَ آتَيْنا مُوسىٰ سُلْطاناً مُبِيناً (۱۵۳)

اهل کتاب از تو می خواهند که کتاب و نوشته ای از آسمان برایشان فرود آوری، بی گمان از موسی بزرگ تر از آن را خواستند که گفتند:خدا را آشکارا به ما نشان بده! پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فراگرفت،سپس بعد از آنکه معجزه های روشن برای آنان آمد،گوساله پرستی را پیش گرفتند،پس(بعد از توبه)ما از آن(گناه)هم درگذشتیم و عفو کردیم و به موسی حجّتی آشکار دادیم.

نکته ها:

خواسته ی یهود از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله آن بود که قرآن هم مانند تورات یک جا نازل شود و این بهانه ای بیش نبود.خداوند در پاسخ آنان می فرماید:حتّی اگر قرآن را یک جا در نامه ای قابل لمس فرود آوریم،کافران آن را جادو می پندارند، «وَ لَوْ نَزَّلْنا عَلَيْكَ كِتاباً فِي قِرْطاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هٰذا إِلاّ سِحْرٌ مُبِينٌ» (۱)بهانه های کفّار،برای ایمان نیاوردن،شبیه به هم است.مشرکان نیز همین تقاضا را از رسول خدا داشتند و می گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتّى تُنَزِّلَ عَلَيْنا كِتاباً نَقْرَؤُهُ» (۲)

پیام ها:

۱ اعمال و افکار و اخلاق ناپسند نیاکان،برای آیندگان،سوء سابقه می شود. «فَقَدْ سَأَلُوا...» ۲ بنی اسرائیل در پی حقّ نبودند.وگر نه پس از آن همه معجزات،چرا گوساله پرست شدند؟ «اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّناتُ» ۳ از ایمان نیاوردن کفّار،نگران و ناراحت نباشید،چون در برابر همه انبیا افراد لجوج بوده اند. «سَأَلُوا مُوسىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ» ۴ خداوند با چشم دیده نمی شود و درخواست دیدن او بدین صورت ظلم و ستمگری است. «أَرِنَا اللّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ» ۵ انکار حقّ و انحراف فکری،قهر خداوند را در همین دنیا به دنبال دارد.

۱- ۱) .انعام،۷.

۲- ۲) .اسراء،۹۳.

«فَأَخَذَتْهُمُ الصّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ»

۶ رحمت الهی حتّی گناه گوساله پرستی را هم می بخشایـد. «فَعَفَوْنا» ۷ انبیا مورد حمایت پروردگارند. «وَ آتَیْنا مُوسی سُلْطاناً مُبِیناً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۵۴]

اشاره

وَ رَفَعْنا فَوْقَهُمُ اَلطُّورَ بِمِیثاقِهِمْ وَ قُلْنا لَهُمُ اُدْخُلُوا اَلْبابَ سُجَّداً وَ قُلْنا لَهُمْ لا تَعْدُوا فِی اَلسَّبْتِ وَ أَخَذْنا مِنْهُمْ مِیثاقاً غَلِیظاً (۱۵۴)

ما کوه طور را به خاطر پیمان گرفتن از آنان(بنی اسرائیل)بالای سرشان قرار دادیم و به ایشان گفتیم:سجده کنان از آن در وارد شوید و به آنان گفتیم:در روز شنبه(به احکام خدا)تعدّی نکنید و از آنان پیمانی محکم گرفتیم.

نکته ها:

مشابه این آیه،در سوره ی بقره آیات ۶۳ و ۹۳ و نیز اعراف آیه ی ۱۷۱ آمده است.

منظور از پیمان خدا با بنی اسرائیل،همان است که در آیات ۴۰ و ۸۴ سوره ی بقره و ۱۲ مائده آمده است.

مکـان های مقـدّس،آداب ویژه ای دارد: «ادْخُلُوا الْبابَ سُجَّداً» نسـبت به کوه طور،در قرآن آمـده است: «فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ» (۱)در مورد خانه های پیامبر: «لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلاّ أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ» (۲)درباره ی مساجد: «خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ» (۳)درباره ی مسجد الحرام: «فَلا یَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرامَ» (۴)درباره ی کعبه: «طَهِّرا بَیْتِیَ» (۵)و آداب دیگری که نسبت به مساجد در کتب فقهی و منابع حدیثی آمده است.

۱- (۱) .طه،۱۲.

۲- (۲) .احزاب،۵۳.

۳- (۳) .اعراف،۳۱.

۴- (۴) .توبه،۲۸.

۵- (۵) .بقره،۱۲۵.

پیام ها:

۱ در تربیت گاهی لازم است از اهرم ترس و ارعاب استفاده شود. «وَ رَفَعْنا فَوْقَهُمُ الطُّورَ» ۲ اشتغال به کار هنگام تعطیلی و عبادت،نوعی تعدّی از مرز است. «لا تَعْدُوا فِی السَّبْتِ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۵۵]

اشاره

فَبِما نَقْضِهِمْ مِیثاقَهُمْ وَ کُفْرِهِمْ بِآیاتِ اَللّهِ وَ قَتْلِهِمُ اَلْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اَللّهُ عَلَیْها بِکُفْرِهِمْ فَلا یُؤْمِنُونَ إِلاّ قَلِیلاً (۱۵۵)

و به خاطر پیمان شکنی،و کفر آنان به آیات خدا و کشتن پیامبران به ناحقّ،و گفتن این سخن که بر دلهای ما پرده افتاده است(آنان را عقوبت کردیم)بلکه خداوند بر دل های آنان به خاطر کفرشان مهر زد و جز اندکی،ایمان نمی آورند.

نکته ها:

بنی اسرائیل زمان پیامبر صلی اللّه علیه و آله انبیا را نکشته بودند،ولی پدران و اجداد آنان مرتکب چنین جنایتی شده بودند.امّا بدان جهت که فرزندان به کار اجداد خود راضی بودند،جنایات به آنان نیز نسبت داده شده است. (۱)

پیام ها:

۱ پیمان شکنی،گناهی در ردیف کفر،بلکه زمینه ساز آن است. «نَقْضِهِمْ مِیثاقَهُمْ وَ کُفْرِهِمْ» ۲ ناسپاسی نعمت تا جایی است که آزاد شدگان به دست انبیا،قاتل انبیا می شوند. «قَتْلِهِمُ الْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ» ۳ انسان با کفر و لجاجت،زمینه ی سقوط خود را فراهم می کند. «طَبَعَ» ، «بِکُفْرِهِمْ»

۱- ۱) .تفسیر قمّی،ج ۱،ص ۱۵۷.

۴ ایمان آوردن افراد اندک در برابر کفر اکثر مردم،دلیل بر آن است که انسان،قدرت انتخاب و تصمیم دارد.پس دوستان،محیط و نظام فاسد،نباید اراده ی انسان را در راه حقّ عوض کنند. «فَلاٰ یُؤْمِنُونَ إِلاّٰ قَلِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۵۶]

اشاره

وَ بِکُفْرِهِمْ وَ قَوْلِهِمْ عَلیٰ مَرْیَمَ بُهْتٰاناً عَظِیماً (۱۵۶)

و به خاطر کفرشان و سخنانشان که تهمت بزرگی به مریم زدند و گناه عظیمی مرتکب شدند،(قهر ما آنان را فراگرفت.)

نکته ها:

تهمت به حضرت مریم،در آیه ی ۲۷ سوره ی مریم نیز مطرح شده است.

نسبت زنا به حضرت مریم،در واقع نسبت زنازادگی به حضرت عیسی و ناشایستگی او برای هدایت و رهبری هم بود و همین تهمت،دلیل کفرشان به عیسی علیه السلام بود.

پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:تو مثل عیسی علیه السلام هستی.گروهی نسبت ناروا به مادر عیسی دادند.گروهی هم او را خدا پنداشتند. (۱)

شاید از آن جهت به تهمت،بهتان گفته می شود که افراد پاکدامن،با شنیدن آن نسبت ها،بهتشان می زند.

بهتان عظیم،عذاب عظیم دارد.در سوره ی نور،آیه ۲۳ آمده است:آنان که به زنان پاکدامن نسبت ناروا می دهند،عذاب عظیم دارند.

پیام ها:

۱ بهتان،در ردیف کفر قرار دارد. «بِکُفْرِهِمْ وَ قَوْلِهِمْ» ، «بُهْتٰاناً» ۲ در جامعه ی فاسد،گاهی به پاک ترین افراد،زشت ترین نسبت ها را می دهند.

«قَوْلِهِمْ عَلیٰ مَرْیَمَ بُهْتٰاناً»

۱- ۱) .درّ المنثور،ج ۲ ص ۲۳۸.

[سوره النساء (۴): آیات ۱۵۷ تا ۱۵۸]

اشاره

وَ قَوْلِهِمْ إِنّٰا قَتَلْنَا اَلْمَسِيحَ عِيسَى اِبْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اَللّٰهِ وَ مٰا قَتَلُوهُ وَ مٰا صَلَبُوهُ وَ لٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ اَلَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِى شَكٍّ مِنْهُ مٰا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلاَّ اِتِّبٰاعَ اَلظَّنِّ وَ مٰا قَتَلُوهُ يَقِيناً (۱۵۷) بَلْ رَفَعَهُ اَللّٰهُ إِلَيْهِ وَ كٰانَ اَللّٰهُ عَزِيزاً حَكِيماً (۱۵۸)

و(عذاب و لعنت ما آنان را فرا گرفت،به خاطر)سخنی که(مغرورانه)می گفتند:«ما عیسی بن مریم،فرستاده ی خدا را کشتیم»در حالی که آنان عیسی را نه کشتند و نه به دار آویختند،بلکه کار بر آنان مشتبه شد(و کسی شبیه به او را کشتند)و کسانی که درباره ی عیسی اختلاف کردند خود در شک بودند و جز پیروی از گمان،هیچ یک به گفته ی خود علم نداشتند و به یقین او را نکشته اند.

بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد و خداوند عزیز و حکیم است.

نکته ها:

امام صادق علیه السلام در پیرامون جمله ی« وَ مٰا قَتَلُوهُ وَ مٰا صَلَبُوهُ وَ لٰكِنْ شُبِّهَ »فرمودند:

غیبت حضرت قائم علیه السلام نیز همین طور است،همانا امّت آن را به خاطر طولانی شدن انکار می کنند،برخی می گویند:قائم متولّد نشده است،برخی می گویند:

متولّد شده و مرده است،و برخی دیگر می گویند:یازدهمین ما عقیم بوده و... (۱)

عوامل و نشانه های مشتبه شدن امر و به دار آویختن شخصی دیگر به جای حضرت عیسی به این صورت بود:

۱ مأموران دستگیر کننده،رومی و غریب بودند و عیسی علیه السلام را نمی شناختند. (۲)

۲ اقدام برای دستگیری عیسی،شبانه بود.

۱- ۱) .الغیبه طوسی،ص ۱۷۰.

۲- ۲) .احتمالاً کسی که بنای خیانت داشت و با گرفتن پول،عیسی را به مخالفان معرفی کرد،خود به شکل حضرت تبدیل شد و گرفتار گشت.تفسیر فرقان.

۳ شخص دستگیر شده،از خداوند شکایت کرد.که این شکایت با مقام نبوّت سازگار نیست.

۴ همه انجیل های مسیحیان که فدا شدن عیسی و به دارآویختن او را با آب و تاب نقل کرده اند،سالها پس از عیسی نوشته شده و امکان خطا در آنها بسیار است.

۵ گروه هایی از مسیحیان مسأله صلیب را قبول ندارند و در اناجیل هم تناقضاتی است که موضوع را مبهم می کند.

پیام ها:

۱ گاهی سقوط اخلاقی انسان تا آنجاست که به پیامبر کشی افتخار می کند. «إِنّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ» ۲ در برابر ادعاهای باطل،صراحت لازم است. «وَ ما قَتَلُوهُ وَ ما صَلَبُوهُ» ۳ حضرت عیسی هم تولّدش،هم رفتنش از این جهان بطور غیر طبیعی بود.

عروج کرد تا ذخیره ای برای آینده باشد. «بَلْ رَفَعَهُ اللّهُ إِلَيْهِ» ۴ معراج،برای غیر از پیامبر اسلام هم بوده است. «بَلْ رَفَعَهُ اللّهُ إِلَيْهِ» ۵ عیسی،مهمان خداست. «رَفَعَهُ اللّهُ إِلَيْهِ» ۶ در آسمان ها امکان زیستن انسان وجود دارد. «بَلْ رَفَعَهُ اللّهُ» ۷ اراده ی الهی همه ی توطئه ها را خنثی می کند. «كانَ اللّهُ عَزِيزاً حَكِيماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۵۹]

اشاره

وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ اَلْكِتابِ إِلاّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ اَلْقِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً (۱۵۹)

و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به او(مسیح)ایمان می آورد و او روز قیامت،بر آنان گواه خواهد بود.

نکته ها:

شاید معنا این باشد:قبل از مرگ مسیح علیه السلام،تمام اهل کتاب به او ایمان می آورند.

ص: ۴۳۰

چون طبق روایات شیعه و سنّی،عیسی علیه السلام در آخرالزمان از آسمان فرود آمده و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می خواند و مدّت ها زیسته،سپس از دنیا می رود.آن روز،مسیحیان به او ایمان صحیح می آورند،نه ایمانی که او را پسر خدا بدانند. (۱)

پیام ها:

۱ همه ی کافران و منحرفان،در آستانه ی مرگ که پرده ها کنار می رود،به هوش می آیند و ایمان می آورند،ولی سودی ندارد. «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتٰابِ...» ۲ مرگ،یک سنّت قطعی برای همه است.حتّی برای عیسی که قرنها در بهترین شرایط مهمان خدا و فرشتگان بوده است. (۲)«قَبْلَ مَوْتِهِ» ۳ انبیا،گواهان و شاهدان بر انسان هایند. «یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶۰]

اشاره

فَبِظُلْمٍ مِنَ اَلَّذِینَ هٰادُوا حَرَّمْنٰا عَلَیْهِمْ طَیِّبٰاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِیلِ اَللّٰهِ کَثِیراً (۱۶۰)

و به خاطر ستمی که یهودیان روا داشتند و به خاطر آن که بسیاری از مردم را از راه خدا باز می داشتند،ما چیزهای پاک و دلپسندی را که قبلًا برایشان حلال بود،بر آنان حرام کردیم.

نکته ها:

شاید مراد از طیباتی که بر یهود حرام شد،همان باشد که در آیه ی ۱۴۶ انعام آمده است «وَ عَلَی الَّذِینَ هٰادُوا حَرَّمْنٰا کُلَّ ذِی ظُفُرٍ وَ مِنَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ» این تحریم در تورات کنونی نیز وجود دارد. (۳)

حالات و اعمال فرد و جامعه،در برخورداری از نعمت های الهی یا زوال آنها نقش اصلی دارد.در سوره ی فجر آیه ۱۷ می خوانیم که گاهی دلیل محرومیّت،

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

۲- ۲) .اگر مراد از«قبل موته»مرگ حضرت عیسی باشد.

۳- ۳) .تورات،سِفر لاویان،فصل ۱۱.

بی توجّهی به یتیمـان است. «كَلاّ بَلْ لا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ» و در آیه ی ۹۶ سوره اعراف می خوانیم:اگر اهـل قریه هـا ایمان و تقوا داشته باشند از برکات آسمان بهره مند می شوند. «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنٰا عَلَيْهِمْ بَرَكٰاتٍ مِنَ السَّمٰاءِ» چنان که در حـدیث می خوانیم:کسانی که محصولات کشاورزی آنان نامرغوب می شود،به خاطر ظلمی است که از آنان سرزده است. (۱)

پیام ها:

۱ ظلم،زمینه ی محرومیّت از نعمت هـاست. «فَبِظُلْمٍ» ، «حَرَّمْنٰا» ۲ گـاهی محرومیّت های اقتصادی و تنگناهای مادّی نشانه ی قهر و کیفر الهی اسـت. «فَبِظُلْمٍ» ، «حَرَّمْنٰا» ۳ حرام هـا همیشه به خـاطر رعـایت مسائـل بهـداشتی نیست. «فَبِظُلْمٍ» ، «حَرَّمْنٰا» ۴ گرچه مجـازات اصلـی در قیـامت است،ولی کیفرهای دنیوی حالت هشـدار دارد و برای خلاف کاران،کیفر و برای صالحان آزمایش اسـت. «فَبِظُلْمٍ» ، «حَرَّمْنٰا» ۵ بسـتن راه خـدا به هر طریـق(تحریف،کتمـان،بـدعت،فسـاد،انحراف و...) عامـل محرومیّت از نعمت هاست. «وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶۱]

اشاره

وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكْلِهِمْ أَمْوٰالَ النّٰاسِ بِالْبٰاطِلِ وَ أَعْتَدْنٰا لِلْكٰافِرِينَ مِنْهُمْ عَذٰاباً أَلِيماً (۱۶۱)

و به خـاطر ربـا گرفتن،که از آن نهی شـده بودنـد و خوردن مال مردم به ناحقّ(طیّبات را بر آنان حرام کردیم)و برای کافرانِ از ایشان عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم.

نکته ها:

حکم تحریم ربا در تورات،سِفر تثنیه،فصل ۲۳،جملات ۱۹ و ۲۰ آمده است. (۲)

ص: ۴۳۲

۱- ۱) .مستدرک،ج ۱۳،ص ۴۷۳.

۲- ۲) .تفسیر نمونه.

پیام ها:

۱ ربـاخواری گرچه به ظـاهر منبع درآمـد و عامـل کامیابی است،ولی در واقع زمینه ی محرومیّت و عـذاب است. «حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ طَیِّباتٍ» ، «أَخْذِهِمُ الرِّبَوا» ، «عَذاباً أَلِیماً» ۲ همه ی ادیان آسمانی،نسبت به روابط مالی انسان ها و چگونگی دخل و خرج، سخن و حساسیّت دارند. «أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَکْلِهِمْ» ، «بِالْباطِلِ» ۳ تا ظلم و ربا و حرام خواری،انسان را در مـدار کفر قرار نداده،راه بازگشت آسان است.و گر نه این گونه گناهان زمینه ی کفر و عذاب است. «أَخْذِهِمُ الرِّبَوا» ، «أَعْتَدْنا لِلْکافِرِینَ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶۲]

اشاره

لٰکِنِ اَلرّاسِخُونَ فِی اَلْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ اَلْمُؤْمِنُونَ یُؤْمِنُونَ بِمٰا أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ مٰا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَ اَلْمُقِیمِینَ اَلصَّلاٰةَ وَ اَلْمُؤْتُونَ اَلزَّکاةَ وَ اَلْمُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ اَلْیَوْمِ اَلْآخِرِ أُولٰئِکَ سَنُؤْتِیهِمْ أَجْراً عَظِیماً (۱۶۲)

ولی راسـخان در علم از یهود و مؤمنـان،به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو نازل شـده است ایمان دارنـد.و به ویژه برپا دارنـدگان نماز،و اداکنندگان زکات،و ایمان آورندگان به خدا و قیامتند.بزودی آنان را پاداش بزرگی خواهیم داد.

نکته ها:

از اینکه بارهـا در قرآن جمله ی «وَ مٰا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ» آمـده و یـک بار هم عبارت «Bمِنْ بَعْدِکَ » نیامده است،خاتمیّت دین اسلام را می توان فهمید.

در حـدیث آمـده اسـت:آنکه زکـات نمی پردازد،نمـازش قبـول نیست.پیـامبر صـلی اللّه علیه و آله نیز نمـازگزارانی را که اهل پرداخت زکـات نبودنـد،از مسـجد بیرون می کرد.و به فرموده ی قرآن،نمـازگزار واقعی بخیـل نیست. «إِذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعاً، إِلاَّ الْمُصَلِّینَ» (۱)

ص:۴۳۳

۱- ۱) .معارج،۲۱ ۲۲.

پیام ها:

۱ در انتقاد بایـد انصاف داشت.در این آیه مؤمنانِ یهود از ظالمان و حرام خواران اسـتثنا شـده اند. «لٰکِنِ الرّاسِخُونَ» ، «مِنْهُمْ» ۲ دانشـی ارزشـمند است که ریشه و رسوخ در جان داشـته باشد. «الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» ۳ هـدف و باورهای مشترک مهم است،نه نژاد و قبیله و زبان. «الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ» ۴ ایمـان به همه ی اصول در همه ی ادیان الهی لازم است. «بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ» ۵ با آنکه نماز و زکات،در همه ی ادیان بوده انـد،ولی به خاطر اهمّیت جداگانه ذکر شده اند. «بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَ الْمُقِیمِینَ الصَّلاةَ وَ...» ۶ نماز از زکات جـدا نیست و اهل نماز بایـد اهل انفاق های مالی هم باشند.

«الْمُقِیمِینَ الصَّلاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّکاةَ»

۷ نمـاز جایگاه مخصوص دارد.(همه ی جملات آیه با واو و نون آمـده «الرّاسِخُونَ» ، «الْمُؤْمِنُونَ» ، «الْمُؤْتُونَ »،ولی درباره نماز به جای«مقیمون»کلمه ی« اَلْمُقِیمِینَ »بکار رفته که در زبان عربی،نشانه ی برجستگی آن است.)

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶۳]

اشاره

إِنّا أَوْحَیْنا إِلَیْکَ کَما أَوْحَیْنا إِلی نُوحٍ وَ النَّبِیِّینَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَیْنا إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ عِیسی وَ أَیُّوبَ وَ یُونُسَ وَ هارُونَ وَ سُلَیْمانَ وَ آتَیْنا داوُدَ زَبُوراً (۱۶۳)

(ای پیـامبر!)مـا بـه تـو وحی کردیـم،آن گـونه کـه بـه نـوح و پیـامبران پس از او وحی کردیـم.و(همچنیـن)به ابراهیـم،اسـماعیل،اسـحاق،یعقوب،اسـباط (فرزنـدان یعقـوب)،عیسـی،ایـوب،یـونس،هـارون و سـلیمان وحی کردیم و به داود،«زبور»دادیم.

نکته ها:

در تمام قرآن نام ۲۵ نفر از پیامبران آمده است.نام یازده تن از آنان در این آیه ذکر شده و نام بقیه آنان عبارت است از:

آدم،ادریس،هود،صالح،لوط،یوسف،شعیب،ذی الکفل،موسی،الیاس،یسع، زکریا،یحیی و عُزیر.

در حدیث آمده است:آنچه بر انبیای پیشین وحی شده بود،بر پیامبر اسلام وحی شده است. (۱)

« اَلْأَسْباطِ »جمع«سبط»به معنای نوه،عنوان فرزندانی از یعقوب است که به پیامبری رسیدند.

« زَبُوراً »در لغت به معنای کتاب است،ولی در اصطلاح به کتاب حضرت داود گفته می شود.«مزامیر داود»از کتب عهد قدیم(تورات)است و ۱۵۰ فصل دارد که هر کدام یک«مزمور»است.

پیام ها:

۱ وحی و نبوّت،یک جریان و سنّت خلل ناپذیر در تاریخ انسان است. «أَوْحَیْنا إِلی نُوحٍ وَ...» ۲ بیان نمونه های تاریخی از یک موضوع(مثل وحی بر پیامبران پیشین،)از شیوه های اثبات مدعاست و آگاهی از آنها زمینه ی پذیرش. «أَوْحَیْنا إِلَیْکَ کَما أَوْحَیْنا إِلی نُوحٍ...» ۳ هدف،شیوه و کلّیات محتوای ادیان الهی،یکی است.زیرا سرچشمه ی همه آنها خداوند است. «إِنّا أَوْحَیْنا...» ۴ با آنکه در تاریخ،بارها وحی الهی نازل شده است،چرا اهل کتاب،نبوّت پیامبر را نمی پذیرند و میان او و دیگر انبیا فرق گذاشته،توقّعات اضافی

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

دارند؟ «أَوْحَيْنا إِلَيْكَ كَما أَوْحَيْنا إِلى نُوحٍ...»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶۴]

اشاره

وَ رُسُلاً قَدْ قَصَصْناهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلاً لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَ كَلَّمَ اَللّٰهُ مُوسى تَكْلِيماً (۱۶۴)

و به پیامبرانی که پیش از این داستان آنان را برایت باز گفته ایم و پیامبرانی که ماجرای آنان را برای تو نگفته ایم نیز وحی کردیم و خداوند با موسی سخن گفت،سخن گفتنی ویژه.

نکته ها:

در میان سوره های قرآن،سوره های هود و شُعرا،در بیان قصص انبیا،جامعیّت بیشتری دارند.

همه ی پیامبران طرف سخن خداوند،ولی در این میان تنها حضرت موسی علیه السلام «کلیم اللّه»شده است.شاید برای آنکه حضرت موسی در مبارزه با فرعون و تحمّل لجاجت و سرسختی بنی اسرائیل،لازم بود بیشتر و پی در پی با خداوند مرتبط باشد و پیام بگیرد،از این رو کلیم اللّه شد.

پیام ها:

۱ آشنایی با تاریخ انبیا،چنان مفید و درس آموز است که خداوند هم به آن پرداخته است. «رُسُلاً قَدْ قَصَصْناهُمْ عَلَيْكَ» ۲ تعداد انبیا بیش از آن است که در قرآن آمده است. «وَ رُسُلاً لَمْ نَقْصُصْهُمْ» ۳ نه عمر انسان برای شنیدن همه ی تاریخ کافی است و نه نیازی به شنیدن همه ی تاریخ است.باید به مقدار عبرت شنید. «رُسُلاً لَمْ نَقْصُصْهُمْ» ۴ گاهی نقل یک حادثه،بارها در قرآن تکرار می شود و از برخی حوادث،اصلاً ذکری به میان نمی آید،این نشان می دهد که قرآن،کتاب هدایت و تربیت است،نه داستان سرایی. «لَمْ نَقْصُصْهُمْ»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶۵]

اشاره

رُسُلاً مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِئَلاّ يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَى اَللّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ اَلرُّسُلِ وَ كانَ اَللّهُ عَزِيزاً حَكِيماً (۱۶۵)

پیامبرانی(را فرستادیم)که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند،تا پس از پیامبران،برای مردم بر خداوند حجّتی نباشد و خداوند همواره شکست ناپذیر و حکیم است.

نکته ها:

این آیه،کلّیات دعوت انبیا و شیوه ی کار و هدف از بعثت آنان را بیان می کند.

عقل همچون وحی،حجّت الهی است،ولی چون مدار ادراکاتش محدود است، به تنهایی کافی نیست و حجّت تمام نیست.لذا انبیا از دانستنی های غیبی و ملکوتی و اخروی که دست عقل از آن کوتاه است خبر می دهند.

قرآن در جای دیگر می فرماید: «وَ لَوْ أَنّا أَهْلَكْناهُمْ بِعَذابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقالُوا رَبَّنا لَوْ لا أَرْسَلْتَ إِلَيْنا رَسُولاً» (۱)اگر ما پیش از فرستادن رسولان،عذابشان کنیم،می گویند:چرا برای ما رسولی بیانگر و هشدار دهنده نفرستادی؟

پیام ها:

۱ شیوه تبلیغ انبیا بر دو محور بیم و امید استوار است. «مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ» ۲ فلسفه ی بعثت پیامبران،اتمام حجّت خدا بر مردم است،تا نگویند:رهبر و راهنما نداشتیم و نمی دانستیم. «لِئَلاّ يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَى اللّهِ حُجَّةٌ» ۳ انبیا از نظر صفات شخصی و جسمی،و سوابق زندگی و موقعیّت اجتماعی، سیاسی و خانوادگی،و نیز از جهت داشتن معجزه،بیان صریح و برخورداری از امدادهای غیبی،باید در مرحله ای باشند که کسی نتواند در هیچ زمینه بهانه ای بر آنان بگیرد. «لِئَلاّ يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَى اللّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» ۴ چون خداوند عزیز و حکیم است،هیچ کس حجّتی بر او ندارد. «عَزِيزاً حَكِيماً»

۱- ۱) .طه،۱۳۴.

[سوره النساء (۴): آیه ۱۶۶]

اشاره

لٰكِنِ اَللّٰهُ يَشْهَدُ بِمٰا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَ اَلْمَلاٰئِكَةُ يَشْهَدُونَ وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ شَهِيداً (۱۶۶)

(گرچه کفّار،بهانه می گیرند)ولی خداوند،به آنچه بر تو نازل کرده گواهی می دهد،که به علم خود بر تو نازل کرد و فرشتگان نیز(بر حقّانیت تو)شهادت می دهند و گواهی خداوند(برای تو)کافی است.

نکته ها:

این که معارف والای قرآن از زبان شخص درس ناخوانده ای،در منطقه ی جهل و شرک و دشمنی بیان شده،و مردم تحوّل یافتند و از تفرقه به وحدت،از بخل به ایثار،از شرک به توحید،از جهل به علم،و از سقوط به عروج معنوی و تشکیل «امّت اسلامی»رسیدند،گواهی خداوند بر لطفی است که به پیامبر و دین او دارد.

پیام ها:

۱ در برابر تضعیف های ناحقّ،باید تقویت های بجا صورت گیرد. «لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ» ۲ انبیا هم در مسیر دعوت،نیاز به پشتیبانی خدا دارند. «لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ» ۳ بهترین تکیه گاه و نقطه ی امید هر مبلّغ دین،باید خدا باشد. «لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ» ۴ سرچشمه ی وحی علم بی نهایت الهی است. «أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ» از این رو با پیشرفت علوم،هر روز از معارف قرآن پرده ای برداشته می شود.

۵ اگر در گوشه ای از زمین،گنهکاران لجوج بهانه می گیرند،ولی همه ی فرشتگان هستی،به نفع تو گواهی می دهند. «وَ الْمَلاٰئِكَةُ يَشْهَدُونَ»

[سوره النساء (۴): آیات ۱۶۷ تا ۱۶۹]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اَللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلاٰلاً بَعِيداً (۱۶۷) إِنَّ اَلَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اَللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَ لاٰ لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً (۱۶۸) إِلاّٰ طَرِيقَ جَهَنَّمَ خٰالِدِينَ فِيهٰا أَبَداً وَ كٰانَ ذٰلِكَ عَلَى اَللّٰهِ يَسِيراً (۱۶۹)

قطعاً کسانی که کافر شدند و(با القای شبهه و تهمت و تحقیر)مردم را از راه خدا باز داشتند،به تحقیق گمراه شدند،گمراهی دور(از نجات).

همانا کسانی که کافر شدند و ستم کردند،خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایتشان کند.

مگر به راه جهنّم،که برای همیشه در آن ماندگارند و این(عذاب و کیفر)بر خداوند آسان است.

نکته ها:

مراد از« ضَلالاً بَعِیداً »گمراهی مضاعف کافران است.کفر،یک گمراهی است و مانع شدن از ایمان دیگران،گمراهی دگر.کفر یک انحراف است و خود را بر حقّ دانستن،انحرافی بالاتر.کفر،ظلم به خویش است و مانع راه دیگران شدن،ظلم به تاریخ و نسل بشر.

شاید مراد از«ظلم»در آیه ی ۱۶۸،همان مانع شدن از هدایت دیگران باشد.زیرا چه ظلمی بالاتر از ظلم فکری و فرهنگی و اعتقادی؟ سخت ترین عذاب ها و بدترین تعبیرات،برای کافرانی بیان شده که با انواع تبلیغات،تهمت ها و تهدیدات،مانع رسیدن پیام حقّ به گوش حق جویانند.(عدم مغفرت،عدم هدایت،دوزخی شدن و جهنّم ابدی)

پیام ها:

۱ باز دارندگان مردم از هدایت،خود در گمراهی سختی هستند. «ضَلُّوا ضَلالاً بَعِیداً» ۲ کفر و ظلم،در کنار همند و نتیجه ی آنها،محرومیّت از آمرزش و هدایت الهی است. «کَفَرُوا وَ ظَلَمُوا» ، «لا لِیَهْدِیَهُمْ»

۳ کیفر کافرانِ ظالم که مانع هدایت مردمند،دوزخ ابدی است. «جَهَنَّمَ خٰالِدِینَ فِیهٰا»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷۰]

اشاره

یٰا أَیُّهَا اَلنّٰاسُ قَدْ جٰاءَکُمُ اَلرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ فَآمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ إِنْ تَکْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ مٰا فِی اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ کٰانَ اَللّٰهُ عَلِیماً حَکِیماً (۱۷۰)

ای مردم! همانا پیامبر از سوی پروردگارتان همراه با حقّ(قرآن)برای شما آمده است.پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است و اگر(ناسپاسی کرده و)کفر ورزید پس(بدانید که)آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خداست و خداوند،دانا و حکیم است.

نکته ها:

اهل کتاب و حتّی مشرکان در انتظار ظهور پیامبری بودند و زمینه ی ذهنی داشتند،لذا در این آیه بجای«رسولا»می فرماید: «الرَّسُولُ» یعنی همان پیامبری که انتظارش را می کشید،اکنون آمده است،پس به او ایمان بیاورید.

پیام ها:

۱ دعوت اسلام،جهانی است و اختصاص به قوم عرب ندارد. «یٰا أَیُّهَا النّٰاسُ» ۲ عامل گسترش دعوت انبیا،حقّانیت آن است. «بِالْحَقِّ» ۳ ایمان به نفع خود مردم است و نباید با ایمان خود،بر خداوند منّت گذارند.

بلکه خداوند منّت نهاده که ما را هدایت کرده است. «فَآمِنُوا خَیْراً لَکُمْ» ۴ نه کفر مردم به خدا زیان می رساند و نه ایمانشان به او نفعی دارد. «فَآمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ إِنْ تَکْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ مٰا فِی السَّمٰاوٰاتِ...» ۵ بعثت انبیا و محتوای دعوت آنان،بر اساس علم و حکمت الهی است. «کٰانَ اللّٰهُ عَلِیماً حَکِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷۱]

اشاره

یا أَهْلَ اَلْکِتابِ لا تَغْلُوا فِی دِینِکُمْ وَ لا تَقُولُوا عَلَی اَللّهِ إِلاَّ اَلْحَقَّ إِنَّمَا اَلْمَسِیحُ عِیسَی اِبْنُ مَرْیَمَ رَسُولُ اَللّهِ وَ کَلِمَتُهُ أَلْقاها إِلی مَرْیَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لا تَقُولُوا ثَلاثَةٌ اِنْتَهُوا خَیْراً لَکُمْ إِنَّمَا اَللّهُ إِلهٌ واحِدٌ سُبْحانَهُ أَنْ یَکُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ ما فِی اَلسَّماواتِ وَ ما فِی اَلْأَرْضِ وَ کَفی بِاللّهِ وَکِیلاً (۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود غلوّ نکنید و جز حقّ،به خداوند نسبتی ندهید.همانا مسیح،عیسی پسر مریم،فرستاده ی خداوند و کلمه ی اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او.پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید،و به تثلیث قائل نشوید.(از این حرف)دست بردارید که به نفع شماست.جز این نیست که اللّه خدایی است یکتا،و از اینکه فرزندی داشته باشد منزّه است.

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است.

نکته ها:

«کلمه الله»به انبیا و اولیا گفته می شود،چون همانطور که کلمه،بیانگر مطالبی است که در ذهن گوینده است،پیامبران و اولیا بیانگر کمالات پروردگارند.چنان که در حدیث آمده است:«نحن کلمات الله التامات»ما کلمات کامل الهی هستیم. (۱)

شاید هم مراد از کلمه،همان جمله ی «کُنْ فَیَکُونُ» باشد که قول خداوند است و مانند هر سخن دیگر،محصول آن کلمه است. (۲)چنان که در جای دیگر،خداوند آفرینش عیسی علیه السلام را به آفرینش آدم علیه السلام تشبیه نموده و می فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ» (۳)

۱- ۱) .تفسیر أطیب البیان.

۲- ۲) .تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن.

۳- ۳) .آل عمران،۵۹.

از امام صادق علیه السلام درباره ی« رُوحٌ مِنْهُ »سؤال شد،حضرت پاسخ دادند:مقصود روح خداست که خداوند آن را در آدم و عیسی علیهما السلام قرار داد. (۱)

مسیحیان عقیده به تثلیث دارند و اللّه را خدای پدر،مسیح را خدای پسر و جبرئیل را واسطه ی این دو خدا می دانند،که نوعی کفر است.قرآن هم می فرماید:

«لَقَدْ کَفَرَ الَّذِینَ قالُوا إِنَّ اللّهَ ثالِثُ ثَلاثَهٍ» (۲)آنان که خدا را یکی از خدایان سه گانه می دانند،کافرند.البتّه گروهی از آنان نیز حضرت مریم را به جای جبرئیل،یکی از خدایان سه گانه می دانند که قرآن در این باره می فرماید: «یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنّاسِ اتَّخِذُونِی وَ أُمِّی إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللّهِ» (۳)ای عیسی! آیا تو به مردم گفته ای که مرا و مادرم را دو خدا قرار دهید؟ در روایات،به غلوّ کنندگان نفرین شده و آنان از بدترین اقسام کفّار و مشرکان به شمار آمده اند. (۴)

اگر نداشتن پدر،دلیل بر الوهیّت باشد،حضرت آدم باید به طریق اولی الوهیّت داشته باشد،چون نه پدر داشت و نه مادر.

پیام ها:

۱ غلوّ نشانه ی تعصّب نابجا است و در همه ی ادیان ممنوع می باشد.یهود، «عُزیر»را فرزند خدا می دانستند و مسیحیان«عیسی»را. «لا تَغْلُوا فِی دِینِکُمْ» ۲ یکی از آفات ادیان آسمانی،غلوّ درباره رهبران دینی است. «لا تَغْلُوا فِی دِینِکُمْ» ۳ میانه روی و اعتدال در همه جا لازم است و عشق به اولیای خدا نباید سر از غلوّ درآورد. «لا تَغْلُوا فِی دِینِکُمْ» ۴ غلوّ کردن درباره ی انسان ها،گرچه پیامبر باشند،توهین به خداوند و نسبت ناروا دادن به اوست. «لا تَقُولُوا عَلَی اللّهِ إِلاَّ الْحَقَّ»

۱- ۱) .کافی،ج ۱،ص ۱۳۳.

۲- ۲) .مائده،۷۳.

۳- ۳) .مائده،۱۱۵.

۴- ۴) .میزان الحکمه.

۵ در قرآن و انجیل،حضرت عیسی پیامبر خدا معرفی شده است،نه خدا یا فرزند خدا. (۱)«عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ رَسُولُ اللّهِ» ۶ آفرینش غیر طبیعی عیسی،آیه و نشانه ی خداست،آن گونه که کلمه،تابلو و نشانه ی معناست. «کَلِمَتُهُ أَلْقاها» ۷ عیسی جزیی از خدا نیست،بلکه پرتوی از قدرت حیات بخش الهی است.

«رُوحٌ مِنْهُ»

۸ قرآن،بیانگر عقیده ی صحیح و نافی عقاید باطل است. «لا تَغْلُوا» ، «لا تَقُولُوا ثَلاثَةٌ...» ۹ خداوند جسم نیست تا فرزند داشته باشد. «سُبْحانَهُ أَنْ یَکُونَ لَهُ وَلَدٌ» (تعبیراتی چون«ثار الله»،«ید الله»،«کلمه الله»که در متون دینی آمده،تعبیرات مجازی است) ۱۰ خدایی که آسمان ها ملک اوست،چه نیازی به فرزند و شریک دارد؟ «سُبْحانَهُ أَنْ یَکُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ» ۱۱ هر چیزی از خداست،پس باید بنده ی او بود و تنها به او توکّل کرد. «لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ کَفی بِاللّهِ وَکِیلاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷۲]

اشاره

لَنْ یَسْتَنْکِفَ اَلْمَسِیحُ أَنْ یَکُونَ عَبْداً لِلّهِ وَ لاَ اَلْمَلائِکَةُ اَلْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ یَسْتَنْکِفْ عَنْ عِبادَتِهِ وَ یَسْتَکْبِرْ فَسَیَحْشُرُهُمْ إِلَیْهِ جَمِیعاً (۱۷۲)

و هرگز مسیح از اینکه بنده خدا باشد استنکاف ندارد و فرشتگان مقرّب نیز (سرپیچی ندارند)و هر کس از بندگی خداوند سرپیچی کند و تکبّر ورزد،پس (بداند که)بزودی همه را به نزد خود محشور می کند.

۱- ۱) .در قرآن ۱۷ بار،عیسی به مریم نسبت داده شده تا فرزند خدا بودن را نفی کند.در اناجیل هم از او به عنوان فرستاده ی خدا یاد شده است،نه خدا.در اناجیل،حضرت عیسی علیه السلام ۸۰ بار خود را بنده و رسول خدا معرّفی کرده است.تفسیر فرقان.

نکته ها:

امام رضا علیه السلام به جاثلیق رهبر مسیحیان آن زمان فرمود:همه چیزِ عیسی خوب بود،جز آنکه اهل عبادت نبود.جاثلیق ناراحت شد و گفت:او بیشترین عبادت را انجام می داد.حضرت پرسید:چه کسی را می پرستید؟ جاثلیق خاموش شد، چون فهمید که هدف امام آن است که بفهماند«عابد»نمی تواند«معبود»باشد.

مردم نسبت به عبادت خداوند سه حالت دارند:گروهی مستکبر،گروهی تسلیم و گروهی طالب.حضرت علی علیه السلام می فرماید:«کفی بی عزا ان اکون لک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربا»برایم همین افتخار بس که بنده ی تو باشم. (۱)

پیام ها:

۱ در امور دینی،کاسه ی داغ تر از آش نباشید.عیسی خود را بنده ی خدا می داند، چرا شما او را فرزند خدا می شناسید؟! «لَنْ یَسْتَنْکِفَ الْمَسِیحُ أَنْ یَکُونَ عَبْداً لِلّهِ» ۲ مسیح،نه تنها عبادت می کند،بلکه«عبد»و یکپارچه بنده اوست. «عَبْداً لِلّهِ» ۳ فرشتگان مقرّب(از جمله روح القدس هم)بندگی خدا می کنند،چرا روح القدس را یکی از سه خدا می دانید؟ «وَ لاَ الْمَلاٰئِکَةُ الْمُقَرَّبُونَ» ۴ سرچشمه ی ترک عبادت،تکبر است و اگر روح استکباری شد،همه نوع خطر را در پی دارد. «وَ مَنْ یَسْتَنْکِفْ عَنْ عِبٰادَتِهِ وَ یَسْتَکْبِرْ...» ۵ بازگشت همه به سوی خداست،پس از قیامت بترسیم و تکبّر نکنیم.

«فَسَیَحْشُرُهُمْ إِلَیْهِ جَمِیعاً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷۳]

اشاره

فَأَمَّا اَلَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّٰالِحٰاتِ فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ وَ یَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَمَّا اَلَّذِینَ اِسْتَنْکَفُوا وَ اِسْتَکْبَرُوا فَیُعَذِّبُهُمْ عَذٰاباً أَلِیماً وَ لاٰ یَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اَللّهِ وَلِیًّا وَ لاٰ نَصِیراً (۱۷۳)

ص: ۴۴۴

۱- ۱) .بحار،ج ۹۴،ص ۹۲.

پس آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند،خداوند پاداش آنان را کامل می دهد و از فضل خویش به ایشان افزون تر می بخشد و امّا آنان که سرپیچی کردند و تکبّر ورزیدند،خداوند آنان را به عذابی دردناك کیفرشان می دهد و در برابر(قهر)خدا برای خود دوست و یاوری نخواهند یافت.

نکته ها:

اهل کتاب،یا پیامبر خود را برتر می دانستند و درباره ی او غلوّ می کردند و یا خود را برتر می دانستند و می گفتند: «نَحْنُ أَبْنٰاءُ اللّٰهِ» (۱)و یا دیگران را تحقیر می کردند. «قٰالَتِ الْیَهُودُ لَیْسَتِ النَّصٰاریٰ عَلیٰ شَیْءٍ...» (۲)در حالی که در قیامت هیچکدام از اینها کارساز نیست و ایمان و عمل لازم است.

پیام ها:

۱ راه نجات،ایمان و عمل صالح است. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ» ۲ ایمان مقدّم بر عمل است و اعمال بدون ایمان،مانند اسکناس بی پشتوانه است. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ» ۳ اگر می خواهید اخلاق الهی داشته باشید،اجرت کارگر را کامل بپردازید و چیزی هم اضافه دهید. «فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ وَ یَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» ۴ بدون ایمان و عمل،انتظار هیچ شفاعتی از مسیح و دیگران نداشته باشید.

«لاٰ یَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِیًّا وَ لاٰ نَصِیراً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷۴]

اشاره

یٰا أَیُّهَا النّٰاسُ قَدْ جٰاءَکُمْ بُرْهٰانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنٰا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً (۱۷۴)

ای مردم! از سوی پروردگارتان برای شما برهان و حجّتی آمده است و نوری روشنگر(همچون قرآن)را به سوی شما فرود آوردیم.

ص: ۴۴۵

۱- ۱) .مائده،۱۸.

۲- ۲) .بقره،۱۱.

نکته ها:

طبق روایات،مراد از« بُرْهٰانٌ »شخص پیامبر و مراد از« نُوراً مُبِیناً »،قرآن است.و به راستی که پیامبر،برهان دین است،چرا که کسی درس ناخوانده،چنین معارف و کتابی را آورده که هر چه زمان می گذرد و علوم رشد می کند،حقّانیت دین و عمق تعالیمش روشن تر می شود.

پیام ها:

۱ اسلام با همه ی مردم و همه ی نسل ها و عصرها سخن می گوید و پیامش جهانی است. «یٰا أَیُّهَا النّٰاسُ» ۲ فرستادن نور و برهان،از شئون ربوبیّت خداست. «مِنْ رَبِّکُمْ» ۳ قرآن کتاب استدلال،هدایت و نور است. «نُوراً مُبِیناً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷۵]

اشاره

فَأَمَّا اَلَّذِینَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ اِعْتَصَمُوا بِهِ فَسَیُدْخِلُهُمْ فِی رَحْمَهٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ یَهْدِیهِمْ إِلَیْهِ صِرٰاطاً مُسْتَقِیماً (۱۷۵)

پس کسانی که به خداوند ایمان آورده و به او توسّل جستند،به زودی آنان را در رحمت و فضل خویش وارد می کند و آنان را به سوی خود در راه راست هدایت می کند.

نکته ها:

ممکن است مراد از اعتصام به خداوند در این آیه،اعتصام به اولیا و رهبران الهی باشد که مانع تفرّق و تشتّت می گردند.در زیارت جامعه می خوانیم:«من اعتصم بکم فقد اعتصم باللّه».

در دو آیه ی قبل،ایمان و عمل صالح وسیله ی دریافت لطف الهی عنوان شد و در این آیه ایمان و اعتصام به خداوند.این نشانه ی آن است که راه اعتصام به خدا و پیوستن به او،عمل صالح است.

ص: ۴۴۶

پیام ها:

۱ پاداش های الهی،فضل و رحمت اوست،نه استحقاق ما. (۱)«فِی رَحْمَهٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ» ۲ گرچه خدا هر که را بخواهد هدایت می کند، «یَهْدِی مَنْ یَشاءُ» (۲)ولی زمینه و وسیله هدایت را خودمان با ایمان و اعتصام باید فراهم سازیم. «یَهْدِیهِمْ إِلَیْهِ» ۳ نیاز به هدایت الهی،حتّی پس از ایمان و اعتصام هم باقی است و یک لحظه از هدایت او بی نیاز نیستیم. «یَهْدِیهِمْ إِلَیْهِ» ۴ راه مستقیم،راهی است که انسان را به خدا برساند. «یَهْدِیهِمْ إِلَیْهِ صِراطاً مُسْتَقِیماً»

[سوره النساء (۴): آیه ۱۷۶]

اشاره

یَسْتَفْتُونَکَ قُلِ اَللّهُ یُفْتِیکُمْ فِی اَلْکَلالَهِ إِنِ اِمْرُؤٌ هَلَکَ لَیْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتٌ فَلَها نِصْفُ ما تَرَکَ وَ هُوَ یَرِثُها إِنْ لَمْ یَکُنْ لَها وَلَدٌ فَإِنْ کانَتَا اِثْنَتَیْنِ فَلَهُمَا اَلثُّلُثانِ مِمّا تَرَکَ وَ إِنْ کانُوا إِخْوَهً رِجالاً وَ نِساءً فَلِلذَّکَرِ مِثْلُ حَظِّ اَلْأُنْثَیَیْنِ یُبَیِّنُ اَللّهُ لَکُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَ اَللّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (۱۷۶)

(ای پیامبر!)از تو فتوا می خواهند،بگو:خداوند درباره ی(ارث)کلاله(برادر و خواهر پدری یا پدر و مادری)به شما چنین فتوا می دهد که:اگر مردی بمیرد و فرزندی(یا پدر و مادری)نداشته باشد ولی خواهری داشته باشد،نصف آنچه به جا گذاشته از آنِ خواهر است و او نیز از خواهرش اگر فرزندی نداشته باشد همه اموال را ارث می برد و اگر دو خواهر باشند،دو سوّم دارایی به جامانده را ارث می برند(هر کدام یک سوّم)و اگر چند برادر و خواهر باشند مرد برابر سهم دو زن ارث می برد.خداوند احکام را برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید و خداوند به هر چیز دانا است.

۱- ۱) .و همین که این رحمت و فضل خود را در آیات دیگر اجر و پاداش کار ما دانسته،خود لطفی دیگر است و گر نه مزد چند دقیقه کار ناقص،این همه بهشت و قصر و رحمت نیست.

۲- ۲) .ابراهیم،۴.

نکته ها:

در آیه ۱۲ همین سوره آمده بود که خواهر و برادر از یکدیگر یک ششم ارث می برند و اینجا می فرماید:نصف.این به خاطر آن است که در آنجا مراد،خواهر و برادر مادری بود و در اینجا پدری،یا پدر و مادری. (۱)

ارث بردن خواهر و برادر از میّت،وقتی است که او فرزند یا پدر و مادر نداشته باشد.و گر نه نوبت به خواهر و برادر نمی رسد.

سوره ی نساء با مسائل خانواده آغاز شد و با مسائل خانواده به پایان رسید.

پیام ها:

۱ وظیفه ی مردم،برای یادگیری مسائل و احکام دینی،رجوع به رهبران دینی است. «یَسْتَفْتُونَکَ» ۲ دین برای دنیای مردم برنامه دارد.موضوع ارث از یک جهت موضوعی اقتصادی و از جهتی موضوعی خانوادگی است و دین به لحاظ هر دو جهت، برای آن احکامی مقرّر داشته است. «قُلِ اللّٰهُ یُفْتِیکُمْ» ۳ رعایت اولویّت ها در تقسیم ارث،بیانگر اولویّت ها در رسیدگی به اعضای فامیل است.پدر و مادر و فرزندان در یک ردیف اند،امّا خواهران و برادران در مرحله ی بعدی. «لَیْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتٌ» ۴ دو برابر بودن سهم ارث مرد نسبت به زن،بر پایه علم الهی است،نه شرایط خاص اجتماعیِ زمان پیامبر که زنان ضعیف شمرده می شدند. «وَ اللّٰهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ» پایان نساء

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹